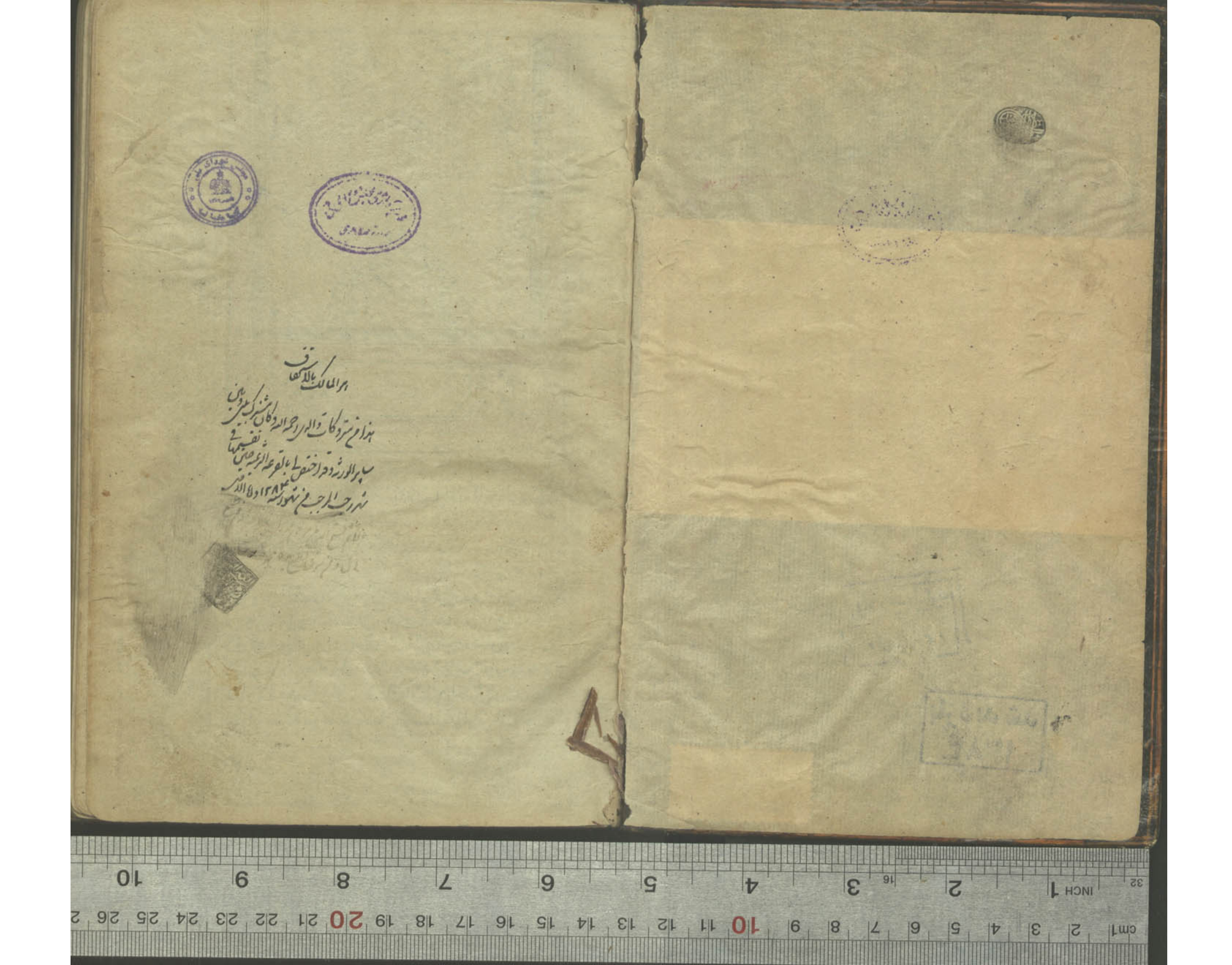


کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب زاد المعاد
مؤلف مجلسی
موضوع
شمارهٔ قفسه
شماره ثبت کتاب
۷۷۹۶۵
۱۱۲۱۵
بازدید شد
۱۳۸۴
خطی «فهرست شده»
۱۲۳۷۸



هو المالك بالاستحقاق

هذا من متروكات والدی رحمه الله وكان اشترکه بینی وبین

سایر الورثة وقد اختص لی بالقرعة الشرعیة حین تقسیمها فی

شهر رجب المرجب من شهور سنة ۱۲۸۴ [illegible]



بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشنده مهربان

الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السعادة فی الاخرة والاولی

سپاس مر خدایرا که گردانید بندگی را وسیله از برای رسیدن بخوشی در آخرت و دنیا

والصلوة علی سید الوری محمد وعترته ائمة الهدی بنده خاطی

و درود بر بزرگ خلایق و ذریه او که پیشوایان راه هدایتند

محمد باقر بن محمد تقی عفی الله عن جرائمهما بر الواح ارواح صافیه برادران ایمانی و اخلاء روحانی منیگارد که چون جناب تقدس ایزدی جل شانه برای هدایت گم گشتگان بوادی جهالت و ضلالت طریق صوم و صلوة و دعا و عبادت که اشرف و اقرب طریق نیل سعادتند مقرر گردانیده و از حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیه و علیهم اجمعین ادعیه و اعمال بسیار منقول گردیده که کتب دعا مشحونست از انها و این خادم اخبار ائمه

اطهار صلوات الله الملک الغفار انها را در کتب بحار الانوار ایراد نموده و اکثر خلق را باعتبار اشتغال بانواع اشغال دنیویه و غیرها و تحصیل انها و عمل بجمیع انها میسر نیست خواستیم منتخبی از اعمال سال و فضایل ایام و لیالی شریفه و اعمال انها که باسانید صحیحه و معتبره وارد شده است درین رساله ایراد نمایم که عامه خلق از برکات انها محروم نباشند و شاید این بنده عاصی را بدعای مغفرت یاد نمایند و منتفع گردانیدیم ان زاد المعاد عسی الله ان یهدینا و ایاهم الی سبیل الرشاد و چون اتمام این رساله و انجام این عجاله در زمان دولت عدالت ثمر و از سلطنت سعادت اثر اعلیحضرت سید سلاطین زمان و سرور خواقین دوران شیرازه اوراق ملت و دین نقاوه احفاد سید المرسلین اب و رنگ گلستان مصطفوی چشم و چراغ دودمان مرتضوی سلطان جم خدم و خاقان فریدون حشم شجاعت نژادی که تیغ ابدارش برای سرهای کفار نهری است بسوی دار البوار و حسام اتش بارش برای خرمن حیات مخالفان و معاندان مصداق و یرسل علیکما شواظ من نار دستهای داعیان مزید رفعت شان دارستان رفیع بنیانش تا کف الخضیب همه دستان و خروش صوفیان صفوت نشان بزمزمه دعای خلود دولت ابد توامانش تا عند لیبان اغصان سدرة المنتهی همداستان هر که تیغ خلاف از نیام کین برکشید چون بید برخود بلرزید و هر که بر جمال ائینه نفاق درکشید صورت مرگ خود در ان دید گره جبین قهرش عقده گشای گرههای کارگستکان گشادگی کف دریا نوالش سحاب مزارع املهای پژمردگان موسس قواعد ملت و دین حق مروج شریعت ابای طاهرین حیاض ساحت درگاه خلایق پناهش از تقبیل شفاه سلاطین زمان و خواقین دوران در صرح ممرد عزت و جلالش نوزبان بندهای قدم مستنا الضر ایها العزیز اعنی السلطان الاعظم والخاقان الاعدل الاکرم ملجا الاکاسرة و ملاذ القیاصرة محیی مراسم الشریعة الغراء و مشید قواعد



الملة البیضاء السلطان ابن السلطان والخاقان ابن الخاقان الشاه سلطان
الحسین الموسوی الحسینی الصفوی بهادرخان لازالت رایات دولته
مرفوعة و هامات اعدائه مقموعة میسر گردید بخفران بارگاه خلافت امید
گاه گردانید امید که مقبول طبع اشرف گردد و آن اعلی حضرت از فوائد آن
منتفع گردند بمحمد و آله الطاهرین والله الموفق والمعین و آن مشتمل است
بر چهارده باب و خاتمه **باب اول** در فضایل اعمال ماه مبارک رجب است و آن
مشتمل بر پنج فصل است **فصل اول** در بیان فضایل این ماه و عبادات آنست بدانکه
این ماه و ماه شعبان و ماه رمضان بهترین ماههای سالند و از حضرت رسالت
پناه منقولست که هر که حرمت ماه رجب و شعبان را بداند و وصل نماید روزه
آنها را بروزه ماه مبارک رمضان این ماههای مبارک در روز قیامت گواهان او
باشند نزد حق سبحانه و تعالی و در آن روز منادی از افق اعلی ندا کند که ای رجب
و شعبان و رمضان چگونه بوده است عمل این بنده در شماها و طاعت او از برای
خدا همه آن ماهها گویند که این بنده توشه گرفت در ما از برای طاعت تو
و استمداد فضل از تو نمود و سعی بسیار در طلب خوشنودی تو کرد و تا توانست
اهتمام در تحصیل محبت تو نمود پس گواهی دهند ملائکه که موکلند بر این ماهها
که ما یافتیم این بنده را مکرر طلب کننده طاعت تو و امیدوار رحمت و آمرزش
تو بود و آنچه را نهی کرده بودی ترک کرد و آنچه از او طلبیده بودی بسوی
آنها مسارعت نمود و روزه کامل از برای تو داشت و شکم و فرج و گوش و
چشم و سایر جوارح او از آنچه بر او حرام کرده بودی اجتناب کردند و روزها
با تشنگی بشب رسانیده و شبها خود را بتعب انداخته برای بندگی تو و تصدق
بفقراء و مساکین بسیار داد و احسان بسیار نسبت به بندگان تو نمود و با این
ماهها مصاحبت نیکو کرد و چون از اینها جدا شد وداع نیکو کرد و بعد
از آن پیرامون محرمات تو نگردید و نیکو بنده بود این بنده پس حق تعالی فرماید
که ببرید این بنده را بسوی بهشت و استقبال کنند او را ملائکه بتحفها و

کرامتها

کرامتها و او را بر شتران و اسبان از نور سوار کنند و ببرند بسوی نعمتی که هرگز
زوال ندارند و خانه که فانی نمیشود که جوانانش پیر نمیشوند و شادی و خوش
خوشحالی آن زوال ندارد و هرگز ایشان را تعب نمیباشد و از عذاب ایمن
میگردند و مشقت حساب از برای ایشان نیست و ایضا از آنحضرت منقولست
که ماه رجب ماه بزرگ خداست و ماهی در حرمت و فضیلت بآن نمیرسد و
قتال با کافران در این ماه حرامست و رجب ماه خداست و ماه شعبان ماه
منست و ماه رمضان ماه امت منست و کسی که یک روز از ماه رجب را
روزه دارد مستوجب خوشنودی بزرگ خدا گردد و غضب الهی از او دور گردد
و دری از درهای جهنم بروی او بسته گردد و بسند معتبر از حضرت موسی
بن جعفر علیه السلام منقولست که هر که یک روز از ماه رجب روزه دارد آتش
جهنم تا یکسال از او دور گردد و هر که سه روز از آن ماه روزه دارد بهشت از برای
او واجب گردد و ایضا فرمود که رجب نام نهری است در بهشت از شیر سفیدتر
و از عسل شیرین تر هر که یک روز از رجب را روزه دارد البته از آن نهر بیاشامد
و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که حضرت رسول فرمود که ماه رجب ماه
استغفار امت منست پس در این ماه بسیار طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده و
مهربانست و رجب را اصب میگویند زیرا که در این ماه رحمت خدا بر امت من
بسیار ریخته میشود پس بسیار بگوئید استغفر الله واسئله التوبة و بسند معتبر
از حضرت صادق منقولست که هر که سه [آمرزش مطلب از خدا] روز از ماه رجب
را روزه بدارد بهر روز ثواب روزه یک سال برای او بنویسند و هر که هفت
روز از آن را روزه بدارد هفت در جهنم بروی او بسته گردد و هر که هشت روز
از آن روزه بدارد هشت در بهشت بروی او گشوده شود و هر که پانزده روز از آن
روزه بدارد خدا حساب او را آسان بکند و هر که جمیع ماه رجب را روزه بدارد
حق تعالی خوشنودی خود را برای او بنویسد و هرگز او را عذاب نکند و
ابو بصیر به بسند معتبر از سالم روایت کرده است که گفت رفتم بخدمت حضرت

صادق در اواخر ماه رجب که چند روز از آن مانده بود و چون نظر مبارک
آنحضرت بر من افتاد پرسید که آیا روزه گرفته در این ماه گفتم نه والله ای
فرزند رسول خدا فرمود آنقدر ثواب از تو فوت شده است که قدر آنرا
بغیر از خدا کسی نمیداند بدرستی که این ماهیست که خدا بر ماههای دیگر
فضیلت داده است و حرمت آنرا عظیم گردانیده است و برای روزه داشتن
آن گرامی داشتن را بر خود واجب گردانیده است پس گفتم یا ابن رسول الله
اگر در باقی مانده این ماه روزه بدارم آیا بعضی از ثواب روزه داران فائز
میگردم فرمود که ای سالم هر که یک روز از آخر ماه روزه بدارد خدا او را ایمن گرداند
از سکرات مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر و هر که دو روز از آخر این ماه
روزه بدارد بر صراط با آسانی بگذرد و هر که سه روز از آخر این ماه روزه
بدارد ایمن گرداند از ترس روز قیامت و از شدتها و هولهای آن روز و برات
بیزاری آتش جهنم را باو عطا کند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده
است که هر که یک روز از اول ماه رجب یا اوسط یا از آخر آن روزه بدارد گنا
گناهان گذشته اش آمرزیده شود و هر که سه روز از اول یا میان یا آخر ماه رجب
روزه بدارد گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود و هر که یکشب از این
ماه را احیا کند حقتعالی او را از آتش جهنم آزاد گرداند و قبول کند شفاعت
او را در حق هفتاد مرد گناهکار و هر که در این ماه تصدق کند از برای خدا خداوند عالم
در بهشت نعمتی چند باو عطا فرماید که چشمی ندیده باشد و گوشی نشنیده
باشد و بر خاطر کسی خطور نکرده باشد و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق
روایت کرده است که چون روز قیامت شود منادی از میان عرش ندا کند که
کجایند رجبیون پس گروهی برخیزند که نور روهای ایشان جمیع اهل محشر را
روشن گرداند و تاج پادشاهی بر سر ایشان باشد که مکلل باشد تاج ایشان
بمروارید و یاقوت و با هر یک از ایشان هزار ملک بوده باشد از جانب راست و هزار
ملک از جانب چپ و همه او را ندا کنند که گوارا باد ترا کرامتهای خدا تعالی

ارشد

ای بنده خدا پس خداوند رحمن ندا کند ایشان را که ای بندگان و کنیزان من بعزت
و جلال خود سوگند یاد میکنم شما را در مأوای نیکو ساکن گردانم و عطاهای
شما را بزرگ گردانم و عطا کنم بشما از بهشت غرفها که در زیر آنها نهرها جاری
باشد و همیشه در آن غرفها باشید و نیکو مزدیست مزد کارکنان از برای من
بی آنکه واجب گردانم روزه داشتید از برای من در ماهیکه حرمت آنرا عظیم
گردانیده بودم و حق آنرا واجب ساخته بودم ای ملائکه من بندگان و کنیزان
مرا داخل بهشت گردانید پس حضرت فرمود که این همه ثواب از برای کسی است
که چیزی از ماه رجب را روزه دارد اگر چه یک روز باشد از اولش یا میانش یا
آخرش و بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که هر که روز اول
ماه رجب را روزه بدارد حقتعالی در روز قیامت از او خوشنود شود و هر که
دو روز از آن روزه دارد خدا بغایت از او خوشنود گردد و او را خوشنود گرداند
و هر که سه روز از آن روزه دارد خداوند کریم از او راضی گردد و خصمان او را
راضی گرداند در قیامت و هر که هفت روز از آن روزه بدارد چون بمیرد
درهای هفت آسمان برای روح او گشاده شود تا بملکوت اعلا برسد و
هر که هشت روز از آن روزه دارد هشت در بهشت برای او گشوده شود
و هر که پانزده روز از آن روزه بدارد هر حاجتی از حقتعالی بطلبد برآورد مگر
آنکه سؤال او برای گناهی باشد که متضمن قطع رحم باشد و هر که تمام ماه را
روزه بدارد از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده با
و از آتش جهنم آزاد گردد و داخل بهشت گردد با نیکوکاران و برگزیدگان و
احادیث در این باب بسیار است و این رساله گنجایش آنها را ندارد **فصل دوم**
در بیان اعمالیست که کسی از روزه عاجز باشد و یا بر او دشوار باشد بعوض
او بعمل آورد در بعضی از روایات معتبره وارد شده است که بدل روزه
مستحب یک درهم تصدق کند که موافق درهای این زمان تقریبا هفتاد
دینار بوده باشد و بروایت دیگر عوض روزه یک مد گندم یا جو وارد شده است

بر شما

واحوط در مد صد درم شاه است وظاهر صد درم کهنه کافی باشد وبروایت
در خصوص روزه ماه مبارک رجب یک گرده نان نیز وارد شده است اگر قادر
بر روزه نباشد وحمل کرده اند بر کسی که پریشان باشد وقادر بر دو درهم ومد نباشد
وایضا در خصوص روزه ماه رجب از حضرت رسول وارد شده است که بعوض
روزه اگر قادر نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند تا ثواب روزه را
بیابد سبحان الاله الجلیل سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان الاعز الاکرم
پاکست خدای بزرگوار پاکست آنکه سزاوار نیست تسبیح را مگر او پاکست آنکه غالب بزرگوار
سبحان من لبس العز وهو له اهل ودر روایات معتبره وارد شده است که هر که
پاکست آنکه پوشیده جامه عزت را وآنکه او سزاوار است بمنزل برادر مؤمن خود وارد شود وقصد روزه
سنت کرده باشد واو طعامی حاضر سازد واو تکلیف نماید ثواب افطار کردن
زیاده از ثواب روزه داشتن است هفتاد برابر واگر اظهار نکند ثوابش بیشتر است
وبرابر یکسال روزه است وزنرا روزه سنت داشتن بی رخصت شوهر وغلام
وکنیز بی رخصت مالک وفرزند ومهمانرا بی رخصت مهماندار از احادیث و
اخبار ظاهر میشود که خوب نیست ومشهور میان علما آنست که روزه سنت
مملوک بدون اذن مالک باطلست وهمچنین روزه سنت بی رخصت شوهر
صحیح نیست ودر پدر ومادر مشهور آنست که روزه سنت فرزند بدون اذن ایشان
مکروه هست وباطل نیست وبعضی گفته اند بی رخصت پدر باطل است وا
حوط آنست که بدون اذن پدر ومادر روزه سنت ندارد ودر روزه سنت
مهمان بدون رخصت مهماندار نیز خلافست واحوط آنست که مهمان ومهمان
دار بی رخصت دیگری روزه ندارند اگرچه اظهر آنست که مکروه هست
فصل ششم در بیان اعمال هر شب وهر روز است بسند معتبر از حضرت امام
زین العابدین منقولست که در روز اول ماه رجب این دعا باید خواند وعلما ذکر کرده اند
که در هر روز سنت خواندن این دعا یا من یملک حوائج السائلین ویعلم ضمیر الصامتین
ای آنکه مالک است حاجتهای درخواست کنندگان را وبداند آنچه را اینکه در دل خاموشان

لکل مسئلة منک سمع حاضر وجواب عتید اللهم ومواعیدک الصادقة
برای هر سؤالی که کرده شود از تو قبولیست حاضر وجوابی مهیا خداوندا ووعدهای تو راست
وایادیک الفاضلة ورحمتک الواسعة فاسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد
ونعمتهای تو بزرگ ورحمت تو فراگیرنده پس درخواهم از تو اینکه رحمت کنی بر محمد وآل محمد
وان تقضی حوائجی للدنیا والآخرة انک علی کل شیء قدیر وبسند معتبر منقولست
وآنکه برآوری حاجتهای مرا بجهة دنیا وآخرت بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی که حضرت صادق در هر روز
از ماه رجب خاب الوافدون علی غیرک وخسر المتعرضون الا لک وضاع الملمون
دعا میخواندند ناامید شدند واردشدگان بر غیر تو وزیان کردند واپیش آیندگان مگر برای تو وضایع شدند فرود آیندگان
الا بک واجدب المنتجعون الا من انتجع فضلک بابک مفتوح للراغبین
مگر بتو وقحطی رسیدند طالبان معروف تو مگر برای درخواست کنندگان واحسان تو گشوده است برای خواهشمندان
وخیرک مبذول للطالبین وفضلک مباح للسائلین ونیلک للآملین و
وخیر تو بخشیده شده است برای طلب کنندگان واحسان تو حلال کرده شده برای درخواست کنندگان وعطای تو برای آرزومندان
رزقک مبسوط لمن عصاک وحلمک معترض لمن ناواک عادتک الاحسان
روزی تو پهن کرده برای آنکه نافرمانی تو کرد وبردباری تو فراپیش آمده است مر کسیرا که دشمنی تو کند عادت تو نیکوکاریست
الی المسیئین وسبیلک الابقاء علی المعتدین اللهم فاهدنی هدی المهتدین
بسوی بدکاران وطریقه تو مدارا ورحم کردنست بر تجاوز کنندگان خداوندا پس راه نما مرا مانند راه یافتگان
وارزقنی اجتهاد المجتهدین ولا تجعلنی من الغافلین واغفر لی یوم الدین وا
وروزی کن مرا کوشش کوشش کنندگان ومگردان مرا از بیخبران وبیامرز مرا روز جزا
بسند معتبر منقولست که محمد بن ذکوان بخدمت حضرت صادق آمد
عرض کرد که فدای تو شوم این ماه رجبست مرا دعائی تعلیم نما که حقتعالی
مرا بآن نفع بخشد حضرت فرمود که هر که هر روز از ماه رجب در صبح وپسین
بعد از همه نمازها در شب وروز این دعا بخواند
یا من ارجوه لکل خیر وآمن سخطه عند کل شر یا من یعطی الکثیر بالقلیل
ای آنکه امید دارم او را برای هر نیکی وایمنی از غضب او نزد هر بدی ای آنکه عطا کند عطای بسیار در مقابل عمل کم

دعا میخواندند

المتعبدین بد

يا من يعطى من سئله يا من يعطى من لم يسئله ومن لم يعرفه تحننا منه ورحمة

ای آنکه عطا می‌کند آن را که سؤال بکند از او ای آنکه عطا می‌کند آن را که سؤال نکند از او و نشناسد او را بجهت عطوفت و مهربانی

اعطنى بمسئلتى اياك جميع خير الدنيا وجميع خير الاخرة واصرف عنى بمسئلتى

عطا کن بسؤال کردن من ترا همه خیر دنیا و همه خیر آخرت و بگردان از من بسؤال من

اياك جميع شر الدنيا وشر الاخرة فانه غير منقوص ما اعطيت وزدنى من فضلك

از تو تمام بد دنیا و همه بد آخرت زیرا که کم نمیگردد آنچه تو عطا فرمائی و زیاده کن مرا از فضل خود

يا كريم پس حضرت ريش مبارك خود را بدست چپ گرفتند وانگشت سبابه دست

راست خود را بجانب چپ وراست حرکت میدادند واین دعا را خواندند

يا ذا الجلال والاكرام يا ذا النعماء والجود يا ذا المن والطول حرم شيبتى على النار

ای خداوند بزرگواری و کرامت ای خداوند نعمت و بخشش ای خداوند عطا و احسان حرام گردان موی سفید مرا بر آتش

ودست برنداشت تا از آب دیده اش تر شد وشیخ طوسی بسند معتبر روایت

کرده است که حضرت صادق بمعلی بن خنیس گفت که در ماه رجب این دعا را بخوان

اللهم انى اسئلك صبر الشاكرين لك وعمل الخائفين منك ويقين العابدين لك

خداوندا که من درخواست میکنم از تو صبر شکرکنندگان ترا و کردار ترسندگان از تو و یقین پرستندگان مر ترا

اللهم انت العلى العظيم وانا عبدك البائس الفقير وانت الغنى الحميد وانا العبد الذليل

خداوندا تو بلند مرتبه بزرگ و من بنده بد حال محتاج و تو بی نیاز پسندیده و منم بنده خوار

اللهم صل على محمد وآله وامنن بغناك على فقرى وبحلمك على جهلى وبقوتك على

خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او و بخشش نما به بی نیازی خود بر بی نیازمندی من و بردباری خود بر نادانی من و بقوت خود

ضعفى يا قوى يا عزيز اللهم صل على محمد وآله الاوصياء المرضيين واكفنى

بر ناتوانی من ای توانا ای غالب خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او که وصیهای پسندیده‌اند و دفع کن از من

ما اهمنى من امر الدنيا والاخرة يا ارحم الراحمين وازروایت سید ابن طاوس

آنچه را غمگین سازد مرا از امر دنیا و آخرت ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان ظاهر میشود که این دعا

جامع ترین دعاها است ودر همه اوقات میتوان خواند وشیخ طوسی وسید

ودیگران بسندهای معتبر از حضرت صاحب الامر روایت کرده اند

که سنت است در هر روز از روزهای ماه مبارک رجب این دعا را بخوانند

اللهم انى اسئلك بالمولودين فى رجب محمد بن على الثانى وابنه على بن

خداوندا که من درخواست میکنم از تو بحق دو فرزند متولد شده در ماه رجب محمد پسر علی دوم و پسر او علی پسر

محمد المنتجب واتقرب بهما اليك خير القرب يا من اليه المعروف

محمد برگزیده شده و نزدیکی میجویم بسبب ایشان بتو بهترین نزدیکیها ای آنکه بسوی اوست هر احسان

طلب وفيما لديه رغب اسالك سؤال مقترف مذنب قد اوبقته

که طلب شده و در آنچه نزد اوست رغبت کرده شده درخواست میکنم از تو مانند سؤال کسیکه نماید گناهکار بتحقیق که هلاک کرده او را

ذنوبه واوثقته عيوبه فطال على الخطايا دؤوبه ومن الرزايا خطوبه يسئلك

گناهان او و بسته باشد او را عیبهای او و بطول انجامیده باشد بر گناهان کوشش او و از مصیبتها خطبهای او سؤال میکند

التوبة وحسن الاوبة والنزوع عن الحوبة ومن النار فكاك رقبته والعفو

توبه و نیکوئی بازگشت و بازایستادن از گناه را و از آتش آزادی گردن خود را و در گذشتن

عما فى ربقته فانت يا مولاى اعظم امله وثقته اللهم واسالك بمسائلك

از آنچه در گردن اوست پس تو ای آقای من بزرگترین آرزوی و اعتماد او و سؤال میکنم ترا بسؤالهای

الشريفة ووسائلك المنيفة ان تتغمدنى فى هذا الشهر برحمة منك

بلند مرتبه تو و وسیله‌های بارفعت تو اینکه بپوشانیده مرا در این ماه برحمتی از خود

واسعة ونعمة وازعة ونفس بما رزقتها قانعة الى نزول الحافرة ومحل

فراگیرنده و نعمتی بازدارنده و نفسی که بوده باشد بچیزی که روزی کرده آن را قانع تا فرود آمدن در قبر و بمحل

الاخرة وما هى اليه صائرة وازحضرت رسول منقولست که در جمیع ماه

آخرت را و آنچه نفس بسوی آن گردنده است رجب بامداد و پسین هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله

ربى واتوب اليه پس دستهارا بسوى اسمان بردارد و بگوید اللهم اغفر لى

وتب على واین استغفار در جمیع ایام سال سنت است وهزار خداوندا بیامرز مرا و بپذیر برمن

مرتبه سوره قل هو الله احد در جمیع ماه خواندن ثواب بسیار دارد و اشهر

است اگر خواهد در یکروز بخواند واگر خواهد هر روز قدری بخواند که در تمام

ماه هزار مرتبه خوانده باشد وایضا منقولست که هر کس هزار مرتبه لا اله

اِلّا اللهُ در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود و حقتعالی
در بهشت شهری از برای او بنا کند و در هر شب از شبهای ماه هزار مرتبه
لا اِلٰهَ اِلّا اللهُ وارد شده است و صد مرتبه این استغفار نیز منقولست
در جمیع ماه اگر چنانچه صد مرتبه بخواند فضیلت بسیار دارد اَسْتَغْفِرُ اللهَ
الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ و از حضرت امیر طلب آمرزش میکنم از خدا
که نیست خدایی مگر او یگانه نیست شریکی مر او را و بازگشت میکنم باو المؤمنین منقولست که حضرت
رسول فرمود که هر که در شب یا روز ماه رجب و شعبان و رمضان سه مرتبه
سوره حمد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند و سه مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله
و لا اله الا الله والله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پاک است خدا و سپاس
مر خدا را و نیست خدایی مگر خدا و خدا بزرگتر است و نیست حرکتی و نه توانایی مگر بخدای بلند قدر بزرگ مرتبه
و سه مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد و آله و سه مرتبه بگوید اللهم اغفر
للمؤمنین والمؤمنات و چهار صد مرتبه بگوید استغفر الله و اتوب الیه خداوندا بیامرز
مردان مؤمن و زنان مؤمنه را گناهانش را خدا بیامرزد اگر چه بعدد قطرهای باران و برگ
درختان و کف دریاها باشد و در روز عید حقتعالی او را ندا کند که بنده
که تو دوست منی و بهره کنی تو را شفاعت میدهم در حق برادران و خواهران
مؤمن و حضرت فرمودند که اگر در عمری یکبار این را بعمل آورد حقتعالی
بهره کنی هفتاد هزار حسنه باو عطا کند که هر حسنه از جمیع کوههای دنیا
سنگین تر باشد و هفتصد حاجت او را در وقت بیرون آمدن از قبر و مثل
آن را در وقت پرواز کردن نامهای اعمال و نزد سنجیدن اعمال در میزان و نزد
صراط بر آورد و او را در سایه عرش خود جای دهد و حساب کند حساب آسان و هفتاد
هزار ملک او را مشایعت کنند تا داخل بهشت شود و باو عطا کند آنچه هیچ
چشمی ندیده باشد و گوشی نشنیده باشد فصل چهارم در بیان فضایل و اعمال شب
و روز اول است تا روز پانزدهم در شب اول غسل سنت است و منقولست که هر که

در

در شب اول ماه رجب و پانزدهم و شب آخر آن غسل کند از گناهان بیرون
آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و در وقت دیدن ماه دعای
صحیفه کامله را بخواند که بهترین دعاها است و هفت مرتبه سوره حمد را
بخواند تا از درد چشم ایمن گردد و در هر ماهی سنت است و منقولست که چون
ماه رجب را ببینند بگویند اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنا بِالْاَمْنِ وَالْاِیمانِ وَالسَّلامَةِ وَ
الْاِسْلامِ رَبّی وَرَبُّکَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ خداوندا طالع گردان این ماه را بر ما با ایمنی و ایمان و سلامتی و
اسلام پروردگار من و پروردگار تو خدای تعالی است و در شب اول و روز اول زیارت حضرت امام حسین
فضیلت بسیار دارد و در حدیث معتبر وارد شده که هر که در روز اول رجب
آن حضرت را زیارت کند بهشت او را واجب شود البته و احیای شب اول سنت
است و از حضرت صادق منقولست که تا توانی محافظه نمائی برای احیا شب عید
ماه رمضان و شب عید قربان و شب اول محرم و شب عاشوری و شب اول رجب
و شب نیمه شعبان و درین شبها دعا و نماز و تلاوت قرآن بسیار بکن و بسند
معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که در شب اول رجب بعد از نماز عشا این دعا بخوان
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَنَّکَ مَلیکٌ وَاَنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ مُقْتَدِرٌ وَاَنَّکَ ما تَشاءُ
خداوندا که من میخواهم از تو باینکه تو پادشاهی و اینکه تو بر همه چیز توانایی و هر چه تو خواهی
مِنْ اَمْرٍ یَکُونُ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ
از هر امری میشود خداوندا که من رو آورده ام بسوی تو بوسیله پیغمبر تو پیغمبر رحمت رحمتهای تو بر او
وَآلِهِ یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللهِ اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَی اللهِ رَبّی وَرَبِّکَ لِیُنْجِحَ لی طَلِبَتی اَللّٰهُمَّ بِنَبِیِّکَ
و آل او ای محمد ای رسول خدا که من رو آورده ام بسوی خدا پروردگار من و پروردگار تو تا اینکه بر آوری حاجت مرا خداوندا
مُحَمَّدٍ وَبِالْاَئِمَّةِ مِنْ اَهْلِ بَیْتِهِ اَنْجِحْ طَلِبَتی پس طلب حاجت خود نماید و بیست
بحق پیغمبر محمد و امامان از اهل بیت او بر آور حاجت مرا رکعت نماز وارد شده است هر دو
رکعت بیک سلام و در هر رکعت حمد یکمرتبه سوره قل هو الله احد بخواند
تا از بلاهای دنیا و عذاب آخرت ایمن گردد و شیخ و دیگران بسند معتبر
روایت کرده اند که حضرت امام موسی در شب اول ماه رجب بعد از ان

شب

کر از نماز فارغ منشد ندا ین لک المحمدة ان اطعتک ولک الحجة ان عصیتک

دعا را در سجده میخوانند مر ترا ست پسندیدگی اگر فرمان کبرا و مر تراست حجت اگر نافرمانی

لا صنع لی ولا لغیری فی احسان الا بک یا کائنا قبل کل شیء ویا مکون کل شیء

نیست کرداری مرا و نه غیر مرا در نیکوئیها مگر بتو ای موجود پیش از هر چیزی و ای بوجود آورنده هر چیزی

انک علی کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک من العدیلة عند الموت ومن

بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی خداوندا که من پناه میبرم بتو از عدیله نزد مردن و از

شر المرجع فی القبور ومن الندامة یوم الازفة فاسألک ان تصلی علی محمد وآل

بدی بازگشت در قبرها و از پشیمانی در روز رستخیز پس درخواست میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل

محمد وان تجعل عیشی عیشة نقیة ومیتتی میتة سویة ومنقلبی منقلبا کریما

محمد و اینکه بگردانی زندگانی مرا زندگانی پاکیزه و مردن مرا مردن درست و بازگشت مرا بازگشت کریما

غیر مخز ولا فاضح اللهم صل علی محمد وآله الائمة ینابیع الحکمة واولی

که نباشد خوار سازنده و رسوا کننده خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او که پیشوایان و چشمهای دانش و صاحبان

النعمة ومعادن العصمة واعصمنی بهم من کل سوء ولا تأخذنی علی غرة ولا

نعمت و معدنهای معصومیت نگاه دار مرا بسبب ایشان از هر بدی و فرا مگیر مرا از ناگاه

علی غفلة ولا تجعل عواقب اعمالی حسرة وارض عنی فان مغفرتک للظالمین

بر غفلت و مگردان آخرهای کردارهای مرا افسوس و خشنود باش از من زیرا که آمرزش تو بر ستمکاران

اللهم اغفر لی ما لا یضرک واعطنی ما لا ینقصک فانک الوسیع رحمته

خداوندا بیامرز برای من گناهی را که ضرر نمیرساند ترا و عطا کن مرا عطائی که کم نکند ترا زیرا که تو فراخ است رحمت تو

البدیع حکمته اعطنی السعة والدعة والامن والصحة والنجوع والقنوع

با نظیر است حکمت او و ببخش مرا گشادگی و رفاهیت و ایمنی و صحت و روزی و قناعت

والشکر والمعافاة والتقوی والصبر والصدق علیک وعلی اولیائک

و سپاسگذاری و عافیت و پرهیزکاری و شکیبائی و راستگوئی بر تو و بر دوستان تو

والیسر والشکر واعمم بذلک یا رب اهلی وولدی واخوانی فیک ومن

و آسانی و سپاسگذاری و فراگیر بآن ای پروردگار من اهل مرا و فرزندان مرا و برادران مرا در راه تو و آنکه

ابن

احببت واحبنی وولدت وولدنی من المسلمین والمسلمات والمؤمنین والمؤمنات

دوست داشتم و دوست دارد مرا و آنرا که زائیده ام من و زائیده مرا از مردان مسلم و زنان مسلمه و مردان مؤمن و زنان مؤمنه

یا رب العالمین وایضا بسند معتبر منقول است که مستحب است که بعد از رکعتین

ای پروردگار جهانیان که پیش از نماز زود تو جایی نکرده نشسته است اینکه دعا را بخواند

الحمد لله الذی لا تنفد خزائنه ولا یخاف امنه رب ان ارتکب المعاصی فذلک

سپاس مر خدای را که نمیرسد خزانهای او و نمیترسد امن یافته او پروردگارا اگر مرتکب شوم گناهها را پس آن

ثقة بکرمک انک تقبل التوبة عن عبادک وتعفو عن سیئاتهم وتغفر الزلل

بجهت اعتماد بکرم تست زیرا که تو می پذیری توبه را از بندگان خود و درگذری از بدیهای آنها و بیامرزی لغزشها را

فانک مجیب لداعیک ومنه قریب فانا تائب الیک من الخطایا وراغب الیک فی

زیرا که تو اجابت کننده مر خواننده خود را و باو نزدیکی پس من رجوع کننده ام بتو از لغزشها و رغبت کننده بتو در

توفیر حظی من العطایا یا خالق البرایا یا منقذی من کل شدیدة یا مجیری من کل

توفیر بهره من از بخششها ای پدید آورنده خلایق ای رهاننده من از هر سختی ای پناه دهنده از هر

محذور وفر علی السرور واکفنی شر عواقب الامور فانک الله تعالی علی نعمائک

محذور داوری کن بر من شادی را و کفایت کن از من بدی عاقبت امور را پس بدرستیکه خداوندی بر نعمتهای

وجزیل عطائک مشکور ولکل خیر مذخور وایضا از حضرت امام علی النقی

و عطاهای بزرگ تو شکر کرده شده و برای هر نیکی ذخیره کرده شده

منقولست که بعد از نماز و تر این دعا را نیز بخواند

یا نور النور یا مدبر الامور یا مجری البحور یا باعث من فی القبور یا کهفی حین تعییر

ای نور همه نور ای تدبیر کننده در کارها ای روان کننده دریاها ای برانگیزاننده مردمانی که در قبرها اند ای پناه من هنگام

المذاهب وکنزی حین تعجز المکاسب ومونسی حین تجفونی الاباعد وتملنی

راهها و گنج من هنگامیکه عاجز شود کسبها و انیس من هنگامیکه ستم کنند مرا دوران و ملول شوند از من

الاقارب مجالسة اولیائه ومرافقة احبائه فی ریاضه وساقی نموا انسیه

نزدیکان همنشین دوستان خود و رفیق دوستان خود در بوستانها و آب دهنده

من نمیر حیاضه وذائقی بمجاورته من ورطة الذنوب الی ربوة التقریب

از گوارنده حوضها و بیرون کرده خود از ورطه گناهان به بلندی نزدیکی

ومُبدِّلي بولايته عزّة العطايا من ذلّة الخطايا أسألك يا مولاي بالفجر

و بدل دهنده بدوستی خود بعزت بخشش خود از خواری گناهان درخواهم از تو ای آقای من بحق صبح

والليالي العشر والشفع والوتر والليل إذا يسر وبما جرى به قلم الأقلام

و شبهای ده گانه و شفع و وتر و شب هرگاه درگذرد و بآنچه جاری شده بآن قلم همه قلمها

بغير كفّ ولا إبهام وبأسمائك العظام وبحججك على جميع الأنام عليهم منك أفضل

بی انگشت کف و نه انگشت ابهام و بنامهای تو که بزرگست و بحجتهای تو بر همه آدمیان بر آنها از تو بهترین

السلام وبما استحفظتهم من أسمائك الكرام أن تصلّي عليهم وترحمنا في شهرنا

درودها و بآنچه حفظ نموده ایشان را از نامهای تو که کرامست آنکه رحمت بفرستی بر آنها و رحم کنی ما را در ماه ما

هذا وما بعده من الشهور والأيام وأن تبلغنا شهر الصيام في عامنا هذا

اینماه و آنچه پس از آنست از ماهها و روزها و آنکه برسانی ما را بماه روزه در سال ما این سال

وفي كل عام يا ذا الجلال والإكرام والمنن الجسام وعلى محمد وآله منا أفضل السلام

و در هر سال ای خداوند بزرگواری و کرامت و بخششهای بزرگ و بر محمد و آل او از ما بهترین درودها

واعمال وادعیه این شب بسیار است و روزه روز اول فضیلت بسیار دارد
و از حضرت امام محمد باقر منقولست که در روز اول ماه حضرت نوح بکشتی سوار
شد و امر کرد جمیع انس و جن را که با او در کشتی بودند روزه بدارند و هر که آن
روز را روزه بدارد آتش جهنم یک ساله دور گردد و از حضرت امام رضا
منقولست که هر که روز اول ماه رجب را روزه بدارد از برای رغبت در ثواب
بهشت او را واجب شود و هر که یک روز از وسط این ماه روزه بدارد حق تعالی شفاعت
او را قبول فرماید در مانند ربیعه و مضر که دو قبیله عظیمند از
قبایل عرب و هر که یک روز از آخر این ماه روزه بدارد حق تعالی او را از پادشاهان بهشت
گرداند و قبول کند شفاعت او را در حق پدر و مادر و دختر و پسر و برادر و
خواهر و عمو و عمه و خالو و خاله او در جمیع همسایگان و آشنایان او هر چند
همه مستوجب جهنم شده باشند شیخ طوسی و دیگران از سلمان فارسی
روایت کرده اند که گفت در روز آخر جمادی الثانیه رفتم بخدمت حضرت

رسالت

رسالت پناه حضرت فرمود که ای سلمان تو از ما اهل بیتی پس فرمود که هر
مؤمن و زن مؤمنه که در ماه رجب سی رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یک
مرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره قل هو الله و سه مرتبه سوره قل یا ایها
الکافرون بخواند البته حق تعالی محو کند از نامه اعمال او هر گناهی را که در کوچکی
و بزرگی کرده باشد و خدا عطا کند باو ثواب کسی را که تمام آن ماه را روزه گرفته
باشد و تا سال آینده حق تعالی او را از نمازگذارندگان بنویسد و در هر روز از آن
ماه ثواب شهیدی از شهیدان جنگ بدر برای او بآسمان ببرند و بهر روزی که در آن
ماه روزه بدارد ثواب عبادت یک سال در نامه عمل او بنویسند و هزار درجه
از برای او در بهشت بلند کنند و اگر تمام ماه را روزه بدارد خدا او را از آتش
جهنم نجات بدهد و بهشت را از برای او واجب گرداند ای سلمان جبرئیل این
نماز را برای من آورد و گفت این علامتیست میان شما و منافقان زیرا که منافقان
این نماز را نمیکنند گفتم یا رسول الله چگونه این نماز را بکنم و در چه وقت
بجا آورم فرمود که در روز اول ماه رجب ده رکعت بجا می آوری یعنی هر دو
رکعت بیک سلام و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سه مرتبه قل هو الله
و سه مرتبه قل یا ایها الکافرون میخوانی و بعد از هر سلام دست بسوی آسمان
بلند کن لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت و هو

و بگو نیست خدایی که خدا یگانه است شریکی مر او را مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس زنده میکند و

حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر اللهم لا مانع لما اعطیت و لا

زنده است که نمیرد بدست اوست نیکی و او بر هر چیزی تواناست خداوندا

معطی لما منعت و لا ینفع ذا الجد منک الجد پس دستها را بروی خود میکشی
و در روز پانزدهم ده رکعت نماز
بهمان نحو بجا می آوری و بعد از هر سلام دستها را بسوی آسمان بر میداری و میگوی
لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت و هو حی

نیست خدایی که خدای یگانه است شریکی مر او را مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس زنده میکند و میمیراند

لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر الها واحدا احدا فردا صمدا لم
که نمیرد بدست اوست نیکی و او بر هر چیزی تواناست خدای یگانه یکتای تنهای بی‌نیاز نه
یتخذ صاحبة و لا ولدا پس دستها را بروی خود میکشی و در روز آخر ماه
گرفته زنی و نه فرزندی ده رکعت باز همان نحو میکنی و بعد از هر سلام دست
برمیداری لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو
و میگوئی نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی مر او را مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش زنده میکند
حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین
زنده است که نمیرد بدست اوست نیکی و او بر هر چیزی تواناست و رحمت فرستاد خدا بر محمد و آل او
و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس دستها را بروی خود بمال و هر حاجت
و نیست حرکتی و نه توانائی مگر بخدای بلند قدر بزرگ که داری بطلب که البته بر آورده است
و حق تعالی میان تو و جهنم هفت خندق قرار میدهد که عرض هر خندقی
میان آسمان و زمین بوده باشد و بعدد هر رکعتی ثواب هزار هزار رکعت
در نامه عمل مینویسند و برات بیزاری از جهنم و گذشتن بر صراط برای تو مینویسند
و منقولست که هر که در روز جمعه ماه رجب صد مرتبه سوره قل هو الله
احد بخواند حقتعالی در قیامت باو نوری عطا کند که بان نور داخل بهشت
گردد و در حدیث معتبر وارد شده است که حضرت امام محمد باقر در روز
جمعه اول ماه رجب متولد شده و موجب زیادتی شرف این روز گردیده و در روایت
وارد شده است ولادت حضرت امام علی النقی در روز دوم ماه رجب
شده و بروایت دیگر در روز سیم ماه رجب واقع شده است و بروایت
ابراهیم بن هاشم وفات آنحضرت نیز در روز سیم ماه رجب بوده ابن عیاش
روایت کرده است که ولادت آنحضرت در پنجم این ماه واقع شده است و
ولادت امام محمد تقی در دهم این ماه شده است و بعضی از روایات در فضیلت
خصوص وارد شده است و در فضیلت ایام البیض ماه رجب وارد شده است
یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و از سند معتبر از حضرت امام جعفر

صادق

صادق منقولست که حقتعالی فضیلت سه ماه را باین امت داده است که مثل
آنها با متهای دیگر نداده است ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان و سه شب این
امت داده است که بامتهای دیگر نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم
و شب پانزدهم و سه سوره باین امت داده است که بامتهای دیگر نداده است سوره
یس و سوره تبارک الذی بیده الملک و سوره قل هو الله احد پس هر که جمع کند
میان این سه فضیلت جمیع فضایل این امت را جمع کرده خواهد بود پرسید
که چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم هر یک از این ماه دو رکعت نماز بکند
و در هر رکعت بعد از سوره حمد این سه سوره را بخواند در شب چهاردهم
چهار رکعت نماز بکند بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه
سوره را بخواند که یس و تبارک و قل هو الله باشد و در شب پانزدهم شش رکعت
بجا آورد به سه سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند
تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد و جمیع گناهانش مرزند یعنی سوای از شرک
بجا و از حضرت صادق منقولست که هر که ایام بیض ماه رجب را روزه بدارد
حقتعالی بهر روزی عبادت یک ساله و روزه یکساله برای او بنویسد و در
قیامت او را در محل ایمنان باز دارد که هیچ بیم و خوف نداشته باشد و مشهور
است که ولادت با سعادت حضرت امیر المؤمنین در کعبه معظمه در روز
سیزدهم رجب بوده دوازده سال پیش از مبعوث شدن حضرت رسول و علی بن
ابراهیم گفته است که ولادت حضرت امام علی النقی نیز در روز سیزدهم ماه
رجب بود در سال دویست چهارده هم از هجرت بوده و شب پانزدهم از لیالی متبرکه
است و غسل در آن شب سنت است و احیاء از بعبادت گذرانیدن فضیلت
بسیار دارد و از حضرت رسول منقول است که در شب نیمه رجب حقتعالی
امر کند ملائکه را که هر گناهی که در نامه اعمال مؤمنان باشد محو کنند و ایضا
از آنحضرت منقولست که هر که روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم رجب را
روزه بدارد و در شبهای آنها مشغول عبادت باشد از دنیا نرود مگر با توبه نصوح

و بهر روزی که روزه داشته باشد هفتاد گناه کبیرهٔ او آمرزیده شود و هفتاد
حاجت او برآورده شود در وقتی که از قبر بیرون می‌آید و نزد میزان و نزد صراط
و چنان باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده باشد و شفاعت
او را قبول کنند در حق هفتاد نفر از اهل بیت و خویشان او که مستحق جهنم
شده باشند و بنا کنند از برای او در جنات فردوس هفتاد هزار شهر و در هر
شهری هفتاد هزار قصر بوده باشد و در هر قصری هزار حوریه باشد و هر
حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد شیخ طوسی علیه الرحمه بسند صحیح
از حضرت صادق روایت کرده است که در شب نصف رجب دوازده رکعت
نماز بجا می‌آوری یعنی بشش سلام با حمد و هر سوره که خواهی و چون فارغ
شوی هر یک از سورهٔ حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو
الله احد و آیة الکرسی را چهار مرتبه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر
میخوانی پس چهار مرتبه میگوئی
پاکست خدا و سپاس مر خدا را و نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگتر است
پس میگوئی الله الله ربی لا اشرک به شیئا و ما شاء الله ولا قوة الا بالله و در شب
خدا خدا پروردگار منست شریک نمیگردانم با او چیزی را و آنچه خواست خدا میشود و نیست توانائی مگر بخدا و در روز
زیارت حضرت امام حسین سنت موکد است و بسند صحیح از ابن ابی نصر
منقولست که از حضرت امام رضا سؤال کرد که زیارت حضرت امام حسین
در کدام وقت بهتر است فرمود که در نیمهٔ رجب و نیمهٔ شعبان و در روز پا
نزدهم نماز سلمان را باید کرد بکیفیتی که گذشت و بسند معتبر از حضرت
صادق منقولست که حضرت امیر المؤمنین در این روز چهار رکعت نماز
کرد و دستهای خود را گشود و این دعا را خواند پس فرمود که هر که بشدتی
و غمی مبتلا گردد و این دعا بخواند البته کرب و شدت او زایل میگردد
و این چهار رکعت را بدو سلام میکند و هر سوره که خواهد بخواند دعا اینست
اللهم یا مذل کل جبار و معز المؤمنین انت کهفی حین تعیینی المذاهب و انت
خداوندا ای خوار سازنده هر گردنکش و عزیز دارنده گروندگان تو پناه منی هنگامیکه عاجز کنند مرا راهها و

بارئ خلقی رحمة بی وقد کنت عن خلقی غنیا ولولا رحمتک لکنت من الهالکین
پدید آورندهٔ آفرینش مرا از راه مهربانی بمن و بتحقیق بودی از آفرینش من بی‌نیاز و اگر نبود رحمت تو هر آینه بودم از هالکان
وانت مؤیدی بالنصر علی اعدائی ولولا نصرک ایای لکنت من المفضوحین یا
و تو قوت دهندهٔ مرا بیاری دادن خود بر دشمنان و اگر نبود یاری تو مرا هر آینه بودم از رسوا شدگان ای
مرسل الرحمة من معادنها ومنشئ البرکة من مواضعها یا من خص بالشموخ
فرستنده رحمت از معدنهای آن و رویاننده برکت از جاهای آن ای آنکه مخصوص گردانید
والرفعة فاولیاؤه بعزه یتعززون یا من وضعت له الملوک نیر المذلة علی
و رفعت پس دوستان او بعزت او عزیز شوند ای آنکه گذاشتند برای او پادشاهان نیر خواری بر
اعناقهم فهم من سطواته خائفون اسئلک بکینونیتک التی اشتققتها من کبریائک
گردنهای خود از غضبهای تو که ترسانند درخواست میکنم از تو بکینونیت تو که بیرون آوردی آنرا از بزرگی
واسئلک بکبریائک التی اشتققتها من عزتک واسئلک بعزتک التی استوت
و درخواست میکنم از تو ببزرگواری تو که بیرون آوردی آنرا از عزت تو و درخواست میکنم از تو بعزت تو که استوار
بها علی عرشک فخلقت بها جمیع خلقک فهم لک مذعنون ان تصلی علی محمد
بآن بر عرش تو پس آفریدی بآن همه خلق خود را پس ایشان برای تو خاضع و منقادند اینکه رحمت فرستی بر محمد
واهل بیته پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید و بدانکه عمده اعمال
و اهل بیت او
نصف رجب دعای ام داود است که ابن بابویه و شیخ طوسی
و سید بن طاوس بسندهای معتبر روایت کرده اند و برای بر آمدن
حاجات و کشف کربات و دفع ظلم ظالمان مجربست و مجمل روایتش آنست
که فاطمه مادر داود بن الحسن پسر زادهٔ حسن مجتبی دایهٔ حضرت امام
جعفر صادق بود و پسرش داود آن حضرت را شیر داده بود و چون محمد بن
عبد الله بن الحسن در مدینه خروج کرد و منصور دوانقی لشکر فرستاد
و او را کشتند و ابراهیم برادر محمد را نیز شهید کردند و عبد الله بن الحسن
و جمعی از سادات حسینی را باغل و زنجیر از مدینه بعراق بردند داود نیز در میان
ایشان بود ام داود گفت چون مدتی از حبس فرزندم گذشت و از او خبری بمن

رسید بنوشته دعا و تضرع میکردم و از صلحا و نیکان و برادران مؤمن
استدعای دعا مینمودم و تقصیر نمیکردند و مطلقا اثر استجابت نمی یافتم و
گاهی خبر بمن میرسید که داود را کشتند و گاهی میگفتند که او را با پسران عم
او در زیر عمارت گذاشتند و روز بروز مصیبت من عظیم تر و اندوه من بیشتر
میشد تا آنکه از غم گداختم و پیر شدم و از ملاقات او نا امید گردیدم تا آنکه روزی
شنیدم که حضرت صادق را علتی عارض شده است بعیادت آن حضرت رفتم چون
احوال گرفتم و دعا کردم و خواستم که برگردم حضرت فرمود که از داود چه خبر داری
و من شیر داود را با آن حضرت داده بودم چون نام او را شنیدم گریستم و گفتم فدای
تو شوم داود کجا است او در عراق محبوس است و من از ملاقات او قطع امید کرده
و از شما التماس میکنم که او را دعا کنید او برادر رضاعی شما است حضرت فرمود
چرا غافلی از دعای استفتاح و دعای اجابت و نجاح و آن دعائیست که درهای
آسمان برای آن گشوده میشود و ملائکه استقبال میکنند خواننده آنرا و بشارت
میدهند آنرا باجابت و آن دعائیست که از مجیب الدعوات محجوب نمیگردد و
خواننده آنرا ثوابی نیست بغیر از بهشت ام داود گفت ای فرزند طاهرین
و راست گویان چگونه است آن دعا حضرت فرمود ای مادر داود ماه محرم یعنی
ماه رجب نزدیک شده است و آن ماهی است مبارک و حرمت آن عظیم است و
دعاها در آن مستجاب است چون آن ماه در آید سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
آنرا که ایام البیض اند روزه بدار پس حضرت کیفیت این عمل را تعلیم او نمود و
فرمود که این دعا را حفظ کن و بهمه کس تعلیم مکن که میترسم که بدست کسی
افتد که از برای امر باطلی و نامشروعی این دعا را بخواند بدرستیکه این دعا
بسیار شریف است و مشتمل است بر اسم اعظم خدا که هر که بخواند البته روا
میشود و اگر درهای آسمان و زمین همه بسته شود و یا دریاها حایل باشند میان
تو و حاجت تو چون این دعا را بخوانی البته حقتعالی آسان میگرداند رسیدن
ترا بمطلب تو و حاجت ترا بر می آورد و هر که این دعا را بخواند خدا مستجاب

واثیانه

زمان

میگرداند خواه مرد باشد و خواه زن و اگر همه جن و انس دشمن فرزند تو باشند
خداوند قادر کفایت شر ایشان میکند و زبان ایشانرا می بندد و ایشانرا
منقاد فرزند تو میگرداند ام داود گفت که حضرت این دعا را برای من نوشت
و بخانه برگشتم و چون ماه رجب داخل شد آنچه حضرت فرموده بود بعمل آوردم
و در شب شانزدهم نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه افطار کردم و قدری
عبادت کردم و بخواب رفتم در خواب دیدم جمیع ملائکه و پیغمبران و شهدا
و عبادرا که من بر ایشان صلوات فرستاده بودم و حضرت رسول فرمود که
ای مادر داود بشارت باد ترا که این جماعت که می بینی همه برادران و یاوران
و شفیعان تو اند و از برای تو طلب آمرزش میکنند و بشارت میدهند
ترا بآنکه حاجت تو برآورده است پس بشارت باد ترا بآمرزش خدا و خوشنودی
خدا و خدا ترا جزای خیر دهد و شاد باش که حقتعالی فرزند ترا حفظ میکند
و او بر میگرداند ان شاء الله تعالی ام داود گفت که از خواب بیدار شدم و بعد از آن
آنقدر زمانی که سواری از عراق بمدینه آید داود بنزد من آمد و گفت ای
مادر من در عراق در زندان در تنگی بودم در بند و زنجیر بودم و نا امید
بودم از خلاص شدن چون شب نصف رجب شد در خواب دیدم که بلندیهای
زمین پست شد و ترا دیدم که بر روی حصیر نماز خود نشسته بودی و بر دور تو
مردانی چند بودند که سرهای ایشان در آسمان بود و پاهای ایشان در زمین
و تسبیح و تنزیه خدا میکردند پس یکی از ایشان که از همه خوشروتر و خوشبوتر
بود و جامهای بسیار پاکیزه در بر داشت و گمان کردم که حضرت رسول خدا
جد منست خطاب کرد با من که بشارت باد ترا ای فرزند عجوزه صالحه که
حقتعالی دعای مادر ترا در حق تو مستجاب کرد چون بیدار شدم رسول
منصور دوانقی بدر زندان رسیده بطلب من آمدند در میان شب مرا
بنزد او بردند پس امر کرد که زنجیرها را از من برداشتند و ده هزار درهم
که زیاده از هزار تومان بوده بحساب آن زمان بمن عطا کرد و فرمود که مرا

خطابه

بر شتر رهواری سوار کنند و بنهایت سرعت بمدینه بیاورند ام داود
گفت که من داود را بخدمت حضرت صادق بردم حضرت فرمود که سبب
خلاصی تو آن بود که منصور حضرت امیر المؤمنین را در خواب دید که
با او فرمود که رها کن فرزند مرا و اگر نکنی ترا در این آتش می اندازم چون
نظر کرد در زیر پای آتشی در زیر پای خود دید پس از دهشت بیدار شد و از کرده
خود پشیمان گردید و ترا رها کرد **و اما کیفیت اعمال شریف** ام داود گفت
که حضرت صادق فرمود که در ماه مبارک رجب روز سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم را روزه بدار و در روز پانزدهم در وقت زوال غسل بکن و در روایت
دیگر نزدیک بزوال غسل بکن و چون زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامهای
خود را بپوش و بخانه خلوتی برو و سعی کن که کسی پیش تو نیاید که ترا مشغول
گرداند و با تو سخن بگوید و هشت رکعت نافله زوال را بعمل آور و در رکوع و سجود
آنها را خوب بعمل آور و در کن نماز ظهر را با آداب و شرایط بعمل آور و بعد
از نماز فریضه ظهر دو رکعت نماز بکن با هر سوره که خواهی و بعد از آن صد
مرتبه بگو یا قاضی حوائج الطالبین پس هشت رکعت نافله عصر را با آداب بجا
آوری و در بعضی از روایات وارد شده است که در هر رکعت از نافله
عصر بعد از حمد سه مرتبه سوره قل هو الله احد و یکمرتبه سوره انا اعطیناک
الکوثر را بخوان پس نماز عصر را با خشوع بکن و در روایتی وارد شده است که
بر روی حصیر پاکیزه بنشین پس صد مرتبه سوره حمد و صد مرتبه سوره
قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوان پس هر یک از این سوره را یکمرتبه
بخوان سوره انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس و الصافات و حم سجده
و حمعسق و حم دخان و انا فتحنا و تبارک الذی بیده الملک و ن و القلم و اذا السماء
انشقت تا آخر قرآن و اگر نتوانی این سوره ها را از روی مصحف درست بخوانی
بعوض همه هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و شیخ مفید گفته که
اگر نتوانی یا نتوانی این سوره های مخصوص را بخوانی صد مرتبه سوره حمد

و ده مرتبه آیة الکرسی و هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و این اخوط
است و در روایت دیگر وارد شده است که بعد از حمد صد مرتبه بگوید
سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و بعد از آیة الکرسی صد مرتبه بگوید
اللهم صل علی محمد و آل محمد
و اگر آیة الکرسی را نیز درست نتواند خواند صد مرتبه
سوره حمد و هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند پس دعا را بخواند و آیة الکرسی
تا آخر است که تا هم فیها خالدون بخواند **دعا اینست** بسم الله الرحمن الرحیم
صدق الله العظیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال و الاکرام الرحمن
الرحیم الحلیم الکریم الذی لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر العلیم الخبیر
شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو
العزیز الحکیم و بلغت رسله الکرام و انا علی ذلک من الشاهدین اللهم لک
الحمد و لک المجد و لک العز و لک الفخر و لک القهر و لک النعمة و لک العظمة و
لک الرحمة و لک المهابة و لک السلطان و لک البهاء و لک الامتنان و لک
التسبیح و لک التقدیس و لک التهلیل و لک التکبیر و لک ما یری و لک ما
لا یری و لک ما فوق السموات العلی و لک ما تحت الثری و لک الارضون
السفلی و لک الآخرة و الاولی و لک ما ترضی به من الثناء و الحمد و الشکر

والنعماء اللهم صل على جبرئيل امينك على وحيك والقوي على امرك

و نعمت خداوندا رحمت فرست بر جبرئیل معتمد تو بر پیغام تو و توانا بر فرمان تو

والمطاع في سمواتك ومحال كراماتك المتحمل لكلماتك الناصر لانبيائك المدمر

و اطاعت کرده شده در آسمانهای تو و جایهای نوازشهای تو بردارنده مر کلمهای ترا یاری کننده مر پیغمبران ترا هلاک کننده

لاعدائك اللهم صل على ميكائيل ملك رحمتك والمخلوق لرافتك والمستغفر

مر دشمنان ترا خداوندا رحمت فرست بر میکائیل فرشته رحمت تو و آفریده شده از راه مهربانی و طلب آمرزش

المعين لاهل طاعتك اللهم صل على اسرافيل حامل عرشك وصاحب

مدد کننده مر اهل طاعت ترا خداوندا رحمت فرست بر اسرافیل بردارنده عرش تو و صاحب

الصور المنتظر والوجل المشفق من خيفتك اللهم صل على عزرائيل قابض

صور انتظار برنده و ترسان هراسان از خوف تو خداوندا رحمت فرست بر عزرائیل گیرنده

ارواح خلقك اللهم صل على حملة العرش الطاهرين وعلى ملائكة اهل الذكر

جانهای خلق تو خداوندا رحمت فرست بر بردارندگان عرش که پاکانند و بر فرشتگان ذکر کننده

التامين على دعاء المؤمنين وعلى السفرة الكرام البررة الطيبين وعلى

آمین گویند بر خواندن مؤمنان و بر نویسندگان بزرگواران نیکوکاران پاکیزگان و بر

ملائكتك الكرام الكاتبين وعلى ملائكة الجنان وخزنة النيران وملك

فرشتگان بزرگواران نویسندگان و بر فرشتگان بهشت و خازنان دوزخ و ملک

الموت والاعوان يا ذا الجلال والاكرام اللهم صل على ابينا آدم بديع فطرتك

موت و مددکاران او ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن خداوندا رحمت فرست بر پدر ما آدم بدیع آفریده

الذي كرمته بسجود ملائكتك واجبته جنتك اللهم صل على امنا حواء المطهرة

که گرامی داشتی اورا بسجده فرشتگان تو و حلال کردی جای او بهشت خود را خداوندا رحمت فرست بر مادر ما حوا

من الرجس المصفاة من الدنس المفضلة من الانس المترددة بين محال

و از هر نجس پاکیزه شده از هر چرک زیاده داده شده از گروه آدمیان آمد و شد کننده در میان جایهای

القدس اللهم صل على هابيل وشيث وادريس ونوح وهود وصالح

پاکیزگی خداوندا رحمت فرست بر هابیل و شیث و ادریس و نوح و هود و صالح

بأمره

جميع

كرمته

اللبس

وابراهيم

وابراهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ويوسف والاسباط ولوط وشعيب

و ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و یوسف و اسباط و لوط و شعیب

وايوب وموسى وهرون ويوشع وميشا والخضر وذا القرنين ويونس والياس

و ایوب و موسی و هارون و یوشع و میشا و خضر و ذی القرنین و یونس و الیاس

واليسع وذا الكفل وطالوت وداود وسليمان وذكريا وشعيا ويحيى وتورخ

و الیسع و ذا الکفل و طالوت و داود و سلیمان و ذکریا و شعیا و یحیی و تورخ

ومتى وارميا وحيقوق ودانيال وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس والحواريين

و متی و ارمیا و حیقوق و دانیال و عزیر و عیسی و شمعون و جرجیس و حواریین

والاتباع وخالد وحنظلة ولقمان اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا

و اتباع و خالد و حنظله بارخدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و رحم کن محمد

وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما صليت وباركت وترحمت على ابراهيم وآل

و آل محمد و برکت فرست بر محمد و آل محمد چنانکه رحمت فرستادی و برکت دادی و ترحم نمودی بر ابراهیم و آل

ابراهيم انك حميد مجيد اللهم صل على الاوصياء والسعداء والشهداء وائمة الهدى

ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شده بزرگواری خداوندا رحمت فرست بر اوصیاء و نیکبختان و گواهان و پیشوایان راه

اللهم صل على الاوتاد والسياح والعباد والمخلصين والزهاد واهل الجد والا

خداوندا رحمت فرست بر اوتاد و روزه داران و عبادت کنندگان و خالصان و پرهیزکاران و اهل سعی و

جتهاد واخصص محمدا واهل بيته بافضل صلواتك واجزل كراماتك وبلغ

کوشش و مخصوص کن محمد و اهل بیت او بهترین درودهای خود و وافرترین نوازشهای خود و برسان

روحه وجسده مني تحية وسلاما وزده فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى

روح او را و جسد او را از من درود و سلام و افزون کن بخشش و بلندی قدر و بزرگواری تا آنکه برسانی او را

درجات اهل الشرف من النبيين والمرسلين والافاضل المقربين اللهم صل

بلندترین درجهای اهل شرف از پیغمبران و فرستادگان و صاحبان فضل که مقربانند خداوندا رحمت فرست

على من سميت ومن لم اسم من ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك

بر آنانکه نام بردم و آنانکه نام نبردم از فرشتگان تو و پیغمبران تو و فرستادگان تو و فرمانبرداران تو

الأبدال

باجزل

وَاَوْصِلْ صَلَواتی اِلَیْهِمْ وَاِلی اَرْواحِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ اِخْوانی فیكَ وَاَعْوانی عَلی دُعائِكَ

و برسان درودهای مرا بسوی ایشان و بسوی ارواح ایشان و بگردان ایشان را برادران من در راه تو و مددکاران من بر [illegible]

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلَیْكَ وَبِكَرَمِكَ اِلی كَرَمِكَ وَبِجُودِكَ اِلی جُودِكَ وَبِرَحْمَتِكَ

خداوندا که من شفاعت میجویم بتو بسوی تو و ببزرگواری تو بسوی بزرگواری تو و ببخشش تو بسوی بخشش تو و برحمت تو

اِلی رَحْمَتِكَ وَبِاَهْلِ طاعَتِكَ اِلَیْكَ وَاَسْئَلُكَ اَللّهُمَّ بِكُلِّ ما سَاَلَكَ بِهِ اَحَدٌ مِنْهُمْ مِنْ

بسوی رحمت تو و باهل طاعت تو و در میخواهم از تو خداوندا بهر چه درخواسته است ترا بآن یکی از ایشان از

مَسْئَلَةٍ شَریفَةٍ غَیْرِ مَرْدُودَةٍ وَبِما دَعَوْكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجابَةٍ غَیْرِ مُخَیَّبَةٍ یا اَللّهُ

[illegible]

یا رَحْمنُ یا رَحیمُ یا حَلیمُ یا كَریمُ یا عَظیمُ یا جَلیلُ یا مُنیلُ یا جَمیلُ یا كَفیلُ یا وَكیلُ یا مُجیرُ

[illegible]

یا خَبیرُ یا مُنیرُ یا مُبیرُ یا مَنیعُ یا مُدیلُ یا مُحیلُ یا كَبیرُ یا قَدیرُ یا بَصیرُ یا شَكُورُ یا بَرُّ

[illegible]

یا طُهْرُ یا طاهِرُ یا قاهِرُ یا ظاهِرُ یا باطِنُ یا ساتِرُ یا مُحیطُ یا مُقْتَدِرُ یا حَفیظُ یا

ای پاک ای پاک ای غالب ای هویدا ای پنهان ای پوشاننده ای احاطه کننده ای توانا ای نگاهدارنده

مُتَجَبِّرُ یا قَریبُ یا وَدُودُ یا مَجیدُ یا حَمیدُ یا مُبْدِئُ یا مُعیدُ یا شَهیدُ یا مُحْسِنُ یا

[illegible]

مُجْمِلُ یا مُنْعِمُ یا مُفْضِلُ یا قابِضُ یا باسِطُ یا هادی یا مُرْشِدُ یا مُسَدِّدُ یا مُعْطی

[illegible]

یا مانِعُ یا دافِعُ یا رافِعُ یا باقی یا واقی یا خَلّاقُ یا وَهّابُ یا تَوّابُ یا فَتّاحُ یا نَفّاحُ

[illegible]

یا مُرْتاحُ یا مَنْ بِیَدِهِ كُلُّ مِفْتاحٍ یا نَفّاعُ یا رَؤُوفُ یا عَطُوفُ یا كافی یا شافی یا مُعافی

[illegible]

یا مُكافی یا وَفِیُّ یا مُهَیْمِنُ یا عَزیزُ یا جَبّارُ یا مُتَكَبِّرُ یا سَلامُ یا مُؤْمِنُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ

[illegible]

الیک

مقیل

یا مرشد

بازر

یا نُورُ یا مُدَبِّرُ یا فَرْدُ یا وِتْرُ یا قُدُّوسُ یا ناصِرُ یا مُونِسُ یا باعِثُ یا وارِثُ یا عالِمُ

[illegible]

یا حاكِمُ یا هادی یا بادی یا مُتَعالی یا مُصَوِّرُ یا مُسَلِّمُ یا مُتَحَبِّبُ یا قائِمُ یا دائِمُ یا

[illegible]

عَلیمُ یا حَكیمُ یا جَوادُ یا باری یا بارُّ یا سارُّ یا عَدْلُ یا فاضِلُ یا دَیّانُ یا حَنّانُ یا مَنّانُ

[illegible]

یا سَمیعُ یا بَدیعُ یا خَفیرُ یا مُعینُ یا ناشِرُ یا غافِرُ یا قَدیمُ یا مُسَهِّلُ یا مُیَسِّرُ یا مُمیتُ

[illegible]

یا مُحْیی یا نافِعُ یا رازِقُ یا مُقْتَدِرُ یا مُسَبِّبُ یا مُغیثُ یا مُغْنی یا مُقْنی یا خالِقُ یا راصِدُ

[illegible]

یا واحِدُ یا حاضِرُ یا جابِرُ یا حافِظُ یا شَدیدُ یا غِیاثُ یا عائِدُ یا قابِضُ یا مُبینُ یا طاهِرُ

[illegible]

یا مُجیبُ یا مُتَفَضِّلُ یا مُسْتَجیبُ یا عادِلُ یا بَصیرُ یا مُؤَمَّلُ یا مُسْنِدُ یا اَوّابُ یا وافی

[illegible]

یا راشِدُ یا مَلِكُ یا رَبُّ یا مُذِلُّ یا مُعِزُّ یا ماجِدُ یا رازِقُ یا وَلِیُّ یا فاضِلُ یا سُبْحانُ

[illegible]

یا مَنْ عَلا فَاسْتَعْلی فَكانَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلی یا مَنْ قَرُبَ فَدَنا وَبَعُدَ فَنَأی وَعَلِمَ السِّرَّ

ای آنکه بلند است پس بلند است [illegible] ای آنکه نزدیک است [illegible]

وَاَخْفی یا مَنْ اِلَیْهِ التَّدْبیرُ وَلَهُ الْمَقادیرُ یا مَنِ الْعَسیرُ عَلَیْهِ سَهْلٌ یَسیرٌ یا مَنْ

[illegible]

هُوَ عَلی ما یَشاءُ قَدیرٌ یا مُرْسِلَ الرِّیاحِ یا فالِقَ الْاِصْباحِ یا باعِثَ الْاَرْواحِ یا ذَا

او بر آنچه خواهد تواناست ای فرستنده بادها ای شکافنده صبح ای برانگیزنده [illegible]

الْجُودِ وَالسَّماحِ یا رادَّ ما قَدْ فاتَ یا ناشِرَ الْاَمْواتِ یا جامِعَ الشَّتاتِ یا رازِقَ

بخشش و نوازش [illegible] ای زنده کننده مردگان ای فراهم آورنده [illegible]

یا مغیر

یا منیب

ای برگردنده

علی

مَن یَشاءُ بِغَیرِ حِسابٍ وَیا فاعِلَ مَن یَشاءُ کَیفَ یَشاءُ یا ذا الجَلالِ وَالإکرامِ یا حَیُّ

اگر خواهد بی حساب و ای کننده آنچه خواهد هر روش که خواهد ای خداوند بزرگواری و کرم ای زنده

یا قَیُّومُ یا حَیّاً حینَ لا حَیَّ یا حَیُّ یا مُحیِیَ المَوتیٰ یا حَیُّ لا إلٰهَ إلّا أنتَ بَدیعَ السَّماواتِ

ای پاینده ای زنده ای زنده پیش از هر زنده ای زنده ای زنده کننده مردگان ای زنده نیست خدائی مگر تو پدید آورنده آسمانها

وَالأرضِ یا إلٰهی وَسَیِّدی صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبارِک عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ کَما

و زمین ای خدای من و بزرگ من رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانکه

صَلَّیتَ وَبارَکتَ وَرَحِمتَ وَتَرَحَّمتَ عَلیٰ إبراهیمَ وَآلِ إبراهیمَ إنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ

رحمت فرستادی و برکت دادی و رحم نمودی برابر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگی

وَارحَم ذُلّی وَفاقَتی وَفَقری وَانفِرادی وَوَحدَتی وَخُضوعی بَینَ یَدَیکَ وَ

و رحم کن خواری مرا و تنگدستی مرا و درویشی مرا و بیکسی مرا و تنهائی مرا و فروتنی مرا پیش تو و

اعتِمادی عَلَیکَ وَتَضَرُّعی إلَیکَ أدعوکَ دُعاءَ الخاضِعِ الذَّلیلِ الخاشِعِ الخائفِ

تکیه نمودن مرا بر تو و زاری نمودن مرا بسوی تو میخوانم ترا مانند خواندن فروتنی کننده خوار ترسنده

المُشفِقِ البائسِ المَهینِ الحَقیرِ الجائعِ الفَقیرِ العائذِ المُستَجیرِ المُقِرِّ بِذَنبِهِ المُستَغفِرِ

بیمناک محتاج ضعیف بی قدر گرسنه درویش پناه گیرنده زنهار جوینده اقرار دارنده بگناه

مِنهُ المُستَکینِ لِرَبِّهِ دُعاءَ مَن أسلَمَتهُ ثِقَتُهُ وَرَفَضَتهُ أحِبَّتُهُ وَعَظُمَت فَجیعَتُهُ

از گناه فروتنی کننده برای پروردگار خود مانند دعای کسیکه واگذاشته باشد او را اعتماد او و بزرگ شده مصیبت او

دُعاءَ حَرِقٍ حَزینٍ ضَعیفٍ مَهینٍ بائسٍ مِسکینٍ بِکَ مُستَجیرٍ اللّهُمَّ وَأسألُکَ

دعای سوخته غمگین ناتوان خوار محتاج درویش بتو پناه جوینده خداوندا و درخواهم

بِأنَّکَ مَلیکٌ وَأنَّکَ ما تَشاءُ مِن أمرٍ یَکُن وَأنَّکَ عَلیٰ ما تَشاءُ قَدیرٌ وَأسألُکَ

بآنکه تو پادشاهی و آنکه تو آنچه خواهی از امری میشود و بدرستیکه تو بر آنچه خواهی توانائی و درخواهم

بِحُرمَةِ هٰذا الشَّهرِ الحَرامِ وَالبَیتِ الحَرامِ وَالبَلَدِ الحَرامِ وَالرُّکنِ وَالمَقامِ وَ

بحرمت این ماه محترم و خانه محترم و بلده محترم و بحرمت رکن کعبه و مقام و

المَشاعِرِ العِظامِ وَبِحَقِّ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ عَلَیهِ وَآلِهِ السَّلامُ یا مَن وَهَبَ لِآدَمَ شیثاً

جاهای عبادت که بزرگست و بحق پیغمبر تو محمد بر او و آل او باد درود ای آنکه بخشید مر آدم را شیث

وَلِإبراهیمَ إسماعیلَ وَإسحاقَ وَیا مَن رَدَّ یوسُفَ عَلیٰ یَعقوبَ وَیا مَن کَشَفَ بَعدَ

و مر ابراهیم را اسمعیل و اسحق و ای آنکه بر گردانید یوسف را بر یعقوب و ای آنکه زایل گردانید

البَلاءِ ضُرَّ أیّوبَ یا رادَّ موسیٰ عَلیٰ أُمِّهِ وَزائِدَ الخِضرِ فی عِلمِهِ وَیا مَن وَهَبَ

بعد از بلا بد حالی ایوب را ای برگرداننده موسی بر مادرش و ای زیاده کننده خضر در علمش و ای آنکه بخشید

لِداوُدَ سُلَیمانَ وَلِزَکَرِیّا یَحییٰ وَلِمَریَمَ عیسیٰ یا حافِظَ بِنتِ شُعَیبٍ وَیا کافِلَ وَلَدِ

مر داود را سلیمان و مر زکریا را یحیی و مر مریم را عیسی ای نگاه دارنده دختر شعیب و ای کفالت کننده فرزند

موسیٰ أسألُکَ أن تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأن تَغفِرَ لی ذُنوبی کُلَّها وَتُجیرَنی

مادر موسی سؤال میکنم ترا اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی برای من گناهان مرا همگی و پناه دهی

مِن عَذابِکَ وَتوجِبَ لی رِضوانَکَ وَأمانَکَ وَإحسانَکَ وَغُفرانَکَ وَجِنانَکَ

از عذاب خود و لازم کردانی برای من خوشنودی خود را و امان خود را و احسان خود را و آمرزش خود را و بهشت

وَأسألُکَ أن تَفُکَّ عَنّی کُلَّ حَلقَةٍ بَینی وَبَینَ مَن یُؤذینی وَتَفتَحَ لی کُلَّ بابٍ

خود را سؤال میکنم از تو اینکه بر داری از من هر حلقه تنگی میان من و میان آنکه ایذا کند مرا و بگشائی برای من هر دری

وَتُلَیِّنَ لی کُلَّ صَعبٍ وَتُسَهِّلَ لی کُلَّ عَسیرٍ وَتُخرِسَ عَنّی کُلَّ ناطِقٍ بِشَرٍّ وَتَکُفَّ عَنّی

و نرم سازی برای من هر دشواری را و آسان کنی برای من هر مشکلی را و گنگ سازی از من هر سخن گوینده بدی را و باز داری

کُلَّ باغٍ وَتَکبِتَ لی کُلَّ عَدُوٍّ لی وَتَمنَعَ مِنّی کُلَّ ظالِمٍ وَتَکفِیَنی کُلَّ عائِقٍ یَحولُ

از من هر ستمکاری را و خوار سازی برای من هر دشمنی که مراست و منع کنی از من هر ظالم را و کفایت کنی از من هر مانعی که حایل شود

بَینی وَبَینَ وَلَدی وَیُحاوِلُ أن یُفَرِّقَ بَینی وَبَینَ طاعَتِکَ وَیُثَبِّطَنی عَن عِبادَتِکَ

میان من و میان فرزند من و قصد کند که جدائی افکند میان من و میان طاعت تو و باز دارد مرا از عبادت تو

یا مَن ألجَمَ الجِنَّ المُتَمَرِّدینَ وَقَهَرَ عُتاةَ الشَّیاطینِ وَأذَلَّ رِقابَ المُتَجَبِّرینَ وَرَدَّ

ای آنکه لجام کرده جن دیو سرکش را و غلبه کرده بر سرکشان دیوها را و خوار کرده گردنهای جباران را و رد کرده

کَیدَ المُتَسَلِّطینَ عَنِ المُستَضعَفینَ أسألُکَ بِقُدرَتِکَ عَلیٰ ما تَشاءُ وَتَسهیلِکَ

مکر مسلطان را از ضعیفان سؤال میکنم ترا بقدرت تو بر آنچه خواهی و آسان کردن تو

لِما تَشاءُ کَیفَ تَشاءُ أن تَجعَلَ قَضاءَ حاجَتی فیما تَشاءُ پس بسجده برو و پهلوها

مر آنچه را خواهی هر نوع که خواهی اینکه بگردانی بر آوردن حاجت مرا در آنچه خواهی روی خود را بر زمین بگذار

وحاسدٍ

ولدی وبینی

و بگو اللهم لك سجدت وبك آمنت فارحم ذلي وفاقتي واجتهادي وتضرعي
خداوندا برای تو سجده کردم و بتو گرویدم پس رحم کن خواری مرا و شکستگی مرا و کوشش مرا و زاری
ومسکنتي وفقري اليك يا رب پس حضرت فرمود که سعی کن که آب از دیده ات
بیرون آید اگرچه بقدر سر مگسی بوده باشد که آن علامت اجابت دعا است
ودر روایت دیگر وارد شده اللهم لك سجدت وبك آمنت فارحم ذلي و
است که در سجده این دعا بخواند خداوندا برای تو سجده کردم و بتو باور کردم پس رحم کن خواری مرا
خضوعي بين يديك وفقري وفاقتي اليك وارحم انفرادي وخشوعي
و فروتنی مرا در پیش تو و درویشی و احتیاج مرا بسوی تو و رحم کن تنهایی مرا و
واجتهادي بين يديك وتوكلي عليك اللهم بك استفتح وبك استنجح وبمحمد
و کوشش مرا پیش تو و اعتماد مرا بر تو خداوندا بتو طلب گشایش میکنم و بتو روا شدن حاجت میطلبم و بمحمد
عبدك ورسولك وآله اتوجه اليك اللهم سهل لي كل حزونة وذلل لي
بنده تو و رسول تو و آل او رو آوردم بسوی تو خداوندا آسان کردان برای من هر ناهمواری را و [illegible]
كل صعوبة واعطني من الخير اكثر مما ارجو وعافني من الشر واصرف عني الشر
هر مشکلی را و ببخش مرا از امر نیک بیشتر از آنچه امید دارم و سالم دار مرا از هر بدی [illegible]
وبروایت دیگر صد مرتبه بگوید یا قاضي حوائج الطالبين اقض حاجتي
بلطفك يا خفي الالطاف ودر روایت ای برآورنده حاجتهای سوال کنندگان برآور حاجت مرا
بمهربانی خود ای آنکه پنهان است لطفهای او معتبر وارد شده است که مادر داود بحضرت
عرض کرد که ای سید و آقای من این دعا را در غیر ماه میتوان خواند حضرت
فرمود بلی در روز عرفه میتوان خواند و اگر موافق افتد که در روز جمعه باشد
فارغ نمیشود مگر آنکه خدا می آمرزد او را و در هر ماه که باشد اگر ایام البیض
آن ماه را روزه بدارد و در روز پانزدهم این دعا را بخواند بنحوی که ذکر کردیم
حاجتش برآورده میشود و بروایت دیگر وارد است که حضرت فرمود که در روز
عرفه و هر روز که این دعا را بخواند برآورده میشود مؤلف گوید که از این احادیث
ظاهر میشود که در هر ماه که ایام البیض را یعنی سیزدهم و چهاردهم و پا

و پانزدهم را روزه بدارد و در روز پانزدهم این عمل را بجا آورد بمطلوب فائز
و دور نیست که در روز عرفه و جمعه و سایر ایام متبرکه نیز این عمل را بی
روزه بعمل آورد خوب باشد و اگر در غیر اشهر حرم که ذی القعده و ذی الحجه
و محرم و ماه رجب است این دعا را بخواند بجای بحرمة هذا الشهر الحرام بگوید بحرمة
الشهر الحرام و هذا را بیندازد بهتر باشد **فصل پنجم** در بیان فضایل و اعمال
نصف آخر ماه رجب است شیخ طوسی و دیگران رحمه الله علیهم گفته اند که
در روز هجدهم ابراهیم پسر رسول خدا از دنیا رفت پس حزن و اندوه
و لعن بر آنها که در این مصیبت شماتت کردند مناسب است خصوصا عایشه علیه
اللعنة و ابن عیاش که یکی از محدثان شیعه است گفته است که حضرت فاطمه
زهرا در روز بیست و یکم ماه رجب بعالم قدس ارتحال نموده اگرچه خلاف
مشهور است اما لعن بر قاتلان و ظالمان آن جگر گوشه حضرت رسالت که عمده
آنها عمر بن الخطاب علیه اللعنة والعذاب است و زیارت آن حضرت احتیاطا
مناسب است بنحوی که مذکور خواهد شد ان شاء الله و شیخ مفید گفته است
که در روز بیست و دوم این ماه معاویه علیه اللعنة بجهنم واصل شده است
مستحب است که این روز را روزه دارند بشکر این نعمت و در روز بیست و
سیم این ماه خارجیان خنجر زهرآلود بر ران مبارک حضرت امام حسن مجتبی
زدند زیارت آن حضرت و لعن بر ظالمان و قاتلان آنحضرت مناسب است
و در روز بیست و چهارم این ماه فتح خیبر بر دست معجز نمای اسد الله الغالب
علی بن ابی طالب جاری شد و مرحب یهودی بر دست آن حضرت کشته شد
گفته اند روزه این روز بشکر این نعمت و زیارت آنحضرت مستحب است و شیخ
علیه الرحمة ذکر کرده است که شهادت حضرت امام موسی کاظم در روز بیست
پنجم ماه رجب واقع شده اما احادیث بسیار در فضیلت این روز و ثواب روزه اش
وارد شده است و روایتی نقل کرده اند از ابن بابویه و غیر او که حضرت رسول
بیست و پنجم رجب مبعوث برسالت شد و این مخالف مشهور و احادیث بسیار

که بعد از ین مذکور خواهد شد اما در فضلت روزه اش شکی نیست چنانچه
از حضرت امیر المؤمنین منقولست که روزه اش کفاره گناه دویست سال است
و بسند تهای معتبر از حضرت امام رضا مرویست که هر که روز بیست پنجم ماه
رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه او را کفاره هفتاد سال گناه گرداند و هم
از آن حضرت منقولست که هر که روز بیست و ششم ماه رجب را روزه بدارد
حق تعالی روزه او را کفاره هشتاد سال گناه گرداند و روز بیست و هفتم این ماه
از جمله اعیاد عظیم و روزیست که حضرت رسول درین روز برسالت بر امت
مبعوث گردید و جبرئیل به پیغمبری بر آن حضرت نازل شد و شبش شب بسیار
مبارکی است و بسندهای معتبر از حضرت امام محمد تقی منقولست که در ماه
رجب شبی هست که بهتر است از برای مردم از آنچه آفتاب بر آن می تابد و آن شب
بیست و هفتم این ماه است و در صبح آن شب حضرت رسول برسالت مبعوث شد
و کسی که عبادت این شب را مثل اجر شصت سال عبادت با وعطا میفرماید
پرسیدند که عمل آن شب چیست فرمود که چون نماز خفتن کردی بخواب و هر
وقت از شب که بیدار شوی خواه پیش از نصف شب و خواه بعد از آن برخیز
و دوازده رکعت نماز بکن و بعد از هر دو رکعت سلام بگو و در هر رکعت بعد
از حمد یکسوره از سوره های کوچك بعد از آن را بخوان و چون از همه فارغ
شوی چنانکه نشسته سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة
الکرسی هر یك را هفت مرتبه بخوان الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریك
پس این دعا را بخوان دعا اینست سپاس مر خدا را که فرزندی نگرفته [illegible]
فی الملك و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا اللهم انی اسالك بمعاقد
[illegible]
عزك علی ارکان عرشك و منتهی الرحمة من کتابك و باسمك الاعظم الاعظم الا
[illegible] عرش تو [illegible] رحمت از کتاب تو و بحق نام تو [illegible]

وبذکرك الاعلی الاعلی الاعلی و بکلماتك التامات کلها ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان
و بذکر تو که [illegible] و بکلمات تو که تمام و کامل اند همه آنها [illegible] رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد [illegible]
تفعل بی ما انت اهله پس هر حاجت که خواهی بطلب که هر چه بطلبی مستجاب
[illegible] آنچه تو سزاوار آنی میشود مگر آنکه حاجتی بطلبی یا قطع رحم یا هلاك
جمعی از مؤمنان را طلب کنی و روزش را روزه بدار که از برای تو حساب میشود
بروزه یکسال و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر منقولست که در شب
بیست و هفتم رجب هر وقت شب که باشد دوازده رکعت نماز بجا آورد و در هر
رکعت بعد از سوره حمد چهار مرتبه قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و قل هو الله احد بخوان و چون از دوازده رکعت فارغ شوی در همان مکان چهار
مرتبه بگو لا اله الا الله و الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله و لا حول و لا قوة الا بالله
[illegible] خدا [illegible] و خدا بزرگتر است و سپاس مر خدا را و پاك است خدا [illegible]
العلی العظیم پس هر حاجت که خواهی بطلب مؤلف گوید که هر یك از این دو روایت
[illegible] که عمل کند خوبست و اگر هر دو را بکند بهتر است و اگر نماز
شب نصف رجب را که بسند صحیح مذکور شد درین شب بجا آورد خوبست
و در آن روایت وارد شده است که درین شب نیز بجا آورند و شیخ طوسی
گفته است که غسل درین شب سنت است و زیارت حضرت رسول و حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیهما درین شب مناسبست و این دعا نیز وارد
شده است درین اللهم انی اسئلك بالتجلی الاعظم فی هذه اللیلة من الشهر
شب بخوانند خداوندا بدرستیکه [illegible] بحق تجلی اعظم که بزرگترست در این شب از ماه
المعظم و المرسل المکرم ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تغفر لنا ما انت به منا
[illegible] و فرستاده شده بزرگوار [illegible] بر محمد و آل محمد و [illegible]
اعلم یا من یعلم و لا نعلم اللهم بارك لنا فی لیلتنا هذه التی بشرف الرسالة فضلتها
[illegible]
و بکرامتك اجللتها و بالمحل الشریف احللتها اللهم فانا نسألك بالمبعث
و بکرم خود [illegible]

الشريف والسيد اللطيف والعنصر العفيف ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل

شریف و آن بزرگ جوانمرد و آن اصل پرهیزکار آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی

اعمالنا في هذه الليلة وفي سائر الليالي مقبولة وذنوبنا مغفورة وحسناتنا

کردارهای ما را در این شب و در باقی شبها پذیرفته و گناهان ما را آمرزیده و نیکیهای

مشكورة وسيئاتنا مستورة وقلوبنا بحسن القول مسرورة وارزاقنا من لدنك

جزا داده شده و بدیهای ما را پوشیده و دلهای ما را بخوبی گفتار شادمان و روزیهای ما را از نزد تو

باليسر مدرورة اللهم انك ترى ولا ترى وانت بالمنظر الاعلى وان اليك الرجعى

بآسانی ریزان خداوندا که تو می‌بینی و دیده نمیشوی و تو در دیدگاه بلندتری و بدرستیکه بسوی تست بازگشت

والمنتهى وان لك الممات والمحيا وان لك الآخرة والاولى اللهم انا نعوذ بك ان

و منتهی شدن و بدرستیکه از تست مردن و زنده شدن و بدرستیکه مر تراست آخرت و دنیا خداوندا که ما پناه میبریم بتو از اینکه

نذل ونخزى وان نأتي ما عنه تنهى اللهم انا نسألك الجنة برحمتك ونستعيذ

خوار و رسوا شویم و اینکه آنچه نهی فرموده‌ای بجا آوریم خداوندا که ما سؤال میکنیم از تو بهشت را برحمت خود و پناه میجوییم

بك من النار فاعذنا منها بقدرتك ونسألك من الحور العين فارزقنا بعزتك

بتو از دوزخ پس پناه ده ما را از آن بتوانایی خود و سؤال میکنیم از سیاه‌دیدگان فراخ‌چشم پس روزی کن ما را بعزت خود

واجعل اوسع ارزاقنا عند كبر سننا واحسن اعمالنا عند اقتراب آجالنا واطل

و بگردان وسیعترین روزیهای ما را نزد پیری سن ما و نیکوترین کردارهای ما را نزد نزدیک شدن اجلهای ما و دراز کن

في طاعتك وما يقرب اليك ويحظي عندك ويزلف لديك اعمارنا واحسن في

در طاعت خود و آنچه نزدیک گرداند بسوی تو و بهره‌مند سازد ما را نزد تو و نزدیک گرداند نزد تو عمرهای ما را و نیکو گردان در

جميع احوالنا وامورنا معرفتنا ولا تكلنا الى احد من خلقك فيمن علينا وتفضل

همه احوال ما و کارهای ما شناختن ما را و وامگذار ما را بسوی یکی از آفریدگان خود پس منت گذارد بر ما و تفضل کن

علينا بجميع حوائجنا للدنيا والآخرة وابدأ بآبائنا وابنائنا وجميع اخواننا

بر ما بهمه حاجتهای ما بجهة دنیا و آخرت و ابتدا کن بپدران ما و پسران ما و همه برادران ما

المؤمنين في جميع ما سألناك لانفسنا يا ارحم الراحمين اللهم انا نسألك

که گروندگانند در همه آنچه سؤال کردیم ترا بجهة نفسهای خود ای رحیمترین رحم کنندگان خداوندا که ما سؤال میکنیم

المرجبة

باسمك العظيم وملكك القديم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لنا الذنب

بنام تو که بزرگست و پادشاهی تو که دیرینه است اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی برای ما گناه

العظيم انه لا يغفر الذنب العظيم الا العظيم اللهم وهذا رجب المكرم الذي

بزرگ را بدرستیکه نمی‌آمرزد گناه بزرگ را مگر بزرگ خداوندا و اینماه رجب گرامی است آنچنانکه

اكرمتنا به اول اشهر الحرم اكرمتنا به من بين الامم فلك الحمد يا ذا الجود والكرم

گرامی داشته ما را بآن اول ماههای محترم و گرامی داشته‌ای ما را بآن از میان امتها پس مر تراست سپاس ای خداوند بخشش و کرم

فنسألك به وباسمك الاعظم الاعظم الاجل الاكرم الذي خلقته

پس سؤال میکنیم ترا بآن و بنام تو که بزرگتر است بزرگتر است بزرگوارتر گرامیتر که آفریدی

فاستقر في ظلك فلا يخرج منك الى غيرك ان تصلي على محمد واهل بيته الطاهرين

پس قرار گرفت در سایه تو پس بیرون نرود از تو بسوی غیر تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و اهل خاندان پاک

وان تجعلنا من العاملين فيه بطاعتك والآملين فيه بشفاعتك اللهم اهدنا

و اینکه بگردانی ما را از عمل کنندگان در آن بطاعت تو و آرزومندان در اینماه بشفاعت تو خداوندا

الى سواء السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل في ظل ظليل وملك جزيل

بسوی راه راست و بگردان خوابگاه ما را نزد خود بهترین خوابگاهی در سایه ممتد و ملکی بزرگ

فانك حسبنا ونعم الوكيل اللهم اقلبنا مفلحين منجحين غير مغضوب علينا ولا

پس بدرستیکه تو بس مایی و نیکو کارگذاری خداوندا برگردان ما را رستگاران فیروزی یابندگان نه غضب کرده شدگان بر ما

ضالين برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اني اسألك بعزائم مغفرتك وبواجب

گمراهان برحمت خود ای رحیمترین رحم کنندگان خداوندا که من میخواهم از تو بسببهای مغفرتهای تو و بسبب

رحمتك السلامة من كل اثم والغنيمة من كل بر والفوز بالجنة والنجاة من النار

واجب تو سلامتی از هر گناه و غنیمت از هر نیکی و رستگاری به بهشت و خلاصی از دوزخ

اللهم دعاك الداعون ودعوتك وسألك السائلون وسألتك وطلب

خداوندا خواندند ترا خوانندگان و خواندم من ترا و درخواست از تو خواهندگان و خواستم از تو و طلب کردند

اليك الطالبون وطلبت اليك اللهم انت الثقة والرجاء واليك منتهى

بسوی تو رغبت کنندگان و رغبت نمودم بسوی تو خداوندا توئی اعتماد و امید و بسوی تست منتهای

الرغبة والدعاء اللهم فصل علی محمد واله واجعل الیقین فی قلبی و

در نیتها و خواندن خداوندا پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و بگردان یقین در دل من و

النور فی بصری والنصیحة فی صدری وذکرک فی اللیل والنهار علی لسانی

روشنائی در دیده من و پند را در سینه من و ذکر خود را در شب و روز بر زبان من

ورزقا واسعا غیر ممنون ولا محظور فارزقنی وبارک لی فیما رزقتنی واجعل

و روزی فراخی که نباشد منقطع و ممنوع پس روزی کن مرا و برکت ده برای من در آنچه روزی کردی مرا و بگردان

غنای فی نفسی ورغبتی فیما عندک برحمتک یا ارحم الراحمین پس بسجده

بی‌نیازی مرا در نفس من و خواهش مرا در آنچه نزد تست برحمت تو ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان

و بگو الحمد لله الذی هدانا لمعرفته وخصنا بولایته ووفقنا لطاعته

پس بس مر خدا را که راه نمود ما را بشناخت خود و مخصوص گردانید ما را بدوستی خود و توفیق داد ما را بطاعت خود

پس بگو شکرا شکرا صد مرتبه پس سر از سجده بردار و بگو اللهم انی قصدتک

الحمد الحمد — خداوندا قصد کردم ترا

بحاجتی واعتمدت علیک بمسئلتی وتوجهت الیک بائمتی وسادتی اللهم

بحاجت خود و تکیه کردم بر تو در سؤال خود و رو آوردم بسوی تو بوسیله امامان خود و بزرگان خود خداوندا

انفعنا بحبهم واوردنا موردهم وارزقنا مرافقتهم وادخلنا الجنة فی زمرتهم

سود رسان ما را بمحبت آنها و وارد کن ما را در جایگاه ورود آنها و روزی کن ما را رفاقت آنها و داخل کن ما را در بهشت در گروه آنها

برحمتک یا ارحم الراحمین و در روز بیست و هفتم غسل سنت است و روزه

برحمت خود ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان اش فضیلت بسیار دارد و در حدیث معتبر از

حضرت صادق منقول است که روزه اش برابر است با روزه هفتاد سال

و بروایت دیگر شصت سال و ایضا منقول است از حضرت صادق سؤال

کردند که آیا غیر عیدهای مشهور عیدی هست حضرت فرمود بلی شریفتر

و فاضلتر همه روزیست که حضرت رسول برسالت مبعوث گردیده است

و آن بیست و هفتم ماه رجب است باید که روزه بداری و صلوات بر محمد

و آل محمد بسیار بفرستی و زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین در این

روز منقول است و نماز این روز بطریق مختلفه وارد شده است و اکثر گفته‌اند

که پیش از زوال باید کرد و از اکثر احادیث ظاهر میشود که در هر وقت روز که

بکند خوب است و بسند معتبر از ریان بن الصلت منقول است که چون حضرت

امام محمد تقی به بغداد تشریف آوردند در روز نصف رجب و روز بیست و

هفتم روزه داشتند و جمیع ملازمان و اصحاب خود را فرمودند که این روز

روزه بدارند و در هر یک دوازده رکعت نماز بکنند یعنی هر دو رکعت بیک

سلام و هر رکعت را بحمد و هر سوره که خواهند بخوانند و چون از همه فارغ

شوند سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس

هر یک را چهار مرتبه بخوانند پس چهار مرتبه بگویند لا اله الا الله والله اکبر

وسبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگتر است

و پاکست خدا و سپاس مر خدا را و نیست حرکتی و نه توانائی مگر بخدای بلند و بزرگ پس چهار مرتبه بگویند

الله الله لا اشرک به شیئا پس چهار مرتبه بگویند لا اشرک بربی احدا و بسند

خدا خدا پروردگار من شریک نمیگردانم با او چیزی را شریک نمیگردانم بپروردگار خود احدی را معتبر دیگر از حضرت صاحب

الامر منقول است که درین روز دوازده رکعت نماز بجا می آوری و در هر رکعت

بعد از حمد هر سوره که میسر شود میخوانی و بعد از هر دو رکعت سلام میگوئی

و این دعا را الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی

میخوانی سپاس مر خدا را که فرا نگرفت هیچ فرزندی و نیست برای او شریکی در پادشاهی و نیست مر او را یاوری

من الذل وکبره تکبیرا یا عدتی فی مدتی یا صاحبی فی شدتی یا ولیی فی نعمتی

از خواری و بزرگ یاد کن او را بزرگ یاد کردنی ای ذخیره من در مدت من ای یار من در سختی من ای ولی من در نعمت من

یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی حاجتی یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی

ای فریادرس من در خواهش من ای برآورنده حاجت من در حاجت من ای نگاهدارنده من در غیبت من ای پاسبان من در تنهائی من

یا انیسی فی وحشتی انت الساتر عورتی فلک الحمد وانت المقیل عثرتی فلک

ای انیس من در حال وحشت من توئی پوشاننده عورت من پس مر تراست سپاس و توئی درگذرنده لغزش من پس

الحمد وانت المنعش صرعتی فلک الحمد صل علی محمد وآل محمد واستر عورتی و

روعنی واقلنی عثرتی واصفح عن جرمی وتجاوز عن سیئاتی فی اصحاب الجنة

وعد الصدق الذی کانوا یوعدون وچون از نماز ودعا فارغ شوی سوره

حمد وقل هو الله احد وقل اعوذ برب

الفلق وقل اعوذ برب الناس وقل یا ایها الکافرون وانا انزلناه وآیة الکرسی

هر یک را هفت مرتبه می خوانی پس هفت مرتبه میگوئی لا اله الا الله والله

اکبر والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله پس هفت مرتبه میگوئی

الله الله ربی لا اشرک به شیئا پس

انچه خواهی از خدا بطلب وبسند معتبر از حضرت

موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که سنتست این دعا را در رجب بخوانی

یا من امر بالعفو والتجاوز وضمن نفسه العفو والتجاوز یا من عفی وتجاوز اعف

عنی وتجاوز یا کریم اللهم وقد اکدی الطلب واعیت الحیلة والمذهب و

درست الامال وانقطع الرجاء الا منک وحدک لا شریک لک اللهم

انی اجد سبل المطالب الیک مشرعة ومناهل الرجاء لدیک مترعة وابواب

الدعاء لمن دعاک مفتحة والاستعانة لمن استعان بک مباحة واعلم انک

لداعیک بموضع اجابة وللصارخ الیک بمرصد اغاثة وان فی اللهف الی

جودک والضمان بعدتک عوضا من منع الباخلین ومندوحة عما فی ایدی

وسبحان الله

رجب

المستاثرین وانک لا تحتجب عن خلقک الا ان تحجبهم الاعمال دونک وقد

علمت ان افضل زاد الراحل الیک عزم ارادة وقد ناجاک بعزم الارادة

قلبی فاسئلک بکل دعوة دعاک بها راج بلغته امله او صارخ الیک

اغثت صرخته او ملهوف مکروب فرجت عن قلبه او مذنب خاطی غفرت

له او معافی اتممت نعمتک علیه او فقیر اهدیت غناک الیه ولتلک

الدعوة علیک حق وعندک منزلة الا صلیت علی محمد وآله وقضیت حوائجی

فی الدنیا والآخرة وهذا رجب المرجب المکرم الذی اکرمتنا به اول اشهر

الحرم واکرمتنا به من بین الامم یا ذا الجود والکرم فنسئلک به وباسمک

الاعظم الاعظم الاعظم الاجل الاکرم الذی خلقته فاستقر فی ظلک

فلا یخرج منک الی غیرک ان تصلی علی محمد واهل بیته الطاهرین وتجعلنا

من العاملین فیه بطاعتک والآملین فیه لشفاعتک اللهم واهدنا الی

سواء السبیل واجعل مقیلنا عندک خیر مقیل فی ظل ظلیل فانک حسبنا

حاجتها را

ونعم الوکیل والسلام علی عباده المصطفین وصلواته علیهم اجمعین
و نیکو کارگزاری و سلام بر بندگان او که برگزیده است و رحمتهای او بر ایشان همگی
اللهم وبارک لنا فی یومنا هذا الذی فضلته وبکرامتک جللته وبالمنزل
خداوندا و برکت ده ما را در روز ما این روز که زیادتی داده او را و بکرامت خود بزرگ کرده ای او را و بمنزل
العظیم منک انزلته وصل علی من فیه الی عبادک من ارسلته وبالمحل
بزرگ از نزد تو که فرود آورده او را و رحمت فرست بر آنکه درین روز بسوی بندگان خود فرستاده او را و بمحل
الکریم احللته اللهم صل علیه صلوة دائمة تکون لک شکرا ولنا ذخرا
گرامی که فرود آورده او را خداوندا رحمت فرست بر او رحمتی که همیشه بوده باشد مر ترا شکری و برای ما ذخیره
واجعل لنا من امرنا یسرا واختم لنا بالسعادة الی منتهی آجالنا وقد قبلت
و بگردان برای ما از امور کارهای ما آسانی را و ختم کن برای ما بنیکبختی تا آخر مدت اجلهای ما و بتحقیق پذیرفته
الیسیر من اعمالنا وبلغنا برحمتک افضل آمالنا انک علی کل شیء قدیر
اندک را از کردارهای ما و برسان ما را برحمت خود بهترین آرزوهای ما که تو بر هر چیزی توانائی
وصلی الله علی سیدنا محمد وآله وسلم وبسند معتبر از حضرت امام رضا
و رحمت فرستد خدا بر بزرگ ما محمد و آل او و درود کند منقولست که هر که روز بیست و
هشتم ماه رجب روزه بدارد کفاره نود سال گناه او گردد و هر که روز بیست
نهم را روزه بدارد کفاره صد سال گناه او باشد و هر که روز سی ام
ماه را روزه دارد حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و در روز
آخر نماز سلمان سنت است بنحوی که در اول مذکور شد و اگر احتمال نقصان
ماه باشد در روز بیست و نهم نیز احتیاط بکند و در کتب دعوات از برای همه
این ماه نماز مخصوص ذکر کرده اند چون سند معتبری بنظر نرسید نخواستم
ایراد نمایم و چون بسیار مشهور است ایراد مینمایم بر سبیل اجمال و اگر کسی
بقصد آنکه مطلق صلوة خوبست بکند بد نیست شب اول سی رکعت بعد
از حمد سه مرتبه جحد یعنی قل یا ایها الکافرون و سه مرتبه توحید
یعنی قل هو الله احد شب دوم ده رکعت با حمد و پنج مرتبه سوره اذا جا

و شب سیم ده رکعت با حمد

نصر الله در هر رکعت چهارم صد رکعت در هر دو رکعت در اول بعد
از حمد قل اعوذ برب الفلق و در دوم بعد از حمد قل اعوذ برب الناس پنجم
شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج توحید ششم دو رکعت
در هر رکعت بعد از حمد هفت نوبت آیه الکرسی هفتم چهار رکعت در هر رکعت
بعد از حمد توحید و معوذتین هر یک سه مرتبه و بعد از نماز ده مرتبه صلوات
و ده مرتبه تسبیحات اربع هشتم بیست رکعت در هر رکعت یک حمد و هر یک از
چهار قل سه مرتبه نهم دو رکعت بحمد و پنج مرتبه الهیکم التکاثر دهم دوازده
رکعت بعد از مغرب با حمد و سه مرتبه توحید یازدهم دوازده رکعت با حمد
و دوازده مرتبه آیه الکرسی دوازدهم دو رکعت با حمد و آیه آمن الرسول ده مرتبه
سیزدهم ده رکعت در هر رکعت اول بعد از حمد سوره والعادیات و در دوم
سوره الهیکم التکاثر چهاردهم سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سوره توحید
و آیه قل انما انا بشر مثلکم تا آخر سوره پانزدهم و شانزدهم سی رکعت با حمد و ده مرتبه
سوره توحید در هر رکعت هفدهم دو رکعت در هر رکعت بعد از سوره حمد
توحید و معوذتین هر یک ده مرتبه هجدهم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد
پانزده مرتبه توحید و آیه الکرسی نوزدهم دو رکعت در هر رکعت سوره حمد
و پنج مرتبه انا انزلناه بیست یکم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه
انا انزلناه و ده مرتبه توحید بیست و دوم هشت رکعت در هر رکعت یکمرتبه سوره
حمد و هفت مرتبه قل یا ایها الکافرون و بعد از فارغ شدن ده مرتبه صلوات
بر محمد و آل محمد و ده مرتبه استغفار بیست سیم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد
پنج مرتبه سوره والضحی بیست چهارم چهل رکعت در هر رکعت بعد از حمد آیه آمن الرسول
و سوره توحید یکمرتبه بیست پنجم بیست رکعت در میان نماز شام و خفتن و در
هر رکعت حمد و آیه آمن الرسول و سوره توحید یکمرتبه بیست ششم دوازده رکعت
در هر رکعت بعد از حمد چهل مرتبه توحید بیست هفتم و بیست هشتم و بیست نهم دوازده رکعت
و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره اعلی و ده مرتبه انا انزلنا و بعد

اعطیناه

از تمام کردن رکعات صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و صد مرتبه
استغفار **سیم** ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید و در
هر یک ازین نمازها ثواب بسیار مذکور است و بنا بر عدم اعتماد بر سند ذکر
نکردم و جمیع نوافل که مذکور میشود هر دو رکعت بیک سلام است و بعضی
که طولی دارد و میان نماز شام و خفتن واقع شده است و باید بعد از داخل
شدن وقت خفتن واقع شود که در نیت خالی از اشکالی نیست لهذا نماز مشهور
شب رغایب را درین رساله ایراد ننمودم با آنکه از طریق عامه نقل شده
است و معتبر نیست **باب دویم** در بیان فضایل و اعمال ماه مبارک شعبان و ایام
و لیالی آنست و در آن نیز پنج فصل است **فصل اول** در بیان فضیلت این ماه است
و ثواب روزه اش بدانکه فضل ماه شعبان زیاده از ماه رجبست و منسوبست
بحضرت سید انبیا چنانچه منقولست از حضرت صادق که چون حضرت
رسول ماه شعبانرا مشاهده مینمود امر میفرمود ندا کننده در میان مردم
که ای اهل مدینه من رسولم از جانب رسول خدا بسوی شما و میفرماید
که شعبان ماه منست خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من پس
حضرت امیر المؤمنین فرمود که از روزی که ندای منادی حضرت را
شنیدم روزه ترک نکردم و تا زنده ام ترک نخواهم کرد انشاء الله تعالی و
فرمود که روزه ماه شعبان و ماه رمضان توبه ایست از جانب خدا برای جمیع گناهان
و ایضا منقولست از ام سلمه که حضرت رسول هیچ ماه را تمام روزه نمیداشت بغیر
ماه شعبان که آنرا وصل میکرد بماه رمضان و ایضا که از آن حضرت سؤال
کردند که کدام روزه از روزه های سنت افضل است فرمود که روزه شعبان
برای تعظیم ماه رمضان و از حضرت امام محمد باقر منقولست که حضرت رسول
شعبانرا روزه میداشت و وصل میکرد بماه رمضان و میفرمود که هر دو ماه
خداست و روزه هر دو کفاره گناهان گذشته و آینده است و از حضرت
باقر منقولست که هر که ماه شعبانرا روزه دارد و او را پاک گرداند از هر لغزشی



و از قسمهای معصیت و از قسمهای در وقت غضب و از حضرت رسالت
پناه منقولست که ماه شعبان ماهی است شریف و آن ماه منست و حاملان
عرش الهی آنرا تعظیم مینمایند و حق و حرمت آنرا میشناسند و آن ماهی است
که زیاده میشود در آن روزیهای بندگان از برای ماه رمضان و زینت میکنند
در آن بهشتها را و آنرا شعبان نام کرده اند برای آنکه منشعب و بسیار میگردد در آن
روزیهای مؤمنان و حسنه در آن ماه مضاعف میگردد هفتاد برابر و گناه در آن
نیست میگردد و امر زیاد میشود و اعمال خیر در آن مقبول میگردد و خداوند
جبار نظر میکند بسوی روزه داران و عبادت کنندگان این ماه پس مباهات
میکند با ایشان با حاملان عرش پس در فضیلت روزه هر روز این ماه آنقدر
فرموده که ذکرش موجب تطویل کلام است و بسند معتبر از حضرت صادق
منقولست که روزه شعبان ذخیره بنده است از برای روز قیامت و هر بنده
که در شعبان روزه بسیار بگیرد البته حق تعالی امر معیشت او را باصلاح
آورد و کفایت کند شر دشمنان او را و کمتر ثوابی که بر روزه دار روزی از شعبان
میدهند آنست که بهشت از برای او واجب گردد و بسندهای معتبر از آن
حضرت منقولست که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه منست و رمضان
ماه خداست پس هر که یک روز از ماه من روزه بدارد من شفیع او باشم در قیامت
و هر که دو روز از ماه من روزه بدارد گناهان گذشته او آمرزیده شود و هر که
سه روز از ماه من روزه بدارد او را ندا کنند که عمل را از سر گیر یعنی هیچ گناه
نداری از حضرت امام رضا منقول است که هر که یک روز شعبانرا از برای خدا
روزه بدارد داخل بهشت شود و هر که در یک روز شعبان هفتاد مرتبه
استغفار کند در قیامت در زمره حضرت رسول محشور گردد و کرامت
خدا او را واجب گردد و هر که در شعبان تصدق بکند اگر چه بنصف دانه
خرما باشد خدا بدن او را از آتش جهنم حرام گرداند و هر که سه روز آخر
شعبانرا روزه دارد و وصل کند بماه رمضان خدا ثواب روزه دو ماه متصل

برای او بنویسند و ابن بابویه روایت کرده است از اسامه پرسیدند که کدام
ماه را حضرت رسول زیاده از ماههای دیگر روزه میگرفت گفت ماه شعبان را او میفرمود
مردم از آن غافلند و آن ماهی است که در آن ماه عملها بسوی خدا بالا میرود و دوست
میدارم که عمل من بالا رود در وقتیکه روزه باشم و ایضاً روایت کرده است
که از آن حضرت پرسیدند از روزه رجب فرمود که چرا غافلید از روزه شعبان
یعنی افضل است از آن و ایضاً روایت کرده است بسند معتبر از حضرت خیر
البشر که فرمود که شعبان ماه من است هر که از ماه من یک روز روزه دارد بهشت
او را واجب شود و هر که دو روز روزه دارد در قیامت از رفیقان پیغمبران
و صدیقان باشد و هر که تمام ماه را روزه دارد و پیوند کند بماه رمضان توبهٔ او
باشد از هر گناه کوچک و بزرگی هر چند داخل خون حرام شده باشد که او را
نفع میدهد و بسند صحیح از حضرت صادق روایت کرده است که هر که سه روز
از ماه شعبان را روزه دارد بهشت او را واجب گردد و رسول خدا شفیع او
باشد در قیامت و ایضاً بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است
که چون ماه شعبان داخل میشد حضرت امام زین العابدین اصحاب خود را جمع
مینمود و میفرمود ای گروه اصحاب من میدانید این چه ماهی است این ماه شعبان
است و حضرت رسول میفرمود شعبان ماه من است پس روزه بدارید در این ماه
از برای محبت پیغمبر خود و از برای تقرب بسوی پروردگار خود و بحق آن خداوندی
که جان علی بن الحسین بدست اوست سوگند یاد میکنم که شنیدم از پدرم
حسین بن علی که گفت شنیدم از امیر المؤمنین که هر که روزه دارد شعبان را
از برای محبت پیغمبر خدا و از برای تقرب بخدا خدا او را دوست میدارد و نزدیک
گرداند بکرامت خود در روز قیامت و بهشت را از برای او واجب گرداند و
از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده است که حضرت رسول فرمود که ماه
من است و ماه رمضان ماه خداست پس هر که ماه مرا روزه دارد من شفاعت
کنم او را در روز قیامت و هر که روزه بدارد ماه خدا را حق تعالی مونس او

گردد در وحشت قبر و او را تنها نگذارد و از قبر بیرون آید در قیامت با روی
سفید نورانی و نامهٔ عمل او را بدست راست او دهند و نامهٔ مخلد بودن در
بهشت را بدست چپ او بدهند تا آنکه او را نزد عرش الهی حاضر سازند پس حق
تعالی ندا کند که ای بندهٔ من و بگوید لبیک ای خداوند من پس خدا فرماید که روزه
داشتی از برای من گوید بلی ای آقای من پس خداوند جلیل ندا کند ملائکه را
که بگیرید دست بندهٔ مرا و ببرید نزد پیغمبر من پس بیاورند او را نزد من من با او
بگویم ماه مرا روزه داشتی او بگوید بلی من بگویم با او که من شفاعت تو میکنم پس
حقتعالی فرماید که من حقوق خود را به بندهٔ خود بخشیدم و اما حقوق خلق را
هر که از او عفو کند من انقدر عوض باو بدهم که او راضی شود پس من دست او را
بگیرم و بیاورم نزد صراط پس بینم که صراط لغزنده است و میلرزد و پای گناه
کاران بر آن بند نمیشود پس دست او را بگیرم ملکی که موکل است بر صراط گوید
کیست این مرد من گویم این فلان کس است از امت من که در دنیا ماه مرا روزه گرفته
است بامید شفاعت من و ماه خدا را روزه داشته است از برای طلب عفو
خدا پس او را از صراط بگذرانم بعفو خدا تا آنکه او را بدر بهشت رسانم پس
رضوان گوید که امروز روزی است که در را برای امت تو بگشایم و او را داخل
بهشت کنم حضرت امیر المؤمنین فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسالت را تا
شفیع شما گردد در قیامت و روزه بدارید ماه خدا را تا بیاشامید از شراب سربمهر
بهشت **فصل دوم** در بیان اعمال هر روز ماه شعبان است بسند معتبر از حضرت
امام رضا منقولست که هر که هفتاد مرتبه در ماه شعبان استغفار کند گناهانش
آمرزیده شود اگر چه بعدد ستارههای آسمان باشد و در کتاب حسین بن سعید
از حضرت صادق منقولست که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه من است
پس در این ماه بسیار صلوات بفرستید بر من و بر آل من و شعبان نیز ماه شفاعت
میگویند زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند کسی را که در این ماه صلوات
بر او و بر آل او بفرستد و از حضرت صادق منقولست که بهترین دعاها در این ماه

شعبان استغفار است و هر که در هر روز ماه شعبان استغفار کند هفتاد
مرتبه چنان باشد که در ماه های دیگر هفتاد هزار مرتبه استغفار کرده
باشد مردی پرسید که چگونه بگویم فرمود که بگو اَستَغفِرُ اللهَ وَاَسئَلُهُ التَّوبَة
و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقول است که هر که در هر روز ماه شعبان
هفتاد مرتبه بگوید اَستَغفِرُ اللهَ وَاَسئَلُهُ التَّوبَة بنویسد حق تعالی برای او
برات بیزاری از آتش جهنم و بگذراند او را از صراط و داخل بهشت گرداند او را
و بسندهای معتبر منقول است که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید
اَستَغفِرُ اللهَ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الرَّحمٰنُ الرَّحیمُ الحَیُّ القَیُّومُ وَاَتُوبُ اِلَیهِ حق تعالی
طلب آمرزش میکنم از خدائیکه نیست خدائی مگر او بخشنده مهربان زنده پاینده و بازگشت میکنم بسوی او
روح او را در افق مبین جا دهد و افق مبین فضای وسیعی است در پیش عرش و در آن
فضا نهرها جاری است و قدحها در کنار آن نهرها هست بعدد ستارهای
آسمان و در بعضی از روایات الحَیُّ القَیُّومُ پیش از الرَّحمٰنُ الرَّحیمُ است و هر دو
خوب است و بسند معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین در هر
روز شعبان این دعا را در وقت زوال و در شب نیمه آن این صلوات را میخواندند
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ وَمَوضِعِ الرِّسالَةِ وَمُختَلَفِ المَلائِکَةِ
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد درخت پیغمبری و جایگاه رسالت و محل آمد و شد فرشتگان
وَمَعدِنِ العِلمِ وَاَهلِ بَیتِ الوَحیِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الفُلکِ
و معدن دانش و خاندان وحی خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد کشتیهای
الجارِیَةِ فِی اللُّجَجِ الغامِرَةِ یَأمَنُ مَن رَکِبَها وَیَغرَقُ مَن تَرَکَها المُتَقَدِّمُ لَهُم مارِقٌ
روان در دریاهای فرو گیرنده ایمن شد کسیکه سوار آن کشتیها شد و غرق شد کسیکه [illegible]
وَالمُتَأَخِّرُ عَنهُم زاهِقٌ وَاللّازِمُ لَهُم لاحِقٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الکَهفِ
و باز پس مانده از آنها [illegible] خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد پناه
الحَصینِ وَغِیاثِ المُضطَرِّ المُستَکینِ وَمَلجَاِ الهارِبینَ وَمَنجَا الخائِفینَ وَعِصمَةِ
محکم [illegible]

المُعتَصِمینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلوٰةً کَثیرَةً طَیِّبَةً تَکُونُ لَهُم رِضاً وَ
چنگ زنندگان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد رحمت بسیار پاکیزه که بوده باشد برای آنها خوشنودی
لِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَداءً بِحَولٍ مِنکَ وَقُوَّةٍ یا رَبَّ العالَمینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ
حق محمد و آل محمد رسانیدنی بقدرت خود و توانائی ای پروردگار جهانیان خداوندا رحمت فرست بر محمد
الطَّیِّبینَ الاَبرارِ الاَخیارِ الَّذینَ اَوجَبتَ حُقُوقَهُم وَفَرَضتَ طاعَتَهُم وَوِلایَتَهُم
که پاکیزگان نیکان برگزیدگانند آنانکه واجب کردی حقوق آنها را و لازم ساختی فرمانبرداری آنها و دوستی
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعمُر قَلبی بِطاعَتِکَ وَلا تُخزِنی بِمَعصِیَتِکَ وَارزُقنی
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و آباد کن دل مرا بطاعت خود و رسوا مکن مرا بنافرمانی خود و روزی کن
مُواساةَ مَن قَتَّرتَ عَلَیهِ مِن رِزقِکَ بِما وَسَّعتَ عَلَیَّ مِن فَضلِکَ وَنَشَرتَ عَلَیَّ
احسان نمودن با کسیکه تنگ کرده بر او روزی خود را بآنچه فراخ کرده بر من از فضل خود و پهن کرده بر من
مِن عَدلِکَ وَاَحیِنی تَحتَ ظِلِّکَ وَهٰذا شَهرُ نَبِیِّکَ سَیِّدِ رُسُلِکَ صَلَواتُکَ
از عدل تو و زنده گردان مرا در زیر سایه خود و اینماه ماه پیغمبر تست بهترین رسولان تست رحمتهای تو
عَلَیهِ وَآلِهِ شَعبانُ الَّذی حَفَفتَهُ مِنکَ بِالرَّحمَةِ وَالرِّضوانِ الَّذی کانَ رَسُولُ
بر او و آل او ماه شعبان آنچنانیکه فرو گرفته او را از خود برحمت و خوشنودی آنچنانکه بود رسول
اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ یَدأَبُ فی صِیامِهِ وَقِیامِهِ فی لَیالیهِ وَاَیّامِهِ بُخُوعاً
خدا رحمت فرستد خدا بر او و آل او که عادت داده بود خود را در روزه گرفتن او و بپا ایستادن در شبهای او و روزهای او [illegible]
لَکَ فی اِکرامِهِ وَاِعظامِهِ اِلیٰ مَحَلِّ حِمامِهِ اَللّٰهُمَّ فَاَعِنّا عَلَی الاِستِنانِ بِسُنَّتِهِ
برای تو در گرامی داشتن او و بزرگ داشتن او تا هنگام موت خود خداوندا پس یاری کن ما را بر پیروی سنت او
فیهِ وَنَیلِ الشَّفاعَةِ لَدَیهِ اَللّٰهُمَّ فَاجعَلهُ لی شَفیعاً مُشَفَّعاً وَطَریقاً اِلَیکَ
در اینماه و رسیدن بشفاعت در نزد او خداوندا پس بگردان او را برای من شفاعت [illegible] راهی بسوی تو
مَهیَعاً وَاجعَلنی لَهُ مُتَّبِعاً حَتّیٰ اَلقاکَ یَومَ القِیامَةِ عَنّی راضِیاً وَعَن ذُنُوبی
هموار و بگردان مرا برای او متابعت کننده تا آنکه ملاقات کنم ترا روز قیامت از من خوشنود و از گناهان
غاضِیاً قَد اَوجَبتَ لی مِنکَ الرَّحمَةَ وَالرِّضوانَ وَاَنزَلتَنی دارَ القَرارِ وَمَحَلَّ
چشم پوشنده بجهتیکه واجب کرده باشی برای من از خود رحمت و خوشنودی را و فرود آورده باشی مرا در سرای قرار و جای

فقضاءً
و بجا آوردن
وآل محمد
وآل محمد

الأخيار سيد بن طاوس ره بسند معتبر از ابن خالويه روايت كرده است

برگزیدگان که این مناجات حضرت امیرالمؤمنین و امامان و فرزندان او است

که در ماه شعبان میخوانده اند اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَاسْمَعْ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بشنو دعای مرا هرگاه بخوانم ترا و بشنو

نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَوَقَفْتُ بَيْنَ

ندای مرا هرگاه ندا کنم ترا و روآور بمن هرگاه راز گویم با تو پس بتحقیق که گریختم بسوی تو و ایستادم در

يَدَيْكَ مُسْتَكِيناً مُتَضَرِّعاً إِلَيْكَ رَاجِياً لِمَا لَدَيْكَ ثَوَابِي وَتَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَتَخْبُرُ

پیش تو بیچاره گشته زاری کننده بسوی تو امید دارنده مر آنچه را نزد تست از ثواب من و میدانی آنچه را در نفس من

حَاجَتِي وَتَعْرِفُ ضَمِيرِي وَلَا يَخْفَىٰ عَلَيْكَ أَمْرُ مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ وَمَا أُرِيدُ

حاجت مرا و می‌شناسی دل مرا و نیست پوشیده بر تو کار آخرت من و دنیای من و آنچه اراده

أَنْ أُبْدِئَ بِهِ مِنْ مَنْطِقِي وَأَتَفَوَّهَ بِهِ مِنْ طَلِبَتِي وَأَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي وَقَدْ جَرَتْ

ابتدا کنم بآن از گفتار من و تلفظ کنم بآن از مطلبهای من و امید دارم آنرا برای عاقبت خود و بتحقیق

مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَىٰ آخِرِ عُمْرِي مِنْ سَرِيرَتِي وَعَلَانِيَتِي

تقدیرهای تو بر من ای بزرگ من در آنچه میباشد از من تا آخر عمر من از امور پنهانم و آشکارم

وَبِيَدِكَ لَا بِيَدِ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَنَقْصِي وَنَفْعِي وَضَرِّي إِلٰهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ

و بدست تست نه بدست غیر تو زیادتی و نقصان من و نفع و ضرر من ای خدای من اگر محروم کنی مرا

ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي وَإِنْ خَذَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي إِلٰهِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ

پس کیست آنکه روزی دهد مرا و اگر خوار کنی مرا پس کیست آنکه یاری کند مرا خدای من پناه میبرم بتو از

غَضَبِكَ وَحُلُولِ سَخَطِكَ إِلٰهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ

غضب تو و فرود آمدن عذاب تو ای خدای من اگر بوده باشم غیر مستوجب برای رحمت تو پس تو اهلی

أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ إِلٰهِي كَأَنِّي بِنَفْسِي وَاقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَقَدْ أَظَلَّهَا

اینکه بخشش کنی بر من بزیادتی وسعت رحمت خود ای خدای من گویا من بنفس خود ایستاده ام پیش تو و سایه افکنده باشد

حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ فَقُلْتَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَتَغَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ إِلٰهِي إِنْ عَفَوْتَ

بر نفس من توکل من بر تو پس گفته آنچه را تو سزاوار آنی و پوشیدی مرا بعفو خود ای خدای من اگر عفو کنی

مستكيناً

فَمَنْ أَوْلَىٰ مِنْكَ بِذٰلِكَ وَإِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُدْنِنِي مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ

پس کیست سزاوارتر از تو باین و اگر باشد که بتحقیق نزدیک شده است اجل من و نزدیک نگردانیده باشد مرا بتو عمل من پس بتحقیق گردانیدم

الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسِيلَتِي قَدْ جُرْتُ عَلَىٰ نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ

اقرار کردن بگناه را بسوی تو وسیله خود بتحقیق جور نموده ام بر نفس خود در نظر نمودن برای او پس برای او است وای

إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا إِلٰهِي لَمْ يَزَلْ بِرُّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعْ بِرَّكَ عَنِّي فِي مَمَاتِي

اگر نیامرزی او را ای خدای من همیشه بوده است نیکوئی تو بر من در ایام زندگانی من پس قطع مکن نیکوئی را از من بعد از مردن

إِلٰهِي كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي وَأَنْتَ لَمْ تُوَلِّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ

ای خدای من چگونه نا امید شوم از نیکوئی رحمت تو برای من بعد از مردنم و حال آنکه تو نکرده برای من مگر خوبی

فِي حَيَاتِي إِلٰهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَعُدْ بِفَضْلِكَ عَلَىٰ مُذْنِبٍ قَدْ غَمَرَهُ

در زندگانی من ای خدای من متولی شو کار مرا آنچه تو سزاوار آنی و بخشش کن بفضل خود بر گناهکاری که احاطه کرده

جَهْلُهُ إِلٰهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوباً فِي الدُّنْيَا وَأَنَا أَحْوَجُ إِلَىٰ سَتْرِهَا عَلَيَّ مِنْكَ

نادانی او ای خدای من بتحقیق که پوشیدی بر من گناهانی را در دنیا و من محتاجترم بسوی پوشیدن آنها بر من از تو

فِي الْأُخْرَىٰ إِلٰهِي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

در آخرت ای خدای من بتحقیق نیکوئی کردی بمن زیرا که ظاهر نکردی آن گناهان را برای احدی از بندگان شایسته

فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ إِلٰهِي جُودُكَ بَسَطَ وَعَفْوُكَ

پس رسوا مکن مرا روز قیامت بر رؤس اشهاد ای خدای من بخشش تو پهن کرده است و عفو تو

أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِي إِلٰهِي فَسُرَّنِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضِي فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ إِلٰهِي اعْتِذَارِي

بهتر است از کردار من ای خدای من پس شاد کن مرا بدیدن خود روزی که حکم کنی در آن میان بندگان خود ای خدای من عذر

إِلَيْكَ اعْتِذَارُ مَنْ لَمْ يَسْتَغْنِ عَنْ قَبُولِ عُذْرِهِ فَاقْبَلْ عُذْرِي يَا أَكْرَمَ مَنِ اعْتَذَرَ

بسوی تو عذر کسی است که بی نیاز نیست از قبول شدن عذرش پس بپذیر عذر مرا ای بخشنده‌ترین کسیکه

إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ إِلٰهِي لَا تَرُدَّ حَاجَتِي وَلَا تُخَيِّبْ طَمَعِي وَلَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجَائِي

بسوی او بدکنندگان ای خدای من رد مکن حاجت مرا و نا امید مکن طمع مرا و قطع مکن از خود امید مرا

وَأَمَلِي إِلٰهِي لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي وَلَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي إِلٰهِي

و آرزوی مرا ای خدای من اگر خواسته بودی خواری مرا هدایت نمیکردی مرا و اگر خواسته بودی رسوائی مرا عافیت نمیدادی

الهی
ای خدای من

املی
آرزوهای مرا

ما أظنك تردني في حاجة قد أفنيت عمري في طلبها منك إلهي فلك

[illegible]

الحمد أبدا أبدا دائما سرمدا يزيد ولا يبيد كما تحب وترضى إلهي إن أخذتني

[illegible]

بجرمي أخذتك بعفوك وإن أخذتني بذنوبي أخذتك بمغفرتك وإن أدخلتني

[illegible]

النار أعلمت أهلها أني أحبك إلهي إن كان صغر في جنب طاعتك عملي

[illegible]

فقد كبر في جنب رجائك أملي إلهي كيف أنقلب بالخيبة محروما وقد كان

[illegible]

حسن ظني بجودك أن تقلبني بالنجاة مرحوما إلهي وقد أفنيت عمري في شرة

[illegible]

السهو عنك وأبليت شبابي في سكرة التباعد منك إلهي فلم أستيقظ

[illegible]

أيام اغتراري بك وركوني إلى سبيل سخطك إلهي وأنا عبدك وابن عبدك

[illegible]

قائم بين يديك متوسل بكرمك إليك إلهي أنا عبد أتنصل إليك مما كنت

[illegible]

أواجهك به من قلة استحيائي من نظرك وأطلب العفو منك إذ العفو

[illegible]

نعت لكرمك إلهي لم يكن لي حول فأنتقل به عن معصيتك إلا في وقت

[illegible]

أيقظتني لمحبتك وكما أردت أن أكون كنت فشكرتك بإدخالي في كرمك ولتطهير

[illegible]

قلبي من أوساخ الغفلة عنك إلهي انظر إلي نظر من ناديته فأجابك واستعملته

[illegible]

بمعونتك فأطاعك يا قريبا لا يبعد عن المغتر به ويا جوادا لا يبخل عمن رجا ثوابه

[illegible]

إلهي هب لي قلبا يدنيه منك شوقه ولسانا يرفع إليك صدقه ونظرا يقربه

[illegible]

منك حقه إلهي إن من تعرف بك غير مجهول ومن لاذ بك غير مخذول ومن أقبلت

[illegible]

عليه غير مملوك إلهي إن من انتهج بك لمستنير وإن من اعتصم بك لمستجير وقد

[illegible]

لذت بك يا إلهي فلا تخيب ظني من رحمتك ولا تحجبني عن رأفتك إلهي أقمني

[illegible]

في أهل ولايتك مقام من رجا الزيادة من محبتك إلهي وألهمني ولها بذكرك إلى ذكرك

[illegible]

وهمتي في روح نجاح أسمائك ومحل قدسك إلهي بك عليك إلا

[illegible]

ألحقتني بمحل أهل طاعتك والمثوى الصالح من مرضاتك فإني لا أقدر

[illegible]

لنفسي دفعا ولا أملك لها نفعا إلهي أنا عبدك الضعيف المذنب ومملوكك

[illegible]

المنيب المعيب فلا تجعلني ممن صرفت عنه وجهك وحجبه سهوه عن عفوك

[illegible]

إلهي هب لي كمال الانقطاع إليك وأنر أبصار قلوبنا بضياء نظرها إليك

[illegible]

حتی تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الی معدن العظمة و تصیر ارواحنا

تا آنکه پاره کنند دیده‌های دلها حجابهای نور را پس برسد بسوی قرارگاه بزرگواری و بگردد روحهای ما

معلقة بعز قدسك الهی واجعلنی ممن نادیته فاجابك ولاحظته

در آویخته بعزت پاکی تو الهی و بگردان مرا از آنهائی که خواندی ایشان را پس اجابت نمودند ترا و نگریستی بایشان

فصعق لجلالك فناجیته سرا وعمل لك جهرا الهی لم اسلط علی حسن

پس بیهوش شدند بجهة بزرگواری تو پس راز گفتند ترا در پنهانی و کار کردند برای تو آشکارا الهی مسلط نساختم بر حسن گمانم

ظنی قنوط الایاس ولا انقطع رجائی من جمیل کرمك الهی ان کانت

ناامیدی را و بریده نشد امید من از کرم نیکوی تو الهی اگر بوده

الخطایا قد اسقطتنی لدیك فاصفح عنی بحسن توکلی علیك الهی ان حطتنی

گناهان پس بتحقیق انداخته باشد مرا نزد تو پس درگذر از من بحسن اعتماد من بر تو الهی اگر پست کرده

الذنوب من مکارم لطفك فقد نبهنی الیقین الی کرم عطفك الهی

گناهان از بزرگیهای مهربانی تو پس بتحقیق بیدار کرده است مرا یقین بسوی بزرگی لطف تو الهی

ان انامتنی الغفلة عن الاستعداد فقد نبهتنی المعرفة بکرم آلائك الهی

اگر خوابانیده مرا بیخبری از آماده بودن پس بتحقیق بیدار کرده مرا شناختن بزرگی نعمتهای تو

ان دعانی الی النار عظیم عقابك فقد دعانی الی الجنة جزیل ثوابك

اگر بخواند مرا بسوی دوزخ عقاب بزرگ تو پس بتحقیق بخوانده مرا بسوی بهشت ثواب وافر تو

الهی فلك اسال والیك ابتهل وارغب واسالك ان تصلی علی محمد وآل

الهی پس از تو سؤال میکنم و بتو تضرع مینمایم و رغبت میکنم و از تو مسئلت دارم که رحمت فرستی بر محمد و آل

محمد وان تجعلنی ممن یدیم ذکرك ولا ینقض عهدك ولا یغفل عن شکرك

محمد و بگردانی مرا از آنانکه همیشه دارند ذکر ترا و نشکنند پیمان ترا و غافل نشوند از سپاس

ولا یستخف بامرك الهی والحقنی بنور عزك الابهج فاکون لك عارفا وعن

و سبک نشمارند فرمان ترا الهی و برسان مرا بنور عزت تو که نیکوترست پس بوده باشم مر ترا شناسا و از

سواك منحرفا ومنك خائفا مراقبا یا ذا الجلال والاکرام وصلی الله علی

غیر تو برگشته و از تو ترسان نگاهبان ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن و رحمت فرستد خدا

اقطع

للقائك
برای ملاقات تو

والحقنی

محمد وآله الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا واین از مناجاتهای جلیل

محمد و آل او که پاکانند و درود فرستد درود بسیار القدر است و بر مضامین

عالیه مشتمل است و در همه اوقات که حضور قلبی باشد خواندن منا

سب است و از حضرت رسول منقولست که هر که در مجموع ماه شعبان هزار

مرتبه بگوید لا اله الا الله ولا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین ولو کره

المشرکون نیست خدائی مگر خدا و نمی‌پرستیم مگر او را آنکه خالص گردانیده‌ایم برای او دین را و اگر چه

ابا دارند مشرکان حق تعالی عبادت هزار ساله در نامه اعمال او بنویسد و گناه هزار

ساله از او محو کند و از قبر بیرون آید با روی نورانی مانند ماه شب چهارده

و او را صدیق بنویسد و بسند معتبر منقولست که از حضرت صادق سؤال

کردند از فضیلت روزه رجب حضرت فرمود که چرا غافل گردیده‌اید از روزه

شعبان راوی گفت یا ابن رسول الله چه ثواب دارد کسی که یک روز شعبان را

روزه دارد گفت والله بهشت ثواب اوست گفت یا ابن رسول الله بهترین عملها

در این ماه چیست فرمود تصدق کردن و طلب آمرزش نمودن هر که در این

ماه تصدق بکند حق تعالی تربیت میکند او را چنانچه یکی از شما شتر بچه

خود را تربیت میکند تا آنکه در قیامت مانند کوه احد بصاحبش برسد

فصل سیم در فضایل و اعمال ایام مخصوصه اول ماه است تا ایام البیض به

بیان

سندهای معتبر منقولست از حضرت صادق که هر که روز اول ماه شعبان را

روزه بدارد بهشت او را واجب گردد البته و از حضرت امام رضا منقولست

استحباب روزه سه روز اول وسه روز میان وسه روز آخر ماه و از

حضرت امیرالمؤمنین منقولست که رسول خدا فرمود که در هر پنجشنبه

ماه شعبان زینت میکنند آسمانها را پس ملائکه میگویند خداوندا بیامرز

روزه داران روزه داران این روز را و دعای ایشان را مستجاب گردان و روز

سیم ماه شعبان روز بسیار مبارکی است و موافق مشهور روز ولادت حضرت

امام حسین است و از حضرت صاحب الامر فرمانی بیرون آمد که روز سیم ماه

شعبان روز ولادت امام حسین است پس روزه بدارید و این دعا را بخوانید
اللهم انی اسئلک بحق المولود فی هذا الیوم الموعود بشهادته قبل استهلاله
خداوندا که من سوال میکنم ترا بحق آنکه متولد شده دراین روز و وعده داده شده بشهادت خود پیش از استهلال
وولادته بکته السماء ومن فیها والارض ومن علیها ولما یطأ لابتیها
وولادت خود گریست آسمان و آنکه در آسمانست و زمین و هرکه بر زمین است و آنکه حرکت کرده بود
قتیل العبرة وسید الاسرة الممدود بالنصرة یوم الکرة المعوض من قتله
کشته آن آنکه سرشک دیده و بزرگ قوم مدد کرده شده بیاری در روز رجعت عوض داده شده از کشته شدن
ان الائمة من نسله والشفاء فی تربته والفوز معه فی اوبته والاوصیاء
اینکه پیشوایان از فرزندان اویند و شفا در خاک مرقد اوست و رستگاری با اوست در وقت بازگشت او و اوصیا
من عترته بعد قائمهم وغیبته حتی یدرکوا الاوتار ویثاروا الثار ویرضوا
از فرزندان خود پس از ظهور قائم و غیبت او تا دریابند خونها را و طلب کنند خون را و خوشنود کنند
الجبار ویکونوا خیر انصار صلی الله علیهم مع اختلاف اللیل والنهار
خدای غالب را و بوده باشند بهترین یاوران رحمت فرستد خدا بر ایشان تا آمد و شد شب و روز
اللهم فبحقهم الیک اتوسل واسئل سؤال مقترف ومعترف مسیء الی
خداوندا پس بحق ایشان بسوی تو توسل میجویم و سوال میکنم سوال گناهکار و اعتراف کننده بدکردار
نفسه مما فرط فی یومه وامسه یسئلک العصمة الی محل رمسه اللهم
خود از تقصیری که کرده دراین روز خود و در روز گذشته خود که درخواهد از تو عصمت را تا جایگاه دفن خود خداوندا
صل علی محمد وعترته واحشرنا فی زمرته وبوئنا معه دار الکرامة ومحل
رحمت فرست بر محمد و عترت او و برانگیز ما را در گروه او و جای ده ما را با او سرای کرامت و محل
الاقامة اللهم وکما اکرمتنا بمعرفته فاکرمنا بزلفته وارزقنا مرافقته
اقامت را خداوندا و چنانچه گرامی داشتی ما را بشناخت او پس گرامی دار ما را بنزدیکی او و روزی کن ما را رفاقت او
وسابقته واجعلنا ممن یسلم لامره ویکثر الصلوة علیه عند ذکره وعلی
و سبقت کردن با او و بگردان ما را از آنها که گردن نهند مر فرمان او و بسیار فرستند رحمت بر او نزد ذکر او و بر
جمیع اوصیائه واهل اصطفائه الممدودین منک بالعدد الاثنی عشر
همه اوصیاء او و برگزیدگان که کشیده شده اند بعدد دوازده

النجوم

النجوم الزهر والحجج علی جمیع البشر اللهم وهب لنا فی هذا الیوم خیر موهبة
ستارهای روشن و حجتها بر همه آدمیان خداوندا و ببخش ما را دراین روز بهترین بخشش
وانجح لنا فیه کل طلبة کما وهبت الحسین لمحمد جده وعاذ فطرس بمهده فنحن
و برآور برای ما دراین روز هر حاجتی را چنانچه بخشیدی حسین را بمحمد جد او و پناه گرفت فطرس بمهد او پس
عائذون بقبره من بعده نشهد تربته وننتظر اوبته آمین رب العالمین
پناه میگیریم بقبر او پس از او حاضر میشویم قبر او را و انتظار میکشیم رجعت او را اجابت فرما ای پروردگار عالمیان
و زیارت آنحضرت و غسل زیارت دراین روز مستحب است و کیفیت زیارت
بعد ازین مذکور خواهد شد ان شاء الله و شیخ طوسی ره روایتی نقل
کرده است که حضرت امام حسین در روز پنجم اینماه متولد شده است کو
احتیاطا هر دو روز را حرمت بدارند و اعمال را دراین روز نیز بعمل آورند
خصوصا زیارت بهتر است و ایضا شیخ بسند معتبر از حضرت صادق
روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین در روز هفتم ماه شعبان متولد
شده است اگرچه خلاف مشهور است چنانچه در ماه رجب مذکور شد اما بنا بر
این روایت اگر روزه و زیارت آنحضرت و سایر اعمال خیر را دراین روز بعمل
آورند مناسب است **فصل چهارم** در اعمال ایام البیض ماه شعبان است یعنی
سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم در اعمال ماه رجب مذکور شد که سنت است
که در شب سیزدهم دو رکعت و در شب چهاردهم چهار رکعت و در شب
پانزدهم شش رکعت و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده
الملک و قل هو الله احد بخوانند و در نماز سنت سورهها که از حفظ نتواند خواند
از روی قرآن میتوان خواند و روزه هر سه روز سنت است و فضایل و اعمال
شب پانزدهم زیاده از آنست که دراین رساله احصا توان نمود و اکتفا می
نمائیم بانچه صحیحتر است از حضرت امیر المؤمنین منقول است که حضرت رسول ص
فرمود که چون شب نصف شعبان شود شب را بعبادت بایستید و روزش را روزه
بدارید بدرستیکه از اول تا آخر این شب ندا از جانب حقتعالی میرسد که

که آیا استغفار کننده هست که طلب آمرزش کند از گناهان خود و ما
گناهان او را بیامرزیم آیا کسی هست که طلب روزی کند ما روزی او را
فراخ کردانیم و غسل درین شب سنت است و از حضرت صادق منقولست
که روزه بدارید ماه شعبان را و در شب نیمه از غسل کند که باعث تخفیف گنا
گناهان شما باشد و رحمت الهی شما را دریابد و از جمله اعمال این شب زیارت
حضرت امام حسین است و از حضرت صادق منقولست که هر که خواهد مصافحه
کند روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر پس زیارت کند حضرت امام حسین را
در شب نصف شعبان زیرا که ملائکه و پیغمبران درین شب از خدا رخصت
می طلبند که بزیارت آنحضرت بیایند و رخصت می یابند پس خوشا حال
کسی که این بزرگواران با او مصافحه کنند و از جمله ایشانند پنج پیغمبر اولوا
العزم نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد اجمعین که مبعوث گردیده اند
بمشرق و مغرب زمین و جنیان و آدمیان و از حضرت صادق منقولست
که در شب نیمه شعبان می آمرزند جمیع گناهان کسی را که زیارت آنحضرت
کند در آن شب و اقل زیارت آنحضرت آنست که بیاید بیا بصحن گشاده در زیر آسمان
و بجانب راست آسمان و بجانب چپ و بالای سر نظر کند پس با نکشتا شارت
کند بجانب راست السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ
قبله و بگوید سلام بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای فرزند رسول خدا
السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ و اگر یکی از زیارات مبسوطه را بعمل
سلام بر تو و رحمت خدا و برکتهای او آورد بهتر است و از جمله آنها اینست
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ
سلام بر تو ای میراث برنده آدم برگزیده خدا سلام بر تو ای میراث برنده نوح پیغمبر خدا
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى
سلام بر تو ای میراث برنده ابراهیم دوست خدا سلام بر تو ای میراث برنده موسی
كَلِيمِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ اللهِ السَّلامُ
محمد دوست خدا سلام بر تو ای میراث برنده پادشاه مؤمنان دوست خدا سلام
عَلَيْكَ يَا وَارِثُ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى السَّلامُ
بر تو ای پسر محمد برگزیده سلام بر تو ای پسر علی پسندیده سلام
عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى السَّلامُ
بر تو ای پسر فاطمه درخشنده سلام بر تو ای پسر خدیجه بزرگ سلام
عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلوٰةَ وَآتَيْتَ
بر تو ای خون خدا و پسر خون او و ای خون صاحب خون گواهی میدهم که تو بتحقیق برپا داشتی نماز را و دادی
الزَّكوٰةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَطَعْتَ اللهَ وَرَسُولَهُ حَتَّى أَتَاكَ
زکوة را و امر کردی بنیکی و منع کردی از بدیها و فرمانبرداری نمودی خدا و رسول او را تا آمد ترا
الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ يَا
مرگ پس لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که شنیدند آنرا پس خوشنود شدند بآن ای
مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ
مولای من ای ابا عبدالله گواهی میدهم که تو بودی نور در پشتهای با رفعت و رحمهای
الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمَّاتِ ثِيَابِهَا
پاکیزه نجس نکرده ترا جاهلیت بنجاستهای خود و نپوشانید ترا از جامه های تیره خود
وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ
و گواهی میدهم که تو از ستونهای دین و رکنهای مؤمنانی گواهی میدهم که بتحقیق تو امام نیکوکار
التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ
پرهیزکار پسندیده پاک راه نماینده راه یافته و گواهی میدهم که پیشوایان از فرزندان تو کلمه
التَّقْوَى وَأَعْلامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ
پرهیزکاری و نشانهای هدایت و دست آویز محکم و حجت بر اهل دنیا و
أَشْهَدُ وَاللهَ وَمَلائِكَتَهُ وَأَنْبِيَاءَهُ وَرُسُلَهُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ
گواه میگیرم خدا و فرشتگان او را و پیغمبران او را و رسولان او را که من بشما تصدیق نموده ام و برجعت شما یقین دارم

بشرایع دینی وخواتیم عملی وقلبی لقلبکم سلم وامری لامرکم متبع

پس و آداب دین خود و آخرهای کردار خود و دل من مر دلهای شما را صلح و امر من مر امر شما را پیروی کننده

صلوات الله علیکم وعلی ارواحکم وعلی اجسادکم وعلی اجسامکم

درودهای خدا بر شما و بر نفوس شما و بر بدنهای شما و بر تنهای شما

وعلی شاهدکم وعلی غائبکم وعلی ظاهرکم وعلی باطنکم پس دو رکعت

و بر حاضر شما و بر پنهان شما و بر ظاهر شما و بر باطن شما

نماز زیارت میکند واگر نماز را پیش از زیارت بکند نیز خوب است واگر از دور زیارت کند پس قصد زیارت علی بن الحسین شهید بکند وبگوید السلام علیک یابن رسول الله السلام علیک یابن نبی الله السلام علیک یابن

بر تو ای فرزند فرستاده خدا سلام بر تو ای فرزند پیغمبر خدا سلام بر تو ای فرزند

امیر المؤمنین السلام علیک یابن الحسین الشهید السلام علیک

پادشاه مؤمنان سلام بر تو ای فرزند حسین شهید سلام بر تو

ایها الشهید السلام علیک ایها المظلوم وابن المظلوم لعن الله امة

ای شهید سلام بر تو ای ستم رسیده و پسر ستم رسیده لعنت کند خدا گروهی را

قتلتک ولعن الله امة ظلمتک ولعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به

که کشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که ستم کردند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که شنیدند آنرا پس خشنود شدند

پس قصد زیارت سایر شهدا رضی الله عنهم بکند وبگوید السلام علیکم یا اولیاء الله واحباءه

سلام بر شما ای یاوران خدا و دوستان او

السلام علیکم یا اصفیاء الله واوداءه السلام علیکم یا انصار دین

سلام بر شما ای برگزیدگان خدا و دوستداران او سلام بر شما ای یاوران دین

الله السلام علیکم یا انصار رسول الله السلام علیکم یا انصار

خدا سلام بر شما ای انصار رسول خدا سلام بر شما ای یاوران

امیر المؤمنین السلام علیکم یا انصار فاطمة سیدة نساء العالمین

پادشاه مؤمنان سلام بر شما ای یاوران فاطمه بزرگ زنان جهانیان

السلام

السلام علیکم یا انصار ابی محمد الحسن بن علی الزکی الناصح السلام

سلام بر شما ای یاوران ابو محمد الحسن پسر علی پاک نصیحت کننده سلام

علیکم یا انصار ابی عبد الله بابی انتم وامی طبتم وطابت الارض التی فیها دفنتم

بر شما ای یاوران ابی عبد الله پدرم و مادرم فدای شما باد پاک شدید و پاک شد زمینی که در آن دفن شدید

وفزتم فوزا عظیما فیا لیتنی کنت معکم فافوز معکم

و رستگار شدید رستگاری بزرگ پس ای کاش من بودم با شما پس رستگار شدم با شما

ودر شب اول وپانزدهم ماه رجب ودر نیمه وپنجم ماه شعبان وشبهای ماه مبارک رمضان وشبهای عید وسایر ایام که زیارت آنحضرت مستحب است بهمین طریق زیارت میتوان کرد وزیارات مبسوطه ومخصوصه را در زیارات در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام هر که خواهد رجوع بآن کتاب نماید واز جمله برکات این شب آنست که ولادت وافر السعادة حضرت صاحب الامر در این شب واقع شده وباین سبب سنت است که این دعا را در این شب بخوانند که بمنزله زیارت آن حضرت است اللهم بحق لیلتنا هذه ومولودها وحجتک وموعودها التی

خداوندا بحق این شب و بحق متولد شده در آن و بحق حجت تو و وعده داده شده

قرنت الی فضلها فضلا فتمت کلمتک صدقا وعدلا لا مبدل لکلماتک

ولا معقب لآیاتک نورک المتالق وضیاؤک المشرق والعلم النور

فی طخیاء الدیجور الغائب المستور جل مولده وکرم محتده والملائکة

شهده والله ناصره ومؤیده اذا آن میعاده والملائکة امداده سیف الله

الذی لا ینبو ونوره الذی لا یخبو وذو الحلم الذی لا یصبو مدار الدهر

ونواميس العصر وولاة الامر والمنزل عليهم الذكر وما ينزل في ليلة القدر

واصحاب الحشر والنشر تراجمة وحيه وولاة امره ونهيه اللهم فصل

على خاتمهم وقائمهم المستور عن عوالمهم وادرك بنا ايامه وظهوره

وقيامه واجعلنا من انصاره واقرن ثارنا بثاره واكتبنا في اعوانه

وخلصائه واحينا في دولته ناعمين وبصحبته غانمين وبحقه قائمين

ومن السوء سالمين يا ارحم الراحمين والحمد لله رب العالمين

وصلى الله على محمد خاتم النبيين والمرسلين وعلى اهل بيته الصادقين

وعترته الناطقين والعن جميع الظالمين واحكم بيننا وبينهم يا احكم

الحاكمين و زيد شهيد روايت كرده است كه پدرم امام زين العابدين

شب

ما هارا همه در نيمه شعبان در نزد خود جمع ميكرد و شب را

سه حصه ميكرد و در ثلث اول نماز ميكرد و در ثلث دويم دعا ميكرد

وما امين ميگفتيم بر دعاى او و ثلث اخر استغفار ميكرد و طلب آمرزش

ميكرد و ما نيز استغفار ميكرديم تا صبح طالع ميشد يعنى بعد از نماز شب

و نمازهاى اين شب بسيار است و از جمله انها چهار ركعت هر دو ركعت

بيك سلام و در هر يكى نفر از اصحاب حضرت صادق اين نماز را از ان

حضرت روايت كرده اند و در هر ركعت بعد از حمد صد مرتبه سوره

قل هو الله احد را بخواند و بعد از نماز اين دعا بخواند اللهم انى تقرب

اليك فقير ومن عذابك خائف وبك مستجير رب لا تبدل اسمى ولا

تغير جسمى رب لا تجهد بلائى رب لا تشمت بى اعدائى اعوذ بعفوك

من عذابك واعوذ برضاك من سخطك واعوذ بك منك جل ثناؤك

انت كما اثنيت على نفسك وفوق ما يقول القائلون منك وبروايت ديگر

چهار ركعت

است بدو سلام و در هر ركعت بعد از حمد دويست و پنجاه مرتبه قل

هو الله احد يا صد مرتبه بخواند و بعد از نماز اين دعا بخواند دعا اينست

اللهم انى اليك فقير وانى من عذابك خائف وبك مستجير رب لا تبدل

اسمى ولا تغير جسمى رب لا تجهد بلائى اللهم انى اعوذ بعفوك من

عقوبتك واعوذ برضاك من سخطك واعوذ برحمتك من عذابك منك

واعوذ بك منك

پناه میگیرم بتو

لا اله الا انت جل ثناؤك ولا احصى مدحتك ولا الثناء عليك

انت كما اثنيت على نفسك وفوق ما يقول القائلون رب صل على محمد وال

محمد وافعل بى كذا وكذا و حاجات خود را ياد كند و اگر اين نماز را با پنجاه

مرتبه قل هو الله احد بعمل آورد موافق ميشود

با نماز حضرت امير المؤمنين و در فضيلت ان احاديث بسيار است و

بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که شب نیمه شعبان
بهترین شبها است بعد از شب قدر و حقتعالی فضل خود را درین شب
به بندگان عطا مینماید و باحسان خود گناهان ایشانرا می آمرزد پس سعی
کنید در عبادات درین شب که این شبی است که حقتعالی بذات مقدس
خود سوگند یاد کرده است که سایلی را از درگاه خود رد نکند مگر آنکه
معصیتی از خدا طلب نماید و این شب را خدا برای ما اهل بیت قرار داده است
بازای شب قدر که از برای پیغمبر قرار داده است پس اهتمام درین شب
در دعا و ثنا کردن بر خدا بدرستی که هر که درین شب صد مرتبه سبحان الله
و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید
حقتعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و حاجتهای دنیا و آخرت او را
بر آورد خواه طلب نماید و خواه نماید راوی پرسید که بهترین دعا درین
شب کدام است فرمود که بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز بکن در رکعت
اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم سوره قل
هو الله احد بخوان و بعد از سلام سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه
مرتبه الحمد لله و سی و چهار مرتبه الله اکبر بگو بترتیب تسبیح حضرت
فاطمه بخواند ظاهرا خوب یا من الیه ملجأ العباد فی المهمات والیه یفزع
باشد پس این دعا بخواند
الخلق فی الملمات یا عالم الجهر والخفیات یا من لا یخفی علیه خواطر
الاوهام و تصرف الخطرات یا رب الخلائق والبریات یا من بیده ملکوت
الارضین والسموات انت الله لا اله الا انت امت الیک بلا اله الا
انت فیا لا اله الا انت اجعلنی فی هذه اللیلة ممن نظرت الیه فرحمته

وسمعت

وسمعت دعائه فاجبته وعلمت استقالته فاقلته وتجاوزت عن
سالف خطیئته وعظیم جریرته فقد استجرت بک من ذنوبی ولجأت
الیک فی ستر عیوبی اللهم فجد علی بکرمک وفضلک واحطط خطایای
بحلمک وعفوک وتغمدنی فی هذه اللیلة بسابغ کرامتک واجعلنی
فیها من اولیائک الذین اجتبیتهم لطاعتک واخترتهم لعبادتک و
جعلتهم خالصتک وصفوتک اللهم اجعلنی ممن سعد جده وتوفر من
الخیرات حظه من الخیرات واجعلنی ممن سلم فنعم وفاز فغنم واکفنی
شر ما اسلفت واعصمنی من الازدیاد فی معصیتک وحبب الی طاعتک
وما یقربنی منک ویزلفنی عندک سیدی الیک ملجأ الهارب و
منک ملتمس الطالب وعلی کرمک معول المستقیل التائب ادبت عبادک
بالتکرم وانت اکرم الاکرمین وامرت بالعفو عبادک وانت
الغفور الرحیم اللهم فلا تحرمنی ما رجوت من کرمک ولا تؤیسنی

من سابغ نعمك ولا تحرمني من جزيل قسمك في هذه الليلة لاهل

از نعمتهای کامل خود و بی بهره مکن مرا از قسمتهای وافر خود در این شب برای اهل

طاعتك واجعلني في جنة من شرار بريتك رب ان لم اكن من اهل

طاعت خود و بگردان مرا در حفظ خود از بدان خلق خود ای پروردگار من اگر نبوده باشم از اهل

ذلك فانت اهل الكرم والعفو والمغفرة وجد علي بما انت اهله لا

آن پس توئی سزاوار بزرگواری و عفو نمودن و آمرزش و بخشش کن بر من بآنچه تو سزاوار آنی

بما استحقه فقد حسن ظني بك وتحقق رجائي لك وعلقت نفسي بكرمك

نه بآنچه سزاوارم آنرا پس بتحقیق نیکو است گمان من بتو و ثابت است امیدم بتو و در آویخته است نفس من بکرم

وانت ارحم الراحمين واكرم الاكرمين اللهم واخصصني من كرمك

و تو رحیم ترین رحم کنندگانی و بزرگترین بزرگوارانی خداوندا و مخصوص گردان مرا از کرم

بجزيل قسمك واعذني بعفوك من عقوبتك واغفر لي الذنب الذي

بوافر از قسمتهای خود و پناه ده مرا بعفو خود از عقوبت خود و بیامرز برای من گناهی را که

على الخلق وتضيق علي الرزق حتى اقوم بصالح رضاك وانعم بجزيل

بر من خلق را و تنگ میکند بر من روزی را تا آنکه برپا دارم شایسته خوشنودی ترا و متنعم گردم بجزیل

عطائك واسعد بسابغ نعمائك فقد لذت بحرمك وتعرضت لكرمك

و از خود و نیکبخت شوم بنعمت تمام کامل تو پس بتحقیق پناه آورده ام بحرم تو و در ایستاده ام برای کرم

واستعذت بعفوك من عقوبتك وبحلمك من غضبك فجد لي بما سألتك

و پناه جسته ام بعفو تو از عقوبت تو و بحلم تو از غضب تو پس ببخش برای من آنچه سؤال کردم

وانل ما التمست منك اسئلك بك لا بشيء هو اعظم منك پس بسجده میرو

و عطا کن آنچه درخواست کرده ام از تو و در طلب کرده ام از تو سؤال میکنم بحق تو نه بحق چیزی که بزرگتر از تو باشد و میگوئی یا رب

بیست مرتبه یا الله هفت مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله هفت مرتبه

ما شاء الله لا قوة الا بالله ده مرتبه لا قوة الا بالله ده مرتبه پس صلوات

بر محمد و آل محمد بفرست آنچه خواهی و حاجت خود را از خدا بطلب و بجد

سوگند که اگر بعدد قطرات باران حاجت بطلبی حق تعالی تو را بآنها



میرساند بکرم و فضل خود و بروایت دیگر بعد از هفت مرتبه یا الله

هفت مرتبه بگوید یا رب محمد و الهي تعرض لك في هذا الليل المتعرضون

شیخ گفته است پس بگو الهی پیش آمدند ترا در این شب تعرض کنندگان

وقصدك القاصدون وامل فضلك ومعروفك الطالبون ولك

و قصد کردند ترا قصد کنندگان و آرزو کردند فضل ترا و احسان ترا سؤال کنندگان و از برای تو

في هذا الليل نفحات وجوائز وعطايا ومواهب تمن بها على من تشاء من

در این شب عطیه ها و صله ها و عطاها و بخششها که بخشش میکنی بآنها بر آنکه میخواهی از

عبادك وتمنعها من لم تسبق له العناية منك وها انا ذا عبيدك

بندگان خود و باز میداری آنها را از آنکه پیش نگرفته او را مدد از تو و اینک من بنده حقیر تو ام

الفقير اليك المؤمل فضلك ومعروفك فان كنت يا مولاي تفضلت

محتاج بسوی تو امیدوارم فضل ترا و احسان ترا پس اگر بوده باشی ای آقای من

في هذه الليلة على احد من خلقك وعدت عليه بعائدة

که بخشش نموده باشی در این شب بر یکی از خلق خود را و عود کرده باشی براو بنفعی

من عطفك فصل على محمد وآل محمد الطيبين الطاهرين الخيرين الفاضلين

از مهربانی خود پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد پاکان پاکیزگان نیکان زیاده بخشندگان

وجد علي بطولك ومعروفك يا رب العالمين وصل على محمد خاتم

و بخشش کن بر من بانعام خود و احسان خود ای پروردگار جهانیان و رحمت فرست بر محمد ختم

النبيين وآله الطاهرين وسلم تسليما ان الله حميد مجيد اللهم

پیغمبران و آل او که پاکانند و درود فرست درود فرستادنی بدرستیکه خدا ستوده بزرگوار است خداوندا

اني ادعوك كما امرت فاستجب لي كما وعدت انك لا تخلف الميعاد

بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کرده پس مستجاب کن برای من چنانکه وعده فرموده بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده را

مؤلف گوید که این دعای بسیار خوبی است و از دعاهای این شب است

اما ظاهرا جزو آن عمل سابق نیست و ابن بابویه از حضرت امام حسن

مجتبی روایت کرده است که جبرئیل بر حضرت رسول نازل شد و گفت

یا محمد امت خود را امر کن که در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند
هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره
قل هو الله احد بخوانند پس اللهم لک سجد سوادی و خیالی و بیاضی
بسجده روند و در سجده بگویند بار خدایا مر تراست سجده کرد سیاهی من و تن من و سفیدی من
یا عظیم کل عظیم اغفر لی ذنبی العظیم فانه لا یغفره غیرک یا عظیم پس
ای بزرگ هر بزرگ بیامرز برای من گناه بزرگ را زیرا که نمی آمرزد آن را غیر تو ای بزرگ
هر که این عمل را بجا آورد محو کند حق تعالی از او هفتاد و دو هزار گناه را
و مثل او حسنه در نامه اعمال او بنویسد و محو کند از پدر و مادر
هفتاد هزار گناه را و نماز دیگر نمازی است که عامه و خاصه از حضرت
رسول ص روایت کرده اند که حضرت فرمود در شب نیمه شعبان در خواب
بودم پس جبرئیل بر من نازل شد و گفت یا محمد آیا بخواب میروی در این شب
گفتم چه شب است گفت شب نیمه شعبان است پس برخیزانید مرا و برد بسوی
قبرستان بقیع و گفت سر بلند کن بسوی آسمان بدرستیکه در این شب
درهای آسمان گشوده میشود یعنی درهای رحمت و درهای خشنودی
خدا و درهای آمرزش گناهان و درهای فضل و احسان و درگاه نعمت
و درگاه جود و بخشش و می آمرزد حق تعالی از بندگان در این شب بعدد
موهای چهارپایان و موهای ایشان و پشمهای ایشان ای محمد هر که احیا
کند این شب را بگفتن الله اکبر و سبحان الله و لا اله الا الله و نماز کردن
و قرآن خواندن و طلب آمرزش نمودن و استغفار نمودن بهشت در آخرت
جای او باشد و گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود ای محمد هر که در این
شب صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد
از حمد سوره قل هو الله احد بخواند و چون از همه فارغ شود ده مرتبه آیه
الکرسی و ده مرتبه سوره حمد بخواند و صد مرتبه سبحان الله بگوید حق
تعالی صد گناه کبیره هلاک کننده او را بیامرزد و بعدد هر سوره و تسبیحی

قصری

قصری در بهشت باو عطا کند و صد نفر از اهل خانه او و خویشان او و
شریک گردانند او را در ثواب شهیدان و ثواب روزه داران انبیا و عباد
کنندگان این ماه را باو عطا کند بی آنکه از ثواب آنها چیزی کم شود پس احیا
کن این شب را ای محمد و امر کن امت خود را که احیا کنند او را و تقرب جویند
بسوی خدا بعبادت آن بدرستی که این شبی است بسیار شریف یا محمد
من چون بنزد تو می آمدم جمیع ملائکه آسمانها خود را صف کرده بودند و نزد
خدا بعبادت مشغول بودند و بعضی ایستاده بودند و بعضی در رکوع بودند
و بعضی در سجود و بعضی مشغول بودند بدعا و بعضی بتکبیر و بعضی بتسبیح
و بعضی باستغفار یا محمد بدرستی که حق تعالی در این شب نظر رحمت
بسوی بندگان می افکند و می آمرزد هر مومن را که بنماز ایستاده باشد یا
نشسته مشغول تسبیح باشد یا در رکوع و سجود باشد یا مشغول یاد خدا باشد
و این شبی است که هر که دعا کند البته دعایش مستجاب میشود و هر که
سوال کند باو عطا کرده میشود و هر که استغفار کند آمرزیده شود و هر که
توبه کند توبه او قبول کرده شود محروم کسی است که از خیر این شب محروم گردد
و از حضرت امیر المومنین منقولست که هر که در شب نیمه شعبان صد
رکعت نماز بکند با هزار مرتبه قل هو الله یعنی در هر رکعت ده مرتبه به
خواند نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس و بیم مرده باشد و نمیرد تا
آنکه صد ملک را به بیند که او را ایمن گردانند از عذاب الهی سی نفر از ایشان بشارت
دهند او را به بهشت و سی نفر آنها باشند که در دنیا او را از شر
شیطان نگاه میداشتند و سی نفر آنها باشند که در شب و روز برای
او استغفار میکردند و در ساعات شب و روز و ده نفر که او را حفظ
میکردند از شر دشمنان و منقولست که حضرت رسول در این شب این دعا
میخواندند اللهم اقسم لنا من خشیتک ما یحول بیننا و بین معصیتک و من
دعا ... بار خدایا قسمت کن برای ما از ترس خود آنچه حایل شود میان ما و میان نافرمانی تو

بشارت

طاعتك ما تبلغنا به رضوانك ومن اليقين ما يهون علينا به مصيبات
فرمانبرداری خود آنچه برسانی ما را به آن بخوشنودی خود و از یقین آنچه آسان شود بر ما به آن مصیبتهای
الدنيا اللهم امتعنا بأسماعنا وأبصارنا وقوتنا ما أحييتنا واجعلها
دنیا خداوندا بهره ور گردان ما را بگوشهای ما و دیدهای ما و توانائی ما مادام که زنده داری ما را و بگردان آنرا
الوارث منا واجعل ثارنا على من ظلمنا وانصرنا على من عادانا ولا تجعل
میراث برنده از ما و بگردان مطالبه خون ما را بر آنکه ستم کرده ما را و یاری ده ما را بر آنکه دشمنی کرده با ما و مگردان
مصيبتنا في ديننا ولا تجعل الدنيا أكبر همنا ولا مبلغ علمنا ولا تسلط
مصیبت ما را در دین ما و مگردان دنیا را بزرگترین اندیشه ما و نه رسیدنگاه دانش ما و مسلط مکن
علينا من لا يرحمنا برحمتك يا ارحم الراحمين واين دعا جامع کاملی است
بر ما آنکه رحم نکند ما را برحمت خود ای رحیمترین رحم کنندگان ومتضمن جمیع مطالب دنیا
واخرت است وچون دعای کمیل بن زیاد که از اصحاب حضرت امیرالمومنین
است بهترین دعاها است واز دعاهای این شب است ودر اوقات دیگر
نیز میتوان خواند با ترجمه درین جا ایراد مینماید که در وقت خواندن فهمیدن
معانی آن باشد تا فایده اش تمام تر و ثوابش عظیم تر باشد بدانکه سید جلیل
بن طاوس در کتاب اقبال روایت کرده است که کمیل بن زیاد گفت روزی
با مولای خود حضرت امیرالمومنین در مسجد بصره نشسته بودم شب
نیمه شعبان در آمد کورشد حضرت فرمود که هر بنده که این شب را
بعبادت احیا کند ودعای حضرت خضر را درین شب بخواند البته دعای
او مستجاب گردد وچون حضرت بمنزل مراجعت نمود شب بخدمت او
رفتم چون مرا دید پرسید که بچه کار آمده ای کمیل گفتم یا امیرالمومنین
بطلب دعای خضر آمده ام فرمود که بنشین ای کمیل چون این دعا را
حفظ نمائی در هر شب جمعه یا در هر ماهی یکمرتبه یا در سالی یکمرتبه
یا در عمری یکمرتبه بخوان تا کفایت شر دشمنان از تو بشود ویاری کرده
شوی وروزی داده شوی والبته آمرزیده شوی ای کمیل طول صحبت

وخدمت توان شد که تورا به چنین نعمتی وکرامتی ممتاز وسرافراز کرده ام
پس گفت بنویس و **هذا دعای کمیل** دعا از تلقین من نمود
بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان
اللهم اني اسئلك برحمتك التي وسعت كل شيء وبقوتك التي قهرت بها كل شيء
خداوندا که من سوال میکنم ترا برحمت تو که فراگرفته است هر چیز را وبتوانائی تو که قهر کرده با او هر چیز
وخضع لها كل شيء وذل لها كل شيء وبجبروتك التي غلبت بها كل شيء و
و خضع کرده است برای آن هر چیز را و ذلیل شده است برای آن هر چیز را و بجبر کاری تو که غالب گردیده با آن هر چیز را و
بعزتك التي لا يقوم لها شيء وبعظمتك التي ملأت كل شيء وبسلطانك
بعزت تو که در برابر آن نمی ایستد با آن هر چیز را و بعظمت تو که پر کرده است هر چیز را و بپادشاهی تو
الذي علا كل شيء وبوجهك الباقي بعد فناء كل شيء وبأسمائك التي
که برتر است هر چیز را و بذات تو که باقیست بعد از فانی شدن هر چیز و بنامهای تو که
ملأت اركان كل شيء وبعلمك الذي احاط بكل شيء وبنور وجهك
پر کرده است اجزا و ارکان هر چیز را و بدانائی تو که فرا گرفته هر چیز را و بروشنی ذات تو
الذي اضاء له كل شيء يا نور يا قدوس يا اول الاولين ويا اخر
که روشن شده است برای آن هر چیز را ای هویدا ای منزه ای پیش از پیشینیان و ای پس از
الاخرين اللهم اغفر لي الذنوب التي تهتك العصم اللهم اغفر لي
پسینیان خداوندا بیامرز برای من گناهانی را که میدرد پرده های عصمت را خداوندا بیامرز
الذنوب التي تنزل النقم اللهم اغفر لي الذنوب التي تغير النعم
گناهانی را که فرود میآورد عذابها را خداوندا بیامرز برای من گناهانی را که تغییر میدهد نعمتها را
اللهم اغفر لي الذنوب التي تحبس الدعاء اللهم اغفر لي الذنوب
خداوندا بیامرز برای من گناهانی را که حبس میکند دعا را خداوندا بیامرز برای من گناهانی را
التي تقطع الرجاء اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء اللهم
که قطع میکند امید را خداوندا بیامرز برای من گناهانی را که نازل میگرداند بلا را خداوندا

اغفر لي كل ذنب اذنبته وكل خطيئة اخطأتها اللهم اني اتقرب اليك

بیامرز برای من هر گناهی که کرده‌ام و هر خطائی که بجا آورده‌ام خداوندا که من تقرب میجویم

بذكرك واستشفع بك الى نفسك واسئلك بجودك ان تدنيني من قربك و

بیاد کردن تو و شفیع میگردانم ترا بنفس تو و درخواهم از تو ببخشش تو که نزدیک گردانی مرا بقرب خود

ان توزعني شكرك وان تلهمني ذكرك اللهم اني اسئلك سؤال خاضع

اینکه توفیق دهی مرا برای شکر خود و الهام نمائی مرا بذکر خود خداوندا که من درخواهم از تو مانند

متذلل خاشع ان تسامحني وترحمني وتجعلني بقسمك راضيا قانعا وفي

و اظهار ذلت نماینده با خشوع اگر با من مسامحه نمائی و رحم کنی مرا و بگردانی مرا بقسمت خود خوشنود و قناعت کننده و در

جميع الاحوال متواضعا اللهم واسئلك سؤال من اشتدت فاقته

همه احوال تواضع کننده خداوندا و سؤال میکنم ترا مانند سؤال کسیکه سخت شده است فقر او

وانزل بك عند الشدائد حاجته وعظم فيما عندك رغبته اللهم عظم

و فرود آورده است بتو نزد سختیها حاجت خود را و بزرگ شده است در آنچه نزد تو است رغبت او خداوندا بزرگ است

سلطانك وعلا مكانك وخفي مكرك وظهر امرك وغلب قهرك وجرت

پادشاهی تو و بلند است مکان تو و پنهانست مکر تو و هویداست امر تو و غالب است قهر تو و جاری است

قدرتك ولا يمكن الفرار من حكومتك اللهم لا اجد لذنوبي غافرا ولا

قدرت تو و ممکن نیست گریختن از حکومت تو خداوندا نمییابم برای گناهان خود آمرزنده و نه

لقبائحي ساترا ولا لشيء من عملي القبيح بالحسن مبدلا غيرك لا اله الا

برای قبایح خود پوشنده و نه برای چیزی از عمل قبیح من بعمل نیک بدل کننده غیر تو نیست خدائی مگر

انت سبحانك وبحمدك ظلمت نفسي وتجرأت بجهلي وسكنت الى قديم

تو پاکی تو و بحمد تو مشغولم ستم کردم نفس خود را و بسیار جرأت کردم بجهل خود و اعتماد کردم بقدیم

ذكرك لي ومنك علي اللهم مولاي كم من قبيح سترته وكم من فادح

یاد کردن مرا و انعام کردی بر من خداوندا ای آقای من چه بسیار از قبیح پوشیدی آنرا و چه بسیار از گران

من البلاء اقلته وكم من عثار وقيته وكم من مكروه دفعته وكم

از بلاها که زایل کردی آنرا و چه بسیار از لغزشها که نگاه داشتی از آن و چه بسیار مکروه که دفع کردی آنرا و

من ثنا

من ثناء جميل لست اهلا له نشرته اللهم عظم بلائي وافرط بي

بسیار از ثنای نیکو که من نبودم سزاوار آن پهن کردی آنرا خداوندا بزرگ شد بلای من و از حد گذشت

سوء حالي وقصرت بي اعمالي وقعدت بي اغلالي وحبسني عن نفعي بعد

بدی حال من و نارسا گردید مرا اعمال من و بازنشاند مرا غلهای من و منع کرده است مرا از نفع خود دوری

املي وخدعتني الدنيا بغرورها ونفسي بجنايتها ومطالي يا سيدي

آرزوی من و بازی داده است دنیا مرا بفریب خود و نفس من بخیانت خود و تأخیر من ای آقای من

فاسئلك بعزتك ان لا يحجب عنك دعائي سوء عملي وفعالي ولا

پس سؤال میکنم ترا بعزت تو که منع نکند از تو دعای مرا بدی عمل من و کردار من و

تفضحني بخفي ما اطلعت عليه من سري ولا تعاجلني بالعقوبة على ما

رسوا مکن مرا به پنهان آنچه مطلع شده بر آن از راز من و زود مکن مرا بعقوبت بر آنچه

عملته في خلواتي من سوء فعلي واسائتي ودوام تفريطي وجهالتي

کرده‌ام آنرا در خلوتهای خود از بدی کردار خود و بدی خود و دوام تقصیر خود و نادانی

وكثرة شهواتي وغفلتي وكن اللهم بعزتك لي في الاحوال كلها رؤفا وعلي

و بسیاری شهوتهای خود و غفلت خود و باش خداوندا بعزت خود برای من در همه احوال مهربان و بر من

في جميع الامور عطوفا الهي وربي من لي غيرك اسئله كشف ضري

در همه امور مهربان ای خدای من و پروردگار من کیست مرا غیر تو که از او سؤال کنم کشودن بدحالی خود

والنظر في امري الهي ومولاي اجريت علي حكما اتبعت فيه هوى نفسي

و نظر کردن در کار خود ای خدای من و آقای من جاری ساختی بر من حکمی را که پیروی کردم در آن خواهش نفس خود

ولم احترس فيه من تزيين عدوي فغرني بما اهوى واسعده على

و نگاه داری نکردم در آن از زینت دادن دشمن پس فریب داد مرا بآنچه خواهش داشتم و یاری کرد بر

ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى علي من ذلك من بعض حدودك و

این امر قضای خدا پس درگذشتم بآنچه جاری شد بر من از قضا از حدهای تو

خالفت بعض اوامرك فلك الحمد علي في جميع ذلك ولا حجة لي فيما جرى

مخالفت کردم پاره از امرهای ترا پس مر تراست سپاس بر من در همه آن و نیست حجتی برای من در آنچه

علی فیه قضاؤک والزمنی حکمک وبلاؤک وقد اتیتک یا الهی بعد تقصیری

بر من در آن قضای تو و لازم کرده است بر من حکم تو و بلای تو و بتحقیق که آمده ام بسوی تو ای خدای من بعد از

واسرافی علی نفسی معتذرا نادما منکسرا مستقیلا مستغفرا منیبا

و بسیار خرج کردن بر نفس خود عذر خواهنده پشیمان شکسته خواهان عفو طلب کننده آمرزش توبه کننده

مقرا مذعنا معترفا لا اجد مفرا مما کان منی ولا مفزعا اتوجه الیه

اقرار کننده و یقین کننده اعتراف کننده نمی یابم گریزگاهی از آنچه صادر شد از من و نه پناهی که رو کنم بسوی او

فی امری غیر قبولک عذری وادخالک ایای فی سعة من رحمتک

در کار خود بغیر قبول کردن تو عذر مرا و داخل کردن تو مرا در گشادگی از رحمت خود

اللهم فاقبل عذری وارحم شدة ضری وفکنی من شد وثاقی یا رب

خداوندا پس بپذیر عذر مرا و رحم کن شدت بدحالی مرا و رها کن مرا از بستن بند گران من ای پروردگار

ارحم ضعف بدنی ورقة جلدی ودقة عظمی یا من بدأ خلقی وذکری

رحم کن ضعف بدن مرا و نازکی پوست و باریکی استخوان مرا ای آنکه ابتدا کردی آفریدن مرا

وتربیتی لابتداء کرمک وسالف برک بی یا الهی وسیدی وربی

و تربیت کردن مرا برای ابتدای کرم خود و برای نیکیهایی که پیش ازین کرده ای خدای من و بزرگ من و پروردگار من

وبری وتغذیتی هبنی

و نیکی مرا و غذا دادن مرا ببخش مرا

اتراک معذبی بنارک بعد توحیدک وبعد ما انطوی علیه قلبی من

آیا می بینی خود را که عذاب کنی مرا باتش بعد از اقرار بیگانگی تو و بعد از آنکه پیچیده شده است بر آن دل من

معرفتک ولهج به لسانی من ذکرک واعتقده ضمیری من حبک

از شناختن تو و گویا شده است بآن زبان من از یاد تو و محکم کرده است آنرا دل من از دوستی تو

وبعد صدق اعترافی ودعائی خاضعا لربوبیتک هیهات انت

و بعد از راستی اعتراف من و دعای من از روی خضوع برای پروردگاری تو دور است ای خدا تو

اکرم من ان تضیع من ربیته او تبعد من ادنیته او تشرد من اویته

کریمتری از آنکه ضایع گردانی کسی را که تربیت کرده ای یا دور گردانی کسی را که نزدیک کرده ای یا برانی کسی را که جای داده ای

او تسلم الی البلاء من کفیته ورحمته ولیت شعری یا سیدی

یا بگذاری بسوی بلا کسی را که دفع شر کرده ای و او را رحم کرده ای و کاشکی میدانستم ای بزرگ من

والهی

شعبان

والهی ومولای اتسلط النار علی وجوه خرت لعظمتک ساجدة وعلی

و خدای من و آقای من آیا مسلط خواهی کرد آتش را بر رویهایی که افتاده اند برو بعظمت تو سجده کننده و بر

السن نطقت بتوحیدک صادقة وبشکرک مادحة وعلی قلوب اعترفت

زبانها که گویا شده اند بیگانگی تو راستگویان و بشکر تو مدح گویان و بر دلها که اعتراف کردند

بالهیتک محققة وعلی ضمائر حوت من العلم بک حتی صارت خاشعة

بخدایی تو از روی یقین و بر خاطرها که احاطه کرده اند از دانستن تو تا آنکه گردیده اند با خشوع

وعلی جوارح سعت الی اوطان تعبدک طائعة واشارت باستغفارک

و بر عضوها که سعی کرده اند بسوی محلهای عبادت تو بطوع و رغبت و اشاره کرده اند بطلب آمرزش تو

مذعنة ما هکذا الظن بک ولا اخبرنا بفضلک عنک یا کریم یا رب وانت

از روی اذعان نیست چنین گمان بتو و چنین خبر داده نشده ایم از فضل تو از تو ای بزرگوار ای پروردگار و تو

تعلم ضعفی عن قلیل من بلاء الدنیا وعقوباتها وما یجری فیها من المکاره

میدانی ناتوانی مرا از اندکی از بلاهای دنیا و عقوبتهای آن و آنچه جاری میشود در آن از ناخوشیها

علی اهلها علی ان ذلک بلاء ومکروه قلیل مکثه یسیر بقاؤه قصیر

بر اهل آن با آنکه این بلا و ناخوشی است که اندک است ماندن آن و کم است بقای آن کوتاه است

مدته فکیف احتمالی لبلاء الآخرة وجلیل وقوع المکاره فیها وهو

مدت آن پس چگونه باشد تاب آوردن من بلای آخرت را و بزرگی واقع شدن ناخوشیها که در آنجاست و آن

بلاء تطول مدته ویدوم مقامه ولا یخفف عن اهله لانه لا یکون

بلائیست که طولانی است مدت آن و دائم است اقامت آن و سبک نمیشود از اهل آن زیرا که آن نمی باشد

الا عن غضبک وانتقامک وسخطک وهذا ما لا تقوم له السموات

مگر از غضب تو و انتقام کشیدن تو و خشم تو و چنین امری که نمی ایستد در برابر آن آسمانها

والارض یا سیدی فکیف بی وانا عبدک الضعیف الذلیل الحقیر

و زمین ای بزرگ من پس چگونه تاب آورم و حال آنکه من بنده توام ناتوان خوار حقیر

المسکین المستکین یا الهی وربی وسیدی ومولای لای الامور

مسکین بیچاره گشته ای خدای من و پروردگار من و آقای من برای کدام کار

إِلَيْكَ أَشْكُو وَلِمَا مِنْهَا أَضِجُّ وَأَبْكِي لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ أَوْ لِطُولِ

بسوی تو شکایت کنم و برای کدام از آنها خروش کنم و گریم برای عذاب دردناک و سختی آن یا برای درازی

الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ فَلَئِنْ صَيَّرْتَنِي فِي الْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ وَجَمَعْتَ بَيْنِي

بلا و مدت آن پس اگر بگردانی مرا در عقوبتها با دشمنان خود و جمع کنی میان من

وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ فَهَبْنِي يَا إِلَهِي

و میان اهل بلای خود و جدا افکنی میان من و میان دوستان و اولیای خود پس بخشیدی ای خدای من

وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ

و بزرگ من و آقای من و پروردگار من که صبر کردم بر عذاب تو پس چگونه صبر کنم بر فراق تو

وَهَبْنِي صَبَرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ أَمْ

و گرفتم که صبر کردم بر گرمی آتش تو پس چگونه صبر کنم بر محرومی از نظر بسوی کرامت تو یا

كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوُكَ فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ

چگونه ساکن شوم در آتش و امید من آن بود که عفو کنی پس بعزت تو ای بزرگ من و آقای من

أُقْسِمُ صَادِقًا لَئِنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا لَأَضِجَّنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْآمِلِينَ

قسم میخورم راست که اگر مرا واگذاری گویا هر آینه خروش برآورم بسوی تو میان اهل جهنم خروش امیدواران

وَلَأَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَلَأَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ

و هر آینه ناله کنم بسوی تو ناله استغاثه کنندگان و هر آینه گریه کنم بر محرومی از رحمت تو گریستن گم کردگان

وَلَأُنَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ يَا غِيَاثَ

و البته ترا آواز دهم و گویم ترا که کجا بودی ای دوست مؤمنان ای نهایت آرزوهای عارفان ای

الْمُسْتَغِيثِينَ يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ أَفَتُرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ

فریادرس فریادخواهان ای دوست دلهای راستگویان آیا می بینی تو را پاک ای خدای من و بحمد

وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

و ای خداوند جهانیان

تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا

که بشنوی در جهنم صدای بنده مسلمانی که زندانی شده در آن بسبب مخالفت خود و چشیده باشد مزه عذاب آنرا

بِمَعْصِيَتِهِ وَحُبِسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ وَهُوَ يَضِجُّ إِلَيْكَ

بسبب نافرمانی خود و بند کرده شده در میان طبقات جهنم بجرم و جنایت خود و او خروش کند بسوی تو

ضَجِيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ

خروش کسیکه امیدوار رحمت تو باشد و ندا کند ترا بزبان یکانه پرستان تو و توسل جوید

إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو

بسوی تو بپروردگاری تو ای آقای من پس چگونه باقی ماند در عذاب و او امید دارد

مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ أَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النَّارُ وَهُوَ يَأْمُلُ

آنچه را پیش دیده است از بردباری تو و مهربانی تو و رحمت تو یا چگونه بدرد آورد او را آتش و امید دارد

فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهِيبُهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ

فضل ترا و رحمت ترا یا چگونه بسوزاند او را زبانه آتش و تو میشنوی صدای او را و می بینی جای او را

أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ أَمْ كَيْفَ يَتَغَلْغَلُ بَيْنَ

یا چگونه مشتمل شود بر او زبانه های آن و تو میدانی ناتوانی او را یا چگونه مضطرب شود در میان

أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَتُهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ

طبقات جهنم و تو دانی راستگوی او را یا چگونه زجر نمایند او را زبانیه جهنم و او میخواند ترا

يَا رَبَّهُ أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ

ای پروردگار یا چگونه امید دارد فضل ترا در آزاد کردن او از جهنم پس خواهی گذاشت او را در آن دور است این گمان

الظَّنُّ بِكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا مُشْبِهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ

گمان بتو و نه شناخته است از فضل تو و نه شبیه است بآنچه معامله کردی با یکتا پرستان

مِنْ بِرِّكَ وَإِحْسَانِكَ فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ

از نیکی تو و احسان تو پس بیقین قطع دارم که اگر این نبود که حکم کردی بآن که عذاب کنی

جَاحِدِيكَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا

منکران ترا همیشه در جهنم بداری معاندان خود را هر آینه میگردانیدی آتش را همه سرد و سلامت

وَقَضَيْتَ

و حکم کردی

وَمَا كَانَتْ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مُقَامًا لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ

و نمی بود احدی را در آن قرار و نه جای اقامت لیکن تو که مقدس است نامهای تو

أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ وَأَنْ

قسم یاد کردی که پر کنی جهنم را از کافران از جنیان و آدمیان همگی و آنکه

تخلد فيها المعاندين وانت جل ثناؤك قلت مبتدئا وتطولت بالانعام

جاوید داری در جهنم معاندان را و تو که بزرگ است ستایش تو گفتی ابتدا کننده و بخشش کردی به نعمت‌ها

متكرما أفمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستوون الهي وسيدي فأسألك

کرم کننده آیا کسی که بود مؤمن مانند کسی که بود فاسق مساوی نیستند ای آله من و بزرگ من پس سؤال میکنم

بالقدرة التي قدرتها وبالقضية التي حتمتها وحكمتها وغلبت من عليه

به قدرتی که مقدر کرده آن را و به حکمی که حتم کرده آن را و حکم کرده بر آن و غالب شدی بر کسی که

أجريتها أن تهب لي في هذه الليلة وفي هذه الساعة كل جرم أجرمته

جاری کردی آن را که ببخشی بمن در این شب و در این ساعت هر جرمی که کرده‌ام

وكل ذنب أذنبته وكل قبيح أسررته وكل جهل عملته كتمته أو أعلنته

و هر گناهی که مرتکب آن شده‌ام و هر کار بدی که پنهان کرده‌ام و هر نادانی که بعمل آورده‌ام خواه پنهان کرده باشم خواه

أخفيته أو أظهرته وكل سيئة أمرت بإثباتها الكرام الكاتبين الذين

یا پنهان نمودم او را یا ظاهر نمودم او را و هر بدی که امر کرده نوشتن آن را بزرگواران نویسندگان آن کسانی

وكلتهم بحفظ ما يكون مني وجعلتهم شهودا علي مع جوارحي وكنت

که وکیل کرده آنها را که حفظ کنند آنچه باشد از من و گردانیده آنها را گواهان بر من با اعضای بدن من و بودی

أنت الرقيب علي من ورائهم والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك أخفيته

تو مطلع بر من بغیر آنها و گواه بر آنچه پنهان است از ایشان و برحمت خود پنهان کردی

وبفضلك سترته وأن توفر حظي من كل خير تنزله أو إحسان تفضله

و بفضل خود پوشانیدی آن را و آنکه فراوان کنی بهره مرا از هر خیری که فرو فرستی آن را یا احسانی که تفضل نمائی

أو بر تنشره أو رزق تبسطه أو ذنب تغفره أو خطأ تستره يا رب يا رب

یا نیکوئی که پهن کنی آن را یا روزی که گشاده کنی آن را یا گناهی که بیامرزی آن را یا خطائی که بپوشانی آن را

يا رب يا إلهي وسيدي ومولاي ومالك رقي يا من بيده ناصيتي يا عليما

ای پروردگار من ای آله من و بزرگ من و آقای من و مالک بندگی من ای آنکه بدست اوست موی پیشانی من ای دانا

بضري ومسكنتي يا خبيرا بفقري وفاقتي يا رب يا رب يا رب

به بدحالی من و بیچارگی من ای مطلع بر فقر من و احتیاج من ای پروردگار من

وأسألك بحق قدسك وأعظم صفاتك وأسمائك أن تجعل أوقاتي

و سؤال میکنم از تو بحق تو و پاکی تو و بزرگترین صفات تو و نامهای تو که بگردانی اوقات مرا

في الليل والنهار بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة وأعمالي

در شب و روز بسبب ذکر خود آباد و بخدمت تو پیوسته و اعمال مرا

عندك مقبولة حتى تكون أعمالي وأورادي كلها وردا واحدا وحالي

نزد خود پسندیده تا آنکه بود همه کارهای من و وردهای من همه یک ورد و حال من

في خدمتك سرمدا يا سيدي يا من عليه معولي يا من إليه شكوت

در خدمت تو پیوسته ای بزرگ من ای آنکه بر اوست اعتماد من ای آنکه بسوی او شکایت کردم

أحوالي يا رب يا رب يا رب قو على خدمتك جوارحي واشدد على

احوال خود را ای پروردگار من توانا گردان بر خدمت خود اعضای مرا و محکم گردان بر

العزيمة جوانحي وهب لي الجد في خشيتك والدوام في الاتصال

عزم جنبه‌های خود دل مرا و ببخش مرا جد در ترس تو و مداومت در متصل بودن

بخدمتك حتى أسرح إليك في ميادين السابقين وأسرع إليك في

در خدمت تو تا روان شوم بسوی تو در میدانهای پیشروان و شتاب روم بسوی تو در

المبادرين وأشتاق إلى قربك في المشتاقين وأدنو منك دنو المخلصين

پیشی گیرندگان و مشتاق شوم بسوی قرب تو در میان مشتاقان و نزدیک شوم نزدیک شدن مخلصان

وأخافك مخافة الموقنين وأجتمع في جوارك مع المؤمنين اللهم ومن

و بترسم از تو ترسیدن صاحبان یقین و گرد آیم در همسایگی تو با مؤمنان خداوندا هر که

أرادني بسوء فأرده ومن كادني فكده واجعلني من أحسن عبادك

اراده کند مرا به بدی پس تو او را اراده کن ببدی و هر که مکر کند با من پس تو بر او مکر کن و بگردان مرا از بهترین بندگان

نصيبا عندك وأقربهم منزلة منك وأخصهم زلفة لديك فإنه

در بهره نزد تو و نزدیکترین ایشان در منزلت به تو و مخصوص‌ترین ایشان در قرب نزد تو زیرا که

لا ينال ذلك إلا بفضلك وجد لي بجودك واعطف علي

نمیتوان رسید به این مرتبه مگر بفضل تو و بخشش کن برای من بجود خود و مهربانی کن بر من

بجدك واحفظني برحمتك واجعل لساني بذكرك لهجا وقلبي بحبك

متيما ومن علي بحسن اجابتك واقلني عثرتي واغفر لي زلتي فانك

قضيت على عبادك بعبادتك وامرتهم بدعائك وضمنت لهم الاجابة

فاليك يا رب نصبت وجهي واليك يا رب مددت يدي فبعزتك

استجب لي دعائي وبلغني مناي ولا تقطع من فضلك رجائي واكفني

شر الجن والانس من اعدائي يا سريع الرضا اغفر لمن لا يملك الا الدعاء

فانك فعال لما تشاء يا من اسمه دواء وذكره شفاء وطاعته غنى ارحم

من راس ماله الرجاء وسلاحه البكاء يا سابغ النعم يا دافع النقم يا نور

المستوحشين في الظلم يا عالما لا يعلم صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما

انت اهله وصلى الله على رسوله والائمة الميامين من آله وسلم تسليما

فصل پنجم در اعمال بقیه ماه است از حضرت امام رضا منقولست که هر که

روز آخر ماه شعبان را روزه بدارد و بماه مبارک رمضان وصل کند حق

تعالی ثواب روزه دو ماه متوالی باو کرامت کند و ابو الصلت هروی روایت

کرده است که در جمعه آخر ماه شعبان بخدمت حضرت امام رضا رفتم

حضرت فرمود که ای ابو الصلت این جمعه آخر است پس تدارک و تلافی

کن در آنچه از این ماه مانده است تقصیرهارا که در ایام گذشته این ماه کرده

و بر تو باد که رو آوری بر آنچه نافع است بر تو در آخرت دعا و استغفار بسیار

بکن و تلاوت قرآن مجید بسیار بکن و توبه کن بسوی حق تعالی از گناهان خود

تا آنکه چون ماه مبارک رمضان در آید خالص کرده باشی خود را از برای

خدا و مگذار در گردن خود امانت و حق کسی را مگر آنکه ادا کنی و مگذار

در دل خود کینه کسی را مگر آنکه بیرون کنی و مگذار گناهی را که میکرده

مگر آنکه ترک کنی و از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و آشکار امور خود

و هر که بر خدا توکل کند خدا بس است او را و بسیار بخوان در بقیه این ماه

این دعا را اللهم ان لم تكن غفرت لنا فيما مضى من شعبان فاغفر لنا فيما بقي

منه

بدرستی که حق تعالی آزاد میگرداند بندهای بسیار را از آتش جهنم برای

حرمت مبارک رمضان و بسند بسیار معتبر منقولست که حضرت

صادق در شب آخر شعبان و شب اول ماه رمضان این دعا میخواندند

اللهم ان هذا الشهر المبارك الذي انزلت فيه القرآن هدى للناس

وبينات من الهدى والفرقان قد حضر فسلمنا فيه وسلمه لنا وتسلمه

منا في يسر منك وعافية يا من اخذ القليل وشكر الكثير اقبل مني

اليسير اللهم اني اسئلك ان تجعل لي الى كل خير سبيلا ومن كل ما

لا تحب مانعا يا ارحم الراحمين يا من عفى عني وعما خلوت به من السيئات

يا من لم يؤاخذني بارتكاب المعاصي عفوك يا كريم الهي وعظتني ولم
ای آنکه مؤاخذه نکردی مرا بمرتکب شدن نافرمانیها درگذر از من ای بزرگوار خدای من پند دادی مرا
اتعظ وزجرتني عن محارمك فلم انزجر فما عذري فاعف عني يا كريم عفوك
پند نگرفتم و منع کردی مرا از حرامهای خود پس ممنوع نگشتم پس چیست عذر من پس درگذر از من ای بزرگوار عفو
عفوك اللهم اني اسئلك الراحة عند الموت والعفو عند الحساب
عفو تو خداوندا که من درخواست میکنم از تو آسایش را نزد مرگ و درگذشتن را نزد حساب
عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك يا اهل التقوى و
بزرگ گشت گناه از بنده تو پس باید که نیکو باشد درگذشتن از نزد تو ای سزاوار پرهیزکاری
ويا اهل المغفرة عفوك عفوك اللهم اني عبدك ابن عبدك ابن امتك
و ای سزاوار آمرزش عفو تو عفو تو خداوندا که من بنده توام پسر بنده توام پسر کنیز تو
ضعيف فقير الى رحمتك وانت منزل الغنى والبركة على العباد قاهر
ناتوانم محتاجم بسوی رحمت تو و تو فرود آورنده توانگری و برکتی بر بندگان غالبی
مقتدر احصيت اعمالهم وقسمت ارزاقهم وجعلتهم مختلفة
توانائی شمردی کردارهای ایشان را و قسمت کردی روزیهای ایشان را و گردانیدی ایشان را مختلف
السنتهم والوانهم خلقا من بعد خلق لا يعلم العباد علمك ولا يقدر
زبانهای ایشان و رنگهای ایشان را آفریدنی بعد از آفریدنی نمیدانند بندگان دانش ترا و قادر
العباد قدرتك وكلنا فقراء الى رحمتك فلا تصرف عني وجهك
بندگان قدرت ترا و همه ما محتاجانیم بسوی رحمت تو پس مگردان از من روی خود
واجعلني من صالحي خلقك في العمل والامل والقضاء والقدر
و بگردان مرا از شایسته خلق خود در کردار و امید و در حکم خود و اندازه کردن
الهي ابقني خير البقاء وافنني خير الفناء على موالاة اوليائك ومعاداة
خدای من باقی دار مرا بهترین باقی داشتن و فانی کن مرا بهترین فانی بر دوست داشتن دوستان تو و دشمن داشتن
اعدائك والرغبة اليك والرهبة منك والخشوع والوفاء والتسليم
دشمنان تو و خواهش بسوی تو و ترس داشتن از تو و فروتنی کردن و وفا نمودن و گردن نهادن

والتصديق بكتابك واتباع سنة رسولك اللهم ما كان في قلبي من شك
و باور داشتن کتاب تو و پیروی نمودن طریقه رسول تو خداوندا آنچه باشد در دل من از شک
او ريبة او جحود او قنوط او فرح او بذخ او بطر او خيلاء او رياء او سمعة
یا بدگمانی یا انکار یا نومیدی یا شادی یا سرکشی یا طغیان یا تکبر یا ریا یا سمعه
او شقاق او نفاق او كفر او فسوق او عصيان او عظمة او شيء لا تحب
یا بدبختی یا دوروئی یا ناسپاسی یا فسق یا نافرمانی یا بزرگی یا چیزی که دوست نداری
فاسئلك يا رب ان تبدلني مكانه ايمانا بوعدك ووفاء بعهدك ورضا
پس درخواست میکنم از تو ای پروردگار من که بدل کنی بجای آن ایمان بوعده تو و وفا کردن بعهد تو و خوشنودی
بقضائك وزهدا في الدنيا ورغبة فيما عندك واثرة وطمانينة و
بحکم تو و بی رغبتی در دنیا و خواهش در آنچه نزد تست و برگزیدن و آرام گرفتن و
توبة نصوحا اسئلك ذلك يا رب العالمين الهي انت من حلمك تعصى
توبه خالص درخواست میکنم از تو آنرا ای پروردگار جهانیان خدای من تو از بردباری تو معصیت
فكانك لم تر ومن كرمك وجودك تطاع فكانك لم تعص وانا ومن لم
پس گویا که ندیده آنرا و از بزرگواری خود و بخشش خود اطاعت کرده میشوی گویا نافرمانی کرده نشده و من و کسی
يعصك سكان ارضك فكن علينا بالفضل جوادا وبالخير عوادا يا ارحم
نافرمانی نکرده ترا ساکنان زمین توایم پس باش بر ما بفضل و عطیه بخشنده و بخیر بسیار بازگردنده ای رحم
الراحمين وصلى الله على محمد وآله صلوة دائمة لا تحصى ولا تعد
کننده ترین رحم کنندگان و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او رحمتی همیشه که در شمار نیاید و شمرده نشود
ولا يقدر قدرها غيرك يا ارحم الراحمين اما نمازهای مخصوص
و اندازه نکند قدر آنرا غیر تو ای رحیم ترین رحم کنندگان
شبها که باسانید معتبره
وارد شده و علما ذکر کرده اند شب اول صد رکعت با حمد و توحید و بعد
از فارغ شدن هفتاد مرتبه سوره حمد دویم پنجاه رکعت با حمد و توحید
و معوذتین هر یك مرتبه سیم دو رکعت در هر رکعت حمد بیست و
پنج مرتبه توحید چهارم چهل رکعت در هر رکعت حمد بیست و پنج

پانزده

مرتبه توحید شب پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد و پانصد مرتبه
توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد شب ششم
چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید شب هفتم دو رکعت در
هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید شب هشتم دو رکعت در رکعت اول حمد
و آیه امن الرسول تا اخر سوره و پنج مرتبه توحید و در دوم حمد و آیه
قل انما انا بشر و پانزده مرتبه توحید شب نهم چهار رکعت در هر رکعت
حمد و ده مرتبه اذا جاء نصر الله شب دهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و
آیة الکرسی یکمرتبه و سوره انا اعطیناک الکوثر سه مرتبه شب یازدهم هشت
رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه قل یا ایها الکافرون شب دوازدهم دوازد
رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه سوره الهیکم التکاثر شب سیزدهم دو
رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه والتین شب چهاردهم چهار رکعت در هر رکعت
حمد و پنج مرتبه سوره والعصر شب پانزدهم چهار رکعت در میان نماز شام
و خفتن و در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از نماز ده مرتبه
یا رب اغفر لنا و ده مرتبه یا رب ارحمنا و ده مرتبه یا رب تب علینا و بیست
و یکمرتبه توحید و ده مرتبه سبحان الله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیا
و هو علی کل شیء قدیر شب شانزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه آیة
الکرسی و پانزده مرتبه توحید شب هفدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و
یکمرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار کند شب هجدهم ده
رکعت و در رکعت حمد و پنج مرتبه توحید شب نوزدهم دو رکعت در هر رکعت
حمد و پنج مرتبه آیه قل اللهم مالک الملک شب بیستم چهار رکعت در هر رکعت
حمد و پانزده مرتبه سوره اذا جاء نصر الله شب بیست و یکم هشت رکعت در هر رکعت
حمد و یکمرتبه توحید و معوذتین شب بیست و دوم دو رکعت در هر رکعت حمد
و یکمرتبه قل یا ایها الکافرون و پانزده مرتبه توحید شب بیست و سیم سی رکعت
در هر رکعت حمد و یکمرتبه سوره اذا جاء نصر الله شب بیست و چهارم دو رکعت

بیست و پنجم ده رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه



در هر رکعت حمد و یکمرتبه الهیکم التکاثر شب بیست و ششم دو رکعت در هر رکعت
حمد و ده مرتبه آیه امن الرسول شب بیست و هفتم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده
مرتبه سوره سبح اسم ربک الاعلی شب بیست و هشتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و
یکمرتبه توحید و معوذتین شب بیست و نهم ده رکعت در هر رکعت حمد یکمرتبه و ده
از الهیکم التکاثر و توحید و معوذتین شب سی ام دو رکعت در هر رکعت حمد و ده
مرتبه سبح اسم ربک الاعلی و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی
محمد و آل محمد باب سیم در بیان مجملی از فضایل و اعمال ماه مبارک رمضان
است و در آن هشت فصل است فصل اول در بیان فضیلت این ماه مبارک
است باید دانست که ماه رمضان ماه خداوند عالمیان است و شریفترین
ماهها است چنانچه بسند معتبر از حضرت امام رضا روایت کرده است
که حضرت رسول در آخر ماه شعبان خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس
بدرستی که رو کرده است بسوی شما ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش
ماهی است که نزد خدا بهترین ماهها است و روزهایش بهترین روزها است
و شبهایش بهترین شبها است و ساعتهایش بهترین ساعتها است آن
ماهی است که خوانده اند شما را بسوی ضیافت خدا و گردیده اید شما
در آن از اهل کرامت خدا نفسهای شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب
شما ثواب عبادت دارد و عملهای شما در آن مقبول است و دعای شما در آن
مستجاب است پس سوال کنید از پروردگار خود به نیتهای درست و دلهای
پاکیزه از گناهان و صفات ذمیمه که توفیق دهد شما را برای روزه داشتن
آن و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستی که شقی و بدعاقبت کسی است که
محروم گردد از ثواب و آمرزش خدا در این ماه عظیم و یاد کنید بگرسنگی
و تشنگی شما در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را و تصدق کنید
بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم نمایید پیران خود را و رحم کنید کوچکان
خود را و نوازش کنید خویشان خود را و نگاه دارید زبانهای خود را از

نباید گفت و بپوشید دیدهای خود را از آنچه حلال نیست شما را نظر
کردن بسوی آن و باز دارید گوشهای خود را از آنچه حلال نیست شما
شنیدن آن و مهربانی کنید با یتیمان مردم تا مهربانی کنند بعد از شما
با یتیمان شما و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود و بلند کنید
بسوی خدا دستهای خود را بعد از اوقات نمازهای خود زیرا که وقت
نمازها بهترین ساعتها است نظر میکند حق تعالی درین اوقات برحمت
بسوی بندگان خود و جواب میگوید ایشان را هرگاه مناجات کنند و لبیک
میگوید ایشان را هرگاه ندا کنند و مستجاب میگرداند هرگاه او را دعاه
کنند ای گروه مردمان بدرستی که جانهای شما در گرو کردهای شما
است پس از گرو بدر آرید بطلب آمرزش از خدا و پشتهای شما گران
بار است از گناهان شما پس سبک گردانید آنها را بطول دادن سجدها
و بدانید که حق تعالی سوگند یاد کرده است بعزت خود که عذاب
نکند نمازکنندگان و سجده کنندگان را و نترساند ایشان را باتش جهنم
در روز قیامت ایها الناس هر که از شما افطار کند درین ماه روزه دار مو
مومنی را درین ماه از برای او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن
و آمرزش گناهان گذشته پس بعضی از صحابه گفتند یا رسول الله همه ما
قدرت بر این نداریم حضرت فرمود که بپرهیزید از آتش جهنم بافطار دادن
روزه داران اگرچه بنصف دانه خرما باشد اگرچه بیک شربت آب باشد
بدرستی که خدا این ثواب را میدهد کسی را که چنین کند اگر قادر بر زیاده
از این نباشد ایها الناس هر که خلق خود را درین ماه نیکو گرداند بر صراط
بگذرد در روزی که قدمها بر آن بلغزد و هر که سبک گرداند درین ماه خدمت
غلام و کنیز خود را حق تعالی در قیامت حساب او را آسان گرداند و هر که
شر خود را از مردم باز دارد حق تعالی غضب خود را در قیامت از او باز دارد
و هر که درین ماه یتیمی را گرامی دارد خدا او را در قیامت گرامی

دارد

دارد و هر که درین ماه صله و احسان کند با خویشان خود خدا وصل
کند او را برحمت خود در قیامت و هر که درین ماه قطع احسان خود از
خویشان خود بکند خدای عز و جل در قیامت قطع رحمت از و بکند و هر که
نماز سنتی درین ماه بکند حق تعالی برات بیزاری از آتش جهنم برای او
بنویسد و هر که درین ماه نماز واجبی را ادا کند خدا عطا کند باو ثواب
هفتاد نماز واجب که در ماههای دیگر کرده شود و هر که درین ماه بسیار صلوات
فرستد بر من و بر آل من خدا سنگین گرداند ترازوی عمل او را در روزی
که ترازوهای اعمال سبک باشد و کسی که یک آیه از قرآن درین ماه بخواند
ثواب کسی داشته باشد که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد ایها الناس
بدرستی که درهای بهشت درین ماه گشاده است پس سوال کنید از پروردگار
خود درین ماه که بر روی شما نبندد و درهای جهنم درین ماه بسته است
از خدا سوال کنید که بر شما نگشاید و شیاطین را درین ماه غل میکنند پس
سوال کنید از خدا که هرگز بر شما مسلط نگرداند و ایضا از حضرت امیر
المومنین منقولست که در ماه رمضان خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس
این ماهی است که خدا آنرا بر سایر ماههای دیگر فضیلت و زیادتی داده
است مانند فضیلت ما اهل بیت بر سایر مردم و درین ماه گشوده میشود
درهای آسمان و درهای بهشت و درهای رحمت و بسته میشود در
ها درهای جهنم و درین ماه شنیده میشود نداهای مومنان و مستجاب
میگردد دعاهای ایشان و رحم میکند گریههای ایشان را و درین ماه شبی
هست که در آن شب ملائکه از آسمان بر زمین می آیند و سلام میکنند
بر مردان و زنان روزه دار برخصت پروردگار خود تا طلوع صبح و آن شب
قدر است که حق تعالی مقدر کرده است در آن شب ولایت و امامت
مرا پیش از آنکه آدم خلق کند بدو هزار سال عبادت آن شب بهتر است
از عبادت هزار ماه و روزه روزش بهتر است از روزه هزار ماه

ایها الناس بدرستی که آفتابهای ماه رمضان و ماهتابهای آن
طالع میشود بر مردان و زنان روزه دار با رحمت و این ماه شما مانند
ماههای دیگر نیست روزهایش بهترین روزها است و شبهایش
بهترین شبها است و دیوان و شیطان در این ماه غل کرده و در زنجیر بند
و زیاد میکند خدا درین ماه روزیها و عمرها را و مینویسند و مقدر میکند
درین ماه حاجیان بیت الله را و در این ماه حق تعالی رو میکند بسوی اهل
ایمان با مرزش و فیروزی و رحمت و روزی و خوشنودی خداوند جزا
دهنده ای روزه دار تدبیر کار خود بکن بدرستی که درین ماه مهمان
پروردگار خودی نظر کن و تامل نما که چگونه خواهی بود در شب خود
و در روز خود و چگونه نگاه میداری اعضا و جوارح خود را از معصیتهای
پروردگار پس نظر کن که شبها در خواب نباشی و روزها غافل از یاد خدا
نباشی پس بیرون رود ماه مبارک و گناهان تو بر تو باقی مانده باشد پس
در هنگامی که روزه داران مزدهای خود را گیرند تو از جمله زیان کاران
نباشی و در وقتی که بکرامت آقای خود فایز گردند از جمله محرومان باشی
و در روزی که سعادتمند گردند بمجاورت دوستان پروردگار خود
تو از رانده شدها باشی ای روزه دار اگر ترا آقای تو از درگاه خود بر
گرداند بکدام درگاه رو خواهی آورد و اگر محروم گرداند پروردگار تو
کی روزی خواهد داد ترا و اگر او ترا خوار کند کی ترا گرامی خواهد
داشت و اگر او ترا ذلیل گرداند کی ترا گرامی خواهد کرد و اگر او
ترا وا گذارد کی ترا یاری خواهد کرد و اگر او ترا از بندگان خود قبول
نکند بندگی کدام خداوند را اختیار خواهی کرد و اگر از لغزشها و گنا
گناهان ترا نیامرزد امید بکی خواهی داشت برای آمرزش گناهان
خود و اگر حق خود را که بر تو واجب گردانیده از تو طلب نماید چه جواب
در برابر خواهی گفت ای روزه دار تقرب بجوی بسوی خدا بتلاوت

کردن

کردن کتاب خدا در شبها و روزهای این ماه زیرا که کتاب خدا شفاعت
کننده ایست که شفاعت او را قبول میکنند و در قیامت شفاعت میکند
برای اهل که تلاوتش کرده اند پس بالا میروند بر درجات بهشت بعدد
تلاوت آیات قرآن ای روزه دار بشارت باد ترا که هر نفسی که میکشی ثواب
تسبیح در نامه عمل تو مینویسند و خواب تو درین ماه عبادتست و طاعت
تو درین ماه مقبولست و گناهان تو درین ماه آمرزیده است و آوازهای تو درین
ماه بدعا شنیده شده است و بمناجات و زاری که با خدا میکنی بر تو رحم
میکند بدرستی که شنیدم از حبیب خود حضرت رسول که خداوند
عالمیان را در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان آزاد کردها هست
از آتش جهنم که عدد ایشان را بغیر از خدا کسی نمی داند چون شب آخر ماه
میشود در آن شب می آمرزد مثل آنچه در جمیع ماه آمرزیده است و ایضا
فرمود که هر که ماه رمضان را روزه دارد و نفس خود را از چیزها که خدا
حرام کرده است نگاه دارد بهشت او را واجب گردد و هر که در این ماه روزه
دارد و در هیچ شب از شبهای آن بحرام افطار نکند البته داخل بهشت
شود پس حضرت امیر فرمود که شنیدم از سید انبیا که فرمود که بهترین
اوصیای پیغمبران در بهترین ماهها شهید خواهد شد گفتم بهترین
ماهها کدام است و بهترین اوصیا کیست فرمود که بهترین ماهها ماه رمضان
است و بهترین اوصیا تو ئی یا علی گفتم یا رسول الله این البته خواهد شد فرمود
که بلی بحق پروردگارم بدرستی که ترا انگیخته میشود بدبخت ترین امت من
جفت پی کننده ناقه صالح و ضربتی بر سر تو خواهد زد که ریشت از خون
سرت خضاب شود پس مردم شروع بگریه و فغان کردند و حضرت از
منبر بزیر آمد و ایضا از حضرت رسول منقولست بسندهای معتبر
که فرمود ایها الناس هر که وارد شود بر او ماه رمضان پس روزه دارد
روزها را و بایستد بنماز و عبادت قدر مقرری از شبها را و نماز ها

در اوقات فضیلت بجا آورد و مبادرت کند بنماز جمعه آن و بامداد بنماز
عیدان حاضر شود پس دریابنده خواهد ثواب شب قدر را و فایز میگردد
بجایزها و بخششهای بزرگ و بخششهای خدا مانند بخششهای بندگان
نیست فصل دوم در بیان حقیقت روزه‌ها است و آنچه در آن معتبر است
بدانکه روزه باز داشتن خود است از چیزی چند که روزه را میشکند
از طلوع صبح تا برطرف شدن سرخی از جانب مشرق بنابر مشهور تا پنهان
شدن قرص آفتاب یعنی برطرف شدن شعاع آن از کوهها و عمارات
مرتفعه و قول اول احوط است با نیت قربت پس باید که بداند اینچیزها را
تا نیت تواند کرد و چون میان علما اختلاف بسیار هست در اینها اگر
قصد کند ترک همه را از برای رضای خدا ظاهرا کافی باشد اما بهتر
آنست که آنچه متیقن باشد وجوب ترک آنها قصد ترک آنها کند بعنوان
وجوب خلافی باشد قصد ترک آنها کند احتیاطا و آنچه بی دغدغه
مکروه باشد ترک آنها کند مستحبا و اگر قصد ترک جمیع محرمات را کند
بهتر است و اما آنها که واجبست ترک آنها کردن اول و دوم چیز خوردن
و آشامیدن و چیزی که خوردن و آشامیدن آن متعارف و معتاد باشد
در آن خلافی نیست که مبطل صوم است و موجب قضا و کفاره هر دو میشود
و اگر بعنوان معتاد بخورد و اگر بغیر معتاد باشد مانند آنکه در دماغ
یا گوش بچکاند چیزی را و بحلق داخل شود محل خلاف است و همچنین خلاف
است در خوردن و آشامیدن چیزی که خوردن و آشامیدن آنها
معتاد مردم نباشد مانند سنگ و چوب و خاک و گیاهها و آب فشرده شده
از گیاههای غیر معتاد اظهر آنست که اگر بعنوان معتاد باشد اجتناب از آن
واجبست و احوط آنست که اگر بکند قضا و کفاره بعمل آورد سیم
جماع کردن در قبل زنست مطلقا خواه انزال بشود و خواه نه و فعل آن
موجب قضا و کفاره میشود بی خلاف و جماع در دبر زن هرگاه انزال

شود روزه را باطل میکند و قضا و کفاره لازم میشود و مشهور آنست
که جماع در دبر بدون انزال نیز مبطل صوم و موجب قضا و کفاره است
و بعضی مبطل نمیدانند و اول اقوی است چهارم باقی ماندنست بر جنابت
تا صبح و اشهر و اقوی آنست که مبطل است و موجب قضا و کفاره است
و بعضی مبطل ندانسته اند و بعضی قضای تنها واجب دانسته اند
و احوط آنست که اگر زن حایض پاک شود پیش از صبح غسل بکند و اگر نکند
احوط آنست که غسل کند بعد از صبح و آن روز را روزه بدارد و قضا
نیز بکند و اگر جنب را غسل متعذر باشد احوط آنست که تیمم بکند
و تیمم را نشکند تا صبح شود و خواب اول بعد از جنابت در حالی که نیت
غسل کردن داشته باشد و احتمال بیدار شدن دهد جایز است
و مشهور آنست که اگر تا صبح بیدار نشود قضای آن روز بر او واجب
نیست و بعضی واجب دانسته اند و آن احوط است و مشهور آن
است که اگر بخوابد تا صبح و نیت غسل نداشته باشد بر او قضا و
کفاره لازم است و این احوط است اگرچه در دلیلش سخنی هست و
مشهور در خواب دویم وجوب قضا است و این قول قویست بلکه
خلافی در آن ظاهر نیست و جمعی از اصحاب را اعتقاد آنست که در
خواب سیم جنب هرگاه بصبح رسد قضا و کفاره هر دو واجب است
و اقوی عدم وجوب کفاره است و بعضی از متأخرین را اعتقاد آن
است که خواب بعد از بیدار شدن از احتلام حکم خواب دویم را
دارد چنانچه والد مرحوم فقیر اختیار نموده و این احوط است بلکه
خالی از قوتی نیست و بدانکه در روزهای غیر ماه مبارک رمضان
نیز خلاف است که آیا باید که صبح را پاک دریابد یا نه وخوانیست
که در قضای ماه مبارک میباید صبح جنب نباشد و در غیر قضا احوط
آنست که اگر صبح طاهر نباشد و واجب معین نباشد آن روز را

ندارد و اگر معین باشد آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند اگر عمدا کرده
باشد و در نیت کفاره در کار نباشد و اگر بجهد احوط است و در روزه
سنت اگر بر جنابت عمدا بماند تا صبح و پیش از زوال غسل بکند و نیت روزه
بکند بگمان فقیر روزه اش صحیح است و در واجب معین اگر عمدا نیت را ترک
کند و پیش از زوال نیت کند مشهور آنست که روزه اش باطل است و قضا
میکند و کفاره واجب نمیشود و اگر از روی فراموشی نیت را ترک کند تا زوال
نیت میتواند کرد و در واجب غیر معین تا زوال نیت میتواند کرد اگر چه قضای
ماه رمضان باشد و در روزه سنت خلافی نیست که اگر در شب نیت نکرده
باشد و مفطری بعمل نیاورده باشد تا اول نیت میتواند کرد و بعد از زوال
خلاف است و بعضی گفته اند تا نزدیک بشام نیت میتواند کرد و جمعی از
محققین علما باین قایلند و نزد فقیر اقوی است و بعضی گفته اند بعد از زوال
نیت نمیتواند کرد و بعضی گفته اند که اگر پیش از زوال نیت کند ثواب روزه
تمام روز را مییابد و اگر بعد از زوال نیت کند ثواب روزه بعد از نیت
تا شام را می یابد **پنجم** رسانیدن غبار غلیظ است بحلق و بعضی آنرا موجب
قضا و کفاره میدانند و بعضی قضای تنها و بگمان فقیر مبطل نیست و احوط
رعایت مشهور است و بعضی از متاخرین ملحق ساخته اند بغبار غلیظ دود
غلیظ و بخار غلیظ را که از آن اجزاء منفصل شود چون دود تنور و بخار دیگ
و اظهر عدم بطلان است و احوط اجتنابست حتی از دود تنباکو **ششم**
استمنا است یعنی طلب نزول منی کردن با حصول آن و موجب قضا و کفاره است
و مشهور آنست که هر گاه ملامسه و ملاعبه کند و انزال شود روزه آن
باطل میشود و قضا و کفاره لازم است و بعضی درین تامل نموده اند خصوصا
وقتیکه نسبت بحلال خود باشد و عادتش آن انزال نباشد بلکه احوط و اقوی
وجوب قضا و کفاره است مطلقا و نظر کردن بزن حلال یا حرام یا صدا
از او شنیدن یا بخیال خود در آوردن هر گاه باعث بیرون آمدن منی شود

وقصد

و قصد انزال نداشته باشد و بار معتاد نباشد خلاف است و اظهر عدم
وجوب قضا و کفاره است **هفتم** قی کردن است عمدا و اکثر موجب قضای تنها
میدانند و بعضی قضا و کفاره هر دو را واجب میدانند و بعضی هیچ یک
را واجب نمیدانند و مسئله مشکل است و وجوب قضای تنها خالی
از قوتی نیست و مشهور آنست که هر گاه قی بی اختیار آید بر او قضا نیست
و بعضی قضا را واجب دانسته اند و این قول ضعیف است **هشتم** حقنه است
و بعضی موجب قضا و کفاره هر دو دانسته اند و بعضی قضای تنها و بعضی
حرام دانسته اند و موجب هیچ یک ندانسته اند و بعضی حقنه مایع را موجب
قضا دانسته اند و حقنه جامد را مانند شاف مکروه دانسته اند و بعضی
مطلقا مکروه دانسته اند و این قول اقوی است و احوط آنست که بدون
ضرورت حقنه بمایع نکند و اگر بکند قضا بکند و اشهر و اقوی آنست
که چکانیدن دوا در گوش موجب فساد صوم نمیشود و سعوط در بینی هر گاه
تعدی بحلق نکند ایضا اقوی آنست که جایز است و موجب قضا و کفاره
دانسته اند و اگر بحلق نرسد احوط اجتنابست **نهم** دروغ گفتن بر خدا
و رسول خدا و ائمه یا آنکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله خلاف واقع
بگوید بلکه کسی که اهلیت مسئله گفتن نداشته باشد بگوید در حرمت آن
شکی نیست و بعضی در روزه موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی میگویند
موجب فساد صوم نمیشود و خالی از قوتی نیست و احوط آنست که اگر بکند
قضا بکند و کفاره **دهم** سر فرو بردن در آبست و جمعی آنرا موجب قضا و
کفاره میدانند و بعضی موجب قضای تنها میدانند و بعضی حرام میدانند
و موجب هیچ یک نمیدانند و بعضی مکروه میدانند و اظهر حرمتست
و عدم وجوب قضا و کفاره و بعضی گفته اند که اگر سر را با آب فرو برد تا گردن
و بدن بیرون آب باشد باز حکم ارتماس دارد و این احوط است و بعضی
گفته اند که اگر فرو برد مانند سر را دفعه هر چند مناسب موی بیرون

باشد تا از حکم ارتماس دارد و این احوط است و احوط انست که در روزه سنت
نیز سر را در آب فرو نبرد و بعضی تجویز کرده اند و احوط ترک است یازدهم بلغمی
که از سینه بر آید یا از دماغ فرود آید در فرو بردن آن علما را سه قول
است اول جواز ابتلاع آنچه بیرون نمی آید از سینه مادام که از دهن
منفصل نشود و عدم جواز آن قسم دیگر دویم جواز ابتلاع هر دو قسم
مادام که بدهن نرسد و تحریم ابتلاع هر دو هرگاه بدهن برسد سیم جواز
کشیدن از سینه و سر و جواز فرو بردن مادام که از دهن جدا نشود و
جمعی که حکم بفساد کرده اند بعضی بقضای تنها قایل شده اند و بعضی
کفاره را نیز واجب میدانند و بعضی بکفاره جمیع قایل شده اند و گمان
فقیر آن است که هیچ یک لازم نمیشود اما احتیاط آن است که بعد از آنکه
بفضای دهن رسد نباید فرو برد دوازدهم مشهور میان علما آن است که مکروه
است زن روزه دار در میان آب بنشیند و بعضی گفته اند هرگاه تا کمر
در آب نشیند قضا بر او لازم است و بعضی کفاره را نیز لازم دانسته
اند و اول اظهر است و در خاییدن کندر زنان و مصطکی که آبش را فرو
برد بعضی حرام دانسته اند و اظهر جواز است و مشهور میان علما
انست که اگر کسی گمان کند که شب باقی است بلکه اگر شک هم داشته
باشد جایز است خوردن و آشامیدن تا صبح مشخص شود و اگر معلوم شود
که صبح بوده آنوقت که خورده و آشامیده اگر ملاحظه کرده باشد
و خورده باشد قضا واجب نیست و اگر ملاحظه نکرده باشد و خورده
قضا واجب است و کفاره واجب نیست و اگر کسی مضمضه کند جهت
وضوی نماز واجب و آب بی اختیار بحلق او رود قضا بر او واجب نیست
و اگر جهت نماز نافله باشد بعضی گفته اند قضا بر او لازم است و اگر
عبث مضمضه کند و آب بحلقش رود جمعی قضا را واجب دانسته اند
و این احوط است و اظهر عدم وجوب است مطلقا و در روایتی وارد

شده است که بعد از مضمضه سه مرتبه آب دهان را باید بیندازد و این
احوط است **فصل سیم** در سنتها و آداب روزه است مکروه است روزه دار
بوسیدن زنان و دست بیدن ایشان مالیدن و دست بازی کردن با ایشان
و اقرب آنست که کراهیت مخصوص صورتی است که اینها محرک شهوت او باشد
و خوف وقوع در جماع داشته باشد و مکروه هست بچشم کشیدن چیزی که او را
طعمی باشد که بحلق رسد یا در آن مشکی باشد و مشهور کراهیت بیرون آوردن
خونی است از بدن که باعث ضعف او شود و در حجامت احتیاط بیشتر باید کرد
و همچنین داخل شدن در حمام که مضعف باشد و مکروه هست بوئیدن
گلها خصوصا نرگس و بهتر است که مشک را هم نبوید و سایر بوهای خوش مکروه
نیست بلکه سنت است و از حضرت صادق که طیب تحفه صایمست و فرمود
که هر روزه داری که در اول روز خود را خوش بو کند عقلش زایل نگردد و اشهر
و اقوی آنست که بوئیدن آنچه غلیظ مفطر نیست و بوئیدن آنچه غلیظ
که بجوف رسد موجب قضا و کفاره میشود و احوط آنست که بوی خوش ساطع
که بدماغ بالا رود نبوید چنانچه در روایتی وارد شده است و مکروه هست
صایم جامه که ملاصق بدن است تر کند و نیز مکروه است زن صایمه را که در آب
بنشیند چنانچه گذشت و از حضرت صادق منقول است که هرگاه روزه داری
میباید که روزه باشد گوش تو و چشم تو و موی تو و پوست تو و جمیع اعضای
تو یعنی از محرمات و مکروهات و فرمود که نباید روز روزه تو مانند روز افطار
تو باشد و ایضا از آن حضرت منقول است که فرمود روزه نه همین از خوردن و آشا
میدن است تنها بلکه باید که در روز روزه نگاه دارید زبان خود را از دروغ
و بپوشانید دیده های خود را از حرام و با یکدیگر نزاع مکنید و حسد مبرید
و غیبت مکنید و مجادله مکنید و سوگند دروغ مخورید بلکه سوگند راست
نیز و دشنام مدهید و فحش مگوئید و ستم مکنید و بیخردی مکنید و دلتنگ
مشوید و غافل مشوید از یاد خدا و از دهن خاموش باشید از آنچه نباید گفت و صبر

کنید و راست گو باشید و دوری کنید از اهل شر و اجتناب کنید از
گفتار بد و دروغ و افترا و خصومت کردن با مردم و گمان بد بردن و غیبت
کردن و سخن چینی کردن و خود را مشرف بر آخرت دانید و منتظر فرج و ظهور
قائم آل محمد باشید و آرزومند ثوابهای آخرت باشید و توشه اعمال صالحه
برای سفر آخرت بردارید و بر شما باد بآرام دل و آرام تن و خضوع و خشوع و
شکستگی و مذلت مثل بنده که از آقای خود ترسان باشید از عذاب خدا امید
وار باشید رحمت او را و باید پاک باشد ای روزه دار دل تو از عیبها و باطن تو
از حیلها و مکرها و پاکیزه باشد بدن تو از کثافتها و بیزاری بجوئی بسوی خدا
از آنچه غیر اوست و در روزه و لایت خود را خالص گردانی از برای او و خاموش
باشی تو از آنچه حق تعالی نهی کرده است تو را از آن در آشکار و پنهان و بترسی
از خداوند قهار آنچه سزاوار ترسیدن اوست در پنهان و آشکار و ببخش
روح و بدن خود را بخدای عز و جل در ایام روزه خود و فارغ گردانی دل
خود را از برای محبت او و یاد او و بدن خود را بکار فرمائی از آنچه خدا تو را امر
کرده است بآن و خوانده است بسوی آن اگر همه اینها را بعمل آوردی آنچه
سزاوار روزه داشتن است بعمل آورده و فرمود که خدا را اطاعت کرده و آنچه
کم کنی از اینها که از برای تو بیان کردم بقدر آن از روزه تو کم میشود از فضل
آن و ثواب آن و بدرستی که پدرم گفت که رسول خدا شنید که زن روزه
جاریه خود را دشنام داد حضرت طعامی طلبید و آن زن را گفت بخور زن
گفت روزه ام حضرت فرمود چگونه روزه جاریه خود را دشنام دادی روزه
از خوردن و آشامیدن تنها نیست بدرستی که حق تعالی روزه را حجاب
گردانیده است از سایر امور قبیحه از گفتار بد و از کردار بد چه بسیار کم اند
روزه داران و چه بسیارند گرسنگی کشندگان و حضرت امیر المؤمنین
فرمود چه بسیار روزه داری که بهره نیست او را از روزه بغیر تشنگی و
گرسنگی و چه بسیار عبادت کننده که نیست او را بهره از عبادت بغیر تعب

ای خوشا خواب زیرکان که بهتر از بیدار بودن و عبادت احمقان است و خوشا
افطار کردن زیرکان که بهتر از روزه داشتن بیخردان است زیرا که خواب
مقربان چون به نیت صحیح و قلب طاهر واقع میشود از جمله عبادات ایشان
است بلکه ارواح ایشان در عالم قدس با ارواح انبیا و اوصیا و خلص
مؤمنان محشور میگردند و بر اسرار غیب بر وایای صادقه مطلع میگردند
و راهی از راههای قرب ایشان است و افطار خردمندان چون از روی
دانائی است و بوجهی که حق تعالی خواسته افطار مینماید بهتر است از روزه
احمقان که روزه را دستگاه خودفروشی کرده اند و بریا و عجب ممزوج میگر
دانند و شرایط صوم عمل نمیکنند **فصل چهارم** در بیان شرایط آداب
دخول ماه رمضان سنت است طلب هلال ماه رمضان و بعضی
واجب دانسته اند و از حضرت امام جعفر صادق منقولست که چون
هلال ماه را دیدی اشاره بسوی هلال مکن و رو بقبله کن و دستها را
بسوی خدا بلند کن و رَبّی وَرَبُّكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ
خطاب کن ماه را و بگو
پروردگار من و پروردگار تو خداست پروردگار عالمیان خداوندا طالع گردان ماه را بر ما
وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْمُسَارَعَةِ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى اللَّهُمَّ
و ایمان و سلامتی و اسلام و شتافتن بسوی آنچه دوست داری و پسندی خداوندا
بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا وَارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَعَوْنَهُ وَاصْرِفْ عَنَّا ضُرَّهُ وَشَرَّهُ
برکت ده برای ما در ماه ما اینماه و روزی کن ما را نیکوئی آن و یاری آن و بگردان از ما ضرر آن و بدی آن را
وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و ابن ابی
و بلای آن را و فتنه آن را
عقیل روایت کرده اند دعا را در وقت رؤیت هلال ماه مبارک
رمضان واجب الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي وَخَلَقَكَ وَقَدَّرَ مَنَازِلَكَ وَجَعَلَكَ
دانسته است
سپاس مر خدا را که آفرید مرا و آفرید ترا و تقدیر کرد منزلهای ترا و گردانید ترا
مَوَاقِيتَ لِلنَّاسِ اللَّهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَيْنَا إِهْلَالًا مُبَارَكًا اللَّهُمَّ أَدْخِلْهُ
نشانها و وقتها برای مردمان خداوندا طالع گردان آن را بر ما طالع کردنی با برکت خداوندا داخل کن

عَلَینا بِالسَّلامَةِ وَالاِسْلامِ وَالیَقینِ وَالاِیمانِ وَالبِرِّ وَالتَّقْوی وَالتَّوفیقِ

برما بسلامتی و اسلام و یقین و ایمان و نیکوئی و پرهیزکاری و توفیق

لِما تُحِبُّ وَتَرْضی و در شب اول ماه جماع با حلال خود سنت است و غسل
در شب اول سنت است و از حضرت صادق منقولست که هر که غسل
کند در شب اول ماه رمضان در نهر جاری و سی کف آب بر سر ریزد تا طاهر
معنوی باشد تا ماه رمضان آینده و در حدیث دیگر فرمود که هر که در شب
اول ماه رمضان غسل کند خارش بدن در آن سال باو نرسد و ایضا
منقولست که چون ماه رمضان داخل میشد حضرت صادق فرزندان
خود را وصیت میفرمود که اهتمام کنید و سعی نمائید در این ماه در عبادت
که در این ماه روزیها قسمت میشود و اجلها و عمرها نوشته میشود و حاجیان
در این ماه مقدر میشوند و در این ماه شبی هست که بهتر است از هزار ماه
و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که بر شما باد در ماه رمضان باستغفار
و دعا بدرستی که دعا دفع میکند بلا را از شما و استغفار محو میکند گناهان
شما را و زیارت امام حسین در شب اول ماه رمضان سنت است و از حضرت
صادق منقولست که هر که در شب اول ماه رمضان تا شب میان تا شب
آخر زیارت آن حضرت بکند گناهان از او بریزد مانند برگ از درختان و
از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده است و ثواب
حج و عمره خدا او را عطا کند و ایضا از آن حضرت منقولست که هر که در هر شب
ماه رمضان سوره انا فتحنا در نماز نافله بخواند در آن سال از بلاها محفوظ
گردد و بروایت دیگر از آن حضرت منقولست که هر که در شب اول ماه
مبارک دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام
بخواند و سوال کند که حق تعالی او را کفایت شرور بکند خدا او را کفایت
کند از آنچه میترسد و از بیماریها و دردها و نماز را نشسته میتوان کرد
و سوره را از روی قرآن میتوان خواند و اگر در شب اول ماه نیت روزه



تمام ماه بکند و باز هر شب نیت کند بهتر است و نیت چنین میکند که قصد
میکند که فردا روزه ماه رمضان میدارم واجب قربة الی الله و در روز
اول ماه سنت است که غسل کند در آب جاری و سی کف آب بر سر ریزد
و از حضرت صادق منقولست که چون در اول سال چنین کند از جمیع دردها
و دردها در تمام سال ایمن گردد و ایضا از آن حضرت منقولست
که هر که در روز اول این ماه کفی از گلاب بر رو بزند از خواری و پریشانی نجات
یابد و اگر هر روز بکند در این روز از بلاها ایمن گردد و هر که یک کف از
گلاب در روز اول ماه بر سر بزند از مرض سرسام ایمن گردد و از حضرت
امام محمد تقی منقولست که هر که در اول ماه دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت
اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد و در رکعت دویم بعد از حمد
سی مرتبه سوره انا انزلنا بخواند و بعد از نماز تصدق کند بآنچه میسر میشود
سلامتی این ماه را خریده است و در روز اول ماه این دعا سنت است اللّهُمَّ
قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضانَ وَقَدِ افْتَرَضْتَ عَلَیْنا صِیامَهُ وَاَنْزَلْتَ فیهِ الْقُرْآنَ

بتحقیق حاضر شد ماه رمضان و بتحقیق واجب ساختی بر ما روزه آنرا و فرستادی در آن قرآن را

هُدًی لِلنّاسِ وَبَیِّناتٍ مِنَ الْهُدی وَالْفُرْقانِ اللّهُمَّ اَعِنّا عَلی صِیامِهِ وَ

هدایت برای مردمان و آیتهای روشن از هدایت و جدا کننده میان حق و باطل خداوندا مدد کن ما را بر روزه داشتن آن

تَقَبَّلْهُ مِنّا وَتَسَلَّمْهُ مِنّا وَسَلِّمْهُ لَنا فی یُسْرٍ مِنْكَ وَعافِیَةٍ اِنَّكَ عَلی كُلِّ شَیْءٍ

بپذیر آنرا از ما و قبول کن آنرا از ما و سالم دار آنرا برای ما در سهولت از خود و عافیت بدرستیکه تو بر همه چیز

قَدیرٌ و ایضا از حضرت صادق منقولست که چون ماه مبارک داخل
توانائی
میشد حضرت رسول اللّهُمَّ اِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضانَ اللّهُمَّ
این دعا می خواندند

خداوندا بتحقیق داخل شده ماه رمضان بار خدایا پروردگار

رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ الَّذی اَنْزَلْتَ فیهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ بَیِّناتٍ مِنَ الْهُدی

پروردگار ماه رمضان که فرستادی در آن قرآن را و گردانیدی آنرا ظاهر از آیات

وَالْفُرْقانِ اللّهُمَّ فَبارِكْ لَنا فی شَهْرِ رَمَضانَ وَاَعِنّا عَلی صِیامِهِ وَصَلاتِهِ

وتقبّله منّا وايضاً بسند معتبر از حضرت صادق منقولست كه هر كه

[illegible] داخل شدن ماه رمضان يعني روز اول يا شب اول دو ركعت

نماز بكند و در ركعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخواند و در ركعت دوم

هر سوره كه خواهد حق تعالى جميع بديها را از او در آن سال دور گرداند و در

حفظ خدا باشد تا سال آينده و در شب اول يا روز اول دعاي صحيفه كا

كامله را بخواند كه بهترين دعاها است و كليني و شيخ طوسي و ديگران

به سند صحيح روايت كرده اند كه حضرت امام موسى فرمود كه در تمام ماه مبارك

رمضان كه در اول سال يعني روز اول ماه چنانچه علما همه گفته اند اين دعا را

بخوان و فرمود كه هر كه اين دعا را از براي رضاي حق تعالى و بي شائبه اغراض

فاسده و ريا بخواند در آن سال باو نرسد فتنه و گمراهي و نه آفتي كه ضرر رساند

بدين او و بدن او و حق تعالى او را حفظ كند از شر آنچه در آن سال واقع ميشود

از بلاها اللّهمّ انّي اسئلك باسمك الّذي دان له كلّ شيءٍ وبرحمتك

خداوندا كه من درخواست ميكنم از تو بنام تو آن نام كه ذليل شده براي آن هر چيزي و برحمت تو

الّتي وسعت كلّ شيءٍ وبعظمتك الّتي تواضع لها كلّ شيءٍ وبعزّتك الّتي قهرت

كه فرا گرفته است هر چيز را و بعظمت تو كه فروتني نموده براي آن هر چيزي و بعزت تو كه غلبه

كلّ شيءٍ وبقوّتك الّتي خضع لها كلّ شيءٍ وبجبروتك الّتي غلبت كلّ شيءٍ

هر چيزي و بتوانائي تو كه پستي نموده براي آن هر چيزي و ببزرگواري تو كه غلبه نموده هر چيزي را

وبعلمك الّذي احاط بكلّ شيءٍ يا نور يا قدّوس يا اوّل قبل كلّ شيءٍ و

و بدانائي تو كه فرو گرفته هر چيز را اي هويدا اي پاك اي اول پيش از هر چيزي

يا باقي بعد كلّ شيءٍ يا الله يا رحمن صلّ على محمّد وآل محمّد واغفر لي الذّنوب

اي باقي پس از هر چيزي اي خدا اي بخشنده رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بيامرز براي من گناهان

الّتي تغيّر النّعم واغفر لي الذّنوب الّتي تنزل النّقم واغفر لي الذّنوب

كه تغيير ميدهد نعمتها را و بيامرز براي من گناهاني را كه فرود مي آورد عذابها را و بيامرز براي من گناهان

الّتي تقطع الرّجاء واغفر لي الذّنوب الّتي تديل الاعداء واغفر لي الذّنو

كه ميبرد اميد را و بيامرز براي من گناهاني كه غالب ميگرداند دشمن را و بيامرز براي

الّتي

الّتي تردّ الدّعاء واغفر لي الذّنوب الّتي يستحقّ بها نزول البلاء واغفر لي

كه رد ميگرداند دعا را و بيامرز براي من گناهاني را كه سزاوار ميگردد بسبب آنها فرود آمدن بلاها و بيامرز براي من

الذّنوب الّتي تحبس غيث السّماء واغفر لي الذّنوب الّتي تكشف الغطاء

گناهاني را كه حبس ميكند باران آسمان را و بيامرز براي من گناهاني را كه زايل ميكند پرده را

واغفر لي الذّنوب الّتي تعجّل الفناء واغفر لي الذّنوب الّتي تورث

و بيامرز براي من گناهاني را كه بشتاب مي آورد نيستي را و بيامرز براي من گناهاني را كه در عقب مي آورد

النّدم واغفر لي الذّنوب الّتي تهتك العصم والبسني درعك الحصينة

پشيماني را و بيامرز براي من گناهاني را كه ميدرد پرده هاي عصمت را و بپوشان مرا زره محكم خود

الّتي لا ترام وعافني من شرّ ما احاذر باللّيل والنّهار في مستقبل سنتي

كه قصد كرده نشود و عافيت بخش مرا از شر آنچه ميترسم در شب و روز در آينده سال من

هذه اللّهمّ ربّ السّموات السّبع وربّ الارضين السّبع وما فيهنّ

اين سال خداوندا پروردگار آسمانهاي هفتگانه و پروردگار زمينهاي هفتگانه و آنچه در آنهاست

وما بينهنّ وربّ العرش العظيم وربّ السّبع المثاني والقرآن العظيم وربّ

و آنچه ميان آنهاست و پروردگار عرش بزرگ و پروردگار سبع مثاني و قرآن بزرگ و پروردگار

اسرافيل وميكائيل وجبرئيل وربّ محمّد سيّد المرسلين وخاتم

اسرافيل و ميكائيل و جبرئيل و پروردگار محمد بزرگ فرستادگان و آخر

النّبيّين اسئلك بك وبما سمّيت به نفسك يا عظيم انت الّذي تمنّ بال

پيغمبران درخواست ميكنم از تو بحق تو و بآنچه ناميده بآن نفس خود را اي بزرگ تويي آنكه بخشش ميكني

عظيم وتدفع كلّ محذور وتعطي كلّ جزيل وتضاعف الحسنات بالقليل

بزرگ و دفع مينمايي هر محذوري را و عطا ميفرمايي هر عطاي وافري را و چندين برابر ميكني نيكيها را در مقابل عمل كم

وبالكثير وتفعل ما تشاء يا قدير يا الله يا رحمن صلّ على محمّد واهل

و در مقابل عمل بسيار و ميكني آنچه را خواهي اي توانا اي خدا اي بخشنده رحمت بفرست بر محمد و اهل

بيته والبسني في مستقبل سنتي هذه سترك ونضّر وجهي بنورك

بيت او و بپوشان مرا در آينده سال من اين سال پرده خود و درخشان كن روي مرا بروشنائي خود

واحببني بمحبتك وبلغني رضوانك وشريف كرامتك وجسيم عطيتك

و دوست دار مرا بدوستی خود و برسان مرا بخوشنودی خود و نوازش بلند پایه خود و عطیه بزرگ خود

واعطني من خير ما عندك ومن خير ما انت معطيه احدا من خلقك و

و عطا کن مرا از بهترین آنچه نزد تست و از بهترین آنچه تو عطا دهی آنرا یکی از خلق خود و

البسني مع ذلك عافيتك يا موضع كل شكوى ويا شاهد كل نجوى ويا عالم

بپوشان مرا با وجود آن عافیت خود ای جای هر شکایت و ای دانای هر راز و ای [illegible]

كل خفية ويا دافع ما تشاء من بلية يا كريم العفو يا حسن التجاوز توفني

هر پنهانی و ای دفع کننده آنچه خواهی از بلا ای کرامی عفو ای نیکو تجاوز بمیران مرا

على ملة ابراهيم وفطرته وعلى دين محمد وسنته وعلى خير الوفاة فتوفني

بر ملت ابراهیم و دین او و بر دین محمد و طریقه او و بر بهترین مردن بمیران مرا

مواليا لاوليائك معاديا لاعدائك اللهم وجنبني في هذه السنة كل

آنکه دوست باشم مر دوستان ترا و دشمن دارم مر دشمنان ترا خداوندا و دور گردان مرا در این سال از هر

عمل او قول او فعل يباعدني منك واجلبني الى عمل او قول او فعل يقربني

کردار یا گفتاری یا فعلی که دور سازد مرا از تو و بکشان مرا بسوی هر عملی یا قولی یا فعلی که نزدیک گرداند

منك في هذه السنة يا ارحم الراحمين وامنعني من كل عمل او قول

بتو در این سال ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و باز دار مرا از هر عملی یا قولی

او فعل يكون مني اخاف ضرر عاقبته واخاف مقتك اياي عليه حذار

یا فعلی که یافت میشود از من که میترسم ضرر عاقبت آنرا و میترسم دشمن کردن تو مرا بر آن بجهت خوف

ان تصرف وجهك الكريم عني فاستوجب به نقصا من حظ لي عندك

از آنکه بگردانی روی کرامی لطف خود را از من پس مستحق گردم بسبب آن کم کردن از بهره که مرا است نزد تو

يا رؤوف يا رحيم اللهم اجعلني في مستقبل سنتي هذه في حفظك وفي

ای مهربان ای مهربان خداوندا بگردان مرا در آینده سال من این در حفظ خود و در

جوارك وفي كنفك وجللني ستر عافيتك وهب لي كرامتك عز جارك

پناه خود و در [illegible] خود و بپوشان مرا بپوشش عافیت خود و ببخش مرا نوازش خود [illegible]

وجل ثناؤك ولا اله غيرك اللهم اجعلني تابعا لصالح من مضى من

و بزرگست ستایش تو و نیست خدا غیر تو خداوندا بگردان مرا پیروان نیکوکار آنکه گذشته اند

من اوليائك والحقني بهم واجعلني مسلما لمن قال بالصدق عليك

از دوستان تو و بپیوند مرا بایشان و بگردان مرا منقاد برای آنکه گوینده براستی بر تو

منهم واعوذ بك اللهم ان تحيط بي خطيئتي وظلمي واسرافي على نفسي

از ایشان و پناه میگیرم بتو خداوندا از آنکه فرو گیرد مرا گناه من و ستم من و تعدی من بر نفس خود

واتباعي لهواي واشتغالي بشهواتي فيحول ذلك بيني وبين رحمتك

و پیروی من خواهش خود را و مشغول شدن من بخواهشهای خود [illegible] حایل شود آن میان من و میان رحمت

ورضوانك فاكون منسيا عندك متعرضا لسخطك ونقمتك اللهم

و خوشنودی تو پس باشم فراموش شده نزد تو [illegible] مر غضب او و عذاب ترا خداوندا

وفقني لكل عمل صالح ترضى به عني وقربني اليك زلفى اللهم كما كفيت

توفیق ده مرا برای هر کردار شایسته که خوشنود شوی بآن از من و نزدیک گردان مرا بسوی خود نزدیکی خداوندا چنانچه

نبيك محمدا هول عدوه وفرجت همه وكشفت غمه وصدقته وعدك

از پیغمبر خود محمد خوف دشمنی او را و گشودی اندوه او را و زایل کردی غم او را و [illegible]

وانجزت له عهدك اللهم فبذلك فاكفني هول هذه السنة وآفاتها و

و روا کردی برای او عهد خود را خداوندا پس بآن [illegible] کفایت کن مرا از خوف این سال و آفتهای آن و

اسقامها وفتنتها وشرورها واحزانها وضيق المعاش فيها وبلغني برحمتك

بیماریهای آنرا و آشوب آنرا و بدیهای آنرا و اندوههای آنرا و تنگی معاش در آن و برسان مرا برحمت خود

كمال العافية بتمام دوام النعمة عندي الى منتهى اجلي اسئلك

بکمال عافیت بتمامی همیشه بودن نعمت نزد من تا آخر مدت من در خواهم از تو

سؤال من اساء وظلم واستكان واسئلك ان تغفر لي ما مضى من الذنوب

مانند خواستن کسیکه بد کرده و ستم نموده و فروتنی کرده و در میخواهم از تو آنکه بیامرزی برای من آنچه گذشته از گناهان

التي حصرتها حفظتك واحصتها كرام ملئكتك علي وان تعصمني اللهم

که [illegible] نگهبانان تو و شمرده آنها را بزرگواران فرشتگان تو بر من و آنکه نگاه داری مرا خداوندا

السنة
بسال را

من الذنوب فيما بقي من عمري الى منتهى اجلي يا الله يا رحمن يا رحيم صل

از گناهان در آنچه باقی مانده از عمر من تا آخر اجل من ای خدا ای بخشاینده ای مهربان رحمت فرست

على محمد واهل بيت محمد وآتني كل ما سألتك ورغبت اليك فيه فانك

بر محمد و اهل بیت محمد و عطا کن مرا هر آنچه سوال کردم از تو و رغبت نمودم بسوی تو در آن زیرا که

امرتني بالدعاء وتكفلت لي بالاجابة يا ارحم الراحمين **فصل پنجم** در اعمال هر شب

امر کردی مرا بدعا و ضامن شدی برای من اجابت کردن دعا مرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

وهر روز ماه مبارک رمضانست از حضرت صادق و کاظم منقولست

که بعد از هر نماز در ماه یا علی یا عظیم یا غفور یا رحیم انت الرب العظیم

مبارک این دعا بخوانند ای بلند مرتبه ای بزرگ ای آمرزنده ای مهربان توئی پروردگار بزرگ

الذي ليس كمثله شيء وهو السميع البصير وهذا شهر عظمته و

که نیست مانند او چیزی و اوست شنوای بینا و این ماهیست که بزرگ کردی آن را

كرمته وشرفته وفضلته على الشهور وهو الشهر الذي فرضت

و گرامی داشتی آن را و بزرگ داشتی آن را و زیادتی دادی آن را بر ماهها و آن ماهیست که واجب کردی

صيامه علي وهو شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن هدى

روزه داشتن آن را بر من و آن ماه رمضان است که فرو فرستادی در آن قرآن را که هدایت است

للناس وبينات من الهدى والفرقان وجعلت فيه ليلة القدر

از برای مردمان و معجزات روشن از راه نمودن و جدا کننده حق از باطل و گردانیدی در آن شب قدر را

وجعلتها خيرا من الف شهر فيا ذا المن ولا يمن عليك من علي بفكاك

و گردانیدی آن را بهتر از هزار ماه پس ای صاحب احسان و حال آنکه کسی احسان نتواند کرد بر تو احسان کن بر من بخلاصی

رقبتي من النار فيمن تمن عليه وادخلني الجنة برحمتك يا ارحم الراحمين

گردن من از آتش و در آور مرا در بهشت برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

و دعای بسیار خوبیست و اقلا شبی یکمرتبه خوانده شود و بسند صحیح

منقولست که هر که در هر شب این ماه مبارک این دعا بخواند گناه چهل

ساله او آمرزیده شود اللهم رب شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن

وافترضت

وافترضت على عبادك فيه الصيام صل على محمد وآله وارزقني حج

و واجب ساختی بر بندهای خود در آن روزه داشتن را رحمت فرست بر محمد و آل او و روزی کن مرا حج

بيتك الحرام في عامي هذا وفي كل عام واغفر لي تلك الذنوب العظام

خانه محترم خود در سال من این سال و در هر سال و بیامرز برای من گناهان بزرگ را

فانه لا يغفرها غيرك يا رحمن يا علام وایضا هر شب هزار مرتبه سوره

زیرا که نمی آمرزد آن گناهان را غیر تو ای بخشاینده ای دانا انا انزلناه سنت است خواندن

وصد مرتبه سوره حم دخان اگر میسر شود و سحور خوردن در هر سحر

ماه مبارک مستحب است و از حضرت رسول منقولست که ترک نکنند امت

من سحور خوردن را اگرچه بیک دانه خرمای زبون باشد و ایضا از آن

حضرت منقولست که حق تعالی و ملائکه صلوات میفرستند بر آنها که

استغفار میکنند در سحرها و سحور میخورند پس سحور بخورید اگرچه

بیک شربت آب باشد و بهترین سحورها قاووت است و خرما و ایضا فرمود

که سحور بخورید اگرچه بجرعه آبی باشد و خدا صلوات و رحمت میفرستد

بر سحور خورندگان و از حضرت صادق منقولست که هر که سوره انا انزلنا

در وقت سحور و در وقت افطار بخواند در ما بین این دو حالت ثواب کسی

داشته باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود غلطیده

باشد و گفته اند که اگر نیت روزه را بعد از سحور بکند بهتر است و از

اول شب تا آخر شب نیت میتوان کرد و همین که میداند و قصد دارد

که فردا روزه میگیرد و از برای خدا میگیرد بس است و اما آداب افطار

سنت است که اول نماز شام را بخواند و بعد از آن افطار نماید مگر آنکه

جمعی انتظار او برند یا گرسنگی یا تشنگی بر او غالب باشد و مانع حضور

قلب او باشد در نماز که درین دو صورت افطار را مقدم داشتن بهتر است

و در وقت افطار سوره انا انزلناه خواندن سنت است چنانکه دانستی و از

حضرت رسول منقولست که هر که در وقت افطار بگوید یا عظیم یا عظیم انت

وال محمد

الهی لا اله لی غیرک اغفر لی الذنب العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم
الا العظیم از گناهان بیرون رود مانند روزی که از مادر متولد شده
است و از حضرت امام حسن منقولست که هر روزه داری را در وقت افطار
دعای مستجابی هست پس باید در لقمه اول بگوید بسم الله الرحمن الرحیم یا
واسع المغفرة اغفر لی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام موسی منقولست
که در وقت افطار بگو اللهم لک صمت و علی رزقک افطرت و علیک
توکلت تا خدا عطا کند بتو ثواب هر کس را که در این روز روزه داشته است
و در روایت دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین در وقت افطار بدو زانو
مینشست و چون خوان را میگذاشتند میگفتند اللهم لک صمنا و علی رزقک
افطرنا فتقبله منا انک انت السمیع العلیم و در احادیث معتبره وارد شده
است که حضرت رسالت پناه افطار میکردند بر خرما و آب یا بر رطب و آب
و در حدیث دیگر منقولست که آن حضرت در وقت افطار ابتدا بحلوا
میفرمودند و اگر نمی یافتند بنبات یا قند یا خرما افطار میکردند و اگر حاضر
نبود باب نیم گرم افطار میکردند و میفرمودند که آب نیم گرم پاک میکند
معده را و قوت میدهد حدقه را و بینائی را زیاد میکند و گناهان را میشوید
و عروق را ساکن میگرداند و صفرای غالب را فرو می نشاند و قطع میکند
بلغم را و اطفای حرارت میکند و صداع را بر طرف میکند و ایضا از حضرت
رسول منقولست که هر که بر خرمای حلالی افطار کند ثواب نمازش چهار
صد برابر مضاعف گردد و از حضرت صادق منقولست که افطار کردن بنبات
گناهان دلرا میشوید و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین دوست
میداشت افطار فرماید بشیر و از حضرت امام رضا منقولست که هر که در وقت
افطار یک گرده نان تصدق کند بر مسکینی خدا گناهان او را بیامرزد و ثواب
یک بنده آزاد کردن از فرزندان اسمعیل در نامه عمل او نوشته شود و بهترین
آعمال در روزها و شبهای ماه مبارک رمضان تلاوت قرآن است و بسیار

باید خواند چون قرآن در اینماه نازل شده است و در حدیث است که هر چیزی
بهاری هست و بهار قرآن ماه رمضان است و در ماه های دیگر در ماهی یک
ختم سنت است و اقلش شش روز است و در ماه مبارک رمضان هر سه روز
یک ختم سنت است و اگر هر روز یک ختم تواند کرد بهتر است و در حدیث است که
بعضی از ائمه در اینماه چهل ختم و زیاده میکردند و اگر هر ختمی را ثوابش را
بروح مقدس امامی از ائمه هدی و رسول خدا و فاطمه زهرا هدیه کند ثوابش
مضاعف میگردد و صلوات بر محمد و آل او بسیار باید فرستاد و استغفار بسیار
باید کرد و لا اله الا الله بسیار باید گفت و نافله شب و روز را ترک نباید کرد
و در شبهای طاق ماه غسل سنت است خصوصا شب اول و پانزدهم و هفدهم
و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و در دهه آخر در شبهای جفت نیز غسل
سنت است خصوصا شب آخر و در روایتی وارد شده است که در جمیع ماه در هر شب
غسل مستحب است و کتب معتبر از حضرت صاحب الامر منقولست که بشیعیان
نوشتند که در هر شب ماه رمضان این دعا بخوانید که دعای اینها را ملائکه
میشنوند و برای صاحبش استغفار میکنند دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی افتتح الثناء بحمدک و انت مسدد للصواب بمنک و ایقنت انک
خداوندا گرم میکنم ثنای خود را بسپاس تو و تو توفیق دهی برای صواب ببخشش خود و باور کردم
انت ارحم الراحمین فی موضع العفو و الرحمة و اشد المعاقبین فی موضع
تو رحیم‌ترین رحم کنندگانی در جایگاه عفو و رحمت و سخت گیرنده‌ترین عقوبت کنندگانی در جایگاه
النکال و النقمة و اعظم المتجبرین فی موضع الکبریاء و العظمة اللهم
عقوبت و عذاب و بزرگترین بزرگوارانی در جایگاه بزرگواری و عظمت خداوندا
اذنت لی فی دعائک و مسئلتک فاسمع یا سمیع مدحتی و اجب یا رحیم دعوتی
دستوری دادی مرا در خواندن و در خواستن از خود پس بشنو ای شنوا ثنای مرا و بپذیر ای بزرگوار دعای مرا
و اقل یا غفور عثرتی فکم یا الهی من کربة قد فرجتها و هموم قد کشفتها و عثرة
و در گذر ای آمرزنده از لغزش من پس بسیار ای خدای من از اندوه که گشادی آنرا و غمها که برطرف کردی آنها را

فما اقلتها ورحمة قد نشرتها وحلقة بلاء قد فككتها الحمد لله الذي

که نجنبانید و رحمتی که پهن کردی آن را و حلقه بلا که بگشودی آن را سپاس مر خدایرا که

لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي

نگرفت زن و نه فرزندی و نبود مر او را شریکی در پادشاهی و نبود مر او را یاری

من الذل وكبره تكبيرا الحمد لله بجميع محامده كلها على جميع نعمه كلها

از ذلت و بزرگ یاد کن او را بزرگ یاد کردنی سپاس مر خدایرا به همه ستایشهای او همه آنها بر همه نعمتهای او همه آنها

الحمد لله الذي لا مضاد له في ملكه ولا منازع له في امره الحمد لله الذي

سپاس مر خدایرا که نیست مخالفت کننده مر او را در پادشاهی او و نه خصومت نماینده برای او در امر او سپاس مر خدایرا که

لا شريك له في خلقه ولا شبيه له في عظمته الحمد لله الفاشي في الخلق

نیست شریکی برای او در آفرینش او و نه شبیه است برای او در عظمت او سپاس مر خدایرا که فاش است در خلق

امره وحمده الظاهر بالكرم مجده الباسط بالجود يده الذي لا تنقص خزائنه

امر او و سپاس او آشکار است به بزرگواری بزرگی او گشاینده است به بخشش دست او آنکه کم نمیشود خزینه‌های او

ولا تزيده كثرة العطاء الا جودا وكرما انه هو العزيز الوهاب اللهم اني اسألك

و زیاد نمیکند او را بسیاری عطا مگر بخشش و بزرگواری که اوست ارجمند بسیار بخشنده خداوندا من سؤال میکنم

قليلا من كثير مع حاجة بي اليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو عندي كثير

اندکی از بسیار با احتیاج مر بسوی آن احتیاج بزرگ و استغنای تو از آن قدیم و او نزد من بسیار است

وهو عليك سهل يسير اللهم ان عفوك عن ذنبي وتجاوزك عن خطيئتي

و آن بر تو سهل و آسان است خداوندا بدرستیکه عفو تو از گناه من و درگذشتن تو از خطای من

وصفحك عن ظلمي وسترك على قبيح عملي وحلمك عن كثير جرمي عند ما كان

و درگذشتن تو از ظلم من و پوشانیدن تو بر کردار زشت من و بردباری تو از بسیاری گناه من نزد آنچه بود

من خطاي وعمدي اطمعني في ان اسألك ما لا استوجبه منك الذي

از خطای من و عمد من به طمع انداخت مرا در آنکه سؤال کنم از تو آنچه را که نیستم سزاوار آن از تو آنچه که

رزقتني من رحمتك واريتني من قدرتك وعرفتني من اجابتك فصرت

روزی دادی مرا از رحمت خود و نمودی مرا از قدرت خود و شناسانیدی مرا از اجابت خود پس گردیدم



ادعوك آمنا واسألك مستأنسا لا خائفا ولا وجلا مدلا عليك فيما

که میخوانم ترا با ایمنی و سؤال میکنم از تو انس گیرنده نه ترسنده و نه هراسنده ناز کننده بر تو در آنچه

قصدت فيه اليك فان ابطأ عني عتبت بجهلي عليك ولعل الذي ابطأ

قصد کردم من در آن بسوی تو پس اگر درنگ نمود از من عتاب میکنم بنادانی خود بر تو و شاید آنچه که درنگ نمود

عني هو خير لي لعلمك بعاقبة الامور فلم ار مولى كريما اصبر على عبد

از من آن بهتر باشد برای من بجهت علم تو بآخر کارها پس ندیدم مولای بزرگوار صبر کننده‌تر بر بنده

لئيم منك علي يا رب انك تدعوني فاولي عنك وتتحبب الي فاتبغض اليك

لئیم از تو بر من ای پروردگار بدرستیکه تو میخوانی مرا پس رو میگردانم از تو و دوستی میکنی بسوی من پس دشمنی میکنم بسوی تو

وتتودد الي فلا اقبل منك كأن لي التطول عليك فلم يمنعك ذلك من

و مهربانی میکنی بسوی من پس قبول نمیکنم از تو گویا مرا است منت بر تو پس باز نداشت ترا آن از

الرحمة بي والاحسان الي والتفضل علي بجودك وكرمك فارحم عبدك

مهربانی بمن و احسان بسوی من و بخشش بر من بجود و بزرگواری خود پس رحم کن بر بنده

الجاهل وجد عليه بفضل احسانك انك جواد كريم الحمد لله مالك

نادان خود را و بخشش کن بر او بزیادتی بخشش خود که تو بخشنده بزرگواری سپاس مر خدایرا که

الملك مجري الفلك مسخر الرياح فالق الاصباح ديان الدين رب العالمين

پادشاهی روان سازنده کشتیها رام سازنده بادها شکافنده سپیده دم دهنده جزا پروردگار عالمیان

الحمد لله على حلمه بعد علمه والحمد لله على عفوه بعد قدرته والحمد لله

سپاس مر خدایرا بر بردباری او بعد از علم او و سپاس مر خدایرا بر عفو او بعد از توانائی او و سپاس مر خدایرا

على طول اناته في غضبه وهو قادر على ما يريد الحمد لله خالق الخلق باسط

بر درازی مدارای او در غضب خود و او توانا است بر آنچه اراده نماید سپاس مر خدایرا آفریننده خلق گشاینده

الرزق فالق الاصباح ذي الجلال والاكرام والفضل والانعام

روزی شکافنده صبح خداوند بزرگواری و کرامت و بخشش و نعمت دادن

الذي بعد فلا يرى وقرب فشهد النجوى تبارك وتعالى الحمد لله

آنکه دور است پس دیده نمیشود و نزدیک است پس حاضر است براز گفتن برتر است خدا و برتر است سپاس

الذي ليس له منازع يعادله ولا شبيه يشاكله ولا ظهير يعاضده

که نیست مر او را کشنده که برابری کند او را و نه مانندی که مانند او را و نه یاوری که مدد کند او را

قهر بعزته الأعزاء وتواضع لعظمته العظماء فبلغ بقدرته ما يشاء

قهر و غلبه کرده به عزت خود بر غلبه داران و فروتنی نمود برای بزرگی او بزرگان پس رسید به توانائی خود آنچه خواست

الحمد لله الذي يجيبني حين أناديه ويستر علي كل عورة وأنا أعصيه

سپاس مر خدا را که اجابت می کند مرا هنگامی که بخوانم او را و می پوشد بر من هر زشتی را و من نافرمانی او می کنم

ويعظم النعمة علي فلا أجازيه فكم من موهبة هنيئة قد أعطاني

و بزرگ می کند نعمت را بر من پس شکر نمی کنم او را پس چه بسیار از بخشش گوارای که بخشیده مرا

وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة مونقة قد أراني فأثني عليه حامدا

و بلای بزرگ ترسناک که کفایت نمود مرا و نعمت شگفت آورنده که نمود مرا پس ستایش می کنم او را ستاینده

وأذكره مسبحا الحمد لله الذي لا يهتك حجابه ولا يغلق بابه ولا يرد

و یاد می کنم او را تسبیح کننده سپاس مر خدا را که دریده نمی شود پرده او و بسته نمی شود درگاه او و رد کرده نمی شود

سائله ولا يخيب آمله الحمد لله الذي يؤمن الخائفين وينجي الصالحين

درخواست کننده او و ناامید نمی گرداند امیدوار او را سپاس مر خدا را که ایمنی می بخشد ترسندگان را و میرهاند شایستگان را

ويرفع المستضعفين ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف

و بر می دارد ناتوانان را و پست می کند گردنکشان را و هلاک می کند پادشاهان را و جانشین می کند

آخرين والحمد لله قاصم الجبارين مبير الظالمين مدرك الهاربين نكال

دیگران را و سپاس مر خدا را درهم شکننده جباران هلاک کننده ستمکاران دریابنده گریزندگان عذاب

الظالمين صريخ المستصرخين موضع حاجات الطالبين معتمد المؤمنين

ستمکاران دادرس دادخواهان جایگاه حاجتهای سوال کنندگان اعتماد کرده شده مومنان

الحمد لله الذي من خشيته ترعد السماء وسكانها وترجف الأرض

سپاس مر خدا را که از ترس او مضطرب است آسمان و ساکنان آن و میلرزد زمین

وعمارها وتموج البحار ومن يسبح في غمراتها الحمد لله الذي هدانا

و ساکنان آن و آشوب می کنند دریاها و آنکه شنا می کند در گردابهای آنها سپاس مر خدا را که راه نمود ما را

لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله الحمد لله الذي يخلق ولم يخلق

به این و نبودیم که راه یابیم اگر نبود آنکه راه نمود ما را خدا سپاس مر خدا را که می آفریند و آفریده نشد

ويرزق ولا يرزق ويطعم ولا يطعم ويميت الأحياء ويحيي الموتى وهو

و روزی می دهد و روزی داده نشود و می خوراند و خورانده نشود و میمیراند زندگان را و زنده میکند مردگان را و او

حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم صل على محمد عبدك

زنده ایست که نمیرد بدست اوست نیکی و او بر هر چیزی تواناست خداوندا رحمت بفرست بر محمد بنده تو

ورسولك وأمينك وصفيك وحبيبك وخيرتك من خلقك وحافظ

و رسول تو و امانت دارنده تو و برگزیده تو و دوست تو و اختیار کرده شده تو از آفریدگان تو و نگاهدارنده

سرك ومبلغ رسالاتك أفضل وأحسن وأجمل وأكمل وأزكى وأنمى وأطيب

راز تو و رساننده پیغامهای تو زیاده تر و نیکوتر و بهتر و تمامتر و پاکیزه تر و نامی تر و طاهرتر

وأطهر وأسنى وأكثر ما صليت وباركت وترحمت وتحننت وسلمت على

و پاکیزه تر و بلندتر و بیشتر از آنچه رحمت فرستادی و برکت دادی و رحم نمودی و مهربانی کردی و درود فرستادی

أحد من عبادك وأنبيائك ورسلك وصفوتك وأهل الكرامة عليك

بر یکی از بندگان خود و پیغمبران خود و رسولان خود و برگزیدگان خود و آنکه بزرگوار اند بر تو

من خلقك اللهم صل على علي أمير المؤمنين ووصي رسول رب العالمين

از آفریدگان تو خداوندا رحمت بفرست بر علی پادشاه گروندگان و وصی رسول پروردگار عالمیان

عبدك ووليك وأخي رسولك وحجتك على خلقك وآيتك الكبرى و

بنده تو و دوست تو و برادر رسول تو و حجت تو بر آفریدگان تو و نشانه بزرگ تو و

النبأ العظيم وصل على الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء سيدة

خبر بزرگ و رحمت بفرست بر راستگوی پاک فاطمه درخشنده بزرگ

نساء العالمين وصل على سبطي الرحمة وإمامي الهدى الحسن و

زنان جهانیان و رحمت بفرست بر دو فرزندزاده رحمت و دو پیشوای هدایت حسن و

الحسين سيدي شباب أهل الجنة وصل على أئمة المسلمين علي بن

حسین دو بزرگ جوانان اهل بهشت و رحمت بفرست بر پیشوایان مسلمانان علی بن

الحسين و محمد بن علي و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و علي بن موسى و محمد

حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد

بن علي و علي بن محمد و الحسن بن علي و الخلف الهادي المهدي حججك على عبادك

پسر علی و علی پسر محمد و حسن پسر علی و جانشین راهنمای راه یافته حجتهای تو بر بندگان

و امنائك في بلادك صلوة كثيرة دائمة اللهم و صل على ولي امرك

و امینان تو در شهرهای تو رحمت بسیار بیشمار خداوندا و رحمت فرست بر خداوند امر تو

القائم المؤمل و العدل المنتظر و حفه بملائكتك المقربين و ايده بروح

[illegible]

القدس يا رب العالمين اللهم اجعله الداعي الى كتابك و القائم بدينك

[illegible]

استخلفه في الارض كما استخلفت الذين من قبله مكن له دينه الذي

[illegible]

ارتضيته له ابدله من بعد خوفه امنا يعبدك لا يشرك بك شيئا اللهم اعزه

[illegible]

و اعزز به و انصره و انتصر به و انصره نصرا عزيزا و افتح له فتحا يسيرا و اجعل

[illegible]

له من لدنك سلطانا نصيرا اللهم اظهر به دينك و سنة نبيك حتى لا يستخفي

[illegible]

بشيء من الحق مخافة احد من الخلق اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز

[illegible]

بها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله و تجعلنا فيها من الدعاة الى

[illegible]

طاعتك و القادة الى سبيلك و ترزقنا بها كرامة الدنيا و الآخرة اللهم

[illegible]

ما عرفتنا من الحق فحملناه و ما قصرنا عنه فبلغناه اللهم المم به شعثنا و اشعب

[illegible]

به صدعنا و ارتق به فتقنا و كثر به قلتنا و اعزز به ذلتنا و اغن به عائلنا

[illegible]

و اقض به عن مغرمنا و اجبر به فقرنا و سد به خلتنا و يسر به عسرنا و بيض به

[illegible]

وجوهنا و فك به اسرنا و انجح به طلبتنا و انجز به مواعيدنا و استجب به دعوتنا

[illegible]

و اعطنا به سؤلنا و بلغنا به من الدنيا و الآخرة آمالنا و اعطنا به فوق رغبتنا

[illegible]

يا خير المسئولين و اوسع المعطين اشف به صدورنا و اذهب به غيظ

[illegible]

قلوبنا و اهدنا به لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء

[illegible]

الى صراط مستقيم و انصرنا به على عدوك و عدونا اله الحق آمين اللهم

[illegible]

انا نشكو اليك فقد نبينا صلواتك عليه و آله و غيبة ولينا و كثرة عدونا

[illegible]

و قلة عددنا و شدة الفتن بنا و تظاهر الزمان علينا فصل على محمد و آله و

[illegible]

اعنا على ذلك بفتح منك تعجله و بضر تكشفه و نصر تعزه و سلطان حق

[illegible]

تظهره و رحمة منك تجللناها و عافية منك تلبسناها برحمتك يا ارحم

[illegible]

الراحمين و بسند بسيار معتبر بلكه صحيح از حضرت صادق منقولست كه

[illegible] در هر شب ماه مبارك رمضان اين دعا را بخوانند

اللهم انى اسئلك ان تجعل فيما تقضى و تقدر من الامر المحتوم فى الامر

خداوندا كه من در سوال ميكنم از تو آنكه بگردانى در آنچه حكم كرده و تقدير نموده آنرا از امر حتمى موافق حكمت

الحكيم من القضاء الذى لا يرد و لا يبدل ان تكتبنى من حجاج بيتك الحرام

موافق حكمت از آن حكمى كه رد كرده و بدل كرده نشود آنكه بنويسى مرا از حج كنندگان خانه محترم

المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عن سيئاتهم و ان تجعل

كه پذيرفته باشد حج ايشان جزا داده شده حركت ايشان آمرزيده شود گناهان ايشان در گذشته شود از ايشان بديهاى ايشان آنكه بگردانى

فيما تقضى و تقدر ان تطيل عمرى فى خير و عافية و ان توسع فى رزقى و

در حق آنچه حكم كنى و اندازه كنى آنكه دراز كنى عمر مرا در نيكوئى و عافيت و آنكه گشاده كنى در روزى من

تجعلنى ممن تنتصر به لدينك و لا تستبدل بى غيرى و اين دعاى عالية

بگردانى مرا از آنان كه انتقام كشى بايشان براى دين خود و بدل نكنى بمن غير مرا المضامين نيز در

هر شب وارد اللهم برحمتك فى الصالحين فادخلنا و فى عليين فـ

شده است خداوندا برحمت خود در زمره شايستگان پس در آور ما را در عليين

فارفعنا و بكاس من معين من عين سلسبيل فاسقنا و من الحور العين

پس بلند كن ما را و بجامى از شراب معين از چشمه سلسبيل پس آب ده ما را و از حور العين

برحمتك فزوجنا و من الولدان المخلدين كانهم لؤلؤ مكنون فاخدمنا

برحمت خود پس زن ده ما را و از كودكان جاويد كه گويا ايشان مرواريد پوشيده اند پس خدمت ده ما را

و من ثمار الجنة و لحوم الطير فاطعمنا و من ثياب السندس و الحرير

و از ميوهاى بهشت و گوشت مرغ پس بخوران ما را و از جامهاى ديباى نازك و ابريشم

و الاستبرق فالبسنا و ليلة القدر و حج بيتك الحرام فارزقنا و قتلا

و ديباى ستبر پس بپوشان ما را و در يافتن شب قدر و حج خانه محترم خود پس روزى كن ما را

فى سبيلك فوفق لنا و صالح الدعاء و المسئلة فاستجب لنا و اذا جمعت

در راه خود پس توفيق ده ما را و شايسته كن دعا و سوال را پس مستجاب كن براى ما و هر گاه

الاولين و الاخرين يوم القيمة فارحمنا و براءة من النار فاكتب لنا و فى

پيشينيان و پسينيان روز قيامت پس رحم كن ما را و بيزارى از آتش پس بنويس براى ما و در

جهنم فلا تغلنا و فى عذابك و هوانك فلا تبتلنا و من الزقوم و الضريع فلا

دوزخ پس غل مكن ما را و در عذاب خود و خوارى از خود پس مبتلا مكن ما را و از ميوه درخت زقوم و خار

تطعمنا و مع الشياطين فلا تجعلنا و فى النار على وجوهنا فلا تكبنا و من ثياب

مخوران ما را و با ديوها پس مگردان ما را و در آتش بر روهاى ما پس ميفكن ما را و از جامهاى

النار و سرابيل القطران فلا تلبسنا و من كل سوء يا لا اله الا انت بحق لا اله

آتش و پيراهنهاى قطران پس مپوشان ما را و از هر بدى اى آنكه نيست خدائى بجز تو بحق

الا انت فنجنا و اما دعاهاى سحر بسند بسيار معتبر وارد شده است كه حضرت امام

الا انت پس نجات ده ما را رضا فرمود كه اين دعائيست كه حضرت امام محمد باقر در سحرها

مى خواندند و ميفرمودند كه اگر مردم بدانند عظمت اين دعا را نزد خدا و سرعت

اجابت او هر اينه بشمشير براى طلب اين دعا با يكديگر قتال كنند و اگر سوگند

ياد كنم كه اسم اعظم خدا در اين دعا است راست گفته ام پس چون اين دعا را بخوانيد

با اهتمام تمام و تضرع بخوانيد و از غير اهلش پنهان داريد دعا اينست اللهم

انى اسئلك من بهائك بابهاه و كل بهائك بهى اللهم انى اسئلك ببهائك

كه من در سوال ميكنم از تو از نيكوئى تو به نيكوترين آن و همه نيكوئى تو نيكوست خداوندا كه من در سوال ميكنم

كله اللهم انى اسئلك من جمالك باجمله و كل جمالك جميل اللهم انى اسئلك

بهر نيكوئى خداوندا كه من در سوال ميكنم از تو از نيكوئى تو به نيكوترين آن و همه نيكوئى تو نيكوست خداوندا كه من در سوال ميكنم

بجمالك كله اللهم انى اسئلك من جلالك باجله و كل جلالك جليل اللهم

بنيكوئى تو همه خداوندا كه من در سوال ميكنم از تو از بزرگى تو به بزرگترين آن و همه بزرگى تو بزرگست خداوندا

انى اسئلك بجلالك كله اللهم انى اسئلك من عظمتك باعظمها و كل

كه من در سوال ميكنم از تو ببزرگى تو همه خداوندا كه من در سوال ميكنم از تو از بزرگى تو به بزرگترين آن و همه

عظمتك عظيمة اللهم انى اسئلك بعظمتك كلها اللهم انى اسئلك

بزرگى تو بزرگست خداوندا كه من سوال ميكنم از تو ببزرگى تو همه خداوندا كه من در سوال ميكنم از تو

من نورك بانوره وكل نورك نير اللهم اني اسالك بنورك كله اللهم اني اسالك

[illegible]

من رحمتك باوسعها وكل رحمتك واسعة اللهم اني اسئلك برحمتك كلها

[illegible]

اللهم اني اسالك من كلماتك باتمها وكل كلماتك تامة اللهم اني اسالك بكلماتك

[illegible]

كلها اللهم اني اسئلك من كمالك باكمله وكل كمالك كامل اللهم اني اسالك

[illegible]

بكمالك كله اللهم اني اسالك من اسمائك باكبرها وكل اسمائك كبيرة اللهم اني

[illegible]

اسالك باسمائك كلها اللهم اني اسالك من عزتك باعزها وكل عزتك عزيزة

[illegible]

اللهم اني اسالك بعزتك كلها اللهم اني اسالك من مشيتك بامضاها وكل

[illegible]

مشيتك ماضية اللهم اني اسالك بمشيتك كلها اللهم اني اسالك من

[illegible]

قدرتك بالقدرة التي استطلت بها على كل شيء وكل قدرتك مستطيلة اللهم

[illegible]

اني اسئلك بقدرتك كلها اللهم اني اسئلك من علمك بانفذه وكل علمك

[illegible]

نافذ اللهم اني اسالك بعلمك كله اللهم اني اسئلك من قولك بارضاه

[illegible]

وكل قولك رضي اللهم اني اسالك بقولك كله اللهم اني اسالك من مسائلك

[illegible]

باحبها اليك وكل مسائلك اليك حبيبة اللهم اني اسالك بمسائلك كلها

[illegible]

اللهم اني اسالك من شرفك باشرفه وكل شرفك شريف اللهم اني اسالك

[illegible]

بشرفك كله اللهم اني اسالك من سلطانك بادومه وكل سلطانك دائم اللهم

[illegible]

اني اسئلك بسلطانك كله اللهم اني اسالك من ملكك بافخره وكل ملكك

[illegible]

فاخر اللهم اني اسالك بملكك كله اللهم اني اسالك من علوك باعلاه

[illegible]

وكل علوك عال اللهم اني اسالك بعلوك كله اللهم اني اسالك من منك

[illegible]

باقدمه وكل منك قديم اللهم اني اسالك بمنك كله اللهم اني اسالك

[illegible]

من آياتك باكرمها وكل آياتك كريمة اللهم اني اسالك بآياتك كلها اللهم

[illegible]

اني اسالك بما انت فيه من الشأن والجبروت واسالك بكل شأن وحده

[illegible]

وجبروت وحدها اللهم اني اسالك بما تجيبني حين اسالك فاجبني يا الله

[illegible]

پس هر حاجت که خواهد از حق تعالی طلبد که البته بر آورده است و از جمله
ادعیه مشهوره سحر دعائی است که شیخ طوسی و دیگران از ابو حمزه ثمالی روایت
کرده اند که حضرت امام زین العابدین در شبهای ماه مبارک رمضان اکثر شب
نماز میکردند و چون سحر میشد این دعا میخواندند الهی لا تؤدبنی بعقوبتک

ولا تمكر بي في حيلتك من أين لي الخير يا رب ولا يوجد إلا من عندك ومن أين

و مکر مکن با من در مکر خود از کجاست مرا نیکی ای پروردگار من و یافت نمیشود مگر از نزد تو و از کجاست

لي النجاة ولا تستطاع إلا بك لا الذي أحسن استغنى عن عونك ورحمتك ولا

مرا رستگاری و توانا نمیتوان شد مگر بتو نه آنکه نیکوئی کرده بی نیاز است از یاری تو و رحمت تو و نه

الذي أساء واجترأ عليك ولم يرضك خرج عن قدرتك يا رب يا رب يا رب

آنکه گناه کرده و دلیری نموده بر تو و خوشنود نساخته ترا بیرون رفت از قدرت تو ای پروردگار من

انقدر بگوید که نفس منقطع شود بك عرفتك وأنت دللتني عليك ودعوتني

بتو شناختم ترا و تو راهنمودی مرا بر خود و خواندی مرا

إليك ولولا أنت لم أدر ما أنت الحمد لله الذي أدعوه فيجيبني وإن كنت بطيئا

بسوی خود و اگر نبودی تو نمیدانستم که چیستی تو و سپاس مر خدایرا که میخوانم او را پس اجابت میکند مرا و اگر چه بودم کاهل

حين يدعوني والحمد لله الذي أسأله فيعطيني وإن كنت بخيلا حين يستقرضني

هنگامی که بخواند مرا و سپاس مر خدایرا که میخواهم از او پس بخشش کند مرا و اگر چه بودم بخیل هنگامی که قرض خواهد از من

والحمد لله الذي أناديه كلما شئت لحاجتي وأخلو به حيث شئت لسري بغير

و سپاس مر خدایرا که میخوانم او را هرگاه خواهم برای حاجت خود و خلوت میکنم با او هر جا که خواهم برای راز خود بی

شفيع فيقضي لي حاجتي والحمد لله الذي أدعوه ولا أدعو غيره ولو دعوت

شفاعت کننده پس روا میکند برای من حاجت مرا و سپاس مر خدایرا که میخوانم او را و نمیخوانم غیر او را و اگر بخوانم

غيره لم يستجب لي دعائي والحمد لله الذي أرجوه ولا أرجو غيره ولو رجوت

غیر او را نمی پذیرفت برای من دعای مرا و سپاس مر خدایرا که امید دارم او را و امید ندارم غیر او را و اگر امید

غيره لأخلف رجائي والحمد لله الذي وكلني إليه فأكرمني ولم يكلني إلى

غیر او را هر آینه خلف میکرد امید مرا و سپاس مر خدایرا که واگذاشت مرا بسوی خود پس گرامی داشت مرا و وانگذاشت مرا بسوی

الناس فيهينوني والحمد لله الذي تحبب إلي وهو غني عني والحمد لله الذي

آدمیان پس خوار نمایند مرا و سپاس مر خدایرا که دوستی نمود بسوی من و او بی نیاز است از من و سپاس مر خدایرا

يحلم عني حتى كأني لا ذنب لي فربي أحمد شيء عندي وأحق بحمدي اللهم

که بردباری مینماید از من تا گویا که نیست گناهی مرا پس پروردگار من ستوده ترین چیزیست نزد من و سزاوارتر است بحمد من [illegible]

إني أجد سبل المطالب إليك مشرعة ومناهل الرجاء إليك مترعة والاستعانة

خدایا بدرستیکه من مییابم راههای مطلبها را بسوی تو گشوده و آبشخورهای امید را بسوی تو پر و یاری جستن را

بفضلك لمن أملك مباحة وأبواب الدعاء إليك للصارخين مفتوحة وأعلم

ببخشش تو برای آنکه امیدوار است حلال گردیده و درهای دعا را بسوی تو برای استغاثه کنندگان گشوده و میدانم

أنك للراجي بموضع إجابة وللملهوفين بمرصد إغاثة وأن في اللهف إلى جودك

آنکه تو برای امیدوار در جای اجابتی و برای ستم رسیدگان در کمین فریادرسی و بتحقیق در استغاثه بسوی بخشش [illegible]

والرضا بقضائك عوضا عن منع الباخلين ومندوحة عما في أيدي المستأثرين

و خوشنودی بحکم تو عوضی است از منع بخیلان و وسعتی است از آنچه در دستهای [illegible]

وأن الراحل إليك قريب المسافة وأنك لا تحتجب عن خلقك إلا أن تحجبهم الأعمال

و آنکه کوچ کننده بسوی تو نزدیک است راه او و آنکه پنهان نیستی از خلق خود مگر آنکه حایل شود اعمال

دونك وقد قصدت إليك بطلبتي وتوجهت إليك بحاجتي وجعلت بك

پیش از رسیدن بتو و بتحقیق آهنگ کردم بسوی تو بحاجت خود و روآوردم بسوی تو بحاجت خود و گردانیدم بتو

استغاثتي وبدعائك توسلي من غير استحقاق لاستماعك مني ولا استيجاب

داد خواهی خود را و بخواندن تو وسیله جستن خود را بی آنکه سزاوار باشم پذیرفتن ترا از من و نه سزاوار

لعفوك عني بل لثقتي بكرمك وسكوني إلى صدق وعدك ولجائي إلى الإيمان

در گذشتن ترا از من از جهة اعتماد من بکرم تو و آرام گرفتن من بسوی راستی وعده تو و پناه آوردن من بسوی [illegible]

بتوحيدك ويقيني بمعرفتك مني أن لا رب لي غيرك ولا إله إلا أنت وحدك

بیگانگی تو و یقین من بشناختن ترا از من آنکه نیست پروردگاری مرا غیر تو و نیست خدائی مگر تو تنها

لا شريك لك اللهم أنت القائل وقولك حق ووعدك صدق واسألوا الله من

نیست شریکی مر ترا خداوندا تو گوینده و گفتار تو درست و وعده تو راست و سوال کنید خدا را

فضله إن الله كان بكم رحيما وليس من صفاتك يا سيدي أن تأمر بالسؤال وتمنع

از بخشش او بدرستیکه خدا است بشما مهربان و نیست از صفتهای تو ای بزرگ من آنکه امر کنی بسوال و باز داری

العطية وأنت المنان بالعطيات على أهل مملكتك والعائد عليهم بتحنن رأفتك

بخشش را و توئی بخشنده ببخششها بر اهل مملکت خود و مهربانی کننده بر ایشان [illegible]

إلهي ربيتني في نعمك وإحسانك صغيرا ونوهت باسمي كبيرا فيا من رباني في
الدنيا بإحسانه وتفضله ونعمه وأشار لي في الآخرة إلى عفوه وكرمه معرفتي
يا مولاي دليلي عليك وحبي لك شفيعي إليك وأنا واثق من دليلي بدلالتك و
ساكن من شفيعي إلى شفاعتك أدعوك يا سيدي بلسان قد أخرسه ذنبه رب
أناجيك بقلب قد أوبقه جرمه أدعوك يا رب راهبا راغبا راجيا خائفا
إذا رأيت مولاي ذنوبي فزعت وإذا رأيت كرمك طمعت فإن عفوت فخير راحم
وإن عذبت فغير ظالم حجتي يا الله في جرأتي على مسألتك مع اتیانی ما تكره جودك
وكرمك وعدتي في شدتي مع قلة حيائي رأفتك ورحمتك وقد رجوت
أن لا تخيب بين ذين وذين منيتي فحقق رجائي واسمع دعائي يا خير من دعاه
داع وأفضل من رجاه راج عظم يا سيدي أملي وساء عملي فأعطني من عفوك
بمقدار أملي ولا تؤاخذني بأسوء عملي فإن كرمك يجل عن مجازاة المذنبين
وحلمك يكبر عن مكافاة المقصرين وأنا يا سيدي عائذ بفضلك هارب

منك إليك متنجز ما وعدت من الصفح عمن أحسن بك ظنا وما أنا يا رب وما
خطري هبني بفضلك وتصدق علي بعفوك أي رب جللني بسترك واعف عن توبيخي
بكرم وجهك فلو اطلع اليوم على ذنبي غيرك ما فعلته ولو خفت تعجيل العقوبة
لاجتنبته لا لأنك أهون الناظرين إلي وأخف المطلعين علي بل لأنك يا رب
خير الساترين وأحكم الحاكمين وأكرم الأكرمين ستار العيوب غفار الذنوب
علام الغيوب تستر الذنب بكرمك وتؤخر العقوبة بحلمك فلك الحمد على حلمك
بعد علمك وعلى عفوك بعد قدرتك ويحملني ويجرئني على معصيتك حلمك عني
ويدعوني إلى قلة الحياء سترك علي ويسرعني إلى التوثب على محارمك معرفتي
بسعة رحمتك وعظيم عفوك يا حليم يا كريم يا حي يا قيوم يا غافر الذنب يا قابل التوب
يا عظيم المن يا قديم الإحسان أين سترك الجميل أين عفوك الجليل أين فرجك القريب
أين غياثك السريع أين رحمتك الواسعة أين عطاياك الفاضلة أين مواهبك
الهنيئة أين صنائعك السنية أين فضلك العظيم أين منك الجسيم أين إحسانك

القديم اين كرمك يا كريم به وبمحمد وآل محمد فاستنقذني وبرحمتك فخلّصني

دیرینهٔ تو کجاست بزرگواری تو ای بزرگوار بآن و بحرمت محمد و آل محمد پس برهان مرا و برحمت خود رهائی ده

يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل لسنا نتّكل في النجاة من عقابك على أعمالنا بل بفضلك

ای احسان نماینده ای نیکوکردار ای نعمت دهنده ای بخشنده نیستیم ما که اعتماد کنیم در رستگاری از عقاب تو بر کردارهای خود بلکه بفضل تو

علينا لأنّك أهل التقوى وأهل المغفرة تبدئ بالإحسان نعماً وتعفو عن الذنب

بر ما زیرا که تو اهل پرهیزکاری و اهل آمرزشی پیشی میگیری بنیکی بخشیدن نعمتها و درمیگذری از گناه

كرماً فما ندري ما نشكر أجميل ما تنشر أم قبيح ما تستر أم عظيم ما أبليت وأوليت

از روی بزرگواری پس نمیدانیم که چه چیز را شکر کنیم آیا بخشش نیکو را که میپراکنی یا بدی را که میپوشانی یا عطیهٔ بزرگ را

أم كثير ما منه نجّيت وعافيت يا حبيب من تحبّب إليك ويا قرّة عين من لاذ بك وانقطع

یا بلاهای بسیار را که از آن رهانیدی و عافیت بخشیدی ای دوست آنکه دوستی کند بسوی تو و ای روشنی دیده آنکه پناه گیرد بتو و ببرد

إليك أنت المحسن ونحن المسيئون فتجاوز يا ربّ عن قبيح ما عندنا بجميل ما عندك

بسوی تو توئی نیکوکار و ماییم بدکردار پس درگذر ای پروردگار من از زشتی آنچه نزد ماست بنیکوئی آنچه نزد توست

وأيّ جهل يا ربّ لا يسعه جودك أو أيّ زمان أطول من أناتك وما قدر أعمالنا

و کدام نادانی است ای پروردگار من که فرا نگیرد آنرا بخشش تو یا کدام زمانست درازتر از زمان مدارای تو و چیست قدر کردار ما

في جنب نعمك وكيف نستكثر أعمالاً نقابل بها كرمك بل كيف يضيق على المذنبين

در جنب نعمتهای تو و چگونه بسیار شماریم کردارها را که مقابل کنیم بآن بزرگواری ترا بلکه چگونه تنگ میگردد بر گناهکاران

ما وسعهم من رحمتك يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة فوعزّتك يا سيّدي

آنچه فرا گرفته است ما را از رحمت تو ای فراگیرندهٔ آمرزش ای گشاده دستها ببخشش پس قسم بعزت تو ای آقای من

لو نهرتني ما برحت من بابك ولا كففت عن تملّقك لما انتهى إليّ من المعرفة بجودك

اگر منع کنی مرا دور نگردم از درگاه تو و نه باز ایستم از دوستی کردن با تو بجهت آنکه رسیده بسوی من از شناخت بخشش

وكرمك وأنت الفاعل لما تشاء تعذّب من تشاء بما تشاء كيف تشاء وترحم من

و کرم تو و توئی کننده هر آنچه را که خواهی عذاب کنی هر که را خواهی بآنچه خواهی هر گونه که خواهی و بخشش میکنی

تشاء بما تشاء كيف تشاء ولا تُسأل عن فعلك ولا تُنازع في ملكك ولا تُشارك

خواهی بآنچه خواهی هر گونه که خواهی و سؤال کرده نمیشوی از کردار خود و خصومت کرده نمیشوی در پادشاهی خود و نه یاری کرده

ای بزرگ من

قمرا

في أمرك ولا تُضادّ في حكمك ولا يعترض عليك أحد في تدبيرك لك الخلق والأمر

در کار خود و نه دشمنی کرده میشوی در حکم خود و اعتراض نمیکند بر تو هیچکس در تدبیر تو مر تراست آفرینش و امر

تبارك الله ربّ العالمين يا ربّ هذا مقام من لاذ بك واستجار بكرمك وألف

پاکست خدا پروردگار جهانیان ای پروردگار من اینجا جای کسیست که پناه گرفته بتو و زنهار خواسته به بزرگواری تو و خو گرفته

إحسانك ونعمك وأنت الجواد الذي لا يضيق عفوك ولا ينقص فضلك ولا تقلّ

احسان ترا و نعمتهای ترا و توئی بخشنده که تنگ نمیگردد عفو تو و کم نمیگردد فضل تو و کم نمیشود

رحمتك وقد توثّقنا منك بالصفح القديم والفضل العظيم والرحمة الواسعة

رحمت تو و بتحقیق اعتماد داریم از جانب تو بدرگذشتن دیرینه و بخشش بزرگ و رحمت فراگیرنده

أفتراك يا ربّ تخلف ظنوننا أو تخيّب آمالنا كلّا يا كريم فليس هذا ظنّنا بك ولا

آیا پس میبینی ترا ای پروردگار من که خلاف کنی گمانهای ما را یا ناامید کنی آرزوهای ما را هرگز نه ای بزرگوار پس نیست این گمان ما بتو و نه

هذا طمعنا فيك يا ربّ إنّ لنا فيك أملاً طويلاً كثيراً إنّ لنا فيك رجاءً عظيماً

اینست طمع ما در تو ای پروردگار من بدرستیکه برای ما است در لطف تو آرزوی دراز بسیار بدرستیکه برای ماست در لطف تو امید بزرگ

عصيناك ونحن نرجو أن تستر علينا ودعوناك ونحن نرجو أن تستجيب لنا

نافرمانی کردیم ترا و ما امیدواریم که بپوشی بر ما و خواندیم ترا و امیدواریم که اجابت کنی ما را

فحقّق رجاءنا يا مولانا فقد علمنا ما نستوجب بأعمالنا ولكن علمك فينا وعلمنا

پس ثابت گردان امید ما را ای آقای ما پس بتحقیق دانستیم آنچه را سزاواریم بسبب کردارهای خود ولیکن دانش تو در باره ما و دانستن ما

بأنّك لا تصرفنا عنك حثّنا على الرغبة إليك وإن كنّا غير مستوجبين لرحمتك

باینکه تو برنگردانی ما را از خود برانگیخته ما را بر رغبت بسوی خود و اگرچه بوده باشیم که مستحق نباشیم رحمت ترا

فأنت أهل أن تجود علينا وعلى المذنبين بفضل سعتك فامنن علينا بما

پس تو سزاواری که بخشش نمائی بر ما و بر گناهکاران بزیادتی گشایش خود پس عطا کن بر ما بآنچه تو

اهله

سزاوار آنی

وجُد علينا فإنّا محتاجون إلى نيلك يا غفّار بنورك اهتدينا وبفضلك استغنينا

و بخشش نما بر ما پس بدرستیکه ما محتاجانیم بسوی عطای تو ای آمرزنده بروشنائی تو راه یافتیم و ببخشش تو بی نیاز شدیم

وبنعمتك أصبحنا وأمسينا ذنوبنا بين يديك نستغفرك اللّهمّ منها ونتوب إليك

و بنعمت تو صبح کردیم و شام کردیم گناهان ما در پیش تست طلب آمرزش میکنیم از تو خداوندا از آنها و رجوع میکنیم

ه تتحبب الينا بالنعم ونعارضك بالذنوب خيرك الينا نازل وشرنا اليك

صاعد ولم يزل ولا يزال ملك كريم يأتيك عنا في كل يوم بعمل قبيح فلا يمنعك ذلك

من ان تحوطنا بنعمك وتتفضل علينا بآلائك فسبحانك ما احلمك واعظمك و

اكرمك مبدئا ومعيدا تقدست اسماؤك وجل ثناؤك وكرم صنائعك و

فعالك انت الهي اوسع فضلا واعظم حلما من ان تقايسني بفعلي وخطيئتي فا

لعفو العفو العفو سيدي سيدي سيدي اللهم اشغلنا بذكرك واعذنا

من سخطك واجرنا من عذابك وارزقنا من مواهبك وانعم علينا من فضلك

وارزقنا حج بيتك وزيارة قبر نبيك صلواتك ومغفرتك ورحمتك ورضوانك

عليه وعلى اهل بيته انك قريب مجيب وارزقنا عملا بطاعتك وتوفنا على

ملتك وسنة نبيك اللهم اغفر لي ولوالدي وارحمهما كما ربياني صغيرا و

اجزهما بالاحسان احسانا وبالسيئات غفرانا اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات الاحياء

والمسلمين والمسلمات

و مردان مسلم و زنان مسلمه

منهم والاموات وتابع بيننا وبينهم بالخيرات اللهم اغفر لحينا وميتنا وغائبنا و

شاهدنا وذكرنا وانثانا صغيرنا وكبيرنا حرنا ومملوكنا كذب العادلون بالله وضلوا

ضلالا بعيدا وخسروا خسرانا مبينا اللهم صل على محمد وآل محمد واختم لي بخير

واكفني ما اهمني من امر دنياي وآخرتي ولا تسلط علي من لا يرحمني واجعل

علي منك واقية باقية ولا تسلبني صالح ما انعمت به علي وارزقني رزقا

من فضلك

از فضل خود

واسعا حلالا طيبا اللهم احرسني بحراستك واحفظني بحفظك واكلأني

بكلائتك وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كل عام وزيارة قبر نبيك

والائمة عليهم السلام ولا تخلني يا رب من تلك المشاهد الشريفة والمواقف الكريمة

اللهم تب علي حتى لا اعصيك والهمني الخير والعمل به وخشيتك بالليل و

النهار ابدا ما ابقيتني يا رب العالمين اللهم اني كلما قلت قد تهيأت وتعبأت و

قمت للصلاة بين يديك وناجيتك القيت علي نعاسا اذا انا صليت وسلبتني

مناجاتك اذا انا ناجيتك ما لي كلما قلت قد صلحت سريرتي وقرب من مجالس

التوابين مجلسي عرضت لي بلية ازالت قدمي وحالت بيني وبين خدمتك

سيدي لعلك عن بابك طردتني وعن خدمتك نحيتني أو لعلك رأيتني

مستخفا بحقك فأقصيتني أو لعلك رأيتني معرضا عنك فقليتني أو لعلك وجدتني

في مقام الكاذبين فرفضتني أو لعلك رأيتني غير شاكر لنعمائك فحرمتني أو

لعلك فقدتني من مجالس العلماء فخذلتني أو لعلك رأيتني في الغافلين فمن

رحمتك آيستني أو لعلك رأيتني آلف مجالس البطالين فبيني وبينهم خليتني أو

لعلك لم تحب أن تسمع دعائي فباعدتني أو لعلك بجرمي وجريرتي كافيتني أو

لعلك بقلة حيائي منك جازيتني فإن عفوت يا رب فطالما عفوت عن المذنبين

قبلي لأن كرمك أي رب يجل عن مجازاة المذنبين وحلمك يكبر عن مكافات

المقصرين وأنا عائذ بفضلك هارب منك إليك متنجز ما وعدت من الصفح

عمن أحسن بك ظنا إلهي أنت أوسع فضلا وأعظم حلما من أن تقايسني بعملي أو أن

تستزلني بخطيئتي وما أنا يا سيدي وما خطري هبني بفضلك يا سيدي

وتصدق علي بعفوك وجللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك سيدي

أنا الصغير الذي ربيته وأنا الجاهل الذي علمته وأنا الضال الذي هديته

وأنا الوضيع الذي رفعته وأنا الخائف الذي آمنته وأنا الجائع الذي أشبعته

والعطشان الذي أرويته والعاري الذي كسوته والفقير الذي أغنيته و

الضعيف الذي قويته والذليل الذي أعززته والسقيم الذي شفيته والسائل

الذي أعطيته والمذنب الذي سترته والخاطئ الذي أقلته وأنا القليل

الذي كثرته والمستضعف الذي نصرته وأنا الطريد الذي آويته وأنا يا رب

الذي لم أستحيك في الخلاء ولم أراقبك في الملاء أنا صاحب الدواهي

العظمى أنا الذي على سيده اجترى أنا الذي عصيت جبار السماء أنا الذي

أعطيت على معاصي الجليل الرشى أنا الذي حين بشرت بها خرجت إليها أسعى

أنا الذي أمهلتني فما ارعويت وسترت علي فما استحييت وعملت بالمعاصي

فتعديت وأسقطتني من عينك فما باليت فبحلمك أمهلتني وبسترك سترتني

حتى كأنك أغفلتني ومن عقوبات المعاصي جنبتني حتى كأنك استحييتني إلهي

حين بشرت

اسقطتني

لم أعصك حين عصيتك وأنا بربوبيتك جاحد ولا بأمرك مستخف ولا

نافرمانی کردم ترا هنگامیکه نافرمانی کردم ترا و من پروردگاری ترا انکار کننده و نه فرمان ترا سبک شمارنده

لعقوبتك متعرض ولا لوعيدك متهاون ولكن خطيئة عرضت وسولت

عقوبت ترا خواهش کننده و نه وعید ترا خوار دارنده ولیکن خطائی عارض شد و آراسته کرد

لي نفسي وغلبني هواي وأعانني عليها شقوتي وغرني سترك المرخى علي

برای من نفس من و غالب شد مرا خواهش من و مدد کرد مرا بر آن بدبختی من و فریفت مرا پرده تو که آویخته شده

فقد عصيتك وخالفتك بجهدي فالآن من عذابك من يستنقذني

پس بتحقیق نافرمانی کردم ترا و مخالفت کردم ترا بکوشش خود پس حالا از عذاب تو که میرهاند مرا

ومن أيدي الخصماء غداً من يخلصني وبحبل من أتصل إن أنت قطعت حبلك

و از دستهای دشمنان فردا که خلاص کند مرا و بریسمان که در پیوندم اگر تو ببری ریسمان

عني فواسوأتا على ما أحصى كتابك من عملي الذي لولا ما أرجو من كرمك

از من پس وای رسوائی من بر آنچه شمرده کتاب تو از کردار من آن کردار که اگر نبود آنچه امید دارم از کرم تو

وسعة رحمتك ونهيك إياي عن القنوط لقنطت عندما أتذكرها يا خير من

و فراخی بخشش تو و منع تو مرا از نومیدی که هر آینه ناامید میشدم نزد یاد آوری آن ای بهتر کسیکه

دعاه داع وأفضل من رجاه راج اللهم بذمة الإسلام أتوسل إليك وبحرمة

خواند او را خواننده و بهترین کسیکه امید داشته او را امیدوار خدایا بذمه اسلام وسیله میجویم بسوی تو و بحرمت

القرآن أعتمد عليك وبحبي للنبي الأمي القرشي الهاشمي العربي التهامي

قرآن اعتماد مینمایم بر تو و بدوستی من پیغمبر را که امی و قرشی و هاشمی و عربی و تهامی

المكي المدني أرجو الزلفة لديك فلا توحش استيناس إيماني ولا تجعل

و مکی و مدنی است امید دارم نزدیکی را نزد خود پس مترسان خو گرفتن ایمان مرا و مگردان

ثوابي ثواب من عبد سواك فإن قوماً آمنوا بألسنتهم ليحقنوا به دماءهم

ثواب مرا مانند پاداش آنکه پرستید غیر ترا زیرا که گروهی گرویدند بزبانهای خود تا آنکه نگاه دارند خونهای خود

فأدركوا ما أملوا وإنا آمنا بك بألسنتنا وقلوبنا لتعفو عنا فأدرك بنا

پس دریافتند آنچه امید داشتند و ما گرویدیم بتو بزبانهای خود و دلهای خود تا آنکه در گذری از ما پس برسان

ما أملنا وثبت رجاءك في صدورنا ولا تزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا وهب لنا

بآنچه امید داریم و ثابت دار امید خود را در دلهای ما و میل مده دلهای ما را بعد از آنکه راه نمودی ما را و ببخش برای ما

من لدنك رحمة إنك أنت الوهاب وعزتك لو انتهرتني ما برحت من

از نزد خود بخشش بزرگ بدرستیکه تو توئی بسیار بخشنده بحق عزت تو اگر منع کنی مرا دور نمیگردم

بابك ولا كففت عن تملقك لما ألهم قلبي من المعرفة بكرمك وسعة رحمتك

از درگاه تو و نه باز میایستم از دوستی کردن با تو بجهة آنچه الهام شده در دل من از شناختن بزرگواری خود و فراخی بخشش خود

إلى من يذهب العبد إلا إلى مولاه وإلى من يلتجئ المخلوق إلا إلى خالقه إلهي لو

بسوی که میرود بنده مگر بسوی آقای خود و بسوی که پناه میبرد آفریده مگر بسوی آفریننده خود خدایا اگر

قرنتني بالأصفاد ومنعتني سيبك من بين الأشهاد ودللت على فضائحي عيون

در بندی مرا بغلها و باز داری عطای خود را از میان حاضران و راه نمائی بر رسوائیهای من دیده

العباد وأمرت بي إلى النار وحلت بيني وبين الأبرار ما قطعت رجائي منك

بندگان را و فرمائی مرا بسوی آتش و حائل شوی میان من و میان نیکوکاران نمیبرم امید خود را از تو

وما صرفت تأميلي للعفو عنك ولا خرج حبك عن قلبي أنا لا أنسى أياديك

و مشغول نمیکنم آرزوی عفو را از تو و بیرون نرود دوستی تو از دل من فراموش نمیکنم نعمتهای ترا

عندي وسترك علي في دار الدنيا يا سيدي صل على محمد وآل محمد وأخرج حب

که نزد منست و پوشانیدن ترا بر من در سرای دنیا ای بزرگ من رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیرون کن دوستی

الدنيا من قلبي واجمع بيني وبين المصطفى وآله خيرتك من خلقك وخاتم

دنیا را از دل من و جمع کن میان من و میان برگزیده خود و آل او برگزیده تو از خلق تو و ختم

النبيين محمد وانقلني إلى درجة التوبة إليك وأعني بالبكاء على نفسي فقد

پیغمبران محمد و نقل فرما مرا بسوی مرتبه بازگشت بسوی تو و مدد کن مرا بگریستن بر نفس خود بتحقیق

أفنيت بالتسويف والآمال عمري وقد نزلت منزلة الآيسين من خيري فمن

فانی ساختم عمر خود را و بتحقیق فرود آمدم در فرودگاه ناامیدان از خیر من پس کیست

يكون أسوأ حالاً مني إن أنا نقلت على مثل حالي إلى قبر لم أمهده لرقدتي

بدتر بحال از من اگر من نقل کرده شوم بر مانند این حالم بسوی قبری که آماده نساختم آنرا برای خوابیدن خود

لنا ع

وجهه
روی خود را

ولم أفرشه بالعمل الصالح لضجعي ومالي لا أبكي ولا أدري إلى ما يكون

و نگسترانیده‌ام آنرا بعمل شایسته بجهت خوابگاه خود و چیست مرا که نگریم و نمی‌دانم بسوی چه خواهد [illegible]

مصيري وأرى نفسي تخادعني وأيامي تخاتلني وقد خفقت عند رأسي

بازگشت من و می‌بینم نفس خود را که میفریبد مرا و روزگار مرا که حیله می‌کند مرا و بتحقیق [illegible] بالای سر

أجنحة الموت فما لي لا أبكي أبكي لخروج نفسي أبكي لظلمة قبري أبكي لضيق

بالهای مرگ پس چیست که نگریم بگریم بجهت بیرون شدن نفس خود بگریم بجهت تاریکی قبر خود بگریم بجهت تنگی

لحدي أبكي لسؤال منكر ونكير إياي أبكي لخروجي من قبري عرياناً ذليلاً

لحد خود بگریم بجهت سؤال کردن منکر و نکیر مرا بگریم بجهت بیرون آمدن از قبر خود برهنه خوار

حاملاً ثقلي على ظهري أنظر مرة عن يميني وأخرى عن شمالي إذ الخلائق في

بردارنده بار گران خود را بر پشت خود نظر کنم یکبار از جانب راست خود و بار دیگر از جانب چپ خود هنگامی که [illegible]

شأن غير شأني لكل امرئ منهم يومئذ شأن يغنيه وجوه يومئذ مسفرة ضاحكة

حالتی غیر حالت من برای هر مردی از ایشان در آن روز حالتی که [illegible]

مستبشرة ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها قترة وذلة سيدي عليك

شادمانند و رویها [illegible] در آن روز [illegible] ای بزرگ من بر تو

معولي ومعتمدي ورجائي وتوكلي وبرحمتك تعلقي تصيب برحمتك من

[illegible] و اعتماد من و امید من [illegible] و برحمت تو [illegible] میرسانی برحمت خود هر که را

تشاء وتهدي بكرامتك من تحب فلك الحمد على ما نقيت من الشرك قلبي

خواهی و راه مینمائی بکرامت خود هر که را دوست داری پس مر تراست سپاس بر آنچه پاک کردی از شرک دل مرا

ولك الحمد على بسط لساني أفبلساني هذا الكال أشكرك أم بغاية جهدي

و مر تراست سپاس بر گشادن زبان من پس آیا بزبان خود [illegible] سپاسگذاری میکنم ترا یا بنهایت کوشش

في عملي أرضيك وما قدر لساني يا رب في جنب شكرك وما قدر عملي في

در کردار خود خوشنود میسازم [illegible] و چیست مرتبه زبان من ای پروردگار من در پهلوی [illegible] و چیست مرتبه کردار

جنب نعمك وإحسانك إلا أن جودك بسط أملي وشكرك قبل عملي

جنب نعمتهای تو [illegible] بخشش تو گشاد امید مرا و سپاسگذاری تو [illegible]

سيدي إليك رغبتي ومنك رهبتي وإليك تأميلي وقد ساقني إليك

بزرگ من بسوی تو است خواهش من و از تست ترس من و بسوی تست امید [illegible] و بتحقیق راند مرا بسوی تو

أملي وعليك يا واحدي عكفت همتي وفيما عندك انبسطت رغبتي ولك خالص

آرزوی من و بر تست ای یگانه من [illegible] همت مرا و در آنچه نزد تست پهن گردیده خواهش من و مر تراست خالص

رجائي وخوفي وبك أنست محبتي وإليك ألقيت بيدي وبحبل طاعتك

امید من و ترس من و بتو انس گرفته دوستی من [illegible] دست خود را و بریسمان طاعت تو

مددت رهبتي يا مولاي بذكرك عاش قلبي وبمناجاتك بردت ألم الخوف

کشیدم ترس خود را ای آقای من بیاد کردن تو زنده گردید دل من و براز گفتن تو [illegible]

عني فيا مولاي ويا مؤملي ويا منتهى سؤلي صل على محمد وآل محمد وفرق

از من پس ای آقای من و ای امیدگاه من و ای منتهای خواهش من رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و جدائی [illegible]

بيني وبين المانع لي من لزوم طاعتك فإنما أسألك لقديم الرجاء فيك

[illegible]

وخوفي إليك وعظيم الطمع منك الذي أوجبته على نفسك من الرأفة

و ترس من بسوی تو و طمع بزرگ از تو آنچه را که واجب کردی آنرا بر نفس خود که مهربانی

والرحمة والأمر لك وحدك لا شريك لك والخلق كلهم عيالك وفي قبضتك

و بخشش است و [illegible] شریکی نیست مر ترا و خلق همه ایشان عیال تواند و در [illegible]

وكل شيء خاضع لك تباركت يا رب العالمين إلهي ارحمني إذا انقطعت حجتي وكل

و هر چیزی فروتنی کننده است مر ترا [illegible] ای پروردگار [illegible]

عن جوابك لساني وطاش عند سؤالك إياي لبي فيا عظيم رجائي لا تخيبني

از جواب تو زبان من و سبک شود نزد سؤال کردن تو [illegible] پس ای بزرگ امیدگاه من [illegible]

إذا اشتدت فاقتي إليك ولا تردني لجهلي ولا تمنعني لقلة صبري أعطني لفقري

هرگاه سخت شود احتیاج من بسوی تو و رد مکن مرا بجهت نادانی من و منع مکن مرا بجهت [illegible]

وارحمني لضعفي سيدي عليك معتمدي ومعولي ورجائي وتوكلي وبرحمتك

و رحم کن مرا بجهت ناتوانی من ای بزرگ من بر تست اعتماد من [illegible]

ذنبي

تعلقي وبفنائك أحط رحلي وبجودك أقصد طلبتي وبكرمك أي رب أستفتح

چنگ زدن من و در پیش درگاه تو فرود میآورم بار خود را و بجود تو قصد میکنم حاجت خود را و بکرم تو ای پروردگار من میگشایم

دعائي ولديك أرجو فاقتي وبغناك أجبر عيلتي وتحت ظل عفوك قيامي

دعای خود را و نزد تو امید دارم حاجت خود را و به بی‌نیازی تو درست میکنم درویشی خود را و در زیر سایه عفو تست ایستادن من

وإلى جودك وكرمك أرفع بصري وإلى معروفك أديم نظري فلا تحرقني بالنار

و بسوی بخشش تو و کرم تو بلند میکنم دیده خود را و بسوی احسان تو همیشه میدارم نظر خود را پس مسوزان مرا

وأنت موضع أملي ولا تسكني الهاوية فإنك قرة عيني يا سيدي لا تكذب

آتش و تو جای امید منی و ساکن مگردان مرا در دوزخ زیرا که تو روشنی دیده منی ای بزرگ من دروغ مگردان

ظني بإحسانك ومعروفك فإنك ثقتي ولا تحرمني ثوابك فإنك العارف

گمان مرا باحسان خود و عطای خود زیرا که تو پناه منی و نا امید مکن مرا از پاداش نیک خود زیرا که تو دانایی

بفقري إلهي إن كان قد دنا أجلي ولم يقربني منك عملي فقد جعلت الاعتراف

باحتیاج من خدای من اگر چنانکه نزدیک شده باشد اجل من و نزدیک نگردانیده باشد مرا بتو عمل من پس بتحقیق گردانیدم اعتراف

إليك بذنبي وسائل عللي إن عفوت فمن أولى منك بالعفو وإن عذبت فمن

بسوی تو بگناه خود وسیله عذرهای خود اگر درگذری پس کیست سزاوارتر از تو بدرگذشتن و اگر عذاب کنی پس کیست

أعدل منك في الحكم ارحم في هذه الدنيا غربتي وعند الموت كربتي و

با انصاف تر از تو در حکم رحم کن در این دنیا بیکسی مرا و نزد مرگ اندوه مرا

في القبر وحدتي وفي اللحد وحشتي وإذا نشرت للحساب بين يديك ذل

و در قبر تنهایی مرا و در لحد ترس مرا و هرگاه برانگیخته شوم بجهة حساب در پیش تو خواری

موقفي واغفر لي ما خفي على الآدميين من عملي وأدم لي ما به سترتني و

ایستادن مرا و بیامرز برای من آنچه پنهان است بر آدمیان از کردار من و همیشه دار برای من آنچه بآن پوشیدی

ارحمني صريعا على الفراش تقلبني أيدي أحبتي وتفضل علي ممدودا على

رحم کن مرا که بر روی افتاده باشم بر بستر که بگرداند مرا دستهای دوستان من و بخشش کن بر من دراز کشیده بر

المغتسل يغسلني صالح جيرتي وتحنن علي محمولا قد تناول الأقرباء أطراف جنازتي

جایگاه غسل دادن که غسل دهد مرا شایسته همسایگان من و مهربانی کن بر من آنگاه که برداشته شوم که گرفته باشند خویشان اطراف جنازه

وجد علي منقولا قد نزلت بك وحيدا في حفرتي وارحم في ذلك البيت

و بخشش کن بر من که نقل کرده باشند مرا فرود آیم بتو تنها در قبر خود و رحم کن در آنجا خانه

الجديد غربتي حتى لا أستأنس بغيرك يا سيدي فإنك إن وكلتني إلى نفسي

تازه بیکسی مرا تا آنکه انس نگیرم بغیر تو ای بزرگ من زیرا که تو اگر واگذاری مرا بسوی نفس من

هلكت سيدي فبمن أستغيث إن لم تقلني عثرتي وإلى من أفزع إن فقدت

هلاک گردم بزرگ من پس بکه استغاثه نمایم اگر درنگذری از لغزش من و بسوی که استغاثه کنم اگر نیابم

عنايتك في ضجعتي وإلى من ألتجئ إن لم تنفس كربتي سيدي من لي ومن

یاری ترا در خوابیدن خود و بسوی که پناه برم اگر زایل نکنی اندوه مرا بزرگ من کیست مرا و که

يرحمني إن لم ترحمني وفضل من أؤمل إن عدمت فضلك يوم فاقتي وإلى

رحم کند مرا اگر رحم نکنی مرا و بخشش کرا آرزو کنم اگر نیابم فضل ترا در روز احتیاج خود

من الفرار من الذنوب إذا انقضى أجلي سيدي لا تعذبني وأنا أرجوك إلهي

گریختن از گناهان هرگاه که برسد اجل من بزرگ من عذاب مکن مرا و من امیدوارم ترا خدای

حقق رجائي وآمن خوفي فإن كثرة ذنوبي لا أرجو فيها إلا عفوك سيدي

درست کن امید مرا و ایمن گردان بیم مرا زیرا که بسیاری گناهان امید ندارم در آنها مگر عفو ترا بزرگ من

أنا أسألك ما لا أستحق وأنت أهل التقوى وأهل المغفرة فاغفر لي و

من درخواست میکنم از تو آنچه را که سزاوار آن نیستم و تو سزاواری به پرهیزکاری و سزاوار آمرزشی پس بیامرز مرا

ألبسني من نظرك ثوبا يغطي علي الذنوب والتبعات وتغفرها لي ولا أطالب

بپوشان مرا از لطف خود جامه که بپوشد بر من گناهان و بازخواستها را و درگذری از آنها و بازخواست نکنی

بها إنك ذو من قديم وصفح عظيم وتجاوز كريم إلهي أنت الذي تفيض

بآنها که تو صاحب عطای دیرینه و درگذشتن بزرگ و گذشتن گرامی خدای من توئی آنکه برسانی

سيبك على من لا يسألك وعلى الجاحدين بربوبيتك فكيف سيدي بمن

عطای خود را بر آنکه سؤال نکند از تو و بر آنانکه انکار کنند پروردگاری ترا بزرگ من پس چگونه

سألك وأيقن أن الخلق لك والأمر إليك تباركت وتعاليت يا رب العالمين

سؤال کند از تو و یقین دارد که آفرینش مر تراست و هر کاری بسوی تست با برکتی تو و بلندی تو ای پروردگار جهانیان

إلهي وسيدي عبدك ببابك أقامته الخصاصة بين يديك يقرع باب
إحسانك بدعائه ويستعطف جميل نظرك بمكنون رجائه فلا تعرض بوجهك
الكريم عني واقبل مني ما أقول فقد دعوت بهذا الدعاء وأنا أرجو أن لا
تردني معرفة مني برأفتك ورحمتك إلهي أنت الذي لا يحفيك سائل ولا
ينقصك نائل أنت كما تقول وفوق ما نقول اللهم إني أسألك صبرا جميلا
وفرجا قريبا وقولا صادقا وأجرا عظيما أسألك يا رب من الخير كله ما علمت
منه وما لم أعلم أسألك اللهم من خير ما سألك منه عبادك الصالحون يا
خير من سئل وأجود من أعطى أعطني سؤلي في نفسي وولدي ووالدي
وأهلي حزانتي وإخواني فيك وأرغد عيشي وأظهر مروتي وأصلح جميع
أحوالي واجعلني ممن أطلت عمره وحسنت عمله وأتممت عليه نعمتك و
رضيت عنه وأحييته حيوة طيبة في أدوم السرور وأسبغ الكرامة وأ
تم العيش إنك تفعل ما تشاء ولا تفعل ما يشاء غيرك اللهم وخصني منك

فقد

اللهم إني

أعلم

وأهلي

بخاصة ذكرك ولا تجعل شيئا مما أتقرب به إليك في آناء الليل وأطراف النهار
رياء ولا سمعة ولا أشرا ولا بطرا واجعلني لك من الخاشعين اللهم أعطني
السعة في الرزق والأمن في الوطن وقرة العين في الأهل والمال والولد
والمقام في نعمك عندي والصحة في الجسم والقوة في البدن والسلامة
في الدين واستعملني بطاعتك وطاعة رسولك محمد صلى الله عليه وآله أبدا ما استعمرتني
واجعلني من أوفر عبادك عندك نصيبا في كل خير أنزلته وتنزله في شهر
رمضان في ليلة القدر وما أنت منزله في كل سنة من رحمة تنشرها
وعافية تلبسها وبلية تدفعها وحسنات تتقبلها وسيئات تتجاوز عنها وارزقني
حج بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كل عام وارزقني رزقا واسعا من فضلك
الواسع واصرف عني يا سيدي الأسواء واقض عني الدين والظلامات حتى
لا أتأذى بشيء منه وخذ عني بأسماع وأبصار أعدائي وحسادي
والباغين علي وانصرني عليهم وأقر عيني وحقق ظني وفرج قلبي واجعل لي

سيئات

مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَاجْعَلْ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ

از غم من و اندوه من گشایشی و بیرون شدنی و بگردان هر کرا که آهنگ کند مرا به بدی از همه خلق خود در زیر

قَدَمَيَّ وَاكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرَّ السُّلْطَانِ وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي وَطَهِّرْنِي مِنَ

قدمهای من و دفع کن از من گزند شیطان را و گزند سلطان را و بدیهای کردار مرا و پاک گردان مرا از

الذُّنُوبِ كُلِّهَا وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَزَوِّجْنِي مِنَ

گناهان همه آنها و زنهار ده مرا از آتش بعفو خود و درآور مرا در بهشت برحمت خود و زن ده مرا از

الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ وَأَلْحِقْنِي بِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ

سیاه دیدگان فراخ چشم بفضل خود و برسان مرا بدوستان شایسته خود محمد و آل او که پاکانند

الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ

پاکیزگانند نیکوکارانند درودهای خدا بر ایشان و بر ارواح ایشان و بدنهای ایشان و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ إِلٰهِي وَسَيِّدِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَئِنْ طَالَبْتَنِي بِذُنُوبِي لَأُطَالِبَنَّكَ

و برکتهای او ای خدای من و بزرگ من قسم بعزت تو و بزرگواری تو اگر مطالبه کنی مرا بگناهان من هر آینه مطالبه کنم

بِعَفْوِكَ وَلَئِنْ طَالَبْتَنِي بِلُؤْمِي لَأُطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ وَلَئِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لَأُخْبِرَنَّ

بعفو تو و اگر مطالبه کنی مرا بدنائت من هر آینه مطالبه کنم ترا بکرم تو و اگر درآوری مرا در آتش هر آینه خبر دهم

أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ إِلٰهِي وَسَيِّدِي إِنْ كُنْتَ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ

اهل آتش را بدوست داشتن ترا ای خدای من و بزرگ من اگر بوده باشی که نیامرزی مگر دوستان خود را و اهل

طَاعَتِكَ فَإِلَى مَنْ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ وَإِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فَبِمَنْ

طاعت خود را پس بسوی که پناه برند گناهکاران و اگر بوده باشی که گرامی نداری مگر اهل وفا را پس بکه

يَسْتَغِيثُ الْمُسِيئُونَ إِلٰهِي إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي ذٰلِكَ سُرُورُ عَدُوِّكَ وَإِنْ

استغاثه کنند بدکاران خدای من اگر درآوری مرا در آتش پس در آن شادی دشمن تست و اگر

أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَفِي ذٰلِكَ سُرُورُ نَبِيِّكَ وَأَنَا وَاللهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ

درآوری مرا در بهشت پس در آن شادی پیغمبر تست و من قسم بخدا که میدانم که بتحقیق شادی پیغمبر

أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدُوِّكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ

دوستتر است بسوی تو از شادی دشمن تو خداوندا که من سؤال میکنم از تو آنکه پر کنی دل مرا از دوستی خود

وَخَشْيَةً مِنْكَ وَتَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ وَإِيمَانًا بِكَ وَفَرَقًا مِنْكَ وَشَوْقًا إِلَيْكَ يَا ذَا

و ترسیدن از خود و باور داشتن کتاب خود و گرویدن بتو و بیم نمودن از خود و آرزومندی بسوی خود ای صاحب

الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ حَبِّبْ إِلَيَّ لِقَاءَكَ وَأَحْبِبْ لِقَائِي وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ

بزرگواری و کرامت بخشی دوست گردان بسوی من ملاقات خود را و دوست دار ملاقات مرا و بگردان برای من در ملاقات خود آسایش

وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ اللّٰهُمَّ أَلْحِقْنِي بِصَالِحِ مَنْ مَضَى وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحِ مَنْ بَقِيَ

و گشایش و نوازش خداوندا ملحق ساز مرا بنیکوکاران آنکه گذشته و بگردان مرا از نیکوکاران آنکه باقی است

وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ وَأَعِنِّي عَلَى نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى

و ببر مرا براه شایستگان و یاری کن مرا بر نفس من بآنچه یاری کردی بآن شایستگان را بر

أَنْفُسِهِمْ وَاخْتِمْ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ وَاجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يَا رَبَّ

نفسهای ایشان و ختم کن کردار مرا به نیکوترین آن و بگردان پاداش مرا از آن بهشت برحمت خود ای پروردگار

الْعَالَمِينَ وَأَعِنِّي عَلَى صَالِحِ مَا أَعْطَيْتَنِي وَثَبِّتْنِي يَا رَبِّ وَلَا تَرُدَّنِي فِي سُوءٍ

جهانیان و یاری کن مرا بر شایسته آنچه عطا کردی مرا و ثابت دار مرا ای خدای من و برمگردان مرا در بدی

اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ أَحْيِنِي

که رهانیدی مرا از آن خداوندا که من درخواست میکنم از تو ایمانی که نباشد مدتی آن را پیش از ملاقات تو زنده دار

مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ وَتَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ وَابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ وَأَبْرِئْ

مادام که زنده داری مرا بر آن و بمیران مرا هرگاه بمیرانی مرا بر آن و برانگیزان مرا هرگاه برانگیزی مرا بر آن و پاک کن

قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالشَّكِّ وَالسُّمْعَةِ فِي دِينِكَ حَتَّى يَكُونَ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ

دل مرا از ریا و شک و سمعه در دین تو تا آنکه بوده باشد کردار من خالص برای تو

اللّٰهُمَّ أَعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ وَفِقْهًا فِي عِلْمِكَ وَكِفْلَيْنِ

خداوندا ببخش مرا بینائی در دین خود و دریافتن در حکم خود و دانش در علم خود و دو بهره

مِنْ رَحْمَتِكَ وَوَرَعًا يَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ وَبَيِّضْ وَجْهِي بِنُورِكَ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي

از رحمت خود و پرهیزکاری که باز دارد مرا از نافرمانیهای تو و سفید کن روی مرا بنور خود و بگردان رغبت مرا

فِيمَا عِنْدَكَ وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ

در آنچه نزد تست و بمیران مرا در راه خود و بر دین رسول خود خداوندا که من پناه میبرم بتو از

الكسل والفقر والفشل والهم والجبن والبخل والغفلة والقسوة والذلة

کاهلی و بی چیزی و ناتوانی و اندوه و بددلی و بخیلی و بی خبری و سخت دلی و خواری

والمسكنة والفاقة وكل بلية والفواحش كلها ما ظهر منها وما بطن واعوذ

و بیچیزی و مسکینی و هر بلائی و هر زشتی همه آنها آنچه آشکار است از آنها و پنهان [illegible]

و الفقر

بك من نفس لا تقنع وبطن لا تشبع وقلب لا يخشع ودعاء لا يسمع وعمل

[illegible]

لا ينفع وصلوة لا ترفع واعوذ بك يا رب على نفسي وولدي وديني ومالي

[illegible]

وعلى جميع ما رزقتني من الشيطان الرجيم انك انت السميع العليم اللهم

[illegible]

انه لا يجيرني منك احد ولا اجد من دونك ملتحدا فلا تجعل نفسي في شيء

[illegible]

من عذابك ولا تردني بهلكة ولا تردني بعذاب اليم اللهم تقبل مني

از عذاب خود و برمگردان مرا به هلاکت و برمگردان مرا بعذاب [illegible]

واعل ذكري وارفع درجتي وحط وزري ولا تذكرني بخطيئتي واجعل

و بلند کن ذکر مرا و رفیع کن مرتبه مرا و [illegible]

ثواب مجلسي وثواب منطقي وثواب دعائي رضاك والجنة واعطني

ثواب نشستن مرا و ثواب گفتن مرا و ثواب دعای مرا خوشنودی خود و بهشت [illegible]

يا رب جميع ما سألتك وزدني من فضلك اني اليك راغب يا رب العالمين

[illegible]

اللهم انك انزلت في كتابك العفو وامرتنا ان نعفو عمن ظلمنا وقد ظلمنا

[illegible]

انفسنا فاعف عنا فانك اولى بذلك منا وامرتنا ان لا نرد سائلا عن

[illegible]

اولن

عن ابوابنا وقد جئتك سائلا فلا تردني الا بقضاء حاجتي وامرتنا بالاحسان

[illegible]

الى ما ملكت ايماننا ونحن ارقاؤك فاعتق رقابنا من النار يا مفزعي عند كربتي

[illegible]

يا سيدي
ای بزرگوار

ويا غوثي عند شدتي اليك فزعت وبك استغثت وبك لذت لا الوذ بسواك

[illegible]

ولا اطلب الفرج الا منك فاغثني وفرج عني يا من يقبل اليسير ويعفو عن الكثير

[illegible]

صل على محمد وآله
پس رحمت فرست بر محمد و آل او

اقبل مني اليسير واعف عني الكثير انك انت الغفور الرحيم اللهم اني اسألك

[illegible]

ايمانا تباشر به قلبي ويقينا صادقا حتى اعلم انه لن يصيبني الا ما كتبت لي ورضني

[illegible]

من العيش بما قسمت لي يا ارحم الراحمين ومختصر این دعاهای سحر اینست

از زندگی بآنچه قسمت کرده برای من ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

يا مفزعي عند كربتي ويا غوثي عند شدتي اليك فزعت وبك استغثت وبك

[illegible]

لذت لا الوذ بسواك ولا اطلب الفرج الا منك فاغثني وفرج عني يا من يقبل

[illegible]

اليسير ويعفو عن الكثير اقبل مني اليسير واعف عن الكثير انك انت العفو

[illegible]

الرحيم اللهم اني اسألك ايمانا تباشر به قلبي حتى اعلم انه لن يصيبني الا ما

[illegible]

ويقينا
و یقین را

كتبت لي ورضني من العيش بما قسمت لي يا ارحم الراحمين يا عدتي في كربتي

[illegible]

ويا صاحبي في شدتي ويا وليي في نعمتي ويا غايتي في رغبتي انت الساتر
و ای یار من در سختی من و ای کفیل من در نعمت من و ای منتهای مطلب در خواهش من تو پوشاننده

عورتي والآمن روعتي والمقيل عثرتي فاغفر لي خطيئتي يا ارحم الراحمين
امر زشت مرا و ایمنی بخشنده خوف مرا و درگذرنده لغزش مرا پس بیامرز برای من گناه مرا ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان

واما دعاهای هر روز ماه رمضان بسند معتبر منقولست که حضرت امام
زين العابدين وامام محمد باقر در هر روز ماه مبارك اين دعا مي خواندند اللهم

هذا شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى
خداوندا این ماه رمضانست که فرستادی در آن قرآن را که راهنمای آدمیانست و نشانهای روشن از هدایت

والفرقان وهذا شهر الصيام وهذا شهر القيام وهذا شهر الانابة وهذا
و جدا کننده حق از باطل و این ماه روزه داشتن است و این ماه برپا ایستادن است و این ماه بازگشتن است و این

شهر التوبة وهذا شهر المغفرة والرحمة وهذا شهر العتق من النار والفوز
ماه توبه است و این ماه آمرزش و رحمت است و این ماه آزادی از آتش است و رستگاری

بالجنة وهذا شهر فيه ليلة القدر التي هي خير من الف شهر اللهم صل
به بهشت و این ماهیست که در آنست شب قدر که آن بهتر است از هزار ماه خداوندا رحمت فرست

على محمد وآل محمد واعني على صيامه وقيامه وسلمه لي وسلمني واعني
بر محمد و آل محمد و مددکن مرا بر روزه داشتن و برپا داشتن آن و سالم دار آنرا برای من و سالم دار مرا و مددکن

عليه بافضل عونك ووفقني فيه لطاعتك وطاعة رسولك واوليائك
بر آن به بهترین مدد خود و توفیق ده مرا در آن به اطاعت خود و طاعت رسول خود و دوستان خود

صلوات الله عليهم وفرغني فيه لعبادتك ودعائك وتلاوة كتابك
درودهای خدا بر ایشان باد و فارغ دار مرا در آن به بندگی خود و خواندن خود و خواندن کتاب خود

وعظم لي فيه البركة واحسن لي فيه العافية وا[illegible] فيه التوبة وا صح
و بزرگ کردان برای من در آن برکت را و نیکو کردان برای من در آن عافیت را و سالم دار برای من در آن توبه را و صحیح

لي فيه بدني واوسع فيه رزقي واكفني فيه ما اهمني واستجب فيه
برای من در آن بدن مرا و فراخ کن در آن روزی مرا و دفع کن از من در آن آنچه غمگین نماید مرا و [illegible]

دعائي وبلغني فيه رجائي اللهم صل على محمد وآل محمد واذهب عني فيه
دعای مرا و برسان مرا در آن به امید من خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و ببر از من در آن

النعاس والكسل والسامة والفترة والقسوة والغفلة والغرة وجنبني
خواب سبک و کاهلی و ملالت و سستی و سخت دلی و بیخبری و فریب را و دور گردان مرا

فيه العلل والاسقام والهموم والاحزان والاعراض والامراض و
در آن علتها و بیماریها و غمها و اندوهها و حوادث و مرضها و

الخطايا والذنوب واصرف عني فيه السوء والفحشاء والجهد والبلاء
خطاها و گناهان را و بگردان از من در آن هر بدی و زشتی و مشقت و بلا

والتعب والعناء انك سميع الدعاء اللهم صل على محمد وآل محمد واعذني
و رنج و تعب را بدرستیکه تو شنونده دعائی خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و پناه ده مرا

فيه من الشيطان الرجيم وهمزه ولمزه ونفثه ونفخه ووسوسته وتثبيطه
در آن از دیو رانده شده و طعن او و عیب جوئی او و سحر او و کبر او و وسوسه او و کاهل کردن او

وبطشه وكيده ومكره وحبائله وخدعه وامانيه وغروره وفتنته و
و حمله کردن او و حیله او و مکر او و دامهای او و فریبهای او و آرزوهای او و فریب او و آشوب او و

شركه واحزابه واتباعه واشياعه واوليائه وشركائه وجميع مكائده
دامهای او و یاران او و پیروان او و تابعان او و دوستان او و شریکان او و همه مکرهای او

اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقنا قيامه وصيامه وبلوغ الامل فيه وفي
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و روزی کن ما را برپا ایستادن آن و روزه آن و رسیدن به آرزو در آن و در

قيامه واستكمال ما يرضيك عني صبرا واحتسابا وايمانا ويقينا ثم تقبل
ایستادن آن و تمام کردن آنچه خوشنود سازد ترا از من صبراً و طلب ثواب کردن و ایمان و یقین پس قبول کن

ذلك مني بالاضعاف الكثيرة والاجر العظيم يا رب العالمين اللهم صل
آنرا از من به اضعاف بسیار و مزد بزرگ ای پروردگار عالمیان خداوندا رحمت فرست

على محمد وآل محمد وارزقني الحج والعمرة والجد والاجتهاد والقوة والنشاط
بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا حج و عمره و سعی کردن و کوشش کردن و توانائی و چستی

والانابة والتوبة والتوفيق والقربة والخير المقبول والرهبة والرغبة و

و بازگشت و توبه و توفیق و نزدیکی و خیر پذیرفته و ترس و خواهش و

والتضرع والخشوع والرقة والنية الصادقة وصدق اللسان والوجل

و زاری نمودن و فروتنی و نرم دلی و عزیمت درست و راستی زبان و بیم داشتن

منك والتوكل عليك والثقة بك والورع عن محارمك مع صالح القول

از تو و توکل نمودن بر تو و اعتماد بتو و پرهیزیدن از محرمات تو با گفت شایسته

ومقبول السعي ومرفوع العمل ومستجاب الدعوة ولا تحل بيني وبين شيء

و حرکت پذیرفته و عمل بالا برده شده و دعای اجابت کرده شده و حایل مگردان میان من و میان چیزی

من ذلك بعرض ولا مرض ولا هم ولا غم ولا سقم ولا غفلة ولا نسيان

از آنچه ذکر شد بعرضی یا بلائی و بیماری و اندوهی و غمی و درد و بیخبری و فراموشی

بل بالتعاهد والتحفظ لك وفيك والرعاية لحقك والوفاء بعهدك

بلکه معاهده کردن با من و حفظ کردن برای تو و در راه تو و رعایت کردن حق ترا و وفا نمودن به پیمان تو

ووعدك برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم

و وعده تو برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و قسمت کن

لي فيه افضل ما تقسمه لعبادك الصالحين واعطني فيه افضل ما تعطي

مرا در این ماه بهترین آنچه قسمت کنی آنرا مر بندگان شایسته خود را و ببخش مرا در این بهترین آنچه میبخشی

اولياءك المقربين من الرحمة والمغفرة والتحنن والاجابة والعفو والمغفرة

دوستان نزدیک خود را از بخشش و آمرزش و مهربانی و پذیرفتن و درگذشتن و آمرزش

الدائمة والعافية والمعافاة والعتق من النار والفوز بالجنة وخير

همیشه و عافیت و معافات و آزادی از آتش و رستگاری بهشت و خیر

الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل دعائي فيه اليك

این جهان و آن جهان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان دعای مرا در این بسوی تو

واصلا ورحمتك وخيرك الي فيه نازلا وعملي فيه مقبولا وسعيي فيه مشكورا

رسنده و رحمت خود و خیر خود را بسوی من در این فرود آینده و کردار مرا در این پذیرفته و کوشش مرا در این جزا داده

والرضا لك

وذنبي فيه مغفورا حتى يكون نصيبي فيه الاكثر وحظي فيه الاوفر اللهم

و گناه مرا در این آمرزیده شده تا آنکه بوده باشد نصیب من در این بزرگتر و بهره من در این تمامتر خداوندا

صل على محمد وآل محمد ووفقني فيه لليلة القدر على افضل حال تحب ان

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و توفیق ده مرا در این برای دریافتن شب قدر بر بهترین حالی که دوست داری

يكون عليها احد من اوليائك وارضاها لك ثم اجعلها لي خيرا من الف

بوده باشد بر آن احدی از دوستان تو و پسندیده ترین آن برای تو پس بگردان آنرا برای من بهتر از هزار

شهر وارزقني فيها افضل ما رزقت احدا ممن بلغته اياها واكرمته بها

ماه و روزی کن مرا در آن شب بهتر از آنچه روزی کردی یکی از آنها که رسانیدی او را به آن شب قدر و گرامی داشتی او را بآن

واجعلني فيها من عتقائك من جهنم وطلقائك من النار وسعداء خلقك بمغفرتك

و بگردان مرا در آن شب از آزاد شدگان از دوزخ و رها شدگان از آتش و نیکبختان خلق خود به آمرزش

ورضوانك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقنا في شهرنا

و خوشنودی خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و روزی کن ما را در ماه ما

هذا الجد والاجتهاد والقوة والنشاط وما تحب وترضى اللهم رب الفجر

این سعی و کوشش و توانائی و خرمی و آنچه دوست و پسند داری خداوندا پروردگار صبح

وليال عشر والشفع والوتر ورب شهر رمضان وما انزلت فيه من القرآن

و شبهای ده گانه و شفع و وتر و پروردگار ماه رمضان و آنچه فرستادی در این از قرآن

ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل وعزرائيل وجميع الملائكة المقربين

و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و همه فرشتگان نزدیکان

ورب ابراهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ورب موسى وعيسى وهرون

و پروردگار ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و پروردگار موسی و عیسی و هرون

وجميع النبيين والمرسلين ورب محمد خاتم النبيين صلواتك عليه وعليهم

و همه پیغمبران و فرستادگان و پروردگار محمد آخر پیغمبران رحمتهای تو بر او باد و بر ایشان

اجمعين واسئلك بحقهم عليك وبحقك العظيم لما صليت عليه وآله وعليهم

همگی و درخواست میکنم از تو بحق ایشان بر تو و بحق تو که بزرگست که رحمت فرستی بر او و آل او و بر ایشان

أجمعين ونظرت إلي نظرة رحيمة ترضى بها عني رضا لا سخط علي بعده
أبدا وأعطيتني جميع سؤلي ورغبتي وأمنيتي وإرادتي وصرفت عني ما أكره
وأحذر وأخاف على نفسي وما لا أخاف وعن أهلي ومالي وإخواني وأخوتي
وذريتي اللهم إليك فررنا من ذنوبنا فآونا تائبين وتب علينا مستغفرين
واغفر لنا متعوذين وأعذنا مستجيرين وأجرنا مستسلمين ولا تخذلنا
راهبين وآمنا راغبين وشفعنا سائلين وأعطنا إنك سميع الدعاء
قريب مجيب اللهم أنت ربي وأنا عبدك وأحق من سأل العبد ربه ولم
يسأل العباد مثلك كرما وجودا يا موضع شكوى السائلين ويا منتهى حاجة
الراغبين ويا غياث المستغيثين ويا مجيب دعوة المضطرين ويا ملجأ الهاربين
ويا صريخ المستصرخين ويا رب المستضعفين ويا كاشف كرب المكروبين
ويا فارج هم المهمومين ويا كاشف الكرب العظيم يا الله يا رحمن يا رحيم
يا أرحم الراحمين صل على محمد وآل محمد واغفر لي ذنوبي وعيوبي وإساءتي

وظلمي وجرمي وإسرافي على نفسي وارزقني من فضلك ورحمتك فإنه
لا يملكهما غيرك واعف عني واغفر لي كل ما سلف من ذنوبي واعصمني
فيما بقي من عمري واستر علي وعلى والدي وولدي وقرابتي وأهل
حزانتي ومن كان مني بسبيل من المؤمنين والمؤمنات في الدنيا والآخرة
فإن ذلك كله بيدك وأنت واسع المغفرة فلا تخيبني يا سيدي ولا ترد
دعائي ولا ترد يدي إلى نحري حتى تفعل ذلك بي وتستجيب لي جميع ما
سألتك وتزيدني من فضلك فإنك على كل شيء قدير ونحن إليك راغبون
اللهم لك الأسماء الحسنى والأمثال العليا والكبرياء والآلاء أسألك
باسمك بسم الله الرحمن الرحيم إن كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة
والروح فيها أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تجعل اسمي في السعداء وروحي
مع الشهداء وإحساني في عليين وإساءتي مغفورة وأن تهب لي يقينا
تباشر به قلبي وإيمانا لا يشوبه شك ورضا بما قسمت لي وآتني في الدنيا

حسنة وفي الآخرة حسنة وقني عذاب النار وان لم تكن قضيت في هذه

الليلة تنزل الملائكة والروح فيها فأخرني الى ذلك وارزقني فيها ذكرك

وشكرك وطاعتك وحسن عبادتك فصل على محمد وآل محمد بأفضل صلواتك

يا ارحم الراحمين يا احد يا صمد يا رب محمد اغضب اليوم لمحمد ولابرار عترته

واقتل اعداءهم بددا واحصهم عددا ولا تدع على ظهر الارض منهم احدا

ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصحبة يا خليفة النبيين انت ارحم الراحمين

البدئ البديع الذي ليس كمثله شيء والدائم غير الغافل والحي الذي

لا يموت انت كل يوم في شأن انت خليفة محمد ومفضل محمد اسئلك ان

تنصر وصي محمد وخليفة محمد والقائم بالقسط من اوصياء محمد صلواتك

عليه وعليهم اعطف عليهم نصرك يا لا اله الا انت صل على محمد وآل

محمد واجعلني معهم في الدنيا والآخرة واجعل عاقبة امري الى غفرانك

ورحمتك يا ارحم الراحمين وكذلك نسبت نفسك يا سيدي باللطف

والهم

وناصر محمد

يا حي لا اله الا انت

بلى انك لطيف فصل على محمد وآل محمد والطف لي انك لطيف لما تشاء اللهم

صل على محمد وآل محمد وارزقني الحج والعمرة في عامنا هذا وفي كل عام وتطول

علي بجميع حوائجي للدنيا والآخرة پس بگو استغفر الله ربي واتوب اليه

ان ربي رحيم ودود استغفر الله ربي واتوب اليه انه كان غفارا اللهم

اغفر لي انك ارحم الراحمين رب اني عملت سوءا وظلمت نفسي فاغفر لي انه

لا يغفر الذنوب الا انت استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم

الحليم العظيم الكريم الغفار للذنب العظيم واتوب اليه استغفر الله ان

الله كان غفورا رحيما سه مرتبه بگو اللهم اني اسألك ان تصلي على محمد و

آل محمد وان تجعل فيما تقضي وتقدر من الامر العظيم المحتوم في ليلة

القدر من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك

الحرام المبرور حجهم والمشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم

سيئاتهم وان تجعل فيما تقضي وتقدر ان تطيل عمري وتوسع رزقي

ذنوبي
گناهانم

العليم
دانا

وتؤدي عني أمانتي وديني آمين رب العالمين اللهم اجعلني فرجا ومخرجا

و ادا کنی از من امانت مرا و دین مرا اجابت کن ای پروردگار جهانیان خداوندا بگردان برای من گشادگی و بیرون شدی

وارزقني من حيث أحتسب ومن حيث لا أحتسب واحرسني من حيث أحترز

و روزی کن مرا از جائی که گمان میبرم و از جائی که گمان نمیبرم و نگاه دار مرا از جائی که حذر میکنم

ومن حيث لا أحترس وصلى الله على محمد وآله وسلم كثيرا وأيضا تسبيحات

و از جائی که حذر ندارم و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او و درود فرستد بسیار

نیز بسند معتبر از حضرت صادق منقول است که در هر روز اینها بخواند

سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها

پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح پاک است خدا نگارنده صورتها پاک است خدا آفریننده انواع مخلوقات همه

سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان

پاک است خدا خلق کننده تاریکیها و روشنائیها پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است

الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد

خدا خالق هر چیز پاک است خدا خالق آنچه دیده میشود و آنچه دیده نشود پاک است خدا بشماره

كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله السميع الذي ليس شيء أسمع

کلمات او پاک است خدا پروردگار جهانیان پاک است خدا شنوا که نیست هیچ چیز شنواتر

منه يسمع من فوق عرشه ما تحت سبع أرضين ويسمع ما في ظلمات البر

از او میشنود آنچه را بالای عرش و آنچه را در زیر زمینهای هفتگانه است و میشنود آنچه در تاریکیهای

والبحر ويسمع الأنين والشكوى ويسمع السر وأخفى ويسمع وساوس الصدور

و دریاست و میشنود ناله و شکایت را و میشنود سر و آنچه پنهانتر از آنرا و میشنود اندیشهای سینهها

ولا يصم سمعه صوت ثم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان

و کر نمیسازد گوش او را صدائی پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح پاک است خدا بخشنده صورتها پاک است

الله خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله

خدا آفریننده مخلوقات همه آنها پاک است خدا آفریننده ظلمت و روشنائی پاک است خدا

فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما

شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا خالق هر چیزی پاک است خدا خلق کننده آنچه دیده شود

لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله

دیده نشود پاک است خدا بشماره کلمات او پاک است خدا پروردگار جهانیان پاک است خدا

البصير الذي ليس شيء أبصر منه يبصر من فوق عرشه ما تحت سبع

بینائی که نیست هیچ چیز بیناتر از آن میبیند از بالای عرش خود آنچه را در زیر زمینهای

أرضين ويبصر ما في ظلمات البر والبحر لا تدركه الأبصار وهو يدرك

هفتگانه است و میبیند آنچه را در ظلمتهای خشکی و دریاست درنمییابد او را دیدهها و او درمییابد

الأبصار وهو اللطيف الخبير لا تغشى بصره الظلمة ولا يستتر منه بستر

دیدهها را و اوست مهربان آگاه نمیپوشاند دیده او را تاریکی و پوشیده نمیشود از او بپرده

ولا يواري منه جدار ولا يغيب عنه بر ولا بحر ولا يكن منه جبل ما في

و نمیپوشاند از او دیواری و پنهان نیست از او خشکی و نه دریائی و پنهان نمیدارد از او کوهی آنچه

أصله ولا قلب ما فيه ولا جنب ما في قلبه ولا يستتر منه صغير ولا كبير

در اصل اوست و نه دلی آنچه را که در اوست و نه پهلوئی آنچه را در دل اوست و پوشیده نیست از او خوردی و نه بزرگی

ولا يخفى عليه شيء في الأرض ولا في السماء هو الذي يصوركم في الأرحام

و پنهان نیست بر او چیزی در زمین و نه در آسمان اوست آنکه مینگارد شما را در رحمها

كيف يشاء لا إله إلا هو العزيز الحكيم ثم سبحان الله بارئ النسم سبحان

هر روشی که خواهد نیست خدائی مگر او عزیز حکیم پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح پاک است

الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات

خدا بخشنده صورت پاک است خدا آفریننده انواع مخلوقات همه پاک است خدا آفریننده ظلمتها

والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله

و روشنائی پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا خالق هر چیزی پاک است خدا

خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين

خالق آنچه دیده میشود و آنچه دیده نشود پاک است خدا بمثل عدد کلمات او پاک است خدا پروردگار جهانیان

سبحان الله الذي ينشئ السحاب الثقال ويسبح الرعد بحمده والملائكة من

پاک است خدائیکه بر پا میکند ابرهای گرانبار را و تسبیح میکند رعد بستایش او و ملائکه از

من خيفته ويرسل الصواعق فيصيب بها من يشاء ويرسل الرياح بشرا

[illegible]

بين يدي رحمته ويرسل الماء من السماء بكلمته وينبت النبات بقدرته

[illegible]

ويسقط الورق بعلمه سبحان الله الذي لا يعزب عنه مثقال ذرة في

[illegible]

الأرض ولا في السماء ولا أصغر من ذلك ولا أكبر إلا في كتاب مبين

[illegible]

سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج

پاك خدا پديد آورنده هر ذي روح پاك خدا نگارنده صورت پاك خدا آفريننده انواع

كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى

[illegible]

سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله

پاك خدا خالق هر چيزى پاك خدا پديد آورنده آنچه ديده شود و آنچه ديده نشود پاك خدا

مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما تحمل

بشمار كلمهاى او پاك خدا پروردگار جهانيان پاك خدا [illegible]

كل أنثى وما تغيض الأرحام وما تزداد وكل شيء عنده بمقدار عالم الغيب

[illegible]

والشهادة الكبير المتعال سواء منكم من أسر القول ومن جهر به ومن هو

[illegible]

مستخف بالليل وسارب بالنهار له معقبات من بين يديه ومن خلفه

[illegible]

يحفظونه من أمر الله سبحان الله الذي يميت الأحياء ويحيي الموتى وهو

[illegible]

وما تنقص الأرض منهم ويقر في الأرحام ما يشاء إلى أجل مسمى سبحان الله

[illegible]

بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان

پديد آورنده هر ذي روح پاك خدا نگارنده صورت پاك خدا خالق انواع مخلوقات همه آنها پاك

الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله

[illegible]

خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته

خالق هر چيزى پاك خدا خالق آنچه ديده شود و آنچه ديده نشود پاك خدا بشمار كلمات

سبحان الله رب العالمين سبحان الله مالك الملك تؤتي الملك من تشاء

[illegible]

وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير إنك

[illegible]

على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج

[illegible]

الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب

[illegible]

سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج

[illegible]

كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى

[illegible]

سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله

پاك خدا خالق هر چيز پاك خدا خالق آنچه ديده شود و آنچه ديده نشود

مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله رب العالمين

بشمار كلمهاى او پاك خدا پروردگار جهانيان

سبحان الله الذي عنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم ما في البر
پاکست خدائیکه نزد اوست کلیدهای غیب نمیداند آنها را مگر او و میداند آنچه در بیابان
والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات الارض ولا رطب
و در دریا است و نمی افتد هیچ برگی از درختی مگر میداند آنرا و نه دانه که باشد در تاریکیهای زمین و نه تر
ولا يابس الا في كتاب مبين هفتم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله
و نه خشک که در کتاب هویدا پاکست خدا پدید آورنده هر ذی روح پاکست خدا
المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات و
صورت بخشنده پاکست خدا خالق انواع مخلوقات همه آنها پاکست خدا خالق ظلمت و
النور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان
روشنائی پاکست خدا شکافنده دانه و هسته خرما پاکست خدا آفریننده هر چیزی پاکست
الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب
خدا آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود پاکست بشماره کلمات او پاکست خدا پروردگار
العالمين سبحان الله الذي لا يحصي مدحته القائلون ولا يجزي
جهانیان پاکست خدائیکه نشمارند ستایش او را ستایندگان و شکر نکنند
بآلائه الشاكرون والعابدون وهو كما قال وفوق ما نقول والله
در مقابل نعمتهای او سپاسگذاران و پرستندگان و او چنانست که خود گفته و بالاتر از آنچه گوییم و خدا
سبحانه كما اثنى على نفسه ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع
پاکست او چنانست که خود ستوده خود را و در نمی یابند چیزی از دانش او مگر بآنچه خواسته
كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم هشتم
کرسی او آسمانها و زمین را و نمیگراند او را نگاهبانی آنها و اوست بلند بزرگ
سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج
پاکست خدا پدید آورنده هر ذی روح پاکست خدا نگارنده صورت پاکست خدا خالق انواع مخلوقات
كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى
همه آنها پاکست خدا قرار دهنده ظلمت و روشنائی پاکست خدا شکافنده دانه و هسته

سبحان الله

رمضان

سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله
پاکست خدا خالق هر چیزی پاکست خدا خالق آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود پاکست خدا
مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما يلج في
بشماره کلمات او پاکست خدا پروردگار جهانیان پاکست خدائیکه میداند آنچه داخل میشود
الارض وما يخرج منها وما لا تشغله ينزل من السماء وما يعرج فيها ولا
زمین و آنچه بیرون می آید از آن و آنچه فرود میآید از آسمان و آنچه بالا میرود در آن
تشغله ما يلج في الارض وما يخرج منها عما ينزل من السماء وما يعرج فيها
باز نمیدارد او را آنچه داخل میشود در زمین و آنچه بیرون می آید از آن از آنچه فرود میآید از آسمان و آنچه بالا میرود
ولا تشغله ما ينزل من السماء وما يعرج فيها عما يلج في الارض وما
و باز نمیدارد او را آنچه فرود میآید از آسمان و آنچه بالا میرود در آن از آنچه داخل میشود در زمین و آنچه
يخرج منها ولا تشغله علم شيء عن علم شيء ولا تشغله خلق شيء عن خلق شيء
بیرون می آید از آن و باز نمیدارد او را دانش چیزی از دانش چیزی و باز نمیدارد او را آفرینش چیزی از آفرینش چیزی
ولا حفظ شيء عن حفظ شيء ولا يساويه شيء ولا يعدله شيء ليس كمثله
و نه نگهبانی چیزی از نگهبانی چیزی دیگر و مساوی نیست او را چیزی و برابری نمیکند او را چیزی نیست مانند
شيء وهو السميع العليم هفتم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور
چیزی و اوست شنوای دانا پاکست خدا پدید آورنده هر ذی روح پاکست خدا نگارنده صورت
سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان
پاکست خدا آفریننده انواع مخلوقات همه آنها پاکست خدا خالق ظلمت و روشنائی پاکست
الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى
خدا شکافنده دانه و هسته خرما پاکست خدا خالق هر چیزی پاکست خدا خالق آنچه دیده میشود
وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله
و آنچه دیده نمیشود پاکست خدا بشماره کلمات او پاکست خدا پروردگار جهانیان پاکست خدا
فاطر السموات والارض جاعل الملائكة رسلا اولي اجنحة مثنى وثلاث
پدید آورنده آسمانها و زمین گرداننده فرشتگان رسولان صاحبان بالها دو دو و سه

وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا يَفْتَحِ اللهُ لِلنَّاسِ
و چهار چهار بیافزاید در آفرینش آنچه خواهد بدرستیکه خدا بر هر چیزی تواناست آنچه بگشاید خدا برای مردمان

مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ
از بخشش پس نیست بازدارنده مر آنرا و آنچه باز دارد پس نیست فرستنده مر آنرا از پس او و اوست عزیز

الْحَكِيمُ دهم سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ
حکیم پاکست خدا پدید آورنده هر ذی روح پاکست خدا نگارنده صورت پاکست خدا آفریننده

الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ
انواع مخلوقات همه آنها پاکست خدا خالق ظلمت و روشنایی پاکست خدا شکافنده دانه

وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى
و هستهای خرما پاکست خدا خالق هر چیز پاکست خدا خالق آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود

سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ الَّذِي
پاکست خدا بشماره کلمهای او پاکست خدا پروردگار جهانیان پاکست خدا آنکه

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ
میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است نباشد از راز گفتن هیچ سه تن مگر آنکه او

رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا
چهارم ایشانست و نه پنج تن مگر آنکه او ششم ایشانست و نه کمتر از آن و نه بیشتر مگر

هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَمَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللهَ بِكُلِّ شَيْءٍ
او با ایشانست هر جا که بوده باشند پس آگاه گرداند ایشانرا بآنچه کرده اند روز قیامت بدرستیکه خدا بهمه چیز

عَلِيمٌ وایضا مستحب است که این صلوات را در هر روز إِنَّ اللهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ
داناست از ماه مبارک و در هر روز جمعه در تمام سال بخوانند بدرستیکه خدا و ملائکه او درود

عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا لَبَّيْكَ يَا رَبِّ وَسَعْدَيْكَ
بر پیغمبر ای آنکسانیکه گرویده اید بفرستید بر او درود و بفرستید درود فرستادنی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برکت فرست بر محمد و آل محمد چنانچه رحمت فرستادی و برکت دادی

عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ ارْحَمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ
بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خداوندا رحمت کن بر محمد و آل محمد چنانچه رحمت کردی

عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ
بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد چنانچه درود فرستادی

عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ امْنُنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ
بر نوح در میان جهانیان خداوندا احسان کن بر محمد و آل محمد چنانچه احسان نمودی بر موسی و هارون

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْهُ
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانچه راه نمودی ما را باو خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برانگیز او را

مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَلَعَتْ
در جایگاه ستوده که رشک برند او را بسبب آن پیشینیان و پسینیان بر محمد و آل او باد درود هرگاه برآید

شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَرَفَتْ عَيْنٌ أَوْ بَرَقَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
آفتاب یا فرو رود بر محمد و آل او باد سلام هرگاه بهم زند چشمی یا دیده خیره شود بر محمد و آل او

السَّلَامُ كُلَّمَا طَرَفَتْ عَيْنٌ أَوْ ذَرَفَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا ذُكِرَ السَّلَامُ
درود هرگاه بهم زند چشمی یا اشک ریزد بر محمد و آل او باد درود هرگاه ذکر کرده شود سلام

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا سَبَّحَ اللهَ مَلَكٌ أَوْ قَدَّسَهُ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
بر محمد و آل او باد درود هرگاه تسبیح کند خدا را فرشته یا تقدیس کند او را سلام بر محمد و آل

فِي الْأَوَّلِينَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي
او در پیشینیان سلام بر محمد و آل او در پسینیان سلام بر محمد و آل او در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ رَبَّ
دنیا و آخرت سلام بر محمد و آل او و رحمت خدا و برکتهای او خداوندا پروردگار

الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ أَبْلِغْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا وَآلَهُ
بلد محترم و پروردگار رکن کعبه و مقام ابراهیم و پروردگار حل و حرم برسان پیغمبر خود محمد و آل

عَنَّا السَّلَامَ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا مِنَ الْبَهَاءِ وَالسُّرُورِ وَالنَّضْرَةِ وَالْكَرَامَةِ
از ما درود خداوندا ببخش محمد را از نیکویی و شادی و تازگی و بزرگواری

والغبطة والوسيلة والمنزلة والمقام والرفعة والشفاعة عندك يوم

و خوشحالی و وسیله و مرتبه و جایگاه و رفعت و شفاعت کردن نزد تو در روز

القيامة افضل ما تعطي احدا من خلقك واعط محمدا فوق ما تعطي الخلائق

رستخیز بهتر از آنچه عطا کنی یکی از خلق خود را و عطا کن محمد را بالای آنچه عطا کنی از آن خلایق

من الخير اضعافا كثيرة لا يحصيها غيرك اللهم صل على محمد وآل محمد

از نیکی اضعاف بسیار که شماره نکند آن را غیر تو خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

اطيب واطهر وازكى وانمى وافضل ما صليت على احد من الاولين و

پاکیزه‌تر و طاهرتر و پاکتر و افزاینده‌تر و بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از پیشینیان و

الآخرين وعلى احد من خلقك يا ارحم الراحمين اللهم صل على علي امير

پسینیان و بر یکی از خلق خود ای رحیم‌ترین رحم‌کنندگان خداوندا رحمت فرست بر علی امیر

المؤمنين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك

مؤمنان و دوست دار آن را که دوست دارد او را و دشمن دار آن را که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر آنکه شریک شده

في دمه اللهم صل على فاطمة بنت نبيك محمد عليه وآله السلام و

در خون او خداوندا رحمت بفرست بر فاطمه دختر پیغمبر خود محمد بر او و آل او باد درود و

العن من آذى نبيك فيها اللهم وال من والاها وعاد من عاداها وضاعف

لعنت کن کسی را که آزرد پیغمبر ترا در باره او خداوندا دوست دار آن را که دوست دارد او را و دشمن دار آن را که دشمن دارد او را و مضاعف

العذاب على من ظلمها اللهم صل على الحسن والحسين امامي المسلمين

عذاب را بر آنکه ستم کرد او را خداوندا رحمت فرست بر حسن و حسین پیشوای گروه مسلمانان

ووال من والاهما وعاد من عاداهما وضاعف العذاب على من شرك في

و دوست دار آن را که دوست دارد ایشان را و دشمن دار آن را که دشمن دارد ایشان را و مضاعف کن عذاب را بر آنکه شریک شده در

دمهما اللهم صل على علي بن الحسين امام المسلمين ووال من والاه

خون او خداوندا رحمت بفرست بر علی پسر حسین پیشوای اهل اسلام و دوست دار آن را که دوست

وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على محمد بن

و دشمن دار آن را که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر آنکه ستم کرد او را خداوندا رحمت فرست بر محمد پسر

غیر تو

وال من

و دوست دار آن را که

على امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه

علی پیشوای مسلمانان و دوست دار او را و دشمن دار آن را که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر آنکه ستم کرد

اللهم صل على جعفر بن محمد امام المسلمين ووال من والاه وعاد من

خداوندا رحمت فرست بر جعفر پسر محمد پیشوای مسلمانان و دوست دار آن را که دوست دارد او را و دشمن دار آن را

عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على محمد موسى بن جعفر

دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر آنکه ستم کرد او را خداوندا رحمت فرست بر موسی پسر جعفر

امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من

پیشوای مسلمانان و دوست دار آن را که دوست دارد او را و دشمن دار آن را که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر آنکه

شرك في دمه اللهم صل على علي بن موسى امام المسلمين ووال من والاه

شریک شده در خون او خداوندا رحمت فرست بر علی پسر موسی پیشوای مسلمانان و دوست دار آن را که

وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على

و دشمن دار آن را که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر آنکه شریک شده در خون او خداوندا رحمت فرست

محمد بن علي امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب

محمد پسر علی پیشوای مسلمانان و دوست دار آن را که دوست دارد او را و دشمن دار آن را که دشمن دارد او را و مضاعف

على من ظلمه اللهم صل على علي بن محمد امام المسلمين ووال من والاه

بر آنکه ستم کرد او را خداوندا رحمت فرست بر علی پسر محمد پیشوای مسلمانان و دوست دار آن را که دوست دارد

وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على الحسن

و دشمن دار آن را که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر آنکه ستم کرد او را خداوندا رحمت فرست بر حسن

بن علي امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب

پسر علی پیشوای مسلمانان و دوست دار آن را که دوست دارد او را و دشمن دار آن را که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را

على من ظلمه اللهم صل على الخلف من بعده امام المسلمين ووال من

بر آنکه ستم کرد او را خداوندا رحمت فرست بر جانشین پس از او پیشوای مسلمانان و دوست دار آن را که

والاه وعاد من عاداه وعجل فرجه اللهم صل على القاسم والطاهر ابني

دوست دارد او را و دشمن دار آن را که دشمن دارد او را و شتاب آور گشایش او را خداوندا رحمت فرست بر قاسم و طاهر دو پسر

نبيك اللهم صل على رقية بنت نبيك والعن من آذى نبيك فيها

پیغمبر تو خداوندا رحمت فرست بر رقیه دختر پیغمبر خود و لعنت کن آنرا که بیازرد پیغمبر ترا درباره او

اللهم صل على ام كلثوم بنت نبيك والعن من آذى نبيك فيها اللهم صل

خداوندا رحمت فرست بر ام کلثوم دختر پیغمبر تو و لعنت کن آنرا که بیازارد پیغمبر ترا خداوندا رحمت فرست

على ذرية نبيك اللهم اخلف نبيك في اهل بيته اللهم مكن لهم في

بر فرزندان پیغمبر خود خداوندا خلیفه بکن پیغمبر خود را در خاندان او خداوندا جای ده ایشان را در

الارض اللهم اجعلنا من عددهم ومددهم وانصارهم على الحق في السر

زمین خداوندا بگردان ما را از شمار ایشان و یاوران ایشان و یاری کنندگان ایشان بر حق در نهان

والعلانية اللهم اطلب بذحلهم ووترهم ودمائهم وكف عنا وعنهم و

و آشکار خداوندا طلب کن [illegible] ایشان را و خونهای ایشان را و باز دار از ما و از ایشان

عن كل مؤمن ومؤمنة بأس كل باغ وطاغ وكل دابة انت آخذ بناصيتها انك

از هر مرد گرونده و زن گرونده [illegible] که تو [illegible] بدرستیکه تو

اشد بأسا واشد تنكيلا و در اقبال و بعضی از نسخهای دیگر دعا از حضرت

[illegible]

علی بن الحسین یا حضرت امام حسن عسکری نقل

من ظلمه چنین است علی من شرك في دمه از جمله دعاهای هر روز ماه مبارك رمضان

دعائیست که سید بن طاوس فضیلت بسیار از حضرت ان روایت کرده است

و در استجابت دعوات مجرب است و بر مضامین عالیه مشتمل است و دعا این است

اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني سه مرتبه اللهم اني اسألك

خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس اجابت کن برای من چنانچه وعده فرمودی مرا [illegible] خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم

من بهائك بابهاه وكل بهائك بهي اللهم اني اسألك ببهائك كله اللهم

از [illegible] تو [illegible] خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو [illegible] خداوندا

اني اسألك من جلالك باجله وكل جلالك جليل اللهم اني اسألك

[illegible] خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم

بجلالك كله اللهم اني اسألك من جمالك باجمله وكل جمالك جميل

رمضان

اللهم اني اسألك بجمالك كله پس سه مرتبه اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو [illegible] خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا

لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسألك من عظمتك باعظمها وكل عظمتك

برای من چنانچه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از عظمت تو [illegible]

عظيمة اللهم اني اسألك بعظمتك كلها اللهم اني اسألك من نورك بانوره

بزرگست خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو [illegible] خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از نور تو [illegible]

وكل نورك نير اللهم اني اسألك بنورك كله اللهم اني اسألك من رحمتك

و هر نور تو روشنست خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بنور تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو [illegible]

باوسعها وكل رحمتك واسعة اللهم اني اسألك برحمتك كلها پس سه مرتبه

[illegible] خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو برحمت تو همه آن

اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني

خداوندا [illegible] میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس اجابت کن برای من چنانچه وعده فرمودی مرا خداوندا [illegible]

اسألك من كمالك باكمله وكل كمالك كامل اللهم اني اسألك بكمالك

[illegible] از کمال تو [illegible] و هر کمال از تو کاملست خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بکمال تو

كله اللهم اني اسألك من كلماتك باتمها وكل كلماتك تامة اللهم اني

همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از کلمات تو [illegible] خداوندا [illegible]

اسألك بكلماتك كلها اللهم اني اسألك من اسمائك باكبرها وكل

[illegible] خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو [illegible]

اسمائك كبيرة اللهم اني اسألك باسمائك كلها پس سه مرتبه بگوید اللهم اني

و هر یک از نامهای تو بزرگست [illegible] بدرستیکه من سوال میکنم از تو بنامهای تو همه آن خداوندا [illegible]

ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسألك من

میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس اجابت کن برای من چنانچه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از

عزتك باعزها وكل عزتك عزيزة اللهم اني اسألك بعزتك كلها اللهم

عزت تو [illegible] و هر عزت تو ارجمندست خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بعزت تو همه آن خداوندا

إنّي أسألك من مشيّتك بأمضاها وكلّ مشيّتك ماضية اللهمّ إنّي

خداوندا که من در میخواهم از تو از خواهش تو بگذرنده‌ترین آن و هر خواهش تو گذرنده است

أسألك بمشيّتك كلّها اللهمّ إنّي أسألك بقدرتك التي استطلت بها

در میخواهم از تو بخواهش تو همه آن خداوندا در میخواهم از تو بقدرت تو که استیلا دارد

على كلّ شيء وكلّ قدرتك مستطيلة اللهمّ إنّي أسألك بقدرتك

بر هر چیزی و هر قدرت تو مستولی است خداوندا که من در میخواهم از تو بقدرت تو

كلّها پس سه مرتبه اللهمّ إنّي أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید

همه آن پس بگوید خداوندا که من میخوانم ترا چنانچه امر نمودی مرا پس جواب بده مرا چنانچه وعده نمودی

اللهمّ إنّي أسألك من علمك بأنفذه وكلّ علمك نافذ اللهمّ إنّي أسألك

خداوندا که من در میخواهم از تو از دانش تو بروان‌ترین آن و هر دانش تو روان است خداوندا که من در میخواهم

بعلمك كلّه اللهمّ إنّي أسألك من قولك بأرضاه وكلّ قولك رضيّ اللهمّ

بعلم تو همه آن خداوندا که من در میخواهم از تو از گفتار تو به پسندیده‌ترین آن و هر گفتار تو پسندیده است خداوندا

إنّي أسألك بقولك كلّه اللهمّ إنّي أسألك من مسائلك بأحبّها إليك

که من در میخواهم از تو بگفتار تو همه آن خداوندا که من در میخواهم از تو از سؤالهای تو بدوست‌ترین آن بسوی تو

وكلّ مسائلك إليك حبيبة اللهمّ إنّي أسألك بمسائلك كلّها پس سه مرتبه

و هر یک از سؤالهای تو بسوی تو دوست داشته شده است خداوندا که من در میخواهم از تو بسؤالهای تو همه آن پس بگوید

اللهمّ إنّي أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهمّ إنّي أسألك

خداوندا که من میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس جواب بده مرا چنانچه وعده نمودی مرا خداوندا که من در میخواهم

من شرفك بأشرفه وكلّ شرفك شريف اللهمّ إنّي أسألك بشرفك كلّه

از بزرگواری تو ببزرگوارترین آن و هر بزرگواری از تو بزرگوار است خداوندا که من در میخواهم از تو ببزرگواری تو

اللهمّ إنّي أسألك من سلطانك بأدومه وكلّ سلطانك دائم اللهمّ إنّي أسألك

خداوندا که من در میخواهم از تو از سلطنت تو بهمیشه‌ترین آن و هر سلطنت تو همیشه است خداوندا که من

بسلطانك كلّه اللهمّ إنّي أسألك من ملكك بأفخره وكلّ ملكك فاخر اللهمّ

بسلطنت تو همه آن خداوندا که من در میخواهم از تو از ملک تو بعظیم‌ترین آن و هر ملک تو عظیم است خداوندا

إنّي أسألك بملكك كلّه پس سه مرتبه اللهمّ إنّي أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما

که من در میخواهم از تو بملک تو همه آن سه مرتبه بگوید خداوندا که من میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس جواب بده مرا

وعدتني پس بگوید اللهمّ إنّي أسألك من علوّك بأعلاه وكلّ علوّك عال اللهمّ

و عده فرمودی مرا خداوندا که من در میخواهم از تو از بلندی تو به بلندترین آن و هر بلندی تو بلند است خداوندا

إنّي أسألك بعلوّك كلّه اللهمّ إنّي أسألك من منّك بأقدمه وكلّ منّك قديم

که من در میخواهم از تو ببلندی تو همه آن خداوندا که من در میخواهم از تو از انعام تو بدیرینه‌ترین آن و هر انعام تو دیرینه است

اللهمّ إنّي أسألك بمنّك كلّه اللهمّ إنّي أسألك من آياتك بأعجبها وكلّ

خداوندا که من در میخواهم از تو بانعام تو همه آن خداوندا که من در میخواهم از تو از آیات تو بعجیب‌ترین آن و هر

آياتك عجيبة اللهمّ إنّي أسألك بآياتك كلّها پس سه مرتبه اللهمّ إنّي أدعوك

از آیات تو عجیب است خداوندا که من در میخواهم از تو بآیات تو همه آن پس بگوید خداوندا که من میخوانم ترا

كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهمّ إنّي أسألك من فضلك بأ

چنانچه امر کردی مرا پس جواب بده مرا چنانچه وعده فرمودی مرا خداوندا که من در میخواهم از تو از فضل تو با

فضله وكلّ فضلك فاضل اللهمّ إنّي أسألك بفضلك كلّه اللهمّ إنّي

افزون‌ترین آن و هر افزونی تو افزون است خداوندا که من در میخواهم از تو بفضل تو همه آن خداوندا که

أسألك من رزقك بأعمّه وكلّ رزقك عامّ اللهمّ إنّي أسألك برزقك كلّه

در میخواهم از تو از روزی تو بفراگیرنده‌ترین آن و هر روزی تو فراگیرنده است خداوندا که من در میخواهم از تو بروزی تو

اللهمّ إنّي أسألك من عطائك بأهنئه وكلّ عطائك هنيء اللهمّ إنّي أسألك

خداوندا که من در میخواهم از تو از عطای تو بگوارا‌ترین آن و هر عطای تو گوارا است خداوندا که من در میخواهم

بعطائك كلّه اللهمّ إنّي أسألك من خيرك بأعجله وكلّ خيرك عاجل اللهمّ

بعطای تو همه آن خداوندا که من در میخواهم از تو از نیکی تو بشتابنده‌ترین آن و هر نیکی تو شتابنده است خداوندا

إنّي أسألك بخيرك كلّه اللهمّ إنّي أسألك من إحسانك بأحسنه وكلّ

که من در میخواهم از تو بنیکی تو همه آن خداوندا که من در میخواهم از تو از احسان تو به نیکوترین آن و هر

إحسانك حسن اللهمّ إنّي أسألك بإحسانك كلّه اللهمّ إنّي أسألك

نیکوئی تو نیکو است خداوندا که من در میخواهم از تو بنیکوئی تو همه آن خداوندا که من در میخواهم

بما تجيبني به حين ادعوك فاجبني يا الله نعم دعوتك يا الله اللهم

خداوندا ای خدا خواندم ترا بلی پس اجابت کن مرا بآنچه میخوانم ترا بآنچه اجابت میکنی

اني اسئلك بما انت فيه من الشؤون والجبروت اللهم اني اسئلك

بدرستی که سوال میکنم از تو بآنچه تو در آنی از کارها و بزرگواری خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو

بكل شأن وجبروت اللهم اني اسئلك بشأنك وجبروتك كلها اللهم

بهر کاری و بزرگواری خداوندا بدرستیکه سوال میکنم از تو بکار تو و بزرگواری تو همه آنها خداوندا

اني اسئلك بما تجيبني به حين اسئلك به فاجبني يا الله صل على محمد وآل محمد

بدرستیکه سوال میکنم از تو بآنچه اجابت میکنی مرا بآن هنگامیکه سوال میکنم از تو بآن پس اجابت کن مرا ای خدا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

پس هر حاجت که داری اللهم صل على محمد وآل محمد وانعشني على الايمان

طلب پس بگو — خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برانگیز مرا بر ایمان

بك والتصديق برسولك والولاية لعلي بن ابي طالب والائتمام بالائمة

بتو و باور داشتن رسول ترا و دوستی علی ابن ابو طالب و اقتدا کردن بامامان

من آل محمد والبراءة من اعدائهم فاني قد رضيت بذلك يا رب اللهم

از آل محمد و بیزاری از دشمنان ایشان پس بتحقیق خوشنودم بآن ای خداوند خداوندا

صل على محمد وآل محمد واسئلك خير الخير رضوانك والجنة واعوذ بك

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و سوال میکنم از تو بهترین بهترها را که خوشنودی تست و بهشت و پناه میبرم بتو

من شر الشر سخطك والنار اللهم صل على محمد وآل محمد واحفظني من كل

از بدترین بدیها که غضب تست و آتش خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و نگاهدار مرا از هر

مصيبة ومن كل بلية ومن كل عقوبة ومن كل فتنة ومن كل بلاء ومن

گرفتاری و از هر رنجی و از هر عقوبتی و از هر آشوبی و از هر بلائی و از

كل شر ومن كل مكروه ومن كل مصيبة ومن كل آفة نزلت او تنزل

هر بدی و از هر ناخوشی و از هر مصیبتی و از هر آفتی که فرود آمده یا فرود آید

من السماء الى الارض في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذه

از آسمان بسوی زمین در این ساعت و در این شب و در این

اليوم

اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة اللهم صل على محمد وآل محمد و

روز و در این ماه و در این سال خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و

اقسم لي من كل سرور ومن كل بهجة ومن كل استقامة ومن كل فرج و

بخش مرا از هر شادی و از هر خوشی و از هر استقامتی و از هر گشایشی

من كل عافية ومن كل سلامة ومن كل كرامة ومن كل رزق واسع حلال

از هر عافیت و از هر سلامتی و از هر نوازشی و از هر روزی فراخ حلال

طيب ومن كل نعمة ومن كل حسنة نزلت او تنزل من السماء الى الارض

پاکیزه و از هر نعمت و از هر حسنه که فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی زمین

في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي

در این ساعت و در این شب و در این روز و در این ماه و در

هذه السنة اللهم ان كانت ذنوبي قد اخلقت وجهي عندك وحالت

این سال خداوندا اگر گناهان من کهنه کرده باشد روی مرا نزد تو و حایل شده

بيني وبينك او غيرت حالي عندك فاني اسئلك بنور وجهك الكريم الذي

میان من و میان تو یا تغییر داده باشد حال مرا نزد تو پس بدرستی که سوال میکنم از تو بنور ذات بزرگوار تو که

لم يطفأ وبوجه حبيبك محمد المصطفى وبوجه وليك علي المرتضى وبحق

خاموش نشده و بحق دوست تو محمد برگزیده و بحق دوست تو علی پسندیده و بحق

اوليائك الذين انتجبتهم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي ولوالدي

دوستان تو که برگزیدی ایشان را اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی مرا و پدر و مادر مرا

وما ولدا وللمؤمنين والمؤمنات وما توالدوا ذنوبا كلها صغيرها وكبيرها

و آنکه زاییده شده از ایشان و مردان مؤمن و زنان مؤمنه و آنکه زاییده شده اند گناهان همه اش را خردش و بزرگش

وان تختم لنا بالصالحات وان تقضي لنا الحاجات والمهمات وصالح

و آنکه ختم کنی برای ما بکردارهای شایسته و آنکه روا کنی برای ما حاجتها را و کارهای سخت را و شایسته

الدعاء والمسئلة فاستجب لنا بحق محمد وآله محمد آمين آمين آمين آمين ما

از دعا و سوال را پس مستجاب کن برای ما بحق محمد و آل محمد بپذیر بپذیر بپذیر

اللهم صل محمد وآله

ما شاء الله كان لا حول ولا قوة الا بالله سبحان ربك رب العزة عما
يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين پس دستها را بجانب آسمان
بلند کن و میل ده گردن را بسوی دوش چپ خود یا لا اله الا انت اسئلك
وگریه بکن و اگر نباید خود را بگریه بدار پس بگو
بحق من حقه عليك عظيم بلا اله الا انت اسئلك ببهاء لا اله الا انت
يا لا اله الا انت اسألك بجلال لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك
بجمال لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بنور لا اله الا انت
يا لا اله الا انت اسألك بكمال لا اله الا انت يا لا اله الا انت ه
اسألك بعز لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك بعظم لا اله ا
انت يا لا اله الا انت اسألك بقول لا اله الا انت يا لا اله الا انت
اسألك بشرف لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك بعلاء لا ا
الا انت يا لا اله الا انت اسألك بلا اله الا انت يا رباه يا رباه انقد بگوید
که بکنفس و فاکند پس بگوید بر همان حالتی اسئلك یا سیدی پس بگوید
در بود کردن کج کرده بسوی دوش چپ سؤال میکنم ترا ای بزرگ من

یا لا اله الا انت

یا لا اله الا انت

يا الله يا رباه انقد رکه بکنفس و فاکند پس بگوید یا سيداه يا مولاه يا غياثاه
يا ملجاه يا منتهى غاية رغبتاه يا ارحم الراحمين اسئلك فليس كمثلك شيء
واسئلك بكل دعوة مستجابة دعا لك بها نبي مرسل او ملك مقرب او عبد
مؤمن امتحنت قلبه للايمان واستجبت دعوته واتوجه اليك بمحمد نبيك
نبي الرحمة واقدمه بين يدي حوائجي يا محمد يا رسول الله بابي انت وامي
اتوجه بك الى ربك وربي واقدمك بين يدي حوائجي يا رباه يا رباه
اسئلك بك فليس كمثلك شيء واتوجه اليك بمحمد حبيبك وبعترته
الهادية واقدمهم بين يدي حوائجي واسئلك اللهم بحياتك التي لا تموت
وبنور وجهك الذي لا يطفأ وبعينك التي لا تنام واسألك بحق من حقه
عليك عظيم ان تصلي على محمد وال محمد قبل كل شيء وبعد كل شيء و
عدد كل شيء وزنة كل شيء وملأ كل شيء اللهم اني اسألك ان تصلي
على محمد عبدك المصطفى ورسولك المرتضى وامينك المصطفى و

وبجيبك دون خلقك وحبيبك وخيرتك من خلقك اجمعين النذير
و انتخاب کرده شده تو از خلق تو و دوست تو و برگزیده تو از خلق تو همه بیم کننده
البشير السراج المنير وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين المطهرين الاخيار
مژده دهنده چراغ روشن و بر خاندان او که پاکیزگانند پاکان پاک کرده شدگان نیکان
الابرار وعلى ملائكتك الذين استخلصتهم لنفسك وحجبتهم عن خلقك
نیکوکارانند و بر فرشتگان تو که خالص کرده‌ای آنها را برای خود و باز داشته‌ای آنها را از خلق تو
وعلى انبيائك الذين ينبئون بالصدق عنك وعلى عبادك الصالحين الذين
و بر پیغمبران تو که خبر میدهند براستی از تو و بر بندگان شایسته تو که
ادخلتهم في رحمتك الائمة المهتدين الراشدين المطهرين وعلى جبرئيل
در آوردی ایشان را در رحمت خود که پیشوایان هدایت یافتگان راه یافتگان پاک کرده شدگان و بر جبرئیل
وميكائيل واسرافيل وملك الموت ورضوان خازن الجنة ومالك
و میکائیل و اسرافیل و ملک موت و رضوان خزانه دار بهشت و مالک
خازن النار والروح القدس وحملة العرش ومنكر ونكير وعلى الملكين
خزانه دار دوزخ و روح القدس و بردارندگان عرش و منکر و نکیر و بر دو فرشته
الحافظين علي بالصلوة التي تحب ان تصلى بها عليهم صلوة كثيرة طيبة
نگاهبانان اعمال من بآن رحمتیکه دوست میداری آنکه رحمت بفرستی بآن بر ایشان رحمت بسیار پاکیزه
مباركة زاكية نامية ظاهرة شريفة فاضلة تبين بها فضلهم على
با برکت پاک کننده بالنده پاکیزه با رفعت نیکو که ظاهر سازی بآن زیادتی آنها را بر
الاولين والاخرين اللهم اني اسئلك ان تسمع صوتي وتجيب دعوتي
پیشینیان و پسینیان خداوندا که من در میخواهم از تو آنکه بشنوی صدای مرا و اجابت کنی دعای مرا
وتغفر ذنوبي وتنجح طلبتي وتقضي حاجتي وتقبل قضيتي وتنجز لي ما
و بیامرزی گناهان مرا و بر آوری حاجت مرا و روا کنی حاجت مرا و بپذیری شکایت مرا و وفا کنی برای من آنچه
وعدتني وتقيلني عثرتي وتتجاوز عن خطيئتي وتصفح عن ظلمي والعفو
وعده دادی مرا و درگذری از لغزش من و تجاوز کنی از خطاهای من و درگذری از ستم من و عفو

عن جرمي وتقبل عملي ولا تعرض عني وترحمني ولا تعذبني وتعافيني
از گناه من و قبول کنی عمل مرا و رو نگردانی از من و رحم کنی مرا و عذاب نکنی مرا و عافیت دهی مرا
ولا تبتليني وترزقني من اطيب الرزق واوسعه واهنأه وامرئه واسبغه
و مبتلا نسازی مرا و روزی دهی مرا از پاکیزه‌ترین روزی و فراخ‌ترین و گوارنده‌ترین آن و گسترده‌ترین آن
واكثره ولا تحرمني يا ربنا النظر الى وجهك الكريم والفوز بالجنة والعتق
و بیشترین آن و نا امید نکنی مرا ای پروردگار ما از نگریستن بسوی ذات بزرگوار تو و رستگاری به بهشت و آزادی
من النار وافض عني يا رب ذنبي واماتني وضع عني وزري ولا تحملني
از آتش و ادا کن از من ای پروردگار من قرض مرا و امانت مرا و بگذار از من بار گناه مرا و بار مکن بر من
ما لا طاقة لي به يا مولاي وادخلني في كل خير ادخلت فيه محمدا وال
آنچه نیست توانائی مرا بآن ای آقای من و در آور مرا در هر نیکی که در آوردی در آن محمد و آل
محمد واخرجني من كل سوء اخرجتهم منه ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين
محمد را و بیرون کن مرا از هر بدی که بیرون کردی آنها را از آن و جدا مساز میان من و میان آنها بقدر بهم زدن چشم
ابدا في الدنيا والاخرة **پس سه مرتبه** اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب
هرگز در این جهان و آن جهان **بگوید** خداوندا که من بخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس اجابت کن
لي كما وعدتني **پس بگوید** اللهم اني اسئلك قليلا من كثير مع حاجة بي اليه
برای من چنانچه وعده دادی مرا خداوندا که من درمیخواهم از تو اندکی از بسیار با نیازمندی من بسوی آن
عظيمة وغناك عنه قديم وهو عندي كثير وهو عليك سهل يسير
نیاز بسیار بزرگ و بی‌نیازی تو از آن دیرینه است و آن نزد من بسیار است و آن بر تو سهل و آسان است
فامنن به علي انك على كل شيء قدير اللهم برحمتك في الصالحين فادخلنا
پس بخشش کن آن را بر من که تو بر هر چیزی توانائی خداوندا برحمت خود در زمره نیکوکاران داخل کن ما را
وفي عليين فارفعنا وبكاس من معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن
و در علیین پس بلند کن ما را و بجامی از شراب آشامیدنی از چشمه سلسبیل پس آب ده ما را و از
الحور العين برحمتك فزوجنا ومن الولدان المخلدين كانهم لؤلؤ مكنون
حوران فراخ چشم برحمت خود پس زن ده ما را و از کودکان جاوید مانده که گویا ایشان مروارید پوشیده‌اند

فأخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطير فأطعمنا ومن ثياب السندس

پس خادم بخش ما را و از میوه های بهشت و گوشتهای مرغ پس بخوران ما را و از جامهای دیبای نازک

والحرير والإستبرق فألبسنا وليلة القدر وحج بيتك الحرام فارزقنا

و حریر و استبرق پس بپوشان ما را و دریافت قدر و حج خانهٔ محترم خود

وقتلاً في سبيلك مع وليك فوفقنا وصالح الدعاء والمسألة فاستجب

و کشته شدن در راه تو با دوست خود پس توفیق ده ما را و شایسته از دعا و سؤال را پس مستجاب کن

لنا يا خالقنا اسمع واستجب لنا وإذا جمعت الأولين والآخرين يوم

برای ما ای آفریننده بشنو و مستجاب کن برای ما و هرگاه جمع کنی پیشینیان و پسینیان روز

القيامة فارحمنا وبراءة من النار وأمانا من العذاب فاكتب لنا وفي

قیامت پس رحم کن ما را و بیزاری از آتش و ایمنی از عذاب پس بنویس برای ما و در

جهنم فلا تجعلنا ومع الشياطين في النار فلا تقرنا وفي عذابك و

دوزخ پس مگردان ما را و با دیوها در آتش پس قرین مساز ما را و در عذاب خود و

هوانك فلا تقلبنا ومن الزقوم والضريع فلا تطعمنا وفي النار على

در خواری خود پس مگردان ما را و از میوهٔ زقوم و خار خشک زهردار پس مخوران ما را و در آتش بر

وجوهنا فلا تكبنا ومن ثياب النار وسرابيل القطران فلا تلبسنا و

روهای ما پس میفکن ما را و از جامه های آتش و پیراهنهای قطران پس مپوشان ما را

من كل سوء يا لا إله إلا أنت بحق لا إله إلا أنت فنجنا اللهم إني

از هر بدی ای آنکه نیست خدائی مگر تو بحق کلمهٔ لا اله الا انت پس برهان ما را خداوندا که من

أسألك ولم يسئل مثلك وأرغب إليك ولم يرغب إلى مثلك يا رب

درمیخواهم از تو و درخواسته نشده مثل تو و رغبت میکنم بسوی تو و رغبت کرده نشده بسوی مانند تو

أنت موضع مسألة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين اللهم يا

تو جای سؤال درخواست کنندگان و نهایت رغبت خواهندگانی خداوندا به

فضل أسمائك كلها وأنجحها يا الله يا رحمن وباسمك المخزون المصون

بهترین نامهای تو همهٔ آنها و نیکوترین آنها ای خدا ای بخشنده و بنام تو که پنهان و نگاهداشته شده

الأعز الأجل الأعظم الذي تحبه وتهواه وترضى عمن دعاك به و

ارجمندتر بزرگوارتر بزرگتر آن نامیکه دوست میداری آن را و میخواهی آن را و خوشنود میشوی از کسیکه بخواند ترا بآن و

تستجيب له دعاءه وحق عليك يا رب أن لا تحرم سائلك اللهم إني

می پذیری برای او دعای او را و لازمست بر تو ای پروردگار من اینکه نا امید نسازی سوال کننده خود را خداوندا

أسألك بكل اسم هو لك دعاك به عبد هو لك في بر أو بحر أو سهل

درمیخواهم از تو بهر نامیکه آن برای تست که خوانده ترا بآن بنده که او برای تست در بیابان یا دریا یا دشت

أو جبل أو عند بيتك الحرام أو في شيء من سبلك فادعوك دعاء يا رب

یا کوه یا نزد خانهٔ محترم خود یا در چیزی از راههای تو پس میخوانم ترا خواندن پروردگارا

من قد اشتدت فاقته وعظم جرمه وضعف كدحه وأشرف على

کسیکه سخت شده احتیاج او و بزرگ شده گناه او و سست شده کوشش او و مشرف گشته بر

الهلكة نفسه ولم يثق بشيء من عمله ولم يجد لما هو فيه سادا ولا

هلاکت نفس او و اعتماد نکرده بچیزی از کردار خود و نیافته برای آنچه او در آنست بازدارنده

لذنبه غافرا ولا لعثرته مقيلا غيرك هاربا إليك متعوذا بك

برای گناه خود آمرزنده و نه برای لغزش خود درگذرنده غیر تو گریزنده بسوی تو پناه گیرنده بتو

متعبدا لك غير مستنكف ولا مستكبر ولا مستحسر ولا متجبر ولا

پرستش کننده مر ترا نه عار دارنده از پرستش تو و نه گردنکش و نه صاحب درماندگی و نه تکبر کننده و نه

متعظم بل بائس فقير خائف مستجير أسألك يا الله يا رحمن يا حنان

بزرگی نماینده بلکه بدحال محتاج ترسناک امان جوینده درمیخواهم از تو ای خدا ای بخشنده ای

يا منان يا بديع السماوات والأرض يا ذا الجلال والإكرام أن تصلي على

ای بسیار بخشنده ای نو پدید آورندهٔ آسمانها و زمین ای خداوند بزرگواری و کرم اینکه رحمت فرستی بر

محمد وآل محمد صلوة كثيرة طيبة مباركة نامية زاكية شريفة أسألك

محمد و آل محمد رحمت بسیار پاک بابرکت افزون شونده پاکیزه بلند پایه درمیخواهم از تو

اللهم أن تغفر لي في شهري هذا وترحمني وتعتق رقبتي من النار

خداوندا اینکه بیامرزی برای من در ماه من اینماه و رحم کنی مرا و آزاد کنی گردن مرا از آتش

وتعطيني فيه خير ما اعطيت احدا من خلقك وخير ما انت معطيه

و عطا کنی مرا در آن بهتر از آنچه عطا دادی یکی از خلق خود را و بهتر آنچه تو عطا دهنده

ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك منذ اسكنتني ارضك الى

و مگردان آن را آخر ماه رمضان که روزه داشتم آن را برای تو از وقتی که ساکن کردی مرا در زمین خود تا

يومي هذا بل اجعله على اتمه نعمة واعمه عافية واوسعه رزقا

روز من این روز بلکه بگردان آن را بر تمامترین آن در نعمت و فراگیرنده ترین آن در عافیت و فراخترین آن در روزی

واجزله واهناه اللهم اني اعوذ بك وبوجهك الكريم وملكك

و وافرترین آن و گواراترین آن خداوندا که من پناه میگیرم بتو و بذات بزرگوار تو و پادشاهی

العظيم ان تغرب الشمس من يومي هذا او ينقضي بقية هذا اليوم او

بزرگ تو آنکه غروب کند آفتاب از روز من این روز یا بپایان رسد باقیمانده این روز یا

يطلع الفجر من ليلتي هذه او يخرج هذا الشهر ولك قبلي تبعة او ذنب

برآید صبح از شب من این شب یا بیرون رود این ماه و اگر باشد مر ترا نزد من وبالی یا گناهی

او خطيئة تريد ان تقايسني بها او تؤاخذني بها او توقفني بها موقف

یا خطائی که خواهی آنکه بسنجی مرا بآن یا مؤاخذه نمائی مرا بآن یا بازداری مرا بآن در جای

خزي في الدنيا والآخرة او تعذبني يوم القاك يا ارحم الراحمين

خواری در دنیا و آخرت یا عذاب کنی مرا روزی که ملاقات نمایم ترا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اللهم اني ادعوك لهم لا يفرجه غيرك ولرحمة لا تنال الا بك ولكرب

خداوندا که من میخوانم ترا بجهت غمی که نمی‌گشاید آن را غیر تو و بجهت رحمتی که رسیده نمی‌شود مگر بتو و بجهت اندوهی

لا يكشفه الا انت ولرغبة لا تبلغ الا بك ولحاجة لا تقضى دونك

که زایل نمی‌کند آن را مگر تو و بجهت خواهشی که رسیده نمی‌شود مگر بتو و برای حاجتی که روا کرده نمی‌شود بغیر تو

اللهم فكما كان من شانك ما اردتني به من مسألتك ورحمتني به

خداوندا پس چنانچه بود از کار تو آنچه قصد کردی مرا بآن از سؤال کردن تو و رحم نمودی مرا بآن

من ذكرك فليكن من شانك الاستجابة لي فيما دعوتك به والنجاة لي

از یاد کردن تو پس باید که بوده باشد از کار تو اجابت کردن مرا در آنچه خواندم ترا بآن و رستگاری مرا

فيما فزعت اليك منه يا ملين الحديد لداود يا كاشف الضر والكرب

در آنچه استغاثه نمودم بسوی تو از آن ای نرم سازنده آهن بجهت داود ای برطرف کننده بدحالی و اندوه

العظام عن ايوب ومفرج غم يعقوب ومنفس كرب يوسف صل على محمد

بزرگ از ایوب و ای گشاینده غم یعقوب و ای زایل کننده اندوه یوسف رحمت بفرست بر محمد

وآل محمد وافعل بي ما انت اهله فانك اهل التقوى واهل المغفرة

و آل محمد و بکن با من آنچه تو سزاوار آنی زیرا که تو سزاوار پرهیزکاری و سزاوار آمرزش

اللهم انت ثقتي في كل كرب ورجائي في كل شدة وانت لي في كل امر

خداوندا تو معتمد منی در هر اندوه و امید منی در هر سختی و تو برای من در هر امری

نزل بي ثقة وعدة كم من كرب يضعف منه الفؤاد وتقل فيه الحيلة

که فرود آید بمن معتمد و ذخیره‌ای چه بسیار اندوه که ناتوان میشود بجهت آن دل و اندک میشود در آن چاره

ويخذل فيه الصديق ويشمت فيه العدو انزلته بك وشكوته

و خوار میگردد در آن دوست و شاد میشود در آن دشمن فرود آوردم آن را بدرگاه تو و شکایت نمودم

اليك رغبة مني فيه اليك عمن سواك ففرجته وكشفته وكفيته فانت

بسوی تو از راه رغبت من در آن بسوی تو از غیر تو پس گشودی آن را و برطرف کردی آن را و کفایت نمودی آن را پس تو

ولي كل نعمة وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة اعوذ بكلمات الله

خداوند هر نعمتی و صاحب هر نیکی و منتهای هر رغبتی پناه میگیرم بکلمهای خدا

التامات من شر ما خلق من شيء اللهم عافني في يومي هذا حتى تمسي

که تمام و کامل اند از بدی آنچه آفرید از چیزی خداوندا عافیت بخش مرا در روز من این روز تا آنکه شام

اللهم اني اسألك بركة يومي هذا وما نزل فيه من عافية ومغفرة

خداوندا که من میخواهم از تو برکت روز من این روز و آنچه فرود آمده در این روز از عافیت و آمرزش

ورحمة ورضوان ورزق واسع حلال تبسطه علي وعلى والدي و

و بخشش و خوشنودی و روزی فراخ حلال که پهن کنی آن را برای من و بر پدر و مادر من و

ولدي واهلي وعيالي واهل خزانتي ومن احببت واحبني وولدت

فرزندان من و خانه من و عیال من و آنکه [illegible] و آنکه دوست دارم و آنکه دوست دارد مرا و

وولدني اللهم اني اعوذ بك من الشك والشرك والحسد والبغي

و زن و بچه مرا خداوندا بدرستیکه پناه میگیرم بتو از شک و شرک آوردن و بدخواهی و ستم کردن

والحمية والغضب اللهم رب السموات السبع ورب الارضين

و غیرت و خشم گرفتن خداوندا پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای

السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم صل على محمد وآل محمد

هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و پروردگار عرش بزرگ رحمت فرست بر محمد و آل محمد

واكفني المهم من امري بما شئت وكيف شئت پس بخوان سوره حمد و آية الكرسي را

و دفع کن از من مهم از امر مرا بآنچه خواهی و هر روش که خواهی

و بگو اللهم انك قلت لنبيك ولسوف يعطيك ربك فترضى اللهم

خداوندا بتحقیق که تو گفتی به پیغمبر خود و هر آینه زود باشد که عطا کند پروردگار تو تا خوشنود شوی خداوندا

ان نبيك ورسولك وحبيبك وخيرتك من خلقك لا يرضى بان تعذب

بدرستیکه پیغمبر تو و رسول تو و دوست تو و برگزیده تو از خلق تو خوشنود نمیشود باینکه عذاب کنی

احدا من امته دان بموالاته وموالاة الائمة من اهل بيته وان كان

یکی از امت او را که گرویده باشد بدوستی او و دوستی امامان از اهل بیت او و اگر چه

مذنبا خاطئا في نار جهنم فاجرني يا رب من جهنم وعذابها وهبني

گناهکار خطاکار در آتش دوزخ پس زنهار ده مرا ای پروردگار من از دوزخ و عذاب آن و بخش مرا

لمحمد وآل محمد يا ارحم الراحمين يا جامعا بين اهل الجنة على تالف من

بمحمد و آل محمد ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای جمع کننده میان اهل بهشت بر آمیختن از

القلوب وشدة المحبة ونازع الغل من صدورهم وجاعلهم اخوانا

دلها و شدت دوستی و ای برکننده کینه از سینه های ایشان و گرداننده ایشان برادران

على سرر متقابلين يا جامعا بين اهل طاعته وبين من خلقها له و

بر تختها روبروی یکدیگر ای جمع کننده میان اهل طاعت خود و میان آنکه خلق نموده برای آن

يا مفرج حزن كل محزون ويا مونس كل غريب يا راحمي في غربتي وفي

ای زایل کننده اندوه هر اندوهناک و ای آنکه مونس هر بیکسی ای رحم کننده من در بیکسی و در

كل احوالي بحسن الحفظ والكلائة لي يا مفرج ما بي من الضيق والحزن

هر حالی بنیکی محافظت نمودن و نگاهبانی کردن مرا ای گشاینده آنچه یافت در تنگی و هم

صل على محمد وآل محمد واجمع بيني وبين احبتي وقادتي وسادتي و

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و جمع کن میان من و میان دوستان من و کشندگان من و بزرگان من

هداتي وموالي يا مولفا بين الاحباء صل على محمد وآل محمد ولا تفجعني

راهنمایان و صاحبان اختیار من ای الفت دهنده میان دوستان رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بدرد میاور مرا

بانقطاع رؤية محمد وآل محمد عني ولا بانقطاع رؤيتي عنهم فبكل مسائلك

بسبب بریده شدن دیدن محمد و آل محمد از من و نه بسبب بریده شدن دیدار من از ایشان پس بهر سوال کنندگان

يا رب ادعوك الهي فاستجب دعائي اياك يا ارحم الراحمين اللهم اني

ای پروردگار من میخوانم ترا ای خدای من پس اجابت کن خواندن مرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا بدرستیکه من

اسئلك بانقطاع حجتي ووجوب حجتك ان تغفر لي اللهم اني اعوذ

در میخواهم از تو بسبب بریدگی دلیل من و لازم بودن حجت تو اینکه بیامرزی مرا خداوندا بدرستیکه پناه

بك من خزي يوم المحشر ومن شر ما بقي من الدهر ومن شر الاعداء

بتو از خواری در روز محشر و از شر آنچه باقی مانده از زمان و از شر دشمنان

وصغير الفناء وعضال الداء وخيبة الرجاء وزوال النعمة و

و ... و درد عاجز کننده و نا امید شدن امید و زایل شدن نعمت و

فجاءة النقمة اللهم اجعل لي قلبا يخشاك كأنه يراك الى يوم يلقاك

ناگاه رسیدن عقوبت خداوندا بگردان برای من دلی که بترسد ترا تا گویا که میبیند ترا تا روزی که ملاقات کند ترا

و دور نیست که در اوقات دیگر هرگاه شدتی روی دهد یا حاجت ضروری
بهم رسد این دعا را تواند خواند **فصل ششم** در اعمال مخصوصه شبها و روزهای
مخصوص این ماه مبارک است و در روایتی وارد شده است که انجیل بر حضرت
عیسی در ششم این ماه نازل شد و بروایت دیگر در ششم و بروایت معتبر دیگر
در دوازدهم و **شیخ مفید** نقل کرده است که در روز ششم این ماه مامون خلیفه
ملعون با حضرت امام رضا بیعت کرد و روایت شده است که هرکه در آن

روز دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه سوره قل
هو الله احد بخواند شکر نعمت ظاهر شدن حق بحضرت را ادا کرده خواهد بود
و بروایت معتبر از حضرت صادق منقولست که در شب سیزدهم دو رکعت نماز
بگذارند و در هر رکعت بعد از حمد سوره تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله
احد و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام باین صفت و در شب پانزدهم شش
رکعت بسه سلام بهمین کیفیت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل و زیارت
حضرت امام حسین مستحب است در آن چنانچه مذکور شد و در حدیث معتبر
از حضرت صادق منقولست که حضرت رسول فرموده هر که در شب نیمه ماه مبارک
رمضان صد رکعت نماز بکند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد
از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله بخواند حق تعالی ده ملک فرو فرستد که بدی
او که دفع کنند از و ضرر دشمنان او را از جنیان و آدمیان و در هنگام مرگ او سی
ملک بفرستد که او را بشارت دهند به بهشت و سی ملک که او را بشارت دهند
ایمن کرده اند از آتش جهنم و ایضا از آن حضرت منقولست که هر که در شب نصف
ماه رمضان زیارت حضرت امام حسین بکند و بعد از نماز عشا ده رکعت نماز
نزد قبر آن حضرت بکند و در هر رکعتی سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله
بخواند نمیرد تا در خواب به بیند ملکی چند را که بشارت دهند او را به بهشت
و ملکی چند را که ایمن کرده اند او را از آتش جهنم و شب هفدهم نیز شب
مبارکی است و در آن شب لشکر حضرت رسول با لشکر کفار قریش ملاقات کردند
در بدر و در روز شر جنگ بدر شد و حق تعالی لشکر آن حضرت را بر کفار ظفر
داد و آن اعظم فتوحات اسلام بود و غسل و عبادت در آن شب فضیلت عظیم
دارد و شب نوزدهم اول شبهای قدر است و حق تعالی می فرماید انا انزلناه
فی لیلة القدر یعنی ما فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی شبی که نزد حق تعالی
قدر و منزلت عظیم دارد با تقدیر امور سال در این شب میشود یا زمین تنگ
میشود از بسیاری نزول ملائکه و ما ادریک ما لیلة القدر و چه چیز

تو را اعلام کرده است که چه چیز است شب قدر لیلة القدر خیر من الف شهر
شب قدر بهتر است از هزار ماه یعنی عبادت در آن بهتر است از عبادت در
هزار ماه تنزل الملائکة و الروح فیها فرو می آیند ملائکه و روح که از همه ملائکه
اعظم است در این شب باذن ربهم باذن پروردگار ایشان من کل امر بسبب تقدیر
هر امری احادیث بسیار وارد شده است که ملائکه و روح در آن شب بر امام
زمان نازل میشوند و آنچه از برای هر کس در این شب مقدر شده است بر امام
عرض میکنند سلام هی حتی مطلع الفجر یعنی سلامتی است این شب از جمیع بدیها
تا طلوع صبح یا سلام میکنند بر امام مؤمنان که در این شب عبادت میکنند تا طلوع
صبح و میان سنی و شیعه در شب قدر خلاف بسیار است بعضی از سنیان
گفته اند که شب قدر در زمان حضرت رسول بود و بعد از آن برطرف شد و
اکثر ایشان گفته اند که تا روز قیامت باقی است پس بعضی گفته اند که در تمام سال
پنهان است و در همه شبها عبادت باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابند و بعضی
گفته اند که در ماه شعبان و ماه رمضان پنهان است و بعضی گفته اند شب نیمه
شعبان است و بعضی گفته اند شب اول ماه رمضان است و بعضی گفته اند
شب نیمه است و بعضی هفدهم و بعضی بیست و یکم و بعضی بیست و سیم
و بعضی بیست و نهم و بعضی شب آخر گفته اند و اکثر سنیان در این زمان
اتفاق کرده اند بر شب بیست و هفتم و علمای شیعه امامیه اجماع کرده اند
بر آنکه از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم میباشد و بسیاری از احادیث
معتبره دلالت میکند بر آنکه از این سه شب بیرون نیست و این سه شب یعنی نو
نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم را احیا باید کرد تا فضیلت شب قدر
دریابند و در بعضی احادیث معتبره تعیین بیست و یکم و بیست و سیم شده است و
در بعضی تعیین خصوص بیست و سیم واقع شده است و منقولست که از شب
جهنی است و او اعرابی بود بحضرت رسول عرض کرد که منزل من دور است
از مدینه میخواهم شبی را از برای من تعیین کنی که بهترین شبها باشد که در آن

شب بخدمت تو برسم حضرت شب بیست و سیم را برای او تعیین نمود و او
پیوسته با اهل و خدم و حشم خود داخل مدینه میشد و چون صبح میشد بر
میگشت و از بعضی احادیث ظاهر میشود که هر سه شب قدر اند و در شب
اول تقدیر امور میشود و در شب دویم بکثرت دعا و عبادت ممکن است بعضی
تغییر بیابد و در شب سیم ختم میشود و تغییر نمی یابد یا بسیار کم تغییر می یابد بلا
تشبیه مانند ارقام پادشاهان که اول تعلیقه میشود و تغییرش آسان است
بعد از آن ثبت دفاتر میشود اما تغییرش دشوارتر است اما تا به مهر مهر آثار
نکرده‌اند باز ممکن است تغییر بیابد و چون بمهر اشرف رسید بمنزله ختم است و تغییر
در غایت صعوبت است و حق تعالی را حکمتها در ابهام بعضی امور هست مانند
اسم اعظم الهی که بر اکثر مردم مشتبه است و نماز وسطی که در میان نمازها است
و ساعت استجابت در هر شب و در هر روز جمعه و عمل مقبول در میان اعمال
و امثال اینها و یک حکمت در مبهم ساختن اینها آن است که بر همه اسمای مقدس
الهی مواظبت نمایند و اهتمام در همه نمازها بکنند و در تمام شب و روز جمعه
دعا بکنند و سعی در اعمال خیر بکنند شاید یکی مقبول گردد و همچنین در شب
قدر شبهائی که احتمال آن دارد همه را احیا کنند و حکمت دیگر در بعضی از
آنها میتواند بود مثل آنکه اگر اسم اعظم را همه کس بدانند گاه باشد بعضی از
نفوس شریره آن را وسیله حصول مطالب دنیویه کنند چنانچه از بلعم نقل
کرده اند و همچنین شب قدر و ساعت استجابت اگر بخصوص آنها را بدانند
ممکن است که امور غیر مشروع و ضررهای عظیم نسبت ببعضی از مسلمانان
استدعا کنند و اگر بخصوص دانند با ایما البته مستجاب گردد دیگر آنکه مغرور
باعمال خود نگردند و حکمتهای دیگر بسیار است که این رساله گنجایش ذکر آنها
ندارد پس باید مومن این سه شب را احیا کند و اهتمام در عبادت و دعا بکند
تا فضیلت شب قدر را دریابد و در دو شب آخر اهتمام بیشتر بکنند و در شب بیست
و سیم که احادیث معتبره بسیار در تخصیص آن وارد شده است که شب قدر است

سعی

سعی بیشتر بکنید و فواید شب قدر بسیار است از جمله آنکه چون عبادت شب
قدر را دریابد بنص قرآن زیاده از ثواب عبادت هزار ماه که زیاده از هشتاد سال
است از برای او مقرر میفرماید دیگر آنکه تقدیرات جمیع امور از عمر و مال و فرزند
و عزت و صحت و توفیق اعمال خیر و سایر امور در این شب میشود اصلاح احوال
تمام سال خود را در این شب کرده خواهد بود و ممکن است که نام او در دیوان اشقیا
نوشته باشد و در این شب تغییر یابد و از زمره سعادتمندان نوشته شود چنانچه
این مضمون در اکثر دعاها و احادیث معتبره وارد شده است دیگر آنکه او چون
امام او حضرت صاحب الامر در تمام این شب با ملائکه مقربین محشور است فوج
فوج بخدمت او می آیند و بر او سلام میکنند و تقدیراتیکه از برای او و سایر مردم
شده است بر او عرض میکنند سزاوار نیست که در چنین شبی تأسی بامام خود نکند
و بغفلت بسر آورد و از حضرت رسول منقول است که چون شب قدر میشود فرود
می آیند ملائکه که در سدرة المنتهی ساکنند و از جمله ایشان جبرئیل است و
جبرئیل علمها می آورد و یک علم را بر قبر منور من نصب میکند و یکی را بر بیت المقدس
و یکی را در مسجد الحرام و یکی را در طور سینا و نمیگذارند مرد مومن و زن
مومنه را مگر آنکه بر او سلام میکنند و ایضا از حضرت رسول منقول است که بهشت را
هر سال برای داخل شدن ماه رمضان زینت میکنند چون شب اول میشود نسیمی
از زیر عرش میوزد که آن را مثیره میگویند و صدا می آورد درختان و حلقهای
درهای بهشت را پس نغمه از آن میشنوند که هرگز شنوندگان از آن خوشتر
نغمه نشنیده اند پس حوریان از غرفهای بهشت بیرون می آیند و ندا میکنند
که آیا کسی هست که خواستگاری کند ما را باعمال صالحه خود پس از رضوان
خازن بهشت می پرسند که این چه شب است رضوان میگوید لبیک ای نیکو
رویان نیکوکار این شب اول ماه رمضان است درهای بهشت گشوده شده
است برای روزه داران امت محمد پس حق تعالی میفرماید که ای رضوان بگشا
درهای بهشت را ای مالک به بند درهای جهنم را از روزه داران امت محمد

ای جبرئیل برو بسوی زمین و در زنجیر کن شیاطین متمرّد را و غلها در گردن
ایشان گذار و ایشان را در لجّهای دریا بینداز تا فاسد نگردانند بر امّت حبیب
من روزهای ایشان را و حضرت فرمود که حق تعالی در هر شب از شبهای ماه
رمضان سه مرتبه ندا میفرماید که آیا سؤال کننده هست که سؤال او را عطا
کنم آیا توبه کننده هست که توبه او را قبول کنم آیا استغفار کننده هست که گنا
هش را بیامرزم کیست که قرض دهد بخداوند مالداری که هرگز پریشان
نمیشود و وفا کننده است بوعدهای خود و ستم نمیکند و فرمود که در آخر هر
روز از روزهای ماه رمضان در وقت افطار حق تعالی هزار هزار کس را از
آتش جهنم آزاد میکند و چون شب جمعه و روز جمعه میشود در هر ساعتی هزار
هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند که هر یک مستوجب عذاب شده باشند
و در شب آخر و روز آخر ماه بعدد آنچه در تمام ماه آزاد کرده است آزاد میکند
و چون شب قدر میشود حق تعالی امر میکند جبرئیل را که بزمین می آید با لشکر
عظیمی از ملائکه و با خود علم سبز می آورد و بر بالای کعبه معظمه نصب میکند
و او شش بال دارد و دو بالش را نمیگشاید مگر در شب قدر و چون در شب قدر
آن دو بال را میگشاید از مشرق و مغرب میگذرد و پهن میکند جبرئیل آن
ملائکه را در این شب در اطراف زمین پس سلام میکنند بر هر ایستاده و نشسته
که مشغول نماز و ذکر خدا باشند و با ایشان مصافحه میکنند و چون ایشان
دعا میکنند ملائکه آمین میگویند و پیوسته مشغول این کارند تا صبح و چون
صبح میشود ندا میکند جبرئیل که ای گروه ملائکه روانه جانب آسمان شوید
پس ملائکه میگویند ای جبرئیل خدا چه کرد در حوایج مؤمنان از امّت محمد جبرئیل
میگوید خدا گناهان همه را آمرزید مگر کسی که همیشه شراب خورد یا عاق
پدر و مادر باشد یا قطع رحم کند یا با مؤمنان عداوت کند و چون شب عید فطر
میشود و آنرا شب جوایز میگویند خدا مزد میدهد همه عمل کنندگان ماه رمضان را
به حساب و چون بامداد روز عید میشود حق تعالی ملائکه بسیار در جمیع

شهرها میفرستند که بزمین می آیند و بر سر کوچها و بازارها و راهها می ایستند
و میگویند ای امّت محمّد بیرون روید بسوی درگاه پروردگار کریمی که عطاها
بزرگ بخشد و گناهان عظیم را می آمرزد پس چون بمصلّی میروند برای نماز عید
حق تعالی بملائکه میگوید ای ملائکه من چیست جزای مزدور هرگاه عمل خود
بکند ملائکه میگویند ای خداوند ما و آقای ما آنست که مزدش تمام داده شود
حق تعالی میفرماید ای ملائکه من شما را گواه میگیرم که ثواب ایشان را از روزهای
ماه رمضان و عبادت شبها عطا کردم که از ایشان راضی شدم و گناهان
ایشان را آمرزیدم پس ندا میفرماید مؤمنان را که در آن مجمع حاضر بودند که ای
بندگان من هر چه خواهید از من سؤال کنید بعزّت و جلال خود سوگند یاد
میکنم که درین مجمع شما هر حاجت که برای آخرت و دنیای خود سؤال کنید البته
عطا میکنم و عیبهای شما را میپوشانم تا از من رو گردان نشوید و مزدهای شما را
مضاعف گردانم و شما را در میان گناهکاران رسوا نگردانم برگردید از مصلّی
آمرزیده بدرستی که خوشنود گردانیدید مرا و خوشنود شدم از شما پس ملائکه
سرور و شاد میشوند و یکدیگر را مبارکباد میگویند بآنچه حق تعالی بامت محمد
عطا کرد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که احیا کند
شب قدر را گناهان او آمرزیده شود هر چند بعدد ستارهای آسمان باشد
و سنگینی کوهها و کیل دریاها باشد و امّا اعمال این هر سه شب پس بر دو نوع
است اوّل آنکه در هر سه شب باید کرد دوّم آنکه مخصوص است بهر شبی امّا
اوّل از حضرت رسول منقول است که هر که در شب دو رکعت نماز بجا آورد و
در هر رکعتی بعد از حمد هفت مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از فارغ شدن
هفتاد مرتبه استغفر الله و اتوب الیه بگوید از جای خود بر نخیزد تا حق تعالی
او را و پدر و مادر او را بیامرزد و ملکی چند بفرستد تا حسنات برای او بنویسند
تا سال آینده و ملکی بفرستد بسوی بهشت که درختها برای او غرس نمایند
و قصرها برای او بنا کنند و نهرها برای او جاری سازد و از دنیا بیرون نرود

نرود تا همه را مشاهده نماید و غسل در این سه شب سنت مؤکد است و غسل
این شبها را مقارن غروب آفتاب کردن بهتر است که نماز شام را با غسل
بکند و مستحب است در این شبها قرآن مجید را بدست بگیرد و بگشاید و این دعا
بخواند اللهم انی اسئلک بکتابک المنزل و ما فیه و فیه اسمک الاکبر و
خداوندا سؤال میکنم از تو بحق کتاب فرو فرستاده شده تو و آنچه در اوست و در اوست نام بزرگتر تو و
اسمائک الحسنی و ما یخاف و یرجی ان تجعلنی من عتقائک من النار و تقضی
نامهای نیکوی تو و آنچه ترسیده میشود و امید داشته میشود که بگردانی مرا از آزادکردگان از آتش و روا کنی
حوائجی للدنیا و الآخرة پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید که انشاء الله
حاجتهای مرا بجهة دنیا و آخرت
برآورده است و این دعا از حضرت امام محمد باقر منقول است
و از حضرت امام جعفر صادق منقول است که مصحف را بگیرد و بر سر بگذارد و
بگوید اللهم بحق هذا القرآن و بحق من ارسلته به و بحق کل مؤمن مدحته
خداوندا بحق این قرآن و بحق آنکه فرستادی او را و بحق هر گرویده که ستوده او را
فیه و بحقک علیهم فلا احد اعرف بحقک منک پس ده مرتبه بگوید بک یا الله و ده
در قرآن و بحق تو بر ایشان پس نیست احدی شناساتر بحق تو از تو
مرتبه بمحمد بحق محمد بعلی بحق علی
بفاطمة بحق فاطمه بالحسن بحق حسن بالحسین بحق حسین بعلی بن الحسین بحق علی بن حسین بمحمد بن علی
بحق محمد بن علی بجعفر بن محمد بحق جعفر بن محمد بموسی بن جعفر بحق موسی بن جعفر بعلی بن موسی
بحق علی بن موسی بمحمد بن علی بحق محمد بن علی بعلی بن محمد بحق علی بن محمد بالحسن بن علی بحق حسن بن علی بالحجة پس هر حاجت
که داری طلب کن و زیارت حضرت امام حسین در هر سه شب سنت مؤکد است
و در هر یک خصوصا شب بیست و سیم صد رکعت نماز سنت است هر دو رکعت
بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند
و در بعضی از روایات معتبره وارد شده است که به هفت مرتبه یا پنج مرتبه
یا سه مرتبه یا یک مرتبه قل هو الله اکتفا تواند کرد و احادیث بسیار در فضیلت
این صد رکعت وارد شده است و باید این صد رکعت غیر نافله شب باشد و اگر
ضعف داشته باشد نشسته هم میتواند کرد و بهترین اعمال در این شبها

طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت خود است و پدر و مادر و خویشان
خود و برادران مؤمن زنده و مرده ایشان و اذکار و صلوات بر محمد و آل محمد صلوات
الله علیهم آنچه مقدور شود در بعضی روایات وارد شده است و دعای جوشن
کبیر را در هر یک از این سه شب بخوانند و اما دعا پس اعمال مخصوص شب نوزدهم
آنست که صد مرتبه استغفر الله ربی و اتوب الیه و صد مرتبه اللهم العن
قتلة امیر المؤمنین و این دعا بخواند اللهم اجعل فیما تقضی و تقدر من الامر
کشندگان امیر مؤمنان خداوندا بگردان در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی از امر
المحتوم و فیما تفرق من الامر الحکیم فی لیلة القدر من القضاء الذی لا یرد
واجب در شب قدر از آن حکمی که رد کرده نشود
و لا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک الحرام المبرور حجهم المشکور سعیهم
و بدل کرده نشود آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود که پذیرفته شود حج ایشان جزا داده شود سعی ایشان
المغفور ذنوبهم المکفر عنهم سیئاتهم و اجعل فیما تقضی و تقدر ان
آمرزیده شود گناهان ایشان محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در آنچه حکم میکنی و اندازه میکنی آنکه
تطیل عمری و توسع علی رزقی و تفعل لی فی جمیع اموری ما هو خیر لی
دراز کنی عمر مرا و گشاده گردانی روزی مرا و بکنی برای من در همه امورم آنچه بهتر است مرا
فی دنیای و آخرتی پس حوائج خود را از حق تعالی طلب نماید و شب بیست و یکم
در دنیای من و آخرتم فضیلتش زیاده از شب سابق است و غسل و اعمال سابقه
همه را باید بعمل آورد و در این دهه آخر اعتکاف در مساجد جامعه سنت تا صحت
و در استجابت دعا است و بسند بسیار معتبر از حضرت امام موسی منقول است
که در شب بیست و یکم و بیست و سیم صد رکعت نماز بکن و در هر رکعت ده مرتبه
سوره قل هو الله بخوان و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت امام محمد
باقر این دو شب را احیا میکرد و در نصف اول شب مشغول دعا میشد و در نصف
آخر مشغول نماز و بسند موثق از حضرت صادق مرویست که اگر توانی در شب
بیست و یکم و بیست و سیم ماه رمضان در هر یک صد رکعت نماز بکن بغیر [illegible] رکعت

نماز شب و نافلهٔ صبح و تا صبح بیدار باش و مستحب است که مشغول نماز و دعا و تضرع
باشی بدرستی که امید شب قدر در یکی از اینها هست و شب قدر بهتر است
از هزار ماه فرمود یعنی بهتر است از عمل در هزار ماه و هر امری که در این سال
مقدر میشود در شب قدر مقدر میگردد و دعای این شب در ضمن دعاهای
دهه آخر مذکور خواهد شد ان شاء الله و اما شب بیست و سیم اکثر احادیث
معتبره دلالت میکنند بر آنکه شب قدر است و در آن دو غسل سنت است یکی در اول
شب و دیگری در آخر شب و حضرت صادق فرمود که شب بیست و سیم شب
جهنی است و در آن شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میگردد و در آن شب مقدر
میشود مرگها و بلاها و روزیها و قضاها و آنچه در آن سال واقع میشود تا شب قدر
آینده پس خوشا حال بنده که احیا کند آن شب را و بیدار باشد بعبادت و گاه در
رکوع باشد و گاه در سجود و گناهان خود را در برابر دیدههای خود ممثل گرداند
و بر آنها بگرید چون چنین کند امید دارم که از فضیلت شب قدر محروم نگردد ان
شاء الله و فرمود که حقتعالی امر میکند ملکی را که ندا میکند در هر روز ماه
رمضان در هوا که بشارت باد شما را ای بندگان من که بخشیدم شما را و در شب
قدر شفاعت شما را در حق یکدیگر مستجاب میگردانم مگر کسی که روزه را افطار
کند بر مسکرات یا کینهٔ مؤمنی را در دل داشته باشد و بسند معتبر از
حضرت صادق که هر که سورهٔ عنکبوت و روم را در شب بیست و سیم بخواند
والله که او از اهل بهشت است و استثنا نمیکنم در آن احدی را و نمیترسم که خدا
در این سوگند بر من گناهی بنویسد و این دو سوره را نزد خدا منزلت عظیم هست
و ایضا از آن حضرت بسند معتبر منقول است که هر که در شب بیست و سیم
ماه رمضان هزار مرتبه سورهٔ انا انزلناه را بخواند هر آینه صبح کند با یقین
شدید باعتراف بآنچه مخصوص ما است از کرامتها در این شب به سبب آنچه در
خواب ببیند و سورهٔ حم دخان را نیز سنت است که در این شب بخواند و از
حضرت امام محمد تقی منقول است که هر که زیارت کند حضرت امام حسین

در شب بیست و سیم که امید شب قدر در آن هست و در آن هر امری مقدر
میشود مصافحه کند با او روح صد و بیست و چهار پیغمبر که همه در آن شب
رخصت میطلبند از حق تعالی در زیارت آن حضرت و بسند معتبر از حضرت امام
محمد باقر روایت کرده است که هر که احیا کند شب بیست و سیم ماه مبارک را و
صد رکعت نماز بکند حق تعالی روزی او را فراخ گرداند در دنیا و شر دشمنان را از او
کفایت کند و پناه دهد او را از غرق شدن و خانه بر سرش خراب شدن و لقمه
در گلو گرفتن و از شر دشمنان و دفع کند از او هول منکر و نکیر را و از قبر بیرون آید و از او
نوری تابد که روشنی بخشد اهل محشر را و نامه اش را بدست راستش دهند
و بنویسند برای او برات بیزاری از آتش جهنم را و گذشتن بر صراط را و ایمنی از عذاب
را و داخل بهشت شود بی حساب و در بهشت او را از رفیقان پیغمبران و صدیقان
و شهیدان و صالحان گردانند و نیکو رفیقانند ایشان و دعای این شب از جمله
دعاهای دهه آخر بخواند اللّهمّ امدد لی فی عمری واوسع لی فی رزقی وا
وایضا این دعا را بخواند   خداوندا درازی بخش در عمرم و گشایش ده مرا در روزی من
اصحّ جسمی وبلّغنی املی وان کنت من الاشقیاء فامحنی من الاشقیاء واکتبنی
سالم دار بدن مرا و برسان مرا به آرزوی من و اگر بوده باشم از بدبختان پس محو کن مرا از بدبختان و بنویس مرا
من السعداء فانّک قلت فی کتابک المنزل علی نبیّک صلواتک علیه وآله یمحو الله
از نیکبختان زیرا که تو گفته در کتاب خود که فرود آمده شده بر پیغمبر تو درود تو بر او و آل او محو میکند خدا
ما یشاء ویثبت وعنده امّ الکتاب   اللّهمّ اجعلنی من اوفر عبادک
آنچه را میخواهد و ثابت میدارد و نزد او است اصل کتاب   خداوندا بگردان مرا از وافرترین بندگان
نصیبا من کلّ خیر انزلته فی هذه اللیلة وانت منزله من نور تهدی به او
از روی بهره از هر نیکی که فرستادهٔ در این شب و تو فرو فرستندهٔ آنی از نوری که راه نمائی بآن
رحمة تنشرها او رزق تقسمه او بلاء تدفعه او ضرّ تکشفه واکتب لی ما کتبت لا
یا رحمتی که پهن میسازی آنرا یا روزی که قسمت میکنی آنرا یا بلائی که دفع میکنی آنرا یا ضرری که دور میکنی آنرا و بنویس برای من آنچه نوشتهٔ
ولیائک الصالحین الذین استوجبوا منک الثواب وامنوا برضاک عنهم
دوستان خود شایستگان که سزاوار شدند از تو پاداش نیک را و ایمن گشتند بخشنودی تو از ایشان

مِنْكَ الْعِقَابَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ

از تو عقوبت را ای بزرگوار رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن با من آن را برحمت خود

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وهر مقدار که از قرآن ممکن باشد در این شب بخوانند ودعا

ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان

های صحیفه کامله را بخوانند خصوصا دعای مکارم اخلاق

ودعای توبه و روزهای این شب‌ها را نیز باید حرمت داشت و بعبادت و تلاوت

ودعا بسر آورد زیرا که در احادیث معتبره وارد شده است که روز قدر در

فضیلت نیز مثل شب قدر است و در شب بیست و چهارم نیز بخصوص غسل

سنت است و در شب بیست و پنجم نیز غسل سنت است واحادیث معتبره در

استحباب غسل در آن وارد شده است و خدای عز و جل دفع میکند گناهان و

بدیها و جمیع انواع بلاها را از روزه‌داران ماه رمضان پس عطا میکند خدای تعالی

بایشان نوری در گوشها و دیده‌های ایشان و در شب بیست و هفتم نیز بخصوص

غسل وارد شده است و منقول است که حضرت امام زین العابدین در این شب

مکرر این دعا را میخواندند از اول شب تا آخر شب اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِيَ عَنْ دَارِ

الْغُرُورِ وَالْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَالْاسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ ودر شب

از خانه فریب و بازگشت بسوی سرای همیشگی و مهیا شدن برای مرگ پیش از رسیدن وقت مرگ

بیست و نهم نیز بخصوص غسل وارد شده است و همچنین در شب آخر غسل سنت

است و زیارت حضرت امام حسین سنت است و وداع ماه مبارک سنت موکد است

برای آنکه روزه و عبادات این ماه بر ما گران و دشوار و ما خواهان آن بودیم و

از مفارقت آن آزرده و محزونیم و هر که لذت عبادت الهی را یافته است و فواید

آن را در دنیا و عقبا دانسته است عاشق عبادت و بندگی میباشد پس باید این

ماه وافر البرکات را به نحوی وداع کند که عزیزترین اهل خود را در هنگام مفارقت

وداع میکند و معلوم است که غلامی که از آقای خود شاد و خوشحال باشد

و از ترک خدمت دلگیر باشد مثل غلامی نیست که از ترس خدمت کند و بآن

راضی نباشد و دعای وداع را در شب آخر سنت است خواندن و در روز نیز به

بخوانند خوب است و در حدیث است که اگر آخر ماه مشتبه باشد و در شب

سی‌ام نیز احتیاط سنت است خواندن و دعاهای وداع بسیار است و

بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و بسندهای معتبر از حضرت امام

جعفر صادق این دعای وداع منقول است بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ

بار خدایا بدرستی که تو گفته در کتاب خود که فرو آورده شده است بر زبان پیغمبر فرستاده شده تو رحمتهای تو بر او و آل او باد

وَقَوْلُكَ حَقٌّ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ

و سخن تو راست است که ماه رمضان چنان ماهی است که فرو فرستاده شده در آن قرآن که راهنماست مردمان را و دلیلهای روشن است

مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ وَهَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ قَدْ تَصَرَّمَ وَانْقَضَتْ أَيَّامُهُ وَلَيَالِيهِ

از هدایت و جدا کننده حق از باطل و اینک این ماه رمضان بتحقیق بریده شد و بپایان رسید روزهای او و شبهای او

فَأَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ إِنْ كَانَ بَقِيَ عَلَيَّ ذَنْبٌ لَمْ تَغْفِرْهُ

پس درخواست میکنم از تو بحق ذات بزرگوارت و کلمات تمام تو اگر بوده باشد که باقی مانده باشد بر من گناهی که نیامرزیده باشی

لِي أَوْ تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي عَلَيْهِ أَوْ تُقَاصَّنِي بِهِ أَنْ يَطْلُعَ فَجْرُ هَذِهِ اللَّيْلَةِ أَوْ يَتَصَرَّمَ

برای من یا خواسته باشی که عذاب کنی مرا بر آن یا قصاص کنی مرا بآن با آنکه طلوع کند صبح این شب یا منقطع

هَذَا الشَّهْرُ إِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَهُ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ

شود این ماه مگر آنکه بتحقیق آمرزیده باشی آن را برای من ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان خداوندا مر تراست حمد بستایشهای تو

كُلِّهَا أَوَّلِهَا وَآخِرِهَا مَا قُلْتَ لِنَفْسِكَ مِنْهَا وَمَا قَالَ لَكَ الْحَامِدُونَ الْمُجْتَهِدُونَ

همه آنها اول آنها و آخر آنها آنچه خود گفته برای خود از آنها و آنچه گفته‌اند مر ترا حمدکنندگان سعی‌کنندگان

الْمَعْدُودُونَ الْمُؤْثِرُونَ فِي ذِكْرِكَ وَالشُّكْرِ لَكَ الَّذِينَ أَعَنْتَهُمْ عَلَى أَدَاءِ حَقِّكَ

شمرده شدگان برگزیدگان در یاد کردن تو و سپاسداری برای تو آنها که مدد کردی ایشان را بر ادای حق خود

مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالنَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَأَصْنَافِ

از اقسام خلق خود از ملائکه مقربان و پیغمبران و فرستادگان و انواع

النَّاطِقِينَ الْمُسَبِّحِينَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ عَلَى أَنَّكَ بَلَّغْتَنَا شَهْرَ رَمَضَانَ

سخن گویندگان تسبیح‌کنندگان مر ترا از همه جهانیان بر آنکه تو رسانیدی ما را ماه رمضان

وعلينا من نعمك وعندنا من جزيل قسمك واحسانك وتظاهر امتنانك
و آنکه برما است از نعمتهای تو و نزد ما است از بخششهای وافر تو و احسان تو و پی در پی آمدن انعام
بذلك لك منتهى الحمد الخالد الدائم الراكد المخلد السرمد الذي لا ينفد
تو بآنجهت مر ترا است منتهی ستایش جاوید پیوسته ثابت جاوید مانده همیشه که بسر نیاید
طول الابد جل ثناؤك اعنتنا عليه حتى قضيت عنا صيامه وقيامه
در کشیدگی زمانه بزرگست ستایش تو مدد کردی ما را بر ماه رمضان تا آنکه ادا کردی از ما روزه و شب زنده داری آنرا
من صلوة وما كان منا فيه من بر او شكر او ذكر اللهم فتقبله منا با
نماز و آنچه یافت شد از ما در آن از نیکی یا سپاسگذاری یا ذکر خداوندا پس بپذیر آنرا از ما
حسن قبولك وتجاوزك وعفوك وصفحك وغفرانك وحقيقة رضوانك
بنیکی قبول تو و تجاوز تو و عفو تو و درگذشتن تو و آمرزش تو و خوشنودی ثابت خود
حتى تظفرنا فيه بكل خير مطلوب وجزيل عطاء موهوب وتؤمنا فيه من
تا آنکه فیروزی دهی ما را در آن بهر چیزی که طلب کرده شود و عطای وافری که بخشیده شود و ایمن گردانی ما را در آن
كل امر مرهوب وذنب مكسوب اللهم اني اسئلك بعظيم ما سالك به احد
هر امری که ترسیده شود و گناهی که کسب کرده شود خداوندا که من درخواست میکنم از تو ببزرگی آنچه سوال کرده ترا بآن یکی
من خلقك من كريم اسمائك وجزيل ثنائك وخاصة دعائك ان تصلي
از آفریدگان تو از گرامی نامهای تو و ستایش بسیار تو و دعای خاص تو اینکه رحمت فرستی
على محمد وآل محمد وان تجعل شهرنا هذا اعظم شهر رمضان مر علينا
بر محمد و آل محمد و آنکه بگردانی ماه ما را اینماه بزرگترین ماه رمضانی که گذشته بر ما
منذ انزلتنا الى الدنيا بركة في عصمة ديني وخلاص نفسي وقضاء حوائجي
از آنوقتی که فرود آوردی ما را بسوی دنیا برکت در نگاه داشتن دین من و رهایی نفس من و روا کردن حاجتهای من
وتشفعني في مسائلي وتمام النعمة علي وصرف السوء عني ولباس
و آنکه بپذیری شفاعت مرا در سوالهای من و تمام شدن نعمت بر من و گردانیدن بدی از من و پوشش
العافية لي وان تجعلني برحمتك ممن حزت له ليلة القدر وجعلتها
عافیت مرا و آنکه بگردانی مرا برحمت خود از آنانکه روزی ساختی برای او شب قدر و گردانیدی

له خيرا من الف شهر في اعظم الاجر وكرائم الذخر وطول العمر وحسن
برای او بهتر از هزار ماه در بزرگترین مزد و گرامی ذخیره و درازی عمر و نیک
الشكر ودوام اليسر اللهم واسئلك برحمتك وطولك وعفوك ونعمائك
سپاسگذاری و همیشگی توانگری خداوندا و درخواست میکنم از تو برحمت تو و بخشش تو و عفو تو و نعمتهای تو
وجلالك وقديم احسانك وامتنانك ان لا تجعله آخر العهد منا لشهر
و بزرگواری تو و دیرینه احسان تو و انعام تو آنکه نگردانی آنرا آخر زمان بودن ما ماه
رمضان حتى تبلغناه من قابل على احسن حال وتعرفني هلاله مع
رمضان را تا آنکه برسانی ما را آن از سال آینده بر نیکوترین حالی و بشناسانی مرا هلال آنرا با
الناظرين اليه والمعترفين له في اعفى عافيتك وانعم نعمتك واوسع رحمتك
نظر کنندگان بسوی او و شناسندگان آنرا در پاکیزه ترین عافیت خود و تمامترین نعمت خود و فراخترین رحمت خود
واجزل قسمك اللهم يا ربي الذي ليس لي رب غيره لا يكون هذا الوداع مني
و وافرترین قسمتهای خود خداوندا ای پروردگار من که نیست مرا پروردگاری جز او نباید که باشد این وداع از من
وداع فناء ولا آخر العهد من اللقاء حتى ترينيه من قابل في اسبغ النعم وافضل
وداع نیستی و نه آخر ملاقات تا آنکه بنمایی آنرا از سال آینده در تمامترین نعمتها و افضل
الرجاء وانا لك على احسن الوفاء انك سميع الدعاء اللهم اسمع دعائي وارحم
امیدها و من باشم برای تو بر نیکوترین وفا که تو شنونده دعایی خداوندا بشنو دعای مرا و رحم کن
تضرعي وتذللي لك واستكانتي لك وتوكلي عليك وانا لك مسلم لا ارجو نجاحا
زاری مرا و فروتنی مرا برای تو و خواری مرا و توکل مرا بر تو و من برای تو منقادم امید ندارم رستگاری
ولا معافاة ولا تشريفا ولا تبليغا الا بك ومنك فامنن علي جل ثناؤك
و نه عافیت را و نه گرامی شدن را و نه رسیدن را مگر بتو و از تو پس انعام کن بر من بزرگ است ستایش تو
وتقدست اسمائك بتبليغي شهر رمضان وانا معافى من كل مكروه ومحذور
و پاکست نامهای تو برسانیدن من بماه رمضان و من عافیت بخشیده شوم از هر ناخوش و ترسیده
ومن جميع البوائق الحمد لله الذي اعاننا على صيام هذا الشهر وقيامه حتى
و از همه سختیها سپاس مر خدای را که مدد کرد ما را بر روزه داشتن این ماه و شب زنده داری آن تا

نبلغنا ل

بلّغتنا آخر ليلة منه اللهم إني أسألك بأحبّ ما دعيت به وأرضى ما رضيت

[illegible]

به عن محمد أن تصلّي على محمد وآل محمد ولا تجعل وداعي شهر رمضان وداع

[illegible]

خروجي من الدنيا ولا وداع آخر عبادتك فيه ولا آخر صومي لك وارزقني

[illegible]

العود فيه ثم العود فيه برحمتك يا ولي المؤمنين ووفقني فيه لليلة القدر

[illegible]

واجعلها لي خيرا من ألف شهر رب الليل والنهار والجبال والبحار والظلم

[illegible]

والأنوار والأرض والسماء يا باري يا مصوّر يا حنّان يا منّان يا الله يا رحمن

[illegible]

يا رحيم يا حي يا قيوم يا بديع السموات لك الأسماء الحسنى والأمثال العليا

[illegible]

والكبرياء والآلاء أسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم أن تصلّي على محمد

[illegible]

وآل محمد وأن تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء

[illegible]

وإحساني في علّيين وإساءتي مغفورة وأن تهب لي يقينا تباشر به قلبي

[illegible]

وإيمانا لا يشوبه شك ورضى بما قسمت لي وأن تؤتيني في الدنيا حسنة

[illegible]

وفي الآخرة حسنة وأن تقيني عذاب النار الحريق اللهم اجعل فيما

[illegible]

نقضي

نقضي وتقدّر من الأمر المحتوم وفيما تفرق من الأمر الحكيم في ليلة القدر

[illegible]

من القضاء الذي لا يردّ ولا يبدّل ولا يغيّر أن تكتبني من حجّاج بيتك الحرام

[illegible]

المبرور حجّهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفّر عنهم سيئاتهم واجعل

[illegible]

فيما تقضي وتقدّر أن تطيل عمري وأن تعتق رقبتي من النار يا أرحم الراحمين

[illegible]

اللهم إني أسألك ولم يسئل العباد مثلك جودا وكرما وأرغب إليك ولم

[illegible]

يرغب إلى مثلك أنت موضع مسئلة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين

[illegible]

أسألك بأعظم المسائل كلها وأفضلها وأنجحها التي ينبغي للعباد أن يسألوك

[illegible]

بها يا الله يا رحمن وبأسمائك ما علمت منها وما لم أعلم وبأسمائك الحسنى

[illegible]

وأمثالك العليا وبنعمك التي لا تحصى وبأكرم أسمائك عليك وأحبّها

[illegible]

إليك وأشرفها عندك منزلة وأقربها منك وسيلة وأجزلها منك ثوابا

[illegible]

وأسرعها لديك إجابة وباسمك المكنون المخزون الحي القيوم الأكبر الأجلّ

[illegible]

الذي تحبّه وتهواه وترضى به عمّن دعاك به وتستجيب له دعاءه وحقّ عليك

[illegible]

أن لا تخيّب سائلك وأسئلك بكل اسم هو لك في التورية والانجيل والزبور

اگر نا امید نسازی سؤال کننده خود را و درخواهم از تو بهر نامیکه آن برای تست در توریة و انجیل و زبور

والفرقان وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكة سمواتك وجميع الأ

و فرقان و بهر نامیکه خواندند ترا بآن بردارندگان عرش تو و فرشتگان آسمانهای تو و همه

صناف من خلقك من نبي او صديق او شهيد وبحق الراغبين إليك الفرقين

انواع و اقسام از خلق تو از پیغمبر یا راستگوی یا شهید و بحق رغبت کنندگان بسوی تو ترسندگان

منك المتعوذين بك وبحق مجاوري بيتك الحرام حجاجا ومعتمرين ومقدسين

از تو پناه گیرندگان بتو و بحق همسایگان خانه محترم خود اگر بوده باشند حج کنندگان و عمره گذارندگان و [illegible]

والمجاهدين في سبيلك وبحق كل عبد متعبد لك في برّ او بحر او سهل او جبل

و کارزار کنندگان در راه تو و بحق هر بنده پرستنده مر ترا در خشکی یا دریا یا زمین هموار یا کوه

ادعوك دعاء من قد اشتدت فاقته وكثرت ذنوبه وعظم جرمه وضعف

میخوانم ترا مانند خواندن کسیکه بتحقیق سخت باشد احتیاج او و بسیار باشد گناه او و بزرگ باشد جنایت او و سست

كدحه دعاء من لا يجد لنفسه سادا ولا لضعفه مقويا ولا لذنبه غافرا

کوشش او مانند خواندن کسیکه نیابد برای خود بازدارنده و نه برای ناتوانی خود قوت دهنده و نه برای گناهان خود آمرزنده

غيرك هاربا إليك متعوذا بك متعبدا لك غير مستكبر ولا مستنكف

غیر تو آنکه گریزان باشد بسوی تو پناه گیرنده باشد بتو پرستنده مر ترا نه گردنکش و نه ننگ دارنده

خائفا بائسا فقيرا مستجيرا بك اسئلك بعزتك وعظمتك وجبروتك

[illegible] محتاج درویش زینهار جوینده بتو درخواهم از تو بعزت تو و بزرگی تو و [illegible]

وسلطانك وملكك وبهائك وجودك وكرمك وآلائك واحسانك

و غلبه تو و پادشاهی تو و نیکوئی تو و بخشش تو و کرم تو و نعمتهای تو و احسان تو

وجمالك وبقوتك على ما اردت من خلقك ادعوك يا رب خوفا وطمعا

و نیکوئی تو و بتوانائی تو برآنچه اراده نمائی از آفریدن تو میخوانم ترا ای پروردگار من از روی ترس و امید

وتخشّعا وتملقا وتضرعا والحافا والحاحا خاضعا لك لا إله الا انت

و فروتنی و دوستی و زاری نمودن و الحاح کردن اگر فروتنی کننده ام مر ترا نیست خدائی مگر تو

وحدك لا شريك لك يا قدوس يا قدوس يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن

یکانه تو نیست شریکی مر ترا ای پاکیزه ای پاک ای خدا ای خدا ای بخشنده

يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا رب يا رب يا رب اعوذ بك يا الله الواحد الأحد

ای بخشنده ای مهربان ای مهربان ای پروردگار من پناه میگیرم بتو ای خدای یکانه یکتای

الصمد الوتر المتكبر المتعال واسئلك بجميع ما دعوتك به وباسمائك التي

بی نیاز بی مانند بزرگوار بلند مرتبه و درخواهم از تو بهمه آنچه خواندم ترا بآن و بنامهای تو

تملأ اركانك كلها ان تصلي على محمد وآل محمد واغفر لي ذنبي وارحمني واوسع

که پر میکند اطراف مملکت ترا همگی آن اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و بیامرز برای من گناه مرا و رحم کن مرا و وسعت ده

علي من فضلك العظيم وتقبل مني شهر رمضان وصيامه وقيامه وفرضه

بر من از بخشش خود که بزرگست و بپذیر از من ماه رمضان را و روزه آنرا و بر پا ایستادن در آن و واجب

ونوافله واغفر لي وارحمني واعف عني ولا تجعله آخر شهر رمضان

و مستحبات آنرا و بیامرز برای من و رحم کن مرا و درگذر از من و مگردان آنرا آخر ماه رمضان

صمته لك وعبدتك فيه ولا تجعل وداعي اياه وداع خروجي من الدنيا

که روزه داشتم آنرا برای تو و عبادت کردم ترا در آن و مگردان وداع کردن مرا آنرا وداع بیرون رفتن از دنیا

اللهم اوجب من رحمتك ومغفرتك ورضوانك وخشيتك افضل ما

خداوندا واجب کن برای من از رحمت خود و آمرزش خود و خوشنودی خود و ترس خود بهتر آنچه

اعطيت احدا ممن عبدك فيه اللهم لا تجعلني اخسر من سئلك فيه

بخشیدی یکی از آنها را که پرستیدند ترا در آن خداوندا مگردان مرا زیانکارتر از کسیکه درخواست نمود از تو

واجعلني ممن اعتقته في هذا الشهر من النار وغفرت له ما تقدم من ذنبه

و بگردان مرا از آنکه آزاد کردی او را در این ماه از آتش و آمرزیدی مر او را آنچه پیش گذشته از گناه

وما تأخر واوجبت له افضل ما رجاك وأمل منك يا ارحم الراحمين

و آنچه پس مانده و واجب گردانیدی برای او بهتر از آنچه امید داشته ترا و آرزو کرد از تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اللهم ارزقني العود في صيامه لك وعبادتك فيه واجعلني ممن كتبته

خداوندا روزی کن مرا بازگشت در روزه داشتن آن برای تو و عبادت تو در آن و بگردان مرا از آنکه [illegible]

في هذا الشهر من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المغفور لهم ذنبهم المتقبل

[illegible]

عملهم آمين آمين رب العالمين اللهم لا تدع لي فيه ذنبا الا غفرته ولا

[illegible]

خطيئة الا محوتها ولا عثرة الا اقلتها ولا ذنبا الا قضيته ولا عيلة

[illegible]

الا اقضيتها ولا هما الا فرجته ولا فاقة الا سددتها ولا عريا الا كسوته

[illegible]

ولا مرضا الا شفيته ولا داء الا اذهبته ولا حاجة من حوائج الدنيا

[illegible]

والآخرة الا قضيتها على افضل املي ورجائي فيك يا ارحم الراحمين

[illegible]

اللهم لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا ولا تذلنا بعد اذ اعززتنا ولا تضعنا

[illegible]

بعد اذ رفعتنا ولا تهنا بعد اذ اكرمتنا ولا تفقرنا بعد اذ اغنيتنا و

[illegible]

لا تمنعنا بعد اذ اعطيتنا ولا تحرمنا بعد اذ رزقتنا ولا تغير شيئا من نعمك علينا

[illegible]

واحسانك الينا لشيء كان من ذنوبنا ولا لما هو كائن منا فان في كرمك وعفوك

[illegible]

وفضلك سعة لمغفرة ذنوبنا فاغفر لنا وتجاوز عنا ولا تعاقبنا عليها يا ارحم

[illegible]

الراحمين اللهم اكرمني في مجلسي هذا كرامة لا تهني بعدها ابدا و

[illegible]

اعزني

واعزني عزا لا تذلني بعده ابدا وعافني عافية لا تبتليني بعدها ابدا وار

[illegible]

فعني رفعة لا تضعني بعدها ابدا واصرف عني شر كل شيطان مريد

[illegible]

وشر كل جبار عنيد وشر كل قريب وبعيد وشر كل صغير وكبير وشر

[illegible]

كل دابة انت آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم اللهم ما كان في

[illegible]

قلبي من شك او ريبة او جحود او قنوط او فرح او مرح او بطر او بذخ او خيلاء

[illegible]

او رياء او شقاق او نفاق او كفر او فسوق او معصية او شيء لا تحب عليه

[illegible]

وليا لك فاسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تمحوه من قلبي وتبدلني

[illegible]

مكانه ايمانا بوعدك ورضى بقضائك ووفاء بعهدك ووجلا منك وزهدا

[illegible]

في الدنيا ورغبة فيما عندك وثقة بك وطمانينة اليك وتوبة نصوحا

[illegible]

اليك اللهم ان كنت بلغتناه والا فاخر عنا اجلنا الى قابل حتى تبلغناه

[illegible]

في يسر منك وعافية يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله كثيرا و

[illegible]

رحمة الله وبركاته ودر جمعه آخر وداع جمعها بدين نسبت واز جابر بن عبد الله

رحمت خدا و برکتهای او انصاری منقول است که گفت رفتم بخدمت حضرت

او نعمة / با نسعه

رسول در جمعهٔ آخر ماه رمضان چون نظر آن حضرت بر من افتاد فرمود که ابو
آخر جمعه ایست از ماه مبارک رمضان پس او را وداع کن و بگو اللّهمّ لا تجعله
آخر العهد من صیامنا ایّاه فان جعلته فاجعلنی مرحوماً ولا تجعلنی محروماً
زیرا که هر که این دعا را درین روز بخواند یکی از دو خصلت نیکو ظفر می‌یابد
یا برسیدن ماه رمضان آینده یا بامرزش خدا و رحمت بی انتها و بسند معتبر
از حضرت صادق منقولست که هر که در شب آخر ماه رمضان این دعا بخواند
اللّهمّ لا تجعله آخر العهد من صیامی لشهر رمضان واعوذ بک ان یطلع
بار خدایا مگردان این را آخر رسیدن از روزه داشتن من مر ماه رمضان را و پناه میبرم بتو از آنکه طالع شود
فجر هذه اللّیلة الّا وقد غفرت لی حق تعالی پیش از صبح او را بیامرزد و او را
صبح این شب مگر آنکه بتحقیق آمرزیده باشی مرا توبه و انابه روزی کند و سنّت است این دعا به
خواند اللّهمّ انّی اسئلک ما دعیت به وارضی ما رضیت به عن محمّد و علی اهل
بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو آنچه خوانده شده بآن و پسندیده بآن و راضی شده بآن از محمد و آل
بیت محمّد علیه و علیهم السّلام ان تصلّی علیه و علیهم و لا تجعل وداع
بیت محمد بر او و بر ایشان باد درود و آنکه رحمت فرستی بر او و بر ایشان و مگردان وداع
شهری هذا وداع خروجی من الدّنیا ولا وداع آخر عبادتک و وفّقنی
ماه مرا اینرا وداع بیرون شدن از دنیا و نه وداع آخر عبادت تو و توفیق ده
فیه للیلة القدر واجعلها لی خیراً من الف شهر مع تضاعف الاجر و
در آن برای شب قدر و بگردان آن را برای من بهتر از هزار ماه با مضاعف شدن مزد و
الاجابة والعفو عن الذّنب برضی الرّب و از جمله چیزها که سنّت است
اجابت کردن و درگذشتن از گناه بخشنودی پروردگار در شب آخر آزاد کردن بنده
ها است زیرا که شبی است که حقتعالی بنده بسیار از آتش جهنّم آزاد میکند
هر گاه بنده ضعیف فرو مانده باشد که آن آزاد کند امید هست که خداوند قادر
بیزوال بآن وسعت او را از آتش جحیم آزاد کرده اند و نام او را از جریدهٔ عاصیان
محو نماید چنانچه منقولست از حضرت امام زین العابدین که بنده‌ها که در عرض

یا جابر
درست این

سال بتحصیل مینمود تا بیست نفر زیاده و کم در شب آخر ماه رمضان آزاد مینمود
و میفرمود که شماها را آزاد کردم با امید آنکه خداوند رحیم از تقصیرات من
درگذرد و مرا از عذاب جحیم آزاد کرده اند و چون روز عید میشد جایزه‌های
عظیم بایشان می بخشید که ایشان بی نیاز باشند از سؤال کردن از مردم
و میگفت که حقتعالی در هر شب ماه رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار
هزار کس را آزاد میکند از آنها که مستوجب جهنّم شده باشند و در شب آخر
مثل آنچه در جمیع ماه آزاد کرده است آزاد میکند و حضرت هیچ غلامی و کنیزی
را زیاده از یکسال خدمت نفرمود و در روز عرفه در عرفات نیز بنده‌های خود را
آزاد میفرمود و در روایتی وارد شده است که سنّت است که در شب آخر سوره
انعام و کهف و یس بخوانند و صد مرتبه بگویند استغفر الله و اتوب الیه

فصل هفتم در عملهای مخصوص دههٔ آخر ماه مبارک است بسند معتبر از حضرت
صادق منقول است که آن حضرت در هر شب از شبهای دههٔ آخر این دعا
میخواندند اللّهمّ انّک قلت فی کتابک شهر رمضان الّذی انزل فیه القرآن
بار خدایا بدرستیکه تو گفته در کتاب خود که ماه رمضان آنست که فرستاده شد در آن قرآن
هدًی للنّاس و بیّنات من الهدی والفرقان فعظّمت حرمة شهر رمضان
که راهنمای آدمیانست و آیتهای روشنست از هدایت و جدا کننده حق از باطل پس بزرگ گردانیدی حرمت ماه رمضان را
بما انزلت فیه القرآن و خصّصته بلیلة القدر و جعلتها خیراً من الف شهر
بسبب آنکه فرستادی در آن قرآن را و مخصوص کردی آن را بشب قدر و گردانیدی آن را بهتر از هزار ماه
اللّهمّ و هذه ایّام شهر رمضان قد انقضت و لیالیه قد تصرّمت و قد
بار خدایا و اینک روزهای ماه رمضان بتحقیق بپایان رسید و شبهای آن بتحقیق منقطع شد و بتحقیق
صرت یا الهی منه الی ما انت اعلم به منّی و احصی لعدده من الخلق اجمعین
گردیدم ای خدای من از آن بسوی آنچه تو داناتری بآن از من و ضبط کننده تری مر شمار آن را از خلق همه
فاسئلک بما سئلک به ملائکتک المقرّبون و انبیاؤک المرسلون و عبادک
پس درخواست میکنم از تو بآنچه درخواسته‌اند بآن فرشتگان مقرب تو و پیغمبران مرسل تو و بندگان

الصالحون ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفك رقبتي من النار وتدخلني
الجنة برحمتك وان تتفضل علي بالامن يوم الخوف من كل هول اعددته
ليوم القيامة الهي واعوذ بوجهك الكريم وبجلالك العظيم ان تنقضي ايام
شهر رمضان ولياليه ولك قبلي تبعة او ذنب تواخذني به او خطيئة
تريد ان تقتصها مني لم تغفرها لي سيدي سيدي اسئلك يا لا اله الا
انت اذ لا اله الا انت ان كنت رضيت عني في هذا الشهر فازدد عني رضا
وان لم تكن رضيت عني فمن الان فارض عني يا ارحم الراحمين يا الله يا احد
يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد وبسيار ميگفتند يا
ملين الحديد لداود يا كاشف الضر والكرب العظام عن ايوب اي مفرج
هم يعقوب اي منفس غم يوسف صل على محمد وال محمد كما انت اهله ان
تصلي عليهم اجمعين وافعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله و
بسند معتبر ديگر از انحضرت منقول است اعوذ بجلال وجهك الكريم
كه در هر شب دهه اخر اين دعا بخواند

ان تنقضي عني شهر رمضان او يطلع الفجر من لياليّ هذه ويبقى لك عندي
تبعة او ذنب تعذبني عليه يوم القاك وبسندهاي معتبر در هر شب از
دهه اخر دعاي مخصوصي از حضرت
صادق وارد شده است وبر بسياري مطالب دنيا واخرت مشتمل است يا مولج الليل في النهار ويا مولج
النهار في الليل ومخرج الحي من الميت ومخرج الميت من الحي يا رازق من
يشاء بغير حساب يا الله يا رحمن يا الله يا رحيم يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله
يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء
اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في
السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة
وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما
قسمت لي واتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار
الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة
والتوفيق لما وفقت له محمدا وال محمد عليه وعليهم السلام دعاي شب

يا سالخ النهار من الليل فاذا نحن مظلمون ومجري الشمس لمستقرها

بتقديرك يا عزيز يا عليم ومقدر منازل القمر حتى عاد كالعرجون

القديم يا نور كل نور ومنتهى كل رغبة وولي كل نعمة يا الله يا رحمن

يا الله يا قدوس يا احد يا واحد يا فرد يا الله يا الله لك الاسماء

الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على

محمد واهل بيته وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي

واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي

وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة

وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك

والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد

عليه وعليهم السلام **دعای شب** **بیست و سیم** يا رب ليلة القدر وجاعلها خيرا

من الف شهر ورب الليل والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار

مع الشهداء
با شهیدان

والارض

والارض والسماء يا باري يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا الله

يا قيوم يا الله يا بديع يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال

العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل

اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في

عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب

الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا حسنة وفي الآخرة حسنة

وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة ا

ليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلواتك

عليه وعليهم السلم **دعای شب** **بیست چهارم** يا فالق الاصباح ويا جاعل

الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا يا عزيز يا عليم يا ذا المن والطول

والقوة والحول والفضل والانعام يا ذا الجلال والاكرام يا الله يا رحمن

يا الله يا فرد يا وتر يا الله يا ظاهر يا باطن يا حي لا اله الا انت لك الاسماء

في الدنيا
در دنیا

الثلثة

الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على

نیکو و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها درخواست میکنم از تو ای کردگار که رحمت فرستی بر

محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء

محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در نیکبختان و روح مرا با شهیدان

واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به

و نیکوئی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشرت کند با

قلبي وايمانا يذهب الشك عني ورضا بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة

دل مرا و ایمانی که ببرد از من شک را و خوشنودی با آنچه قسمت کرده برای من و بده ما را در دنیا نیکی

وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك و

و در آخرت نیکی و نگاه دار ما را از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در آن ذکر خود و

شكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا

شکر خود و خواهش بسوی تو و بازگشت و توبه و توفیق برای آنچه توفیق دادی بر آن محمد

وآل محمد صلواتك عليه وعليهم السلم دعای شب یا جاعل الليل

و آل محمد رحمت تو بر او و بر ایشان باد درود بیست و پنجم ای گرداننده شب را

لباسا والنهار معاشا والارض مهادا والجبال اوتادا يا الله يا قاهر

پوشش و روز را وقت معیشت و زمین را فرش گسترده و کوهها را میخها ای خدا ای غالب

يا الله يا جبار يا الله يا سميع يا الله يا قريب يا الله يا مجيب يا الله يا الله

ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای شنوا ای خدا ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده ای خدا

يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والآلاء والكبرياء و

ای خدا مر تراست نامهای نیکو و داستانهای بلند و نعمتها و بزرگواری و

اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد واهل بيته وان تجعل اسمي في هذه

درخواست میکنم از تو که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اهل بیت او و اینکه بگردانی نام مرا در این

الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي

شب در نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکوئی مرا در علیین و بدی مرا

مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني ورضا

آمرزیده و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشرت کند با آن دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و خوشنودی

بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار

با آنچه قسمت کرده برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاه دار ما را از عذاب آتش

الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوفيق

سوزان و روزی کن مرا در آن ذکر خود و شکر خود و خواهشمندی بسوی خود و بازگشت و توفیق

والتوبة — و توبه

لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وآل عليهم السلم دعای شب بیست یا جاعل

برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را بر او و بر ایشان باد درود و ششم ای گرداننده

الليل والنهار آيتين يا من محا آية الليل وجعل آية النهار مبصرة

شب و روز دو نشانه ای آنکه زایل کرد نشانهٔ شب را و گردانید نشانهٔ روز را روشن

لتبتغوا فضلا منه ورضوانا يا مفصل كل شيء تفصيلا يا الله يا ماجد

تا طلب کنید بخشش را از او و خوشنودی را ای جدا کننده هر چیزی جدا کردنی ای خدا ای بزرگوار

يا وهاب يا الله يا جواد يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال

ای بخشنده ای خدا ای بخشش کننده ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو و داستانهای

العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل

بلند و بزرگواری و نعمتها درخواست میکنم از تو ای کردگار رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی

اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين

نام مرا در این شب در نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکوئی مرا در علیین

واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني

و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشرت کند با آن دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از

وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب

و خوشنود گردانی مرا با آنچه قسمت کرده برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاه دار ما را از عذاب

النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة

آتش سوزان و روزی کن مرا در آن ذکر خود و شکر خود و خواهشمندی بسوی خود و بازگشت و توبه

والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام دعای شب بیست و هفتم

يا مادّ الظل ولو شئت لجعلته ساكنا وجعلت الشمس عليه دليلا ثم

قبضته إليك قبضا يسيرا يا ذا الجود والطول والكبرياء والآلاء

لا إله إلا أنت عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم لا إله إلا أنت يا

قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا خالق يا بارئ

يا مصور يا الله يا الله لك الأسماء الحسنى والأمثال العليا والكبرياء

والآلاء أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء

وروحي مع الشهداء وإحساني في عليين وإساءتي مغفورة وأن تهب لي

يقينا تباشر به قلبي وإيمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا

في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني

فيها ذكرك وشكرك والرغبة إليك والإنابة والتوبة والتوفيق لما وفقت

له محمدا وآل محمد صلى الله عليه وعليهم دعای شب بیست و هشتم يا خازن الليل في الهواء

يا الله

وخازن النور في السماء ومانع السماء أن تقع على الأرض إلا بإذنه

وحابسهما أن تزولا يا عليم يا غفور يا دائم يا الله يا وارث يا باعث

يا عظيم
یا بزرگ

من في القبور يا الله يا الله لك الأسماء الحسنى والأمثال العليا و

الكبرياء والآلاء أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تجعل اسمي في هذه

الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء وإحساني في عليين وإساءتي

مغفورة وأن تهب لي يقينا تباشر به قلبي وإيمانا يذهب الشك عني

وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا

عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة إليك

والرهبة منك والإنابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد

صلى الله عليه وعليهم السلام دعای شب بیست و نهم يا مكور الليل على النهار

ويا مكور النهار على الليل يا عليم يا حكيم يا رب الأرباب وسيد السادات

يا من هو أقرب إلي من حبل الوريد يا الله يا الله لك الأسماء

وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمت درخواست میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ

محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمرهٔ نیکبختان و روح مرا با شهیدان

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي

و نیکوئی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی برای من یقینی که بیامیزد با آن دل مرا

وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

و ایمانی که ببرد شک را از من و خشنود سازی مرا بآنچه قسمت کرده برای من و بده ما را در دنیا نیکی

وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنَا فِيهَا ذِكْرَكَ وَ

و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزان و روزی کن ما را در آن ذکر خود و

شُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالتَّوْبَةَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ

شکر خود و خواهش بسوی خود و توبه و بازگشت و توفیق برای آنچه توفیق دادی

مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ **دعای شب ۱۳** الْحَمْدُ لِلّٰهِ لَا شَرِيكَ

محمد و آل محمد رحمت فرستد خدا براو و بر ایشان ستایش مر خدای راکه نیست شریک

لَهُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ يَا قُدُّوسُ يَا

برای او سپاس مر خدای را چنانچه سزاوار است بزرگواری ذات او را و عزت بزرگواری او را و چنانچه او سزاوار است ای پاک ای

نُورُ يَا نُورَ الْقُدُسِ يَا سُبُّوحُ يَا مُنْتَهَى التَّسْبِيحِ يَا رَحْمٰنُ يَا فَاعِلَ الرَّحْمَةِ

روشنی ای نور پاک ای منزه ای منتهی تنزیه ای بخشاینده ای کننده بخشش

يَا اللهُ يَا عَلِيمُ يَا كَبِيرُ يَا اللهُ يَا لَطِيفُ يَا جَلِيلُ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا سَمِيعُ

ای خدا ای دانا ای بزرگ ای خدا ای مهربان ای بزرگوار ای خدا ای خدا ای خدا ای شنوا

يَا بَصِيرُ يَا اللهُ يَا اللهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا

ای بینا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو و داستانهای بلند

وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي

و بزرگواری و نعمت درخواست میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا

فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ

در این شب در زمرهٔ نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکوئی مرا در علیین

وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي

و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی مرا یقینی که بیامیزد با آن دل مرا و ایمانی که ببرد شک را

وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا

و خشنود سازی مرا بآنچه قسمت کرده برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار

عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ

از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در آن ذکر خود و شکر خود و خواهش بسوی خود

وَالتَّوْبَةَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى

و توبه و بازگشت و توفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را رحمت فرستد

اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ **فصل هشتم** در بیان نمازهای شبها و

خدا براو و بر ایشان همه

دعاها است که مشهور است و در کتب دعا علما

ذکر کرده اند و نزد فقیر معتبر نیست **شب ۱** چهار رکعت در هر رکعت بعد

از حمد پانزده مرتبه انا انزلناه **شب ۲** چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد

پانزده مرتبه توحید **شب ۳** ده رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید

و بعد از سلام صد مرتبه صلوات **شب ۴** هشت رکعت در هر رکعت حمد

و بیست و پنج مرتبه انا انزلناه **شب ۵** دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه

توحید **شب ۶** چهار رکعت در هر رکعت حمد و سوره تبارک الذی بیده الملک

شب ۷ چهار رکعت در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه انا انزلناه **شب ۸**

دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار مرتبه

سبحان الله **شب ۹** شش رکعت در هر رکعت حمد و هفت مرتبه آیة الکرسی

و بعد از اتمام پنجاه مرتبه صلوات **شب ۱۰** بیست رکعت در هر رکعت حمد

و بیست مرتبه توحید **شب ۱۱** دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا

اعطیناک الکوثر **شب ۱۲** هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه

إنا أنزلناه شب ۱۳ چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید
شب ۱۴ شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه اذا زلزلت شب ۱۵
چهار رکعت در دو رکعت اول حمد و صد مرتبه توحید و در دو رکعت دیگر
پنجاه مرتبه توحید شب ۱۶ دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه
الهیکم التکاثر شب ۱۷ دو رکعت در رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد
و در رکعت دویم حمد و صد مرتبه لا اله الا الله شب ۱۸ چهار رکعت
در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه انا اعطیناک الکوثر شب ۱۹ پنجاه رکعت
با حمد و پنجاه مرتبه اذا زلزلت و گویا مراد آن باشد که در هر رکعت یکمرتبه
بخواند زیرا که مشکل است در یک شب دو هزار و پانصد مرتبه اذا زلزلت
خواندن شب ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ در هر یک هشت رکعت بهر سوره که میسر شود
شب ۲۵ هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید شب ۲۶ هشت
رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید شب ۲۷ چهار رکعت در هر
رکعت حمد و تبارک و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید شب ۲۸ شش
رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه توحید
و صد مرتبه کوثر و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد شب
بیست و نهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید شب سیم دوازده
رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد
مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و این نمازها چنانچه مذکور شد هر دو رکعت
بیک سلام است و اما دعاهای روزها از ابن عباس روایت کرده اند
که حضرت رسول صلعم فضیلت بسیار از برای روزه هر روز ماه رمضان بیان
فرموده و از برای هر روزی دعائی مخصوص با فضیلت و ثواب بسیار
برای آن دعا ذکر کرده و ما باصل دعا اکتفا مینمائیم دعای روز اول
اللهم اجعل صیامی فیه صیام الصائمین و قیامی فیه قیام القائمین

ونبهني فيه عن نومة الغافلين وهب لي جرمي فيه يا إله العالمين
واعف عني يا عافيا عن المجرمين دعای روز دوم اللهم قربني فيه إلى مرضاتك
وجنبني فيه من سخطك ونقماتك ووفقني فيه لقراءة آياتك يا ارحم
الراحمين دعای روز سیم اللهم ارزقني فيه الذهن والتنبيه وباعدني فيه من
السفاهة والتمويه واجعل لي نصيبا من كل خير تنزل فيه بجودك يا اجود
الاجودين دعای روز چهارم اللهم قوني فيه على اقامة امرك وارزقني فيه ذكرك
واوزعني فيه لاداء شكرك بكرمك واحفظني بحفظك وسترك يا ابصر
الناظرين روز پنجم اللهم اجعلني فيه من المستغفرين واجعلني فيه من
عبادك الصالحين القانتين واجعلني من اوليائك المقربين برأفتك يا
اكرم الاكرمين روز ششم اللهم لا تخذلني فيه لتعرض معصيتك
ولا تضربني بسياط نقمتك وزحزحني فيه من موجبات سخطك بمنك و
اياديك يا منتهى رغبة الراغبين روز هفتم اللهم اعني على صيامه وقيامه

وجنبني فيه من هفواته وآثامه وارزقني فيه ذكرك بدوامه بتوفيقك
يا هادي المضلين روز ۸ اللهم ارزقني فيه رحمة الأيتام وإطعام الطعـ
وإفشاء السلام وصحبة الكرام بطولك يا ملجأ الآملين روز ۹ اللهم
اجعل لي فيه نصيباً من رحمتك الواسعة واهدني فيه لبراهينك
الساطعة وخذ بناصيتي إلى مرضاتك الجامعة بمحبتك يا أمل
المشتاقين روز ۱۰ اللهم اجعلني فيه من المتوكلين عليك واجعلني فيه
من الفائزين لديك واجعلني فيه من المقربين إليك بإحسانك يا غاية
الطالبين روز ۱۱ اللهم حبب إلي فيه الإحسان وكره إلي فيه الفسو
والعصيان وحرم علي فيه السخط والنيران بعونك يا غياث المستغيثين
دعای ۱۲ اللهم زيني فيه بالستر والعفاف واسترني فيه بلباس
روز دوازدهم
القنوع والكفاف واحملني فيه على العدل والإنصاف وآمني فيه
من كل ما أخاف بعصمتك يا عصمة الخائفين روز ۱۳ اللهم طهرني

بمجانبة اللئام

فيه

فيه من الدنس والأقذار وصبرني فيه على كائنات الأقدار ووفقني
فيه للتقى وصحبة الأبرار بعونك يا قرة عين المساكين دعای ۱۴ اللهم
لا تؤاخذني فيه بالعثرات وأقلني فيه من الخطايا والهفوات ولا تجعلني
فيه غرضاً للبلايا والآفات بعزتك يا عز المسلمين روز ۱۵ اللهم
ارزقني فيه طاعة الخاشعين واشرح فيه صدري بإنابة المخبتين
بأمانك يا أمان الخائفين شانزدهم اللهم وفقني فيه لموافقة العمل
وجنبني فيه مرافقة الأشرار وآوني فيه برحمتك إلى دار القرار با
لهيتك يا إله العالمين هفدهم اللهم اهدني فيه لصالح الأعمال وا
اقض لي فيه الحوائج والآمال يا من لا يحتاج إلى التفسير والسؤال
يا عالماً بما في صدور العالمين هيجدهم اللهم نبهني فيه لبركات أسحاره
ونور فيه قلبي بضياء أنواره وخذ بكل عضو من أعضائي إلى اتباع
آثاره بنورك يا منور قلوب العارفين نوزدهم اللهم وفر حظي فيه من بركاته

الأخيار

بنورك

وسهل سبيلي الى خيراته ولا تحرمني قبول حسناته يا هاديا الى الحق

و آسان کن راه مرا بسوی نیکیهای آن و محروم مکن مرا از پذیرفتن نیکوییهای آن ای راهنما بسوی

المبين بیستم اللهم افتح لي فيه ابواب الجنان واغلق عني فيه ابواب

روشن خداوندا بگشا برای من در این ماه درهای بهشت را و ببند از من در آن درهای

النيران ووفقني فيه لتلاوة القرآن يا منزل السكينة في قلوب المؤمنين

دوزخ را و توفیق ده مرا در آن برای خواندن قرآن ای فرو فرستنده آرام در دلهای مؤمنان

بیست یکم اللهم اجعل لي فيه الى مرضاتك دليلا ولا تجعل للشيطان

خداوندا بگردان برای من در این ماه بسوی خوشنودیهای خود راهنما و مگردان برای شیطان

فيه علي سبيلا واجعل الجنة لي منزلا ومقيلا يا قاضي حوائج الطالبين

در آن بر من راهی و بگردان بهشت را برای من محل فرود آمدن و آرامگاه ای برآورنده حاجتهای طلب کنندگان

بیست دوم اللهم افتح لي فيه ابواب فضلك وانزل علي فيه من بركاتك

بار خدایا بگشا برای من در این ماه درهای فضل خود را و فرو فرست بر من در آن از برکتهای خود

ووفقني فيه لموجبات مرضاتك واسكني فيه بحبوحة جناتك يا مجيب

و توفیق ده مرا در آن برای اسباب خوشنودیهای خود و ساکن گردان مرا در آن در میان بهشتهای خود ای اجابت کننده

دعوة المضطرين بیست سیم اللهم اغسلني فيه من الذنوب وطهرني

دعای درماندگان بار خدایا بشوی مرا در این ماه از گناهان و پاک گردان مرا

فيه من العيوب وامتحن قلبي فيه بتقوى القلوب يا مقيل عثرات

در آن از عیبها و آزمایش کن دل مرا در آن به پرهیزکاری دلها ای درگذرنده لغزشهای

المذنبين بیست اللهم اني اسئلك فيه ما يرضيك واعوذ بك

گناهکاران چهارم خداوندا بدرستیکه من درخواست میکنم از تو در این ماه آنچه خوشنود سازد ترا و پناه میبرم بتو

فيه ما يؤذيك واسئلك التوفيق فيه لان اطيعك ولا اعصيك

از آنچه آزرده سازد ترا و درخواست میکنم از تو توفیق را در آن برای آنکه فرمانبرداری کنم ترا و نافرمانی نکنم ترا

يا جواد السائلين بیست اللهم اجعلني فيه محبا لاوليائك ومعاديا

ای بخشنده سؤال کنندگان پنجم خداوندا بگردان مرا در این ماه دوستدار دوستان خود و دشمن

لاعدائك مستنا بسنة خاتم انبيائك يا عاصم قلوب النبيين بیست ششم

مر دشمنانت را جاری شونده بطریقه آخر پیغمبران تو ای نگاه دارنده دلهای پیغمبران

اللهم اجعل سعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا وعملي فيه مقبولا و

خداوندا بگردان کوشش مرا در این ماه جزا داده شده و گناه مرا در آن آمرزیده و کردار مرا در آن پذیرفته و

عيبي فيه مستورا يا اسمع السامعين بیست هفتم اللهم ارزقني فيه

عیب مرا در آن پوشیده ای شنواترین شنوندگان خداوندا روزی کن مرا در آن

فضل ليلة القدر وصير اموري فيه من العسر الى اليسر واقبل

نصیب شب قدر و بگردان کارهای مرا در آن از دشواری بسوی آسانی و بپذیر

معاذيري وحط عني الوزر يا رؤفا بعباده الصالحين دعای اللهم

عذرهای مرا و فرو گذار از من بار گران را ای مهربان به بندگان نیکوکار بیست هشتم خداوندا

وفر حظي فيه من النوافل واكرمني فيه باحضار الاحرار في المسائل

وافر گردان بهره مرا در آن از نوافل و گرامی دار مرا در آن بحاضر ساختن آزادگان در سؤالها

وقرب فيه وسيلتي اليك من بين الوسائل يا من لا يشغله الحاح

و نزدیک گردان در آن وسیله مرا بسوی خود از میان وسیلهها ای آنکه باز نمیدارد او را اصرار

الملحين دعای اللهم غشني فيه بالرحمة وارزقني فيه التوفيق والعصمة

اصرار کنندگان بیست نهم خداوندا بپوشان مرا در این ماه برحمت خود و روزی کن مرا در آن توفیق و نگاهداری

وطهر قلبي من غياهب التهمة يا رحيما بعباده المؤمنين دعای ۳۰

و پاک کن دل مرا از تیرگیهای بدگمانی ای مهربان به بندگان مؤمن سی ام

اللهم اجعل صيامي فيه بالشكر والقبول على ما ترضاه ويرضاه

بار خدایا بگردان روزه داشتن مرا در این ماه مقرون به سپاسگذاری خود و پذیرفتن بر آنچه پسندی آنرا و پسندد آنرا

الرسول محكمة فروعه بالاصول بحق سيدنا محمد وآله الطاهرين

رسول آنکه محکم باشد فرعهای آن باصلها بحق بزرگ ما محمد و آل او پاکیزگان

والحمد لله رب العالمين مؤلف كه در تقديم و تاخير دعاها و عادات

و ستایش مر خدا را که پروردگار جهانیان گوید هر یک در کتب دعوات مختلف ذکر کرده



وچون روایتش را معتبر نمیدانم متعرض ذکر آنها نشدم و دعای روز بیست
هفتم را کفعمی در بیست و دوم ذکر کرده است و موافق مذهب شیعه در
روز بیست و ستم خواندن در روز بیست که انسب باشد والله یعلم **باب**
چهارم در اعمال لیالی و ایام متبرکه ماه شوال و ماه ذی القعده است از
جمله ایام متبرکه ماه شوال روز عید فطر است و شبش از جمله لیالی شریفه
است و در فضیلت و ثواب عبادت و احیاء آن احادیث بسیار است و از حضرت
رسول منقولست که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او در روزی که دلها
از ترس بمیرد و از حضرت امام محمد باقر مرویست که گفت پدرم علی بن الحسین
شب عید را احیا میکرد بنماز تا صبح و در تمام از شب در مسجد میماند و میگفت
که انفر کند امشب کمتر از شب قدر نیست و غسل در این شب سنتست و شخصی
بخدمت حضرت صادق عرض کرد که مردم میگویند که آمرزش نازل میشود
بر کسی که روزه دارد ماه رمضان را در شب قدر حضرت فرمود که کارگر مزد
شرا نمیدهند مگر در شب قدر بعد از فارغ شدن از کار روز و در شب عید
است راوی گفت که چه کار سزاوار است که در آن شب بکنیم فرمود که چون آفتاب
غروب کند غسل بکن و چون فریضه مغرب و نافله را بجا آوری دستها بسوی
آسمان بلند کن یا ذا المن و الطول یا ذا الجود یا مصطفی محمد و ناصره صل علی محمد و آل محمد
کن و بگو ای خداوند انعام و بخشش ای خداوند بخشش [illegible]
واغفر لی کل ذنب احصیته و هو عندک فی کتاب مبین پس بسجود برو و
[illegible] صد مرتبه بگو
اتوب الی الله پس هر حاجت که داری از حقتعالی طلب کن که انشاء الله بر آورده
است و بسند معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین در شب عید فطر
دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه قل هو الله
و در رکعت دوم یکمرتبه میخواندند پس برکوع و سجود میرفتند و بعد از
سلام بسجده میرفتند و صد مرتبه میگفتند اتوب الی الله پس میگفتند

یا ذا المن و الجود

یا ذا المن و الطول یا مصطفی محمد صلی الله علیه و آله صل علی محمد و آله
ای خداوند انعام و بخشش ای برگزیننده محمد رحمت فرست [illegible]
پس حاجات خود را از خدا میطلبیدند پس سر از سجود بر میداشتند و
میفرمودند بحق خداوندی که جانم بدست قدرت اوست هر که این نماز را
بکند هر حاجت که از حقتعالی بطلبد البته او را عطا کند و اگر بعدد
ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا بیامرزد و بعد از نماز رشت است
که این دعا یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا الله یا ملک یا الله یا قدوس یا الله یا
بخواند ای خدا ای خدا [illegible] ای خدا ای پاک ای خدا
سلام یا الله یا مؤمن یا الله یا مهیمن یا الله یا عزیز یا الله یا جبار یا الله
[illegible] ای خدا [illegible] ای خدا [illegible] ای خدا
یا متکبر یا الله یا خالق یا الله یا باری یا الله یا مصور یا الله یا عالم یا الله یا
ای بزرگوار ای خدا ای آفریدگار ای خدا [illegible] ای خدا [illegible] ای خدا
عظیم یا الله یا کریم یا الله یا حلیم یا الله یا حکیم یا الله یا سمیع یا الله یا بصیر
بزرگ ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای بردبار ای خدا [illegible] ای خدا ای شنوا ای خدا ای بینا
یا الله یا قریب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا واحد یا الله یا ولی یا الله
ای خدا ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای یگانه ای خدا ای دوست ای خدا
یا وفی یا الله یا مولی یا الله یا قاضی یا الله یا سریع یا الله یا شدید
[illegible] ای خدا ای آقا ای خدا [illegible] ای خدا [illegible]
یا الله یا رؤف یا الله یا رقیب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا ماجد
ای خدا ای مهربان ای خدا ای نگهبان ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا
یا الله یا علی یا الله یا حفیظ یا الله یا محیط یا الله یا سید السادات یا الله
ای خدا ای بلند مرتبه ای خدا [illegible] ای خدا [illegible] ای خدا ای بزرگ بزرگان ای خدا
یا اول یا الله یا آخر یا الله یا ظاهر یا الله یا باطن یا الله یا فاخر یا الله یا قا
ای نخستین ای خدا ای آخر ای خدا ای هویدا ای خدا ای پنهان ای خدا ای بزرگوار ای خدا

یا اللهُ یا رَبّاهُ یا اللهُ یا رَبّاهُ یا اللهُ یا رَبّاهُ یا اللهُ یا رَبّاهُ یا اللهُ یا رَبّاهُ یا اللهُ

ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا

یا وَدُودُ یا اللهُ یا نُورُ یا اللهُ یا دافِعُ یا اللهُ یا مانِعُ یا اللهُ یا فاتِحُ یا اللهُ یا

ای دوست ای خدا ای روشنی ای خدا ای دفع کننده ای خدا ای بازدارنده ای خدا ای گشاینده ای خدا ای

نَفّاعُ یا اللهُ یا جَلِیلُ یا اللهُ یا جَمِیلُ یا اللهُ یا شَهِیدُ یا اللهُ یا شاهِدُ یا اللهُ

سودبخش ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای نیکو ای خدا ای دانا ای خدا ای دانا ای خدا

یا حَبِیبُ یا اللهُ یا فاطِرُ یا اللهُ یا مُطَهِّرُ یا اللهُ یا مالِکُ یا اللهُ یا مُقْتَدِرُ

ای دوست ای خدا ای آفریننده ای خدا ای پاک سازنده ای خدا ای خداوند ای خدا ای توانا

یا اللهُ یا قابِضُ یا باسِطُ یا اللهُ یا مُحْیِی یا اللهُ یا مُمِیتُ یا اللهُ یا مُجِیبُ یا اللهُ یا غَنِیُّ

ای خدا ای گیرنده ای خدا ای گسترنده ای خدا ای زنده سازنده ای خدا ای میراننده ای خدا ای اجابت کننده ای خدا

یا اللهُ یا مُعْطِی یا اللهُ یا مُفْضِلُ یا اللهُ یا مُنْعِمُ یا اللهُ یا حَقُّ یا اللهُ یا مُبِینُ

ای خدا ای بخشنده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای نعمت دهنده ای خدا ای ثابت ای خدا ای ظاهر کننده

یا اللهُ یا طَیِّبُ یا اللهُ یا مُحْسِنُ یا اللهُ یا مُبْدِئُ یا اللهُ یا مُعِیدُ یا اللهُ

ای خدا ای دانا ای خدا ای نیکوکار ای خدا ای ابتدا کننده ای خدا ای بازگرداننده ای خدا

یا بارِئُ یا اللهُ یا هادِی یا اللهُ یا کافِی یا اللهُ یا شافِی یا اللهُ یا عَلِیُّ یا اللهُ

ای آفریدگار ای خدا ای رهنما ای خدا ای کارگزار ای خدا ای شفا بخشنده ای خدا ای بلند مرتبه ای خدا

یا حَنّانُ یا اللهُ یا مَنّانُ یا اللهُ یا ذَا الطَّوْلِ یا اللهُ یا مُتَعالِی یا اللهُ یا عَدْلُ یا اللهُ

ای مهربان ای خدا ای انعام کننده ای خدا ای خداوند بخشش ای خدا ای بلند مرتبه ای خدا ای داد

یا ذَا الْمَعارِجِ یا اللهُ یا صادِقُ یا اللهُ یا دَیّانُ یا اللهُ یا باقِی یا اللهُ یا ذَا الْجَلالِ

ای خداوند بلند ای خدا ای راستگو ای خدا ای جزا دهنده ای خدا ای پاینده ای خدا ای خداوند بزرگی

یا اللهُ یا ذَا الْإِکْرامِ یا اللهُ یا مَعْبُودُ یا اللهُ یا مَحْمُودُ یا اللهُ یا صانِعُ یا اللهُ

ای خدا ای خداوند گرامی ای خدا ای عبادت کرده شده ای خدا ای ستوده شده ای خدا ای آفریدگار ای خدا

یا مُعِینُ یا اللهُ یا مُکَوِّنُ یا اللهُ یا فَعّالُ یا اللهُ یا لَطِیفُ یا اللهُ یا جَلِیلُ یا اللهُ

ای مددکننده ای خدا ای ایجاد کننده ای خدا ای بجا آورنده ای خدا ای مهربان ای خدا ای بزرگوار ای خدا

یا بَدِیعُ یا اللهُ

یا غَفُورُ یا اللهُ یا شَکُورُ یا اللهُ یا حَنّانُ یا اللهُ یا نُورُ یا اللهُ یا قَدِیرُ یا اللهُ

ای آمرزگار ای خدا ای جزا دهنده ای خدا ای بجانب مهربان ای خدا ای روشنی ای خدا ای توانا ای خدا

یا رَبّاهُ یا اللهُ یا رَبّاهُ یا اللهُ یا رَبّاهُ یا اللهُ یا رَبّاهُ یا اللهُ یا رَبّاهُ یا اللهُ یا رَبّاهُ یا

ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار

اللهُ یا رَبّاهُ یا اللهُ أَسْئَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَمُنَّ عَلَیَّ

خدا ای پروردگار ای خدا درمیخواهم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و منت گذاری بر من

بِرِضاکَ وَتَعْفُوَ عَنِّی بِحِلْمِکَ وَتُوَسِّعَ عَلَیَّ رِزْقَکَ الْحَلالَ الطَّیِّبَ مِنْ حَیْثُ

بخوشنودی خود و درگذری از من ببردباری خود و فراخ گردانی بر من از روزی خود که حلال و پاکیزه است از جایی

أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَیْثُ لا أَحْتَسِبُ فَإِنِّی عَبْدُکَ لَیْسَ لِی أَحَدٌ سِواکَ وَلا أَسْأَلُهُ

که گمان برم و از جایی که گمان نبرم بدرستی که من بنده توام نیست مرا هیچکس غیر تو و سوال نمیکنم از او

غَیْرَکَ یا أَرْحَمَ الرّاحِمِینَ ما شاءَ اللهُ لا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ پس بسجده میروی و میگوی

غیر تو ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان آنچه خواهد خدا نیست توانایی مگر بخدا

یا اللهُ یا اللهُ یا رَبِّ یا اللهُ یا رَبِّ یا اللهُ یا رَبِّ یا اللهُ یا مُنْزِلَ الْبَرَکاتِ بِکَ

ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای فرود آورنده برکتها بتو

تُنْزَلُ کُلُّ حاجَةٍ أَسْئَلُکَ بِکُلِّ اسْمٍ فِی مَخْزُونِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ وَالْأَسْماءِ

فرود آورده میشود هر حاجتی درمیخواهم از تو بهر نامی که پنهان در خزانهء غیب نزد تو و بنامهای

الْمَشْهُوراتِ عِنْدَکَ الْمَکْتُوبَةِ عَلی عَرْشِکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

فاش کرده شده نزد تو که نوشته شده است بر عرش تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و

تَقَبَّلَ مِنِّی شَهْرَ رَمَضانَ وَتَکْتُبَنِی فِی الْوافِدِینَ إِلی بَیْتِکَ الْحَرامِ وَتَصْفَحَ لِی

بپذیری از من ماه رمضان را و بنویسی مرا در زمرهء واردشدگان بسوی خانهء محترم خود و درگذری برای من

عَنِ الذُّنُوبِ الْعِظامِ وَتَسْتَخْرِجَ یا رَبِّ کُنُوزَکَ یا رَحْمنُ و در روایت دیگر بجای

از گناهان بزرگ و بیرون آوری ای پروردگار گنجهای خود را ای بخشاینده هزار مرتبه قل هو الله

صد مرتبه نیز وارد شده است و ایضا سنت موکد است که بعد از نماز

شام و خفتن و شب عید و نماز عید این تکبیرات را بخواند الله اکبر الله اکبر

لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر ولله الحمد الله اکبر علی ما هدینا

نیست خدایی مگر خدا و خدا بزرگترست خدا بزرگترست و مر خدا راست ستایش خدا بزرگترست بر آنچه راه نمود ما را

اعمال روز عید پس زکوة فطره واجب موکد است و ترکش با حقوق و شرایط
وجوب گناه کبیره است و شرط قبول روزه ماه مبارک است چنانچه از حضرت
صادق منقولست که از تمامی روزه دادن زکوة است یعنی فطره چنانچه
صلوات بر محمد و آل محمد از تمامی نماز است زیرا که هر که روزه بدارد و زکوة
فطره ندهد روزه او مقبول نیست هرگاه عمدا ترک کند و اگر صلوات بر محمد
و آل محمد را ترک کند در تشهد نمازش مقبول نیست و خدا زکوة را پیش از نماز
ذکر کرده است در آنجا که فرموده است قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی
یعنی بتحقیق که رستگاری یافت هر که زکوة فطره داد و پروردگار خود را یاد
کرد بآن تکبیرات که مذکور شد پس نماز عید را بجا آورد و چنانچه زکوة مال
باعث پاکی مال میشود و مال از تلف محفوظ میماند چنانچه منقولست که هیچ
مالی در دریا و صحرا تلف نمیشود مگر به ندادن زکوة همچنین فطره زکوة بدن
است و بدنرا پاکیزه میگرداند از بخل و سایر کثافات معنویه و او را تا سال
دیگر از بلاها حفظ میکند چنانچه بسند معتبر منقولست که حضرت صادق
با معتب وکیل خرج خود فرمود که برو و فطره جمیع عیال ما و کنیزان و غلامان
ما را بده و یکی از ایشانرا ترک مکن که زکوة او را ندهی زیرا که اگر یکی را ترک
کنی میترسم که در آن سال بمیرد و بدانکه زکوة فطره بر نابالغ و دیوانه واجب
نمیشود و اگر نابالغ عیال دیگری باشند بر او واجبست که فطره ایشانرا بدهد
و زکوة بنده را آقا میدهد بنا بر مشهور مگر آنکه در آن شب عیال دیگری
باشند و اشهر و اقوی آنست که در وجوب فطره توانگری شرط است موافق
مشهور آنست که قوت سالیانه خود و عیال خود را داشته باشد یا قادر بر
کسبی باشد که وفا بمعیشت او کند و بعضی گفته اند در شب عید باید
قوت خود و عیال خود داشته باشد بر او واجبست و اظهر آنست که بر او

سنت

سنت است و اگر فقیر یکسر فطره را با عیال خود دست بدست بگرداند
و بعد از آن بفقیر دیگر بدهند همه ثواب فطره را می یابند و باید که غنی
اخراج فطره کند از خود و هر کس واجب النفقه او باشد بشرط آنکه عیال
دیگری نباشد در شب عید که اگر عیال دیگری شده باشد بر او واجب است
و همچنین باید بدهد از هر کس که در خانه او باشد از مهمانان و غیر آن که آخر
روز آخر ماه رمضان پیش از شام در آن خانه باشد و افطار کند و اگر بعد از
شام داخل شود و افطار کند یا نکند واجب نیست بر صاحب خانه و اگر پیش
از شام داخل شود و افطار از مال او نکند احوط آنست که هر دو بدهند
یا یکی از ایشان باذن دیگری بمستحق بدهد قربة الی الله و اگر شخصی عیال
نباشد اما نفقه و کسوه او را دهد و در خانه دیگر باشد زکوة بر او معطی نیست
و همچنین در شب عید پیش از شام طعامی بجهت همسایهها بفرستند یا فقیر را
چیزی بدهد یا شخصی در ماه رمضان مهمان باشد و در شب عید جای دیگر
افطار کند یا بعد از شام عید افطار کند یا بعد از شام عید افطار کرد بجا
آورد یا چیزی نخورده باشد و بعد از شام بیاید زکوة بر او واجب نیست و
احوط آنست که در صورت اخیر هر دو بدهند بلکه مطلق مهمان اگر غنی
باشد خود نیز بدهد بهتر است و وقت بیرون کردن فطره دادن موافق مشهور
شام عید است تا ظهر روز عید و بعضی گفته اند تا شام روز عید و احوط
آنست که در شب جدا کند و پیش از نماز عید بدهد و اگر در صبح جدا کند
بهتر خوب است و اگر پیش از نماز جدا کند یا بعد از نماز در آن روز یا روز دیگر
برای حاضر نبودن مستحق یا عذر دیگر تأخیر کند قصور ندارد و اگر جدا نکند
تا ظهر روز عید احوط آنست که تا شام قصد ادا و قضا نکند و اگر از روز عید
بگذرد بقصد قربت بدهد و قصد خصوص فطره نکند یا آنکه قصد کند که
این را میدهم که اگر قضای فطره بر من واجب باشد و الا تصدق باشد
و پدر و مادر و جد و جده و فرزند و فرزندزادگان هرگاه فقیر باشند

نفقهٔ ایشان بر او واجب است پس اگر نفقهٔ او را خورند فطره بر او نیست و اگر
عیال شخص دیگر باشند بر آن شخص دیگر است و اگر عیال دیگری نیز نباشند
اشهر و احوط آنست که او فطرهٔ ایشان را بدهد **واما** جنس فطره مشهور آنست
که هر چه غالباً قوت او باشد میتوان داد و احوط آنست که جو یا گندم یا خرما
یا مویز یا کشک بدهد و بهتر آنست که خرما بدهد و بعد از آن مویز است و
بعد از آن هر چه قوت غالب باشد چنانچه مردم شهر غالب قوت ایشان نان
گندم است بهتر آنست که گندم بدهند و مردم دهات که غالباً نان جو میخورند
جو بدهند و در حدیث است که اگر یکصاع خرما در فطره بدهم دوست تر
میدارم از آنکه یکصاع طلا بدهم **واما** مقدار فطره از هر شخصی یکصاع
باید داد و صاع موافق حساب مشهور ظاهراً یکمن تبریز و چهارده مثقال و
ربع مثقال است و احوط آنست که یکمن نیم تبریز بدهند و نهایت احتیاط آن
است که یکمن شاه بدهند و باید بکسی بدهند که قوت سالیانه خود و عیال
خود را نداشته باشد و سایل بکف نباشد و احوط آنست که متظاهر بفسق
نباشد و صالح باشد و احوط است که در زمان غیبت امام بمجتهد جامع الشرایط
بدهند که او بمستحقان بدهد چون مصارف را او بهتر میداند و بعضی از علما
این را واجب دانسته اند و احوط آنست که فقیر را کمتر از یکصاع ندهند بلی بیک
کس چند سر میتوان داد و فطره را بواجب النفقه نمیتوان داد و بخویشان غیر
غیر واجب النفقه دادن بهتر است و بعد از آن به همسایگان بر ایشان و بعد
از آن بکسانیکه فاضل تر و صالح تر و پریشان تر باشد و فطرهٔ غیر سید را به
سید نمیتوان داد و فطرهٔ سید را به سید و غیر سید هر دو میتوان داد و سنت
است که در روز عید پیش از نماز عید در اول روز افطار کنند و سنت است
که بر خرما افطار کنند و غسل روز عید سنت موکد است و بعضی گفته اند
و از حضرت صادق منقولست که غسل را در زیر سقفی بکن و در زیر آسمان
مکن و پیش از غسل بگو اللهم ایماناً بک و تصدیقاً بکتابک و اتباع سنة

نبیک

نبیک صلی الله علیه و آله پس بسم الله بگو و غسل بکن و چون فارغ شوی
بگو اللهم اجعله کفارة لذنوبی و طهر دینی اللهم اذهب عنی الدنس
خداوندا بگردان این غسل را محو کنندهٔ گناهان مرا و پاک کن دین مرا خداوندا ببر از من چرک
و زیارت حضرت امام حسین در روز عید سنت موکد است و ثواب بسیار در آن
وارد شده است و نماز عید در زمان حضور امام واجبست و در زمان غیبت
امام اکثر علما سنت میدانند و بجماعت کردن را سنت میدانند و میگویند
تنها نیز میتوان کردن و بگمان فقیر واجب است که بجماعت بکنند و نماز مجتهد
عادل حاضر شوند و اگر نتوانند حاضر شد تنها کردن سنت است و نماز عید
دو رکعت است در رکعت اول بعد از قرائت پنج تکبیر میگویند و بعد از هر
تکبیری یک قنوت میخوانند و در رکعت دوم بعد از قرائت چهار تکبیر میگویند
و چهار قنوت میخوانند و قنوت مخصوصی دارد هر گاه دو خطبه بعد از نماز می
خوانند و قنوت مخصوص اللهم اهل الکبریاء و العظمة و اهل الجود و الجبروت
نماز عید این است
خداوندا ای سزاوار بزرگواری و عظمت و ای سزاوار بخشش و بزرگی
و اهل العفو و الرحمة و اهل التقوی و المغفرة اسئلک بحق هذا الیوم
و ای سزاوار درگذشتن و بخشش و ای سزاوار پرهیزکاری و آمرزش سؤال میکنم از تو بحق این روز
الذی جعلته للمسلمین عیداً و لمحمد صلی الله علیه و آله ذخراً و مزیداً ان تصلی
که گردانیدهٔ آنرا برای مسلمانان عید و برای محمد که رحمت فرستد خدا بر او و آل او ذخیره و زیادتی که رحمت فرستی
علی محمد و آل محمد و ان تدخلنی فی کل خیر ادخلت فیه محمداً و آل محمد و ان
بر محمد و آل محمد و داخل گردانی مرا در هر خیری که داخل کردی در آن محمد و آل محمد را و اینکه
تخرجنی من کل سوء اخرجت منه محمداً و آل محمد صلواتک علیه و علیهم
بیرون کنی مرا از هر بدی که بیرون کردی از آن محمد و آل محمد را رحمتهای تو بر او و بر ایشان
اللهم انی اسئلک خیر ما سئلک به عبادک الصالحون و نعوذ بک مما
خداوندا که من درخواست میکنم از تو بهتر از آنچه سؤال کرده اند از تو بندگان شایستهٔ تو و پناه میبرم بتو از آنچه
استعاذ منه عبادک المخلصون و بعد از نماز عید دعاهای بسیار وارد
پناه جسته اند از آن بندگان شایستهٔ تو

شده است و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و بسند صحیح از حضرت
امام محمد باقر منقولست که در روز جمعه و عید فطر و عید قربان در هنگام
مهیا رفتن بسوی نماز جمعه اللهم من تهیأ فی هذا الیوم او تعبأ او اعد
و عید میشوی این دعا بخوان خداوندا آنکه مهیا کرده در این روز یا سازگشته یا آماده شود
واستعد لوفادة الی مخلوق رجاء رفده ونوافله وفواضله وعطایاه
و آماده گردیده برای وارد شدن بسوی آفریده بجهت امید بخشش او و زیادتیهای او و بخششهای او و عطاهای او
فان الیک یا سیدی تهیئتی وتعبئتی واعدادی واستعدادی رجاء
پس بدرستیکه بسوی تست ای بزرگ من مهیا گشتن من و سازگشتن من و آماده شدن من و آماده گردیدن من بجهت امید
رفدک وجوائزک ونوافلک وفواضلک وفضائلک وعطایاک وقد غدوت الی عید
بخشش تو و صلههای تو و زیادتیهای تو و بخششهای تو و بخشش تو و عطاهای تو و بتحقیق بامداد آمدم بسوی عید
من اعیاد امة نبیک محمد صلواتک علیه وآله ولم افد الیک الیوم بعمل
از عیدهای امت پیغمبر تو محمد رحمتهای تو بر او و آل او و وارد نشدم بسوی تو امروز بکردار
صالح اثق به قدمته ولا توجهت بمخلوق املته ولکن اتیتک خاضعا
شایسته که اعتماد کنم بآن که پیش فرستاده باشم آنرا و رو نکردم بآفریده که امید داشته باشم اورا ولیکن آمدم بسوی تو فروتنی کننده
مقرا بذنوبی واسائتی الی نفسی فیا عظیم یا عظیم اغفر لی العظیم من ذنوبی
اقرار کننده بگناهان خود و بدیهای که کردم بسوی نفس خود پس ای بزرگ ای بزرگ بیامرز برای من بزرگ را از گناهانم
فانه لا یغفر الذنوب العظام الا انت یا لا اله الا انت یا ارحم الراحمین
زیرا که نمیآمرزد گناهان بزرگ را مگر تو ای آنکه نیست خدائی مگر تو ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان
و در حدیث معتبر از حضرت صاحب الامر منقولست که بعد از نماز صبح
روز عید فطر اللهم انی توجهت الیک بمحمد امامی وعلی من خلفی وعن
این دعا بخوانند خداوندا بدرستیکه من رو کردم بسوی تو بوسیله محمد که پیش روی منست و علی از پس سر خود
یمینی وائمتی عن یساری استتر بهم من عذابک واتقرب الیک زلفی
جانب راست خود و پیشوایان خود را از جانب چپ خود پنهان میشوم بایشان از عذاب تو و نزدیکی میجویم بسوی تو
لا اجد احدا اقرب الیک منهم فهم ائمتی فآمن بهم خوفی من عقابک
نمیبینم احدی را نزدیکتر بسوی تو از ایشان پس ایشانند پیشوایان من پس ایمن گردان بسبب ایشان ترس مرا از عقوبت تو

دیگر

وسخطک وادخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین اصبحت بالله مؤمنا
و غضب تو و درآور مرا برحمت خود در بندگان شایسته خود صبح کردم باعتقاد بخدا
موقنا مخلصا علی دین محمد وسنته وعلی دین علی وسنته وعلی دین الاوصیاء
یقین آورنده اخلاص دارنده بر دین محمد و طریقه او و بر دین علی و طریقه او و بر دین اوصیا
وسنتهم آمنت بسرهم وعلانیتهم وارغب الی الله فیما رغب فیه الیه
و طریقه ایشان تصدیق نمودم پنهان ایشان و آشکار ایشان و رغبت میکنم بسوی خدا در آنچه رغبت نموده در آن بسوی او
محمد وعلی والاوصیاء ولا حول ولا قوة الا بالله ولا عزة ولا منعة ولا
محمد و علی و اوصیا و نیست قدرت و نه توانائی مگر بخدا و نیست ارجمندی و نه بزرگواری
سلطان الا لله الواحد القهار العزیز الجبار توکلت علی الله ومن یتوکل
و سلطنتی مگر بخدای یگانه غلبه کننده ارجمند بزرگوار اعتماد کردم بر خدا و آنکه اعتماد کند
علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره اللهم انی اریدک فاردنی واطلب ما
بر خدا پس او بس است بدرستیکه خدا رساننده کار خود است خداوندا من ترا میخواهم پس مرا بخواه و طلب میکنم آنچه
عندک فیسره لی واقض لی حوائجی فانک قلت فی کتابک وقولک الحق
نزد تست پس آسان کن برای من و روا کن برای من حاجتهای مرا پس بدرستیکه تو گفتی در کتاب خود و گفته تو حق است
شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس وبینات من الهدی و
ماه رمضان که فرو فرستاده شده در آن قرآن که راهنمای مردمانست و نشانهای روشن از هدایت و
الفرقان فعظمت حرمة شهر رمضان بما انزلت فیه من القرآن وخصصته
جدا کننده حق از باطل پس بزرگ کردی حرمت ماه رمضان را بآنچه فرو فرستادی در آن که قرآنست و مخصوص گردانیدی آنرا
وعظمته بتصییرک فیه لیلة القدر فقلت لیلة القدر خیر من الف
و بزرگ کردی آنرا بگردانیدن تو در آن شب قدر را پس گفتی شب قدر بهتر است از هزار
شهر تنزل الملائکة والروح فیها باذن ربهم من کل امر سلام هی حتی
ماه فرود میآیند ملائکه و روح در آن باذن پروردگار ایشان از هر امری سلامت است
مطلع الفجر اللهم وهذه ایام شهر رمضان قد انقضت ولیالیه قد
تا طلوع صبح خداوندا و این روزهای ماه رمضان بتحقیق که بپایان رسید و شبهای آن بتحقیق

نصرمت وقد صرت منه یا الهی الی ما انت اعلم به منی واحصی لعدده من

منقطع گردیده و بعضی گردیدم از آن الهی من بسوی آنچه تو داناتری بآن از من و داناتری بشمار آن

عددی فاسئلك یا الهی بما سئلك به عبادك الصالحون ان تصلی علی

پس از تو ای خدای من بآنچه سؤال کرده‌اند ترا بآن بندگان شایستهٔ تو اینکه رحمت فرستی بر

محمد وآل محمد واهل بیت محمد وان تتقبل منی ما تقربت به الیك وتتفضل علی

محمد و آل محمد و خاندان محمد و اینکه بپذیری از من آنچه را که نزدیکی جستم بآن بسوی تو و تفضل کنی

بتضعیف عملی وقبول تقربی وقرباتی واستجابة دعائی وهب لی منك عتق

بدو چندان کردن عمل من و پذیرفتن نزدیکی جستن من و استجابت کردن دعای من و ببخش مرا از خود آزاد

رقبتی من النار ومن علی بالفوز بالجنة والامن یوم الخوف من کل فزع

کردن من از آتش و منت گذار بر من برستگاری بهشت و ایمنی در روز ترس از هر ترس

ومن کل هول اعددته لیوم القیامة اعوذ بحرمة وجهك الکریم وحرمة

و از هر شدتی که آماده کرده‌ای بروز قیامت پناه میبرم بحرمت ذات بزرگوار تو و حرمت

نبیك وحرمة الصالحین ان ینصرم هذا الیوم ولك قبلی تبعة تریدان

پیغمبر تو و حرمت شایستگان از اینکه بپایان رسد این روز و مر ترا نزد من باشد چیزی که

ان تؤاخذنی بها او ذنب تریدان تقایسنی به وتفضحنی بها لم تغفرها

اگر مؤاخذه کنی مرا بآن یا گناهی که قصد کنی که تلافی کنی مرا بآن و رسوا کنی مرا که نیامرزیده

لی واسئلك بحرمة وجهك الکریم الفعال لما یرید الذی یقول

برای من و سؤال میکنم از تو بحرمت ذات تو که بزرگوار است کننده است آنچه را خواهد که میگوید

للشیء کن فیکون لا اله الا هو اللهم انی اسئلك بلا اله الا انت ان

بهر چیزی باش پس میباشد نیست خدائی مگر او خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو بحرمت کلمه لا اله الا انت

ان کنت رضیت عنی فی هذا الشهر ان تزید فیما بقی من عمری رضا وان

اگر بوده باشی که خوشنود باشی از من در این ماه اینکه زیاد کنی در آنچه باقی مانده از عمر من خوشنودی و اگر

کنت لم ترض عنی فی هذا الشهر فمن الان فارض عنی الساعة الساعة

بوده باشی که خوشنود نباشی از من در این ماه پس از حالا خوشنود شو از من در این ساعت در این ساعت

وتفضحنی بها او خطیئة تریدان تقایسنی بها

الساعة واجعلنی فی هذه الساعة وفی هذا المجلس من عتقائك من النار

در این ساعت و بگردان مرا در این ساعت و در این مجلس از آزادکردگان خود از آتش

وطلقائك من جهنم وسعداء خلقك بمغفرتك ورحمتك یا ارحم الراحمین

و رها کردگان خود از دوزخ و نیکبختان خلق خود بآمرزش خود و رحمت خود ای مهربانترین مهربانان

اللهم انی اسئلك بحرمة وجهك الکریم ان تجعل شهری هذا خیر

خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو بحرمت ذات بزرگوار تو اینکه بگردانی این ماه مرا بهترین

شهر رمضان عبدتك فیه وصمته لك وتقربت به الیك منذ اسکنتنی

ماه رمضانی که عبادت کردم ترا در آن و روزه داشتم برای تو و نزدیکی جستم بسوی تو از وقتی که

فیه اعظمه اجرا واتمه نعمة واعمه مغفرة واکمله رضوانا واقربه الی

در آن بزرگترین آن از روی مزد و تمامترین آن از روی نعمت و فراگیرنده‌ترین آن از روی آمرزش و کاملترین آن از روی خشنودی و نزدیکترین آن

ما تحب وترضی اللهم لا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك وارزقنی

بآنچه دوست داری و میپسندی خداوندا مگردان آن را آخر ماه رمضانی که روزه داشتم از برای تو و روزی کن مرا

العود فیه ثم العود حتی ترضی وبعد الرضا وحتی تخرجنی من الدنیا

بازگشت در آن پس بازگشت تا آنکه خوشنود شوی و پس از خوشنودی و تا آنکه بیرون بری مرا از دنیا

سالما وانت عنی راض وانا لك مرضی اللهم اجعل فیما تقضی وتقدر

سالم و تو از من خوشنود و من برای تو پسندیده خداوندا بگردان در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی

من الامر المحتوم الذی لا یرد ولا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتك الحرام

از امر لازم گردیده که برگردد و بدل نشود آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانهٔ محترم تو

فی هذا العام وفی کل عام المبرور حجهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم

در این سال و در هر سالی آنانکه نیکو شده حج ایشان جزا داده شود حرکت ایشان آمرزیده شود گناهان ایشان

المتقبل مناسکهم المعافین علی اسفارهم المقبلین علی نسکهم

قبول کرده شود عبادتهای ایشان عافیت بخشیده شود بر سفرهای خود رو آورنده بر اعمال خود

المحفوظین فی انفسهم واموالهم وذراریهم وکل ما انعمت به علیهم

نگاه داشته شوند در نفسهای خود و مالهای خود و فرزندان خود و هر چه انعام کرده بآن بر ایشان

اللهم اقلبني من مجلسي هذا في شهري هذا في يومي هذا في ساعتي

خداوندا باز گردان مرا از مجلس من این مجلس در ماه من این ماه در روز من این روز در ساعت من

هذه مفلحا منجحا مستجابا لي مغفورا ذنبي معافا من النار ومعتقا منها

این ساعت فیروزی رستگار پذیرفته دعای من آمرزیده گناه من عافیت بخشیده شده از آتش و آزاد کرده از آن

عتقا لا رق بعده ابدا ولا رهبة يا رب الارباب اللهم اني اسئلك ان

آزادی که نباشد بندگی پس از آن هرگز و نه ترس ای پروردگار پروردگاران خداوندا که من در خواست میکنم

تجعل فيما شئت واردت وقضيت وقدرت وحتمت وانفذت ان

بگردانی در جمله آنچه خواسته و اراده نموده و حکم کرده و تقدیر نموده و واجب ساخته و روان کرده اینکه

تطيل عمري وتنسئ في اجلي وان تقوي ضعفي وان تغني فقري وان

دراز کنی عمر مرا و پس اندازی اجل مرا و اینکه توانا کنی ناتوانی مرا و اینکه بی نیاز کنی نیازمندی مرا

تجبر فاقتي وان ترحم مسكنتي وان تعز ذلي وان ترفع ضعتي وان

تدارک کنی احتیاج مرا و اینکه رحم کنی درویشی مرا و اینکه ارجمند سازی خواری مرا و اینکه بلند گردانی پستی مرا

تغني عائلتي وان تونس وحشتي وان تكثر قلتي وان تدر رزقي في عافية

و بی نیاز گردانی عیال مرا و اینکه آرام بخشی رمیدگی مرا و اینکه بسیار گردانی کمی مرا و اینکه روان سازی روزی مرا در عافیت

ويسر وخفض وان تكفيني ما اهمني من امر دنياي واخرتي ولا

و توانگری و رفاهیت و اینکه رفع کنی از من آنچه غمگین نموده مرا از امر دنیای من و آخرت من و نه

تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضوني وان تعافيني في

واگذاری مرا بسوی نفس خود پس عاجز شوم از او و نه بسوی آدمیان پس واگذارند مرا و اینکه عافیت بخشی مرا در

ديني وبدني وجسدي وروحي واهلي واهل مودتي واخواني وجيراني

دین من و بدن من و جسد من و روح من و اهل من و اهل دوستان من و برادران من و همسایگان من

من المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم و

از مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات زندگان از ایشان و

الاموات وان تمن علي بالامن والايمان ما ابقيتني فانك ولي ومولاي

مردگان و اینکه منت گذاری بر من با ایمنی و ایمان مادام که باقی داری مرا زیرا که تو دوست

وثقتي ورجائي ومعدن مسئلتي وموضع شكواي ومنتهى رغبتي

و معتمد من و امید گاه من و قرارگاه سوال من و جایگاه شکایت من و منتهای رغبت من

فلا تخيبني في رجائي يا سيدي ومولاي ولا تبطل طمعي ورجائي

پس نا امید مکن مرا در امید من ای بزرگ من و آقای من و ناچیز مکن طمع مرا و امید مرا

فقد توجهت اليك بمحمد وال محمد وقدمتهم اليك امامي وامام حاجتي

پس بتحقیق روی آورده ام بسوی تو بوسیله محمد و آل محمد و پیش داشته ام آنها را بسوی تو در پیش خود و پیش حاجت

وطلبتي وتضرعي ومسئلتي فاجعلني بهم وجيها في الدنيا والاخرة

و خواسته ای خود و زاری نمودن خود و سوال کردن خود پس بگردان مرا بحرمت ایشان صاحب آبرو در دنیا و آخرت

ومن المقربين فانك مننت علي بهم فاختم لي بالسعادة والسلامة

و از نزدیکان زیرا که تو منت گذاشتی بر من با ایشان پس ختم کن برای من بنیکبختی و سلامتی

والامن والايمان والمغفرة والرضوان والسعادة والحفظ يا الله

و ایمنی و ایمان و آمرزش و خوشنودی و سعادت و نگهداری ای الله

انت لكل حاجة لنا فصل على محمد وال محمد وعافنا ولا تسلط علينا احدا

تو برای هر حاجتی که داریم پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و عافیت بخش ما را و مسلط مگردان بر ما احدی

من خلقك لا طاقة لنا به واكفنا كل امر من امر الدنيا والاخرة يا ذا

از خلق خود که نباشد توانائی برای ما و کار گذاری کن ما را در هر امری از امر دنیا و آخرت ای صاحب

الجلال والاكرام صل على محمد وال محمد وترحم على محمد وال محمد كا

بزرگواری و گرامی داشتن رحمت فرست بر محمد و آل محمد و رحم کن بر محمد و آل محمد مثل

فضل ما صليت وباركت وترحمت على ابراهيم وال ابراهيم انك حميد

بهترین رحمتی که رحمت فرستادی و برکتی که دادی و رحمی نمودی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستی که تو ستوده

مجيد واستحباب روزه داشتن شش روز بعد از عيد در بعضي از روايات

بزرگواری

وارد شده است ونهي از ان نيز وارد شده است وظاهرا روزه

داشتن محمول بر تقيه است چنانچه در ميان سنيان مشهور است وتركش

بهتر است وهمچنين كراهت نكاح كردن در ميان عيد فطر وعيد قربان

وسلم على محمد وال محمد

اصلی ندارد و شاید اصلش از عامه بوده باشد و در ماه شوال چون عقد
عایشه در آن واقع شده است و اکثر مفاسد اسلام بر آن مترتب شد و
از بعضی روایات کراهت مستفاد میشود اگر در خصوص شوال احتراز
کنند بهتر است **اعمال ماه ذی القعده** بدانکه اول ماههای حرام است که حق تعالی
در قرآن یاد فرموده است و آنها ذو القعده و ذو الحجه و محرم و ماه رجب است
و در این ماهها ابتدای قتال با کافران نباید کرد و شیخ مفید رحمه الله و غیر
او از حضرت رسول روایت کرده اند که هر که در یکی از ماههای حرام پنج شنبه و
جمعه و شنبه را متوالی روزه بدارد ثواب نهصد عبادت برای او نوشته شود
و در روایتی از حضرت رسول منقولست که در شب یازدهم ماه ذی القعده حق
تعالی بسوی بندگان نظر رحمت میکند بکسی که آن شب را بعبادت بسر آورد
ثواب صد عابد باو عطا کند که در یک چشم هم زدن معصیت خدا نکرده باشد
چون نصف شب بگذرد شروع کن بعبادت و نماز و حاجات خود را از حق تعالی
طلب کن البته مستجاب میگردد و بعضی از علما گفته اند در روز بیست و سیم
ماه ذی القعده زیارت حضرت امام رضا از نزدیک و دور سنت است و روز
بیست و پنجم ذی القعده روز دحو الارض یعنی پهن شدن زمین بر روی آب
و روز بسیار مبارکی است و کلینی از محمد بن عبد الله سنت روایت کرده است که
حضرت امام رضا در شهر مرو در روز بیست و پنجم ذی القعده از شهر بیرون آمدند
و فرمودند که امروز را روزه بدارید که من نیز روزه ام گفتیم فدای تو شویم
چه روزیست فرمود که روزیست که رحمت در این روز منتشر گردیده است و
زمین پهن شده است و کعبه در این روز نصب شده است و حضرت آدم در این
روز بزمین فرود آمده است و ابن بابویه رحمه الله روایت کرده است از
حسن وشا که گفت من با پدرم در خدمت حضرت امام رضا شام خوردیم
در شب بیست و پنجم ذی القعده پس فرمود که امشب حضرت ابراهیم و حضرت
عیسی متولد شده اند و زمین از زیر کعبه پهن شده است پس هر که روز آن را

روزه بدارد چنانست که شصت ماه را روزه داشته باشد و حضرت قائم
در این روز ظاهر خواهد شد و از حضرت رسول منقولست که حق تعالی رحمت
خود را بر بندگان در این فرستاده است و روزه اش مثل روزه هفتاد سال است
و بروایت دیگر رحمت از آسمان در این شب نازل شده است و تعظیم کعبه برای آدم
در این روز نازل شده است هر که این روز را روزه بدارد هر چه در میان آسمان
و زمین است برای او استغفار کنند و طلب آمرزش نمایند و از حضرت امیر المؤمنین
مرویست که اول رحمتی که از آسمان بزمین نازل شد در بیست و پنجم ماه ذی القعده
بود هر که این روز را روزه دارد و شب آن را بعبادت بایستد برای او عبادت صد
سال نوشته شود که روزها را روزه داشته باشد و شبها را بعبادت بسر
آورده باشد و هر جماعتی که در این روز جمع شوند برای ذکر پروردگار خود پیش
از آنکه متفرق گردند حاجت ایشان برآورده میشود در این روز هزار هزار رحمت
از جانب حق تعالی بر بندگان نازل میگردد نود و نه رحمت از آنها مخصوص جمعی
است که مجتمع گردند و بذکر خدا مشغول گردند و روزش را روزه بدارد و
شبش را عبادت کنند و در روایتی وارد شده است که مستحب است در این
روز در وقت چاشت دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد پنج
مرتبه سوره و الشمس بخواند و بعد از سلام این دعا بخواند **دعا** لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم یا مقیل العثرات اقلنی عثرتی یا مجیب الدعوات
[illegible]
اجب دعوتی یا سامع الدعوات اسمع صوتی و ارحمنی و تجاوز عن سیئاتی
اجابت کن دعای مرا ای شنونده دعاها بشنو صدای مرا و رحم کن مرا و درگذر از بدیهای من
یا ذا الجلال و الاکرام و شیخ طوسی علیه الرحمة گفته است که مستحب است
که در این روز این دعا را بخواند اللهم داحی
ای خداوند بزرگواری و کرامت ای گسترنده
الکعبة و فالق الحبة و صارف اللزبة و کاشف کل کربة اسئلک فی
کعبه و شکافنده دانه و گرداننده سختی و زایل کننده هر اندوه و درخواستم از تو

هذا اليوم من أيامك التي أعظمت حقها وأقدمت سبقها وجعلتها عند

المؤمنين وديعة وإليك ذريعة وبرحمتك الواسعة أن تصلي على محمد

عبدك المنتجب في الميثاق القريب يوم التلاق فاتق كل رتق وداع إلى

كل حق وعلى أهل بيته الأطهار الهداة المنار دعائم الجبار وولاة أهل

الجنة والنار وأعطنا في يومنا هذا من عطائك المخزون غير مقطوع

ولا ممنون تجمع لنا به التوبة وحسن الأوبة يا خير مدعو وأكرم مرجو

يا كفي يا وفي يا من لطفه خفي الطف بي بلطفك وأسعدني بعفوك

وأيدني بنصرك ولا تنسني كريم ذكرك بولاة أمرك وحفظة سرك

احفظني من شوائب الدهر إلى يوم الحشر والنشر وأشهدني أولياءك

عند خروج نفسي وانقطاع عملي وانقضاء عملي أجلي اللهم

وحلول رمسي

واذكرني على طول البلاء إذا حللت بين أطباق الثرى ونسيني الناسون

من الورى وأحللني دار المقامة وبوئني منزل الكرامة واجعلني

من مرافقي أوليائك وأهل اجتبائك وأصطفائك وبارك لي في لقائك

وارزقني حسن العمل قبل حلول الأجل بريئا من الزلل وسوء الخطل

اللهم وأوردني حوض نبيك محمد صلى الله عليه وآله واسقني منه

مشربا رويا سائغا هنيئا لا أظمأ بعده ولا أحلأ ورده ولا عنه أذاد

واجعله لي خير زاد وأوفى ميعاد يوم يقوم الأشهاد اللهم والعن

جبابرة الأولين والآخرين وبحقوق أوليائك المستأثرين اللهم و

اقصم دعائمهم وأهلك أشياعهم وعاملهم وعجل مهالكهم و

اسلبهم ممالكهم وضيق عليهم مسالكهم والعن مساهمهم ومشاركهم

اللهم وعجل فرج أوليائك واردد عليهم مظالمهم وأظهر بالحق قائمهم

واجعله لدينك منتصرا وبأمرك في أعدائك مؤتمرا اللهم احفظه

بملائكتك بالنصر وبما ألقيت إليه من الأمر في ليلة القدر منتقما

لك حتى ترضى ويعود دينك به وعلى يديه جديدا غضا ويمحض



الحق محضا ویرفض الباطل رفضا اللهم صل علیه وآله وعلی جمیع

همه را خالص نموده و برانداز و باطل را برانداختنی خداوند رحمت فرست بر او و آل او و بر همه

آبائه واجعلنا من صحبه واسرته وابعثنا فی کرته حتی نکون فی زمانه

پدران او و بگردان ما را از یاران او و گروه او و برانگیزان ما را در جماعت او تا آنکه بوده باشیم در زمان او

من اعوانه اللهم ادرک بنا قیامه واشهدنا ایامه وصل علیه واردد

از یاوران او خداوندا دریاب ما را بزمان برپا شدن او وحاضر گردان ما را در روزهای دولت او و رحمت فرست بر او و رد کن

الینا سلامه والسلام علیهم ورحمة الله وبرکاته **باب پنجم** در بیان

بسوی ما سلام او را و درود بر ایشان و رحمت خدا و برکتهای او

فضایل واعمال ماه مبارک ذی الحجة است ودر آن پنج فصل است **فصل اول** در بیان فضایل

واعمال ماه ذالحجة ودهه اول واعمال آنست واین دهه در نهایت فضیلت

وبرکتست وحق تعالی میفرماید واذکروا الله فی ایام معدودات یعنی یاد کنید

خدا را در روزی چند شمرده شده یعنی کم وباز فرموده است ویذکروا الله فی ایام

معلومات علی ما رزقهم من بهیمة الانعام یعنی اعلام کن مردم را بیایند

بحج تا آنکه بیابند منفعتهای دنیا واخرت ویاد کنند خدا را در روزی چند معلوم

برای آنکه روزی کرده است ایشانرا از گوشت چهارپایان که گاو وشتر وگوسفند

است ودر احادیث معتبره بسیار از ائمه صلوات الله علیهم منقولست

که ایام معلومات ده روز اول ماه ذی الحجة است وایام معدودات روز دهم

ویازدهم ودوازدهم وسیزدهم ماه ذی الحجة است واز حضرت رسول منقولست

که عمل خیر وعبادت در هیچ ایامی نزد حق تعالی محبوب تر نیست از ده روز اول ذی

الحجة وچون این ماه داخل میشد صلحا صحابه وتابعان اهتمام عظیم در عبادت میکردند

وبسند معتبر منقولست از حضرت صادق که پدرم امام محمد باقر با من گفت

ای فرزند گرامی البته در هر شب دهه اول ذی الحجة دو رکعت نماز بجا آور

درمیان نماز شام ونماز خفتن ودر هر رکعت یکمرتبه سوره حمد وسوره قل

هو الله احد واین آیه را بخوان وواعدنا موسی اربعین لیلة وقال موسی

لاخیه هرون اخلفنی فی قومی واصلح ولا تتبع سبیل المفسدین

چون کنی با ثواب حاجیان در ثواب حج شریک خواهی بود هرچند بحج نروی و

روز اول ذی الحجة روز مبارکی است ودر روایتی وارد شده است که حضرت ابراهیم

خلیل در این روز حق تعالی خلیل خود کردانید وبسند معتبر از حضرت موسی بن

جعفر منقولست که هرکه روز اول ذی الحجة را روزه بدارد حق تعالی برای او

ثواب هشتاد ماه روزه بنویسد واز حضرت امام موسی منقولست که هرکه

روز اول ذی الحجة را روزه بدارد حق تعالی ثواب روزه تمام عمر او از برای او بنویسد

وشیخ طوسی علیه الرحمه گفته است که از روز اول ذی الحجة تا نه روز مستحب

واکر نتواند روز اول را روزه بدارد ودر روز اول حضرت رسالت پناه حضرت

فاطمه صلوات الله علیها را بحضرت امیر المؤمنین تزویج نمود وبروایت دیگر

در روز ششم تزویج نمود وبدانکه روزه قضای ماه مبارک رمضانرا از اول ماه

تا روز عرفه میتوان گرفت چنانچه علما گفته اند واحادیث صحیحه بر آن دلالت

دارد وبعضی از روایات که در منع آنها وارد شده است سند آنها معتبر

نیست ومحمولند بر تقیه چنانچه در کتب مبسوطه دلایل آنرا ایراد نموده ام

وبنابر شیخ رحمه الله گفته است که مستحب است که در روز اول نماز حضرت

فاطمه را بجا آورد وروایت کرده است که آن چهار رکعت است بدو سلام و

در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند وبعد از سلام

تسبیح حضرت فاطمه علیها سبحان ذی العز الشامخ المنیف سبحان ذی الجلال

السلام را بخواند وتسبیح این

پاکست خداوند عزت با رفعت بلند پایه پاکست خداوند بزرگوار

الباذخ العظیم سبحان ذی الملک الفاخر القدیم سبحان من یری اثر

بلند مرتبه بزرگ پاکست خداوند پادشاهی عظیم دیرینه پاکست آنکه می بیند نشانه

النملة فی الصفا سبحان من یری وقع الطیر فی الهواء سبحان من هو هکذا

مورچه را در سنگهای هموار پاکست آنکه می بیند فرود آمدن مرغ را در هوا پاکست آنکه او چنین است

ولا هکذا غیره **مؤلف گوید** که بعد از این انشاء مذکور خواهد شد کرمان

حضرت دو رکعت است و در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلنا
است و در رکعت دوم صد مرتبه قل هو الله و اگر هر دو را بعمل آورد
و آن دعا را بعد از هر یک بخواند بهتر است و اگر بعد از سلام اول تسبیح
مشهور حضرت فاطمه را بخواند و بعد از آن این دعا را شاید بهتر باشد و در بعضی
از روایات وارد شده است که در روز اول نیم ساعت پیش از زوال دو رکعت
نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد ده سوره توحید و ده مرتبه آیة الکرسی
و ده مرتبه انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که هر که از
ظالمی ترسد و در روز اول عرفه ذی الحجه بگوید حسبی حسبی حسبی من سؤالی
علمک بحالی حق تعالی کفایت شر آن ظالم از و بکند و شیخ و تلعکبری بسند
طاوس بسندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق در
اول ذی الحجه تا روز عرفه هر روز بعد از نماز صبح و در وقت عصر و نماز پیش از
شام این دعا را اللهم هذه الایام التی فضلتها علی غیرها من الایام و
میخواندند خداوندا این روزها روزهائیست که زیادتی دادی آنها را بر غیر آنها از روزها و
شرفتها وقد بلغتنیها بمنک و رحمتک فانزل علینا من برکاتک و اسبغ
شرف کرده‌ای آنها را و بتحقیق رسانیدی مرا بآنها بنعمت خود و رحمت خود پس بفرست بر ما از برکات خود و تمام گردان
علینا فیها من نعمائک اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان
بر ما در آنها از نعمتهای خود خداوندا که من درخواست میکنم از تو که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد
تهدینا فیها سبیل الهدی و ترزقنا فیها التقوی و العفاف و الغنی
و راه نمائی ما را در آنها براه هدایت و روزی کنی ما را در آنها پرهیزکاری و عفت و بی‌نیازی
والعمل فیها بما تحب و ترضی اللهم انی اسئلک یا موضع کل شکوی
و کار کردن در آنها بچیزی که دوست میداری و پسندی خداوندا که من درخواست میکنم از تو ای مرجع هر شکایتی
و یا سامع کل نجوی و یا شاهد کل ملاء و یا عالم کل خفیة ان تصلی علی
و ای شنونده هر رازی و ای حاضر هر جمعی و ای داننده هر پنهانی اینکه رحمت فرستی بر
محمد و آل محمد و ان تکشف عنا فیها البلاء و تستجیب لنا فیها الدعاء
محمد و آل محمد و اینکه زایل کنی از ما در آنها بلا را و مستجاب کنی برای ما در آنها دعا را

و تقوینا فیها و تعیننا و توفقنا فیها لما تحب ربنا و ترضی و علی ما افترضت
و قوت دهی ما را در آنها و مدد کنی ما را و توفیق دهی ما را در آنها برای آنچه دوست میداری و می‌پسندی و برای آنچه واجب گردانیده‌ای
علینا من طاعتک و طاعة رسولک و اهل ولایتک اللهم انی اسئلک
بر ما از طاعت خود و طاعت رسول خود و دوستان خود بار خدایا که من درخواست میکنم
یا ارحم الراحمین ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تهب لنا فیها الرضا انک
ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه ببخشی برای ما در آنها خوشنودی را که تو
سمیع الدعاء و لا تحرمنا خیر ما تنزل فیها من السماء و طهرنا من الذنوب
شنونده دعائی و نا امید مکن ما را از خیر آنچه فرود میآید از آسمان و پاک کن ما را از گناهان
یا علام الغیوب و اوجب لنا فیها دار الخلود اللهم صل علی محمد و آل
ای داننده هر پنهان و واجب گردان برای ما در آنها سرای همیشگی را خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل
محمد و لا تترک لنا فیها ذنبا الا غفرته و لا هما الا فرجته و لا دینا الا قضیته
محمد و مگذار برای ما در آنها گناهی را مگر آنکه بیامرزی آن را و نه غمی را مگر آنکه بگشائی آن را و نه قرضی را مگر آنکه ادا کنی
و لا غائبا الا ادیته و لا حاجة من حوائج الدنیا و الآخرة الا سهلتها
و نه غایبی را مگر آنکه برسانی آن را و نه حاجتی را از حاجتهای دنیا و آخرت مگر آنکه سهل کنی آن را
و یسرتها انک علی کل شیء قدیر اللهم یا عالم الخفیات یا راحم العبرات
و آسان کنی آن را بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی خداوندا ای داننده پنهانها ای رحم کننده اشکها
یا مجیب الدعوات یا رب الارضین و السموات یا من لا تتشابه علیه الاصوات
ای اجابت کننده دعاها ای پروردگار زمینها و آسمانها ای آنکه مشتبه نمیشود بر او صداها
صل علی محمد و آل محمد و اجعلنا فیها من عتقائک و طلقائک من النار و
رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان ما را در آنها از آزادکردهای خود و رهاکردهای خود از آتش و
الفائزین بجنتک الناجین برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی
رستگاران به بهشت تو و نجات یافتگان برحمت تو ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان و رحمت فرستد خدا بر
محمد و آله اجمعین و سلم تسلیما و شیخ مفید و سید بن طاوس بسند
محمد و آل او همه و درود فرستد درود فرستادنی معتبر از حضرت امام محمد باقر روایت

کرده اند که جبرئیل از جانب خداوند جلیل برای حضرت عیسی پنج دعا را
بهدیه آورد و گفت یا عیسی این پنج دعا را در دهه اول ذی الحجة بخوان
که هیچ عبادتی نزد حق تعالی محبوب تر نیست از عبادت کردن درین دهه
اول اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد بیده
گواهی میدهم که نیست خدایی که خدای یگانه نیست شریکی برای او مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش
الخیر وهو علی کل شیء قدیر دوم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
خیر و او بر همه چیزی تواناست گواهی میدهم که نیست خدایی که خدای یگانه نیست شریکی
له احدا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا سیم اشهد ان لا اله الا الله
مر او را یگانه مقصود محتاج الیه نگرفته زنی و نه فرزندی گواهی میدهم که نیست خدایی که خدا
وحده لا شریک له احدا صمدا لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد
یگانه است نیست شریکی برای او یگانه بی نیاز نزاده و نه زائیده شده و نیست مر او را همتا
چهارم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد
گواهی میدهم که نیست خدایی که خدا یگانه است نیست شریکی برای او مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش
یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر پنجم
زنده میکند و میمیراند و او زنده ایست که نمیرد بدست او است نیکی و او بر همه چیزی تواناست
حسبی الله وکفی سمع الله لمن دعا لیس وراء الله منتهی اشهد لله بما
بس است مرا خدا و کافیست اجابت کرده خدا مر آنرا که خواند او را نیست پس از خدا منتهایی گواهی میدهم برای خدا
دعا وانه بریء ممن تبرأ وان لله الآخرة والاولی پس حواریان گفتند
خوانده خدا را و آنکه او بیزار است از آنکه بیزاری جوید و آنکه مر خدا راست آخرت و دنیا یا روح الله چه ثواب
دارد کسی که این کلمات را بگوید حضرت فرمود که هر که دعای اول را صد
مرتبه بخواند عمل هیچ یک از اهل زمین بهتر از عمل او نباشد در آن روز و در
قیامت حسنات او از همه کس زیاده باشد و هر که دعای دویم را صد مرتبه
بخواند چنان باشد که دوازده مرتبه توریة و انجیل را خوانده باشد و ثواب
آنها را باو بدهند حضرت عیسی گفت یا جبرئیل ثواب توریة و انجیل چیست

جبرئیل گفت طاقت بر داشتن یک حرف توریة و انجیل نداشت هر گرد
آسمانهای هفتگانه از ملائکه تا آنکه مبعوث شدم من و اسرافیل زیرا که
اسرافیل اول بنده بود که گفت لا حول ولا قوة الا بالله و هر که سیم را صد
مرتبه بخواند حق تعالی بنویسد برای او باین دعا ده هزار هزار حسنه و محو کند
از و ده هزار هزار سیئه و فرود آیند از آسمان هفتاد هزار ملک که دستهای نور
داشته باشند و صلوات فرستند بر کسی که این کلمات را باین عدد خوانده است
پس عیسی گفت که یا جبرئیل آیا ملائکه صلوات میفرستند بر غیر پیغمبران جبرئیل
گفت که هر که ایمان آورد بانچه پیغمبران از جانب خدا آورده اند و تغییر
ندهد شریعت ایشان را حق تعالی ثواب پیغمبران باو عطا میفرماید و هر که دعای
چهارم صد مرتبه بخواند دعا را استقبال کند ملکی و بالا برد بسوی حق تعالی
پس خدا نظر کند بسوی گوینده این دعا برحمت و هر که را خدا نظر رحمت برو
بکند هرگز شقی و بد عاقبت نشود پس حضرت عیسی گفت یا جبرئیل ثواب پنجم
چیست جبرئیل گفت این دعای منست و حق تعالی مرا رخصت نداده که ثواب
آنرا بگویم مؤلف گوید که اگر هر روز هر یک از این دعا ده مرتبه بخواند دور نیست
که عمل باین روایت کرده باشد و اگر هر روز هر یک را صد مرتبه بخواند بهتر
خواهد بود و شیخ و ابن بابویه و سید بن طاوس رضی الله عنهم از حضرت
امیر المؤمنین روایت کرده اند که هر که در هر روز از دهه اول ذی الحجه این
تهلیل را ده مرتبه بخواند حق تعالی عطا کند او را بهر تهلیلی درجه در بهشت
از مروارید و یاقوت و از میان هر درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد بر فرس
سواری که تیز رو و در هر درجه شهری بوده باشد و در آن شهر قصری
باشد از یک جوهر که در آن فصلی نباشد و در هر شهر از آن شهرها از انواع
جواهر و غرفها و خانها و فرشها و کرسیها و تختها و حوریان و نهالیها و متکا
و خانها و خدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها و حلها بوده باشد که وصف
کننده قادر بر وصف آنها نباشد و چون از قبر بیرون آید از هر موی بدن او

نوری ساطع باشد و مبادرت نمایند بسوی او هفتاد هزار ملک و از پیش
رو و از جانب راست و چپ او راه روند تا او را به بهشت برسانند و چون
داخل بهشت شود او مقدم دارند ملائکه از عقب او روند تا آنکه بشهری برسد
که بیرونش از یاقوت سرخ باشد و اندرونش از زبرجد سبز و در آن شهر بوده
باشد هر نعمتی که حق تعالی خلق کرده باشد پس باو بگویند ای دوست خدا میدانی
که این شهر چیست گوید نه و شما کیستید گویند ما ملکی چندیم که حاضر بودیم در
هنگامی که تو این تهلیلات را میخواندی در دنیا و این شهرها و آنچه در آن هست از
نعمتهای الهی بثواب تست بر خواندن آن تهلیلها و بشارت باد ترا به بهتر از این ثوابها
ها و پیوسته در جوار رحمت الهی خواهی بود و در دار السلام که بلا و مکروهی در آن نمی باشد
و نعمتها و راحتهای خدا از تو لا اله الا الله عدد اللیالی والدهور لا اله الا الله
منقطع نمیگردد و تهلیل این است
نیست خدایی مگر خدا بشمار شبها و زمانها نیست خدایی مگر خدا
عدد امواج البحور لا اله الا الله و رحمته خیر مما یجمعون لا اله الا الله عدد
بشمار موجهای دریاها نیست خدایی مگر خدا و بخشش او بهتر است از آنچه جمع میکنند نیست خدایی مگر خدا بشمار
الشوک والشجر لا اله الا الله عدد الشعر والوبر لا اله الا الله عدد الحجر
خارها و درختان نیست خدایی مگر خدا بشمار مو و پشم شتر نیست خدایی مگر خدا بشمار سنگ
والمدر لا اله الا الله عدد لمح العیون لا اله الا الله فی اللیل اذا عسعس
و کلوخ نیست خدایی مگر خدا بشمار نگریستن چشمها نیست خدایی مگر خدا در شب چون در آید
والصبح اذا تنفس لا اله الا الله عدد الریاح فی البراری والصخور لا اله
و صبح چون بدمد نیست خدایی مگر خدا بشمار بادها در بیابانها و کوهها نیست خدایی
الا الله من الیوم الی یوم ینفخ فی الصور و از بعضی روایات مستفاد میشود
مگر خدا از این روز تا روزی که دمیده شود در صور که یکمرتبه اکتفا میتوان کرد
والله یعلم **فصل دوم** در اعمال روز ترویه و روز عرفه است روز ترویه روز
هشتم ذی الحجه است و روز مبارکی است و ابن بابویه از حضرت امام موسی
روایت کرده است که حضرت رسول فرمود که حق تعالی برگزیده است از روزها

چهار روز را روز جمعه و روز ترویه و روز عرفه و روز عید قربان و ایضا
از حضرت صادق روایت کرده است که روزه روز ترویه کفاره گناه شصت سال
است و شب عرفه از لیالی متبرکه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که روز عرفه دعا مستجاب است و کسی که آن شب را بعبادت بسر آورد
اجر صد و هفتاد سال عبادت باو دهند و آن شب مناجات با قاضی الحاجات است
و در آن شب هر که توبه کند توبه اش مقبولست و از حضرت صادق منقولست که
در شب عرفه یا در شبهای جمعه این اللهم یا شاهد کل نجوی و موضع کل
دعا بخواند حق تعالی گناهانش را بیامرزد
خداوندا ای حاضر هر راز و قرارگاه هر
شکوی و عالم کل خفیة و منتهی کل حاجة یا مبتدئا بالنعم علی العباد یا کریم
شکایت و ای دانای هر پنهان و منتهای هر حاجت ای ابتدا کننده بنعمت بر بندگان ای کریم
العفو یا حسن التجاوز یا جواد یا من لا یواری منه لیل داج و لا بحر عجاج
عفو ای نیکو تجاوز ای بخشنده ای آنکه پوشیده نمیشود از او شب تار و نه دریای پر آب
و لا سماء ذات ابراج و لا ظلم ذات ارتتاج یا من الظلمة عنده ضیاء اسالک
و نه آسمان که خداوند برجهاست و نه تاریکیها که صاحب تکاثف است ای آنکه تاریکی نزد او روشنی است سؤال میکنم
بنور وجهک الکریم الذی تجلیت به للجبل فجعلته دکا و خر موسی صعقا
بنور ذات بزرگوار تو که تابان نمودی آن را از برای کوه پس گردانیدی آن کوه را خورد و افتاد موسی بیهوش
و باسمک الذی رفعت به السموات بلا عمد و سطحت به الارض علی وجه ماء
و بنام تو که بلند کردی باو آسمانها را بی ستون و گسترانیدی باو زمین را بر روی آب
بلا جمد و باسمک المخزون المکنون المکتوب الطاهر الذی اذا دعیت به اجبت و اذا
گسترده و بنام تو که پنهان داشته شده و پوشیده و نوشته شده است آن نامیکه هرگاه خوانده شوی باو اجابت کنی و هرگاه
سئلت به اعطیت و باسمک السبوح القدوس البرهان الذی هو نور
سؤال کرده شوی بآن بخشش نمائی و بنام تو که پاکست بغایت منزه است بغایت دلیل است آنکه نور است
علی کل نور و نور من نور یضیئ منه کل نور اذا بلغ الارض انشقت و اذا بلغ السموات
بر هر نوری و نوریست از نور که روشن شود از او هر نوری چون برسد بزمین شکافته شود و چون برسد

فتحت واذا بلغ العرش اهتز وباسمك الذي ترتعد منه فرائص ملائكتك

گشوده شوند و چون برسد عرش را بحرکت درآید و بنام تو آن نامیکه لرزان شوند ازان پهلوهای فرشتگان تو

واسئلك بحق جبرئيل وميكائيل واسرافيل وبحق محمد المصطفى صلى الله

و در خواهم از تو بحق جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و بحق محمد برگزیده شده رحمت

عليه وآله وعلى جميع الانبياء وجميع الملائكة وبالاسم الذي مشى به الخضر على

خدا براو و آل او و بر همه پیغمبران و فرشتگان و بآن نامیکه حرکت نموده باو خضر بر

قلل الماء كما مشى به على جدد الارض وباسمك الذي فلقت به البحر

اعالی آب چنانچه حرکت نموده باو بر روی زمین و بنام تو که شکافتی باو دریا را

لموسى واغرقت فرعون وقومه وانجيت به موسى بن عمران ومن معه

بجهة موسی و غرق نمودی فرعون قوم او را و رهانیدی باو موسی پسر عمران را و آنکه با او

وباسمك الذي دعاك به موسى بن عمران من جانب الطور الايمن فا

و بنام تو که خواندترا بآن موسی پسر عمران از طرف راست کوه طور پس

ستجبت له والقيت عليه محبة منك وباسمك الذي احيى به عيسى بن

اجابت کردی مر او را و افکندی براو محبتی از خود و بنام تو آنکه زنده کرد باو عیسی پسر

مريم الموتى وتكلم في المهد صبيا وابرئ الاكمه والابرص باذنك وباسمك

مریم مردگان را و سخن گفت در گهواره آنکه کودک بود و شفا بخشید کور مادرزاد و پیس را بحکم تو و بنام تو

الذي دعاك به حملة عرشك وجبرئيل وميكائيل واسرافيل وحبيبك

که خواندترا بآن بردارندهای عرش تو و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و دوست تو

محمد صلى الله عليه وآله وملائكتك المقربون وانبياؤك المرسلون وعبادك

محمد درود فرستاده خدا براو و آل او و فرشتگان مقرب تو و پیغمبران مرسل تو و بندهای

الصالحون من اهل السموات والارضين وباسمك الذي دعاك به

شایسته تو از اهل آسمانها و زمینها و بحرمت نام تو که خواندترا

ذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات

خداوند ذی النون چون رفت از میان قوم خود خشمگین پس گمان کرد که هرگز تنگ نگیریم براو پس خواند خداوند را در تاریکیها

ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبت له ونجيته من

اینکه نیست خداوند مگر تو پاکی تو که من هستم از ستمکاران پس پذیرفتی دعای او را و رهانیدی او را

الغم وكذلك ننجي المؤمنين وباسمك العظيم الذي دعاك به داود وخر لك

از اندوه و همچنین میرهانی گرویدگان را و بنام بزرگ تو که خواندترا بآن داود و افتاد

ساجدا فغفرت له ذنبه وباسمك الذي دعتك به آسية امرأة فرعون اذ

از برای تو بسجده پس آمرزیدی مر او را گناه او را و بحرمت نام تو آن نامیکه خواندترا بآن آسیه زن فرعون چون

قالت رب ابن لي عندك بيتا في الجنة ونجني من فرعون وعمله ونجني من

گفت پروردگار من بنا کن برای من نزد خود خانه در بهشت و برهان مرا از فرعون و کردار او و برهان مرا از

القوم الظالمين فاستجبت لها دعائها وباسمك الذي دعاك به ايوب اذ

گروه ظالمان پس پذیرفتی برای او دعای او را و بنام تو که خواندترا بآن ایوب چون

حل به البلاء فعافيته وآتيته اهله ومثلهم معهم رحمة من عندك وذكرى

فرود آمده باو بلا پس عافیت بخشیدی او را و دادی باو خانه او را و مانند آنها را با آنها بجهة بخشایش از نزد خود و پند از برای

للعالمين وباسمك الذي دعاك به يعقوب فرددت عليه بصره وقرة

مر عالمیان را و بنام تو که خواندترا بآن یعقوب پس رد کردی بسوی او دیده او را و روشنی

عينه يوسف وجمعت شمله وباسمك الذي دعاك به سليمان فوهبت له

دیده او یوسف را و جمع آوردی پراکندگی او را و بنام تو که خواندترا بآن سلیمان پس بخشیدی او را

ملكا لا ينبغي لاحد من بعده انك انت الوهاب وباسمك الذي سخرت به البراق

پادشاهی که سزاوار نیست هیچکس را بعد از او که توئی بخشاینده و بنام تو آن نامیکه رام کردی بآن براق را

لمحمد صلى الله عليه وآله وسلم اذ قال تعالى سبحان الذي اسرى بعبده

بجهة محمد رحمت فرستد خدا براو و آل او و درود چون گفت خدا برتر است پاکست آن خدائیکه شب برد بنده خود را

ليلا من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى فقال سبحان الذي سخر لنا

در اندک از شب از مسجد الحرام تا مسجدی که بالاترست پس گفت پاکست آنکه رام گردانید

هذا وما كنا له مقرنين وانا الى ربنا لمنقلبون وباسمك الذي تنزل

این را و نبودیم مر او را طاقت دارنده و بسوی پروردگار خود بازگردندگانیم و بنام تو که فرود آمد

محمد خاتم النبيين وبحق

به جبرئيل على محمد صلى الله عليه وآله وباسمك الذي به دعاك آدم

فغفرت له ذنبه واسكنته جنتك واسئلك بحق القرآن العظيم وبحق

ابراهيم وبحق فصلك يوم القضاء وبحق الموازين اذا نصبت والصحف اذا

نشرت وبحق القلم وما جرى واللوح وما احصى وبحق الاسم الذي

كتبته على سرادق العرش قبل خلقك الخلق والدنيا والشمس والقمر

بالفي عام واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان محمدا عبده

ورسوله واسألك باسمك المخزون في خزائنك الذي استأثرت به في علم

الغيب عندك لم يظهر عليه احد من خلقك لا ملك مقرب ولا نبي مر

سل ولا عبد مصطفى واسئلك باسمك الذي شققت به البحار وقامت

به الجبال واختلف به الليل والنهار وبحق السبع المثاني والقرآن

العظيم وبحق الكرام الكاتبين وبحق طه ويس وكهيعص وحمعسق و

وبحق توراة موسى وانجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد وعلى جميع الرسل

ذالحجة

وباهيا وشراهيا اللهم اني اسئلك بحق تلك المناجاة التي كانت بينك

وبين موسى بن عمران فوق جبل طور سيناء واسئلك باسمك الذي علمته

ملك الموت لقبض الارواح واسألك باسمك الذي كتب على ورق الزيتون

فخضعت النيران لتلك الورقة فقلت يا نار كوني بردا وسلاما واسئلك

باسمك الذي كتبته على سرادق المجد والكرامة يا من لا يحفيه سائل

ولا ينقصه نائل يا من به يستغاث واليه يلجأ اسألك بمعاقد العز من

عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك الاعظم وجدك الاعلى و

كلماتك التامات العلى اللهم رب الرياح وما ذرت والسماء وما اظلت

والارض وما اقلت والشياطين وما اضلت والبحار وما جرت وبحق كل

حق هو عليك حق وبحق الملائكة المقربين والروحانيين والكروبيين

والمسبحين لك بالليل والنهار لا يفترون وبحق ابراهيم خليلك وبحق كل ولي

يناديك بين الصفا والمروة وتستجيب له دعائه يا مجيب اسئلك بهذه الاسماء

وبهذه الدعوات ان تغفر لنا ما قدمنا وما اخرنا وما اعلنّا وما اسررنا

وبحرمت این دعاها اینکه بیامرزی برای ما آنچه پیش داشتیم و آنچه پس داشتیم و آنچه آشکار نمودیم

وما ابدينا وما اخفينا وما انت اعلم به منا انك على كل شيء قدير برحمتك

و آنچه ظاهر ساختیم و آنچه اخفا نمودیم و آنچه تو داناتری به آن از ما بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی برحمت

يا ارحم الراحمين يا حافظ كل غريب يا مونس كل وحيد يا قوة كل ضعيف

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای نگاه دارنده هر غریبی ای انس دهنده هر تنها ای توانائی هر ناتوان

يا ناصر كل مظلوم يا رازق كل محروم يا مونس كل مستوحش يا صاحب كل

ای یاور هر ستم رسیده ای روزی دهنده هر بی نصیب ای انیس هر رمیده ای یار هر

مسافر يا عماد كل حاضر يا غافر كل ذنب وخطيئة يا غياث المستغيثين

مسافر ای اعتماد هر حاضر ای آمرزنده هر گناه و خطا ای فریادرس فریادخواهان

يا صريخ المستصرخين يا كاشف كرب المكروبين يا فارج هم المهمومين

ای دادرس دادخواهان ای زایل کننده اندوه اندوهناکان ای گشاینده غم غمناکان

يا بديع السموات والارضين يا منتهى غاية الطالبين يا مجيب دعوة المضطرين

ای پدید آورنده آسمانها و زمینها ای منتهای غایت درخواست کنندگان ای پذیرنده دعای درماندگان

يا ارحم الراحمين يا رب العالمين يا ديان يوم الدين يا اجود الاجودين يا

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای پروردگار جهانیان ای جزا دهنده روز جزا ای بخشنده ترین بخشندگان ای

اكرم الاكرمين يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين يا اقدر القادرين

بزرگوارترین بزرگواران ای شنواترین شنوایان ای بیناترین نگرندگان ای تواناترین توانایان

اغفر لي الذنوب التي تغير النعم واغفر لي الذنوب التي تورث الندم

بیامرز برای من گناهانی را که تغییر دهد نعمتها را و بیامرز برای من گناهانی را که ارث دهد پشیمانی

واغفر لي الذنوب التي تورث السقم واغفر لي الذنوب التي تهتك العصم

و بیامرز برای من گناهانی را که در عقب آرد بیماری را و بیامرز برای من گناهانی را که میدرد پرده ها

واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء واغفر لي الذنوب التي تحبس قطر

و بیامرز برای من گناهانی را که رد میکند دعا را و بیامرز برای من گناهانی را که حبس میکند باران

قطر السماء واغفر لي الذنوب التي تعجل الفناء واغفر لي الذنوب التي

آسمان را و بیامرز برای من گناهانی را که شتاب میآورد نیستی را و بیامرز برای من گناهانی را

تجلب الشقاء واغفر لي الذنوب التي تظلم الهواء واغفر لي الذنوب

که بکشد بدبختی را و بیامرز برای من گناهانی را که تاریک کند هوا را و بیامرز برای من گناهانی را

التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي لا يغفرها غيرك يا الله و

که زایل کند پرده را و بیامرز برای من گناهانی را که نیامرزد آنها را غیر تو ای خدا و

احمل عني كل تبعة لاحد من خلقك واجعل لي من امرك فرجا ومخرجا ويسر

بردار از من هر وبالی که باشد مر یکی از خلق تو و بگردان برای من از امر خود گشایش و بیرون شدن و آسان

وانزل يقينك في صدري ورجاءك في قلبي حتى لا ارجو غيرك اللهم

و بفرست یقین خود را در سینه من و امید خود را در دل من تا آنکه امید نداشته باشم غیر ترا خداوندا

احفظني وعافني في مقامي هذا واصحبني في ليلي ونهاري ومن بين يدي

نگاه دار مرا و عافیت بخش مرا در مقام من اینجا و یار باش مرا در شب من و روز من و از پیش روی من

ومن خلفي وعن يميني ومن فوقي ومن تحتي ويسر لي السبيل واحسن

و از عقب من و از طرف چپ من و از بالای سر من و از زیر پای من و آسان کن برای من راه را و نیکو کن

وعن شمالي

لي التيسير ولا تخذلني في العسير واهدني يا خير دليل ولا تكلني الى نفسي

آسان نمودن را و خوار مگردان مرا در امر مشکل و راه نما مرا ای بهترین راه نما و وامگذار مرا بسوی نفس من

في الامور ولقني كل سرور واقلبني الى اهلي بالفلاح والنجاح محبورا

در کارها و برسان بمن هر شادی را و بازگردان مرا بسوی عیال من با فیروزی و رستگاری شادمان

في العاجل والآجل انك على كل شيء قدير وارزقني من فضلك واوسع

در دنیا و آخرت بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی و روزی کن مرا از فضل خود و گشاده کن

علي من طيبات رزقك واستعملني في طاعتك واجرني من عذابك ونارك

بر من از روزیهای پاکیزه خود و بکار دار مرا در فرمانبرداری خود و پناه ده مرا از عذاب خود و آتش خود

واقلبني اذا توفيتني الى جنتك برحمتك اللهم اني اعوذ بك من زوال

و بگردان مرا هرگاه بمیرانی مرا بسوی بهشت خود برحمت خود خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از زوال

نِعْمَتِكَ وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَمِنْ حُلُولِ نَقِمَتِكَ وَمِنْ نُزُولِ عَذَابِكَ وَأَعُوذُ
نعمت خود و از گردانیدن عافیت خود را و از فرود آمدن عقوبت تو و از نازل شدن عذاب تو و پناه می‌برم
بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَدَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ
بتو از مشقت بلا و دریافتن بدبختی و از بدی حکم کردن و شاد شدن دشمنان
وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمِنْ شَرِّ مَا نُفَصِّلُ فِي الْكِتَابِ الْمُنْزَلِ اللّٰهُمَّ
و از شر آنچه فرود می‌آید از آسمان و از شر آنچه است در کتاب فرو فرستاده شده خدایا
لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْأَشْرَارِ وَلَا مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَلَا تَحْرِمْنِي صُحْبَةَ الْأَخْيَارِ
مگردان مرا از بدان و نه از یاران آتش و محروم مکن مرا از صحبت نیکوکاران
وَأَحْيِنِي حَيٰوةً طَيِّبَةً وَتَوَفَّنِي وَفَاةً طَيِّبَةً تُلْحِقُنِي بِالْأَبْرَارِ وَارْزُقْنِي مُرَافَقَةَ
و زنده دار مرا زندگی پاکیزه و بمیران مرا مردنی پاکیزه که برساند مرا به نیکوکاران و روزی کن مرا رفاقت
الْأَنْبِيَاءِ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ
پیغمبران در نشستنگاه پسندیده نزد پادشاهی صاحب اقتدار خداوندا مر تراست سپاس بر نیکوئی
بَلَائِكَ وَصُنْعِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْإِسْلَامِ وَالسُّنَّةِ كَمَا هَدَيْتَهُمْ لِدِينِكَ
انعام تو و معروف تو و مر تراست سپاس بر مسلمان بودن و طریقه پیغمبر چنانچه راه نمودی ایشان را
وَعَلَّمْتَهُمْ كِتَابَكَ فَاهْدِنَا وَعَلِّمْنَا وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بَلَائِكَ وَصُنْعِكَ
و آموختی ایشان را کتاب خود پس راه نما ما را و بیاموز ما را و مر تراست سپاس بر نیکوئی انعام تو و معروف تو
عِنْدِي خَاصَّةً كَمَا خَلَقْتَنِي فَأَحْسَنْتَ هِدَايَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى إِنْعَامِكَ
نزد من مخصوص چنانچه آفریدی مرا پس نیکو نمودی راه نمودن مرا پس مر تراست سپاس بر انعام تو
عَلَيَّ قَدِيماً وَحَدِيثاً فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ فَرَّجْتَهُ وَكَمْ مِنْ غَمٍّ يَا
بر من کهنه و نو پس بسا اندوه ای بزرگ من بتحقیق گشودی آن را و بسا از غم ای
سَيِّدِي قَدْ نَفَّسْتَهُ وَكَمْ مِنْ هَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ كَشَفْتَهُ وَكَمْ مِنْ بَلَاءٍ
بزرگ من بتحقیق زایل کردی آن را و بسا از اندوه ای بزرگ من بتحقیق رفع نمودی و بسا از بلا
يَا سَيِّدِي قَدْ صَرَفْتَهُ وَكَمْ مِنْ عَيْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ سَتَرْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ
ای بزرگ من بتحقیق گردانیدی آن را و بسا از عیب ای بزرگ من بتحقیق پوشیدی آن را پس مر تراست سپاس

يا رَبِّ
ای پروردگار من

خَلْقِي وَعَلَّمْتَنِي فَأَحْسَنْتَ تَعْلِيمِي وَهَدَيْتَنِي فَأَحْسَنْتَ
آفرینش مرا و آموختی مرا پس نیکو نمودی آموختن مرا و راه نمودی مرا پس نیکو نمودی

عَلَى كُلِّ حَالٍ فِي كُلِّ مَثْوًى وَزَمَانٍ وَمُنْقَلَبٍ وَمَقَامٍ وَعَلَى هٰذِهِ الْحَالِ وَكُلِّ حَالٍ
بر هر حالی در هر آرامگاهی و زمانی و بازگشتن گاهی و جایگاهی و بر این حال و بر هر حال
اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَفْضَلِ عِبَادِكَ نَصِيباً فِي هٰذَا الْيَوْمِ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ أَوْ
بار خدایا بگردان مرا از افزون‌ترین بندگان خود در بهره در این روز از هر خیری که قسمت کنی آن را یا
ضُرٍّ تَكْشِفُهُ أَوْ سُوءٍ تَصْرِفُهُ أَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ أَوْ خَيْرٍ تَسُوقُهُ أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا
گزندی که زایل نمائی آن را یا بدی که بگردانی آن را یا بلائی که دفع کنی آن را یا خیری که برانی آن را یا رحمتی که بگسترانی آن را
أَوْ عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِيَدِكَ خَزَائِنُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ
یا عافیتی که بپوشانی آن را پس بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی و بدست تست خزینه‌های آسمانها و زمین
وَأَنْتَ الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ الْمُعْطِي الَّذِي لَا يُرَدُّ سَائِلُهُ وَلَا يُخَيَّبُ آمِلُهُ وَلَا يَ
و توئی یکتای بزرگوار بخشنده که برگردانیده نشود خواهنده او و ناامید کرده نشود امیدوار او و
نْقُصُ نَائِلُهُ وَلَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ بَلْ يَزْدَادُ كَثْرَةً وَطِيباً وَعَطَاءً وَجُوداً وَارْزُقْنِي
کم نمی‌شود عطای او و تمام نمی‌شود آنچه نزد اوست بلکه زیاد می‌شود از جهت بسیاری و پاکیزگی و عطا و بخشش و روزی کن مرا
مِنْ خَزَائِنِكَ الَّتِي لَا تَفْنَى وَمِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ إِنَّ عَطَاءَكَ لَمْ يَكُنْ مَحْظُوراً
از خزانه‌های خود که فانی نمی‌شود و از بخشش فراگیرنده خود بدرستیکه عطای تو نیست منع کرده شده
وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ واحادیث بسیار در فضیلت
و تو بر هر چیزی توانائی برحمت خود ای مهربان‌ترین رحم‌کنندگان
زیارت حضرت امام
حسین در شب و روز عرفه وارد شده است و زیارت نزدیک را در کتاب تحفة
الزائر ذکر کرده‌ام و زیارت دو و بعد از این ان شاء الله مذکور شود و پیشتر نیز
زیارت آن حضرت مذکور شد وامّا روز عرفه از اعیاد عظیمه است و کسی که توفیق یابد
که در عرفات باشد ادعیه و اعمال بسیار دارد و بهترین اعمال در این روز دعا
حتی مستحب است که جمع کند میان ظهر و عصر در اول وقت و نافله و اذان عصر
ساقط میشود و بعد از نماز عصر مشغول دعا باید شد تا شام و دعا از برای
برادران مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد چنانچه در حدیث صحیح منقول
است ابراهیم بن هاشم گفت که من عبدالله جندب را دیدم در موقف عرفات

وحال هیچ را بهتر از وندیدم پیوسته دستها بسوی اسمان بلند کرده بود
واب از دیده اش جاری بود تا بزمین میرسید چون مردم فارغ شدند وقوف
هیچکس را از وابهتر ندیدم پیوسته دستهای خود را بسوی اسمان بلند کرده
بود واب دیده اش بر روئیش جاری بود تا بزمین میرسید چون مردم فارغ شدند
گفتم وقوف هیچ کس را بهتر از وقوف تو ندیدم گفت بخدا سوگند که دعا نکردم
مگر برای برادران مومن خود زیرا که از حضرت امام موسی ع شنیدم که هرکه دعا
کند برادران مومن خود را در غیبت او از عرش ندا رسد باو که از برای تو صد
هزار برابر او باد پس من نخواستم که دست بردارم از دعای صد هزار ملک که
البته مستجاب است برای یک دعای خود که نمیدانم که مستجاب خواهد شد یا نه اگر
کسی توفیق یابد که در روز عرفه در تحت قبه مقدسه حضرت امام حسین باشد
ثوابش کمتر نیست از کسی که در عرفات باشد بلکه زیاده است چنانچه از حضرت
صادق ع منقولست که هرکه در روز عرفه بزیارت او برود و حق او را بشناسد که
او را امام واجب الاطاعه داند بنویسد حق تعالی برای او ثواب بیست حج و دو
هزار عمره مقبول و هزار جهاد که با پیغمبر مرسل کرده باشد با امام عادلی و
راوی گفت کجاست ثواب وقوف عرفات حضرت از روی غضب بسوی او نظر
کرد و فرمود بدرستی که بنده مومن چون در روز عرفه نزد قبر آن حضرت حاضر
شود و در اب فرات غسل کند و متوجه زیارت شود هر گامی که بر میدارد
ثواب یک حج و عمره برای او مینویسند و در روایت دیگر فرمود که در روز
عرفه حق تعالی اول نظر رحمت بسوی زوار امام حسین میکند و گناهان
ایشان را می امرزد و حاجات ایشان را بر می اورد و بعد از ان متوجه اهل عرفات
میگردد زیرا که در میان زوار آن حضرت حرامزاده و فرزند زنا نیست و در
میان اهل عرفات هست و کسی که توفیق هیچ یک از اینها را نیافته باشد که در سایر
بلاد غسل بکند و در مجمع مومنان حاضر شوند و زیارت ان حضرت بکند
و اگر در بام بلند یا صحرای گشاده باشد بهتر است پس مشغول دعا شود و

و تا شام مشغول ذکر و دعا باشد تا در ثواب انها شریک گردد چنانچه از حضرت
صادق ع منقولست و احادیث در باب روزه روز عرفه مختلف است و اکثر
علما ذکر جمیع میان احادیث باین روش کرده اند که اگر اشتباهی در ماه نباشد
و او را از دعا کردن ضعیف نگرداند سنت است و الا مکروه است یعنی ثوابش
کمتر است و در روایتی واقع شده است که روزه روز عرفه برابر است با روزه
یک سال و اگر اشتباه در ماه باشد یا روزه از دعا ضعیف شود روزه نگرفتن
بهتر است و از حضرت صادق روایت کرده اند که هرکه در روز عرفه پیش از
ان که مشغول دعا شود دو رکعت نماز بجا اورد و در زیر اسمان و اعتراف کند
نزد خدا از گناهان خود و اقرار کند بخطاهای خود فایز گردد بثواب اهل عرفات
و گناهان گذشته و اینده اش امرزیده گردد و شیخ مفید علیه الرحمه این
نماز را بعد از نماز عصر ذکر کرده است و گفته است که این نماز مخصوص
جمعی است که در اطراف باشند و در عرفات نباشند و در حدیث معتبر
از حضرت صادق منقولست که چون خواهد مشغول دعا شود صد مرتبه
الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه قل هو [وصد مرتبه سبحان الله]
الله احد و صد مرتبه انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر فرمود که صد مرتبه
ایة الکرسی بخواند و صد مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله بگوید و صد مرتبه
اللهم صل علی محمد و آل محمد بگوید پس مشغول دعا شود و بهترین دعاها دعای
صحیفه کامله است انرا با خشوع و خضوع و تانی و رقت باید که بخواند که
مشتمل است بر جمیع مطالب دنیا و اخرت و شیخ طوسی رحمة الله علیه بسند
معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه
بحضرت امیر المؤمنین گفت که میخواهی ترا تعلیم کنم دعای روز عرفه را و آن
دعای پیغمبران لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی
پیش از من است [illegible]
و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر اللهم لک

الحمد كالذي نقول وخيراً مما نقول وفوق ما يقول القائلون اللهم لك
صلوتي ونسكي ومحياي ومماتي ولك براثي وبك حولي ومنك قوتي
اللهم اني اعوذ بك من الفقر ومن وسواس الصدر ومن شتات الامر
ومن عذاب القبر اللهم اني اسئلك خير الرياح واعوذ بك من شر ما
تجيء به الرياح واسئلك خير الليل وخير النهار اللهم اجعل في قلبي
نوراً وفي سمعي نوراً وفي بصري نوراً وفي لحمي نوراً وفي دمي وعظامي
وعروقي ومقامي ومدخلي ومخرجي نوراً واعظم لي النور يا رب يوم
القاك انك على كل شيء قدير و از حضرت امام رضا منقولست که این دعا
در روز عرفه بخوانند **دعا اینست**
اللهم كما سترت علي ما لم اعلم فاغفر لي ما تعلم وكما وسعني علمك
فليسعني عفوك وكما بدأتني بالاحسان فاتمم نعمتك بالغفران وكما اكرمتني
بمعرفتك فاشفعها بمغفرتك وكما عرفتني وحدانيتك فاكرمني بطاعتك
وكما عصمتني مما لم اكن اعتصم منه الا بعصمتك فاغفر لي ما لو شئت

عصمتني منه يا جواد يا كريم يا ذا الجلال والاكرام و از حضرت امام موسى
این دعا منقولست
اللهم اني عبدك وابن عبدك ان تعذبني فبامور قد سلفت مني وانا
بين يديك برمتي وان تعف عني فاهل العفو انت يا اهل العفو يا خير
من عفى اغفر لي ولاخواني و از جمله دعاهای مشهور روز عرفه دعای
حضرت امام حسین است بشر و بشیر
پسران غالب اسدی روایت کرده اند که پسین روز عرفه در عرفات در خدمت
آنحضرت بودیم پس از خیمه خود بیرون می آمدند با گروهی از اهل بیت
و فرزندان و شیعیان خود با نهایت تذلل و خشوع پس در جانب چپ کوه ایستادند
و روی مبارک بسوی کعبه گردانیدند و دستها را برابر رو برداشتند
مانند مسکینی که طعام طلبد و این دعا میخواندند **دعا اینست** بسم الله الرحمن الرحيم الحمد
لله الذي ليس لقضائه دافع ولا لعطائه مانع ولا كصنعه صنع صانع
وهو الجواد الواسع فطر اجناس البدائع واتقن بحكمته الصنائع
ولا تخفى عليه الطلائع ولا تضيع عنده الودائع جازي كل صانع
ورائش كل قانع وراحم كل ضارع ومنزل المنافع والكتاب الجامع با
لنور الساطع وهو للدعوات سامع وللمطيعين نافع وللدرجات رافع

وللكربات دافع وللجبابرة قامع وراحم عبرة كل ضارع ورافع

صرعة كل صارع فلا اله غيره ولا شيء يعدله وليس كمثله شيء وهو

السميع البصير اللطيف الخبير وهو على كل شيء قدير اللهم اني ارغب

اليك واشهد بالربوبية لك مقرا بانك ربي وان اليك مردي ابتدأتني

بنعمتك قبل ان اكون شيئا مذكورا وخلقتني من التراب ثم اسكنتني

الاصلاب لريب المنون واختلاف الدهور فلم ازل ظاعنا من صلب

آمنا

الى رحم في تقادم الايام الماضية والقرون الخالية لم تخرجني لرأفتك

بي ولطفك لي واحسانك الي في دولة ايام الكفرة الذين نقضوا

عهدك وكذبوا رسلك لكنك اخرجتني رأفة منك وتحننا علي للذي

سبق لي من الهدى الذي يسرتني وفيه انشأتني ومن قبل ذلك

رؤفت بي بجميل صنعك وسوابغ نعمتك فابتدعت خلقي من مني يمنى

ثم اسكنتني في ظلمات ثلاث بين لحم وجلد ودم ولم تشهرني بخلقي

ولم تجعل الي شيئا من امري ثم اخرجتني الى الدنيا تاما سويا وحفظتني

في المهد طفلا صبيا ورزقتني من الغذاء لبنا مريا وعطفت علي قلوب

الحواضن وكفلتني الامهات الرواحم وكلأتني من طوارق الجان و

سلمتني من الزيادة والنقصان فتعاليت يا رحيم يا رحمن حتى اذا استهلت

استهللت ناطقا بالكلام اتممت علي سوابغ الانعام فربيتني زائدا

في كل عام حتى اذا اكملت فطرتي واعتدلت مرتي اوجبت علي

حجتك بان الهمتني معرفتك وروعتني بعجائب فطرتك وانطقتني لما

ذرأت في سمائك وارضك من بدائع خلقك ونبهتني لذكرك وشكرك

وواجب طاعتك وعبادتك وفهمتني ما جاءت به رسلك ويسرت لي

تقبل مرضاتك ومننت علي في جميع ذلك بعونك ولطفك ثم اذ خلقتني

من حر الثرى لم ترض لي بنعمة دون اخرى ورزقتني من انواع

المعاش وصنوف الرياش بمنك العظيم علي واحسانك القديم الي

حتى إذا أتممت علي جميع النعم وصرفت عني كل النقم لم يمنعك

تا اگر چون تمام کردی بر من همه نعمتها را وگردانیدی از من تمام ناخوشیها را باز نداشت ترا

جهلي وجرأتي عليك أن دللتني على ما يقربني إليك ووفقتني لما يزلفني

نادانی من و دلیری من بر تو از آنکه راه نمودی مرا بر آنچه نزدیک گرداند مرا بتو و توفیق دادی مرا بر آنچه

لديك فإن دعوتك أجبتني وإن سألتك أعطيتني وإن أطعتك شكرتني

نزد تو پس اگر بخوانم ترا اجابت میکنی مرا و اگر درخواستم از تو عطا بخشی مرا و اگر فرمانبرداری کنم

وإن شكرتك زدتني كل ذلك إكمالا لأنعمك علي وإحسانك إلي

و اگر سپاسگزاری کنم ترا افزون میکنی مرا همه آن تمام کردن مر نعمتهای ترا بر من و احسان خود را

فسبحانك سبحانك من مبدئ معيد حميد مجيد تقدست أسماؤك وعظمت

(margin: معيد — بازگرداننده)

پس پاکی تو پاکی تو از پدید آورنده ستوده بزرگواری پاک است نامهای تو و بزرگ است

آلاؤك فأي نعمك يا إلهي أحصي عددا وذكرا أم أي عطاياك أقوم

نعمتهای تو پس کدام نعمت ای خدای من در شمار آرم یا کدام بخششهای ترا قیام نمایم

بها شكرا وهي يا رب أكثر من أن يحصيها العادون أو يبلغ علما بها

بآن سپاس و آن ای پروردگار بیشتر است از آنکه شمار کنند آن را شمارندگان یا برسد بدانش آن

الحافظون ثم ما صرفت ودرأت عني اللهم من الضر والضراء أكثر

نگاهبانندگان پس گردانیدی و دفع کردی از من خداوندا از بدیها و ناخوشیها بیشتر است

مما ظهر لي من العافية والسراء وأنا أشهد يا إلهي بحقيقة إيماني

از آنچه ظاهر شد برای من از عافیت و خوشی و من گواهی میدهم ای خدای من بحقیقت ایمان خود

وعقد عزمات يقيني وخالص صريح توحيدي وباطن مكنون

و بستن و آهنگهای یقین خود و خالص صریح توحید خود و باطن پوشیده

ضميري وعلائق مجاري نور بصري وأسارير صفحة جبيني وخرق

دل خود و روان شدن نور دیده خود و خطهای روی پیشانی خود و سوراخ

مسارب نفسي وخذاريف مارن عرنيني ومسارب صماخ سمعي

راه نفس خود و پاره نرمه بینی خود و راه سوراخ گوش خود

وما ضمت وأطبقت عليه شفتاي وحركات لفظ لساني ومغرز حنك

و آنچه فراهم آورده شد و پوشیده شد بر آن لبهای من و جنبشهای لفظ زبان خود و جای فرورفتن

فمي وفكي ومنابت أضراسي وبلوغ حبائل بارع عنقي ومساغ مأكلي

دهان خود و دو فک خود و جای رستن دندانهای خود و رسیدن رشتهای گردن خود و گوارا شدن خوردنی

ومشربي وحمالة أم رأسي وجمل حمائل حبل وتيني وما اشتمل عليه

و آشامیدنی خود و بردارنده اصل سر خود و جمله رگهای دل خود و آنچه مشتمل است بر آن

تامور صدري ونياط حجاب قلبي وأفلاذ حواشي كبدي وما حوته

دل که در سینه است و رگ پرده دل خود و قطعهای کنار جگر خود و آنچه فراگرفته است

شراسيف أضلاعي وحقاق مفاصلي وأطراف أناملي وقبض عواملي

سر استخوانهای پهلوی من و جایهای مفصلهای خود و کنارهای سر انگشتان خود و گرفتن دستها

ولحمي ودمي وشعري وبشري وعصبي وقصبي وعظامي ومخي وعروقي

و گوشت و خون خود و موی خود و پوست خود و پی خود و استخوانهای خود و مغز خود و رگهای خود

وجميع جوارحي وما انتسج على ذلك أيام رضاعي وما أقلت الأرض مني

و همه اعضای خود و آنچه بافته شد بر آن در روزگار شیرخوارگی خود و آنچه برداشته زمین از من

(margin: ونومي — وخواب خود)

ويقظتي وسكوني وحركتي وحركات ركوعي وسجودي أن لو حاولت

و بیداری خود و آرام خود و جنبش خود و حرکتهای رکوع خود و سجود خود که اگر قصد کنم

واجتهدت مدى الأعصار والأحقاب لو عمرتها أن أؤدي شكر

و کوشش نمایم در درازی زمانها و روزگارها اگر زنده داشته شوم آنها را که ادا کنم شکر

واحدة من أنعمك ما استطعت ذلك إلا بمنك الموجب علي شكرا

یکی از نعمتهای ترا نتوانم آن را مگر بانعام تو که واجب است بر من سپاس

أنفا جديدا وثناء طارفا عتيدا أجل ولو حرصت أنا والعادون

نو و ستایش تازه مهیا بلی و اگر حرص نمایم من و شمارندگان

من أنامك أن نحصي مدى إنعامك سالفه وآنفه لما حصرناه عددا

از خلق تو که اگر بشماریم غایت انعام ترا گذشته و آینده احاطه نتوانیم کرد آن را بشمار

ولا احصيناه ابدا هيهات انى ذلك وانت المخبر عن نفسك فى كتابك

و نتوانیم شمرد آنرا هرگز دور است کجاست آن و تو با خبر دهنده از ذات خود در کتاب

الناطق والنبأ الصادق وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها صدق

گویای خود و خبر راست و اگر خواهید شمارید نعمت خدا را نتوانید شمرد آنرا راست

كتابك ونبأوك وبلغت انبياؤك ورسلك ما انزلت عليهم من وحيك

کتاب تو و خبر تو و رسانیدند پیغمبران تو و رسولان تو آنچه فرو فرستادی بر ایشان از وحی

وشرعت لهم من دينك غير انى يا الهى اشهد بجدى وجهدى ومبالغ

و شرع کردی برای ایشان از دین خود مگر آنکه من ای خدای من گواهی میدهم بسعی خود و کوشش خود و بمبالغه

طاقتى ووسعى واقول مؤمنا موقنا الحمد لله الذى لم يتخذ ولدا

طاقت خود و توانائی خود و میگویم باور دارنده تصدیق کننده سپاس مر خدای را که فرا نگرفت هیچ فرزند

فيكون موروثا ولم يكن له شريك فى الملك فيضاده فيما ابتدع

پس باشد میراث برده شده و نیست مر او را انبازی در پادشاهی پس مخالفت کند او را در آنچه

ولا ولى من الذل فيرفده فيما صنع سبحانه لو كان فيهما الهة الا

و نه یاوری از ذلت پس یاری دهد او را در آنچه کرده پاک است او اگر بودی در آسمان و زمین خدایانی بجز

الله لفسدتا وتفطرتا فسبحان الله الواحد الحق الاحد الصمد الذى

خدا هر آینه تباه شدندی و شکافته شدندی پس پاکست خدای یگانه ثابت یکتا پناه و نیاز همه که

لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد الحمد لله حمدا يعدل حمد

نزاده و نزاده شده و نیست مر او را همتا هیچکس سپاس مر خدای را سپاسی که برابری کند با سپاس

ملائكته المقربين وانبيائه المرسلين وصلى الله على خيرته من خلقه

فرشتگان نزدیکان او و پیغمبران فرستادگان او را و درود فرستاد خدا بر برگزیده از خلق خود

محمد خاتم النبيين واله الطيبين الطاهرين المخلصين پس شروع

محمد آخر پیغمبران و آل او پاکیزگان پاکان خالص کرده شده

فرمودند آن حضرت در سوال واهتمام در دعا و آب از دیدهای مبارک

جاری بود پس گفت اللهم اجعلنى اخشاك كانى اراك واسعدنى

اللهم

سبحانه سبحانه

بتقواك ولا تشقنى بمعصيتك وخر لى فى قضائك وبارك لى فى قدرك

بپرهیزکاری خود و بدبخت مکن مرا بنافرمانی خود و اختیار کن مرا در حکم خود و برکت ده مرا در تقدیر خود

حتى لا احب تعجيل ما اخرت ولا تاخير ما عجلت اللهم اجعل غناى

تا آنکه دوست ندارم شتاب آنچه را باز پس داشتی و نه باز پس داشتن آنچه را که شتاب آوردی خداوندا بگردان توانگری

فى نفسى واليقين

در نفس من و یقین مرا

فى قلبى والاخلاص فى عملى والنور فى بصرى والبصيرة فى دينى

در دل من و اخلاص را در کردار من و روشنی را در دیده من و بینائی را در دین من

ومتعنى بجوارحى واجعل سمعى وبصرى الوارثين منى وانصرنى على

و بهره ور کن مرا باعضای من و بگردان گوش مرا و دیده مرا میراث برندگان از من و یاری ده مرا

من ظلمنى وارنى فيه ماربى وثارى واقر بذلك عينى اللهم

بر آنکه ستم نمود مرا و بنمای مرا در آن حاجت مرا و خون مرا و روشن کن بآن دیده مرا خداوندا

اكشف كربتى واستر عورتى واغفر لى خطيئتى واخسأ شيطانى

زایل کن اندوه مرا و بپوشان عورت مرا و بیامرز گناه مرا و دور کن شیطان مرا

وفك رهانى واجعل لى يا الهى الدرجة العليا فى الاخرة والاولى

و خلاص کن گرو مرا و بگردان برای من ای خدای من مرتبه بلند در آخرت و دنیا

اللهم لك الحمد كما خلقتنى فجعلتنى سميعا بصيرا ولك الحمد كما خلقتنى

خداوندا مر تراست سپاس چنانچه آفریدی مرا پس گردانیدی مرا شنوا بینا و مر تراست سپاس چنانچه آفریدی

فجعلتنى خلقا سويا رحمة بى وكنت عن خلقى غنيا رب بما برأتنى فعدلت

پس گردانیدی مرا [illegible]

فطرتى رب بما انشأتنى فاحسنت صورتى يا رب بما احسنت بى وفى

خلقت مرا پروردگار من بجهت آنچه ایجاد کردی مرا پس نیکو نمودی صورت مرا ای پروردگار من بجهت آنچه نیکوئی کردی بمن و در

نفسى عافيتنى رب بما كلأتنى ووفقتنى رب بما انعمت على فهديتنى

نفس من عافیت بخشیدی مرا بجهت آنچه نگاه داشتی مرا و توفیق دادی مرا پروردگار من بجهت آنچه انعام کردی بر من پس راه نمودی

رب بما اوليتنى ومن كل خير اتيتنى واعطيتنى رب بما اطعمتنى

پروردگار من بجهت آنچه دادی مرا و از هر نیکی دادی مرا و بخشیدی مرا پروردگار من بجهت آنچه طعام دادی

رب

پروردگار من

وَسَقَيْتَنِي رَبِّ بِمَا اَغْنَيْتَنِي وَاَقْنَيْتَنِي رَبِّ بِمَا اَعْنَيْتَنِي وَعَزَّزْتَنِي رَبِّ بِمَا

و آب دادی مرا پروردگارا بآنچه بی نیاز کردی مرا و روزی دادی مرا پروردگارا بآنچه مدد کردی مرا و عزیز کردی مرا پروردگارا

اَلْبَسْتَنِي مِنْ ذِكْرِكَ الصَّافِي وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي صَلِّ

پوشانیدی مرا از ذکر بخشش و سهل کردی برای من از بخشش کفایت کننده خود رحمت کن

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدَّهْرِ وَصُرُوفِ الْاَيَّامِ وَاللَّيَالِي

بر محمد و آل محمد و مدد کن مرا بر حوادث روزگار و گردش روزها و شبها

وَنَجِّنِي مِنْ اَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرُبَاتِ الْاٰخِرَةِ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ

و برهان مرا از شدائد دنیا و اندوههای آخرت و دفع کن از من بدی آنچه میکنند ستمکاران

فِي الْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ مَا اَخَافُ فَاكْفِنِي وَمَا اَحْذَرُ فَقِنِي وَفِي نَفْسِي

در زمین خداوندا آنچه میترسم پس دفع کن از من و آنچه می پرهیزم پس نگاهدار مرا و در نفس من

وَدِينِي فَاحْرُسْنِي وَفِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي وَفِي اَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي

و دین من پس نگاهبانی کن مرا و در سفر من پس حفظ کن مرا و در اهل من و مال من و فرزندان من

فَاخْلُفْنِي وَفِي مَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي وَفِي اَعْيُنِ

پس خلیفه باش مرا و در آنچه روزی کردی مرا پس برکت ده مرا و در نفس من پس خوار کن مرا و در دیدهای

النَّاسِ فَعَظِّمْنِي وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ فَسَلِّمْنِي وَبِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي

آدمیان پس بزرگ گردان مرا و از شر دیوان و آدمیان پس سالم دار مرا و بگناهان من پس رسوا مساز

وَبِسَرِيرَتِي فَلَا تُخْزِنِي وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي وَنِعَمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي وَاِلَى

و بجهت نهان من پس خجل مگردان مرا و بگردار من پس مبتلا مکن مرا و نعمتهای خود را پس باز مگیر از من و بسوی

غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي اِلٰهِي اِلَى مَنْ تَكِلُنِي اِلَى الْقَرِيبِ يَقْطَعُنِي اَمْ اِلَى الْبَعِيدِ

غیر تو پس وامگذار مرا ای خداوند من که وامیگذاری مرا بسوی نزدیک که ببرد از من یا بسوی دور

يَتَجَهَّمُنِي اَمْ اِلَى الْمُسْتَضْعِفِينَ لِي وَاَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكُ اَمْرِي اَشْكُو

که بغلظت و ناخوشی پیش آید یا بسوی ضعیف شمارندگان من و اگر تو پروردگار منی و مالک کار منی شکوه میکنم

اِلَيْكَ غُرْبَتِي وَبُعْدَ دَارِي وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَّكْتَهُ اَمْرِي اَللّٰهُمَّ

بسوی تو از بیکسی و دوری سرای خود و خواری خود بر آنکه گردانیدی او را مالک امر من خداوندا

الی / بسوی

فَلَا تُحْلِلْ بِي غَضَبَكَ فَاِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا اُبَالِي سِوَاكَ غَيْرَ اَنَّ

پس فرو میاور بر من غضب خود را پس اگر نبوده باشی که غضب کرده باشی بر من پس باک ندارم از غیر تو لیکن

عَافِيَتَكَ اَوْسَعُ لِي يَا رَبِّ فَاَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي اَشْرَقَتْ لَهُ الْاَ

عافیت تو فراخ تر است برای من ای پروردگار من پس سؤال میکنم از تو بروشنائی ذات تو که روشن شده از او

الْاَرْضُ وَالسَّمٰوَاتُ وَانْكَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ وَصَلَحَ عَلَيْهِ اَمْرُ الْاَوَّلِينَ

زمین و آسمانها و زایل گشته بسبب آن تاریکیها و بسامان شده بجهة آن کار پیشینیان

وَالْاٰخِرِينَ اَنْ لَا تُمِيتَنِي عَلَى غَضَبِكَ وَلَا تُنْزِلَ بِي سَخَطَكَ لَكَ الْعُتْبٰى

و پسینیان آنکه نمیرانی مرا بر غضب خود و فرود نیاوری بر من غضب خود را برای تو خشنودی

حَتّٰى تَرْضٰى قَبْلَ ذٰلِكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ

تا آنکه خوشنود شوی پیش از آن نیست خدائی مگر تو پروردگار بلد محترم و مشعر الحرام

وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي اَحْلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ اَمْنَةً يَا مَنْ

و خانه کهنه که فرو فرستادی در آن برکت را و گردانیدی آن را برای آدمیان ایمنی ای کسی که

عَفٰى عَنِ الْعَظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ يَا مَنْ اَسْبَغَ النِّعْمَةَ بِفَضْلِهِ يَا مَنْ

درگذشته از بزرگ از گناهان ببردباری خود ای آنکه تمام کردی نعمت را ببخشش خود ای کسی که

اَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي

بخشیده عطای بسیار ببزرگواری خود ای ذخیره من در حال سختی ای یار من در تنهائی

يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي يَا مُونِسِي فِي حُفْرَتِي يَا وَلِيَّ نِعْمَتِي يَا اِلٰهِي وَاِلٰهَ اٰبَائِي

ای فریادرس من در وقت اندوه من ای انیس من در قبر من ای خداوند نعمت من ای خدای من و خدای پدران من

اِبْرَاهِيمَ وَاِسْمَاعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبَّ جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَ

ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و پروردگار جبرئیل و میکائیل و

اِسْرَافِيلَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَاٰلِهِ الْمُنْتَجَبِينَ وَمُنْزِلَ التَّوْرٰيةِ وَ

اسرافیل و پروردگار محمد آخر پیغمبران و آل برگزیدگان او و ای فرستنده توریة و

الْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَمُنْزِلَ كٓهٰيٰعٓصٓ وَطٰهٰ وَيٰسٓ وَالْقُرْاٰنِ

انجیل و زبور و فرقان و ای فرستنده کهیعص و طه و یس و قرآن

الحكيم انت كهفي حين تعييني المذاهب في سعتها وتضيق عليّ الارض

با حكمت تو پناه منى آنگاه كه عاجز كنند مرا راهها با فراخى آنها و تنگ شود بر من زمين

برحبها ولولا رحمتك لكنت من الهالكين وانت مقيل عثرتي ولولا سترك

با فراخى آن و اگر نبودى رحمت تو هر آينه بودم از هلاك شدگان و تو در گذرنده از لغزش منى و اگر نبودى

إيّاي لكنت من المفضوحين وانت مؤيدي بالنصر على الاعداء ولولا نصرك

مرا هر آينه بودم از رسوا شدگان و تو قوت دهنده مرا به يارى بر دشمنان و اگر نبودى يارى

لكنت من المغلوبين يا من خصّ نفسه بالسموّ والرفعة فاولياؤه بعزّه

هر آينه بودم از مغلوب شدگان اى آنكه مخصوص كرد نفس خود را به بلندى و رفعت پس دوستان او به عزت او

يعتزون يا من جعلت له الملوك نير المذلة على اعناقهم فهم من سطواته

ارجمندند اى آنكه گذاشتند براى او پادشاهان نير خوارى بر گردنهاى خود پس ايشان از غضبهاى او

خائفون تعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور وغيب ما تاتي به

ترسانند كه ميداند خيانت ديدها را و آنچه پنهان ميدارند سينه ها و پنهان آنچه مى آورد آنرا

الازمان والدهور يا من لا يعلم كيف هو الا هو يا من لا يعلم ما هو

زمانها و روزگارها اى آنكه نميداند چگونه است مگر او اى آنكه نميداند كه او چه

الا هو يا من كبس الارض على الماء وسدّ الهواء بالسماء

كس نميداند مگر او اى آنكه فرو نشانيد زمين را بر آب و باز داشت هوا را به آسمان اى

يا من له اكرم الاسماء يا ذا المعروف الذي لا ينقطع ابداً يا مقيّض

اى آنكه براى اوست گرامى ترين نامها اى صاحب احسانى كه بريده نشود هرگز اى مهيا كننده

الركب ليوسف في البلد القفر ومخرجه من الجبّ وجاعله بعد العبودية

سواران كاروان براى يوسف در شهر خالى از آب و بيرون آورنده او از چاه و گرداننده او بعد از بندگى

ملكاً يا رادّ يوسف على يعقوب بعد ان ابيضّت عيناه من الحزن فهو

پادشاه اى برگرداننده يوسف بر يعقوب پس از آنكه سفيد گشته بود ديدهاى او از اندوه پس او

كظيم يا كاشف الضرّ والبلاء عن ايوب يا ممسك يد ابراهيم من

خشم خورنده اى زايل كننده اندوه و بلا از ايوب اى باز دارنده دست ابراهيم از

الذبح

الذبح عن ابنه بعد ان كبر سنّه وفني عمره يا من استجاب لزكريا

كشتن پسرش پس از آنكه زياد گشته بود سال او و بپايان رسيده بود عمر او اى آنكه اجابت كرد مر زكريا را

فوهب له يحيى ولم يدعه فرداً وحيداً يا من اخرج يونس من بطن الحوت

پس بخشيد با او يحيى را و وانگذاشت او را تنها يگانه اى آنكه بيرون آورد يونس را از شكم ماهى

يا من فرق البحر لبني اسرائيل فانجاهم وجعل فرعون وجنوده من المغرقين

اى آنكه شكافت دريا را براى پسران يعقوب پس رهانيد ايشانرا و گردانيد فرعون و لشكرهاى او را از غرق شدگان

يا من ارسل الرياح مبشرات بين يدي رحمته يا من لم يعجل على من

اى آنكه فرستاد بادها را مژده دهندگان پيش آمدن رحمت خود اى آنكه شتاب نكرد بر كسى كه

عصاه من خلقه يا من استنقذ السحرة من بعد طول الجحود وقد غدوا

نافرمانى كرد او را از خلق او اى آنكه نجات داد جادوگران را از پس درازى انكار و بتحقيق صبح كردند

في نعمته ياكلون رزقه ويعبدون غيره وقد حادّوه ونادّوه وكذبوا

در نعمت او ميخوردند روزى او را و مى پرستيدند غير او را و بتحقيق دشمنى كردند با او و تكذيب كردند

رسله يا الله يا بديء لا بدء لك يا دائماً لا نفاد لك يا حيّ يا محيي الموتى

فرستادگان او را اى خدا اى پديد آورنده كه نيست ابتدا براى تو اى هميشه كه نيست فنا براى تو اى زنده اى زنده كننده مردگان

يا من هو قائم على كل نفس بما كسبت يا من قلّ له شكري فلم يحرمني وعظمت

اى آنكه او نگهبان است بر هر نفسى بآنچه كسب نموده اى آنكه اندك بود براى او سپاسگزارى من پس نوميد نكرد مرا و بزرگ بود

عنده خطيئتي فلم يفضحني ورآني على المعاصي فلم يخذلني يا من حفظني

نزد او گناه من پس رسوا نكرد مرا و ديد مرا بر گناهان پس خوار نكرد مرا اى آنكه نگاه داشت مرا

في صغري يا من رزقني في كبري يا من اياديه عندي لا تحصى

در حال خوردى اى آنكه روزى كرد مرا در بزرگى اى آنكه نعمتهاى او نزد من شمرده نشود

ونعمه عندي لا تجازى يا من عارضني بالخير والاحسان وعارضته

و نعمتهاى او نزد من جزا داده نشود اى آنكه مقابل شد مرا به نيكى و احسان و مقابل شدم او را

بالاساءة والعصيان يا من هداني بالايمان قبل ان اعرف شكر

به بدكردارى و گناه اى آنكه راه نمود مرا به ايمان پيش از آنكه بشناسم شكر

الامتنان يا من دعوته مريضا فشفاني وعريانا فكساني وجايعا

امتنان ای آنکه خواندم او را در حال بیماری پس شفا بخشید مرا و برهنه پس پوشانید مرا و گرسنه

فاطعمني وعطشانا فارواني وذليلا فاعزني وجاهلا فعرفني ووحيدا

پس خورانید مرا و تشنه پس سیراب کرد مرا و خوار پس ارجمند کرد مرا و نادان پس شناسا کرد مرا و تنها

فكثرني وغائبا فردني ومقلا فاغناني ومنتصرا فنصرني وغنيا

پس بسیار کرد مرا و پنهان پس گردانید مرا و تنگدست پس بی‌نیاز کرد مرا و دادخواهنده پس یاری کرد مرا و توانگر

فلم يسلبني وامسكت عن جميع ذلك فابتدأني فلك الحمد يا من اقال

پس سلب نکرد از من و بازداشتم خود را از سؤال همه آن پس ابتدا کرد مرا پس مر تراست سپاس ای آنکه درگذرانید

عثرتي ونفس كربتي واجاب دعوتي وستر عورتي وغفر ذنوبي

از لغزش من و زایل کرد اندوه مرا و پذیرفت دعای مرا و پوشانید عورت مرا و آمرزید گناهان مرا

وبلغني طلبتي ونصرني على عدوي وان اعد نعمك ومننك و

و رسانید مرا بحاجت من و یاری داد مرا بر دشمن من و اگر خواهم که بشمارم نعمتهای ترا و عطاهای ترا و

كرايم منحك لا احصيها يا مولاي انت الذي انعمت انت الذي

بخششهای گرامی ترا نتوانم شمرد آنها را ای آقای من تویی آنکه انعام کردی تویی آنکه

احسنت انت الذي اجملت انت الذي افضلت انت الذي مننت انت

بخشش نمودی تویی آنکه نیکوکاری کردی تویی آنکه بخشش نمودی تویی آنکه انعام کردی تویی

الذي اكملت انت الذي رزقت انت الذي وفقت انت الذي اعطيت

آنکه کامل کردی تویی آنکه روزی دادی تویی آنکه روزی دادی بقدر کفاف تویی آنکه عطا کردی

انت الذي اغنيت انت الذي اقنيت انت الذي اويت انت الذي

تویی آنکه بی‌نیاز کردی تویی آنکه روزی دادی بقدر کفاف تویی آنکه جای دادی تویی آنکه

كفيت انت الذي هديت انت الذي عصمت انت الذي سترت انت

کارگذاری نمودی تویی آنکه راه نمودی تویی آنکه نگاه داشتی تویی آنکه پوشانیدی تویی

الذي غفرت انت الذي اقلت انت الذي مكنت انت الذي اعززت

آنکه آمرزیدی تویی آنکه درگذشتی تویی آنکه دست دادی بهره تویی آنکه عزیز کردی

انت الذي اعنت انت الذي عضدت انت الذي ايدت انت الذي

تویی آنکه مدد کردی تویی آنکه قوت دادی تویی آنکه

نصرت انت الذي شفيت انت الذي عافيت انت الذي اكرمت

یاری نمودی تویی آنکه شفا بخشیدی تویی آنکه عافیت بخشیدی تویی آنکه گرامی داشتی

تباركت وتعاليت فلك الحمد دائما ولك الشكر واصبا ثم انا يا

با برکتی و برتری پس مر تراست سپاس همیشه و مر تراست سپاسگزاری دایمی پس منم ای

الهي المعترف بذنوبي فاغفرها لي انا الذي اسأت انا الذي اخطأت

خدای من اقرار دارنده بگناهان خود پس بیامرز آنها را برای من منم آنکه بد کردم منم آنکه خطا کردم

انا الذي غفلت انا الذي جهلت انا الذي هممت انا الذي سهوت

منم آنکه غافل شدم منم آنکه نادانستم صلاح خود را منم آنکه قصد کردم معصیت منم آنکه فراموش کردم

انا الذي اعتمدت انا الذي تعمدت انا الذي وعدت انا الذي

منم آنکه تکیه کردم منم آنکه اعتماد کردم منم آنکه وعده کردم منم آنکه

اخلفت انا الذي نكثت انا الذي اقررت انا يا الهي اعترف بنعمك

خلف کردم وعده را منم آنکه شکستم عهد را منم آنکه اقرار کردم بتقصیر منم ای خدای من اعتراف میکنم بنعمتهای تو

عندي وابوء بذنوبي فاغفرها لي يا من لا تضره ذنوب عباده وهو

نزد من و اقرار میکنم بگناهان خود پس بیامرز آنها را برای من ای آنکه ضرر نرساند او را گناهان بندگانش و او

الغني عن طاعتهم والموفق من عمل منهم صالحا بمعونته ورحمته

بی‌نیاز است از فرمانبرداری ایشان و توفیق دهنده آن را که کرد از ایشان کار شایسته بمدد کاری او و بخشش او

فلك الحمد الهي امرتني فعصيتك ونهيتني فارتكبت نهيك فاصبحت

پس مر تراست سپاس ای خدای من فرمان دادی مرا پس نافرمانی کردم ترا و نهی کردی مرا پس مرتکب شدم نهی ترا پس صبح کردم

لا ذا براءة فاعتذر ولا ذا قوة فانتصر فباي شيء استقبلك يا مولاي

نه خداوند بیزاری از گناه پس عذرخواهی کنم و نه خداوند توانایی پس انتقام کشم پس بکدام چیز روی آرم بسوی تو ای آقای من

ابسمعي ام ببصري ام بلساني ام بيدي ام برجلي اليس كلها نعمك عندي

آیا بگوش خود یا بدیده خود یا بزبان خود یا بدست خود یا بپای خود آیا نیستند همه اینها نعمتهای تو نزد من

الذي

وبكلها عصيتك يا مولاي فلك الحجة والسبيل علي يا من سترني من
الآباء والأمهات أن يزجروني ومن العشائر والإخوان أن يعيروني
ومن السلاطين أن يعاقبوني ولو اطلعوا يا مولاي على ما اطلعت
عليه مني إذاً ما أنظروني ولرفضوني وقطعوني فها أنا ذا بين يديك
خاضعاً ذليلاً حقيراً لا ذو براءة فأعتذر ولا ذو قوة فأنتصر و
لا حجة لي فأحتج بها ولا قائل لم أجترح ولم أعمل سوءاً وما عسى الجحود
لو جحدت يا مولاي ينفعني فكيف وأنى ذلك وجوارحي كلها شاهدة
علي بما قد عملت وعلمت يقيناً غير ذي شك أنك سائلي من عظائم الأمور
وأنك الحكيم العدل الذي لا يجور وعدلك مهلكي ومن كل
عدلك مهربي فإن تعذبني فبذنوبي يا إلهي بعد حجتك علي وإن
تعف عني فبحلمك وجودك وكرمك لا إله إلا أنت سبحانك إني
درگذری از من پس بردباری تو و بخشش تو و کرم تو نیست خدایی مگر تو پاکی تو که من
كنت من الظالمين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من المستغفرين
هستم از ظالمان نیست خدایی مگر تو پاکی تو که من هستم از آمرزش طلبان

یا سیدی
ای بزرگ من

مناجات

لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الموحدين لا إله إلا أنت سبحانك
إني كنت من الخائفين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الوجلين لا إله
إلا أنت سبحانك إني كنت من السائلين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت
من الراجين الراغبين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من المهللين
المسبحين لا إله إلا أنت ربي ورب آبائي الأولين اللهم هذا ثنائي
عليك ممجداً وإخلاصي لذكرك موحداً وإقراري بآلائك معدداً وإن
كنت مقراً أني لا أحصيها لكثرتها وسبوغها وتظاهرها وتقادمها
إلى حادث ما لم تزل تتعهدني به معها منذ خلقتني وبرأتني من أول
العمر من الإغناء بعد الفقر وكشف الضر وتسبيب اليسر ودفع
العسر وتفريج الكرب والعافية في البدن والسلامة في الدين ولو رفدني
على قدر ذكر نعمتك على جميع العالمين من الأولين والآخرين لما
قدرت ولا هم على ذلك تقدست وتعاليت من رب عظيم كريم رحيم

في ديني
در دين

ولا يحصى آلاؤك ولا يبلغ ثناؤك ولا تكافى نعماؤك صل على محمد وآل

و شمرده نشود نعمتهای تو و رسیده نشود بستایش تو و شکر کرده نشود نعمتهای تو رحمت فرست بر محمد و آل

محمد واتمم علينا نعمك واسعدنا بطاعتك سبحانك لا اله الا انت

محمد و تمام کن بر ما نعمتهای خود را و نیکبخت کن ما را بفرمانبرداری خود پاکی تو نیست خدایی مگر تو

اللهم انك تجيب دعوة المضطر اذا دعاك وتكشف السوء وتغيث

خداوندا بدرستی که تو می‌پذیری دعای درمانده را هرگاه بخواند ترا و دور میکنی بدی را و فریاد میرسی

المكروب وتشفي السقيم وتغني الفقير وتجبر الكسير وترحم الصغير

غمناک را و شفا میبخشی بیمار را و بی‌نیاز میکنی درویش را و درست میکنی شکسته را و رحم میکنی خرد را

وتعين الكبير وليس دونك ظهير ولا فوقك قدير وانت العلي الكبير

و مدد میکنی بزرگ را و نیست غیر تو یاوری و نیست بالای تو توانائی و تویی بلند بزرگ

يا مطلق المكبل الاسير يا رازق الطفل الصغير يا عصمة الخائف

ای رها کننده بند کرده و دستگیر شده ای روزی دهنده طفل خورد ای نگاهدارنده ترسنده

المستجير يا من لا شريك له ولا وزير واعطني في هذه العشية افضل

زنهار جوینده ای آنکه نیست شریکی مر او را و نه وزیری و بخش مرا در این وقت بهترین

صل على محمد وآل محمد

ما اعطيت وانلت احدا من عبادك من نعمة توليها وآلاء تجددها

آنچه بخشیده و رسانیده یکی را از بندگان خود از نعمتی که انعام میکنی آنرا و نعمتهایی که تازه میکنی

وبلية تصرفها وكربة تكشفها ودعوة تسمعها وحسنة تتقبلها

و بلایی که میگردانی آنرا و اندوهی که زایل میکنی آنرا و دعایی که میشنوی آنرا و نیکویی که قبول میکنی

وسيئة تغفرها انك لطيف خبير وهو على كل شيء قدير اللهم

و بدی که میآمرزی آنرا که تو مهربانی آگاهی و او بر هر چیزی توانا است خداوندا

انك اقرب من دعي واسرع من اجاب واكرم من عفى واوسع من اعطى

بدرستی که تو نزدیکتری از هر که خوانده شده و شتابنده‌تری از هر که اجابت کرده و کریمتری از هر که درگذشته و فراخ دهنده‌تری

واسمع من سئل يا رحمن الدنيا والآخرة ورحيمهما ليس كمثلك مسؤول

و شنواتری از هر که سؤال کرده شده ای بخشنده این جهان و آن جهان و مهربان بهر دو جهان نیست مانند تو سؤال کرده شده

مسؤول ولا سواك مأمول دعوتك فاجبتني وسئلتك فاعطيتني

و نه غیر تو امید داشته شده خواندم ترا پس اجابت کن مرا و سؤال کردم پس عطا کن مرا

ورغبت اليك فرحمتني ووثقت بك فنجيتني وفزعت اليك فكفيتني

و خواهش کردم بسوی تو پس رحم نمودی مرا و اعتماد کردم بتو پس رهانیدی مرا و خواهش نمودم بسوی تو پس کفایت کردی

اللهم فصل على محمد عبدك ورسولك ونبيك وعلى آله الطيبين

خداوندا پس رحمت بفرست بر محمد بنده تو و رسول تو و پیغمبر تو و بر آل او که پاکیزگانند

الطاهرين اجمعين وتمم لنا نعمائك وهنئنا عطائك واجعلنا

پاکانند همگی و تمام کن بر ما نعمت خود را و گوارا کن برای ما بخشش خود را و بگردان ما را

لك شاكرين ولآلائك ذاكرين آمين آمين يا رب العالمين اللهم

برای خود سپاسگذاران و مر نعمتهای ترا یادکنندگان بپذیر بپذیر ای پروردگار جهانیان خداوندا

يا من ملك فقدر وقدر فقهر وعصي فستر واستغفر فغفر يا غاية

ای آنکه پادشاهی کرد پس توانا شد و توانا شد پس غالب شد و نافرمانی کرده شد پس پوشید و آمرزش خواسته شد پس آمرزید ای نهایت

رغبة الراغبين ومنتهى امل الراجين يا من احاط بكل شيء علما و

خواهش خواهندگان و ای منتهای امید امیدواران ای آنکه فرو گرفته هر چیز را از روی دانش و

وسع المستقيلين رأفة ورحمة وحلما اللهم انا نتوجه اليك في

فرا گرفته آمرزش طلبان را از روی مهربانی و بخشش و بردباری خداوندا اگر ما روی آوردیم بسوی تو در

هذه العشية التي شرفتها وعظمتها بمحمد نبيك وخيرتك من خلقك

ورسولك — و فرستاده تو

این وقت پسین که بزرگ کرده‌ای آنرا و بزرگ کردی آنرا بمحمد پیغمبر تو و برگزیده تو از خلق تو

وامينك على وحيك اللهم فصل على محمد وآله البشير النذير السراج

و معتمد تو بر پیغام تو خداوندا پس رحمت بفرست بر محمد و آل او مژده دهنده بیم کننده چراغ

المنير الذي انعمت به على المسلمين وجعلته رحمة للعالمين اللهم

روشن که انعام کردی باو بر مسلمانان و گردانیدی او را رحمت جهانیان بار خدایا

فصل على محمد وآله كما محمد اهل ذلك صل عليه وآل محمد المنتجبين

يا عظيم — ای بزرگ

پس رحمت بفرست بر محمد و آل او چنانچه محمد سزاوار آنست رحمت بفرست بر او و آل محمد که برگزیدگانند

الطيبين الطاهرين اجمعين وتغمدنا بعفوك عنا فاليك عججنا بالاصوات

پاکان همگی و بکرم بپوشان در پوشش ما را بدرگذشتن خود از ما پس بسوی تو ناله کردیم

بصنوف اللغات واجعل لنا في هذه العشية نصيبا من كل خير تقسمه

بانواع زبانها و بگردان برای ما در این وقت بهره در هر خیر که قسمت کنی

ونور تهدي به ورحمة تنشرها وعافية تجللها وبركة تنزلها ورزق

و در روشنی که راه نمائی بآن و بخششی که پهن کنی و عافیتی که بپوشانی آنرا و برکتی که فرود آری و روزی

تبسطه يا ارحم الراحمين اللهم اقلبنا في هذا الوقت منجحين مفلحين

که پهن کنی آنرا ای رحیم‌ترین رحم کنندگان خداوندا بگردان ما را در این وقت فیروزی یابندگان رستگاران

مبرورين غانمين ولا تجعلنا من القانطين ولا تخلنا من رحمتك

احسان کرده شدگان اجر یابندگان و مگردان ما را از ناامیدان و خالی مگذار ما را از رحمت خود

ولا تحرمنا ما نؤمله من فضلك ولا تردنا خائبين ولا من بابك

و ناامید مکن ما را از آنچه امید میداریم آنرا از بخشش تو و برمگردان ما را بی‌بهره گشتگان و نه از درگاه تو

مطرودين ولا تجعلنا من رحمتك محرومين ولا لفضل ما نؤمله

رانده شدگان و مگردان ما را از رحمت خود ناامید شدگان و نه از بخشش آنچه امید

من عطاياك قانطين يا اجود الاجودين ويا اكرم الاكرمين اليك

از عطاهای تو ناامید ای بخشنده‌ترین بخشندگان و ای بزرگوارترین بزرگواران بسوی تو

اقبلنا موقنين ولبيتك الحرام آمين قاصدين فاعنا على مناسكنا

رو کردیم یقین کنندگان و خانه محترم ترا اراده کنندگان قصد کنندگان مدد ده ما را بر عبادات

واكمل لنا حجنا اللهم عنا وعافنا فقد مددنا اليك ايدينا وهي

و کامل گردان برای ما حج ما را خداوندا از ما و عافیت بخش ما را پس بتحقیق دراز کردیم بسوی تو دستها و حال آنکه

بذلة الاعتراف موسومة اللهم فاعطنا في هذه العشية ما

بخواری اعتراف نشان کرده شده پس عطا کن ما را در این وقت آنچه

سالناك واكفنا ما استكفين[illegible] كافي لنا سواك ولا رب لنا

درخواستیم از تو و کارگذاری کن ما را آنچه طلب کفایت نمودیم از تو زیرا که نیست کارگذاری برای ما غیر تو و نیست پروردگاری

والعفو
و درگذر

مرا

غيرك نافذ فينا حكمك محيط بنا علمك عدل فينا قضاؤك اقض لنا

غیر تو روانست در ما حکم تو فرا گرفته است ما را دانش تو برابری است در ما قضای تو حکم کن برای ما

الخير واجعلنا من اهل الخير اللهم اوجب لنا بجودك عظيم الاجر

بنیکی و بگردان ما را از اهل نیکی خداوندا واجب کردان برای ما بخشش خود مزد بزرگ

وكريم الذخر ودوام اليسر واغفر لنا ذنوبنا اجمعين ولا تهلكنا

و ذخیره گرامی و پیوسته آسانی و بیامرز برای ما گناهان ما را همگی و

مع الهالكين ولا تصرف عنا رافتك يا ارحم الراحمين

هلاک مکن ما را با هلاک شوندگان و مگردان از ما مهربانی خود را ای رحیم‌ترین رحم کنندگان

اللهم اجعلنا في هذا الوقت ممن سالك فاعطيته وشكرك فزدته

خداوندا بگردان ما را در این وقت از آنکه درخواست از تو پس عطا کردی او را و سپاسگذاری کرد

وتاب اليك فقبلته وتنصل اليك من ذنوبه كلها فغفرتها له

و بازگشت نمود بسوی تو پس پذیرفتی توبه او را و عذرخواهی نمود بسوی تو از گناهان خود همه پس آمرزیدی

يا ذا الجلال والاكرام اللهم وفقنا وسددنا واعصمنا واقبل

ای خداوند بزرگواری و کرامت بخشش خداوندا توفیق ده ما را و درست گردان ما را و نگاه دار ما را و بپذیر

تضرعنا يا خير من سئل ويا ارحم من استرحم يا من لا يخفى عليه

زاری نمودن ما را ای بهتر کسی که سوال کرده شد و ای رحیم‌ترین کسی که رحم کرده شد ای آنکه پنهان نیست بر او

اغماض الجفون ولا لحظ العيون ولا ما استقر في المكنون ولا ما

بهم آوردن پلکها و نه نگریستن دیدها و نه آنچه ثابت است در امور پوشیده و نه آنچه

طوت عليه مضمرات القلوب الا كل ذلك قد احصاه علمك و

در نوردیده شده بر آن نهفته‌های دلها بنگر همه اینها تحقیق شمرده است آنرا دانش تو و

وسعه حلمك سبحانك وتعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا

فرا گرفته است آنرا بردباری تو پاکی تو و برتری از آنچه میگویند ستمکاران برتری بزرگ

تسبح لك السموات السبع والار[illegible] ومن فيهن وان من شيء الا يسبح

تسبیح میکنند مر ترا آسمانهای هفتگانه و زمین و آنکه در آنهاست و نیست هیچ چیزی مگر اینکه تسبیح

بحمدك

فلك الحمد والمجد وعلو الجد يا ذا الجلال والاكرام والفضل والانعام

پس مر تراست ستایش و بزرگواری و بلندی عظمت ای خداوند بزرگواری و کرامت و بخشش و نعمت دادن

والايادي الجسام وانت الجواد الكريم الرؤف الرحيم اللهم اوسع علي

و نعمت بزرگ و تو بخشنده بزرگوار مهربان بخشاینده خداوندا گشاده گردان بر من

من رزقك الحلال وعافني في بدني وديني وامن خوفي واعتق رقبتي

از روزی خود که حلال و عافیت بخش مرا در بدن من و دین من و ایمنی ده ترس مرا و آزاد کن گردن مرا

من النار اللهم لا تمكر بي ولا تستدرجني ولا تخذلني وادرأ عني شر

از آتش خداوندا مکر مکن با من و وا مگیر بعقوبت مرا و خوار مگذار مرا و دفع کن از من

فسقة الجن والانس پس سر و دیده خود را بسوی آسمان بلند کرد و آب از دیده

شر فاسقان جن و انس و آب دیده های مبارکش میریخت مانند دو مشک و بلند گفت

يا اسمع السامعين ويا ابصر الناظرين ويا اسرع الحاسبين ويا ارحم

ای شنواترین شنوندگان و ای بیناترین نگرندگان و ای زودترین حساب کنندگان و ای رحم کننده‌ترین

الراحمين صل علي محمد وآل محمد السادة الميامين واسئلك اللهم

رحم کنندگان رحمت فرست بر محمد و آل محمد بزرگان صاحب یمن و برکت و سؤال میکنم از تو خداوندا

حاجتي التي ان اعطيتنيها لم يضرني ما منعتني وان منعتنيها

حاجت خود را بسوی تو که اگر عطا کنی آن را ضرر نرساند مرا آنچه بازداری از من و اگر بازداری

لم ينفعني ما اعطيتني اسئلك فكاك رقبتي من النار لا اله الا انت

سود نبخشد مرا آنچه بخشی مرا و سؤال میکنم از تو آزادی گردن خود را از آتش نیست خدائی مگر تو

وحدك لا شريك لك لك الملك ولك الحمد وانت علي كل شيء قدير

یگانه تو نیست شریکی برای تو مر تراست پادشاهی و مر تراست ستایش و تو بر همه چیزی توانائی

يا رب يا رب پس مکرر میگفت یا رب و صداها بگریه بلند شد و تا

ای پروردگار من ای پروردگار من

کردند و روانه جانب مشعر الحرام شدند و سید بن

طاوس بسند معتبر روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق که در

روز عرفه چون زوال میشود نماز ظهر و عصر را بکن پس برو بمحل وقوف و

مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه

لا اله الا الله و صد مرتبه قل هو الله احد و صد مرتبه سوره انا انزلنا

بخوان پس این لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم

دعا بخوان

نیست خدائی مگر خدائی که بردبار بزرگوار است نیست خدائی مگر خدائی که بلند مرتبه بزرگ

سبحان الله رب السموات السبع وما فيهن وما بينهن وهو رب العرش

ورب الارضين السبع

پاک است خدا پروردگار آسمانهای هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه در میان آنهاست و پروردگار

العظيم والحمد لله رب العالمين اللهم اياك اعبد واياك استعين

بزرگ و ستایش مر خدا راست که پروردگار جهانیان است خداوندا ترا می‌پرستم و از تو یاری میجویم

اللهم اني اريد ان اثني عليك وما عسي ان ابلغ من مدحك مع قلة

خداوندا که من میخواهم که ثنا گویم ترا و چه میرسد آنکه برسم بجیزی از ستایش تو با کمی

عملي وقصر رأيي وانت الخالق وانا المخلوق وانت المالك وانا المملوك

کردار خود و کوتاهی فکر خود و تو آفریدگاری و منم آفریده و تو خداوندی و منم مملوک

وانت الرب وانا العبد وانت العزيز وانا الذليل وانت القوي وانا

و تو پروردگاری و منم بنده و تو ارجمندی و منم ذلیل و تو توانائی و منم

الضعيف وانت الغني وانا الفقير وانت المعطي وانا السائل وانت

ناتوان و تو بی نیازی و منم نیازمند و تو بخشنده و منم درخواست کننده و تو

الغفور وانا الخاطي وانت الحي الذي لا تموت وانا خلق اموت

آمرزگاری و منم گنهکار و تو زنده که نمیمیری و منم آفریده شده که میمیرم

اللهم انت الله لا اله الا انت رب العالمين وانت الله لا اله الا

خداوندا توئی خدا نیست خدائی مگر تو پروردگار جهانیان و توئی خدا نیست خدائی مگر

انت العزيز الحكيم وانت الله لا اله الا انت العلي العظيم وانت الله

تو غالب درست کردار و توئی خدا نیست خدائی مگر تو بلند مرتبه بزرگوار و توئی خدا

لا اله الا انت الغفور الرحيم وانت الله لا اله الا انت مالك يوم

نیست خدائی مگر تو آمرزنده مهربان و توئی خدا نیست خدائی مگر تو خداوند روز

الدِّينِ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ بَدْؤُ الْخَلْقِ وَإِلَيْكَ يَعُودُ وَأَنْتَ

جزا و تو خدا نیست خدا که تو از تست نخستین آفرینش و بسوی تست بازگشت و تو

اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَلَا تَزَالُ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْخَالِقُ

خدا نیست خدا که تو همیشه بوده و همیشه خواهی و تو خدا نیست خدا که تو آفریننده

الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ وَأَنْتَ اللهُ

بهشت و دوزخ تو خدا نیست خدا که تو آفریننده نیکی و بدی و تو خدا

لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الْفَرْدُ الصَّمَدُ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ

نیست خدا که تو یگانه یکتای تنها بی نیاز نزاده و زاییده نشده و نیست

لَهُ كُفُواً أَحَدٌ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ

مر او را مانند هیچکس و تو خدا نیست خدا که تو دانای نهان و آشکار بخشنده

الرَّحِيمُ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ

مهربان و تو خدا نیست خدا که تو پادشاه پاک از نقصها سالم از نقصها ایمنی دهنده

الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِ

نگهبان غالب کار روا سازنده عظیم و عزیز بزرگواری پاک است خدا از آنچه شریک میسازند و تو خدا نیست

لٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰى سُبْحَانَ اللهِ عَمَّا

که تو آفریننده کار پدید آورنده نگارنده صورتها مر تراست نامهای نیکو پاک است خدا از آنچه

يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِ

تسبیح میکنند مر او را آنچه در آسمانها و زمین است و تو غالب درست کردار و تو خدا نیست خدا

لٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالُ وَالْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُكَ اللّٰهُمَّ إِنَّكَ سَابِغُ

که تو بزرگواری بلند مرتبه و بزرگواری جامه تست خداوندا که تو کامل

النَّعْمَاءِ حَسَنُ الْبَلَاءِ جَزِيلُ الْعَطَاءِ مُقْسِطُ الْقَضَاءِ بَاسِطُ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ

نعمت نیکو آزمایش بسیار بخشش عدالت کننده در حکم گشاده دو دست به بخشش

نَفَّاعٌ بِالْخَيْرَاتِ كَاشِفُ الْكُرُبَاتِ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ مُنَزِّلُ الْآيَاتِ مِنْ

بخایشگر ده به نیکیها زایل کننده غمهای بلند کرده شده مرتبهای فرو فرستنده آیتهای

مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمٰوَاتٍ عَظِيمُ الْبَرَكَاتِ مُخْرِجُ مَنْ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

از بالای هفت آسمانها بزرگ صاحب برکتهای بزرگ بیرون آورنده آنرا که در تاریکیهاست بنور

مُبَدِّلُ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ وَجَاعِلُ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ اللّٰهُمَّ إِنَّكَ دَنَوْتَ

بدل کننده گناهان به نیکیها و گرداننده نیکیها مرتبها خداوندا که تو نزدیکی

فِي عُلُوِّكَ وَعَلَوْتَ فِي دُنُوِّكَ فَدَنَوْتَ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ وَارْتَفَعْتَ فَلَيْسَ

در بلندی خود و برتری در نزدیکی پس نزدیکی پس نیست نزدیکتر از تو چیزی و بلندی پس نیست

فَوْقَكَ شَيْءٌ تَرٰى وَلَا تُرٰى وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلٰى فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوٰى لَكَ

بالای تو چیزی می بینی و دیده نمیشوی و تو در دیدگاه بلندتری شکافنده دانه و هسته مر تراست

مَا فِي السَّمٰوَاتِ الْعُلٰى وَلَكَ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولٰى اللّٰهُمَّ

آنچه در آسمانهای بلند و مر تراست بزرگواری در آنجهان و اینجهان خداوندا

إِنَّكَ غَافِرُ الذَّنْبِ شَدِيدُ الْعِقَابِ ذُو الطَّوْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ

بدرستیکه تو آمرزنده گناه سخت عقوبتی خداوند انعام نیست خدا که تو بسوی تست

الْمَصِيرُ وَسِعَتْ رَحْمَتُكَ كُلَّ شَيْءٍ وَبَلَغَتْ حُجَّتُكَ وَلَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِكَ وَأَنْتَ

بازگشت فراگرفت رحمت تو هر چیز را و رسا است حجت تو و نیست واپس دارنده مر حکم ترا و تو

لَا تُخَيِّبُ سَائِلَكَ أَنْتَ الَّذِي لَا رَافِعَ لِمَا وَضَعْتَ وَلَا وَاضِعَ لِمَا رَفَعْتَ

ناامید نمی کنی درخواست کننده خود را تو آنکه نیست بلند سازنده مر آنچه را که پست کنی و نه پست کننده آنچه را

أَنْتَ الَّذِي أَثْبَتَّ كُلَّ شَيْءٍ بِحِكْمَتِكَ وَلَا يَفُوتُكَ شَيْءٌ بِحِكْمَتِكَ وَأَحْصَيْتَ

تو آنکه ثابت کردی هر چیز را بحکمت خود و فوت نشود از تو چیزی بحکمت خود و شمردی

كُلَّ شَيْءٍ بِعِلْمِكَ وَأَبْرَمْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِحُكْمِكَ وَلَا يَفُوتُكَ شَيْءٌ بِعِلْمِكَ وَلَا

هر چیز را بدانش خود و محکم نمودی هر چیز را بحکم خود و فوت نشود از تو چیزی بدانش تو و

يَمْتَنِعُ عَنْكَ شَيْءٌ أَنْتَ الَّذِي لَا يُعْجِزُكَ هَارِبٌ وَلَا يَرْتَفِعُ صَرِيعُكَ وَلَا

امتناع نکند از تو چیزی تو آنکه عاجز نسازد ترا گریزنده تو و بلند نشود افتاده تو

يَحْيٰى قَتِيلُكَ أَنْتَ عَلَوْتَ فَقَهَرْتَ وَمَلَكْتَ فَقَدَرْتَ وَبَطَنْتَ فَخَبَرْتَ

زنده نگردد کشته تو تو بلندی پس غالبی و مالکی هر چیزرا پس توانایی و دانایی بنهان هر چیز آگاهی

وعلى كل شيء ظهرت علمت خائنة الأعين وما تخفي الصدور وتعلم ما

و بر هر چیز غلبه نموده دانی خیانت دیدها را و آنچه را که پنهان دارد سینه‌ها و میدانی

تحمل كل انثى وما تضع وما تغيض الأرحام وما تزداد وكل شيء عندك بمقدار

که بر میدارد هر زنی و آنچه بگذارد و آنچه بکاهد رحمها و آنچه بیفزاید و هر چیزی نزد او با اندازه

انت الذي لا تنسى من ذكرك ولا تضيع من توكل عليك انت الذي

تویی آنکه فراموش نمیکنی آنرا که یاد کرده ترا و ضایع نمیکنی آنرا که توکل نموده بر تو تویی آنکه

لا تشغلك ما في جو ارضك عما في جو سمواتك ولا تشغلك ما في جو سمواتك

باز نمیدارد ترا آنچه در فضای زمین تست در فضای آسمانهای تست و باز نمیدارد ترا آنچه در فضای

عما في جو ارضك انت الذي تعززت في ملكك ولم يشركك احد في

از آنچه در فضای زمین تست تویی آنکه بعزت تمامی در پادشاهی خود و شریک نیست ترا هیچکس در

جبروتك انت الذي علا كل شيء ملكك وملك كل شيء امرك انت الذي

بزرگواری تو تویی آنکه برتر آمد هر چیزی را پادشاهی تو و مالک است هر چیزی را فرمان تو تویی آنکه

ملكت الملوك بقدرتك واستعبدت الأرباب بعزتك وانت الذي

پادشاهی پادشاهان را بتوانایی خود و بنده کرده بزرگان را بغلبه خود و تویی آنکه

قهرت كل شيء بقوتك وعلوت كل شيء بفضلك انت الذي لا يستطاع

غالبی هر چیز را بتوانایی خود و برتری هر چیز را ببخشش خود تویی آنکه مقدور نیست

كنه وصفك ولا منتهى لما عندك انت الذي لا يصف الواصفون

رسیدن بپایان صفت تو و نیست نهایتی مر آنچه را که نزد تست تویی آنکه نمیتوانند ستایش کنندگان

عظمتك ولا يستطيع الزائلون تحويلك انت شفاء لما في الصدور و

بزرگی ترا و طاقت ندارند … گردانیدن ترا تویی شفا بخشنده مر آنچه را که در سینه‌هاست

هدى ورحمة للمؤمنين انت الذي لا يخيبك سائل ولا ينقصك

راهنمای و رحمت مر گرویدگان را تویی آنکه ناامید نمیکند ترا خواهنده و کم نمیکند ترا

نائل ولا يمدحك مادح ولا قائل انت الكائن قبل كل شيء والمكون

عطایا … و نمی‌ستاید ترا ستاینده و نه گوینده تویی موجود پیش از هر چیز و پدید آورنده

از آنچه

بلغ

رسید

لكل شيء

لكل شيء والكائن بعد كل شيء انت الواحد الصمد الذي لم تلد ولم تولد

هر چیز و موجود پس از هر چیز تویی یگانه بی‌نیاز آنکه نزاده و زاییده

ولم يكن لك كفوا احد ولا تتخذ صاحبة ولا ولدا السموات ومن فيهن

و نیست مر ترا هیچ همسری و فرا نگرفتی هیچ زنی و نه فرزندی آسمانها و آنکه در آنها

لك والأرضون ومن فيهن لك وما بينهن وما تحت الثرى احصيت

برای تست و زمینها و آنکه در آنهاست برای تست و آنچه میان آنهاست و آنچه در زیر خاک است شمرده

كل شيء واحطت به علما وانت تزيد في الخلق ما تشاء وانت لا تسئل

هر چیز را و احاطه کردی بهمه از روی دانش و تویی که زیاد میکنی در آفرینش آنچه خواهی و تویی که پرسیده نشوی

عما تفعل وهم يسألون وانت الفعال لما تريد وانت القريب وانت

از آنچه میکنی و ایشان سؤال کرده میشوند و تویی کننده مر آنچه اراده کنی و تویی نزدیک و تویی

البعيد وانت السميع وانت البصير وانت الماجد وانت الواحد وانت

دور و تویی شنوا و تویی بینا و تویی بزرگوار و تویی یگانه و تویی

العليم وانت الحكيم وانت الغني وانت الكريم وانت البار وانت الكر

دانا و تویی درستکار و تویی بی‌نیاز و تویی بزرگوار و تویی نیکوکار و تویی

وانت القادر وانت القاهر لك الأسماء الحسنى كلها وانت الجواد

و تویی توانا و تویی غالب مر تراست نامهای نیکو همه و تویی بخشنده

الذي لا تبخل وانت العزيز الذي لا تذل وانت ممتنع لا ترام تسبح

که بخل نمیورزی و تویی غالب که خوار نمیشوی و تویی امتناع کننده که قصد کرده نشوی

لك ما في السموات والأرض وانت بالخير اجود منك بالشر انت الذي

مر تراست آنچه در آسمانهاست و زمین است و تویی به نیکی بخشنده‌تری از خود …

ورب آبائي الأولين انت تجيب دعوة المضطر اذا دعاك انت نجيت

و پروردگار پدران پیشین تویی اجابت کننده دعای درمانده هرگاه بخواند ترا تویی که رهانیدی

نوحا من الغرق وانت لداود ذنبه وانت نفست عن ذا النون كربه

نوح را از غرق شدن و تو … داود گناه او را و تو زایل کردی از خداوند ماهی اندوه او

عفرت

آمرزیدی

وَاَنْتَ كَشَفْتَ عَنْ اَيُّوبَ ضُرَّهُ وَاَنْتَ رَدَدْتَ عَلٰى مُوسٰى عَلٰى اُمِّهِ وَاَنْتَ

و تو کشودی از ایوب بلا او را و تو برگردانیدی موسی را بر مادرش و تو

صَرَفْتَ قُلُوبَ السَّحَرَةِ اِلَيْكَ حَتّٰى قَالُوا اٰمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ وَاَنْتَ وَلِيُّ

گردانیدی دلهای جادوگران را بسوی خود تا آنکه گفتند گرویدیم به پروردگار جهانیان و تو صاحب

نِعْمَةِ الصَّالِحِينَ لَا يُذْكَرُ مِنْكَ اِلَّا الْحَسَنُ الْجَمِيلُ وَمَا لَا يُذْكَرُ

نعمت شایستگانی یاد کرده نمیشود از تو مگر احسان نیک و آنچه یاد کرده نمیشود

اَكْثَرُ لَكَ الْاٰلَاءُ وَالنِّعَمُ وَاَنْتَ الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ لَا نَبْلُغُ مِدْحَتَكَ وَ

بیشتر است مر ترا نعمت و عطاها و تو ای احسان کننده نیکوکار رسیده نمیشود ستایش تو

وَلَا الثَّنَاءَ عَلَيْكَ اَنْتَ كَمَا اَثْنَيْتَ عَلٰى نَفْسِكَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ تَبَارَكَتْ

و نه ستایش بر تو تو چنانکه خود ستوده‌ای خود را منزه میگویم ترا و مشغولم به ستایش تو

اَسْمَاؤُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ مَا اَعْظَمَ شَانَكَ وَاَجَلَّ مَكَانَكَ وَمَا اَقْرَبَكَ

نامهای تو و بزرگست ستایش تو چه بزرگست قدر تو و بزرگوار است جایگاه تو و چه نزدیکی

مِنْ عِبَادِكَ وَاَلْطَفَكَ بِخَلْقِكَ وَاَمْنَعَكَ بِقُوَّتِكَ اَنْتَ اَعَزُّ وَاَجَلُّ وَ

به بندگان خود و چه مهربانی تو بخلق خود و چه غالبی تو بتوانایی خود تو غالب‌تر و بزرگوارتر

اَسْمَعُ وَاَبْصَرُ وَاَعْلٰى وَاَكْبَرُ وَاَظْهَرُ وَاَشْكَرُ وَاَقْدَرُ وَاَعْلَمُ وَاَخْبَرُ

شنواتر و بیناتر و بلندتر و بزرگتر و ظاهرتر و جزا دهنده‌تر و تواناتر و داناتر و خبیرتر

وَاَكْبَرُ وَاَعْظَمُ وَاَقْرَبُ وَاَمْلَكُ وَاَوْسَعُ وَاَمْنَعُ وَاَعْطٰى وَاَحْكَمُ وَاَفْضَلُ

و بزرگتر و عظیم‌تر و نزدیکتر و پادشاه‌تر و فراخ‌تر و بازدارنده‌تر و بخشنده‌تر و حکم کننده‌تر

وَاَحْمَدُ مِنْ اَنْ يُدْرِكَ الْعِيَانُ عَظَمَتَكَ اَوْ يَصِفَ الْوَاصِفُونَ صِفَتَكَ

و ستوده‌تری از آنکه دریابد معاینه دیدگان بزرگی ترا یا وصف کنند وصف کنندگان صفت

اَوْ يَبْلُغُوا غَايَتَكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَجَلُّ مَنْ ذُكِرَ

یا برسند بکنه ذات تو خداوندا تو خدایی که نیست خدایی مگر تو بزرگوارتری از آنکه

وَاَشْكَرُ مَنْ عُبِدَ وَاَرْاَفُ مَنْ مَلَكَ وَاَجْوَدُ مَنْ سُئِلَ وَاَوْسَعُ مَنْ اَعْطٰى

و جزا دهنده‌تری از آنکه پرستیده شده و مهربان‌تری از هرکه خداوندی شود و بخشنده‌تری از هرکه سوال کرده شده

تَحْلُمُ بَعْدَ مَا تَعْلَمُ وَتَعْفُو وَتَغْفِرُ بَعْدَ مَا تَقْدِرُ لَمْ تُطَعْ قَطُّ اِلَّا بِاِذْنِكَ

بردباری پس از آنچه میدانی و درمیگذری و میآمرزی پس از آنکه قدرت داری اطاعت کرده نشده هرگز مگر بفرمان تو

وَلَمْ تُعْصَ قَطُّ اِلَّا بِعِلْمِكَ تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ وَتُعْصٰى رَبَّنَا فَتَغْفِرُ اَللّٰهُمَّ

و نافرمانی کرده نشده هرگز مگر بدانایی تو فرمان برده میشوی پروردگارا پس جزا میدهی و نافرمانی کرده میشوی پروردگارا پس میآمرزی

اَنْتَ اَقْرَبُ حَفِيظٍ وَاَدْنٰى شَهِيدٍ حُلْتَ بَيْنَ الْقُلُوبِ وَاَخَذْتَ بِالنَّوَاصِي

تو نزدیکتر نگهبانی و نزدیکتر حاضری حایل شوی میان دلها و فرا گرفته پیشانیها

وَاَحْصَيْتَ الْاَعْمَالَ وَعَلِمْتَ الْاَخْبَارَ وَبِيَدِكَ الْمَقَادِيرُ وَالْقُلُوبُ

و شمرده عملها را و دانسته خبرها را و بدست تست اندازها و دلها

اِلَيْكَ مُفْضِيَةٌ وَالسِّرُّ عِنْدَكَ عَلَانِيَةٌ وَالْمُهْتَدِي مَنْ هَدَيْتَ وَ

بسوی تو میل آورنده‌اند و نهان نزد تو آشکار است و راه یافته است کسی که هدایت نمودی او را و

الْحَلَالُ مَا حَلَّلْتَ وَالْحَرَامُ مَا حَرَّمْتَ وَالدِّينُ مَا شَرَعْتَ وَالْاَمْرُ مَا

حلال چیزیست که حلال کرده تو و حرام چیزیست که حرام کرده تو و دین آنست که تو قرار داده و فرمان آنچه

تَقْضِي وَلَا تُقْضٰى عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ

فرمایی و حکم کرده نمیشود بر تو خداوندا تویی اول پس نیست پیش از تو چیزی و تو

الْاٰخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ

آخر پس نیست بعد از تو چیزی و تویی ظاهر پس نیست بالای تو چیزی و تویی

الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اَللّٰهُمَّ بِيَدِكَ مَقَادِيرُ

باطن پس نیست فروتر از تو چیزی و تویی غالب درست کردار خداوندا بدست تست اندازهای

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ النَّصْرِ

شب و روز و بدست تست اندازهای آفتاب و ماه و بدست تست اندازهای یاری

وَالْخِذْلَانِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الْمَوْتِ

و خوار گذاشتن و بدست تست اندازهای دنیا و آخرت و بدست تست اندازهای مرگ

وَالْحَيٰوةِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي

و زندگی و بدست تست اندازهای نیک و بد رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز مرا

كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ وَضَوْءِ النَّهَارِ عَمْدًا اَوْ خَطَاءً سِرًّا اَوْ عَلَانِيَةً

هر گناهی که کردم آنرا در تاریکیهای شب و روشنی روز از روی عمد یا بطریق خطا در نهان یا آشکارا

اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا

بدرستی که تو بر هر چیزی توانایی و آن بر تو سهل و آسانست و نیست جنبشی و نه توانایی مگر

بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ اُثْنِي عَلَيْكَ بِاَحْسَنِ مَا اَقْدِرُ عَلَيْهِ وَاَشْكُرُكَ

بخدای بلند قدر بزرگ مرتبه خداوندا ستایش میکنم بر تو بنیکوترین ستایشی که قدرت دارم بر آن و سپاسداری کنم

بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ شُكْرِكَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا

بآنچه انعام کردی آنرا بر من و تعلیم کردی مرا از سپاسگذاری تو خداوندا مر تراست سپاس بستایشهای تو همه

عَلَى نَعْمَائِكَ كُلِّهَا وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ لَكَ اِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى

بر نعمتهای تو همه آنها و بر همه آفریدهای تو تا آنکه برسد سپاس مر ترا بسوی آنچه دوست داری و پسندی

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ وَعَدَدَ مَا اَرَدْتَ وَعَدَدَ مَا ذَرَأْتَ

خداوندا مر تراست سپاس شمار آنچه پدید آوردی و شمار آنچه خواستی و شمار آنچه آفریدی

وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا بَرَأْتَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا اَحْصَيْتَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ

و مر تراست سپاس شمار آنچه پدید آوردی و مر تراست سپاس شمار آنچه شمرده و مر تراست سپاس شمار

مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرَضِينَ وَلَكَ الْحَمْدُ مِلْءَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ پس ده

آنچه در آسمانها و زمینها و مر تراست سپاس بمقدار پری این جهان و آن جهان مرتبه

بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ

نیست خدایی مگر خدای یگانه نیست شریکی برای او مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس زنده میکند و میمیراند

وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي

و او زنده ایست که نمیرد بدست اوست نیکی و او بر هر چیزی تواناست طلب آمرزش میکنم از خدایی که

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ پس بگو يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ

نیست خدایی مگر او زنده پاینده و بازگشت میکنم بسوی او ای خدا ای خدا

ده مرتبه يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ ده مرتبه يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ ده يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ

ده مرتبه ای بخشنده ... ای مهربان مرتبه ای پدید آورنده آسمانها

والارض

وَالْاَرْضِ ده مرتبه يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ ده مرتبه يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ ده مرتبه

و زمین ... ای خداوند بزرگواری و کرامت ... ای بخشاینده ای منت نهنده

يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ ده بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ده اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

ای زنده ای پاینده مرتبه بنام خدای بخشنده مهربان مرتبه خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

ده مرتبه اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَوَلِيُّ الْحَمْدِ وَمُنْتَهَى الْحَمْدِ وَفِيُّ الْعَهْدِ عَزِيزُ الْجُنْدِ

پس بگو خداوندا مر تراست سپاس ای سزاوار سپاس ...

قَدِيمُ الْمَجْدِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لَا شَمْسٌ تُضْحِي وَلَا قَمَرٌ يَسْرِي

دیرینه بزرگواری سپاس مر خدایرا که بود عرش او بر آب ...

وَلَا بَحْرٌ يَجْرِي وَلَا رِيَاحٌ تَذْرِي وَلَا سَمَاءٌ مَبْنِيَّةٌ وَلَا اَرْضٌ مَدْحِيَّةٌ

و نه دریایی که روان گردد ...

وَلَا لَيْلٌ يَجُنُّ وَلَا نَهَارٌ يُكِنُّ وَلَا عَيْنٌ تَدْمَعُ وَلَا صَوْتٌ يُسْمَعُ وَلَا

جَبَلٌ مُرْسًى وَلَا سَحَابٌ مُنْشَأٌ وَلَا اِنْسٌ مَبْرُوءٌ وَلَا جِنٌّ مَذْرُوءٌ وَلَا

مَلَكٌ كَرِيمٌ وَلَا شَيْطَانٌ رَجِيمٌ وَلَا ظِلٌّ مَمْدُودٌ وَلَا شَيْءٌ مَعْدُودٌ اَلْحَمْدُ

لِلّٰهِ الَّذِي اسْتَحْمَدَ اِلَى مَنِ اسْتَحْمَدَهُ مِنْ اَهْلِ مَحَامِدِهِ لِيَحْمَدُوهُ عَلَى مَا نَدَبَ

مِنْ نَوَافِلِهِ الَّذِي فَاقَ مَدْحَ الْمَادِحِينَ مَآثِرُ مَحَامِدِهِ وَعَدَا وَصْفَ

الْوَاصِفِينَ هَيْبَةُ جَلَالِهِ هُوَ اَهْلٌ لِكُلِّ حَمْدٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ وَ

قَاضِي كُلِّ حَاجَةٍ اَلْوَاحِدُ الَّذِي لَا بُدَّ لَهُ الْمَلِكُ الَّذِي لَا زَوَالَ

لَهُ الرَّفِيعُ الَّذِي لَيْسَ فَوْقَهُ نَاظِرٌ ذُو الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ الْمَحْمُودُ لِبَذْلِ
[illegible]
نَوَالِهِ الْمَعْبُودُ لِهَيْبَةِ جَلَالِهِ الْمَذْكُورُ بِحُسْنِ آلَائِهِ الْمَنَّانُ لِسَعَةِ فَوَاضِلِهِ
[illegible]
الْمَرْغُوبُ إِلَيْهِ فِي تَمَامِ الْمَوَاهِبِ مِنْ خَزَائِنِهِ الْعَظِيمُ الشَّأْنِ الْكَرِيمُ
[illegible]
فِي سُلْطَانِهِ الْعَلِيُّ فِي مَكَانِهِ الْمُحْسِنُ فِي امْتِنَانِهِ الْجَوَادُ فِي فَوَاضِلِهِ الْحَمْدُ
[illegible]
لِلّٰهِ بَارِئِ خَلْقِ الْمَخْلُوقِينَ بِعِلْمِهِ وَمُصَوِّرِ أَجْسَادِ الْعِبَادِ بِقُدْرَتِهِ وَمُخَالِفِ
[illegible]
صُوَرِ مَنْ خَلَقَ مِنْ خَلْقِهِ وَنَافِخِ الْأَرْوَاحِ فِي خَلْقِهِ بِعِلْمِهِ وَمُعَلِّمِ مَنْ عَلَّمَ
[illegible]
اسْمَهُ وَمُدَبِّرِ خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ بِعَظَمَتِهِ الَّذِي وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ
[illegible]
خَلْقُ كُرْسِيِّهِ وَعَلَا بِعَظَمَتِهِ فَوْقَ الْأَعْلَيْنَ وَقَهَرَ الْمُلُوكَ بِجَبَرُوتِهِ
[illegible]
الْجَبَّارُ الْأَعْلَى الْمَعْبُودُ فِي سُلْطَانِهِ الْمُتَسَلِّطُ بِقُوَّتِهِ الْمُتَعَالِي فِي دُنُوِّهِ
[illegible]
الْمُتَدَانِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فِي ارْتِفَاعِهِ الَّذِي نَفَذَ بَصَرُهُ فِي خَلْقِهِ وَحَارَتِ
[illegible]
الْأَبْصَارُ لِشُعَاعِ نُورِهِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْحَلِيمِ الرَّشِيدِ الْقَوِيِّ الشَّدِيدِ الْمُبْدِئِ
[illegible]
الْمُعِيدِ الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيدُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مُنْزِلِ الْآيَاتِ وَكَاشِفِ
[illegible]

مَنْ عَلَّمَهُ [illegible]

الكربات

الْكُرُبَاتِ وَمُوفِي السُّؤُلَاتِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ فِي كُلِّ مَكَانٍ وَفِي كُلِّ زَمَانٍ وَفِي
[illegible]
كُلِّ أَوَانٍ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ وَلَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ وَلَا
[illegible]
يَخْذُلُ مَنْ وَالَاهُ الَّذِي يَجْزِي بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا وَبِالصَّبْرِ نَجَاةً الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
[illegible]
لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ
[illegible]
مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللّٰهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
[illegible]
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
[illegible]
إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ
[illegible]
الْحَمْدُ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ آنَاءَ
[illegible]
اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَسُبْحَانَ
[illegible]
رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
[illegible]
الْعَالَمِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَمَا يُحِبُّ رَبُّنَا وَكَمَا يَرْضَى حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا وَسُبْحَانَ
[illegible]
اللّٰهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ أَنْ يُسَبَّحَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّمَا حَمِدَ اللّٰهَ
[illegible]

[illegible] الْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ [illegible] وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ [illegible]

شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ أَنْ يُحْمَدَ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللهَ شَيْءٌ وَكَمَا

چیزی و چنانچه دوست میدارد خدا آنکه ستایش کرده شود و نیست خدایی مگر خدا هرگاه تهلیل گفت خدا را چیزی و چنانچه

يُحِبُّ اللهُ أَنْ يُهَلَّلَ وَاللهُ أَكْبَرُ كُلَّمَا كَبَّرَ اللهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ أَنْ يُكَبَّرَ

دوست میدارد خدا آنکه تهلیل کرده شود و خدا بزرگتر است هرگاه بزرگی یاد کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خدا آنکه

وَلَا حَوْلَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بعد دعای مخزونه

و نیست قدرتی و نه توانایی مگر بتوفیق خدای بلند قدر بزرگ مرتبه برحمتک یا ارحم الراحمین

و دعا اینست اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْكَبِيرَةِ الْكِبْرِيَائِيَّةِ

بسم الله الرحمن الرحیم خداوندا که من درمیخواهم از تو بحرمت نامهای تو که بزرگ است بزرگی

يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ هفت بِأَسْمَائِكَ الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ الْمَكْنُونَةِ يَا اللهُ اَللّٰهُمَّ

ای خدا ای بخشنده مرتبه بحرمت نامهای خوش پسندیده پسندیده پوشیده تو ای خدا خداوندا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْكَبِيرَةِ الْكِبْرِيَائِيَّةِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

که من درمیخواهم از تو بحرمت که بزرگ است بزرگی دارنده خداوندا که من درمیخواهم

بِأَسْمَائِكَ الْعَزِيزَةِ الْمَنِيعَةِ وَأَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ التَّامَّةِ الْكَامِلَةِ

بحرمت نامهای ارجمند بلند تو و درمیخواهم از تو بحرمت نامهای تو که تمام و کامل

الْمَشْهُورَةِ يَا اللهُ وَأَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي هِيَ رِضَاكَ يَا اللهُ وَأَسْأَلُكَ

و مشهور ای خدا و درمیخواهم از تو بحرمت نامهای تو که آن خوشنودی تست ای خدا و درمیخواهم

بِأَسْمَائِكَ الَّتِي لَا يَرُدُّهَا دُونَكَ أَحَدٌ يَا اللهُ وَأَسْأَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ

بنام تو که آنها را باز نگرداند غیر تو هیچکس ای خدا و درمیخواهم از تو از سوالهای تو

بِمَا عَاهَدْتَ أَوْفَى الْعَهْدِ يَا اللهُ أَنْ تُحَبِّبَ سَائِلَكَ يَا اللهُ وَأَسْأَلُكَ

بسوالی که عهد کرده وفا کردنده ترین عهدها ای خدا آنکه دوست داری سوال کننده خود را ای خدا و درمیخواهم

بِجُمْلَةِ مَسَائِلِكَ الَّتِي لَا يَفِي بِحَمْلِهَا شَيْءٌ غَيْرُكَ يَا اللهُ هفت مرتبه

بهمه سوالهای تو که وفا نمیکند ببرداشتن آنها چیزی غیر تو ای خدا باید خواند

وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ أَوْجَبْتَهُ وَكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَكُلِّ مَسْئَلَةٍ حَتَّى تَقْضِيَهَا

و درمیخواهم از تو بهر نامیکه [illegible]

الى

إِلَى اسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى

بسوی نام تو که عظیم است عظیم است عظیم بزرگ است بزرگتر بلندتر است بلند

الَّذِي اسْتَوَيْتَ بِهِ عَلَى عَرْشِكَ وَاسْتَقْلَلْتَ بِهِ عَلَى كُرْسِيِّكَ وَهُوَ

آن نامیکه استیلا دادی بآن بر عرش خود و مستقل کردی بآن بر کرسی خود و آن

اسْمُكَ الْفَاضِلُ الْكَامِلُ الَّذِي فَضَّلْتَهُ عَلَى جَمِيعِ أَسْمَائِكَ يَا رَحْمٰنُ

نام نیک کامل تست آن نامیکه زیادتی دادهٔ آنرا بر همه نامهای تو ای بخشنده

هفت مرتبه وَأَسْأَلُكَ بِمَا لَا أَعْلَمُهُ مَا لَوْ عَلِمْتُهُ لَسَأَلْتُكَ بِهِ يَا اللهُ

باید خواند و درمیخواهم از تو بآنچه نمیدانم آنرا آنچه اگر دانستمی آنرا هر آینه سوال کردمی [illegible]

وَبِكُلِّ اسْمٍ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ أَنْ تُصَلِّيَ

و بهر نامیکه منفردی تو بآن در علم غیب [illegible]

عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفْوَتِكَ

بر محمد بندهٔ تو و رسول تو و پیغمبر تو و با امانت تو و دوست تو و برگزیده

مِنْ خَلْقِكَ وَخَاصَّتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَنَجِيِّكَ وَنَجِيبِكَ وَحَبِيبِكَ وَخَلِيلِكَ

از خلق تو و خصوصیت [illegible]

وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ وَأَجْمَلِ

و بر خانوادهٔ محمد و رحم کن بر محمد و خانوادهٔ محمد بهتر و نیکوتر

وَأَزْكَى وَأَطْهَرِ وَأَعْظَمِ وَأَكْثَرِ وَأَتَمِّ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ

و فزاینده تر و پاکیزه تر و بزرگتر و بیشتر و تمامتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از پیغمبران

وَرُسُلِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و رسولان خود ای خداوند بزرگواری و کرامت خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

فِي الْأَوَّلِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

در پیشینیان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد در پسینیان خداوندا رحمت فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَإِ الْأَعْلَى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر محمد و آل محمد در گروه بزرگان ملائکه خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

في النبيين والمرسلين اللهم اعط محمدا صلواتك عليه وآله الوسيلة
والفضيلة والشرف والدرجة الرفيعة اللهم اكرم مقامه وشرف
بنيانه وعظم نوره وبرهانه وبيض وجهه واعل كعبه وافلج حجته و
اظهر عذره ودعوته وتقبل شفاعته كما بلغ رسالاتك وتلا آياتك
وامر بطاعتك وائتمر بها ونهى عن معصيتك وانتهى عنها في سر وعلانية
وجاهد حق الجهاد فيك وعبدك مخلصا حتى اتاه اليقين صلواتك
عليه وعلى اهله اللهم ابعثه مقاما محمودا يغبطه عليه الاولون
والآخرون من النبيين والمرسلين اللهم استعملنا بسنته وتوفنا
على ملته وابعثنا في شيعته واحشرنا في زمرته واجعلنا ممن يتبعه و
لا تحجبنا عن رؤيته ولا تحرمنا مرافقته حتى تسكننا غرفته وتخلدنا في
جواره رب ان احببته فاحببني لذلك ولا تفرق بيني وبينه طرفة
عين في الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد وآل محمد الذين اذهبت

عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم افتح لهم فتحا يسيرا وانصرهم
نصرا عزيزا واجعل لهم من لدنك سلطانا نصيرا اللهم مكن لهم
في الارض واجعلهم الوارثين اللهم ارهم في عدوهم في خير و
عافية اللهم عجل الروح والفرج لآل محمد اللهم اجمع على الهدى
امرهم واجعل قلوبهم على قلوب خيارهم واصلح ذات بينهم انك حميد
مجيد اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي
ولوالدي وما ولدا واعتقهما من النار وارحمهما وارض عنهما
واغفر لكل والد لي دخل في الاسلام ولاهلي وولدي وجميع
قراباتي انك على كل شيء قدير اللهم اجعلني وجميع ورثة ابي و
اخواني فيك من اهل ولايتك ومحبتك فانه لا يقدر على ذلك
غيرك يا رحمن اللهم اوزعني ان اشكرك واشكر نعمتك التي انعمت
علي وعلى والدي وان اعمل صالحا ترضيه واصلح لي في ذريتي

واجعلهم ائمة

إني تبت إليك وإني من المسلمين واجز والدي خير ما جزيت والدا

بدرستی که من رجوع نمودم بسوی تو و من از گردن نهندگانم و جزا ده پدر و مادر مرا بهتر از آنچه سزا دادی والدین را

عن ولده واجعل ثوابهما عني جنات النعيم واغفر لنا ولإخواننا

از فرزندش و بگردان ثواب ایشان که از من است باغهای بهشت با ناز و نعمت و بیامرز ما را و برادران ما را

الذين سبقونا بالإيمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا

آنانکه پیش گرفتند ما را بایمان و مگردان در دلهای ما کینه برای آنانکه گرویدند پروردگارا

إنك رؤوف رحيم واغفر لنا وللمؤمنين والمؤمنات الأحياء منهم و

بدرستیکه تو مهربان بخشنده و بیامرز ما را و مردان گرونده و زنان گرونده را زندگان از ایشان و

الأموات اللهم أصلح ذات بينهم واجمع على الهدى أمرهم و

مردگان را خداوندا بصلاح آور حالی که میان ایشانست و جمع کن بر هدایت کار ایشان را

اجعلني وإياهم على طاعتك ومحبتك اللهم والمم شعثهم واحقن

بگردان مرا و ایشانرا بر فرمانبرداری خود و دوستی خود خداوندا و درهم آور پراکندگی ایشانرا و نگاهدار

دماءهم وول أمرهم خيارهم أهل الرأفة والرحمة والمعدلة

خونهای ایشانرا و بگردان متولی کار ایشان نیکان ایشانرا اهل مهربانی و رحمت و عدالت

عليهم إنك على كل شيء قدير يا رب يا رب يا رب اللهم بديع السموات

برایشان بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی ای پروردگار من خداوندا نو آورنده آسمانها

والأرض عالم الغيب والشهادة ذا الجلال والإكرام والجود والقوة

و زمین دانای نهان و آشکار خداوند بزرگواری و گرامی داشتن و توانائی

والسلطان والجبروت والملكوت والكبرياء والعظمة والقدرة

و سلطنت و بزرگواری و پادشاهی و بزرگواری و بزرگی و توانائی

والمدحة والرهبة والرغبة والجود والعلو والحجة والهدى

و ستایش و ترس و خواهش و بخشش و بلندی و حجت و راهنمائی

والطاعة والعبادة والأمر والخلق وكل شيء لك يا رب العالمين

و فرمانبرداری و پرستش و فرمان دهی و آفرینش و هر چیزی که تراست ای پروردگار جهانیان

یا رب

يا رب يا رب يا رب أسألك يا رب سؤال الضارعين المتضرعين

ای پروردگار من درمیخواهم از تو ای پروردگار من خواستن زاری کنندگان [illegible]

المساكين المستكينين الراغبين الراهبين الذين يجدون سواك

درویشان ذلیل کنندگان خواهندگان ترسندگان آنانکه [illegible] غیر ترا

يا من يجيب المضطر ويكشف الضر ويجيب الداعي ويعطي السائل

ای آنکه اجابت میکند درمانده را و زائل میکند بدحالی را و اجابت میکند خواننده را و [illegible]

أسألك يا رب سؤال من لم يجد لضعفه مقويا ولا لذنبه غافرا

درمیخواهم از تو ای پروردگار من [illegible]

ولا لفقره سادا غيرك أسألك سؤال من قد اشتدت فاقته و

[illegible] درمیخواهم از تو سوال کسیکه [illegible]

ضعفت قوته وكثرت ذنوبه يا ذا الجلال والإكرام يا رب يا رب

[illegible] ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن ای پروردگار من

أسألك يا رب مسألة كل سائل ورغبة كل راغب تبذل إذا غنيت

درمیخواهم از تو ای پروردگار من [illegible]

أجبت وبحق السائلين عليك وبحق صفوتك من عبادك ومنتهى العز

اجابت کنی و بحق سوال کنندگان بر تو و بحق برگزیده تو از بندگان تو و [illegible]

من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك أن لا تستدرجني بخطيئتي ولا

از عرش تو و منتهای رحمت از کتاب تو آنکه [illegible]

تجعل مصيبتي في ديني واذكرني برضاك ولا تنسني حين تنشر رحمتك

کردانی مصیبت مرا در دین من و یاد کن مرا بخوشنودی خود و [illegible]

واقبل علي بوجهك الكريم وامنن علي بكرامتك يا كريم العفو و

و رو آور بر من بروی لطف خود که بزرگوار است و بخشش کن بر من بنوازش خود ای کریم [illegible]

واستجب دعائي وارحم تضرعي فإني بائس فقير خائف مستجير من

و بپذیر دعای مرا و رحم کن زاری مرا [illegible]

من عذابك لا اثق بعملي ولكني اثق برحمتك يا رب يا رب اللهم يا رب
از عذاب تو اعتماد ندارم بکردار خود ولیکن اعتماد دارم بخشش تو ای پروردگار من خداوندا
كن لي حفيا ولا تجعلني بدعائك رب شقيا وامنن علي بعافيتك
باش بمن مهربان و مگردان مرا بخواندن خود پروردگارا بدبخت و بخشش کن بر من بعافیت خود
واعتق رقبتي من النار فاني لا استغيث بغيرك واستجير بك فاجرني
و آزاد کن گردن مرا از آتش زیرا که من استغاثه نمیکنم بغیر تو و پناه میجویم بتو پس پناه ده مرا
من كل هول ومشقة وخوف وامن خوفي وشجع جبني وقو ضعفي
از هر ترس و مشقت و بیمی و ایمنی بخش ترس مرا و دلیر کن بددلی مرا و قوی گردان ناتوانی مرا
وسد فاقتي واصلح لي جميع اموري يا رب اعوذ بك من هول المطلع
و ببند راه حاجت مرا و بصلاح آور برای من همه امور مرا ای پروردگار من پناه میگیرم بتو از ترس قیامت
ومن شدة الموقف يوم الدين فانك تجير ولا يجار عليك يا رب يا رب
و از سختی محل ایستادن در روز جزا زیرا که تو پناه میدهی و پناه داده نمیشود بر تو ای پروردگار من
يا رب اللهم لا تعرض عني حين ادعوك ولا تصرف عني وجهك
ای پروردگار من خداوندا مگردان روی لطف خود را از من هنگامیکه میخوانم ترا و مگردان از من روی خود را
حين اسئلك فلا رب لي سواك واعطني مسئلتي وامن خوفي يوم
هنگامیکه سوال کنم ترا پس نیست پروردگاری مرا غیر تو و ببخش مرا آنچه درخواستم و ایمن کن ترس مرا روز
القاك اللهم اني اعوذ بك فاعذني فاني ضعيف خائف مستجير بائس
که ملاقات کنم ترا خداوندا که من پناه میگیرم بتو پس پناه ده مرا زیرا که من ناتوانم ترسانم زنهار خواهنده‌ام
فقير يا رب يا رب اللهم اكشف ضر ما استعذتك منه و
بیچیزم ای پروردگار من خداوندا زائل کن آنچه را که پناه میجویم بتو از آن و
البسني رحمتك وجللني عافيتك وامني برحمتك فانك تجير ولا يجار
بپوشان مرا برحمت خود و فرو گیر مرا بعافیت خود و ایمنی بخش برحمت خود زیرا که تو پناه میدهی و پناه داده نمیشود
عليك اللهم اني اعوذ بك من وحشة القبر ومن خلوته ومن
بر تو خداوندا که من پناه میگیرم بتو از وحشت قبر و از تنهائی آن و از

ظلمته

ذی حجه ۱

ظلمته وضيقه وعذابه ومن هول ما اتخوف بعده يا رب العالمين
تاریکی آن و تنگی آن و عذاب آن و از ترس آنچه میترسم بعد از آن ای پروردگار جهانیان
يا رب يا رب يا رب اللهم اني اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد واهل
ای پروردگار من خداوندا که من درخواست میکنم از تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اهل
بيته صفوتك وخيرتك من خلقك وان تستجيب لي دعائي وتعطيني سؤلي
خانه او برگزیده تو و اختیار کرده شده تو از خلق تو و اینکه بپذیری برای من دعای مرا و بدهی آرزوی مرا
واكفني امر آخرتي ودنياي وارحم فاقتي واغفر ذنوبي ما تقدم منها
و کارگزاری کن مرا در کار آخرت من و دنیای من و رحم کن حاجت مرا و بیامرز گناهان مرا آنچه پیش گذشته
وما تأخر وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني برحمتك
و آنچه باز پس مانده و بده مرا در این جهان نیکی و در آن جهان نیکی و نگاه دار مرا برحمت خود
عذاب النار اللهم ارزقني صلة قرابتي وحجا مقبولا وعملا صالحا
از عذاب آتش خداوندا روزی کن مرا پیوستن خویشان خود و حجی پذیرفته و کرداری شایسته
مبرورا ترضيه ممن عمل به واصلح لي في اهلي وولدي واسئلك ان
قبول کرده که پسندیده آنرا از هر که بجا آرد آنرا و بصلاح آور برای من خانه مرا و فرزندان مرا
تجعل لي عقبا صالحا الحقني من دعائهم رضوانا ومغفرة وزيادة في
بگردانی برای من فرزندانی شایسته که برسانند مرا از دعای آنها خوشنودی و آمرزش و زیاده
كرامتك انك على كل شيء قدير وانت ارحم الراحمين يا رب يا رب
نوازش خود زیرا که تو بر هر چیز توانائی و تو رحیم‌ترین رحم کنندگانی ای پروردگار من
اللهم وكلما كان في قلبي من شك او ريبة او جحود او قنوط او فرح
خداوندا و هرچه باشد در دل من از شک یا تهمت یا انکار یا ناامیدی یا شادی
او مرح او بطر او فخر او خيلاء او جبن او خيفة او رياء او سمعة
یا خرمی یا طغیان یا فخر بخود یا تکبر یا بددلی یا ترس یا ریا یا بسمعه
او شقاق او نفاق او كفر او فسوق او عصيان او عظمة او شيء مما
یا مخالفت و عناد یا نفاق یا ناسپاسی یا بدکرداری یا نافرمانی یا بزرگی یا چیزی از آنچه

لا تجب عليه اولياءك فاسألك بحق محمد وآل محمد ان تمحو ذلك

دوست بدارى بركن دوستان خود را پس در مى‌خواهم از تو بحق محمد و آل محمد آنكه زايل كنى آنرا

من قلبي وان تشد لي مكانه ايمانا وعدلا ورضا بقضائك ووفاء

از دل من و آنكه بدل آورى براى من جايگاه آن ايمان و عدالت و خوشنودى بحكم تو و وفا كردن

بعهدك ووجلا منك وزهدا في الدنيا ورغبة فيما عندك

به پيمان تو و ترسيدن از تو و بى‌رغبتى در دنيا و خواهش در آنچه نزد تست

وثقة بك وطمأنينة اليك وتوبة اليك نصوحا يا رب يا رب

و اعتماد كردن بتو و آرام گرفتن بسوى تو و توبه نمودن بسوى تو بازگشتى خالص اى پروردگار من

اللهم لك الحمد كما خلقتني ولم اك شيئا مذكورا فاعني على اهوال

خداوندا مر تراست سپاس چنانچه آفريدى مرا و نبودم چيزى نام برده شده پس مدد كن مرا بر ترسهاى

الدنيا وبوائق الدهر ونكبات الزمان وكربات الآخرة ومصيبات

دنيا و بلاهاى مهلك روزگار و سختيهاى حوادث زمانه و اندوههاى آخرت و مصيبتهاى

الليالي والايام واكفني شر ما يعمل الظالمون في الارض اللهم

در شبها و روزها و دفع كن از من گزند آنچه مى‌كنند ستمكاران در زمين خداوندا

بارك لي في قدرك ورضني بقضائك اللهم افتح مسامع قلبي لذكرك

بركت ده مرا در تقدير خود و خوشنود كن مرا بحكم خود خداوندا بگشاى گوشهاى دل مرا بياد خود

وارزقني شكرا وتوفيقا وعبادة وخشية يا رب العالمين يا رب

و روزى كن مرا شكر و توفيق و عبادت و ترس اى پروردگار جهانيان اى پروردگار

يا رب يا رب اللهم اطلع على اليوم اطلاعة تدخلني بها الجنة اللهم

اى پروردگار من خداوندا نظر كن بمن در امروز نگريستنى كه درآورى مرا بسبب آن ببهشت خداوندا

استجب دعائي واقبله مني واجعلني دعاء جامعا يوافق بعضه بعضا

بپذير دعاى مرا و قبول كن آنرا از من و بگردان آنرا دعاى جمع آورنده كه موافق باشد بعضى با بعضى

فان كل شيء عندك بمقدار اللهم واجعله من شأنك فانك كل يوم

پس بدرستيكه هر چيزى نزد تو باندازه است خداوندا و بگردان آنرا از كار خود زيرا كه تو هر روز

في شأن اللهم واكتبه لي في عليين في كتاب لا يمحى ولا يبدل بان

در كارى خداوندا و بنويس براى من در عليين در كتابيكه محو نشود و تغيير داده نشود به

تقول قد غفرت لعبدي ما تقدم من ذنبه وما تأخر واستجبت له

بگوئى بتحقيق آمرزيدم براى بنده خود آنچه پيش گذشته از گناه او و آنچه باز پس مانده و مستجاب كردم

دعوته ووفقته واصطفيته لنفسي وكرمته وفضلته وعظمته

دعاى او را و توفيق دادم او را و برگزيدم او را براى خود و گرامى داشتم او را و زيادتى دادم او را و بزرگ داشتم او را

وهديته وزكيته واستخلصته وغفرت له وعفوت عنه آمين

و راه نمودم او را و پاكيزه نمودم او را و بخالص آوردم او را و آمرزيدم براى او و عفو كردم از او

يا رب العالمين يا رب يا رب اللهم اني اتوجه اليك بنبيك نبي

اى پروردگار جهانيان اى پروردگار من خداوندا بدرستيكه من روى آورم بسوى تو بوسيله پيغمبر تو پيغمبر

الرحمة ومحمد في خلاصي وخلاص والدي وما ولدا واهلي وولدي

رحمت و محمد در خلاصى خود و خلاصى پدر و مادر خود و آنچه زاييده‌اند و اهل خود و فرزند خود

وجميع ذريتي واخواني فيك وجميع المؤمنين والمؤمنات وكل والد لي دخل

و همه فرزندان خود و برادران خود در راه تو و همه مؤمنان و مؤمنات و هر پدرى كه داخل شد

پدر خود

في الاسلام من اهوال يوم القيامة ومن شر عذاب القبر ومن

در اسلام از ترسهاى روز رستخيز و از گزند عذاب قبر و از

هموم الدنيا والآخرة واهوالها واسئلك ان ترزقني خيرها وتصرف

غمهاى دنيا و آخرت و ترسهاى آن و در مى‌خواهم از تو آنكه روزى كنى مرا نيكى آنرا و بگردانى

عني شرها وتثبتني بالقول الثابت في الحيوة الدنيا وفي الآخرة انك

از من گزند آنرا و ثابت دارى مرا بگفتار درست در زندگانى دنيا و در آخرت بدرستيكه تو

رؤف رحيم وصلى الله على محمد وآله وسلم تسليما كثيرا وحسبنا الله

مهربان بخشنده و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او و درود فرستد درود بسيار و بس است ما را خدا

ونعم الوكيل يا رب يا رب اللهم اني اسئلك ان تصرف عني

و نيكو كارسازيست اى پروردگار من خداوندا بدرستيكه من درمى‌خواهم از تو اينكه بگردانى از من

شر كل جبار عنيد وشيطان مريد وشر كل ضعيف من خلقك وشديد
ومن شر السامة والهامة والامة والخاصة والعامة ومن شر كل
دابة صغيرة وكبيرة بالليل والنهار ومن شر فسقة العرب والعجم
ومن فسقة الجن والانس انك على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم وصلى الله على محمد واله خير مخلوق دعا الى
خير معبود اللهم ربنا اتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة
وقنا برحمتك عذاب النار يا رب يا رب يا رب اللهم وما كان من
خير او عمل صالح واكون في رضوانك وعافيتك وما صلح من ذلك
من البر فامنن علي به اني اليك راغب وبك مستجير اللهم ما
استعفيتك منه وما لم استعفك منه وتوجب علي به النار و
سخطك فعافني منه عدتني من المخازي يوم القيامة وسوء المطلع
الى ما في القبور فاعذني منه اللهم وما اندم عليه من فعلي

آسئلك به

ذالحجة

له والجازي عليه يوم المعاد او تراني في الدنيا على الحال التي تورث
سخطك فاسئلك بوجهك الكريم ان تعظم عافيتي من جميع ذلك
يا ولي العافية يا رب يا رب يا رب مع ذلك العافية من جهد البلاء
وسوء القضاء وشماتة الاعداء وان تحملني به ما لا طاقة لي به وان
تسلط علي ظالما او تبتليني بما لا طاقة لي وتناقشني الحساب يوم
الحساب مناقشة يساوي اخرج ما اكون الى عفوك وتجاوزك
اسئلك بوجهك الكريم ان تعظم عافيتي في جميع ذلك يا ولي
العافية اي من عفى عن السيئات ولم يجازيها ارحم عبدك
يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله نفسي نفسي ارحم عبدك يا
سيداه عبدك بين يديك يا رباه يا رباه يا منتهى رغبتاه يا
مجري الدم في عروق عبدك عبدك يا سيداه يا مالك عبده
يا سيداه يا مالكاه يا هو يا رباه لا حيلة لي ولا غنى لي عن نفسي

واسئلك يا رب

ولا استطيع لها ضرا ولا نفعا ولا رجاء لي ولا اجد احدا اصانعه

و قدرت ندارم برای نفس خود زیانی و نه سودی و نیست امیدی مرا و نمی یابم کسی که رشوت دهم او را

تقطعت اسباب الخدايع عني واضمحل عني كل باطل افردني الدهر اليك

بریده شد رسنهای فریب از من و نیست شد از من هر باطلی تنها کرد مرا زمانه بسوی تو

فقمت هذا المقام الهي بعلمك فكيف انت صانع بي ليت شعري ولا

پس ایستاده ام در اینجا الهی بدانش تو پس چگونه تو معامله کنی با من کاش دانستمی و نه

اشعر كيف تقول لدعائي اتقول نعم او تقول لا فان قلت لا فيا ويلتا

دانم چگونه جواب بگوئی دعای مرا آیا بگوئی بلی یا بگوئی نی پس اگر گوئی نی پس ای وای

يا ويلتاه يا ويلتاه يا عولتاه يا عولتاه يا عولتاه يا شقوتاه يا شقوتاه يا شقوتاه

ای وای ای وای ای فغان [illegible]

يا ذوا الذلاه يا ذوا الذلاه الى من والى عند من او كيف او بما

ای خوار ای خوار بسوی که خواهم گریخت و نزد که یا چگونه یا بچه

ذا او الى اي شيء ومن ارجو ومن يعود علي ان رفضتني يا واسع المغفرة

یا بسوی کدام چیز و که را امید دارم [illegible] اگر واگذاری مرا ای فراخ آمرزش

وان قلت نعم كما الظن بك فطوبى لي انا السعيد فطوبى لي انا المرحوم

و اگر بگوئی بلی چنانچه گمان است [illegible] پس خوشا حال من منم نیکبخت پس خوشا حال من منم آمرزیده

يا مترحم يا مترئف يا متعطف يا متجبر يا متملك يا متسلط لا عمل لي

ای بخشاینده ای مهربان ای مهربان [illegible]

ارجو به نجاح حاجتي ولا احد انفع لي منك يا من عرفني نفسه يا من

که امید دارم بسبب آن روائی حاجت [illegible] ای کسی که شناسانید بمن ذات خود را ای کسی که

امرني بطاعته يا مدعو يا مسئول يا مطلوب اليه رفضت و

امر کرد مرا بفرمانبرداری خود ای خوانده شده ای سوال کرده شده ای خواسته شده بسوی تو [illegible]

صيتك التي اوصيتني ولو اطعتك لكفيتني ما قمت اليك فيه

وصیت ترا که وصیت فرمودی مرا و اگر فرمانبرداری کردمی ترا هر آینه کفایت کردی [illegible]

من قبل ان اقوم وانا مع معصيتي لك راج فلا تحل بيني وبين ما رجوت

پیش از آنکه بایستم [illegible] و من با گناه خود ترا امیدوارم پس حایل مشو میان من و میان آنچه امید داشتم

واردُدني ملأ من خيرك بحقك يا سيدي يا وليي انا قد عرفت

و برگردان مرا پر از خیر خود بحق خود ای بزرگ من ای صاحب من [illegible]

شر عبد وانت خير رب يا مخشي الانتقام يا رب يا رب يا رب يا الله

بدترین بنده و تو بهترین پروردگاری ای ترسیده شده انتقام ای پروردگار [illegible]

يا الله يا الله يا محيط بملكوت السموات والارض اصلحني لدنياي

ای خدا [illegible] آسمانها و زمین و بصلاح آور مرا برای دنیای من

واصلحني لاخرتي واصلحني لاهلي واصلحني لوالدي واصلح لي ما

و بصلاح آور مرا برای آخرتم و بصلاح آور مرا برای خانواده من و بصلاح آور برای پدر و مادرم و بصلاح آور برای من

خولتني يا الهي واصلحني من خطاياي يا حنان يا منان تفضل علي

عطا نمودی ای خدای من و بصلاح آور مرا از گناهان من ای بسیار مهربان [illegible] بخشش کن بر من

برحمتك وامنن علي باجابتك وصل اللهم صل على محمد النبي

برحمت خود [illegible] باجابت خود و رحمت فرست خداوندا رحمت فرست بر محمد که پیغمبر

واهله وسلم وحل بيني وبين ما حلت بينه وبين اهل بيت محمد من

و خاندان او [illegible] و میان آنچه حایل شدی میان آن و میان خاندان محمد

الباطل واتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة يا ارحم الراحمين

از باطل و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی ای ارحم الراحمین

پس بگو بسم الله الرحمن الرحيم والهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن

بنام خدای بخشنده مهربان و خدای شما خدای یگانه نیست خدایی مگر او بخشنده

الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تاخذه سنة ولا نوم له ما في

مهربان خدا نیست خدایی مگر او زنده پاینده [illegible] و نه خواب مر او راست آنچه در

السموات وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما

آسمانها و آنچه در زمین است کیست آنکه [illegible] نزد او مگر باذن او [illegible]

لدینی واصلحنی

ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه

[illegible]

السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم الم الله

[illegible]

لا اله الا هو الحي القيوم هو الذي يصوركم في الارحام كيف

[illegible]

يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم الذين يقولون ربنا اننا امنا

[illegible]

فاغفر لنا ذنوبنا وقنا عذاب النار الصابرين والصادقين والمنفقين

[illegible]

والمستغفرين بالاسحار شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا

[illegible]

العلم لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام الله

[illegible]

لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم القيامة لا ريب فيه ومن اصدق

[illegible]

من الله حديثا ذلكم الله ربكم لا اله الا هو خالق كل شيء فاعبدوه

[illegible]

وهو على كل شيء قدير اتبع ما اوحي اليك من ربك لا اله الا هو و

[illegible]

اعرض عن المشركين قل يا ايها الناس اني رسول الله اليكم جميعا

[illegible]

الذي له ملك السموات والارض لا اله الا هو يحيي ويميت فامنوا

[illegible]

والقانتين ۲ / و اطاعت کنندگان

قائما بالقسط ۲

بالله ورسوله النبي الامي الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم

بخدا و رسول او پیغمبر امی که بگرود بخدا و کلمهای او و پی روی کنید او را تا مگر

تهتدون وما امروا الا ليعبدوا الها واحدا لا اله الا هو سبحانه

[illegible]

عما يشركون لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص

[illegible]

عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو

[illegible]

عليه توكلت وهو رب العرش العظيم حتى اذا ادركه الغرق قال ا

[illegible]

منت انه لا اله الا الذي امنت به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين

[illegible]

فان لم يستجيبوا لكم فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو

[illegible]

فهل انتم مسلمون قل هو ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب

[illegible]

ان انذروا انه لا اله الا انا فاتقون الله لا اله الا هو له الاسماء

[illegible]

الحسنى فاستمع لما يوحى انني انا الله لا اله الا انا فاعبدني واقم

[illegible]

الصلوة لذكري انما الهكم الله الذي لا اله الا هو انا فاعبدون

[illegible]

وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى في

[illegible]

بالله ۲ / بخدا

[illegible]

في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فا

در تاریکیها که نیست خدایی مگر تو پاکی تو که من بودم از ستمکاران پس

ستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين فتعالى

اجابت کردیم او را و رهانیدیم او را از غم و همچنین میرهانیم مومنان را پس برتر است

الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش الكريم الله لا اله الا

خدا پادشاه راست نیست خدایی بجز او پروردگار عرش بزرگوار خدا نیست خدایی که

هو رب العرش العظيم وهو الله لا اله الا هو له الحمد في الاولى

او پروردگار عرش عظیم و اوست خدا نیست خدایی بجز او مر او راست ستایش در این جهان

والآخرة وله الحكم واليه ترجعون يا ايها الناس اذكروا نعمة

و آن جهان و مر او راست حکم و بسوی او باز گردانیده شوید ای مردمان یاد کنید نعمت

الله عليكم هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء والارض لا اله

خدا را بر شما آیا هیچ آفریننده هست غیر خدا که روزی دهد شما را از آسمان و زمین نیست خدایی

الا هو فانى تؤفكون انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا الله يستكبرون

بجز او پس از کجا دروغ میگویید [illegible] که چون گفته میشد ایشان را نیست خدایی بجز خدا گردنکشی میکردند

ذلكم الله ربكم له الملك لا اله الا هو فانى تصرفون غافر الذنب

آن خدا پروردگار شماست مر او راست پادشاهی نیست خدایی بجز او پس بکجا برگردانیده میشوید آمرزنده گناه

وقابل التوب شديد العقاب ذي الطول لا اله الا هو اليه المصير

و پذیرنده توبه سخت عقوبت خداوند انعام نیست خدایی که او بسوی اوست بازگشت

ذلكم الله ربكم خالق كل شيء لا اله الا هو فانى تؤفكون تبارك الله

آن خدا پروردگار شماست آفریننده هر چیز نیست خدایی بجز او پس از کجا برگردانیده میشوید بزرگ است خداوند

رب العالمين لا اله الا هو يحيي ويميت ربكم ورب آبائكم الاولين

پروردگار جهانیان نیست خدایی بجز او زنده میکند و میمیراند پروردگار شماست و پروردگار پدران شما که پیشین

فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات

پس بدان که نیست خدایی بجز خدا و طلب آمرزش کن از خدا برای گناه خود و برای مردان گرونده و زنان گرونده

ذا لحجة

والله يعلم متقلبكم ومثواكم لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته

و خدا میداند جای گردیدن شما و جای آرام شما اگر فرو فرستادیم این قرآن را بر کوهی هر آینه دیدی

خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم

آنرا ترسان شکافته از ترس خدا و این مثلها میزنیم آنرا برای مردمان تا باشد که ایشان

يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو

اندیشه کنند او خداییست که نیست معبودی بجز او دانای نهان و آشکار اوست

الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام

بخشاینده مهربان او خداییست که نیست خدایی بجز او پادشاه پاک از عیب [illegible]

المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله

بخشنده امن [illegible] نگاهبان [illegible] بزرگوار پاکست خدا از آنچه شریک میگیرند او خدا

الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات و

آفریننده آفریدگار صورت بخش مر او راست نامهای نیکو تسبیح میکند مر او را آنچه در آسمانها و

الارض وهو العزيز الحكيم الله لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل المؤمنون

زمین است و اوست عزیز حکیم خدایست نیست خدایی بجز او و بر خدا پس باید توکل کنند مومنان

رب المشرق والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وكيلا پس هفت منزل وانه

پروردگار مشرق و مغرب نیست خدایی بجز او پس بگیر او را کارساز باید خواند [illegible]

لكتاب عزيز لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم

هر آینه کتابی است غالب نمیآید او را باطل از پیش او و نه از پس او فرستاده شده از [illegible]

حميد پس بگو آمنا بالله وما انزل الى ابراهيم واسمعيل واسحق ويعقوب

وما انزل الينا

و آنچه فرو فرستاده شده بسوی ما

بگو ایمان آوردیم بخدا و آنچه فرستاده شده بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب

والاسباط وما اوتي موسى وعيسى وما اوتي النبيون من ربهم لا

و فرزندان یعقوب و آنچه داده شده موسی و عیسی و آنچه داده شده پیغمبران از پروردگار

نفرق بين احد منهم ونحن له مسلمون ربنا رب السموات والارض

جدایی نمیکنیم میان هیچیک از ایشان و ما مر او را گردن نهندگانیم پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین

لن ندعو من دونه الها لقد قلنا اذا شططا الحمد لله الذی هدانا لهذا

هرگز نخوانیم بجز او خدا را هرآینه بتحقیق گفته باشیم آنوقت گفتاری دروغ ستایش مر خدا را که راه نمود ما را باین

وما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق

و نبودیم که راه یابیم اگر نه این بود که راه نمود ما را خدا هرآینه بتحقیق آمدند پیغمبران پروردگار ما بحق

صلی الله علیهم اجمعین پس بگو السلام علیك یا رسول الله السلام

رحمت فرستد خدا بر ایشان همگی سلام بر تو ای فرستاده خدا سلام

علیك یا نبی الله السلام علیك یا خیرة الله من خلقه وامینه علی وحیه

بر تو ای پیغمبر خدا درود بر تو ای برگزیده خدا از خلق او و معتمد او بر وحی او

السلام علیك یا مولای یا امیر المؤمنین انت حجة الله علی خلقه وامینه

درود بر تو ای آقای من ای پادشاه مؤمنان تو حجت خدائی بر خلق او و معتمد او

علی وحیه وباب علمه ووصی نبیه والخلیفة من بعده فی امته لعن الله

بر وحی او و در علم او و وصی پیغمبر او و جانشینی پس از پیغمبر در امت او لعنت کند خدا

امة غصبت حقك وقعدت مقعدك انا بریء منهم ومن شیعتهم الیك

گروهی را که غصب کردند از تو حق ترا و نشستند در نشستنگاه تو من بیزارم از ایشان و از پیروان ایشان بسوی تو

السلام علیك یا فاطمة البتول السلام علیك یا زین نساء العالمین

سلام بر تو ای فاطمه بتول سلام بر تو ای آرایش زنان جهانیان

السلام علیك یا بنت رسول الله رب العالمین صلی الله علیك وعلیه

سلام بر تو ای دختر رسول خدا پروردگار جهانیان رحمت فرستد خدا بر تو و بر او

السلام علیك یا ام السبطین الحسن والحسین لعن الله امة غصبتك

سلام بر تو ای مادر حسن و حسین لعنت کند خدا گروهی را که غصب کردند

حقك ومنعتك ما جعله الله لك حلالا انا بریء الیك منهم ومن

حق ترا و باز داشتند از تو آنچه را که گردانیده بود آن را خدا برای تو حلال من بیزارم بسوی تو از ایشان و از

شیعتهم السلام علیك یا مولای یا ابا محمد الحسن الزكی لعن الله

پیروان ایشان سلام بر تو ای آقای من ای ابا محمد حسن پاک لعنت کند خدا

امة قتلتك وبایعت فی امرك وشایعت انا بریء الیك منهم ومن

گروهی را که کشتند ترا و بیعت کردند در کار تو و گروهی را که پیروی کردند من بیزارم بسوی تو از ایشان و از

شیعتهم السلام علیك یا مولای یا ابا عبد الله الحسین ابن علی

پیروان ایشان درود بر تو ای آقای من ای ابا عبد الله حسین پسر علی

صلوات الله علیك وعلی ابیك وجدك محمد المصطفی لعن الله امة

درودهای خدا بر تو و بر پدر تو و جد تو محمد برگزیده و لعنت کند خدا گروهی را

استحلت دمك ولعن الله امة قتلتك واستباحت حریمك ولعن الله

که حلال شمردند خون ترا و لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و مباح شمردند حرم ترا و لعنت کند خدا

اشیاعهم واتباعهم ولعن الله الممهدین لهم بالتمكین من قتالكم انا

پیروان ایشان و تابعان ایشان را و لعنت کند خدا آنان را که آماده کردند کار ایشان را بدست دادن از کشتن شما من

بریء الی الله والیك منهم السلام علیك یا مولای یا ابا محمد علی بن

بیزارم بسوی خدا و بسوی تو از ایشان سلام بر تو ای آقای من ای ابا محمد علی پسر

الحسین السلام علیك یا مولای یا ابا جعفر محمد بن علی السلام

حسین سلام بر تو ای آقای من ای ابا جعفر محمد پسر علی سلام

علیك یا مولای یا ابا عبد الله جعفر بن محمد السلام علیك یا مولای

بر تو ای آقای من ای ابا عبد الله جعفر پسر محمد درود بر تو ای آقای من

یا ابا الحسن موسی بن جعفر السلام علیك یا مولای یا ابا الحسن

ای ابا الحسن موسی پسر جعفر درود بر تو ای آقای من ای ابا الحسن

علی بن موسی الرضا السلام علیك یا مولای یا ابا جعفر محمد بن علی

علی پسر موسی الرضا سلام بر تو ای آقای من ای ابا جعفر محمد پسر علی

السلام علیك یا مولای یا ابا الحسن علی بن محمد السلام علیك

درود بر تو ای آقای من ای ابا الحسن علی پسر محمد سلام بر تو

یا مولای یا ابا القاسم الحجة بن الحسن صاحب الزمان صلی الله علیك

ای آقای من ای ابا القاسم حجت پسر حسن صاحب زمان رحمت فرستد خدا بر تو

السلام علیك یا مولای یا ابا محمد الحسن بن علی

وعلى عترتك الطاهرة الطيبة يا موالي كونوا شفعائي عند الله في

و بر خویشان خود که پاک و پاکیزه‌اند ای آقایان من بشوید در نزد خدا شفیعان برای من در

حط وزري وخطاياي آمنت بالله وحده وبما انزل اليكم واتولى

فرو گذاشتن بار گناهان من و گناهان من گرویدم بخدای یگانه و بآنچه فرستاده شد بسوی شما و پیروی

آخركم بما اتولى به اولكم وبرئت من الجبت والطاغوت واللات

آخر شما را به آنچه پیروی میکنم به آن اول شما را و بیزار شدم از جبت و طاغوت و لات

والعزى يا موالي انا سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم وعدو

و عزی ای آقایان من صلحم مرآنرا که صلح کرد با شما و جنگم مرآنرا که جنگ کرد با شما و دشمنم

لمن عاداكم وولي لمن والاكم الى يوم القيامة ولعن الله ظالميكم و

مرآنرا که دشمنی کرد با شما و دوستم مرآنرا که دوستی کرد با شما تا روز قیامت و لعنت کند خدا ظلم کنندگان شما را و

غاصبيكم ولعن الله اشياعهم واتباعهم واهل مذهبهم وابرء

غصب کنندگان حقوق شما را و لعنت کند خدا پیروان ایشان و تابعان ایشان را و اهل مذهب ایشان را و بیزاری

الى الله واليكم منهم اللهم اني اشهدك وكفى بالله شهيدا واشهد

بسوی خدا و بسوی شما از ایشان خداوندا که من [illegible] تو گواهی [illegible]

محمدا صلى الله عليه وآله وعليا والائمة من ذريتهما والثمانية

محمد را [illegible] رحمت خدا بر او و آل او و علی را و پیشوایان از فرزندان آنها و هشتمین

حملة عرشك والاربعة الاملاك خزنة علمك اني بريء من اعدائهم

بردارنده عرش تو و چهار ملک نگهبانان خزانه‌های علم تو که من بیزارم از دشمنان ایشان

فعلى محمد وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين الصلوة والسلام

پس بر محمد و بر اهل بیت او که پاکیزه‌اند و پاکند رحمت و درود

اللهم اوزعني بصلوته وصلوة اهل بيته واجعل ما هديتني

خداوندا [illegible]

اليه من الحق والمعرفة بهم مستقرا لا مستودعا يا ارحم الراحمين

بسوی او از حق و شناختن ایشان ثابت [illegible] ای مهربانترین مهربانان

اللهم

اللهم وعرفني نفسك وعرفني رسلك وعرفني ملائكتك وعرفني

خداوندا و بشناسان بمن ذات خود را و بشناسان بمن رسولان خود را و بشناسان بمن فرشتگان خود را و بشناسان

ولاة امرك اللهم لا آخذ الا ما اعطيت ولا اوقى الا ما وقيت

والیان امر خود را خداوندا فرا نگیرم مگر آنچه را بخشیدی تو و نگاه داشته نشوم مگر آنچه نگاه داری

اللهم لا تحرمني منازل اوليائك ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني

خداوندا بی بهره مکن مرا از جایهای فرود آمدن دوستان خود و میل مده دل مرا بعد از آنکه راه نمودی

وهب لي من لدنك رحمة انك انت الوهاب وهيء لي من امري رشدا

و ببخش مرا از نزد خود بخشیدنی بدرستیکه تو تو بخشنده و آماده کن برای من از کار من [illegible]

اللهم وعلمني ناطق التنزيل وخلصني من المهالك اللهم وخلصني

خداوندا و بیاموز مرا [illegible] و خلاص کن مرا از [illegible] خداوندا و [illegible]

من الشيطان وحزبه ومن السلطان وجنده ومن الجبت وانصاره بحق

از شیطان و گروه او و از پادشاه و لشکر او و از جبت [illegible]

محمد المحمود على المقصود وبحق شبر وشبير وبحق اسمائك الحسنى

محمد ستوده [illegible] و بحق حسن و حسین و بحق [illegible]

صل على محمد افضل الصفوة انك على كل شيء قدير وانت بكل شيء

رحمت فرست بر محمد بهترین برگزیدگان خود که تو بر هر چیزی توانائی و تو بهر چیزی

محيط يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله يا رباه يا رباه يا سيداه

فرا رسنده ای پروردگار من ای خدا ای پروردگار ای آقا

يا سيداه يا سيداه يا مولاه يا مولاه يا مولاه يا عماد من لا عماد له

ای آقا ای آقا ای صاحب اختیار ای عماد آنکه نیست ستونی برای او

يا سند من لا سند له يا ذخر من لا ذخر له انت ربي وانا عبدك

ای معتمد آنکه نیست معتمدی برای او ای ذخیره آنکه نیست ذخیره برای او تو پروردگار منی و من بنده توام

على عهدك ووعدك اللهم اجعله موقفا محمودا ولا تجعله

بر پیمان تو و وعده توام خداوندا بگردان [illegible] ستوده و مگردان آنرا

آخر العهد منا واشركنا فی صالح دعاء من دعاك بمنی وعرفات و
آخر عهدی از ما و شریک کن ما را در دعای شایسته آنکه خواند ترا در منی و عرفات و
مزدلفة وعند قبر نبيك عليه وآله السلام وعند زمزم و
مشعر و نزد قبر پیغمبر تو بر او و آل او درود و سلام و نزد زمزم و
المقام اللهم لك الحمد حيث رفعت اقدارنا عن شد الزنانير فی الاوساط
مقام ابراهیم خداوندا مر ترا ستایش آنجا که بلند کردی قدرهای ما را از بستن زنارها در میان
والخواتيم فی الاعناق ولك الحمد حيث لم تجعلنا زنادقة مضلين
و خواتیم در گردنها و مر ترا ستایش آنجا که نگردانیدی ما را بی‌دینان گمراه کننده
ولا مدعية شاكين مرتابين ولا معارضين ولا عن اهل بيت
و نه دعوی کنندگان شک آرندگان با اعتقادان و نه معارضه کنندگان و نه از خاندان
نبيك صلى الله عليه وآله منحرفين اللهم كما بلغتنا هذا اليوم المبارك
پیغمبر تو رحمت فرستد خدا بر او و آل او میل کنندگان خداوندا چنانچه رسانیدی ما را این روز بابرکت
من شهرنا وسنتنا هذه المباركة فبلغنا آخرها فی عافية وبلغنا
از ماه ما و سال ما این سال بابرکت پس برسان ما را آخر ماه در عافیت و برسان
اعواما كثيرة برحمتك يا ارحم الراحمين يا رب يا رب يا رب يا الله يا
ما را سالهای بسیار برحمت خود ای رحم‌کننده‌ترین رحم کنندگان ای پروردگار من ای خدا
يا الله يا رباه يا رباه يا رباه يا سيداه يا سيداه يا سيداه يا مولاه يا مولاه
ای خدا ای پروردگار ای بزرگ ای بزرگ ای آقا
يا مولاه اللهم وما قسمت لی فی هذه الساعة وفی هذا اليوم وفی
ای آقا خداوندا و آنچه قسمت کرده مرا در این ساعت و در این روز و در
هذا الشهر وفی هذه السنة من خير او بركة او عافية او مغفرة
این ماه و در این سال از نیکی یا برکت یا عافیت یا آمرزش
او رافة او رحمة او عتق من النار او رزق واسع حلال طيب او توبة
یا مهربانی یا بخشش یا آزادی از آتش یا روزی فراخ حلال پاکیزه یا توبه

نصوح

نصوح فاجعل لنا فی ذلك اوفر النصيب واجزل الحظ اللهم وما
خالص پس بگردان برای ما در آن وافرتر نصیبی و فراوان‌تر بهره خداوندا و آنچه
انزلت فی هذه الساعة وفی هذا اليوم وفی هذا الشهر وفی هذه
فرو فرستاده در این ساعت و در این روز و در این ماه و در این
السنة من حرق او شرق او غرق او هدم او ردم او خسف او قذف
سال از سوختن یا آب در گلو ماندن یا غرق شدن یا ویران شدن یا در زمین فرو رفتن
او رجف او مسخ او صيحة او زلزلة او فتنة او صاعقة او برد
یا لرزیدن و مسخ شدن یا بانگ کردن یا زلزله یا فتنه یا آتش آسمانی یا سرما
او جنون او جذام او برص او اكل سبع او ميتة سوء وجميع انواع
یا دیوانگی یا خوره یا پیسی یا خوردن جانور درنده یا مردن ناخوش و همه انواع
البلاء فی الدنيا والآخرة فاصرفه عنا كيف شئت وانى شئت و
بلاها در دنیا و آخرت پس بگردان آن را از ما هر روش که خواهی و هر جا که خواهی و
عن جميع المؤمنين فی كل دار ومنزل فی شرق الارض وفی غربها
از همه مؤمنان در هر سرای و جایگاه در جانب مشرق زمین و جانب مغرب آن
عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك وحدك لا شريك لك فاطر
ارجمند است پناه برنده به تو و بزرگ است ستایش تو و نیست خدایی غیر تو یکتا تو نیست شریک مر ترا پدید آورنده
السموات والارض عالم الغيب والشهادة رب كل شیء وملیكه
آسمانها و زمین دانای نهان و آشکار پروردگار هر چیزی و مالک آن
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده
گواهی میدهم اینکه نیست خدایی مگر خدای یکتا نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم اینکه محمد بنده
ورسوله واشهد ان الجنة حق والنار حق وان الساعة آتية لا ريب
و رسول اوست و گواهی میدهم اینکه بهشت راست و آتش دوزخ راست و اینکه قیامت آینده است نیست شک
فيها وان الله يبعث من فی القبور اشهد ان لا اله الا الله وحده
در آن و اینکه خدا برانگیزد مردمان را که در قبرهااند گواهی میدهم اینکه نیست خدایی مگر خدای یکتا

لا شريك له عليها احيا وعليها اموت وعليها ابعث حيا ان شاء الله

[illegible]

رضيت بالله ربا وبالاسلام دينا وبمحمد صلى الله عليه وآله نبيا و

[illegible]

بعلي وليا وبالقرآن كتابا وبالكعبة قبلة وبابراهيم لنبينا ابا وبمحمد للحق

[illegible]

موضحا وللجنة والنار قاسما وبالمؤمنين من شيعته اخوانا لا اشرك با

[illegible]

لله شيئا ولا اتخذ من دونه وليا ولا ادعو معه الها لا اله الا الله وحده

[illegible]

لا شريك له الها واحدا احدا فردا صمدا لم يتخذ صاحبة ولا ولدا

[illegible]

اللهم اني اسئلك بالعظيم من آلائك والقديم من نعمائك والمخزون

[illegible]

من اسمائك وما وارت الحجب من بهائك ومعاقد العز من عرشك ومنتهى

[illegible]

الرحمة من كتابك وبك وبحدك لا شريك لك ان تصلي على محمد وآل محمد

[illegible]

وان ترحم هذه النفس الجزوعة وهذا البدن الهلوع الذي لا يطيق

[illegible]

فكيف حر نارك ان تعاقبني لا يزيد في ملكك شيء وان تعف عني لا

[illegible]

ينقص من ملكك شيء انت يا رب بخلقك ارحم وبعبادك اعلم و

[illegible]

پس از رکن

[illegible]

شمسك

آفت به ما

بسلطانك

وبسلطانك ارأف وبملكك اقدم وبعفوك اكرم وعلى عبادك انعم

[illegible]

لا يزيد في ملكك طاعة المطيعين ولا ينقص منه معصية العاصين

[illegible]

واعف عني يا اكرم الاكرمين ويا ارحم الراحمين اللهم بعزتك

[illegible]

واستضل بفنائك واستجير بقدرتك واستغيث برحمتك واعتصم

[illegible]

بحبلك ولا اثق الا بك ولا الجأ الا اليك يا عظيم الرجاء يا كاشف

[illegible]

البلاء ويا احق من تجاوز وعفى اللهم ان ظلمي مستجير بعفوك و

[illegible]

خوفي مستجير بامانك وفقري مستجير بغناك ووجهي البالي الفاني

[illegible]

مستجير بوجهك الدائم الباقي الذي لا يفنى ولا يزول يا من لا

[illegible]

يشغله شأن عن شأن لا تجعل مصيبتنا في ديننا ولا تجعل الدنيا اكبر

[illegible]

همنا ولا تسلط علينا من لا يرحمنا وعد بحلمك على جهلنا وباحسانك

[illegible]

على اسائتنا وبقوتك على ضعفنا وبغناك على فقرنا واعذنا من

[illegible]

الاذى والقذى والضر وسوء القضاء وشماتة الاعداء وسوء

آزارها ... و بدی ... و شماتت دشمنان ...

شأن

المنظر فی المال والدین والاهل والولد وعند معاینة ملک الموت
اللهم یا رب نشکو الیک غیبة نبینا عنا وقلة ناصرنا وکثرة عدونا وشدة
الزمان علینا ووقوع الفتن بنا وتظاهر الخلق علینا اللهم صل
علی محمد وآل محمد وافرج ذلک بفرج منک تعجله ونصر تعزه وحق
تظهره اللهم وابعث قائم آل محمد صلی الله علیه وآله للنصر
لدینک واظهار حجتک والقیام بامرک وتطهیر ارضک من
ارجاسها برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم انی اعوذ بک ان اوالی لک
عدوا او اعادی لک ولیا او اسخط لک رضا او ارضی لک سخطا او
اقول لحق هذا باطل او اقول لباطل هذا حق او اقول للذین کفروا
هؤلاء اهدی من الذین آمنوا سبیلا اللهم صل علی محمد وآل
محمد وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا برحمتک عذاب
النار وسابقا مذکور شد که عمل استفتاح ایضا در این روز بعمل آوردن
مستحب است فصل ۳ در اعمال ضروریه روز و شب عید اضحی یکی از جمله

چهار شب است که احیا آنها سنت مؤکد است و منقولست که در این شب
درهای آسمان بسته نمیشود برای آنکه صداهای دعای حاجیان بالا
رود و صدای ایشان در آسمان پیچیده است مانند صدای مگس عسل
که در میان کندو پیچیده و حق تعالی حاجیان را ندا میکند که منم پروردگار شما
و شما بندگان من و حق من را ادا کردید بر من لازم است که دعای شما را
مستجاب گردانم پس هر که مستحق آمرزش است همه گناهان او را می آمرزد و هر که
سزاوار نیست گناهانش را کم میکند پس هر که با ایشان در عبادت و دعا
شریک شود در ثواب با ایشان شریک خواهد بود و غسل و زیارت حضرت
امام حسین در این شب سنت مؤکد است و منقولست که هر که آن حضرت
را در این شب زیارت کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود اما
اعمال روز عید غسل در این شب سنت مؤکد است و بعضی از علما گفته اند
واجب دانسته اند و بهتر آنست که پیش از نماز عید غسل بکنند و نماز
عید بنا بر مشهور در زمان غیبت امام سنت مؤکد است و بگمان فقیر واجب
است بشرایط مقرره و نمازش بهمان کیفیت است که در عید فطر مذکور شد
و دعای پیش از فطر رفتن بنماز عید هم در آنجا مذکور شد و دعای بسیار پیش از
نماز و بعد از نماز وارد شده است و این رساله ذکر گنجایش آنها ندارد و بهترین
دعاها دعای چهل و هشتم از صحیفه کامله است که اولش اینست اللهم
هذا یوم مبارک و اگر دعای چهل و ششم را که اولش اینست یا من یرحم من لا یرحمه
العباد است نیز بخواند بهتر است زیرا که در بعضی از نسخ قدیمه استحباب خواندن
آن دعا را نیز وارد شده است و دعای ندبه بهترین دعاها است و در این روز
اعیاد دیگر نیز سنت است خواندن چنانچه انشاء الله بعد از این در ضمن زیارات
مذکور خواهد شد و در این عید سنت است که افطار بعد از نماز از گوشت
قربانی بشود و از جمله احکام این عید قربانی است و آن سنت مؤکد است و بعضی
از علما واجب دانسته اند اگر قدرت بر آن داشته باشد و از حضرت صادق

صادق منقولست که اضحیه واجبست بر هر مسلمانی و فرمود که از برای خود
البته بکنید و از برای عیال خود خواهی بکن و اگر خواهی مکن و از ام سلمه زوجه
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بان حضرت عرض کردم که عید
اضحی حاضر میشود و من قیمت اضحیه ندارم آیا قرض کنم و اضحیه بکنم حضرت
فرمود که قرض کن که این قرض را خدا ادا میکند و بهتر آنست که در روز
عید بکشد و در روز یازدهم و دوازدهم نیز میتواند کشت و اگر در منی باشد
در روز سیزدهم نیز میتواند کشت و بهتر آنست در دهه اول ذی الحجه
خریده باشد و مکروه است قربانی کردن حیوانی که در خانه تربیت کرده باشد
و میباید یا شتر یا گاو یا گوسفند یا بز بوده باشد و حیوانات دیگر را قربانی
نمیتواند کرد و اگر شتر باشد میباید پنج سال تمام داشته باشد یا زیاده
و اگر گاو یا بز باشد میباید یک سال تمام داشته باشد و در سال دویم داخل
شده باشد و اگر دو سال تمام داشته باشد بهتر است و اگر گوسفند
باشد شش ماهه کافیست و اگر هفت ماهش تمام باشد بهتر است و میباید
نقص در اعضایش نبوده باشد و کور یک چشم یا هر دو چشم نباشد و بسیار
لنگ نباشد که راه رفتن بران دشوار نباشد و گوشش بریده نباشد و اگر
شق باشد و جدا نشده باشد باکی نیست و اگر سوراخ نباشد بهتر است و باید که
مغز شاخش نشکسته باشد و اگر پوستش نیز نبریده باشد بهتر است و بهتر
آنست که بیمار و بسیار پیر نباشد و سنت است که فربه باشد و باید که
بسیار لاغر نباشد که پیه بر گرده اش نباشد و باید که خصی نباشد یعنی
که خصیه اش را نبریده باشند و مکروه است که خصیه اش را مالیده باشند
و اگر غیر خصی هم نرسد خصی را میتوان قربانی کرد و سنت است که اگر قربانی
شتر باشد یا گاو ماده باشد و اگر گوسفند یا بز باشد نر باشد و سنت است
که نر باشد و باید خود بکشد و اگر نتواند دست بر روی دست قصاب بگذارد
و مددی بکند و طریق کشتن آنست که اگر شتر باشد نحر کند یعنی حربه را یا

کارد و نیزه در گودال گردنش فرو برد و اگر بعوض آن ذبح کند حرام می شود و
واجبست رو بقبله بدارد و نام خدا به برد و سنت است که اگر ایستاده
بدارد رو بقبله و هر دو دستش را از سر تا زانو ابر نیمانی بر بکید نیکر پیچد
و آنگاه در جانب راست شتر باشد و حربه فرو برد در نحرش و اگر گاو یا
گوسفند یا بز باشد چهار رگرا از گردنش ببرد یعنی حلقوم و دو رگ بزرگ که
از دو جانب حلقوم است و رگی که در پشت حلقوم است که آب و علف از آن
رگ بجوف میرود و اگر اینها را نحر بکند حرام میشود و سنت است که در وقت
کشتن دعا بخواند چنانچه بسند صحیح از حضرت صادق منقولست که چون
قربانی را بخری روی او را و بقبله کن و در وقت نحر یا ذبح بگو دعا
وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفاً مُسْلِماً وَمَا
کردم روی خود را بسوی آنکه آفرید آسمانها و زمین را در حالتیکه میل کننده ام از باطل بسوی حق
أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَوتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
من از مشرکان بدرستیکه نماز من و عبادات من و زندگی من و مردن من برای خداست که پروردگار عالمیان است
لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ
نیست شریکی مر او را و بآن امر کرده شده ام و من از گردن نهندگانم خداوندا از تو و برای تست
بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ پس نحر یا ذبح کند و بگوید اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي و فرمود
بنام خدا و خدا بزرگتر است خداوندا قبول کن از من
که تا نمیرد سرش را جدا مکن
و چون پوست بکند سنت است یک ثلثرا خود و اهل خانه بخورند و بهتر
آنست که خود با آن افطار کند و یک ثلث را برای همسایگان بفرستند
و اگر پریشان باشد بهتر است و یک ثلثرا بفقرا و سوال کنندگان بدهد
و اگر اکثر را تصدق کند شاید بهتر باشد و سنت است که پوست و کله
و جمیع اجزای حلال آنرا تصدق کند و تصرف نکند و به قصاب ندهد
مگر آنکه قصاب پریشان باشد و به تصدق باو بدهد و در حدیث صحیح
وارد شده است که پوستشرا میتواند دباغت کند و بر روی آن نماز

کند و بنشیند و اگر گوسفند یافت نشود سنت است که قیمت وسط آن را
تصدق کند و اگر اهل خوان برای خود و عیال خود بکشد بهتر کافی است و
اگر یکی از برای خود و یکی از برای عیال بکشد بهتر است و اگر بعدد عیال
بکشد ثوابش بیشتر خواهد بود و از برای پدر و مادر و خویشان یکه مرده
باشند قربانی کردن خوب است و اگر از برای حضرت رسول و ائمه معصومین
قربانی کند ظاهرا خوب است و منقولست که حضرت رسول دو گوسفند قربانی
کردند و در اول فرمودند که خداوندا این از من و هر که قربانی نکرده است از
امت من و در دوم فرمودند که خداوندا این از من و هر که قربانی نکرده است از اهل
بیت من و حضرت امیرالمؤمنین هر سال اول یک گوسفند قربانی میکردند
و میگفتند خداوندا این از پیغمبر تو است پس یک گوسفند از برای خود قربانی
میفرمودند و اگر جمعی قادر نباشند که هر یک جدا قربانی کنند جایز است که
با یکدیگر شریک شوند تا هفت نفر بلکه هفتاد نفر و حق تعالی فرموده است
که خدا را یاد کنید در ایام معدودات یعنی در روز چند شمرده شده و در
احادیث معتبر منقولست که مراد تکبیر گفتن است در ایام تشریق پس هر که
در منی باشد عقب پانزده نماز بگوید اولش نماز ظهر روز عید است تا بعد
از نماز صبح روز دوازدهم و مشهور استحباب است و بعضی واجب دانسته‌اند
و اقلش بعد از هر نماز یکمرتبه است و اگر مکرر بگوید بهتر است و بعد از نماز
نافله نیز بگوید خوب است و طریق تکبیر موافق حدیث صحیح اینست تکبیر تشریق
الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر ولله الحمد
خدا بزرگترست خدا بزرگترست نیست خدایی بغیر خدا و خدا بزرگترست خدا بزرگترست و مر خدا را ستایش
الله اکبر علی ما هدانا الله اکبر علی ما رزقنا من بهیمة الانعام والحمد
خدا بزرگترست بر آنچه راه نمود ما را خدا بزرگترست بر آنچه روزی کرده ما را از جنس چهارپایان و ستایش
لله علی ما ابلانا

فصل ۴ در فضایل و اعمال شب و روز عید غدیر است

مر خدا را بر آنچه رسانید ما را

و عید غدیر هیجدهم این ماه است و عظیم‌ترین اعیاد است

واحادیث از طرق خاصه و عامه در فضیلت این روز و اعمال آن زیاده
از حد و احصاست و در این مقام بچند حدیث اکتفا مینمائیم بسند معتبر
از حضرت امام رضا منقولست که چون روز قیامت شود چهار روز را ببرند
عرش الهی برند با زینت تمام مانند عروسی که او را بخانه داماد برند روز عید
اضحی و روز عید فطر و روز جمعه و روز عید غدیر و در میان اینها مانند ماه
باشد در میان ستارگان و آن روزیست که حضرت ابراهیم خلیل را از آتش
نجات داد و این روز را روزه داشتی برای شکر حق تعالی و آن روزیست که
خدا در آن روز کامل گردانید دین را بآنکه حضرت رسول حضرت امیرالمؤمنین
بخلافت نصب کرد و فضیلت و وصی بودن او را ظاهر گردانید بر مردم پس
روزه داشت این روز را و این روز کامل شدن دین است و روزیست که بینی
شیطان بر خاک مالیده شده است و روزیست که شیعیان و دوستان آل
محمد در این روز مقبول میشود و این روزیست که حق تعالی عملهای مخالفان و
سنیان را باطل میگرداند مانند ذره‌ها که در میان هوا پراکنده میشود و این
روزیست که خدای عز و جل امر میکند جبرئیل را که نصب کند کرسی کرامت
خدا را در برابر بیت المعمور و جبرئیل بر آن بالا میرود و ملائکه از جمیع آسمانها
نزد او جمع میشوند و ثنا میکنند بر محمد و آل محمد و استغفار میکنند برای شیعیان
امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین علیهم السلم و دوستان ایشان از فرزندان آدم
و این روزیست که امر میکند حق تعالی ملائکه نویسندگان اعمال را که قلم بردارند
از محبان و شیعیان اهل بیت تا سه روز از روز غدیر و ننویسند هیچ گناه و
خطای ایشان را برای کرامت محمد و علی و ائمه صلوات الله علیهم و این روزی
است که خدا مخصوص محمد و آل او و شیعیان او گردانیده و این روزیست
که خدا زیاد میکند مال کسی را که عبادت خدا کند در این روز و توسعه دهد
روز بر او و عیال او و برادران مؤمن او و او را آزاد میگرداند از آتش
جهنم و این روزیست که خدا سعی شیعیان را شکر میکند یعنی مزد میدهد

وگناهان ایشان را می آمرزد و اعمال ایشان را قبول میکند و این روزیست که
خدا غمهای شیعیان را زایل میگرداند و گناهان ایشان را محو میکند و روز
بخشش است و روز عطیه است و روز پهن کردن علم است و روز بشارتست
و روز عید بزرگست و روزیست که دعاها در آن مستجاب است و روز فوز
بزرگ است و روز پوشیدن جامهای نیکوست و روز بخشیدن گناهان
شیعیان امیر المؤمنین است و روزیست که بسیار صلوات باید فرستاد
بر محمد و آل محمد و روز خوشنودیست و روز عید اهل بیت محمد است و روز
قبول اعمالست و روز دوستی کردن شیعیان است با یکدیگر و روز رسیدن
برحمت خداست و روز ترک کبایر و گناهان است و روز عبادتست و روز افطار
فرمودن روزه داران است پس هر که روزه داری را درین روز افطار فرماید
چنان است که ده فئام را اطعام کرده باشد و هر فئامی صد هزار کس است و روز
تهنیت و مبارکباد است و هر مؤمنی که بدیگری ملاقات کنند این تهنیت
بگویند الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین والائمة
سپاس مر خدایرا که گردانید ما را از جمله در زنندگان بولایت امیر المؤمنین و پیشوایان
علیهم السلام و این روز تبسم است در روی مؤمنان پس هر که تبسم کند
بر آنکس برادر در روی برادر مومن خود در روز غدیر حق تعالی نظر کند
در روز قیامت بسوی او برحمت و برآورد هزار حاجت او را و بنا کند در به
هشت از برای او قصری از مروارید سفید و روی او را نورانی گرداند و
این روز زینت است پس هر که زینت کند از برای عید غدیر حق تعالی بیامرزد
هر گناهی را که کرده است از صغیره یا کبیره و بفرستد حق تعالی بسوی
او ملکی چند را که بنویسند برای او حسنات و بلند گردانند برای او درجات
تا سال آینده مثل این روز اگر بمیرد شهید مرده باشد و ثواب شهیدان
داشته باشد و اگر زنده باشد سعادتمند زندگانی کند و هر که طعام دهد
درین روز مؤمنی را چنان باشد که طعام داده باشد جمیع پیغمبران و صدیقان

و هر که دیدن کند درین روز مؤمنی را داخل گرداند خدا در قبر او هفتاد
نور و قبر او را گشاده گرداند و زیارت کنند او را در قبر او هر روز هفتاد هزار
ملک و بشارت دهند او را به بهشت و روز عید غدیر حق تعالی عرض کرد
ولایت و امامت و محبت ما اهل بیت را بر آسمانهای هفتگانه پس پیشی گرفتند
باقرار بان اهل آسمان هفتم پس زینت داد آنرا بعرش پس سبقت گرفتند بعد
از ان باقرار بما اهل بیت اهل آسمان اول پس آنرا زینت داد بستارگان پس
حق تعالی عرض کرد ولایت ما را بر زمینها پس پیشی گرفت باقرار بان مکه
معظمه پس زینت داد آنرا بکعبه پس پیشی گرفت مدینه طیبه پس زینت داد
آنرا بمحمد مصطفی صلی الله علیه و آله پس سبقت گرفت بان شهر کوفه پس زینت
داد آنرا بقبر امیر المؤمنین علیه السلام پس عرض کرد ولایت ما را بر کوهها
پس اول کوهی که اقرار کرد سه کوه بود کوه عقیق و کوه فیروزه و کوه یاقوت
و باین سبب این جواهرها بهم رسید پس بر کوههای دیگر سبقت گرفتند و باین
سبب معدن طلا و نقره گردیدند و هر یک که اقرار نکردند هیچ چیز نگردیدند
و باز روز غدیر عرض کرد ولایت ما را بر آبها هر چه قبول کرد شیرین شد
و هر چه قبول نکرد شور و تلخ شد پس عرض کرد ولایت ما را بر مرغان هر مرغ
که قبول کرد سخن گو و خوش آواز گردید و هر یک که قبول نکرد لال و بد آواز
گردید و مثل مؤمنان در قبول کردن امیر المؤمنین در روز غدیر مانند مثل
ملائکه است در قبول کردن سجده حضرت آدم و مثل آنها که قبول ولایت آن
حضرت نکردند در روز غدیر مانند مثل شیطان است در قبول نکردن سجده
آدم و در روز غدیر این آیه نازل شد الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم
نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا یعنی امروز کامل گردانیدم از برای شما
دین شما را و تمام گردانیدم بر شما نعمت خود را و پسندیدم اسلام را برای
دین شما پس حضرت فرمود که نفرستاده است خدا پیغمبری را مگر آنکه وصی
و خلیفه خود را درین روز نصب کرده است و کلینی بسند معتبر روایت

کرده است که از حضرت صادق ع پرسیدند که آیا مسلمانان را عیدی هست
غیر از جمعه و اضحی و فطر فرمود بلی عیدی هست که از همه حرمتش بیشتر است
راوی گفت کدام عید است فرمود که آن روزیست که نصب کرد رسول خدا
صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین را بخلافت خود و فرمود که هر که من مولا
و آقای اویم علی مولا و آقا و پیشوای اوست و آن روز هجدهم ذی الحجه است
راوی گفت چکار در آن روز باید کرد فرمود که روزه بدارید و عبادت کنید و
محمد و آل او را یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید و وصیت کرد رسول
خدا صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین را که این روز را عید گردانند و هر
پیغمبری وصی خود را وصیت میکرد که این روز را عید گردانند و بروایت
دیگر فرمود که روزه عید غدیر کفاره شصت سال گناه است و بروایت دیگر
منقولست که مفضل از حضرت صادق ع پرسید که امر میکنی مرا که روز غدیر
روزه بدارم فرمود آری والله آری والله آری بدرستی که خدا در این
روز توبه حضرت آدم را قبول کرد و بشکر آن این روز را روزه داشت و در این
روز حضرت ابراهیم را از آتش نجات داد و بشکر این روز را روزه داشت و در این
روز حضرت موسی هرون را وصی خود گردانید و بشکرانه این نعمت این روز را
روزه داشت و در این روز حضرت عیسی ع وصیه وصی خود شمعون الصفا را
ظاهر گردانید و این روز را بشکر حق تعالی روزه داشت و در این روز حضرت
رسول حضرت امیر المؤمنین را خلیفه و جانشین خود گردانید و فضیلت
و وصایت او را بر خلق ظاهر گردانید و این روز را بشکرانه این نعمتها روزه
داشت و این روز روزه داشتن است و روز عبادت است و روز طعام دادن
است و روز نیکی کردن است با برادران مؤمن و روزیست که خدا خوشنود
میگردد از مؤمنان و روزیست که بینی شیطان بر خاک مالیده میشود و
بسند معتبر از ابن ابی نصر منقولست که گفت روزی در خدمت حضرت
امام رضا ع بودم و جماعت بسیار حاضر بودند پس فضیلت روز عید غدیر

مذکور شد و بعضی از حاضران انکار کردند حضرت فرمود که پدرم از
پدرانش روایت کرد که روز غدیر در آسمان مشهورتر است از زمین و بدرستی
که خدا را در فردوس اعلا قصری هست که یک خشت آن از طلا و یک خشت از
نقره و در آن قصر صد هزار قبه است از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه است
از یاقوت سبز و خاکش مشک و عنبر است و در آن چهار نهر جاریست نهری
از شراب و نهری از آب و نهری از شیر و نهری از عسل و در دور آن درختان
هست از انواع میوه ها و بر آن درختان مرغان خوش الحان هستند بدنهای
آنها از مروارید است و بالهای آنها از یاقوت و بانواع نغمها خوانندگی
میکنند چون روز عید میشود در آن قصرها حاضر میشوند جمیع اهل آسمانها
و تسبیح و تقدیس و تهلیل حق تعالی میکنند و آن مرغان پرواز میکنند در میان
آن فرو میروند و بر آن مشک و عنبر میغلطند و چون ملائکه جمع میشوند
پرواز میکنند و مشک و عنبر بر سر ایشان میریزند و در این روز نثار حضرت
فاطمه صلوات الله علیها را که در شب زفاف آن حضرت سدرة المنتهی و درخت
طوبی نثار کردند برای یکدیگر هدیه میفرستند و چون آخر این روز میشود
ندا از جانب رب اعلی بایشان میرسد که برگردید بسوی درجها و مرتبهای
خود پس بتحقیق که ایمن گردیدید از گناه و خطا و لغزش تا مثل این روز از سال
آینده برای کرامت محمد و علی صلوات الله علیهما پس حضرت فرمود که ای
پسر ابی نصر هر جا که باشی سعی کن که در نزد قبر مطهر حضرت امیر المؤمنین
حاضر شوی بدرستی که خدا در این روز آزاد میکند از آتش جهنم دو برابر
آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر و یکدرهم
که در این روز به برادر مؤمن بدهی برابر است با هزار درهم که در اوقات
دیگر بدهی و احسان کن در این روز به برادر مؤمن خود و شاد گردان هر مؤمن
مؤمن و زن مؤمنه را بخدا سوگند که اگر مردم فضیلت این روز را بدانند هر آینه
چنانچه باید هر روز ده مرتبه ملائکه با او مصافحه میکنند و زیارت حضرت

امیر المؤمنین درین روز فضیلت بسیار دارد از نزدیک و دور و موافق
روایت صفوان اگر از دور زیارت کند دو رکعت نماز زیارت بجا آورند
و در رکعت اول سوره انا انزلناه و در رکعت دوم سوره اللهم صل علی ولیک
قل هو الله احد بخواند پس این دعا بخواند دعا بفرست خداوندا رحمت بر [illegible]
واخي نبيك ووزيره وحبيبه وخليله وموضع سره وخيرته من اسرته
و برادر پیغمبر خود و وزیر و دوست او و صدیق او و موضع راز او و برگزیده او از خویشان او
ووصيه وصفوته وخالصته وامينه ووليه واشرف عترته الذين
و وصی او و برگزیده او و دوست خالص او و امانت دار او و دوست او و بزرگوارترین خویشان او
امنوا به وابي ذريته وباب حكمته والناطق بحجته والداعي الى شريعته
که گرویده بود به او و پدر فرزندان او و در حکمت او و گویا به حجت او و خواننده بسوی شریعت او
والماضي على سنته وخليفته على امته سيد المسلمين وامير المؤمنين
و گذرنده بر طریقه او و جانشین او بر امت او بزرگ گروه مسلمانان و پادشاه گروه مؤمنان
وقائد الغر المحجلين افضل ما صليت على احد من خلقك واصفيائك و
و کشنده [illegible] بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از خلق خود و برگزیدگان خود و
اوصياء انبيائك اللهم اني اشهد انه قد بلغ عن نبيك صلى الله عليه
جانشینان پیغمبران خود خداوندا گواهی میدهم که بتحقیق رسانید از پیغمبر تو رحمت فرستد خدا
واله ما حمل ورعى ما استحفظ وحفظ ما استودع وحلل حلالك
بر او و آل او آنچه را [illegible]
وحرم حرامك واقام احكامك ودعا الى سبيلك ووالى اولياءك
و حرام کرد حرام ترا و برپا داشت حکمهای ترا و خواند بسوی راه تو و دوستی کرد با دوستان تو
وعادى اعداءك وجاهد الناكثين عن سبيلك والقاسطين والمارقين
و دشمنی کرد با دشمنان تو و کارزار نمود آنها را که بیعت شکستند [illegible]
عن امرك صابرا محتسبا مقبلا غير مدبر لا تاخذه في الله لومة
از امر تو [illegible]

لائم حتى بلغ في ذلك الرضا وسلم اليك القضاء وعبدك مخلصا
ملامت کننده تا آنکه رسید در آن خوشنودی را و گذاشت بسوی تو حکم را و پرستید ترا خالص
ونصح لك مجتهدا حتى اتاه اليقين فقبضته اليك شهيدا سعيدا وليا
و نصیحت کرد برای تو کوشش کننده تا آنکه آمد او را مرگ پس واگرفتی او را بسوی خود شهید نیکبخت دوست
تقيا رضيا زكيا هاديا مهديا اللهم صل على محمد وعليه افضل ما
پرهیزکار پسندیده پاکیزه راه نماینده راه یافته خداوندا رحمت فرست بر محمد و بر او بهترین
صليت على احد من انبيائك واصفيائك يا رب العالمين و اگر اشاره
رحمت فرستادی بر یکی از پیغمبران خود و برگزیدگان خود ای پروردگار عالمیان بانگشت
شهادت بجانب قبر شریف آنحضرت کند و این زیارت را زیارت بهشت
نیز بخواند السلام عليك يا امير المؤمنين ورحمة الله وبركاته
بهتر است درود بر تو ای پادشاه مؤمنان و رحمت خدا و برکتهای او
السلام عليك يا امين الله في ارضه وحجته على عباده اشهد لقد جاهدت
درود بر تو ای امانت خدا در زمین او و حجت او بر بندگان او گواهی میدهم که بتحقیق جهاد کردی
يا امير المؤمنين في الله حق جهاده وعملت بكتابه واتبعت سنن نبيه
ای پادشاه مؤمنان در راه خدا حق جهاد او را و عمل کردی بکتاب او و پیروی کردی طریقه پیغمبر او را
صلى الله عليه واله حتى دعاك الله الى جواره فقبضك اليه باختيارك
رحمت فرستد خدا بر او و آل او تا آنکه خواند ترا خدا بسوی همسایگی خود پس واگرفت ترا بسوی خود [illegible]
لك كريم ثوابه والزم اعداءك الحجة في قتلهم اياك مع ما لك من الحجج
برای تو [illegible]
البالغة على جميع خلقه اللهم صل على محمد واله واجعل نفسي مطمئنة
[illegible] خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او و بگردان نفس مرا آرام
بقدرك راضية بقضائك مولعة بذكرك ودعائك محبة لصفوة
[illegible]
اوليائك محبوبة في ارضك وسمائك صابرة عند نزول بلائك شاكرة
[illegible]

لفواضل نعمائك ذاكرة لسوابغ آلائك مشتاقة إلى فرحة لقائك متزودة
مر نعمتهای ترا یاد کننده مر نعمتهای کامل ترا آرزومند بسوی شادی دیدار تو توشه گیرنده
التقوى ليوم جزائك مستنة بسنن أوليائك مفارقة لأخلاق أعدائك
پرهیزکاری برای روز جزا دادن تو فراگیرنده طریقهای دوستان ترا جدا کننده مر خویهای دشمنان ترا
مشغولة عن الدنيا بحمدك وثنائك اللهم إن قلوب المخبتين إليك والهة
باز داشته شده از دنیا بستایش تو و بستودن تو خداوندا بدرستیکه دلهای فروتنی کنندگان بسوی تو [illegible]
وسبل الراغبين إليك شارعة وأعلام القاصدين إليك واضحة
و راههای خواهندگان بسوی تو گشوده و واضح و نشانهای آهنگ کنندگان بسوی تو آشکاره
وأفئدة العارفين منك فازعة وأصوات الداعين إليك صاعدة وأبواب
و دلهای شناسایان از تو ترسان و صداهای خوانندگان بسوی تو بالا رونده و درهای
الإجابة لهم مفتحة ودعوة من ناجاك مستجابة وتوبة من أناب إليك
پذیرائی برای ایشان گشوده و دعای آنکه راز گفت ترا اجابت کرده شده و بازگشت آنکه باز گردید
مقبولة وعبرة من بكى من خوفك مرحومة والإغاثة لمن استغاث بك
پذیرفته و اشک دیده آنکه گریست از ترس تو رحم کرده شده و فریادرسی برای آنکه فریاد خواست
موجودة والإعانة لمن استعان بك مبذولة وعداتك لعبادك
موجود و یاری [illegible] بخشیده شده و وعدهای تو مر بندگان
منجزة وزلات من استقالك مقالة وأعمال العاملين لديك محفوظة
وفا کرده شده و لغزشهای آنکه طلب کرده عفو را درگذشته است و کردارهای کارکنندگان نزد تو نگاه داشته
وأرزاق الخلائق من لدنك نازلة وعوائد المزيد إليهم واصلة و
و روزیهای آفریدگان از نزد تو فرود آینده و منفعتهای زیاد بسوی ایشان رسنده
ذنوب المستغفرين مغفورة وحوائج خلقك عندك مقضية وجوائز
گناهان آمرزش طلبان آمرزیده و حاجتهای خلق تو نزد تو روا شده و عطایای
السائلين عندك موفرة وعوائد المزيد متواترة وموائد المستطعمين
درخواست کنندگان نزد تو وافر کرده شده و منفعتهای زیاد پیاپی رسنده و خوانهای [illegible]

معدة

معدة ومناهل الظماء لديك مترعة اللهم فاستجب دعائي واقبل
آماده است و آبشخورهای تشنگان نزد تو لبریز است خداوندا پس مستجاب کن دعای مرا و بپذیر
ثنائي واجمع بيني وبين أوليائي وأحبائي بحق محمد وعلي وفاطمة
ستایش مرا و گرد آور میان من و میان دوستانم و دوستانم بحق محمد و علی و فاطمه
والحسن والحسين والأئمة من ذرية الحسين أئمتي من ذريتي إنك ولي
و حسن و حسین و پیشوایان از فرزندان حسین پیشوایان من [illegible]
نعمائي ومنتهى مناي وغاية رجائي في منقلبي ومثواي واگر بعد
نعمتهای من و منتهای آرزوهای من و نهایت امید من در بازگشتن و آرامگاه من از زمان
اول این زیارت را بعمل آورد و آخر آن دعا را بخواند شاید بهتر باشد و شب
عید غدیر نیز شب بسیار مبارکی است و در شب نیز مناسب است که زیارت
را بعمل آورند و نمازی در شب وارد شده است چون سندش معتبر نبود
ایراد ننمودم اما فضیلت روزه داشتن و تصدق کردن و افطار روزه دار
نمودن درین روز و درین باب احادیث بسیار است و از جمله آنها این روایت
است که حضرت صادق فرمود که روزه روز غدیر برابر است با روزه عمر
دنیا که اگر کسی برابر عمر دنیا عمر یابد و روزه بدارد روزه این روز برابر است
با ثواب آن و روزه اش برابر است نزد خدا با صد حج و صد عمره و این عید بزرگ
است و خدا نفرستاده است پیغمبری را مگر آنکه این روز را عید کرده است
و حرمت آن را دانسته است و نامش در آسمان روز عهد معهود است و نامش
در زمین روز میثاق ماخوذ و جمع مشهور است و هر که درین روز
مؤمنی را افطار فرماید ثواب کسی دارد که ده فئام را طعام دهد که
هر فئامی صد هزار کس است و ثواب کسی دارد که طعام دهد و آب دهد
بآن عدد که مذکور شد از پیغمبران و اوصیای ایشان و شهیدان و صالحان
را در سال قحط و بگذارم که درین روز تصدق کند برابر است با صد هزار
درهم که در روزهای دیگر تصدق کند پس فرمود که شاید که گمان کنی خدا

روزی خلق کرده است که حرمتش از نیروز بیشتر باشد نه والله نه
والله و بروایت دیگر فرمود که روزه اش برابر است با شصت ماه از ماههای
حرام که روزه بدارند و فرمود که روز سرور و شادی است و بسند
معتبر از فیاض بن محمد منقولست که گفت در روز عید غدیر در مرو
در خدمت حضرت امام رضا بودم و آنحضرت در آن روز مخصوصان و
خویشان و اصحاب خود را جمع کرده بود و ایشان را نگاه داشته بود که افطار
کنند و بخانهای ایشان طعام فرستاد و زرها و خلعتها حتی انگشتر و کفش
نیز فرستاد و با ایشان خلعتهای فاخر نیز شفقت فرمود و ملازمان و
خدمتکاران خود را جامهای نو بسیار نفیس پوشانیده بود و فضیلت
این روز را برای مردم نقل میفرمود از جمله آنها گفت که در بعضی از
سالهای خلافت حضرت امیر المؤمنین روز جمعه با عید غدیر در یک روز
جمع شد پس بعد از پنج ساعت که از روز گذشت بر منبر بالا رفت و خطبه
طولانی خواند و فضایل روز غدیر را بسیار بیان فرمود و نامها بسیار
از برای این ذکر کرد پس فرمود که بعد از انقضاء این مجمع برگردید بخانهای
خود و توسعه کنید بر عیال خود و احسان و نیکی کنید نسبت به برادر
مؤمن خود و در خانها بخود برادران مؤمن را جمع کنید و نیکوئی کنید
نسبت با ایشان و یکدیگر التهنیت و مبارکباد بگوئید و نیکی و احسان
کردن درین روز مال و عمر را زیاد میکند و مهربانی با یکدیگر کردن
موجب مزید رحمت الهی است و تا توانید احسان کنید با عیال خود و
اظهار شادی بکنید و هر که امید احسان دارد از شما در حق او تقصیر
مکنید و ضعیفان و فقیران و غلامان و کنیزان را با خود برابر کنید
بدرستی که دادن یک درهم درین روز برابر است با دویست هزار درهم
و حقتعالی زیاده نیز عطا میکند و روزه این روز را حق تعالی سنت
گردانیده و ثوابش مانند ثواب کسی گردانیده که از اول ما دنیا

تا آخر دنیا عبادت کند با آنکه روزها روزه بدارد و شبها بعبادت بسر
آورد و کسی که برآورد حاجت برادر مؤمنی را پیش از آنکه او اظهار کند و ا
آرزو و بخواهش و رغبت با و نیکی کند چنان باشد و تمام شبش را بعبادت بایستد
و هر که در شبش مؤمنی را افطار فرماید چنان باشد که هزار هزار پیغمبر
و صدیق و شهید را افطار فرموده باشد پس چگونه باشد ثواب کسی که
متکفل احوال چندین نفر از مردان مؤمن و زنان مؤمنه بشود و هر گاه
چنین کند من ضامنم بر خدا که امان یابد از کافر شدن و از فقیر شدن و اگر
بمیرد تا در آن شب یا در آن روز یا بعد از آن تا روز عید غدیر آینده بدون آنکه
کبیره بسیار بدی بکند البته آمرزیده است و هر که قرضی بکند درین روز
برای برادر مؤمن خود من ضامنم بر خدا که اگر او را زنده بدارد تا بمیراند
آن قرض را از او متحمل شود و از دوش او بردارد و چون با یکدیگر ملاقات
کنید مصافحه کنید و بزبانها یکدیگر التهنیت بگوئید و آنچه گفتم حاضران
بغایبان بگوئید و توانگران رعایت کنید فقیران را و دستگیری کنید
ضعیفان را حضرت فرمود رسول خدا مرا بهمه اینها امر فرمود و بدانکه غسل
درین روز سنت مؤکد است و اما کیفیت نماز روز عید غدیر مشهور آنست
که از حضرت صادق روایت کرده اند که هر که درین روز نیم ساعت پیش
از زوال شمس دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت سوره حمد یکمرتبه و قل
هو الله احد و انا انزلناه و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون هر یک را ده مرتبه
بخواند برابر باشد نزد حق تعالی با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجت از
حاجتهای دنیا و آخرت که از خداوند کریم سؤال کند البته باسانی و عافیت
برآورده شود و چون برادر مؤمن را ملاقات کنی بگو الحمد لله الذی اکرمنا
بهذا الیوم وجعلنا من الموفین بعهده الذی عهده الینا ومیثاقه الذی
واثقنا به من ولایة ولاة امره والقوام بقسطه ولم یجعلنا من الجاحدین
والمکذبین بیوم الدین یعنی حمد و سپاس خداوندی را سزاست که مرا

گرامی داشت باین روز و گردانید ما را از ایمان آورندگان و گردانید
ما را از وفا کنندگان بعهد خود که عهد گرفته است بر ما و تمامی که
محکم گردانیده است بر ما که ولایت والیان امر اما منت است و آنها که حکم
میکنند بعد از آن در میان خلق و نگردانید ما را از انکار کنندگان و
تکذیب کنندگان بروز جزا و فرمود که اینجا را بعد از نماز بخوانند دعا
ابنست: رَبَّنا اِنَّنا سَمِعْنا مُنادِیاً یُنادی لِلْاِیمانِ اَنْ آمِنُوا بِرَبِّکُمْ
فَآمَنّا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَکَفِّرْ عَنّا سَیِّئاتِنا وَتَوَفَّنا مَعَ الْاَبْرارِ رَبَّنا وَآتِنا
ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ وَلا تُخْزِنا یَوْمَ الْقِیامَةِ اِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمِیعادَ
اَللّٰهُمَّ اِنّی اُشْهِدُکَ وَکَفی بِکَ شَهِیداً وَاُشْهِدُ مَلائِکَتَکَ وَاَنْبِیائَکَ
وَحَمَلَةَ عَرْشِکَ وَسُکّانَ سَمٰواتِکَ وَاَرَضِیکَ بِاَنَّکَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا
اَنْتَ الْمَعْبُودُ فَلا نَعْبُدُ سِواکَ فَتَعالَیْتَ عَمّا یَقُولُ الظّالِمُونَ عُلُوّاً کَبِیراً
وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ وَاَشْهَدُ اَنَّ اَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ عَبْدُکَ
وَمَوْلانا رَبَّنا سَمِعْنا وَاَجَبْنا وَصَدَّقْنَا الْمُنادِیَ رَسُولَکَ صَلَّی اللّٰهُ
عَلَیْهِ وَآلِهِ اِذْ نادی بِنِداءٍ عَنْکَ بِالَّذی اَمَرْتَهُ اَنْ یُبَلِّغَ ما اَنْزَلْتَهُ
اِلَیْهِ مِنْ وِلایَةِ وَلِیِّ اَمْرِکَ وَحَذَّرْتَهُ وَاَنْذَرْتَهُ اِنْ لَمْ یُبَلِّغْ ما اَمَرْتَهُ

بِهِ اَنْ تَسْخَطَ عَلَیْهِ وَلَمّا بَلَّغَ رِسالاتِکَ عَصَمْتَهُ مِنَ النّاسِ فَنادی مُبَلِّغاً
عَنْکَ اَلا مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ اَمِیرُهُ رَبَّنا قَدْ اَجَبْنا داعِیَکَ النَّذِیرَ
مُحَمَّداً عَبْدَکَ وَرَسُولَکَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اِلَی الْهادِی الْمَهْدِیِّ
عَبْدِکَ الَّذی اَنْعَمْتَ عَلَیْهِ وَجَعَلْتَهُ مَثَلاً لِبَنی اِسْرائِیلَ عَلِیٍّ اَمِیرِ
الْمُؤْمِنِینَ وَمَوْلاهُمْ وَوَلِیِّهِمْ رَبَّنا وَاتَّبَعْنا مَوْلانا وَوَلِیَّنا وَهادِیَنا
وَداعِیَنا وَداعِیَ الْاَنامِ وَصِراطَکَ الْمُسْتَقِیمَ وَحُجَّتَکَ الْبَیْضاءَ وَسَبِیلَکَ
الدّاعِیَ اِلَیْکَ عَلی بَصِیرَةٍ هُوَ وَمَنِ اتَّبَعَهُ وَسُبْحانَ اللّٰهِ عَمّا یُشْرِکُونَ وَ
اَشْهَدُ اَنَّهُ الْاِمامُ الْهادِی الرَّشِیدُ اَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ الَّذی ذَکَرْتَهُ فی
کِتابِکَ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ فَاِنَّکَ قُلْتَ وَاِنَّهُ فی اُمِّ الْکِتابِ لَدَیْنا لَعَلِیٌّ حَکِیمٌ
اَللّٰهُمَّ فَاِنّا نَشْهَدُ بِاَنَّهُ عَبْدُکَ وَالْهادی بَعْدَ نَبِیِّکَ النَّذِیرِ الْمُنْذِرِ
وَصِراطُکَ الْمُسْتَقِیمُ وَاَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَقائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ وَحُجَّتُکَ
الْبالِغَةُ وَلِسانُکَ الْمُعَبِّرُ عَنْکَ فی خَلْقِکَ وَاَنَّهُ الْقائِمُ بِالْقِسْطِ فی

المأمون

بَرِيَّتِكَ وَدَيّانِ دِينِكَ وَخازِنِ عِلْمِكَ وَاَمِينِكَ المَاخُوذِ مِيثاقُهُ وَمِيثاقُكَ
رَسُولِكَ عَلَيْهِمَا السَّلامُ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَبَرِيَّتِكَ شاهِداً بِالاِخْلاصِ
لَكَ وَالوَحْدانِيَّةِ وَالرُّبُوبِيَّةِ بِاَنَّكَ اَنْتَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ وَاَنَّ
مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ عَلِيّاً اَمِيرُ المُؤْمِنِينَ
جَعَلْتَهُ وَلِيَّكَ وَالاِقْرارُ بِوِلايَتِهِ تَمامَ وَحْدانِيَّتِكَ وَكَمالَ دِينِكَ
وَتَمامَ نِعْمَتِكَ عَلى جَمِيعِ خَلْقِكَ وَبَرِيَّتِكَ فَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الحَقُّ اليَوْمَ
اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الاِسْلامَ
دِيناً وَلَكَ الحَمْدُ بِمُوالاتِهِ وَاِتْمامِ نِعْمَتِكَ عَلَيْنا بِالَّذِي جَدَّدْتَ مِنْ
عَهْدِكَ وَمِيثاقِكَ وَذَكَّرْتَنا ذٰلِكَ وَجَعَلْتَنا مِنْ اَهْلِ الاِخْلاصِ
وَالتَّصْدِيقِ بِمِيثاقِكَ وَمِنْ اَهْلِ الوَفاءِ بِذٰلِكَ وَلَمْ تَجْعَلْنا مِنْ اَتْباعِ
المُغَيِّرِينَ وَالمُبَدِّلِينَ وَالمُنْحَرِفِينَ وَالمُبَتِّكِينَ آذانَ الاَنْعامِ وَالمُغَيِّرِينَ
خَلْقَ اللهِ وَمِنَ الَّذِينَ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطانُ فَاَنْساهُمْ ذِكْرَ اللهِ

وصدهم

وَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَالصِّراطِ المُسْتَقِيمِ اللّٰهُمَّ العَنِ الجاحِدِينَ وَ
النّاكِثِينَ وَالمُغَيِّرِينَ وَالمُبَدِّلِينَ وَالمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ مِنَ الاَوَّلِينَ
وَالآخِرِينَ اللّٰهُمَّ فَلَكَ الحَمْدُ عَلى اِنْعامِكَ عَلَيْنا بِالهُدَى الَّذِي هَدَيْتَنا
بِهِ اِلى وُلاةِ اَمْرِكَ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الاَئِمَّةِ الهُدى
وَمَنارِ القُلُوبِ وَالتَّقْوى وَالعُرْوَةِ الوُثْقى وَكَمالِ دِينِكَ وَتَمامِ نِعْمَتِكَ
وَمَنْ بِهِمْ وَبِمُوالاتِهِمْ رَضِيتَ لَنا الاِسْلامَ دِيناً رَبَّنا فَلَكَ الحَمْدُ
آمَنّا وَصَدَّقْنا بِمَنِّكَ عَلَيْنا بِالرَّسُولِ النَّذِيرِ المُنْذِرِ وَوالَيْنا وَلِيَّهُمْ
وَعادَيْنا عَدُوَّهُمْ وَبَرِئْنا مِنَ الجاحِدِينَ وَالمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ اللّٰهُمَّ
فَكَما كانَ ذٰلِكَ مِنْ شَأْنِكَ يا صادِقَ الوَعْدِ يا مَنْ لا يُخْلِفُ المِيعادَ يا مَنْ
هُوَ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ اِذْ اَتْمَمْتَ عَلَيْنا نِعْمَتَكَ بِمُوالاةِ اَوْلِيائِكَ
المَسْئُولِ عَنْهُمْ عِبادُكَ فَاِنَّكَ قُلْتَ ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ وَقُلْتَ
وَقَوْلُكَ الحَقُّ وَقِفُوهُمْ اِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ وَمَنَنْتَ عَلَيْنا بِشَهادَةِ الاِخْلاصِ

الهداة الراشدين واعلام الهدى

الاخلاص وبولاية اوليائك الهداة بعد النذير المنذر السراج

از روی اخلاص و بدوستی دوستان خود که راهنمایانند پس از بیم دهنده ترساننده و چراغ

المنير فاكملت لنا بهم الدين واتممت علينا النعمة وجددت لنا

روشن پس کامل کردی برای ما به آنها دین را و تمام کردی بر ما نعمت را و تازه کردی برای ما

عهدك وذكرتنا ميثاقك الماخوذ منا في ابتداء خلقك ايانا

عهد خود را و یاد آوردی ما را پیمان خود که فرا گرفته شده از ما در آغاز آفرینش تو ما را

وجعلتنا من اهل الاجابة ولم تنسنا ذكرك فانك قلت واذ اخذ

و گردانیدی ما را از اهل اجابت نمودن و فراموش نگردانیدی ما را یاد خود که تحقیق تو گفته و یاد کن

ربك من بني ادم من ظهورهم ذريتهم واشهدهم على انفسهم

پروردگار تو از بنی آدم از پشتهای آنها فرزندان ایشان و گواه گرفت آنها را بر نفسهای آنها

الست بربكم قالوا بلى شهدنا بمنك ولطفك فانك انت الله لا اله

که آیا نیستم من پروردگار شما گفتند آری گواهی دادیم به انعام تو و مهربانی تو پس به تحقیق تو خدایی

الا انت ربنا ومحمد عبدك ورسولك ونبينا وعلي امير المؤمنين

که نیست پروردگار ما و محمد بنده تو و رسول تو و پیغمبر ما و علی پادشاه گروندگان

عبدك الذي انعمت به علينا وجعلته لنبيك صلى الله عليه و

بنده تو آنکه انعام کردی به او بر ما و گردانیدی او را برای پیغمبر خود محمد فرستاده خدا

اله واٰيتك الكبرى وصراطك المستقيم والنبا العظيم الذي هم

آل او و نشانه بزرگتر خود و راه راست خود و خبر بزرگ آنکه ایشان

فيه مختلفون وعنه مسئولون اللهم فكما كان من شانك ان انعمت

در آن مختلف شده‌اند و از آن پرسیده شوند خداوندا پس چنانکه بود از کار تو آنکه انعام

علينا بالهداية الى معرفتهم فليكن من شانك ان تصلي على محمد وال

بر ما به راه نمودن بسوی شناختن آنها پس باید که باشد از کار تو آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل

محمد وان تبارك لنا في يومنا هذا الذي اكرمتنا به وذكرتنا فيه

محمد و آنکه برکت دهی برای ما در روز ما این روزی که گرامی داشتی ما را به آن و یاد آوری نمودی

عهدك وميثاقك واكملت ديننا واتممت علينا نعمتك وجعلتنا

عهد خود و پیمان خود را و کامل کردی دین ما را و تمام کردی بر ما نعمت خود را و گردانیدی ما را

بمنك من اهل الاجابة لك والبراءة من اعدائك واعداء اوليائك

به انعام خود از آنانکه اجابت نموده‌اند تو را و بیزاری از دشمنان تو و دشمنان دوستان تو

المكذبين بيوم الدين فاسئلك يا رب تمام ما انعمت وان تجعلنا من

که تکذیب کننده‌اند به روز جزا پس درخواست میکنم از تو ای پروردگار من تمامی آنچه را که انعام کردی و آنکه گردانی

الموفين ولا تلحقنا بالمكذبين واجعل لنا قدم صدق مع المتقين

به عهد وفاکنندگان و ملحق نسازی ما را به تکذیب کنندگان و بگردان برای ما قدم درستی با پرهیزکاران

واجعلنا مع المتقين اماما يوم تدعوا كل اناس بامامهم واحشرنا

و بگردان ما را از پرهیزکاران پیشوا روزی که میخوانی همه آدمیان را به امام پیشوای ایشان و برانگیز

في زمرة اهل بيت نبيك الائمة الصادقين واجعلنا من البراءة

در زمره خانواده پیغمبر خود که پیشوایان راستگویانند و بگردان ما را از آنانکه

من الذين هم دعاة الى النار ويوم القيامة هم من المقبوحين واحينا

از گروهی که آنها خوانندگانند بسوی آتش روز قیامت آنها از رانده شدگانند و زنده دار

على ذلك ما احييتنا واجعل لنا مع الرسول سبيلا واجعل لنا قدم

بر آن مادام که زنده داری ما را و بگردان برای ما با رسول راهی و بگردان برای ما قدم

في الهجرة اليهم واجعل محيانا خير المحيا ومماتنا خير الممات ومنقلبنا

در کوچ کردن بسوی ایشان و بگردان زندگانی ما را بهترین زندگانی و مردن ما را بهترین مردن و بازگشت ما را

خير المنقلب على موالاة اوليائك ومعاداة اعدائك حتى توفنا

بهترین بازگشتی بر دوست داشتن دوستان تو و دشمن داشتن دشمنان تو تا آنکه بمیرانی

وانت عنا راض قد اوجبت لنا جنتك برحمتك يا ارحم الراحمين

و تو از ما راضی باشی واجب کرده باشی برای ما بهشت خود را به رحمت خود ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان

والمثوى من جوارك المقامة من فضلك لا تمسنا فيها نصب ولا

و آرامگاهی از قرب خود در سرای اقامت از فضل تو آنکه نرسد ما را در آن رنجی و

جميعا في دارة

ممسنا فيها لغوب ربنا اغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا

اگرچه رسد ما را در آن رنجی پروردگار ما بیامرز برای ما گناهان ما را و محو کن از ما بدیهای ما را و بمیران ما را

مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيامة

با نیکوکاران پروردگار ما و بده ما را آنچه وعده دادی ما را بر زبان فرستادگان و خوار مکن ما را در روز قیامت

انك لا تخلف الميعاد اللهم احشرنا مع الائمة الهداة من آل رسولك

بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده را خداوندا برانگیز ما را با پیشوایان راه نمایان از آل رسول تو

نؤمن بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم وغائبهم اللهم اني اسئلك

میگرویم به پنهان آنها و آشکار ایشان و حاضر ایشان و غایب ایشان خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم

بالحق الذي جعلته عندهم وبالذي فضلتهم به على العالمين جميعا

بحق آنکه قرار دادی آن را نزد ایشان و بآنچه زیادتی دادی ایشان را بر جهانیان همگی

ان تبارك لنا في يومنا هذا الذي اكرمتنا فيه بالموافاة بعهدك

اینکه برکت دهی ما را در روز ما این روز که گرامی داشتی ما را در آن بوفا نمودن بپیمان تو

الذي عهدته الينا وبالميثاق الذي واثقتنا به من موالاة اوليائك

آن پیمانیکه فرستادی بسوی ما و بپیمان محکمی که بستی ما را بآن از دوستی دوستان تو

والبراءة من اعدائك ان تتم علينا نعمتك ولا تجعله مستودعا و

و بیزاری از دشمنان تو اینکه تمام کنی بر ما نعمت خود را و نگردانی آن را امانت [illegible]

فيه

اجعله مستقرا ولا تسلبنا ابدا ولا تجعله مستعارا وارزقنا مرافقة

بگردان آن را ثابت و از ما مگیر آن را هرگز و نگردان آن را بعاریت [illegible]

وليك الهادي المهدي الى الهدى وتحت لوائه وفي زمرته

دوست خود را [illegible] و در زیر علم او و در زمره او

شهداء صادقين على بصيرة من دينك انك على كل شيء قدير واگر

شهیدان [illegible] از دین تو بدرستیکه تو بر همه چیز توانایی

این عمل

براو دشوار باشد باین روایت عمل کند که شیخ مفید رحمه الله ذکر

از حضرت صادق روایت کرده اند که هر که در روز غدیر دو رکعت نماز

بکند در هر وقت که خواهد و اگر نزدیک زوال بکند که در آن ساعت

فی

حضرت رسول حضرت امیر المؤمنین را در روز غدیر خم برای مردم بخلافت

و امامت نصب کرد بهتر است یعنی بهر سوره که خواهد و اگر در رکعت اول

انا انزلناه و در رکعت دوم قل هو الله احد چنانچه در روایت معتبر ذکر

وارد شده است بهتر است پس بسجده برود و صد مرتبه شکرا لله بگوید

و چون سر از سجده اللهم اني اسألك بان لك الحمد وحدك لا

بردارد این دعا بخواند خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بآنکه مر تراست سپاس تنها [illegible]

شريك لك وانك واحد احد صمد لم تلد ولم تولد ولم يكن لك كفوا احد

شریکی مر ترا و آنکه تو یگانه یکتا بی نیازی نزادی و زائیده نشدی و نیست مر ترا همتایی

وان محمدا عبدك ورسولك صلواتك عليه وآله يا من هو كل يوم

و اینکه محمد بنده تو و رسول تو درودهای تو بر او و آل او ای آنکه او هر روز

في شأن كما كان من شأنك ان تفضلت علي بان جعلتني من اهل اجابتك

در کاریست چنانچه بود از کار تو آنکه بخشش نمودی بر من بآنکه گردانیدی مرا از اهل اجابت

واهل دينك واهل دعوتك ووفقتني لذلك في مبتدأ خلقي تفضلا

و اهل دین تو و اهل خواندن تو و توفیق دادی مرا برای آن در آغاز آفرینش من [illegible]

منك وكرما ثم اردفت الفضل فضلا والجود جودا والكرم كرما رأفة

وجوداً

[illegible]

منك ورحمة الى ان جددت ذلك العهد لي تجديدا بعد تجديدك

از تو و رحمت تا آنکه تازه کردی آن عهد را برای من تازه کردنی [illegible]

خلقي وكنت نسيا منسيا ناسيا ساهيا غافلا فاتممت نعمتك بان

[illegible]

ذكرتني ذلك ومننت به علي وهديتني له فليكن من شأنك يا الهي

[illegible]

وسيدي ومولاي ان تتم لي ذلك ولا تسلبنيه حتى تتوفاني على

ذلك وانت عنى راض فانك اخو المنعمين ان تتم نعمتك على اللهم

سمعنا واطعنا واجبنا داعيك بمنك فلك الحمد غفرانك ربنا واليك

المصير امنا بالله وحده لا شريك له وبنبيه وبرسوله محمد صلى الله

عليه وآله وصدقنا واجبنا داعي الله واتبعنا الرسول في موالاة

مولانا ومولى المؤمنين امير المؤمنين علي بن ابي طالب عبد الله و

اخي رسوله والصديق الاكبر والحجة على بريته والمؤيد به نبيه

ودينه الحق المبين علما لدين الله وخازنا لعلمه وغيبة غيب الله

وموضع سر الله وامين الله على خلقه وشاهده في بريته اللهم

ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان ان امنوا بربكم فامنا ربنا

فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا

ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيامة انك لا تخلف

الميعاد فانا ربنا بمنك ولطفك اجبنا داعيك واتبعنا الرسول

وصدقناه وصدقنا مولى المؤمنين وكفرنا بالجبت والطاغوت

فولنا ما تولينا واحشرنا مع ائمتنا فانا بهم مؤمنون موقنون ولهم

مسلمون امنا بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم وغائبهم وحيهم و

ميتهم ورضينا بهم ائمة وقادة وسادة وحسبنا بهم بيننا وبين الله

دون خلقه لا نبتغي بهم بدلا ولا نتخذ من دونهم وليجة وبرئنا الى الله

من كل من نصب لهم حربا من الجن والانس من الاولين والاخرين و

كفرنا بالجبت والطاغوت والاوثان والاربعة واشياعهم واتباعهم

وكل من والاهم من الجن والانس من الدهر الى اخره اللهم انا

نشهدك انا ندين بما دان به محمد وآل محمد صلى الله عليه وعليهم و

قولنا ما قالوا وديننا ما دانوا به ما قالوا به قلنا وما دانوا به دنا وما

انكروا انكرنا وما والوا والينا وما عادوا عادينا ومن لعنوا لعنا

ومن تبرءوا منه تبرانا منه ومن ترحموا عليه ترحمنا عليه امنا

الاولى

وسلّمنا ورضينا واتّبعنا موالينا صلوات الله عليهم اللّهمّ فتمّم
و گردن نهادیم و خوشنود شدیم و پیروی کردیم صاحبان اختیار خود را درود خدا بر ایشان خداوندا تمام کن
لنا ذلك ولا تسلبناه واجعله مستقرّا عندنا ثابتا ولا تجعله مستعارا
برای ما آنرا و سلب مکن از ما آنرا و بگردان آنرا برقرار نزد ما ثابت و مگردان آنرا عاریتی
واحينا ما احييتنا عليه وامتنا اذا امتّنا عليه آل محمّد ائمّتنا
و زنده دار ما را مادام که زنده داری ما را بر آن و بمیران ما را چون بمیرانی ما را بر آن آل محمد پیشوایان ما
فبهم ائتممنا واياهم والينا وعدوّهم عادينا وعدوّ الله نعادي فاجعلنا معهم
پس بایشان اقتدا کردیم و ایشان را دوست داشتیم و دشمن ایشان را دشمن داشتیم و دشمن خدا را دشمن می داریم پس بگردان ما را با ایشان
في الدنيا والآخرة ومن المقرّبين فانّا بذلك راضون پس باز سجده كند
در دنیا و آخرت و از نزدیک شدگان پس بدرستی که ما به آن خوشنودیم — وصد مرتبه
الحمد لله وصد مرتبه شكرا لله بگويد پس حضرت فرمود كه هر كه اين عمل
بجا آورد ثواب كسى دارد كه در روز غدير نزد حضرت رسول صلّى الله
عليه وآله حاضر شده باشد و با حضرت رسول و حضرت امير المؤمنين ع
بر ولايت آن حضرت بيعت كرده باشد و درجه او در بهشت با درجه راست
گويان و تصديق كنندگان باشد كه تصديق خدا و رسول در آن روز از روى
اخلاص كردند مانند سلمان و ابوذر و مقداد رضي الله عنهم و مانند كسى
باشد كه شهيد شده باشد با حضرت رسول و حضرت امير المؤمنين صلوات
الله عليهما و مانند كسى باشد كه در زير علم صاحب الامر صلوات الله عليه
در زير خيمه آن حضرت بوده باشد از نجيبان و نقيبان و برگزيده اصحاب
آنحضرت و ايضا شيخ مفيد رحمه الله روايت كرده است كه سنّت است
كه اين دعا را در روز اللّهمّ انّي اسئلك بحقّ محمّد نبيّك وعليّ وليّك و
غدير بخوانند — خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بحق محمد پیغمبر تو و علی دوست تو و
والشأن والقدرة التي خصصتهما به دون خلقك ان تصلّي على محمّد
و مرتبه و قدری که مخصوص کردی ایشان را به آن نزد سایر خلق خود اینکه رحمت کنی بر محمد

يا ارحم الراحمين
ای مهربانترین مهربانان

وعلي

وآل محمّد الائمّة
وآل محمد پیشوایان

وعليّ وان تبدأ بهما في كلّ خير عاجل اللّهمّ صلّ على محمّد الائمّة القادة و
و علی و آنکه ابتدا کنی بآنها در هر نیکی شتابنده خداوندا رحمت فرست بر محمد کشندگان و
الدعاة السادة والنجوم الزاهرة والاعلام الباهرة وساسة العباد
دعوت کنندگان بزرگان و ستارهای درخشنده و نشانهای روشن و دولتمندان بندگان
واركان البلاد والناقة المرسلة والسفينة الناجية الجارية في
و رکنهای شهرها و ناقه فرستاده و کشتی رهاننده روان در
اللجج الغامرة اللّهمّ صلّ على محمّد خزّان علمك واركان توحيدك ودعائم
دریای ژرف پوشنده خداوندا رحمت فرست بر محمد خزانه داران علم تو و جانبهای یگانگی تو و ستونهای

وآل محمّد

دينك ومعادن كرامتك وصفوتك من بريّتك وخيرتك من خلقك
دین تو و قرارگاههای بزرگی تو و برگزیدگان تو از آفریدگان تو و برگزیده شدگان تو از خلق
الاتقياء الانقياء النجباء الابرار والباب المبتلى به الناس من اتاه
پرهیزکاران پاکان برگزیدگان نیکوکاران و دری که آزمایش کرده شد به آن مردمان هر که آمد آن را
نجا ومن اباه هوى اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد اهل الذكر الذين
رستگار شد و هر که سر باز زد از آن افتاد خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد اهل ذکر آنانکه
امرت بمسألتهم وذوي القربى الذين امرت بمودّتهم وفرضت حقّهم
فرمان دادی بسؤال کردن از ایشان و خداوندان نزدیکی آنانکه فرمان دادی بدوستی ایشان و واجب کردی حق ایشان را
وجعلت الجنّة معاد من اقتصّ آثارهم اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد
و گردانیدی بهشت را بازگشت آنکه پیروی کرد نشانهای ایشان را خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد
كما امروا بطاعتك ونهوا عن معصيتك ودلّوا عبادك على وحدانيّتك
چنانکه فرمان دادند بفرمانبرداری تو و باز داشتند از نافرمانی تو و راهنمائی کردند بندگان ترا بر یگانگی تو
اللّهمّ انّي اسئلك بحقّ محمّد نبيّك ونجيبك وصفوتك وامينك ورسولك
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بحق محمد پیغمبر تو و برگزیده تو و برگزیده تو و امین تو و رسول تو
الى خلقك وبحقّ امير المؤمنين ويعسوب الدين وقائد الغرّ المحجّلين الوصيّ
بسوی خلق تو و بحق پادشاه گروندگان و بزرگ دین و کشنده پیشانی سفیدان دست و پا سفیدان

الوفي والصديق الأكبر والفاروق بين الحق والباطل والشاهد لك

و وفادار و بجناب تو گوی بزرگتر و جدا کننده میان حق و باطل و گواهی دهنده برای تو

والدال عليك والصادع بأمرك والمجاهد في سبيلك لم تأخذه فيك

و راه نماینده بسوی تو و آشکار کننده امر تو و کارزار کننده در راه تو و فرو نگرفت او را در راه تو

لومة لائم أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تجعلني في هذا اليوم الذي

سرزنش سرزنش کننده آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی مرا در این روزی که

عقدت فيه لوليك العهد في أعناق خلقك وأكملت لهم الدين من العارفين

بستی در آن برای دوست خود پیمان را در گردنهای خلق خود و کامل کردی برای ایشان دین را از شناسندگان

بحرمته والمقرين بفضله ومن عتقائك وطلقائك من النار ولا تشمت

بحرمت او و اقرار دارندگان بفضل او و از آزاد کردگان خود و رها کردگان خود از آتش و شاد مکن

بي حاسدي النعم اللهم فكما جعلته عيدك الأكبر وسميته في السماء

بلای من رشک برندگان نعمتها را خداوندا پس چنانچه گردانیدی آنرا عید بزرگتر خود و نامیدی آنرا در آسمان

يوم العهد المعهود وفي الأرض يوم الميثاق المأخوذ والجمع المسئول

روز عهد معهود و در زمین روز پیمان گرفته شده و جمع آوردن پرسیده شده

صل على محمد وآل محمد وأقرر به عيوننا واجمع به شملنا ولا تضلنا

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و روشن کن بآن دیدهای ما را و جمع آور به آن پراکندگی ما را و گمراه مکن ما را

بعد إذ هديتنا واجعلنا لأنعمك من الشاكرين يا أرحم الراحمين

پس از آنکه راه نمودی ما را و بگردان ما را برای نعمتهای خود از سپاسگزاران ای ارحم الراحمین رحم کننده ترین رحم کنندگان

الحمد لله الذي عرفنا فضل هذا اليوم وبصرنا حرمته وكرمنا به وشرفنا

سپاس مر خدای را که شناسانید بما زیادتی این روز را و بینا کرد ما را بحرمت آن و گرامی داشت ما را و بزرگ کرد ما را

بمعرفته وهدانا بنوره يا رسول الله يا أمير المؤمنين عليكما وعلى

بشناختن آن و راه نمود ما را بروشنائی آن ای فرستاده خدا ای پادشاه مؤمنان بر شما و بر

عترتكما وعلى محبيكما مني أفضل السلام ما بقي الليل والنهار

خویشان شما و بر دوستداران شما از من بهترین درودها مادام که باقیست شب و روز

وبكما أتوجه إلى الله ربي وربكما في نجاح طلبتي وقضاء حوائجي وتيسير

و بشما رو میکنم بسوی خدا پروردگار من و پروردگار شما در روا شدن حاجت من و برآوردن حاجتهای من و آسان

أموري اللهم إني أسألك بحق محمد وآل محمد أن تصلي على محمد وآل محمد

کارهای من خداوندا که من درخواست میکنم از تو بحق محمد و آل محمد اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

وأن تلعن من جحد حق هذا اليوم وأنكر حرمته فصد عن سبيلك لإطفاء

و آنکه لعنت کنی آنرا که انکار نمود حق این روز را و انکار نمود حرمت آنرا پس برگشت از راه تو برای خاموش کردن

نورك فأبى الله إلا أن يتم نوره اللهم فرج عن أهل بيت نبيك واكشف

نور تو پس نخواست خدا مگر آنکه تمام کند نور خود را خداوندا گشایش ده از خانواده پیغمبر خود و زائل کن

عنهم وبهم عن المؤمنين الكربات اللهم املأ الأرض بهم عدلا كما

از ایشان و بسبب ایشان از گروندگان اندوهها را خداوندا پر کن زمین را بسبب ایشان از عدل چنانچه

ملئت ظلما وجورا وأنجز لهم ما وعدتهم إنك لا تخلف الميعاد وأكثر

پر کرده شده است از ظلم و جور و روا کن برای ایشان آنچه وعده کرده ای ایشان را بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را بعد

از این دعا بسجده رود و صد مرتبه شکراً و صد مرتبه الحمد لله بگوید و

صد مرتبه بانچه الحمد لله على إكمال الدين وإتمام النعمة ورضى الرب

تواند بگوید — سپاس مر خدای را بر کامل کردن دین و تمام کردن نعمت و خوشنودی پروردگار

الكريم والحمد لله رب العالمين والصلوة على خير خلقه محمد وعترته

بزرگوار و سپاس مر خدای را که پروردگار جهانیانست و درود بر بهترین خلق او محمد و خویشان

الطاهرين بهتر خواهد بود چنانکه سید بن باقی و کفعمی روایت کرده اند

پاکان او — اما شیخ مفید علیه الرحمة این زیادتی را نقل نکرده است

فضل مباهله — در فضیلت و اعمال روز مباهله است بدانکه در تعیین روز

مباهله میان علما خلاف است و اشهر و اقوی آنست که روز بیست و چهارم است

و بعضی بیست و پنجم و بعضی بیست و هفتم و بعضی بیست یکم نیز گفته اند

و اگر در هر یک از اینها اعمال مستحبه را بعمل آورد بهتر است و آنچه مشهور

است بیست و چهارم است و سبب فضیلت روز مباهله آنست که چون

حضرت رسول صلی الله علیه وآله رسولان فرستاد بسوی نصارای نجران
که یکی از بزرگان ترسایان عرب بودند وایشان در کتب خود رجوع کردند و
اوصاف حضرت رسالت پناه را در کتب جمیع انبیا مشاهده کردند حب دنیا
بر اکثر علمای ایشان غالب شد وایمان نیاوردند وهفتاد نفر از علما و
عظمای خود را فرستادند که صفاتی که در کتب سابقه برای حضرت دیده
بودند مشاهده نمایند وبمدینه داخل شدند وصفات را موافق یافتند
وحضرت رسول صلی الله علیه وآله حجتهای شافی بر ایشان تمام کرده بود وبا
بعضی از ایشان بسبب حب ریاست واغراض فاسده مضایقه کردند در ایمان
آوردن وحق تعالی این آیه کریمه را فرستاد فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ
مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا
وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ یعنی هر که با تو مجادله
کند در امر عیسی بعد از آنچه آمده است بسوی تو از علم وبرهان والقا کردی
بر ایشان وقبول نکردند پس بگو بیایید بخوانیم پسران خود را وپسران شما را
وزنان خود را وزنان شما را وجانها یخود را وجانهای شما را یعنی آنهایی که بمنزله جان
ما باشند وجان شما باشند پس تضرع کنیم پس بگردانیم لعنت ودوری از رحمت خدا را
بر آنها که دروغ گویند از ما وشما پس حضرت رسول عبائی بر دوش مبارک گرفت
وحضرت امیر المؤمنین وفاطمه وحسن وحسین صلوات الله علیهم را در زیر
عبا داخل کرد وگفت پروردگارا هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص
ترین خلق بوده اند با و خداوندا اینها اهل بیت منند پس از ایشان برطرف
کن شک وگناه را وپاک گردان ایشان را پاک گردانیدنی پس جبرئیل نازل شد وآن
آیه کریمه را در شان ایشان آورد إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ
الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا پس حضرت
رسول علی وفاطمه وحسن وحسین صلوات الله
علیهم را با خود از مدینه بیرون برد برای مباهله وچون نصاری حقیقت

ذالحجة

آن حضرت را دانسته بودند وبعد از ایستادن آنحضرت با آن بزرگواران در
مقام مباهله آثار نزول عذاب در زمین وآسمان ظاهر شد وعالم بزرگ بر
ایشان گفت بخدا سوگند که من روی چند می بینم که اگر دعا کنند که کوهی از
جا کنده شود کنده خواهد شد جرات نکردند بر مباهله ومسالمه ومصالحه
کردند وقبول کردند که هر ساله جزیه بدهند وحضرت ایشان را نفرین نکرد
وبامر الهی جزیه بر ایشان قرار داد وحضرت فرمود که بخدا سوگند که عذاب
وهلاک آویخته شد بر اهل نجران واگر مباهله میکردم هر آینه همه این
جماعت میمون وخوک میشدند واین وادی بر ایشان آتش میشد وسرایت
میکرد بنجران وهمه ترسایان نجران میسوختند وپیش از آنکه سال تمام شود
جمیع نصاری میمردند ویک نصرانی بر روی زمین زنده نمی ماند وباین سبب
چندین امر بر عالمیان ظاهر شد اول حقیقت آنحضرت زیرا که اگر اعتماد بر حقیقت
خود نمیداشت خود را وعزیزترین اهل خود را در معرض مباهله بدر نمی آورد
واگر این جماعت حقیقت آنحضرت بر ایشان ظاهر نشده بود مباهله میکردند
ومذلت وخواری جزیه را بر خود قرار نمیدادند دوم آنکه ظاهر شد که
آل عبا بزرگوارترین خلق بوده است که ایشان را آنحضرت در دعا با خود شریک
گردانید سیم آنکه ایشان عزیزترین خلق بودند نزد آنحضرت که برای
اظهار حقیقت خود ایشان را در معرض نفرین در آورد زیرا که بسیار است
که آدمی خود را بمهالک می افکند اما اعزه عیال خود را راضی نمیشود
که در معرض خطر در آورد چنانچه صاحب کشاف وغیر او از متعصبان
سنیان اعتراف باین نموده اند چهارم آنکه حسن وحسین صلوات الله
علیهما فرزندان حقیقی آنحضرت اند ورتبه ایشان از سایر صحابه بیشتر بوده
است نزد خدا ورسول با آن صغر سن پنجم آنکه حضرت فاطمه بهترین زنان
بوده واز زوجات وسایر قرابات بآنحضرت اخص واقرب بوده ومنزلت
او نزد حق تعالی از همه بیشتر ششم آنکه باتفاق عامه وخاصه حضرت

امیر المؤمنین در مباهله داخل بود و داخل ابناء و نساء نیست پس باید داخل
انفسنا باشد و حقیقت در اینجا مراد نمیتواند بود زیرا که اتحاد دو نفس
محالست پس مراد آنست که اختصاص آنحضرت بحضرت رسالت پناه صلی
الله علیه و آله در کمالات و صفات بمنزله بود که در مرتبه نفس و جان آن
حضرت بود پس هر کمالی که در حضرت رسول بود باید که در آن حضرت باشد
بغیر پیغمبری پس باید که افضل باشد از جمیع صحابه و پیغمبران بغیر از حضرت
و باید که مخصوص‌ترین خلق باشد بآنحضرت و اعز خلق باشد نزد او و روایات
مفصله این قصه شریفه و فواید که از آن مستفاد میشود در کتاب حیوة
القلوب ذکر کرده ام و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد از جمله اموریکه
که در روز بیست و چهارم واقع شده و موجب مزید فضل اینروز گردیده
آنست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در اینروز در رکوع نماز
انگشتر خود را بسایل داد و این آیه کریمه نازل شد و امامت آنحضرت بر اهل
بصیرت هویدا گردید انما ولیکم الله و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون
الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون یعنی اولی نیست بامر شما و مالک
اختیار شما مگر خدا و رسول او و آنها که ایمان آورده اند و نماز را برپا
میدارند و چنانچه باید بجا می آورند و زکوة میدهند در رکوع و این نص
صریح است بر امامت آنحضرت چنانچه ذکر کرده ام و درین روز غسل سنت
است و زیارت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را درین روز ذکر
کرده اند و زیارت جامعه را خواندن مناسب است و روزه اینروز سنت است
و تأسی نمودن بجود امیر المؤمنین علیه السلام کردن در تصدق بر فقرا
و ارباب حاجات بانچه میسر باشد مطلوب است و اعمال اینروز مبارک
بسیار است شیخ طوسی رحمه الله از حضرت صادق روایت کرده است
که در اینروز نیم ساعت پیش از زوال دو رکعت نماز بکند برای شکر نعمت
مباهله و در هر رکعت بعد از سوره حمد ده مرتبه از سوره قل هو الله احد

و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و سوره انا انزلناه ده مرتبه بخوانند
و اگر این نماز را بعمل آورد نزد خدا برابر است با صد هزار حج و صد هزار عمره
و هر حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت از حق تعالی سؤال کند البته برآورده شود
هر چند عظیم باشد انشاء الله و این نماز همان نماز است که در اعمال روز عید
غدیر مذکور شد دویم از اعمال اینروز دعائی است که شیخ طوسی و سید بن
طاوس قدس الله روحهما بسندهای معتبر از حضرت صادق روایت کرده اند
و آنحضرت از پدر بزرگوار خود امام محمد باقر روایت کرده است که آنحضرت فرمود
که اگر گویم در این دعا اسم اعظم حق تعالی هست راست گفته ام و اگر مردم
بدانند که این دعا در تأثیر اجابت چگونه تأثیر مینماید البته بهر نحو که مقدور
باشد سعی نماید در تحصیل آن هر چند باید که قتال کنند و من هر حاجت که
عارض میشود این دعا را میخوانم و حاجت خود را میطلبم و البته مستجاب میگردد
و این دعا نیست که در روزی که آیه مباهله نازل شد جبرئیل از جانب خداوند
جلیل بر حضرت سید رسل صلی الله علیه و آله نازل شد و این دعا را آورد
و گفت برای مباهله بیرون رو و وصی خود علی بن ابی طالب را و سیدة نساء فاطمه
زهرا و دو نور دیده و فرزند پسندیده خود حسن و حسین را با خود ببر و این
دعا را بخوان و با ترسایان مباهله کن و بر ایشان نفرین کن پس حضرت امام
جعفر صادق فرمود که هرگاه این دعا را خواهید جهد و سعی کنید در دعا و
تضرع و این دعا را شفیع خود گردانید در حاجتها و از کسی که اهلش نباشد
از سفیهان و ضعیفان و منافقان پنهان دارید و با ایشان تعلیم منمائید
که از علمهای مخزون است و هر کس قابل این گوهر گران مایه نیست دعا اینست
اللهم انی اسئلک من بهائک بابهاه و کل بهائک بهی اللهم انی اسئلک
خداوندا که من درخواست مینمایم از تو از بهای تو بنیکوترین آن و همه بهای تو نیکوست خداوندا
ببهائک کله اللهم انی اسئلک من جمالک باجمله و کل جمالک جمیل
به همه بهای تو همه آن خداوندا که من درخواست مینمایم از تو از جمال تو بنیکوترین آن و همه جمال تو نیکوست

اللهم انی اسئلک بجمالک کله اللهم انی اسئلک من جلالک باجلّه

خداوندا که من درخواست میکنم از تو به همه جمال تو خداوندا که من درخواست میکنم از تو از بزرگواری تو

وکل جلالک جلیل اللهم انی اسئلک بجلالک کله اللهم انی ادعوک

و هر بزرگواری تو بزرگ است خداوندا که من درخواست میکنم از تو به بزرگواری تو همه آن خداوندا که

کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی اللهم انی اسئلک من عظمتک با

چنانچه امر کردی مرا پس بپذیر برای من چنانچه وعده دادی مرا خداوندا که من درخواست میکنم از تو از بزرگی تو

عظمها وکل عظمتک عظیمة اللهم انی اسئلک بعظمتک کلها اللهم

بزرگترین آن و هر بزرگی تو بزرگ است خداوندا که من درخواست میکنم از تو به بزرگی تو همه آن خداوندا

انی اسئلک من نورک بانوره وکل نورک نیر اللهم انی اسئلک بنورک

که من درخواست میکنم از تو از روشنی تو به روشنترین آن و هر روشنایی تو روشن است خداوندا که من درخواست میکنم از تو به نور تو

کله اللهم انی اسئلک من رحمتک باوسعها وکل رحمتک واسعة

همه آن خداوندا که من درخواست میکنم از تو از رحمت تو به فراخترین آن و هر رحمتی از تو فراخ است

اللهم انی اسئلک برحمتک کلها اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب

خداوندا که من درخواست میکنم از تو به رحمت تو همه آن خداوندا که من میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس

لی کما وعدتنی اللهم انی اسئلک من کمالک باکمله وکل کمالک کامل

برای من چنانچه وعده دادی مرا خداوندا که من درخواست میکنم از تو از کمال تو به کاملترین آن و هر کمالی از تو کامل است

اللهم انی اسئلک بکمالک کله اللهم انی اسئلک من کلماتک

خداوندا که من درخواست میکنم از تو به کمال تو همه آن خداوندا که من درخواست میکنم از تو از کلمهای تو

باتمها وکل کلماتک تامة اللهم انی اسئلک بکلماتک کلها اللهم

به تمامترین آن و هر یک از کلمهای تو تمام است خداوندا که من درخواست میکنم از تو به کلمهای تو همه آن خداوندا

انی اسئلک من اسمائک باکبرها وکل اسمائک کبیرة اللهم انی اسئلک

که من درخواست میکنم از تو از نامهای تو به بزرگترین آن و هر یک از نامهای تو بزرگ است خداوندا که من درخواست میکنم

باسمائک کلها اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی

به نامهای تو همه آن خداوندا که من میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس بپذیر برای من چنانچه وعده

اللهم

اللهم انی اسئلک من عزتک باعزها وکل عزتک عزیزة اللهم انی اسئلک

خداوندا که من درخواست میکنم از تو از عزت تو به عزیزترین آن و هر عزتی از تو عزیز است خداوندا که من درخواست میکنم

بعزتک کلها اللهم انی اسئلک من مشیتک بامضاها وکل مشیتک

به عزت تو همه آن خداوندا که من درخواست میکنم از تو از خواست تو به گذرندهترین آن و هر خواست تو

ماضیة اللهم انی اسئلک بمشیتک کلها اللهم انی اسئلک بقدرتک

گذرنده است خداوندا که من درخواست میکنم از تو به خواست تو همه آن خداوندا که من درخواست میکنم از تو به توانایی

التی استطلت بها علی کل شیء وکل قدرتک مستطیلة اللهم انی ادعوک

که استیلا داری به آن بر هر چیزی و هر توانایی از تو مستولیست خداوندا که من میخوانم

کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی اللهم انی اسئلک من علمک بانفذه و

چنانچه امر کردی مرا پس بپذیر برای من چنانچه وعده دادی مرا خداوندا که من درخواست میکنم از تو از دانش تو به روانترین آن و

کل علمک نافذ اللهم انی اسئلک بعلمک کله اللهم انی اسئلک من قولک

هر دانشی از تو روان است خداوندا که من درخواست میکنم از تو به دانش تو همه آن خداوندا که من درخواست میکنم از گفتار تو

بارضاه وکل قولک رضی اللهم انی اسئلک بقولک کله اللهم انی

به پسندیدهترین آن و هر گفتاری از تو پسندیده است خداوندا که من درخواست میکنم از تو به گفتار تو همه آن خداوندا که

اسئلک من مسائلک باحبها الیک وکل مسائلک الیک حبیبة اللهم

درخواست میکنم از تو از سؤالهای تو به دوستترین آن بسوی تو و هر یک از سؤالهای تو دوست است خداوندا

انی اسئلک بمسائلک کلها اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی

که من درخواست میکنم از تو به سؤالهای تو همه آن خداوندا که من میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس بپذیر برای من

کما وعدتنی اللهم انی اسئلک من شرفک باشرفه وکل شرفک شریف

چنانچه وعده دادی مرا خداوندا که من درخواست میکنم از تو از شرف تو به بزرگترین آن و هر بزرگی از تو

اللهم انی اسئلک بشرفک کله اللهم انی اسئلک من سلطانک با

خداوندا که من درخواست میکنم از تو به بزرگی تو همه آن خداوندا که من درخواست میکنم از تو از سلطنت تو

دومه وکل سلطانک دائم اللهم انی اسئلک بسلطانک کله اللهم

به پیوستهترین آن و هر سلطنتی از تو همیشه است خداوندا که من درخواست میکنم از تو به سلطنت تو همه آن خداوندا

اللهم انی اسئلک بمشیتک کلها

اني اسئلك من ملكك بافخره وكل ملكك فاخر اللهم اني اسئلك

کرمی در می‌خواهم از تو از سلطنت تو بعظیم‌ترین آن و هر سلطنتی از تو عظیم است خداوندا از تو در می‌خواهم

بملكك كله اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني

بسلطنت تو همه سلطنتی خداوندا از تو می‌خوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس مستجاب کن مرا چنانچه وعده دادی

اللهم اني اسالك من علائك باعلاه وكل علائك عال اللهم اني

خداوندا از تو در می‌خواهم از بلندی تو به بلندترین آن و هر بلندی از تو بلند است خداوندا از تو

اسالك بعلائك كله اللهم اني اسالك من اياتك باعجبها وكل اياتك

در می‌خواهم به بلندی تو همه بلندی خداوندا از تو در می‌خواهم از نشانهای تو بعجیب‌ترین آن و هر نشانی

عجيبة اللهم اني اسالك باياتك كلها اللهم اني اسئلك من منك باقدمه

تعجب آورنده است خداوندا از تو در می‌خواهم بنشانهای تو همه آن خداوندا از تو در می‌خواهم از انعام تو بقدیم‌ترین

وكل منك قديم اللهم اني اسالك بمنك كله اللهم اني ادعوك كما

و هر انعامی از تو دیرینه است خداوندا از تو در می‌خواهم بانعام تو همه انعام خداوندا از تو می‌خوانم ترا چنانچه

امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني اسالك بما انت فيه من الشئون

امر کردی مرا پس مستجاب کن برای من چنانچه وعده دادی مرا خداوندا از تو در می‌خواهم بآنچه تو در آنی از کارها

والجبروت واسئلك بكل شان وكل جبروت اللهم اني اسالك بما

و بزرگواری و در می‌خواهم ترا بهر کاری و هر بزرگواری از تو بزرگوار است خداوندا از تو در می‌خواهم

تجيبني به حين اسالك يا الله يا لا اله الا انت اسالك ببهاء لا اله الا

اجابت کردی مرا بآن هنگامیکه در می‌خواهم از تو ای خدای که نیست خدای مگر تو در می‌خواهم ترا به نیکوئی لا اله الا

انت يا لا اله الا انت اسالك بجلال لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسالك

انت ای آنکه نیست خدایی مگر تو در می‌خواهم ترا به بزرگواری کلمه لا اله الا انت ای آنکه نیست خدایی مگر تو

بلا اله الا انت اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني

بحرمت کلمه لا اله الا انت خداوندا از تو می‌خوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس مستجاب کن برای من چنانچه وعده دادی

اللهم اني اسالك من رزقك باعمه وكل رزقك عام اللهم اني اسئلك

خداوندا از تو در می‌خواهم از روزی تو بعام‌ترین آن و هر روزی تو عام است خداوندا از تو در می‌خواهم

برزقك

برزقك كله اللهم اني اسالك من عطائك باهناه وكل عطائك هني

بروزی تو همه آن خداوندا از تو در می‌خواهم از بخشش تو بگواراترین آن و هر بخشش از تو گوارا است

اللهم اني اسالك بعطائك كله اللهم اني اسالك من خيرك باعجله وكل

خداوندا از تو در می‌خواهم ببخشش تو همه بخشش خداوندا از تو در می‌خواهم از نیکی تو بزودترین آن

خيرك عاجل اللهم اني اسالك بخيرك كله اللهم اني اسالك من

و هر نیکی تو زود رسنده است خداوندا از تو در می‌خواهم بنیکی تو همه آن خداوندا از تو در می‌خواهم از

فضلك بافضله وكل فضلك فاضل اللهم اني اسالك بفضلك كله

زیادتی تو بافزون‌ترین آن و هر زیادتی از تو افزونست خداوندا از تو در می‌خواهم بزیادتی تو همه

اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم صل على محمد

خداوندا از تو می‌خوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس مستجاب کن برای من چنانچه وعده دادی مرا خداوندا رحمت بفرست بر محمد

وآل محمد وابعثني على الايمان بك والتصديق برسولك عليه وآله السلام

و آل محمد و برانگیز مرا بر ایمان بتو و براستی داشتن برسول تو بر او و آل او درود

والولاية لعلي بن ابي طالب والبراءة من عدوه والائتمام بالائمة من

و دوستی علی فرزند ابو طالب و بیزاری از دشمن او و پیروی نمودن بپیشوایان از

آل محمد عليهم السلام فاني قد رضيت بذلك يا رب اللهم صل على

آل محمد بر ایشان باد درود پس بدرستی که من بحقیقت خوشنودم بآن ای پروردگار من خداوندا رحمت بفرست بر

محمد عبدك ورسولك في الاولين وصل على محمد وآل محمد في الآخرين

محمد بنده تو و رسول تو در پیشینیان و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در زمره پسینیان

وصل على محمد وآله في الملاء الاعلى وصل على محمد وآله في المرسلين

و رحمت بفرست بر محمد و آل او در زمره بزرگان برتر و رحمت بفرست بر محمد و آل او در زمره فرستادگان

اللهم اعط محمدا الوسيلة والشرف والفضيلة والدرجة الكبيرة

خداوندا ببخش محمد را وسیله و بزرگواری و زیادتی و مرتبه بزرگ

اللهم صل على محمد وآل محمد وقنعني بما رزقتني وبارك لي فيما اعطيتني

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و خوشنود ساز مرا بآنچه روزی کرده مرا و برکت ده برای من

وَاحْفَظْنِي فِي غَيْبَتِي وَفِي كُلِّ غَائِبٍ هُوَ لِي اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
و حفظ کن مرا در پنهانی من و در هر غایبی که او مراست خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد
وَاَسْئَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ
و در میخواهم از تو بهتر از هر بهتری که خوشنودی تو و بهشت است و پناه میگیرم بتو از بدتر از هر بدی خشم تو
وَالنَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ
و دوزخ بار خدایا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و حفظ کن مرا از هر گروهی و از هر
بَلِيَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عُقُوبَةٍ وَمِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ
رنجی و از هر عقوبتی و از هر آشوبی و از هر بلائی و از هر گزندی و از
كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ اِلَى الْاَرْضِ فِي هٰذِهِ
هر کروهی و از هر آفتی که فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی زمین در این
السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَفِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا الشَّهْرِ
ساعت و در هر ساعتی و در این شب و در این روز و در این ماه
وَفِي هٰذِهِ السَّنَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَقْسِمْ لِي مِنْ كُلِّ سُرُورٍ وَمِنْ
و در این سال خداوندا رحمت فرست بر محمد و بخش ده مرا از هر شادی و از
كُلِّ بَهْجَةٍ وَمِنْ كُلِّ اسْتِقَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ فَرَجٍ وَمِنْ كُلِّ عَافِيَةٍ وَمِنْ كُلِّ سَلَامَةٍ
هر شکفتگی و از هر راستی و از هر گشایش و از هر عافیتی و از هر سلامتی
وَمِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ وَمِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ
و از هر نوازشی و از هر روزی فراخ حلال پاکیزه و از هر نعمتی
وَمِنْ كُلِّ سَعَةٍ نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ اِلَى الْاَرْضِ فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ
و از هر گشایشی که فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی زمین در این ساعت
وَفِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا الشَّهْرِ
و در این شب و در این روز و در این ماه
وَفِي هٰذِهِ السَّنَةِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ
و در این سال خداوندا اگر باشد که گناهان من بتحقیق کهنه و بیقدر کرده باشد روی مرا

وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ وَغَيَّرَتْ حَالِي عِنْدَكَ فَاِنِّي اَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ
و حایل شده باشد میان من و میان تو و تغییر داده باشد حال مرا نزد تو پس بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بروشنائی ذات
الَّذِي لَا يُطْفَأُ وَبِوَجْهِ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ الْمُصْطَفَى وَبِوَجْهِ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى
که خاموش نمیشود و بجاه محمد دوست برگزیده تو و بجاه دوست تو علی پسندیده
وَبِحَقِّ اَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضَى
و بحق دوستان تو که برگزیدی ایشان را آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بیامرزی برای من آنچه گذشته
مِنْ ذُنُوبِي وَاَنْ تَعْصِمَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَاَعُوذُ بِكَ اَللّٰهُمَّ اَنْ اَعُودَ
از گناهان من و آنکه نگاه داری مرا در آنچه باقی مانده از عمر من و پناه میگیرم بتو خداوندا از آنکه برگردم
فِي شَيْءٍ مِنْ مَعَاصِيكَ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِي حَتَّى تَتَوَفَّانِي وَاَنَا لَكَ مُطِيعٌ وَاَنْتَ عَنِّي
در چیزی از نافرمانیهای تو همیشه مادام که باقی داری مرا تا آنکه بمیرانی مرا و من فرمانبردار تو باشم و تو از من
رَاضٍ وَاَنْ تَخْتِمَ لِي عَمَلِي بِاَحْسَنِهِ وَتَجْعَلَ لِي ثَوَابَهُ الْجَنَّةَ وَاَنْ تَفْعَلَ
خوشنود و آنکه ختم کنی برای من کردار مرا به نیکوترین آن و گردانی برای من پاداش آنرا بهشت و آنکه بکنی
بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ يَا اَهْلَ التَّقْوَى وَيَا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
با من آنچه تو سزاوار آنی ای سزاوار پرهیزکاری وای سزاوار آمرزش رحمت بفرست بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و بعد از آن هر حاجت که داری
محمد و رحم کن مرا برحمت خود ای رحیمترین رحم کنندگان از حق تعالی طلب کن که ان شاء الله
بر آورده است مؤلف گوید که خواندن این دعا در روز مباهله سنت است
و شیخ طوسی علیه الرحمة نیز در این روز روایت کرده است و از روایت
مذکوره معلوم میشود که در همه وقت میتوان خواند و در دعا اختلافی
هست میان روایات و آنچه در اینجا ذکر شده است موافق روایت شیخ است
و روایت دیگر را با ترجمه در رساله دیگر ایراد نموده ام و شبیه این دعا
در سحرهای ماه مبارک رمضان و روزهای این نیز وارد شده است با فضیلت
بسیار و از عظیم ترین دعاها است عمل پنجم آن است که شیخ طوسی و دیگران
بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر روایت کرده اند که روز مباهله

بیست و چهارم ماه ذی الحجة است و در این روز آنچه خواهی از نماز بکن

و هر دو رکعت نماز که بکنی بعد از آن هفتاد مرتبه استغفر الله ربی و اتوب

الیه بگو پس می ایستی و بموضع سجود خود نظر میکنی و این دعا را میخوانی

و باید با غسل باشی و بروایت دیگر فرمود که روز بیست و چهارم روز مباهله

است باید که این روز را روزه بداری شکر حق تعالی بر این نعمت عظمی و غسل بکن

و پاکیزه ترین جامها خود را بپوش و آنچه توانی از بوی خوش خود را خوش بو

بکن و باید که با آرام دل و آرام تن باشی و اگر در یکی از مشاهد مشرفه باشی

نزد آن ضریح مقدسه حاضر شوی و الا بجای خلوتی بروی یا بر کوه بلندی

بر آئی یا بصحرائی بروی و باید که از منزل خود بیرون رود و غسل کند و طهیر

جامها خود را بپوشد و چون بمحل دعا خواندن رود دو رکعت نماز بکند با آداب

و شرایط و بعد از سلام هفتاد مرتبه استغفار بکند پس بایستد و بجانب

آسمان نظر کند و این دعا بخواند و بعد از آن فرمود که با هر دعائی که

خواهی بکن یا دو رکعت نماز الحمد لله رب العالمین الحمد لله فاطر السموات

بکن و دعا بکن و دعا این است — سپاس مر خدایرا که پروردگار جهانست سپاس مر خدایرا آفریننده

و الارض الحمد لله الذی له ما فی السموات و ما فی الارض الحمد لله

و زمین سپاس مر خدایرا که مر اوراست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است سپاس مر خدایرا

الذی خلق السموات و الارض و جعل الظلمات و النور ثم الذین

که آفرید آسمانها و زمین را و گردانید تاریکیها و روشنائی را پس آنانکه

کفروا بربهم یعدلون الحمد لله الذی عرفنی ما کنت به جاهلا و لولا

کافر شدند بپروردگار خود [illegible] سپاس مر خدایرا که شناسانید مرا آنچه بودم به آن نادان و اگر نه

تعریفه ایای لکنت هالکا اذ قال و قوله الحق قل لا اسئلکم علیه

شناسانیدن او مرا هر آینه بودم هالک که گفت و گفته او راست است بگو نمیخواهم از شما بر آن

اجرا الا المودة فی القربی فبین لی القرابة و قال سبحانه انما

مزدی مگر دوستی در باره خویشان پس بیان فرمود برای من خویشان را و گفت پاک است او جز این نیست

یرید

یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا فبین

که میخواهد خدا که ببرد از شما گناه را ای خانواده رسالت و پاک گرداند شما را پاک کردنی پس بیان

لی اهل البیت بعد القرابة ثم قال تعالی مبینا عن الصادقین الذین

برای من خانواده پیغمبر خود را بعد از بیان خویشان [illegible]

امرنا بالکون معهم و الود الیهم بقوله سبحانه یا ایها الذین آمنوا

امر کرده ما را به بودن با ایشان [illegible] ای آنکه ایمان آورده اید

اتقوا الله و کونوا مع الصادقین فاوضح عنهم و ابان عن صفتهم بقوله

بپرهیزید از خدا و باشید با راستگویان [illegible]

جل ثناؤه فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا

[illegible]

و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین فلک الشکر یا رب

[illegible]

و لک المن حیث هدیتنی و ارشدتنی حتی لا یخفی علی الاهل و البیت

[illegible]

و القرابة فعرفتنی نساءهم و اولادهم و رجالهم اللهم انی اتقرب

[illegible]

الیک بذلک المقام الذی لا یکون اعظم منه فضلا للمؤمنین و لا

بسوی تو به آن منزلتی که نباشد بزرگتری از آن [illegible]

اکثر منه رحمة لهم بتعریفک ایاهم شانه و ابانتک فضل اهله الذین

[illegible]

بهم ادحضت باطل اعدائک و ثبت بهم قواعد دینک و لولا هذا المقام

[illegible]

المحمود الذی انقذتنا به و دللتنا علی اتباع المحقین من اهل بیت

[illegible]

نبيك الصادقين عنك الذين عصمتهم من لغو المقال ومدانس الافعال

پیغمبر تو که راستگویانند از تو آنانکه نگاه داشتی آنها را از بیهوده سخن و چرکهای کردار

بخصم اهل الاسلام وظهرت كلمة الالحاد وفعل اولي العناد فلك

هر آینه مقهور گردیده اهل اسلام و آشکار گردیده سخن ... و کردار خداوندان ستیزه پس مر تراست

الحمد ولك المن ولك الشكر على نعمائك واياديك اللهم فصل على محمد

ستایش و مر تراست انعام و مر تراست شکر بر نعمتهای تو و عطاهای تو خداوندا پس رحمت فرست بر محمد

وآل محمد الذين افترضت طاعتهم وعقدت في رقابنا ولايتهم واكرمتنا

و آل محمد آنانکه واجب گردانیدی فرمانبرداری ایشان را و بستی در گردنهای ما دوستی آنها را و گرامی داشتی ما را

بمعرفتهم وشرفتنا باتباع آثارهم وثبتنا بالقول الثابت الذي عرفوناه

بشناختن ایشان و بلند گردانیدی مرتبه ما را به پیروی نمودن آثار ایشان و ثابت داشتی ما را بگفتار درستی که شناسانیدند آنها ما را

فاعنا على الاخذ بما بصروناه واجز محمدا عنا افضل الجزاء بما نصح

پس مدد کن ما را بر فرا گرفتن آنچه بینا نمودند ما را و جزا ده محمد را از ما بهترین پاداش بسبب نصیحت

لخلقك وبذل وسعه في ابلاغ رسالاتك واخطر بنفسه في اقامة

مر خلق ترا و بخشید طاقت خود را در رسانیدن پیغامهای تو و بهلاکت انداخت خود را در برپا داشتن

دينك وعلى اخيه ووصيه الهادي من بعده الى دينه والمقيم سنته

دین و بر برادر او و وصی او و راهنما بعد از او بسوی دین او و برپا دارنده طریقه او

علي امير المؤمنين صلوات الله عليه وصل على الائمة من ابنائه

یعنی علی پادشاه گروندگان رحمتهای خدا بر او باد و رحمت فرست بر پیشوایان از فرزندان او

الصادقين الذين وصلت طاعتهم بطاعتك وادخلتنا بشفاعتهم دار

که راستگویانند آنانکه پیوستی فرمانبرداری ایشان را بفرمانبرداری خود و درآوردی ما را بشفاعت ایشان در خانه

الكرامة يا ارحم الراحمين اللهم هؤلاء اصحاب الكساء والعباء

نوازش ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان خداوندا اینها یاران ردا و عبا

يوم المباهلة اللهم اجعلهم شفعاءنا واسئلك بحق ذلك اليوم

در روز مباهله خداوندا بگردان آنها را شفیعان ما و درخواست میکنم از تو بحق این

علينا — بر ما

المقام

المقام المحمود واليوم ان تغفر لي وتتوب علي انك انت التواب الرحيم

جایگاه پسندیده و روز آنکه بیامرزی برای من و بپذیری توبه را از من بدرستیکه تو توبه پذیر مهربانی

اللهم اني اشهد ان ارواحهم وطينتهم وهي الشجرة التي طاب اصلها

خداوندا گواهی میدهم که جانهای آنها و سرشت آنها و آن درختی که پاک است ریشه‌اش

وفرعها واغصانها واوراقها اللهم ارحمنا بحقهم واجرنا من مواقف

و شاخه آن و سرهای آن و برگهای آن خداوندا رحم کن ما را بحق ایشان و پناه ده ما را از جاهای

الخزي في الدنيا والآخرة بولايتهم واوردنا مورد الامن من اهوال

خواری در دنیا و آخرت بدوستی آنها و وارد ساز ما را در جایگاه ایمنی از ترسهای

يوم القيامة بحبهم واقرارنا بفضلهم واتباعنا آثارهم واهتدائنا

روز قیامت بمحبت ایشان و اقرار نمودن ما بزیادتی آنها و پیروی نمودن ما نشانهای آنها را و راه یافتن

بهداهم واعتقادنا ما عرفوناه من توحيدك ووقفونا عليه من تعظيم

براهنمائی ایشان و باور کردن ما آنچه را که شناسانیدند ما را از یگانگی تو و مطلع گردانیدند ما را بر آن از بزرگی

شانك وتقديس اسمائك وشكر آلائك ونفي الصفات ان تحلك

کار تو و پاک نمودن نامهای تو و سپاسگذاری نعمتهای تو و سلب کردن صفات از آنکه در تو

والعلم ان يحيط بك والوهم ان يقع عليك فانك اقمتهم حججا على

و دانش از آنکه فرا رسد ترا و وهم از آنکه واقع شود بر تو زیرا که تو برپا داشتی آنها را حجتها بر

خلقك ودلائل على توحيدك وهداة تنبه على امرك وتهدي الى دينك

خلق تو و دلالت کنندگان بر یگانگی خود و راهنمایان که آگاه سازند بر امر تو و راه نمایند بسوی دین تو

وتوضح ما اشكل على عبادك وبابا للمعجزات التي يعجز عنها غيرك وبها

و آشکار سازند آنچه را که مشکل گردیده بر بندگان تو و درگاهی برای معجزهائیکه عاجز است از آنها غیر تو و بآنها

تبين حجتك وتدعوا الى تعظيم السفير بينك وبين خلقك وانت المتفضل

ظاهر میشود حجت تو و میخوانند بسوی تعظیم رسول اصلاح کننده میان تو و میان خلق تو و تو بخشنده‌ای

عليهم حيث قربتهم من ملكوتك واختصصتهم بسرك واصطفيتهم

بر ایشان آنجا که نزدیک گردانیدی آنها را به پادشاهی خود و مخصوص گردانیدی آنها را براز خود و برگزیدی آنها را

المشهود — گواهی داده شده

لوحيك وأورثتهم غوامض تأويلك رحمة لخلقك ولطفا بعبادك
وحنانا على بريتك وعلما بما تنطوي عليه ضمائر أمنائك وما يكون
من شأن صفوتك وطهرتهم في منشئهم ومبتدئهم وحرستهم
من نفث نافث إليهم وأريتهم برهانا على من عرض بسوء لهم فاستجابوا
لأمرك وشغلوا أنفسهم وملؤا أجزاءهم من ذكرك وعمروا قلوبهم
بتعظيم أمرك وجزؤا أوقاتهم فيما يرضيك وأخلوا دخائلهم من معاريض
الخطرات الشاغلة عنك فجعلت قلوبهم مكامن لإرادتك وعقولهم
مناصب لأمرك ونهيك وألسنتهم تراجمة لسنتك ثم أكرمتهم
بنورك حتى فضلتهم من بين أهل زمانهم والأقربين إليهم فخصصتهم
بوحيك وأنزلت إليهم كتابك وأمرتنا بالتمسك بهم والرد إليهم
والاستنباط منهم اللهم فإنا قد تمسكنا بكتابك وبعترة نبيك
صلواتك عليهم الذين أقمتهم لنا دليلا وعلما وأمرتنا باتباعهم

بطاعتك

اللهم

اللهم فإنا قد تمسكنا بهم فارزقنا شفاعتهم حين يقول الخائبون
فما لنا من شافعين ولا صديق حميم واجعلنا من الصادقين المصدقين
لهم المنتظرين لأيامهم الناظرين إلى شفاعتهم ولا تضلنا بعد إذ
هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة إنك أنت الوهاب آمين رب العالمين
اللهم صل على محمد نبيك وعلى أخيه وصنوه أمير المؤمنين وقبلة
العارفين وعلم المهتدين وثاني الخمسة الميامين الذين فخر بهم الروح
الأمين وباهل الله تعالى بهم المباهلين فقال وهو أصدق القائلين
فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع أبناءنا
وأبناءكم ونساءنا ونساءكم وأنفسنا وأنفسكم ثم نبتهل فنجعل
لعنت الله على الكاذبين ذلك الإمام المخصوص بمؤاخاته يوم الإخاء
والمؤثر بالقوت بعد ضر الطوى ومن شكر الله سعيه في هل أتى
ومن شهد بفضله معادوه وأقر بمناقبه جاحدوه مولى الأنام

وَمُکَسِّرُ الْاَصْنامِ وَلَمْ تَاْخُذْهُ فِی اللّهِ لَوْمَةُ لائِمٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ
و شکننده بتان و اگر فرا نگرفته اورا در راه خدا سرزنش سرزنش کننده درود فرستد خدا برا
وَآلِهِ ما طَلَعَتْ شَمْسُ النَّهارِ وَاَوْرَقَتِ الْاَشْجارُ وَعَلَی النُّجُومِ الْمُشْرِقاتِ
و آل او مادام که طلوع کند آفتاب روز و برگ آورد درختها و بر ستارهای درخشان
مِنْ عِتْرَتِهِ وَالْحُجَجِ الْواضِحاتِ مِنْ ذُرِّیَّتِهِ و این دعا بحسب سند و متن
از عترت و حجتهای روشن از فرزندان او اصح ادعیه است و دیگر از اعمال
متبرکه روز بیست و پنجم است و مشهور آن است که درین روز سوره کریمه
هل اتی در شان حضرت امیر المؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن و امام
حسین نازل شد بسبب آنکه امام حسن و امام حسین بیمار شدند و حضرت
رسول بعیادت ایشان رفت و امر فرمود که حضرت امیر المؤمنین و حضرت
فاطمه و امام حسن و امام حسین نذر کردند که اگر خدا ایشان را عافیت
دهد سه روز روزه بگیرند و چون خدا کرامت کرد عافیت آن چهار بزرگوار
با فضه خادمه ایشان روزه گرفتند و نداشتند چیزی که بآن افطار کنند
پس حضرت امیر المؤمنین قدری پشم از شمعون یهودی گرفت با سه صاع
از جو که حضرت فاطمه صلوات الله علیها هر روز ثلث از پشم را بریسد
و یک صاع از جو را بمزد خود بردارد پس در روز اول حضرت فاطمه صلوات الله
علیها قدر ثلث از پشم گرفت و رشت و بمزد آن صاعی از جو برداشت و آرد کرد
و پنج گرده نان پخت و چون حضرت امیر المؤمنین با حضرت رسول صلوات الله
علیهما نماز شام کرد و بخانه برگشت و حضرت فاطمه پنج گرده نان را حاضر کرد
و خواستند که افطار کنند مسکینی بر در خانه ندا کرد که السلام علیکم
یا اهل بیت محمد صلی الله علیه من مسکینی ام از مسکینان مسلمانان
مرا طعام دهید تا خدا شما را طعام دهد از مائدههای بهشت پس حضرت
امیر المؤمنین ابتدا کرد و فرمود که من نان خود را میدهم و سایر اهل
با فضه با آن حضرت موافقت کردند و نانهای خود را بسایل دادند و با ب

افطار

افطار کردند و روز دیگر را روزه داشتند و باز حضرت فاطمه صلوات الله
علیها بمزد رشتن یک ثلث دیگر از پشم یک صاع دیگر را برداشت و آرد کرد و
پنج گرده دیگر پخت و چون خواستند که افطار کنند سایلی بر در خانه آمد و صدا
زد که السلام علیکم یا اهل بیت محمد من یتیمی از اولاد مهاجرین و پدرم در
روز عقبه شهید شده است مرا طعام دهید تا خدا شما را از خوانهای بهشت
طعام دهد پس حضرت امیر المؤمنین نان خود را داد و بعد از آن فاطمه زهرا
و بعد از او دو گوشواره عرش خدا و بعد از ایشان فضه سعادتمند همگی نان
نانهای خود را به یتیم دادند و با آب افطار کردند و در روز سیم روزه داشتند و
حضرت سیدة نساء در روز سیم بقیه پشم را رشت و بقیه جو را گرفت و در آرد
خورد کرد و پنج گرده نان پخت و چون حضرت امیر کبیر از نماز برگشت و حضرت
فاطمه طعام را حاضر کردند که افطار نمایند ناگاه اسیری از اسیران کافران
ندا کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد ما را اسیر میکنید و طعام نمیدهید
که بخوریم پس بخوشنهای سابق همه گردههای نان را بسایل دادند و با آب
بحت افطار کردند حق تعالی سوره کریمه هل اتی را در شان ایشان فرستاد
و در آن سوره اشاره بآن قصه نمود که یُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَیَخافُونَ یَوْماً کانَ
شَرُّهُ مُسْتَطِیراً وَیُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلی حُبِّهِ مِسْکِیناً وَیَتِیماً وَاَسِیراً اِنَّما
نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللّهِ لا نُرِیدُ مِنْکُمْ جَزاءً وَلا شُکُوراً اِنّا نَخافُ مِنْ رَبِّنا یَوْماً
عَبُوساً قَمْطَرِیراً یعنی وفا میکنند بنذر و میترسند از روزی که شر آن اکثر
خلق را فرا گرفته است و میخورانند طعام را با خواهش و محبت آن یا از برای
محض محبت خدا بمسکین و یتیم و اسیر و میگویند یعنی در دل خود و نیت
ایشان این است که ما طعام نمیدهیم شما را مگر از برای رضای خدا نمیخواهیم
نه جزا و نه پاداشی و نه شکر و ثنایی را ما میترسیم از روز قیامت که در آن
شدت و هول است و چون در روز چهارم که بیست و پنجم ذی الحجه است
سوره هل اتی در مدح ایشان نازل شد حضرت رسول بخانه اهل بیت

آمد وایشانرا باین شدت گرسنگی وانحال غریب مشاهده نمود وگریان
شد وفرمود این چه حالتست که در شما مشاهده مینمایم و امام
حسن و امام حسین صلوات الله علیهما را دید که از نقاهت بیماری و از
گرسنگی مانند جوجه که از تخم بیرون آید میلرزند و حضرت فاطمه صلوات
الله علیها در محراب عبادت ایستاده بود و شکم مبارکش به پشت چسبیده
بود و چشمهایش فرو رفته بود و چون از نماز فارغ شد حق تعالی خوانی
از بهشت برای حضرت فاطمه صلوات الله علیها فرستاد که در آن کاسه
بود و گوشت و طعام گرم در آن میان بود که میجوشید و بوئی بهتر از بوی
مشک از آن ساطع بود پس حضرت فاطمه ع آنخوانرا نزد حضرت رسول ص آورد حضرت
فرمود ای فاطمه این را از کجا آوردی گفت از جانب خدا آمده است خدا
هر که را خواهد روزی میدهد بیحساب حضرت فرمود الحمد لله که از دنیا
نرفتم تا در اهل خود شبیه مریم مادر عیسی را دیدم پس از آن تناول
نمودند تا هفت روز میخوردند و تمام نمیشد و حضرت صادق ع فرمود
که آن کاسه نزد ما است و حضرت صاحب الامر ع آنرا ظاهر خواهد کرد و
از آن طعام بهشت تناول خواهد نمود و سنیان نیز این روایت را با نزول
مائده بطرق بسیار روایت کرده اند و تفصیل این قصه را در رسالت
ذکر کرده ام پس مناسب است که شیعیان اهل بیت درین ایام تاسی
بموالی خود در تصدق نمودن بر یتیمان و مساکین سعی کنند در اطعام
و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که مستحب است که این روز را روزه
بدارند برای شکر نزول سوره هل اتی در شان آل عبا مناسب است غسل
زیارت و زیارت ائمه و زیارات جامعه را خواندن در این روز مناسب است
و چون بعضی از علما این روز را روز مباهله میدانند دعای مباهله
در این روز خواندن نیز خوب است و بیست ششم بنابر مشهور عمر علیه اللعنه
خنجر بر شکمش زدند و باین سبب نهایت برکت دارد و در روز بیست و هفتم

مروان که خلفای بنی امیه است بجهنم واصل شده است و دولت ملعونه
بنی امیه لعنهم الله برطرف شده پس درین روز شکر این نعمت باید کرد و بعضی
گفته اند که حضرت امام علی نقی ع درین روز متولد شده است و در روز بیست و
نهم بنابر مشهور عمر باسفل السافلین منتقل گردیده است و باین سبب فضیلت
عظیم دارد و در روز آخر ذی الحجه است که آخر سال عرب است روایت کرده اند
که سنت است که دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و ده مرتبه
سوره قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از سلام این دعا را
بخواند اللهم ما عملت من عمل نهیتنی عنه و لم ترضه و نسیته و لم تنسه
دعا ابتدا خدایا آنچه کردم از کرداری که نهی کردی مرا از آن و نه پسندیدی آنرا و فراموش کردم آنرا
ودعوتنی الی التوبة بعد اجترائی علیک اللهم فانی استغفرک منه
و خواندی مرا بسوی بازگشت از آن بعد از دلیری نمودنم بر تو خداوندا پس بدرستیکه من طلب آمرزش میکنم از تو از آن
فاغفر لی و ما عملت من عمل یقربنی الیک فاقبله منی و لا تقطع رجائی
پس بیامرز برای من و آنچه کردم از کرداری که نزدیک گرداند مرا بسوی تو پس بپذیر آنرا از من و مبر امید مرا
منک یا کریم **باب ششم** در بیان اعمال ماه محرم است و در آن سه فصل است
از خود ای بزرگوار
فصل اول در اعمال دهه اول محرم است از حضرت امام رضا
منقولست که حضرت رسول ص در روز اول محرم دو رکعت نماز میکردند و چون
از نماز فارغ میشدند دست بدعا اللهم انت الاله القدیم و هذه
و این دعا را سه مرتبه میخواندند
خداوندا توئی معبود دیرینه و این
سنة جدیدة فاسئلک فیها العصمة من الشیطان و القوة علی هذه
سال نویست پس میخواهم از تو در آن نگاهداشتن از شیطان و توانائی بر این
النفس الامارة بالسوء و الاشتغال بما یقربنی الیک یا کریم یا ذا الجلال
نفس بسیار امر کننده ببدی و مشغول شدن بآنچه نزدیک گرداند مرا بسوی تو ای کریم ای صاحب جلال
والاکرام یا عماد من لا عماد له یا ذخیرة من لا ذخیرة له یا حرز من لا حرز
و کرامت ای تکیه گاه کسیکه تکیه گاهی ندارد ای ذخیره کسیکه ذخیره ندارد ای پناه

فی هذه السنة
درین سال



له یا غیاث من لا غیاث له یا سند من لا سند له یا کنز من لا کنز
برای او ای دادرس آنکه نیست دادرسی برای او ای تکیه گاه آنکه نیست تکیه گاهی برای او ای گنج آنکه نیست گنجی
له یا حسن البلاء یا عظیم الرجاء یا عز الضعفاء یا منقذ الغرقی یا
برای او ای نیکو نعمت ای امید بزرگ ای غالب کننده ناتوانان ای رهاننده غرق شدگان ای
منجی الهلکی یا منعم یا مجمل یا مفضل یا محسن انت الذی سجد لک
خلاصی بخش هلاک شدگان ای نیکوکار ای بخشنده ای احسان کننده توئی آنکه فروتنی کرده برای تو
سواد اللیل و نور النهار و ضوء القمر و شعاع الشمس و دوی الماء
سیاهی شب و روشنائی روز و روشنی ماه و شعاع آفتاب و صدای آب
و حفیف الشجر یا الله لا شریک لک اللهم اجعلنا خیرا مما یظنون و اغفر
و آواز درخت ای خداوند نیست شریکی مر ترا خداوندا بگردان ما را بهتر از آنچه گمان میبرند
لنا ما لا یعلمون و لا تؤاخذنا بما یقولون حسبی الله لا اله الا هو علیه
برای ما آنچه را که نمیدانند و مؤاخذه مکن ما را بآنچه میگویند بس است مرا خداوند نیست خدائی مگر او بر او
توکلت و هو رب العرش العظیم آمنا به کل من عند ربنا و ما یذکر
اعتماد کردم و او پروردگار عرش بزرگ است گرویدیم باو هر چیزی از نزد پروردگار ماست و پند نمیگیرد
الا اولوا الالباب ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا
مگر خداوندان خردها پروردگارا میل مده دلهای ما را بعد از آنکه راه نمودی ما را و ببخش
من لدنک رحمة انک انت الوهاب و چون حضرت سید الشهدا
از نزد خود رحمتی بدرستیکه توئی بسیار بخشنده امام حسین ع در دهم ایام ه
بسعادة شهادة فایز گردیده و در اکثر آن ایام محزون و غمگین بوده‌اند و اخبار
موحشه بایشان میرسید باید که شیعیان ایشان در مجموع این دهه
بلوازم تعزیه آن حضرت قیام نمایند و محزون و اهکد و اندوه‌ناک
باشند و اخبار و احادیث که مشتمل بر ذکر مصائب ایشان باشد بخوانند
و بعضی از علما گفته‌اند که ترک بعضی از لذات بکنند و از حضرت امام
رضا منقولست که محرم ماهی بود که کافران در ایام جنگ کردن را حرام

میدانند

میدانستند و منافقان این امت خون ما را حلال دانستند و هتک
حرمت ما کردند و زنان و فرزندان ما را اسیر کردند و آتش در خیمه‌های
ما زدند و اسباب و اموال ما را غارت کردند و حرمت حضرت رسالت
پناه را در حق ما رعایت نکردند بدرستی که مصیبت حضرت امام حسین ع چشمهای
ما را مجروح گردانید و آب دیده‌های ما را جاری ساخته و عزیز ما را
ذلیل گردانید و واقعه کرب و بلا را برای ما مهیا گردانید تا روز قیامت
پس باید که بر مصیبت آن حضرت گریه کنندگان بگریند بدرستی که گریه
بر آن حضرت گناهان بزرگ را بر طرف میکند پس فرمود که پدرم امام موسی
چون ماه محرم داخل میشد کسی آن حضرت را خندان نمیدید و اثر حزن و اندوه
بر آن حضرت ظاهر بود در مجموع دهه اول ماه محرم و چون روز دهم میشد
روز گریه و مصیبت و اندوه او بود و میگفت که امروز روز شهادت حسین است
و در حدیث معتبر دیگر فرمود که چون جدم حسین شهید شد آسمان و زمین
خون و خاک سرخ بارید اگر بر آن حضرت آنقدر گریه کنی که آب دیده بر روی
تو جاری گردد حق تعالی گناهان گذشته و آینده تو را بیامرزد پس فرمود
که اگر خواهی که چون بمیری بر تو هیچ گناهی نباشد زیارت کن حضرت امام
حسین ع را و اگر خواهی که در غرفه‌های بهشت با ما باشی لعنت کن بر قاتلان
امام حسین ع و اگر خواهی ثواب شهیدان کربلا داشته باشی هر وقت که
مصیبت آن حضرت را یاد آوری بگو یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما
یعنی ای کاشکی میبودم با ایشان پس رستگاری می‌یافتم رستگاری و اگر
خواهی در درجات عالیه با ما باشی از برای اندوه ما اندوهناک و از برای
شادی ما شاد باش و بدانکه روزه ماه محرم مستحب است و از حضرت
امام رضا منقولست که در روز اول محرم حضرت زکریا دعا کرد و از حق
تعالی فرزند طلبید خدا دعای او را مستجاب گردانید و حضرت یحیی را
باو عطا کرد پس در این روزه دارد و دعا کند خدا دعای او را مستجاب

کرده‌اند چنانکه دعای زکریا را مستجاب کرد و شیخ مفید علیه الرحمة
گفته است که روز سیم محرم روز مبارکی است و در آن روز حضرت یوسف
از چاه برآمد هر که آن روز را روزه دارد حق تعالی کارهای صعب را بر او
آسان کرده‌اند و غمهای او را زایل کرده‌اند و بهتر آن است که روز نهم و دهم را
روزه ندارد زیرا که بنی امیه این دو روز را برای برکت و شماتت بر قتل
آن حضرت روزه میداشتند و احادیث بسیار در فضیلت این دو روز و روزه
آنها بر حضرت رسول بسته‌اند و از طریق اهل بیت احادیث بسیار در مذمت
روزه این دو روز خصوصاً روز عاشورا وارد شده است و ایضاً بنی امیه
علیهم اللعنه از برای برکه آذوقه سال را در روز عاشورا در خانه ذخیره
میکرده‌اند لهذا از حضرت امام رضا منقول است که هر که ترک کند سعی در حوائج
خود را در روز عاشورا و پی کاری نرود حق تعالی حوائج دنیا و آخرت او را بر آورد
و هر که روز عاشورا را روز مصیبت و اندوه و گریه او باشد حق تعالی روز
قیامت را روز فرح و سرور و شادی او کرده‌اند و دیده‌اش در بهشت بما روشن
کرده و هر که روز عاشورا را روز برکت نامد و از برای منزل خود در آن روز
چیزی ذخیره کند خدا آن ذخیره را برو مبارک نکرده‌اند و در روز قیامت با یزید
و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنه محشور کرده پس باید که در روز
عاشورا آدمی مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد و مشغول گریه و نوحه و
مصیبت باشد و امر کند اهل خانه خود را که تعزیه آن حضرت بدارند و مشغول
ماتم باشند چنانکه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود میباشند و در آن
روز امساک کند از خوردن و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کند و در آخر
روز بعد از عصر افطار کند اگر چه به یک شربت آبی باشد و روزه تمام ندارد
مگر آنکه در خصوص آن روز روزه واجبی داشته باشد که نذر یا مثل
آن بر او واجب شده باشد که این روز را باید بگیرد و در آن روز آذوقه
در خانه ذخیره نکند و نخندد و مشغول لهو و لعب نگردد و هزار مرتبه

بر قاتلان آن حضرت لعنت کند بگوید اللهم العن قتلة الحسین و اصحابه
و در روایتی وارد شده است از حضرت صادق که هر که در روز عاشورا
هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند خداوند رحمن نظر رحمت بسوی
او بکند و هر که خدا رحمت باو کند هرگز او را عذاب نکند و در شب عاشورا
نیز باید که احیا کند بگریه و حزن و اندوه برای تاسی بحضرت امام حسین
و اصحاب او که در آن شب در صحرای کربلا سی هزار نفر از کفار بیحیا
تا صباح احیا کردند بعبادت و تهیه سعادت شهادت میکردند فصل نهم
در زیارت مشهور آن حضرت است در روز عاشورا و فضیلت زیارت آن
حضرت در شب و روز عاشورا است بسند معتبر از حضرت صادق منقول
است که هر که در شب عاشورا نزد قبر آن حضرت باشد و آن حضرت را زیارت
کند در روز قیامت محشور گردد بخون خود آلوده و بهیات شهداء کربلا
در میان ایشان محشور گردد و هر که در شب و روز عاشورا زیارت کند
آن حضرت را چنان باشد که در پیش روی آن حضرت شهید شده باشد
بسند صحیح از آن حضرت منقول است که حضرت امام حسین را در روز
عاشورا زیارت کند بهشت او را واجب گردد اما زیارت مشهور شیخ طوسی و ابن
قولویه و غیر ایشان رحمة الله علیهم روایت کرده‌اند از سیف بن عمیره
و صالح بن عقبه و هر دو از محمد بن اسمعیل و علقمه بن محمد حضرمی و هر دو
از مالک جهنی که حضرت امام محمد باقر فرمود که هر که زیارت کند حضرت
امام حسین را در روز دهم محرم یا نزد قبر آن حضرت گریان شود ملاقات
کند خدا او را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج و دو هزار
عمره و دو هزار جهاد که هر یک را با رسول خدا و ائمه طاهرین کرده
باشد مالک گفت فدای تو شوم چه ثواب است برای کسی که در شهرهای دور
باشد و ممکن نباشد او را رفتن بسوی قبر آن حضرت فرمود که چون روز
عاشورا در آید بیرون رود بسوی صحرا یا بالای بام بلندی رود در خانه

خود واشاره کند بسلام وجهد کند در نفرین کردن بر قاتل ان حضرت
وبعد از ان دو رکعت نماز کند وبکند اینکار را در اول روز پیش از بیشین
پس ندبه وگریه ونوحه کند بر حسین وامر کند هر که را که در خانه او است
واز و تقیه نکند بگریه کردن بر ان حضرت ودر خانه خود مصیبتی برپا کند
با ظهار جزع بر ان حضرت وملاقات کنند بعضی از ایشان بعضی را در خانه
های خود بگریه کردن وتعزیه گویند بعضی از ایشان بعضی را بمصیبت
ان حضرت پس من ضامنم بر خدا که اگر این کارها بکنند حقتعالی جمیع ان
ثوابها را بایشان عطا فرماید مالك گفت تو ضامنی وکفیلی از برای ایشان
باین ثواب فرمود که بلی پرسید که بکدیگر را چگونه تعزیه بگویند فرمود
عَظَّمَ اللهُ اُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلَنَا وَاِيَّاكُمْ
بزرگ کرداند خدا مزدهای ما را بازای مصیبت واندوه ما بحسین براو باد درود وبکرداند ما را و شما را
مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْاِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ اٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
از طلب کنندگان خون او با دوست خود پیشوای راه یافته از آل محمد بر ایشان باد درود
واگر توانی ان روز از برای هیچ کار از خانه بیرون مرو که ان روز نحسی است
که حاجت هیچ مؤمن در ان روز براورده نمیشود واگر براورده شود مبارك
نیست ودر ان خیری ورشدی نخواهد دید وذخیره مکن از برای منزل
خود چیزی که هر که در این روز از برای منزل خود چیزی ذخیره کند از برای
او مبارك نیست انچه ذخیره کرده است واهلش که از برای ایشان ذخیره کرده
است مبارك نخواهد بود از برای او پس کسی که چنین اوکند از برای
او نوشته شود ثواب هزار هزار حج وهزار هزار عمره وهزار هزار جهاد
که هر یك را با رسول خدا کرده باشد یا کشته باشد از روزی که خدا
دنیا را خلق کرده باشد تا روز قیامت علقمه بن محمد گفت که من گفتم بحضرت
امام محمد باقر که تعلیم نما بمن دعائی که بخوانم درین روز هرگاه خواهم
که اشاره کنم از نزدیك ودور وانحضرت را ودعائی که هرگاه در شهر خود

دور خواهم که اشاره کنم وان حضرت را زیارت کنم بخوانم فرمود که ای علقمه
هرگاه بکنی ان دو رکعت را بعد از انکه اشاره کرده باشی بجانب ان حضرت
بسلام وگفته باشی بعد از نماز واشاره ان قول را که مذکور خواهد شد
پس دعا کرده خواهی بود بدعائی که ملائکه میخوانند در وقتی که زیارت
ان حضرت میکنند ومینویسد خدا برای تو بان زیارت هزار هزار حسنه
ومحو میکند از تو هزار هزار گناه وبلند میکند از برای تو در بهشت هزار
هزار درجه وخواهی بود از انها که شهید شده با حسین بن علی تا انکه شریك
شوی با ایشان در درجات ایشان ونشناسند ترا مگر از انها با انحضرت
شهید شده باشند ونوشته شود برای تو ثواب هر پیغمبری ورسولی وثواب
زیارت ان هر که ان حضرت را زیارت کرده است از روزی که شهید شده است
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلَامُ
پسلام بر تو ای ابا عبدالله پسلام بر تو ای فرزند فرستاده خدا پسلام
عَلَيْكَ يَا ابْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ
بر تو ای پسر پادشاه گروندگان وپسر بزرگ اوصیا درود بر تو ای پسر
فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَ
فاطمه بزرگ زنان جهانیان سلام بر تو ای خون خدا وپسر خون او
الْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْاَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ
ای خون خون خواه درود بر تو وبر جانها که آمده گرد درگاه تو
عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللهِ اَبَدًا مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ
بر شما همه از جانب من همگی سلام خدا دائم که باشم من وباشد شب وروز
يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى
ای ابا عبدالله بتحقیق عظیم گشته مصیبت وبزرگ گشته مصیبت تو بر ما وبر
جَمِيعِ اَهْلِ الْاِسْلَامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمٰوَاتِ عَلٰى
همه اهل اسلام وبزرگ گردیده وعظیم گشته مصیبت تو در آسمانها بر

جميع اهل السموات فلعن الله امة اسست اساس الظلم والجور عليكم
اهل البيت ولعن الله امة دفعتكم عن مقامكم وازالتكم عن مراتبكم
التي رتبكم الله فيها ولعن الله امة قتلتكم ولعن الله الممهدين لهم
بالتمكين من قتالكم برئت الى الله واليكم منهم ومن اشياعهم و
اتباعهم واوليائهم يا ابا عبد الله اني سلم لمن سالمكم وحرب لمن
حاربكم الى يوم القيامة ولعن الله آل زياد وآل مروان ولعن الله
بني امية قاطبة ولعن الله ابن مرجانة ولعن الله عمر بن سعد ولعن الله
شمرا ولعن الله امة اسرجت والجمت وتنقبت لقتالك بابي
انت وامي لقد عظم مصابي بك فاسال الله الذي اكرم مقامك
واكرمني بك ان يرزقني طلب ثارك مع امام منصور من اهل بيت محمد
صلى الله عليه وآله اللهم اجعلني عندك وجيها بالحسين في الدنيا
والآخرة يا ابا عبد الله اني اتقرب الى الله والى رسوله والى امير

المؤمنين

المؤمنين والى فاطمة والى الحسن واليك بموالاتك وبالبراءة ممن
قاتلك ونصب لك الحرب وبالبراءة ممن اسس اساس الظلم والجور
عليكم وابرء الى الله والى رسوله ممن اسس اساس ذلك وبنى عليه
بنيانه وجرى في ظلمه وجوره عليكم وعلى اشياعكم برئت الى الله
واليكم منهم واتقرب الى الله ثم اليكم بموالاتكم وموالاة وليكم
وبالبراءة من اعدائكم والناصبين لكم الحرب وبالبراءة من اشياعهم
واتباعهم اني سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم وولي لمن والاكم
وعدو لمن عاداكم فاسال الله الذي اكرمني بمعرفتكم ومعرفة
اوليائكم ورزقني البراءة من اعدائكم ان يجعلني معكم في الدنيا
والآخرة وان يثبت لي عندكم قدم صدق في الدنيا والآخرة واساله
ان يبلغني المقام المحمود لكم عند الله وان يرزقني طلب ثاري مع
امام مهدي ظاهر ناطق منكم واسال الله بحقكم وبالشان الذي

لكم عند الله ان يعطيني بمصابي بكم افضل ما يعطي مصابا بمصيبته

مصيبة ما اعظمها واعظم رزيتها في الاسلام وفي جميع اهل

السموات والارض اللهم اجعلني في مقامي هذا ممن تناله صلوات

منك — از تو

ورحمة ومغفرة اللهم اجعل محياي محيا محمد وآل محمد ومماتي ممات محمد

اجعل

وآل محمد اللهم ان هذا يوم تبركت به بنو امية وابن آكلة الاكباد

اللعين ابن اللعين على لسان نبيك صلى الله عليه وآله في كل

موطن وموقف وقف فيه نبيك صلواتك عليه وآله اللهم

العن ابا سفيان ومعاوية ابن ابي سفيان ويزيد بن معاوية عليهم

منك اللعنة ابد الآبدين وهذا يوم فرحت به آل زياد وآل مروان

بقتلهم الحسين صلوات الله عليه اللهم فضاعف عليهم اللعن

منك والعذاب اللهم اني اتقرب اليك في هذا اليوم وفي موقفي

هذا وايام حياتي بالبراءة منهم واللعنة عليهم وبالموالاة لنبيك

وال

وآل نبيك عليهم السلام **پس صد مرتبه** اللهم العن اول ظالم ظلم حق

بايد گفت

محمد وآل محمد وآخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة التي جاهدت

الحسين وشايعت وبايعت على قتله اللهم العنهم جميعا **پس صد**

مرتبه بگو السلام عليك يا ابا عبد الله وعلى الارواح التي حلت

بفنائك عليك مني سلام الله ابدا ما بقيت وبقي الليل و

النهار ولا جعله الله آخر العهد مني لزيارتك السلام على الحسين وعلى

علي بن الحسين وعلى اصحاب الحسين **پس بگو** اللهم خص انت اول ظالم

باللعن مني وابدأ به اولا ثم الثاني ثم الثالث ثم الرابع اللهم العن

يزيد بن معاوية خامسا والعن عبيد الله بن زياد وابن مرجانة وعمر بن

سعد وشمرا وآل ابي سفيان وآل زياد وآل مروان الى يوم القيامة

پس بسجده میروی و میگوئی اللهم لك الحمد حمد الشاكرين لك على مصابهم الحمد

لله على عظيم رزيتي اللهم ارزقني شفاعة الحسين عليه السلام

یوم الورود وثبت لی قدم صدق عندك مع الحسین واصحاب

در روز وارد شدن بر تو و ثابت دار برای من قدم راست نیکو نزد خود با حسین و یاران

الحسین الذین بذلوا مهجهم دون الحسین علیه السلام علقمه

حسین آنانکه بخشیدند خونهای خود را نزد حسین براو باد درود گفت

که امام محمد باقر فرمود که اگر توانی هر روز آن حضرت را باین کیفیت زیارت
کنی بکن که همه این ثوابها برای تو خواهد بود و روایت کرد محمد بن خالد
طیالسی از سیف بن عمیره که گفت من با صفوان جمال و جماعتی از اصحاب
خود رفتیم بسوی نجف بعد از انکه حضرت صادق بیرون رفته بودند از حیره
بمدینه پیش از ما پس چون از زیارت حضرت امیر المؤمنین فارغ شدیم صفوان
رو بخود را گردانید بسوی قبر حضرت امام حسین و گفت زیارت کنید حضرت
امام حسین را ازین مکان از بالای سر حضرت امیر المؤمنین که حضرت
امام جعفر صادق چنین کرد در وقتی که من در خدمت آن حضرت بودم باین
مکان شریف امده بودم پس خواند صفوان ان زیارت را که علقمه از حضرت
امام محمد باقر روایت کرده است برای روز عاشورا پس دو رکعت نماز کرد نزد
سر امیر المؤمنین و وداع کرد بعد از نماز حضرت امیر المؤمنین را و رو کرد بجانب
قبر امام حسین کرد و ان حضرت را نیز وداع کرد و از جمله دعاها که بعد
دو رکعت نماز یا الله یا الله یا الله یا مجیب دعوة المضطرین یا کاشف
خواند این دعا بود — ای خدا ای خدا ای پذیرنده دعای درماندگان ای برطرف کننده

کرب المکروبین یا غیاث المستغیثین و یا صریخ المستصرخین و یا من

اندوه اندوهناکان ای فریادرس فریادرس خواهان و ای دادرس دادخواهان و ای آنکه

هو اقرب الی من حبل الورید یا من یحول بین المرء وقلبه و یا من هو

او نزدیکتر است بسوی من از رگ گردن و ای آنکه حایل میشود میان مرد و دل او و ای آنکه او

بالمنظر الاعلی و بالافق المبین و یا من هو الرحمن الرحیم علی العرش

در دیدگاه بلندتر و آفاق روشن [illegible] و ای آنکه او بخشنده مهربان بر عرش

استوی و یا من یعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور و یا من لا

مستولی و ای آنکه میداند اشاره دیده ها را و آنچه پنهان دارند سینه ها و ای آنکه

یخفی علیه خافیة و یا من لا تشتبه علیه الاصوات و یا من لا تغلطه

پنهان نیست براو هیچ پنهانی و ای آنکه مشتبه نمیشود براو آوازها و ای آنکه غلط نمی اندازد او را

الحاجات و یا من لا یبرمه الحاح الملحین یا مدرك كل فوت و یا جامع

حاجتها و ای آنکه بیزار نمیکند او را مبالغه مبالغه کنندگان ای دریابنده هر فوت شده و ای جمع کننده

کل شمل و یا باری النفوس بعد الموت یا من هو کل یوم فی شأن یا قاضی

هر پراکنده و ای پدید آورنده نفسها پس از مردن ای آنکه او هر روز در کاری است ای

الحاجات یا منفس الکربات یا معطی السؤلات یا ولی الرغبات یا کافی

حاجتها ای زایل کننده اندوهها ای بخشنده سؤالها ای دارنده خواهشها ای کفایت کننده

المهمات یا من یکفی من کل شیء ولا یکفی منه شیء فی السموات و

کارهای سخت ای آنکه بس است [illegible] از هر چیز و بس نمیکند از او چیزی در آسمانها و

الارض اسألك بحق محمد وعلی و بحق فاطمة بنت نبیك و بحق الحسن

زمین در میخواهم از تو بحق محمد و علی و بحق فاطمه دختر پیغمبر تو و بحق حسن

والحسین فانی بهم اتوجه الیك فی مقامی هذا و بهم اتوسل و بهم

و حسین پس بدرستیکه من بایشان رو میکنم بسوی تو در جای ایستادن خود اینجا و بایشان توسل میجویم و بایشان

اتشفع الیك و بحقهم اسألك واقسم واعزم علیك و بالشأن الذی

شفاعت میجویم بسوی تو و بحق ایشان در میخواهم از تو و قسم میدهم [illegible] ترا و بمرتبه که

لهم عندك و بالقدر الذی لهم عندك و بالذی فضلتهم علی

برای ایشان است نزد تو و بمنزلتی که برای ایشان است نزد تو و بآنچه زیادتی دادی ایشان را

العالمین و به ابنتهم وابنت فضلهم من فضل العالمین حتی فاق

جهانیان و بآن ممتاز کردی ایشان را [illegible] از فضل جهانیان تا آنکه

فضلهم فضل العالمین ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تکشف عنی

فضل ایشان فضل جهانیان را آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و [illegible]

وباسمك الذی جعلته عندهم وبه خصصتهم دون العالمین

[illegible]

عني وهمي وكربي وتكفيني المهم من أموري وتقضي عني ديني وتجيرني

من الفقر وتجيرني من الفاقة وتغنيني عن المسألة إلى المخلوقين وتكفيني

هم من أخاف همه وعسر من أخاف عسره وحزونة من أخاف حزونته

وشر من أخاف شره ومكر من أخاف مكره وبغي من أخاف بغيه

وجور من أخاف جوره وسلطان من أخاف سلطانه وكيد من أخاف

كيده ومقدرة من أخاف بلاء مقدرته علي وترد عني كيد الكيدة

ومكر المكرة اللهم من أرادني فأرده ومن كادني فكده واصرف

عني كيده ومكره وبأسه وأمانيه وامنعه عني كيف شئت وأنى

شئت عني بفقر لا تجبره وببلاء لا تستره وبفاقة لا تسدها وبسقم

لا تعافيه وذل لا تعزه وبمسكنة لا تجبرها اللهم اضرب بالذل

نصب عينيه وأدخل عليه الفقر في منزله والعلة والسقم في

بدنه حتى تشغله عني بشغل شاغل لا فراغ له وأنسه ذكري

اللهم اشغله

كما انسيته

مجرب

كما أنسيته ذكرك وخذ عني بسمعه وبصره ولسانه ويده ورجله وقلبه

وجميع جوارحه وأدخل عليه في جميع ذلك السقم ولا تشفه حتى تجعل

ذلك له شغلا شاغلا به عني وعن ذكري واكفني ما لا يكفي سواك

يا كافي

اى كاركذار

فإنك الكافي لا كافي سواك ومفرج لا مفرج سواك ومغيث لا مغيث

سواك وجار لا جار سواك خاب من كان جاره سواك ومغيثه

سواك ومفزعه إلى سواك ومهربه وملجأه إلى غيرك فأنت ثقتي

ومنجاه من مخلوق غيرك

ورجائي ومفزعي ومهربي وملجئي ومنجاي فبك أستفتح وبك

أستنجح وبمحمد وآل محمد أتوجه إليك وأتوسل وأستشفع فأسألك يا الله

يا الله يا الله فلك الحمد ولك الشكر وإليك المشتكى وأنت المستعان

فأسألك يا الله بحق محمد وآل محمد أن تصلي على محمد وأن تكشف عني

وآل محمد

غمي وهمي وكربي في مقامي هذا كما كشفت عن نبيك همه وغمه وكربه

وكفيته هول عدوه فاكشف عني كما كشفت عنه وفرج عني كما فرجت

عنه واكفني كما كفيته واصرف عني هول ما اخاف هوله ومؤونة

ما اخاف مؤونته وهم ما اخاف همه بلا مؤونة على نفسي من ذلك واصرفني

بقضاء حوائجي وكفاية ما اهمني همه من امر آخرتي ودنياي

يا امير المؤمنين عليكما مني سلام الله ابداً ما بقي الليل والنهار و

لا جعله الله آخر العهد من زيارتكما ولا فرق الله بيني وبينكما اللهم

احيني حيوة محمد صلى الله عليه وآله وذريته وامتني مماتهم وتوفني

على ملتهم واحشرني في زمرتهم ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين

ابداً في الدنيا والآخرة يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله آتيتكما واگر

از دور بخواند بگو توجهت الى صحنكما زائراً ومتوسلاً الى الله ربي و

ربكما ومتوجهاً اليه بكما ومستشفعاً بكما الى الله في حاجتي هذه فا

شفعا لي فان لكما عند الله المقام المحمود والجاه الوجيه والمنزل

الرفيع والوسيلة اني انقلب عنكما منتظراً لتنجز الحاجة وقضائها

ونجاحها

ونجاحها من الله بشفاعتكما الى الله في ذلك فلا اخيب ولا يكون

منقلبي منقلباً راجحاً مفلحاً منجحاً مستجاباً بقضاء جميع حوائجي و

تشفعا لي الى الله انقلب على ما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله

مفوضاً امري الى الله ملجئاً ظهري الى الله ومتوكلاً على الله واقول

حسبي الله وكفى سمع الله لمن دعا ليس لي وراء الله ووراءكم يا سادتي

منتهى ما شاء ربي كان [illegible] وما لم يشأ لم يكن ولا حول ولا قوة الا

بالله استودعكما الله ولا جعله الله آخر العهد مني اليكما انصرفت

يا سيدي يا امير المؤمنين ومولاي وانت يا ابا عبد الله يا سيدي

وسلامي عليكما متصل ما اتصل الليل والنهار واصل ذلك اليكما

غير محجوب عنكما سلامي ان شاء الله واسأله بحقكما ان يشاء ذلك

ويفعل فانه حميد مجيد انقلبت يا سيدي عنكما تائباً حامداً لله

شاكراً راجياً للاجابة غير آيس ولا قانط آئباً عائداً راجعاً الى

زیارتکما غیر راغب عنکما و لا من زیارتکما بل راجع عائد ان شاء الله

زیارت شما نه روگردان از شما و نه از زیارت شما بلکه رجوع کننده باز گردنده ام اگر خدا خواهد

و لا قوة الا بالله یا سادتی رغبت الیکما و الی زیارتکما بعد ان زهد

و نیست قدرتی مگر بخدا ای آقایان من خواهش نمودم بسوی شما و بسوی زیارت شما پس از آنکه گوشه گیری

فیکما و فی زیارتکما اهل الدنیا فلا خیبنی الله مما رجوت و ما املت

از شما و در زیارت شما اهل دنیا پس نا امید نکند مرا خدا از آنچه امید داشتم و آرزو داشتم

فی زیارتکما انه قریب مجیب سیف بن عمیره گفت من بصفوان گفتم که

در زیارت شما بدرستیکه خدا نزدیک است اجابت کننده

علقمه این زیارت را از امام محمد باقر از برای
ما روایت کرد این دعا را نقل نکرد صفوان گفت که من وارد شدم
با سید خودم امام جعفر صادق پس کرد آنچه ما کردیم در زیارت و
این دعا را خواند در هنگام وداع بعد از آنکه ادا کرد دو رکعت نماز را و
وداع را بجا آورد بعد از آن صفوان گفت که حضرت صادق بمن گفت
که تعاهد این زیارت را و بخوان این دعا را و باین نحو زیارت کن که من ضامنم
بر خدا که هر که این زیارت را بکند و این دعا را بخواند از نزدیک و دور
زیارتش مقبول گردد و سعیش مزد داده شود و سلامش بآنحضرت برسد
و محجوب نگردد و هر حاجت که از خدا بطلبد بر آورده شود هر چند حاجتش
بزرگ باشد ای صفوان این زیارت را با همین ضامنی از پدرم شنیدم و پدرم
از علی بن الحسین با همین ضامنی و او از امام حسن و او از امام حسین با
همین ضامنی و او از پدرش امیر المؤمنین با همین ضامنی و امیر المؤمنین
از رسول خدا با همین ضامنی و رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل
با همین ضامنی و جبرئیل از خداوند عالمیان با همین ضامنی و بتحقیق
که حق تعالی قسم بذات مقدس خود خورده است که هر که حضرت امام
حسین را زیارت کند باین روش از نزدیک یا دور و این دعا را بخواند
زیارت او را قبول کنم و هر حاجت که بطلبد بر آورم هر چند بزرگ باشد

و هر سوال که بکند عطا کنم و از درگاه من نا امید بر نگردد و او را بر گردانم
شاد و خوشحال به بر آمدن حاجتش و فایز شدن به بهشت و آزاد شدن
از جهنم و از برای هر که شفاعت کند شفاعتش را قبول کنم مگر آنکه دشمن
ما اهل بیت باشد و گواه گرفت خدا ما را بر آنچه گواه گرفته بود بر آن ملائکه
ملکوت خود را پس جبرئیل گفت یا رسول الله حق تعالی مرا بسوی تو فرستاده
است برای بشارت و سرور و خوشحالی تو و بشارت و شادی علی بن ابی
طالب و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان تو تا روز قیامت پس
حضرت صادق فرمود که ای صفوان هر گاه ترا حاجتی بهم رسد بسوی خدا
این زیارت را بکن هر جا که باشی و این دعا را بخوان و از پروردگار خود حاجت
خود را بطلب که البته بر آورده شود و حق تعالی خلف وعده خود نمیفرماید
مؤلف گوید که چون عبادت حدیث ثواب عظیمی دارد و قابل احتمال است
هست اگر اول زیارت السلام علیک یا ابا عبد الله را تا و آل نبیک
علیهم السلام را بخوانند و نماز زیارت را بکنند و بعد از آن زیارت عاشورا
کنند بهتر است و اگر بعد از صد مرتبه لعنت باز دیگر نماز بکنند و بعد
از صد مرتبه سلام باز دیگر نماز بکنند و متصل بسجده و بعد از سجده نیز
نماز بکنند شاید بجمیع احتمالات عمل کرده باشد و اگر یکی از زیارات بعید
را بعمل آورد و نماز بکند و بعد از آن این عمل را بعمل آورد ظاهرا کافی باشد
و اگر زیارت امیر المؤمنین را باین زیارت ضم کند بهتر است خصوصا هر گاه
این زیارت را نزد ضریح حضرت امیر المؤمنین بعمل آورد و چون در حدیث بخوش
کردن این زیارت در هر وقت وارد شده است اگر در غیر روز عاشورا کند
بجای اللهم ان هذا یوم تبرکت به بنو امیة بگوید اللهم ان هذا یوم
قتل الحسین صلواتک علیه یوم تبرکت به بنو امیة

فصل ششم

در سایر
زیارات این روز است و از جمله آنها زیارتی است که بسند صحیح عبدالله
سنان روایت کرده است که رفتم بخدمت حضرت صادق در روز عاشورا

و آن حضرت را شکسته رنگ و اندوهناک دیدم و آب از دیده های مبارک
آن حضرت مانند مروارید میریخت گفتم یا ابن رسول الله سبب گریه
شما چیست خدا هرگز دیده های شما را گریان نکرداند حضرت فرمود
که مگر غافلی و نمیدانی که در مثل امروز حضرت امام حسین شهید
شده است گفتم ای سید من چه میفرمائی در روزه اش فرمود که روزه بدار
بی آنکه شب نیت روزه بکنی و افطار بکن نه از روی شماتت و یک روز تمام
مگیر و باید که افطار تو بعد از نماز عصر باشد یک ساعت بشربتی از آب زیرا
که در این وقت جنگ برطرف شد از آل رسول صلی الله علیه و آله و
در زمین سی نفر از اهل بیت و موالی ایشان افتاده بود که صعب مصیبت
در آنها حضرت رسالت بود و اگر آن حضرت در دنیا میبود بایستی آن
حضرت را برای ایشان تعزیه بگویند پس آن حضرت چندان گریستند که
ریش مبارکش از آب دیده اش تر شد پس حضرت فرمود که بهتر کاری که
در این روز بکنی آن است که جامهای پاکیزه بپوشی و آستینها را تا مرفق
بالا کنی بروش مصیبت زدگان پس بیرون روی بسوی بیابان یا مکانی
که کسی ترا نه بیند یا خانه خالی از برای تقیه از سنیان در وقت چاشت
پس چهار رکعت نماز بجا آوری با خشوع و خضوع و رکوع نیکو و بعد
از هر دو رکعت سلام بگوئی و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها
الکافرون بخوانی و در رکعت دوم سوره قل هو الله احد و در دو رکعت
دیگر در رکعت اول بعد از حمد سوره احزاب بخوانی و در رکعت دوم
سوره اذا جاءک المنافقون و اگر اینها را ندانی هر سوره که توانی بخوانی
پس بگردانی روی خود را بجانب روضه مقدسه آن حضرت و بخاطر آوری
شهادت آن امام مظلوم و اولاد و اقارب و اصحاب آن جناب را و سلام کنی بر او
و صلوات فرستی بر او و لعنت کنی بر قاتلان او و بروایت دیگر هزار مرتبه
لعنت کنی بر قاتلان آن حضرت که بهر لعنتی هزار حسنه برای تو نوشته

میشود و هزار گناه از تو محو میشود و هزار درجه در بهشت از برای تو بلند
میشود و بهتر آن است که هزار مرتبه بگوید اللهم العن قتلة الحسین و اصحابه
پس فرمود که بعد از آن که از موضعی که ایستاده چند گام پیش روی و بگوی
انا لله و انا الیه راجعون رضا بقضائه و تسلیما لامره و اگر هفت مرتبه چنین
کنی بهتر است و فرمود که در جمیع این احوال باید که محزون و غمناک و گریان
باشی پس بجا بخود بر اللهم عذب الفجرة الذین شاقوا رسولک و حاربوا
گردی و بگوئی — خداوندا عذاب کن [illegible] را که مخالفت کردند رسول ترا و جنگ کردند
اولیائک و عبدوا غیرک و استحلوا محارمک والعن القادة والاتباع
با دوستان تو و پرستیدند غیر ترا و حلال دانستند حرامهای ترا و لعنت کن پیشروان و پیروان
و من کان منهم فخب و اوضع معهم او رضی بفعلهم لعنا کثیرا اللهم
و هر که بوده از ایشان [illegible] لعنت بسیار خداوندا
و عجل فرج آل محمد و اجعل صلواتک علیه و علیهم و استنقذهم من ایدی
و [illegible] آل محمد را و بگردان رحمتهای خود را بر او و برهان آنها را از دستهای
المنافقین المضلین و الکفرة الجاحدین و افتح لهم فتحا یسیرا و اتح لهم
دورویان گمراه کنندگان و کافران انکار کنندگان و بگشا برای آنها [illegible]
روحا و فرجا قریبا و اجعل لهم من لدنک علی عدوک و عدوهم سلطانا
آسایش و گشایش نزدیک و بگردان برای آنها از نزد خود بر دشمن خود و دشمن آنها غلبه
نصیرا پس دست بدعا بردار و قصد کن دشمنان آل محمد را و بگو
بدرستیکه اللهم ان کثیرا من الامة ناصبت المستحفظین من الائمة
خداوندا بدرستیکه بسیاری از امت دشمنی کردند با [illegible] امامان
و کفرت بالکلمة و عکفت علی القادة الظلمة و هجرت الکتاب و
و کافر شدند بکلمه حق و اقامت نمودند بر پیشروان ستمکاران و واگذاشتند کتاب و
السنة و عدلت عن الحبلین الذین امرت بطاعتهما و التمسک
شریعت را و برگشتند از دو دست آویزی که فرمودی بفرمانبرداری آنها و چنگ در زدن

بهما فأماتت الحق وحادت عن القصد ومالأت الأحزاب وحرّفت

آنها پس میرانید حق را و عدول کردند از راه راست و پیروی کردند طوایف [illegible]

الكتاب وكفرت بالحق لما جاءها وتمسكت بالباطل لما اعترضها

حکم کتاب خدا را و کافر شدند بحق چون آمد آنها را و چنگ در زدند بباطل چون در پیش آمد آنها را

وضيّعت حقك وأضلّت خلقك وقتلت أولاد نبيك وخيرة عبادك

پس ضایع کردند حق ترا و گمراه کردند خلق ترا و کشتند فرزندان پیغمبر ترا و برگزیدگان [illegible]

وحملة علمك وورثة حكمتك ووحيك اللهم فزلزل أقدام أعدائك

و بردارندگان علم ترا و وارثان علم شریعت ترا و احکام ترا خداوندا پس بلرزان قدمهای دشمنان خود

وأعداء رسولك وأهل بيت رسولك اللهم وأخرب ديارهم وافلل

و دشمنان رسول خود و خانواده رسول خود را خداوندا و ویران کن خانهای ایشان [illegible]

سلاحهم وخالف بين كلمتهم وفتّ في أعضادهم وأوهن كيدهم

آلات کارزار ایشان را و مخالفت بینداز میانه گفتار ایشان و سستی پدید آور در بازوهای آنها و سست گردان [illegible]

واضربهم بسيفك القاطع وارمهم بحجرك الدامغ وطمّهم بالبلاء

و بزن ایشان را به تیغ برنده خود و بینداز بر ایشان سنگ خود را [illegible]

طمّاً وقمّهم بالعذاب قمّاً وعذبهم عذاباً نكراً وخذهم بالسنين

[illegible]

والمثلات التي أهلكت بها أعداءك إنك ذو نقمة من المجرمين

و عقوبتهائی که هلاک کردی بآنها دشمنان خود را بدرستیکه تو خداوند انتقامی از گناهکاران

اللهم إن سنتك ضائعة وأحكامك معطلة وعترة نبيك في الأرض

خداوندا بدرستیکه شریعت تو ضایع گشته و حکمهای تو فروگذاشته شده و ذریت پیغمبر تو در زمین

هائمة اللهم فأعن الحق وأهله واقمع الباطل وأهله ومنّ علينا

[illegible] خداوندا پس مدد کن مذهب حق و اهل آن را و خوار کن باطل و اهل آن را [illegible]

بالنجاة واهدنا إلى الإيمان وعجّل فرجنا وانظمه بفرج أوليائك

[illegible]

واجعلهم لنا وُدّاً واجعلنا لهم وفداً اللهم وأهلك من جعل يوم

[illegible]

قتل ابن نبيك وخيرتك عيداً واستهلّ به فرحاً ومرحاً وخذ آخرهم كما

[illegible]

أخذت أولهم وضاعف اللهم العذاب والتنكيل على ظالمي أهل بيت

[illegible] خداوندا [illegible]

نبيك وأهلك أشياعهم وقادتهم وأبر حماتهم وجماعتهم اللهم

[illegible]

وضاعف صلواتك ورحمتك وبركاتك على عترة نبيك العترة الضائعة

[illegible]

الخائفة المستذلّة بقية من الشجرة الطيبة الزاكية المباركة

[illegible]

وأعل اللهم كلمتهم وأفلج حجتهم واكشف البلاء واللأواء وحنادس

[illegible] خداوندا [illegible]

الأباطيل والعمى عنهم وثبّت قلوب شيعتهم وحزبك على طاعتك

[illegible]

وولايتهم ونصرتهم وموالاتهم وأعنهم وامنحهم الصبر على الأذى

[illegible]

فيك واجعل لهم أياماً مشهودة وأوقاتاً محمودة مسعودة توشك

[illegible]

فيها فرجهم وتوجب فيها تمكينهم ونصرهم كما ضمنت لأوليائك

[illegible]

في كتابك المنزل فإنك قلت وقولك الحق وعد الله الذين آمنوا منكم

[illegible]

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ
مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ
خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا اللَّهُمَّ فَاكْشِفْ غَمَّهُمْ يَا مَنْ
لَا يَمْلِكُ كَشْفَ الضُّرِّ إِلَّا هُوَ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ وَأَنَا يَا إِلَهِي
عَبْدُكَ الْخَائِفُ مِنْكَ وَالرَّاجِعُ إِلَيْكَ السَّائِلُ لَكَ الْمُقْبِلُ عَلَيْكَ
اللَّاجِئُ إِلَى فِنَائِكَ الْعَالِمُ بِأَنَّهُ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ
دُعَائِي وَاسْمَعْ يَا إِلَهِي عَلَانِيَتِي وَنَجْوَايَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ وَ
قَبِلْتَ نُسُكَهُ وَنَجَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ اللَّهُمَّ وَصَلِّ
أَوَّلًا وَآخِرًا عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا
وَآلَ مُحَمَّدٍ بِأَكْمَلِ وَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ
رُسُلِكَ وَمَلَائِكَتِكَ وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ وَ
لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَ

برای ایشان

وَاجْعَلْنِي مِنْ شِيعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَذُرِّيَّتِهِمُ
الطَّاهِرَةِ الْمُنْتَجَبَةِ وَهَبْ لِيَ التَّمَسُّكَ بِحَبْلِهِمْ وَالرِّضَا بِسَبِيلِهِمْ وَ
الْأَخْذَ بِطَرِيقَتِهِمْ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ پس بسجده برو و دو طرف روی خود
را بر خاک بگذار و بگو يَا مَنْ يَحْكُمُ مَا يَشَاءُ وَيَفْعَلُ مَا يُرِيدُ أَنْتَ حَكَمْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ
مَحْمُودًا مَشْكُورًا فَعَجِّلْ يَا مَوْلَايَ فَرَجَهُمْ وَفَرَجَنَا بِهِمْ فَإِنَّكَ ضَمِنْتَ
إِعْزَازَهُمْ بَعْدَ الذِّلَّةِ وَتَكْثِيرَهُمْ بَعْدَ الْقِلَّةِ وَإِظْهَارَهُمْ بَعْدَ الْخُمُولِ
يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي
مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ بَسْطَ أَمَلِي وَالتَّجَاوُزَ عَنِّي وَقَبُولَ قَلِيلِ
عَمَلِي وَكَثِيرِهِ وَالزِّيَادَةَ فِي أَيَّامِي وَتَبْلِيغِي ذَلِكَ الْمَشْهَدَ وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدْعَى
فَيُجِيبُ إِلَى طَاعَتِهِمْ وَمُوَالَاتِهِمْ وَنَصْرِهِمْ وَتُرِيَنِي ذَلِكَ قَرِيبًا سَرِيعًا
فِي عَافِيَةٍ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس سر خود را بسوی آسمان بلند کن و بگو
أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ مِنَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ
أَيَّامَكَ فَأَعِذْنِي يَا إِلَهِي مِنْ ذَلِكَ
چون چنین کنی این عمل بهتر است از

ای مولای من
ای آقای من

تو از رنجهای بسیار و غمهای بسیار که مال بسیار در آنها صرف نمای[ی]
و بدن خود را در آنها تعب افکنی و از اهل و عیال و فرزندان خود جدا شوی
و بدان کینی که این نماز را در این روز بکند و این دعا را از روی اخلاص به
خواند و این عمل را با یقین و تصدیق بجا آورد حق تعالی ده خصلت باو عطا
کند که از جمله آنها آن است که از مردنهای بد حفظ کند مانند غرق شدن
و سوختن و در زیر عمارت ماندن و امثال اینها و تا مردن دشمنی بر او مسلط
نگرداند و نگاه دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی در خودش و در فرزندش
تا چهار پشت و شیطان و دوستان و یاوران او را مسلط نگرداند بر او و بر
بر چهار پشت زیارت دیگر زیارت دیگر زیارتی است که مشتمل است بر زیارت
شهدا و متضمن تعزیت حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله
علیهم است و مناسب است در این روز خوانده شود و اگر در آخر روز عاشورا
خوانده شود بهتر است السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله السلام علیک

سلام بر تو ای میراث برنده آدم برگزیده خدا سلام بر تو

یا وارث نوح نبی الله السلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام

ای میراث برنده نوح پیغمبر خدا درود بر تو ای میراث برنده ابراهیم دوست خدا سلام

علیک یا وارث موسی کلیم الله السلام علیک یا وارث عیسی روح الله

بر تو ای میراث برنده موسی سخنگو با خدا درود بر تو ای میراث برنده عیسی روح خدا

السلام علیک یا وارث محمد حبیب الله السلام علیک یا وارث علی امیر

سلام بر تو ای میراث برنده محمد دوست خدا درود بر تو ای میراث برنده علی پادشاه

المؤمنین ولی الله السلام علیک یا وارث الحسن الشهید سبط رسول

گروندگان [illegible] سلام بر تو ای میراث برنده حسن شهید فرزندزاده رسول

الله السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن البشیر

خدا درود بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند مژده دهنده

النذیر وابن سید الوصیین السلام علیک یا ابن فاطمة سیدة نساء

العلی

محرم

العالمین السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا خیرة الله

جهانیان سلام بر تو ای ابا عبدالله درود بر تو ای برگزیده خدا

وابن خیرته السلام علیک یا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور السلام

و فرزند برگزیده او سلام بر تو ای ثار خدا و فرزند ثار او [illegible] سلام

علیک ایها الامام الهادی الزکی وعلی ارواح حلت بفنائک واقامت

بر تو ای پیشوای راه نماینده پاک و بر جانهائی که فرود آمدند بدرگاه تو [illegible]

فی جوارک ووفدت مع زوارک السلام علیک منی ما بقیت وبقی

در همسایه تو و آمدند با زیارت کنندگان تو سلام بر تو باد از جانب من مادام که باقی باشم و باقی

اللیل والنهار فلقد عظمت بک الرزیة وجل المصاب فی المؤمنین

شب و روز پس بتحقیق بزرگ گشته [illegible] در مؤمنان

والمسلمین وفی اهل السموات اجمعین وفی سکان الارضین فانا

و مسلمانان و در اهل آسمانها همگی و در ساکنان زمینها [illegible]

لله وانا الیه راجعون وصلوات الله وبرکاته وتحیاته علیک

[illegible] درود خدا و برکتهای او و درودهای او بر تو

وعلی آبائک الطیبین المنتجبین وعلی ذراریهم الهداة المهدیین السلام

و بر پدران تو [illegible]

علیک یا مولای وعلیهم وعلی روحک وعلی ارواحهم وعلی تربتک

بر تو ای آقای من و بر ایشان و بر جان تو و بر جانهای ایشان و بر خاک تو

وعلی تربتهم اللهم لقهم رحمة ورضوانا وروحا وریحانا السلام

و بر خاک ایشان خداوندا [illegible] و خوشنودی و آسایش [illegible]

علیک یا مولای یا ابا عبد الله یا ابن خاتم النبیین ویا ابن سید الوصیین

بر تو ای آقای من ای ابا عبدالله ای فرزند [illegible] پیغمبران و ای فرزند [illegible]

ویا ابن سیدة نساء العالمین السلام علیک یا شهید یا ابن الشهید

و ای فرزند بزرگ زنان جهانیان سلام بر تو ای شهید ای [illegible]

السلام علیک یا شهداء
سلام بر تو ای [illegible]

یا اخا الشهید یا ابا الشهداء اللهم بلغه عنی فی هذه الساعة
ای برادر شهید ای پدر شهید خداوندا برسان او را از من در این ساعت
وفی هذا الیوم وفی هذا الوقت وفی کل وقت تحیة کثیرة وسلاما
و در این روز و در این وقت و در هر وقت درود بسیار و سلام
سلام الله علیک ورحمة الله وبرکاته یا ابن سید العالمین وعلی
سلام خدا بر تو و رحمت خدا و برکات او ای فرزند بزرگ عالمیان و بر
المستشهدین معک سلاما متصلا ما اتصل اللیل والنهار السلام
شهید گشتگان با تو درودی پیوسته مادام که پیوسته است شب و روز و سلام
علی الحسین بن علی الشهید السلام علی علی بن الحسین الشهید السلام
بر حسین پسر علی شهید سلام بر علی پسر حسین شهید درود
علی العباس بن امیر المؤمنین الشهید السلام علی الشهداء من ولد
بر عباس فرزند دوست مؤمنان شهید سلام بر شهیدان از فرزندان
امیر المؤمنین السلام علی الشهداء من ولد الحسن السلام علی
دوست گروه گان سلام بر شهیدان از فرزندان حسن سلام بر
الشهداء من ولد الحسین السلام علی الشهداء من ولد جعفر وعقیل
شهیدان از فرزندان حسین سلام بر شهیدان از فرزندان جعفر و عقیل
السلام علی کل مستشهد معهم من المؤمنین اللهم صل علی محمد وآل
درود بر هر که شهید گشته با آنها از مؤمنان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل
محمد وبلغهم تحیة کثیرة وسلاما السلام علیک یا رسول الله احسن
محمد و برسان آنها را درود بسیار و سلام زیادی سلام بر تو ای رسول خدا نیکو گرداند
الله لک العزاء فی ولدک الحسین السلام علیک یا فاطمة احسن الله
خدا برای تو صبر را درباره فرزند تو حسین سلام بر تو ای فاطمه نیکو گرداند خدا
لک العزاء فی ولدک الحسین السلام علیک یا امیر المؤمنین
برای تو صبر را درباره فرزند تو حسین سلام بر تو ای پادشاه مؤمنان

احسن الله لک العزاء فی ولدک الحسین السلام علیک یا ابا محمد الحسن
نیکو گرداند برای تو صبر را درباره فرزندت حسین سلام بر تو ای ابا محمد حسن
احسن الله لک العزاء فی اخیک الحسین یا مولای یا ابا عبد الله انا ضیف
نیکو گرداند خدا برای تو صبر را درباره برادرت حسین ای آقای ای ابا عبد الله من مهمان
الله وضیفک وجار الله وجارک ولکل ضیف وجار قری وقرای فی
خدا و مهمان تو و در پناه خدا و در پناه توام و برای هر مهمان و پناه گیرنده مهمانی و مهمانی من در
هذا الوقت ان تسال الله سبحانه وتعالی ان یرزقنی فکاک رقبتی من النار
این وقت آنست که درخواهی از خدا پاک و برتر که روزی کند مرا خلاصی گردنم از آتش
انه سمیع الدعاء قریب مجیب وشیخ مفید علیه الرحمة گفته است که
بدرستی که او شنونده دعا است نزدیک اجابت کننده است در شب بیست و یکم محرم زفاف حضرت فاطمه
و امیر المؤمنین واقع شد باید که روز او را روزه بدارد برای شکر این نعمت
عظمی و شیخ طوسی رحمه الله گفته است که در روز هفدهم ماه محرم اصحاب
فیل که به جهة خراب کردن کعبه آمده بودند برگشتند و عذاب بر ایشان
نازل شد و در روز بیست و پنجم آن ماه حضرت امام زین العابدین صلوات الله
علیه بعالم اعلا ارتحال نمود **باب هفتم** در اعمال ماه صفر است و این ماه مشهور
بنحوست و دو وجه میتواند داشت اول آنکه موافق قول علمای شیعه وفات حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه وآله در این ماه واقع شده است دوم آنکه در سه
ماه متوالی که اشهر حرم اند چون عرب قتال نمیکردند و در این ماه شروع بقتال
میکردند لهذا نحس شمرده اند و در احادیث شیعه ندیدم چیزی که دلالت
به نحوست کند و در احادیث غیر معتبره عامه وارد شده است و سید بن
طاوس رضی الله عنه در بعضی از کتب معتبره روایت کرده است که در روز
سیم این ماه مستحب است که دو رکعت نماز بجا آورند و در رکعت اول بعد
از حمد سوره انا فتحنا بخوانند و در دوم سوره توحید و بعد از سلام
صد مرتبه بگویند اللهم صل علی محمد وآل محمد و صد مرتبه اللهم



العن آل ابی سفیان وصد مرتبه استغفر الله واتوب الیه ودر روز بیستم
اینها مشهور است بروز اربعین یعنی روز چهلم شهادت حضرت سید الشهدا
صلوات الله علیه ودر کتب معتبره از حضرت امام حسن عسکری علیه
السلام روایت کرده است که علامت مؤمن پنج چیز است نماز پنجاه و یک رکعت
از فریضه و نافله در شب و روز و زیارت اربعین وانگشتر در دست راست
کردن وجبین را در سجده شکر بر خاک مالیدن و بسم الله الرحمن الرحیم
بلند گفتن و کیفیت زیارت بسند معتبر روایت کرده است از صفوان
بن جمال که گفت مولای من حضرت صادق بمن گفت در زیارت اربعین که
زیارت میکنی در هنگامی اَلسَّلامُ عَلی وَلِیِّ اللهِ وَحَبیبِهِ اَلسَّلامُ عَلی
که روز بلند شده باشد — درود بر یار خدا و دوست او سلام بر
خَلیلِ اللهِ وَنَجیبِهِ اَلسَّلامُ عَلی صَفِیِّ اللهِ وَابْنِ صَفِیِّهِ اَلسَّلامُ عَلی
صدیق خدا و برگزیده او درود بر دوست مخلص خدا و پسر دوست مخلص او سلام بر
الْحُسَیْنِ الشَّهیدِ الْمَظْلُومِ اَلسَّلامُ عَلی اَسیرِ الْکُرُباتِ وَقَتیلِ الْعَبَراتِ
حسین شهید ستم رسیده سلام بر دربند شده اندوهها و کشته ...
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِیُّکَ وَابْنُ وَلِیِّکَ وَصَفِیُّکَ وَابْنُ صَفِیِّکَ
خداوندا گواهی میدهم که بتحقیق دوست و پسر دوست تو و برگزیده تو و پسر برگزیده تو
الْفائِزُ بِکَرامَتِکَ اَکْرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعادَةِ وَاجْتَبَیْتَهُ بِطیبِ
رستگار بنوازش تو گرامی داشتی اورا بشهادت و بخشش نمودی اورا بنیکبختی و برگزیدی اورا به
الْوِلادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَیِّداً مِنَ السّادَةِ وَقائِداً مِنَ الْقادَةِ وَذائِداً مِنَ
ولادت و گردانیدی اورا بزرگی از بزرگان و کشنده از کشندگان و ... از
الذّادَةِ وَاَعْطَیْتَهُ مَواریثَ الْاَنْبِیاءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلی خَلْقِکَ مِنَ
... و بخشیدی اورا میراثهای پیغمبران و گردانیدی اورا حجت بر خلق خود از
الْاَوْصِیاءِ فَاَعْذَرَ فِی الدُّعاءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فیکَ
اوصیا پس مبالغه نمود در خواندن ... و بخشید خون خود را در راه تو

لِیَسْتَنْقِذَ عِبادَکَ مِنَ الْجَهالَةِ وَحَیْرَةِ الضَّلالَةِ وَقَدْ تَوازَرَ عَلَیْهِ مَنْ
تا برهاند بندگان ترا از نادانی و سرگشتی گمراهی و بتحقیق ... کرده بودند برو آنکه
غَرَّتْهُ الدُّنْیا وَباعَ حَظَّهُ بِالْاَرْذَلِ الْاَدْنی وَشَری آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْاَوْکَسِ
بفریفت اورا دنیا و فروخت بهره خود را بکمترین زبون پست و فروخت آخرت خود را بثمن ...
وَتَغَطْرَسَ وَتَرَدّی فی هَواهُ وَاَسْخَطَکَ وَاَسْخَطَ نَبِیَّکَ وَاَطاعَ مِنْ عِبادِکَ
و بیداد کرد و هلاک شد در پیروی خواهش خود و بخشم آورد ترا و بخشم آورد پیغمبر ترا و فرمانبرداری کرد ...
اَهْلَ الشِّقاقِ وَالنِّفاقِ وَحَمَلَةَ الْاَوْزارِ الْمُسْتَوْجِبینَ النّارَ فَجاهَدَهُمْ
اهل بدبختی و دورویی را و بردارندگان بارهای گناه که سزاوارند آتش را پس کارزار نمود
فیکَ صابِراً مُحْتَسِباً حَتّی سُفِکَ فی طاعَتِکَ دَمُهُ وَاسْتُبیحَ حَریمُهُ
در راه تو شکیبا ... خالص کرده تا آنکه ریخته شد در فرمانبرداری تو خون او و حلال شمرده شد حرم او
اَللّٰهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْناً وَبیلاً وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً اَلیماً اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
خداوندا پس لعنت کن ایشان را لعنتی سخت و گران و عذاب کن ایشان را عذابی دردناک سلام بر تو
یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ سَیِّدِ الْاَوْصِیاءِ اَشْهَدُ اَنَّکَ
ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند بزرگ اوصیا گواهی میدهم
اَمینُ اللهِ وَابْنُ اَمینِهِ عِشْتَ سَعیداً وَمَضَیْتَ حَمیداً وَمُتَّ فَقیداً
امین خدا و فرزند امین او زندگانی کردی بنیکبختی و گذشتی ستوده و مردی گم کرده
مَظْلُوماً شَهیداً وَاَشْهَدُ اَنَّ اللهَ مُنْجِزٌ ما وَعَدَکَ وَمُهْلِکٌ مَنْ خَذَلَکَ
ستم رسیده شهید و گواهی میدهم که بتحقیق خدا روا کننده است آنچه وعده کرد ترا و هلاک سازنده ...
وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَکَ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ وَفَیْتَ بِعَهْدِ اللهِ وَجاهَدْتَ فی
و عذاب کننده است آنرا که کشت ترا و گواهی میدهم که تو وفا کردی بعهد خدا و کارزار نمودی در
سَبیلِ اللهِ حَتّی اَتاکَ الْیَقینُ فَلَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَکَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَکَ
راه خدا تا آنکه آمد ترا مرگ پس لعنت کند خدا آنرا که کشت ترا و لعنت کند خدا آنرا که ...
وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذلِکَ فَرَضِیَتْ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اُشْهِدُکَ اَنّی
و لعنت کند خدا گروهی را که شنیدند آنرا پس خوشنود شدند بآن خداوندا من گواه میگیرم ترا که

وَلِيٌّ لِمَنْ وَالاهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ أَشْهَدُ

دوستم آنرا که دوست داشته او را و دشمنم آنرا که دشمن داشته او را پدرم و مادرم فدای تو باد ای فرزند رسول خدا گواهی میدهم

أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْأَصْلابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحامِ الطَّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ

اینکه تو بودی نوری در پشتهای با رفعت و رحمهای پاکیزه نجس نکرده ترا

الْجاهِلِيَّةُ بِأَنْجاسِها وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهِمَّاتُ مِنْ ثِيابِها وَأَشْهَدُ أَنَّكَ

جاهلیت بنجاستهای خود و نپوشانیده ترا جامههای تیره از جامههای خود و گواهی میدهم اینکه تو

مِنْ دَعائِمِ الدِّينِ وَأَرْكانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ

از ستونهای دین و رکنهای مسلمانان و پناهگاه گروندگانی و گواهی میدهم اینکه تو

الْإِمامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهادِي الْمَهْدِيُّ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ

پیشوای نیکوکار پرهیزکار پسندیده پاکیزه راه نماینده راه یافته و گواهی میدهم اینکه امامان

مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوى وَأَعْلامُ الْهُدى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقى وَالْحُجَّةُ

از فرزندان تو کلمه پرهیزکاری و نشانهای هدایت و دستاویز محکم و حجت

عَلى أَهْلِ الدُّنْيا وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرايِعِ دِينِي

بر اهل دنیا و گواهی میدهم اینکه بشما گرونده ام و ببازگشت شما یقین دارنده ام بشریعتهای دین خود

وَخَواتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ

و آخرهای کردار خود و دل من برای دل شما منقاد است و کار من کار شما را پیرو است و یاری من برای شما

مُعَدَّةٌ حَتّى يَأْذَنَ اللّٰهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ

آماده است تا آنکه دستوری دهد خدا برای شما پس با شما با شما نه با دشمن شما رحمتهای خدا بر شما

وَعَلى أَرْواحِكُمْ وَعَلى أَجْسادِكُمْ وَشاهِدِكُمْ وَغائِبِكُمْ وَظاهِرِكُمْ وَ

و بر جانهای شما و بر بدنهای شما و حاضر شما و پنهان شما و ظاهر شما و

باطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ الْعالَمِينَ و دو رکعت نماز میکنی و هر دعا که خواهی

نهان شما بپذیر دعا ای پروردگار جهانیان میکنی و برمیگردی و سید بن طاوس

علیه الرحمه گفته است که من برای این زیارت وداعی یافته ام که

مخصوص است باین زیارت باید که بایستی پیش روی ضریح و بگوئی السلام

عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضى وَصِيِّ رَسُولِ

بر تو ای فرزند رسول خدا درود بر تو ای فرزند علی پسندیده وصی رسول

اللّٰهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ

خدا سلام بر تو ای فرزند فاطمه درخشنده بزرگ زنان جهانیان

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وارِثَ الْحَسَنِ الزَّكِيِّ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ

سلام بر تو ای میراث برنده حسن پاک سلام بر تو ای حجت خدا

عَلى خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَشاهِدَهُ عَلى خَلْقِهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أَبا عَبْدِ اللّٰهِ

بر خلق او در زمین او و گواه او بر خلق او سلام بر تو ای ابا عبد الله

الشَّهِيدِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلايَ وَابْنَ مَوْلايَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ

شهید سلام بر تو ای آقای من و فرزند آقای من گواهی میدهم که تو بجای آوردی

الصَّلاةَ وَآتَيْتَ الزَّكاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجاهَدْتَ

نماز را و دادی زکوة را و امر کردی بنیکی و نهی نمودی از بدی و کارزار کردی

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ حَتّى أَتاكَ الْيَقِينُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ عَلى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ أَتَيْتُكَ

در راه خدا تا آنکه آمد ترا مرگ و گواهی میدهم اینکه تو بر حجتی از پروردگار خود آمدم

يَا مَوْلايَ زائِراً وافِداً راغِباً مُقِرّاً لَكَ بِالذُّنُوبِ هارِباً إِلَيْكَ مِنَ

ای آقای من زیارت کننده و آینده خواهشمند اقرار کننده برای تو بگناهان گریزنده بسوی تو از

الْخَطايا لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ حَيّاً وَمَيِّتاً

خطاها تا آنکه شفاعت کنی مرا نزد پروردگار خود ای فرزند رسول خدا رحمت فرستد خدا بر تو در حال حیات و ممات

فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ مَقاماً مَعْلُوماً وَشَفاعَةً مَقْبُولَةً لَعَنَ اللّٰهُ مَنْ ظَلَمَكَ

زیرا که هست برای تو نزد خدا جایگاهی معلوم و شفاعتی پذیرفته لعنت کند خدا آنرا که ظلم کرد ترا

وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ حَرَمَكَ وَغَصَبَ حَقَّكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ

و لعنت کند خدا آنرا که محروم کرد ترا و بستم گرفت حق ترا و لعنت کند خدا آنرا که کشت ترا و لعنت کند خدا آنرا که

دَعَوْتَهُ فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ يُعِنْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ شُرْبِ ماءِ الْفُراتِ

خواندی تو او را پس اجابت نکرد ترا و مدد نکرد ترا و لعنت کند خدا آنرا که منع کرد ترا از آشامیدن آب فرات

وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ خَذَلَكَ

لعناً كثيراً يتبع بعضها بعضاً اللهم فاطر السموات والارض عالم

یعنی بسیار که در پی آید بعضی از آنها بعضی را خداوندا ای آفریننده آسمانها و زمین دانای

الغيب والشهادة انت تحكم بين عبادك فيما كانوا فيه يختلفون

پنهان و آشکار تو حکم میکنی میان بندگان خود در آنچه بودند که در آن اختلاف میکردند

وسيعلم الذين ظلموا اي منقلب ينقلبون اللهم لا تجعله آخر

و زود باشد که بدانند آنها که ستم کردند که بکدام بازگشت بازگشت میکنند خداوندا مگردان آنرا آخر

العهد من زيارته وارزقنيه ابداً ما ابقيتني واحييتني وان مت فا

در روزی از زیارت او و روزی کن مرا زیارت او همیشه مادام که باقی داری مرا و زنده داری مرا و اگر بمیرم پس

حشرني في زمرته يا ارحم الراحمين و اگر زیارت روز عاشورا را درین

زنده کن مرا در گروه او ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

روز بخوانند مناسب است و بلکه مشهور آنست که سبب تأکید زیارت آنحضرت درین روز آنست
که حضرت امام زین العابدین با سایر اهل بیت درین روز بعد از مراجعت
از شام بکربلای معلا وارد شدند و سرهای مقدس شهدا را به بدنهای مقدس ایشان ملحق کردند و این بسیار بعید است از جهات
بسیار که ذکر آنها موجب تطویل است و بعضی گفته اند درین روز اهل بیت
علیهم السلام وارد مدینه طیبه شدند و این نیز بسیار بعید است و
بعضی گفته اند که شاید حضرت امام زین العابدین باعجاز و طی الارض
مخفی بکربلای معلا شده باشد از شام و سرها را به بدنها ملحق کرده
باشد و این ممکن است و اما روایتی درین باب بنظر نرسیده است بلکه بعضی
روایات فی الجمله منافاتی دارد و وجهی که از احادیث ظاهر میشود آنست
که اول کسی که از صحابه حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله بزیارت
آنحضرت مشرف شد جابر بن عبدالله انصاری بود و او درین روز بکربلا
رسید و آنحضرت را با شهدا زیارت کرد و چون جابر از اکابر صحابه بود و
اساس این امر عظیم را گذاشت میتواند که سبب مزید فضل زیارت آن

یا رب — ای پروردگار من

حضرت درین روز شده باشد و شاید وجوه دیگر داشته باشد که بر ما
مخفی باشد و چون درین روز زیارت کند باید کرد و تفحص سبب ضرور
نیست و مشهور میان علمای شیعه آنست که وفات سید انبیا صلی الله
علیه و آله و در روز بیست و هشتم ماه صفر واقع شده است و شیخ طوسی
و جمعی دیگر گفته اند که شهادت امام حسن مجتبی نیز درین روز واقع شد
پس قیام نمودن بمراسم تعزیه این دو بزرگوار و زیارت ایشان از نزدیک و دور مناسب
است و بدانکه در میان عوام و بلکه خواص نحوست چهارشنبه آخر صفر
شهرت دارد و در کتب معتبره عامه و خاصه چیزی که دلالت کند بر این
بنظر نرسیده و احادیث در نحوست مطلق چهارشنبه خصوصا چهارشنبه
آخر هر ماه وارد شده است و چون اینها بنابر اسبابی که مذکور شد نحوست
دارد ممکن است که چهارشنبه آخر آن از سایر چهارشنبهها نحوستش بیشتر
باشد و اگر درآن روز از قبیل احتراز از طیره استدفاع بلاها بتصدقات
و استعاذات که از ائمه صلوات الله علیهم وارد شده است بکند و توکل
نماید بر جناب مقدس الهی که آن کفاره طیره است مناسب است و اگر بلا
متوجه باشد باینها دفع میشود نه آنکه بروش جهال العجم متابعت مجوسان
کنند و بلهو و لعب و سور و سرور و ساز و اعمال قبیحه مشغول شوند که موجب
مزید و استحکام و قضاهای آسمانی و تقدیرات آسمانی گردد

باب هشتم
در فضیلت و اعمال ماه ربیع الاول است و در آن دو فصل است

فصل اول
در اعمال روز اول تا روز سیزدهم است شیخ مفید و شیخ طوسی و دیگران
رضی الله عنهم گفته اند که حضرت رسالت پناه در شب اول ماه ربیع الاول
اراده هجرت نمود از مکه معظمه بسوی مدینه مشرفه و در آن شب بغار رفت
و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه جان شریف خود را فدای آن
جان مقدس حضرت رسول کرده و در جای آنحضرت خوابید و از شمشیرهای
کفار قبایل مشرکین پروا نکرده و فضل او بر جمیع امت بلکه بر جمیع عالمیان



بر همگان ظاهر گردید و حق تعالی با ملائکه سموات باین حضرت مباهات
نمود و آیه کریمه و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله در شأن
این حضرت نازل گردید چنانچه تفصیلش در کتاب حیوة القلوب مذکور است
و چون حق تعالی از دو جان مقدس پیغمبر را از کید کافران حفظ کرد گفته
اند که روزش که روز ماه ربیع الاول است مستحب است برای شکر
این نعمت عظیم روزه بدارند هرچند علما درین روز زیارت ذکر نکرده اند
اما زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما درین
روز مناسب است بجهاتی که مذکور شد و شیخ طوسی در مصباح
گفته است که در روز اول این ماه حضرت امام حسن عسکری بعالم بقا
ارتحال نمود و حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه بر منصب جلیل امامت
فایز گردید پس زیارت آن دو امام عالیمقام درین روز مناسب است
و اما شیخ رحمه الله در تهذیب و کلینی و محمد بن جریر طبری و ابن الخشاب
و شیخ مفید رحمة الله علیهم و غیر ایشان گفته اند که وفات امام حسن
عسکری صلوات الله علیه در روز هشتم این ماه بود پس در آن روز زیارت
آن دو امام علیهما السلام انسب است **اما روز نهم** بدانکه میان علمای خاصه
و عامه در تاریخ قتل عمر بن الخطاب خلاف است و مشهور میان فریقین آنست
که قتل آن در روز بیست و هشتم ماه ذی الحجة بود چنانچه سابقا باو
اشاره شد و بعضی بیست و هفتم نیز گفته اند و مستند این دو قول نقل
مورخان است و از کتب معتبره چنان معلوم میشود که چنانچه الحال
در میان عوام شیعه مشهور است قتل او در نهم ماه ربیع الاول واقع
شده است و سابقا میان جمعی از محدثین شیعه نیز مشهور بوده است
و سید بزرگوار علی بن طاوس رضی الله عنه در کتاب اقبال اشاره نموده است
باینکه ابن بابویه رحمه الله روایتی از حضرت امام جعفر صادق روایت
کرده است که ملعون در روز نهم ماه ربیع الاول بدرک اسفل جحیم

منتقل

ربیع الاول

منتقل گردیده و از نقل او چنین مفهوم میشود که شیخ صدوق چنین
اعتقاد داشته است هرچند سید خود این حدیث را تأویلات نموده
است و ایضا سید ذکر کرده است که جماعتی از شیعیان عجم پیوسته این
روز را تعظیم و تکریم مینمودند و خلف بزرگوار سید علی بن طاوس در کتاب
زوائد الفوائد این مذهب را تقویت کرده است و روایتی درین باب ایراد
نموده است چنانچه گفته است که روایت کرد از محمد بن ابی العلاء همدانی
و یحیی بن محمد حویز طبری بغدادی که روزی ما منازعه کردیم در باب
عمر بن الخطاب و رفتیم در شهر قم نزد احمد بن اسحاق قمی که از خواص اصحاب
حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری صلوات الله علیهما بوده
و بخدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام نیز رسیده بود و چون
در را کوبیدم دختر عراقیه بیرون آمد و احوال احمد را از او پرسیدم
گفت که او امروز مشغول نماز عید است و آن روز نهم ماه ربیع الاول بود
گفتیم سبحان الله عیدها مؤمنان چهار است عید فطر و عید اضحی و عید
غدیر و روز جمعه آن دختر گفت که احمد بن اسحاق از حضرت امام علی نقی
روایت میکند که امروز روز عید است و بهترین عیدها است نزد اهل
بیت رسالت و شیعیان ایشان ما گفتیم که رخصت طلب نما نزد او آئیم
چون آن دختر او را خبر کرد بیرون آمد بسوی ما و لنگی بسته بود و عبائی
بر خود پیچیده و بوی مشک از او ساطع بود گفتیم که این چه حالت است
که در تو مشاهده میکنیم گفت الحال از غسل عید فارغ شدم گفتیم مگر
امروز عید است گفت بلی و ما را بخانه خود در آورد و بر روی کرسیها نشاند
و گفت روزی با جمعی از برادران خود نزد مولای خود حضرت امام حسن
عسکری رفتیم در سر من رای در مثل این روز که شما نزد من آمده اید
چون رخصت یافتیم و بخدمت آن حضرت رسیدیم دیدیم که آن حضرت
مجلس خود را آراسته و مجمره در پیش خود گذاشته و بدست مبارک خود

عود در آن مجمره می‌اندازد و مجلس خود را مزین کرده است و بر غلامان
و خدمتکاران خود جامه‌های فاخر پوشانیده است گفتم یا ابن رسول الله
پدران و مادران ما فدای تو باد آیا از برای اهل بیت امروز فرحی تازه
رو داده است حضرت فرمود که کدام روز حرمتش از این روز نزد اهل
بیت عظیم‌تر است بدرستی که خبر داد مرا پدرم که حذیفه بن الیمان
در روز نهم ماه ربیع الاول داخل شد بر جدم رسول خدا صلی الله علیه
و آله حذیفه گفت که دیدم حضرت امیر المؤمنین و حضرت امام حسن
و حضرت امام حسین صلوات الله علیهم که با حضرت رسول صلی الله
علیه و آله طعام تناول مینمودند و با امام حسن و امام حسین علیهما
السلام میگفت که بخورید گوارا باد از برای شما برکت و سعادت این روز
بدرستی که این روزیست که حق تعالی هلاک میگرداند دشمن خود و دشمن
جد شما را و در این روز مستجاب میگرداند دعای مادر شما را بخورید که
این روزیست که حق تعالی در این روز قبول میکند اعمال شیعیان و محبان
شما را بخورید که امروز روزیست که ظاهر میشود راستی گفته خدا که فرمود
فتلک بیوتهم خاویة بما ظلموا یعنی این است خانه‌های ایشان که خالی
گردیده است بسبب ستمهای ایشان بخورید که امروز روزیست که شکسته
میشود شوکت دشمن جد شما بخورید که این روزیست که هلاک میشود فرعون
اهل بیت من و ستم کننده ایشان و غصب کننده حق ایشان بخورید
که حق تعالی در این روز عملهای دشمنان شما را باطل و هبا میگرداند
حذیفه گفت که من گفتم یا رسول الله آیا در میان امت تو کسی خواهد
بود که هتک این حرمتها نماید حضرت فرمود ای حذیفه بتی از منافقان
بر ایشان سر کرده خواهد شد و دعوای ریاست در میان ایشان خواهد
کرد و مردم را بسوی خود دعوت خواهد نمود و تازیانه ظلم و ستم بدوش
خواهد گرفت و مردم را از راه خدا منع خواهد نمود و کتاب خدا را

تحریف

تحریف خواهد نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث فرزند مرا
متصرف خواهد شد و خود را پیشوای مردم خواهد و زیادتی بر وصی
من علی بن ابی طالب خواهد کرد و مالهای خدا را بناحق تصرف خواهد
و بر خود حلال خواهد کرد و در غیر طاعت صرف خواهد کرد و مرا و برادرم
مرا و وزیر من علی را به دروغ نسبت خواهد داد و دختر مرا از حق خود
محروم خواهد گردانید پس دختر من او را نفرین خواهد کرد و حق تعالی
در این روز مستجاب خواهد گردانید حذیفه گفت یا رسول الله چرا
دعا نمیکنی که حق تعالی او را در حیات تو هلاک گرداند حضرت فرمود که
ای حذیفه دوست نمیدارم که جرات کنم بر قضای خدا و از او طلب کنم
تغییر امری را که در علم او گذشته است ولیکن از حق تعالی سوال کردم
که فضیلت دهد این روز را که در آن روز او به جهنم میرود بر سایر روزها
تا آنکه احترام آن روز سنتی گردد در میان دوستان من و دوستان و شیعیان
من و اهل بیت من پس حق تعالی وحی کرد بسوی من که ای محمد صلی الله علیه و آله
در علم سابق من گذشته است که دریابد ترا و اهل بیت ترا محنتها و بلاها
و ستمهای منافقان و غصب کنندگان از بندگان من از امتانی که تو خیر
خواهی با ایشان کردی و ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان راستی
کردی و ایشان با تو خیانت کردند و تو با ایشان صاف بودی و ایشان
دشمنی تو را بدل گرفتند و تو ایشان را خشنود گردانیدی و ایشان تو را
تکذیب کردند و تو ایشان را برگزیدی و ایشان تو را در بلیه گذاشتند
سوگند یاد میکنم بحول و قوت خود و پادشاهی خود که البته بگشایم
بر روی کسی که غصب کند حق علی را که وصی تست بعد از تو هزار در
از گشت‌ترین طبقهای جهنم که او را فیلوق میگویند و او را در قعر جهنم جا دهم
که شیطان از مرتبه خود بر او مشرف شود و او را لعنت کند و آن منافق را در
قیامت عبرتی گردانم برای فرعونهای دیگر که در زمان پیغمبران دیگر بوده

بوده اند و سابر دشمنان دین و ایشانرا و دوستان ایشانرا بسوی
جهنم برم با دیده های کبود و روهای ترش با نهایت مذلت و خواری
و پشیمانی و ایشانرا ابد الآباد در عذاب خود بدارم ای محمد صلی الله علیه
و آله نمیرسد علی بمنزله تو مگر با نچه میرسد باو از بلاها از فرعون او و
غصب کننده حق او و جراءت میکند بمن و کلام مرا بدل میکند و شرک
بمن می آورد و مردم را منع میکند از راه رضای من و گوساله برای امت
تو برپا میکند که آن ابوبکر است و کافر میشود بمن در عرش عظمت و جلال
من بدرستی که من امر کرده ام ملائکه هفت آسمان خود را که برای شیعیان
و محبان دین شما عید کنند آنروز را که آن ملعون کشته میشود و امر کرده
ام ایشانرا که کرسی کرامت مرا نصب کنند در برابر بیت المعمور و ثنا کنند
بر من و طلب آمرزش نمایند برای شیعیان و محبان شما از فرزندان آدم
و امر کرده ام ملائکه نویسندگان اعمال را که از این روز تا سه روز دیگر
قلم بردارند و ننویسند گناهان ایشانرا برای کرامت تو و وصی تو ای
محمد این روز را عید گردانیدم برای تو و اهل بیت تو و هر که تابع ایشان
باشد از مؤمنان و شیعیان و سوگند یاد میکنم بر خود بعزت و جلال خود
و علو منزلت و مکان خود که عطا کنم کسی را که اینروز را عید کند ثواب
من ثواب آنها که بدور عرش احاطه کرده اند و قبول کنم شفاعت او را در
حق خویشان او و زیاد کنم مال او را اگر کشادگی دهد بر خود و عیال خود
درین روز و هر سال درین روز صد هزار هزار کس از موالیان و شیعیان
شما را از آتش جهنم آزاد کردانم و اعمال ایشانرا قبول کنم و گناهان ایشانرا
بیامرزم حذیفه گفت که پس برخواست رسول خدا صلی الله علیه و آله
و بخانه ام سلمه رفت و من برگشتم و صاحب یقین بودم در کفر عمر تا آنکه
بعد از وفات رسول خدا دیدم که از وجه فتنها برانگیخت و کفر اصلی
خود را اظهار کرد و از دین برگشت و دامان بیحیایی و قباحت برای غصب

و امامت و خلافت برزد و قرآنرا تحریف کرد و آتش در خانه وحی و رسالت
و بدعتها در دین خدا پیدا کرد و ملت پیغمبر را تغییر داد و سنت آن
حضرترا بدل کرد و شهادت حضرت امیر المؤمنین رد کرد و فاطمه دختر
رسول خدا صلی الله علیه و آله را بدروغ نسبت داد و فدک را غصب
کرد و یهودان از نصاری و مجوس را از خود راضی کرد و نور دیده مصطفی
را بخشم آورد و رضاجوئی اهل بیت رسالت نکرد و جمیع سنتهای رسول
خدا را برطرف کرد و تدبیر کشتن امیر المؤمنین کرد و جور و ستم را در میان
مردم علانیه کرد و هرچه خدا حلال کرده بود حرام کرد و هرچه خدا حرام
کرده بود حلال کرد و حکم کرد که از پوست شتر درهم و دینار بسازند و حج
کنند و در پهلو و شکم فاطمه زهرا علیهما السلام زد و بر منبر حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله بغصب و جور بالا رفت و بر حضرت امیر المؤمنین
افترا بست و با آنحضرت معارضه کرد و رای آنحضرترا بسفاهت نسبت
داد حذیفه گفت که پس حق تعالی دعای برگزیده خود و دختر پیغمبر خود را
در حق آن منافق مستجاب گردانید و قتل او بر دست کشنده او جاری ساخت
پس رفتم بخدمت امیر المؤمنین که آنحضرترا تهنیت و مبارکباد گویم باینکه
آن منافق کشته شد و بعذاب حق تعالی واصل گردید چون حضرت مرا دید
گفت ای حذیفه آیا در خاطر داری آنروز را که آمدی بنزد سید و آقای من
رسول خدا صلی الله علیه و آله درین روز و من و دو سبط او حسن و حسین
نزد او نشسته بودیم و با او طعام میخوردیم پس ترا دلالت کرد بر فضیلت
این روز گفتم بلی ای برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت فرمود
که بخدا سوگند که این روزیست که حق تعالی دیدهٔ آل رسول
روشن گردانید و من برای این روز هفتاد و دو نام میدانم حذیفه
گفت یا امیر المؤمنین میخواهم این نامها را از تو بشنوم حضرت فرمود
که اینروز استراحت است که مؤمنان از شر آن منافق استراحت کنند

و روز زایل شدن کرب و غم است ۱ روز غدیر دوم است ۲ روز تخفیف
گناهان شیعیان است ۳ روز اختیار نیکو برای مؤمنان است ۴ روز برداشتن
قلم از شیعیان است ۵ روز برهم شکستن بنای کفر و عدوان است ۶ روز
عافیت است ۷ روز برکت است ۸ روز طلب خونهای مؤمنان است ۹ روز
عید بزرگ خداست ۱۰ روز مستجاب شدن دعا است ۱۱ روز موقف اعظم
است ۱۲ روز وفا بعهد است ۱۳ روز شرط است ۱۴ روز کندن جامه سیاه
است ۱۵ روز ندامت ظالم است ۱۶ روز شکسته شدن شوکت مخالفان
است ۱۷ روز نفی هموم است ۱۸ روز فتح است ۱۹ روز عرض اعمال کافران است
و روز ظهور قدرت خداست ۲۰ روز عفو از گناهان شیعیان است ۲۱
روز فرج ایشان است ۲۲ روز توبه است ۲۳ روز انابت است بسوی حق تعالی
روز زکوة بزرگ است ۲۴ روز فطر دوم است ۲۵ روز اندوه یاغیان است ۲۶ روز فرو
گرم شدن آب در گلوی مخالفان است ۲۷ روز خوشنود شدن مؤمنان است ۲۸ روز
عید اهل بیت است ۲۹ روز ظفر یافتن بنی اسرائیل است بر فرعون ۳۰ روز قبول
شدن اعمال شیعیان است ۳۱ روز پیش فرستادن صدقات است ۳۲ روز زیارت
مؤمنان است ۳۳ روز قتل منافق است روز وقت معلوم است روز سرور اهل
بیت است روز مشهود است ۳۴ روز قهر بر دشمن است ۳۵ روز خراب شدن
بنیان ضلالت است ۳۶ روزی است که ظالم انگشت ندامت بدندان گیرد
۳۷ روز تنبیه است ۳۸ روز شرف است ۳۹ روز خنک شدن دلهای مؤمنان
است ۴۰ روز شهادت است ۴۱ روز تازگی بوستان اهل ایمان است ۴۲ روز در
گذشتن از گناه مؤمنان است روز شیرینی کام ایشان است روز خوشی
دلهای مؤمنان است ۴۳ روز برطرف شدن پادشاهی منافقان است ۴۴
روز توفیق اهل ایمان است ۴۵ روز رهائی مؤمنان است از شر کافران ۴۶
روز مظاهره است ۴۷ روز مفاخره است ۴۸ روز قبول اعمال است ۴۹ روز تبجیل
و تعظیم است ۵۰ روز نحله و عطا است ۵۱ روز شکر حق تعالی است ۵۲ روز رهائی

مظلومان است ۵۳ روز رهائی مؤمنان است ۵۴ روز محبت کردن با ایشان
است ۵۵ روز فاش کردن رازها است ۵۶ روز برطرف شدن بدعتها است ۵۷
روز رسیدن برحمتهای الهی است ۵۸ روز پاک کردن اعمال است ۵۹ روز ترک
گناهان است و روز ندا کردن بحق است ۶۰ روز عبادت است ۶۱ روز موعظه
و نصیحت است ۶۲ روز انقیاد پیشوایان دین است حذیفه گفت که پس از نزد
حضرت امیر المؤمنین برخاستم و گفتم که اگر در نیابم از افعال خیر و آنچه مستحق
ثواب است ندارم مگر محبت این روز و دانستن فضیلت آن هر آینه منتهای
آرزوی من خواهد بود پس محمد و یحیی راویان حدیث گفتند که چون
این حدیث را از احمد بن اسحق شنیدیم هر یک برخاستیم و سر او را بو
سیدیم و گفتیم حمد و شکر میکنیم خداوندی را که برانگیخت ترا برای ما
تا آنکه فضیلت این روز را بما رسانیدی پس بخانهای خود برگشتیم و این
روز را عید کردیم و صاحب کتاب زوائد الفوائد گفته است که این حدیث
از خط علی بن محمد بن طی رحمة الله نوشتم و در کتب دیگر که تتبع کردم چند
روایت دیگر موافق این حدیث یافتم پس اعتماد بر این روایات نمودم و سزاوار
است شیعیان را که این روز را تعظیم نمایند و اظهار سرور و شادی
درین روز بکنند و شیخ ابراهیم بن علی کفعمی در کتاب مصباح گفته است
که صاحب کتاب مسار الشیعه روایت کرده است که هر که روز نهم
ماه ربیع الاول چیزی انفاق کند حق تعالی گناهان او را بیامرزد و مستحب
است درین روز اطعام برادران مؤمن و خشنود گردانیدن ایشان و توسعه
دادن بر عیال خود و دیگران و پوشیدن جامهای نو و شکر و عبادت
حق تعالی و این روز برطرف شدن غمها است و روز روزه داشتن نیست
مؤلف گوید که از نقل این بزرگوار معلوم میشود که بر فضیلت این روز
وقوع این قضیه درین احادیث بسیار وارد شده است و در اعصار سابقه
میان شیعه مشهور بوده است و بر خلاف روایتی نظر نرسیده است و

واتفاق مورخان عامه با احادیث معتبره معارضه نمیکند و اگر کسی استبعاد کند که چنین واقعه عظیمی که سبب حزن جمعی و سرور جمعی گردد چون میتواند بود که مضبوط نماند جواب آن است که این واقعه از واقعه وفات حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و شهادت حضرت امیر المؤمنین عظیم‌تر نیست و در هر باب از آنها خلاف میان خاصه و عامه است و در واقعه اول اتفاق دارند عامه بر آنچه مختار شیعه است و اگر گویند که باعث بر افترای ایشان در اینجا نیست جواب گوئیم که شبهه در هر دو جا هست و باعث قوی در اینجا هست زیرا که ممکن است که برای دفع شماتت شیعیان اخفای آن نموده باشند و علی ای حال چون مدار علمای خاصه و عامه بر آنست که در مستحبات باحادیث ضعیفه متمسک میشوند بنا بر احادیث صحیحه که از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم وارد شده است که هر که بشنود ثوابی از خدا باو برسد بر عملی و آنرا بجا آورد آن ثواب باو داده میشود هر چند چنان نباشد که باو رسیده است پس اگر اعمال این روز را که نوعی از شارع وارد شده باشد و مخالفتی با آیات و اخبار نداشته نباشد کسی بعمل آورد خوب خواهد بود و مستحق ثواب خواهد گردید و بعضی میگویند که عمر بن سعد علیه اللعنه در این روز بجهنم واصل شده است اگر چنین باشد این شرافت نیز برای او کافی است و شیخ مفید رحمة الله گفته است که در روز دهم این ماه حضرت رسول خدیجه کبری را تزویج نمود و مستحب است برای شکر مواصلت عظیم البرکة شیعیان روزه بدارند و گفته است که در روز دوازدهم این ماه حضرت رسول صلی الله علیه و آله داخل مدینه طیبه شد و از شر دشمنان ایمن گردید و باین سبب روز مبارکی است و ایضا دولت بنی مروان که از بقیه بنی امیه و از دشمنان اهل بیت بودند و این روز دولت ایشان باخر رسید و زایل گردید و این نیز فضیلت دیگر است برای این روز و اکثر سنیان ولادت حضرت

رسول صلی الله علیه و آله را در این روز میدانند و محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله از علمای امامیه نیز در کتاب کافی چنین قائل شده است و بعضی ارباب حساب موافق فتوای بعضی از روایات این را اظهر میدانند و اگر چه خلاف مشهور میان علمای امامیه است اما اگر روزه و غسل و سایر اعمال که در روز هفدهم مذکور خواهد شد در این روز بعمل آورند باحتیاط اقرب است و سید بن طاوس از بعضی از علمای عجم روایت کرده است که سنت است که در روز دوازدهم این ماه دو رکعت نماز بجا آورند و در رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون و در رکعت دویم سه مرتبه قل هو الله بخوانند و ایضا شیخ مفید و شیخ طوسی روایت کرده اند که یزید پلید علیه اللعنة و العذاب الشدید در روز چهاردهم این ماه بدرک اسفل جحیم منتقل گردید باید که شیعیان این روز را بر خود مبارک دانند و شکر حقتعالی برای این نعمت عظمی ادا کنند و بعضی روزه این روز را سنت دانسته اند

فصل دوم در فضیلت و اعمال روز هفدهم این ماه است و مشهور میان علمای شیعه آنست که ولادت کثیر السعادت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله در روز جمعه هفدهم ماه ربیع الاول واقع شد و در بعضی از روایات وارد شده است که عروج آنحضرت باسمانها نیز در شب هفدهم واقع شده است و شب و روزش هر دو مبارک است و در هر روز زیارت حضرت رسالت و حضرت امیر المؤمنین مناسب است و علما ذکر کرده اند و روزه آن روز فضیلت بسیار دارد و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که این روز شریفی است و پیوسته فرقه ناجیه شیعه از قدیم الایام الی الآن آنرا تعظیم میکرده اند و حرمت آنرا میداشته اند و روزه میداشته اند و از ائمه هدی منقولست که هر که این روز را روزه دارد ثواب روزه یکسال برای او نوشته شود و مستحب است که تصدق بارباب حاجات بدهند و مؤمنان و مؤمنات را شاد گردانند و بزیارت

مشاهده مشرفه بروند خصوصا مرقد مطهر حضرت رسالت وحضرت
امير المؤمنين ع وشيخ مفيد وشيخ شهيد رضي الله عنهم گفته اند
كه چون در غير مدينه طيبه خواهى كه حضرت رسالت صلى الله عليه
وآله را زيارت كنى غسل بكن وشبيه قبرى در پيش رو بگذار ونام
مبارك آنحضرت را بران بنويس وبايست ودل خود را متوجه آنحضرت
گردان وبگو اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان
گواهی میدهم گواهی که نیست خدایی مگر خدا آنکه یگانه است نیست شریکی برای او و گواهی میدهم
محمدا صلى الله عليه وآله عبده ورسوله وانه سيد الاولين
محمد رحمت فرستد خدا بر او وآل او بنده او ورسول اوست و بتحقیق بزرگ پیشینیان
والآخرين وانه سيد الانبياء والمرسلين اللهم صل عليه وعلى
و پسینیان و بتحقیق او بزرگ پیغمبران و فرستادگان خداوندا رحمت فرست بر او و بر
اهل بيته الائمة الطيبين پس بگو السلام عليك يا رسول الله
اهل بیت او پیشوایان پاکیزگان سلام سلام بر تو ای رسول خدا
السلام عليك يا خليل الله السلام عليك يا نبي الله السلام عليك
درود بر تو ای دوست خدا سلام بر تو ای پیغمبر خدا سلام بر تو
يا صفي الله السلام عليك يا رحمة الله السلام عليك يا خيرة الله
ای برگزیده خدا درود بر تو ای بخشش خدا درود بر تو ای اختیار کرده
السلام عليك يا حبيب الله السلام عليك يا نجيب الله السلام
درود بر تو ای دوست خدا درود بر تو ای برگزیده خدا سلام
عليك يا خاتم النبيين السلام عليك يا سيد المرسلين السلام
بر تو ای آخر پیغمبران درود بر تو ای بزرگ فرستادگان درود
عليك يا قائما بالقسط السلام عليك يا فاتح الخير السلام عليك يا
بر تو ای برپا دارنده راستی سلام بر تو ای گشاینده نیکی سلام بر تو ای
معدن الوحي السلام عليك يا مبلغا عن الله السلام عليك ايها
قرارگاه پیغام خدا سلام بر تو ای رساننده از جانب خدا سلام بر تو ای

ذا التنزيل
معدن قرآن

السراج

ربع الاول

السراج المنير السلام عليك يا مبشر السلام عليك يا نذير
چراغ روشن درود بر تو ای مژده دهنده درود بر تو ای بیم دهنده
السلام عليك يا منذر السلام عليك يا نور الله الذي يستضاء
درود بر تو ای بیم دهنده درود بر تو ای روشنی خدا که روشنی جسته میشود
به السلام عليك وعلى اهل بيتك الطيبين الطاهرين الهادين
باو درود بر تو و بر اهل بیت تو که پاکیزگان پاکانند راه نمایان
المهديين السلام عليك وعلى جدك عبد المطلب وعلى ابيك
راه یافتگان درود بر تو و بر جد تو عبد المطلب و بر پدر تو
عبد الله السلام على امك آمنة بنت وهب السلام على عمك حمزة
عبد الله درود بر مادر تو آمنه دختر وهب درود بر عموی تو حمزه
سيد الشهداء السلام على عمك وكفيلك ابي طالب السلام على
بزرگ شهیدان درود بر عموی تو وکارگزار تو ابو طالب درود بر
ابن عمك جعفر الطيار في جنان الخلد السلام عليك يا محمد السلام
پسر عموی تو جعفر پرنده در بهشت جاوید درود بر تو ای محمد درود
عليك يا احمد السلام عليك يا حجة الله على الاولين والآخرين
بر تو ای احمد درود بر تو ای حجت خدا بر پیشینیان و پسینیان
والسابق في طاعة رب العالمين والمهيمن على رسله والخاتم لانبيائه
و پیشی گیرنده در فرمانبرداری پروردگار جهانیان و گواه بر فرستادگان او و آخر پیغمبران او
والشاهد على خلقه والشفيع اليه والمكين لديه والمطاع في ملكوته
و گواه بر خلق او و شفاعت کننده بسوی او و جای گیرنده نزد او و اطاعت کرده شده
الاحمد من الاوصاف المحمد لسائر الاشراف الكريم عند الرب
ستوده تر از همه صفتها ستوده شده همه بزرگان بزرگوار نزد پروردگار
والمكلم من وراء الحجب الفائز بالسباق والفائت عن اللحاق تسليم
و سخن گفته شده از پشت پردها فیروزی یابنده به پیش گرفتن و گذشته از رسیدن درود

عليك و م

عارف بحقك معترف بالتقصير في قيامه بواجبك غير منكر ما

انتهى اليه من فضلك موقن بالمزيدات من ربك مؤمن بالكتاب

المنزل عليك محلل حلالك محرم حرامك اشهد يا رسول الله مع كل شاهد

واتحملها عن كل جاحد انك قد بلغت رسالات ربك ونصحت لامتك و

جاهدت في سبيل ربك وصدعت بامره واحتملت الاذى في جنبه

ودعوت الى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة الجميلة وادّيت

الحق الذي كان عليك وانك قد رؤفت بالمؤمنين وغلظت على الكافرين

وعبدت الله مخلصا حتى اتاك اليقين فبلغ الله بك اشرف محل المكرمين

واعلى منازل المقربين وارفع درجات المرسلين حيث لا يلحقك لاحق

ولا يفوقك فائق ولا يسبقك سابق ولا يطمع في ادراكك طامع

الحمد لله الذي استنقذنا بك من الهلكة وهدانا بك من الضلالة و

نورنا بك من الظلمة فجزاك الله يا رسول الله من مبعوث افضل ما

ما جازى نبيا عن امته ورسولا عمن ارسل اليه بابي انت وامي يا

رسول الله زرتك عارفا بحقك مقرا بفضلك مستبصرا بضلالة

من خالفك وخالف اهل بيتك عارفا بالهدى الذي انت عليه بابي

انت وامي ونفسي واهلي ومالي وولدي انا اصلي عليك كما صلى الله

عليك ملائكته وانبياؤه ورسله صلوة متتابعة وافرة متواصلة

لا انقطاع لها ولا امد ولا اجل صلى الله عليك وعلى اهل بيتك

الطيبين الطاهرين كما انتم اهله پس دستهاى خود را بگشا اللهم اجعل جوامع

صلواتك ونوامي بركاتك وفواضل خيراتك وشرائف تحياتك و

تسليماتك وكراماتك ورحماتك وصلوات ملائكتك المقربين و

انبيائك المرسلين وائمتك المنتجبين وعبادك الصالحين واهل

السموات والارضين ومن سبح لك يا رب العالمين من الاولين

والآخرين على محمد عبدك ورسولك وشاهدك ونبيك وامينك

ونذيرك

وَنجيبِكَ وَحبيبِكَ وَخليلِكَ وَصفيِّكَ وَصفوتِكَ وَخاصَّتِكَ وَ

و همراز تو و دوست تو و صفی تو و دوست مخلص تو و برگزیده تو و بنده خاص تو

خالِصَتِكَ وَرحمتِكَ وَخيرِ خيرتِكَ مِن خلقِكَ نبيِّ الرَّحمةِ وَخازنِ المغفرةِ

دوست خالص تو و رحمت و بهترین برگزیدگان تو از خلق تو پیغمبر رحمت و خزانه‌دار آمرزش

وَقائدِ الخيرِ وَالبركةِ وَمُنقذِ العبادِ والهلكةِ بإذنِكَ وَداعيهِم إلى

وکشنده نیکی و زیادتی و رهاننده بندگان از هلاکت به دستوری تو و خواننده ایشان بسوی

دينِكَ القيِّمِ بأمرِكَ أوَّلِ النَّبيِّين ميثاقاً وآخرِهِم مبعثاً الَّذي غمستَه

دین تو قائم مستقیم به فرمان تو اول پیغمبران به پیمان بستن و آخر ایشان از روی بعثت آنکه فرو بردی او را

في بحرِ الفضيلةِ وَالمنزلةِ الجليلةِ وَالدَّرجةِ الرَّفيعةِ وَالمرتبةِ

در دریای فضل و منزلت بزرگ و درجه بلند و مرتبه

الخطيرةِ وَأودعتَه الأصلابَ الطّاهرةَ وَنقلتَه منها إلى الأرحامِ

عظیم و بامانت گذاشتی او را در پشتهای پاکیزه و نقل نمودی او را از آنها بسوی رحمهای

المطهَّرةِ لطفاً منكَ لهُ وَتحنُّناً منكَ عليهِ إذ وكَّلتَ لِصونِهِ وَحِراسَتِهِ

پاکیزه برای لطف از تو برای او و شفقت تو بر او هنگامی که موکل گردانیدی برای نگاهداشتن او

وَحفظِهِ وَحياطتِهِ مِن قُدرَتِكَ عيناً عاصمةً حجبتَ بها عنهُ مَدانِسَ

و حفظ او و رعایت او از قدرت خود نگاهبانی نگاهدارنده باز داشتی بسبب آن از او چرکهای

العَهرِ وَمعائبَ السِّفاحِ حتّى رفعتَ بهِ نواظرَ العبادِ وَأحييتَ بهِ ميتَ

فجور و عیبهای زنا تا آنکه بلند کردی بسبب او دیدهای بندگان را و زنده کردی بسبب او

البلادِ بأن كشفتَ عن نورِ وِلادتِهِ ظُلَمَ الأستارِ وَألبستَ حرمَكَ بهِ

شهرها را به اینکه زایل کردی از روشنی ولادت او تیرگیهای پردها و پوشانیدی حرم خود را

حُلَلَ الأنوارِ اللّهمَّ فكما خصصتَه بشرفِ هذهِ المرتبةِ الكريمةِ

جامهای روشنیها خداوندا پس چنانچه مخصوص گردانیدی او را بشرف این مرتبه کرامی

وَذُخرِ هذهِ المنقبةِ العظيمةِ صلِّ على محمّدٍ كما وفى بعهدِكَ وَبلَّغَ

و ذخیره این هنر بزرگ رحمت بفرست بر محمد چنانچه وفا نمود به پیمان تو و رسانید

رسالاتِكَ وَقاتلَ أهلَ الجحودِ على توحيدِكَ وَقطعَ رحمَ الكفرِ في إعزازِ

پیغامهای ترا و کشتن نمود با منکران برای اظهار یگانگی تو و برید قرابت کفر را در عزیز کردن

دينِكَ وَلبسَ ثوبَ البلوى في مجاهدةِ أعدائِكَ وَأوجبتَ لهُ بكلِّ أذيّةٍ

دین تو و پوشید جامه رنج و تعب را در کارزار نمودن دشمنان تو و واجب گردانیدی برای او به هر آزاری

مَسَّتهُ أو كيدٍ أحسَّ بهِ مِن الفئةِ الَّتي حاولتْ قتلَهُ فضيلةً تفوقُ الفضائلَ

که رسید او را یا مکری که دریافت او را از گروه منافقان که قصد کردند کشتن او را فضیلتی که زیادتی کند بر فضیلتها

وَيملكُ بهِ الجزيلَ مِن نوالِكَ وَقد أسرَّ الحسرةَ وَأخفى الزَّفرةَ وَتجرَّعَ

و مالک شود بسبب آن بسیار بخشش از عطای تو و پنهان داشت حسرت را و پنهان کرد آه را و فرو خورد

الغُصَّةَ وَلم يتخطَّ ما مثَّلَ لهُ وحيُكَ اللّهمَّ صلِّ عليهِ وَعلى أهلِ بيتِهِ

غصه خشم را و نگذشت از آنچه صورت داد برای او وحی تو خداوندا رحمت فرست بر او و بر اهل بیت او

صلاةً ترضاها لهم وَبلِّغهم تحيّةً كثيرةً وَسلاماً وَآتِنا مِن لدنكَ في

رحمتی که پسندی آن را برای ایشان و برسان ایشان را از ما درود بسیار و سلام و بده ما را از نزد خود

مُوالاتِهم فضلاً وَإحساناً وَرحمةً وَغفراناً إنَّكَ ذو الفضلِ العظيمِ

در دوستی ایشان زیادتی و نیکوئی و رحمت و آمرزش بدرستیکه تو خداوند فضل بزرگی

چهار رکعت نماز زیارت بکن بدو سلام با هر سوره که خواهی و چون فارغ

شوی تسبیح حضرت پس بگو اللّهمَّ إنَّكَ قلتَ لنبيِّكَ محمّدٍ صلّى اللهُ عليهِ وَآلِه

فاطمه علیهما السلام را بخوان خداوندا که تو گفته برای پیغمبر خود محمد رحمت خدا

وَلو أنَّهم إذ ظلموا أنفسَهم جاؤوكَ فاستغفروا اللهَ وَاستغفرَ لهمُ

و اگر آنکه منافقان هنگامی که ستم کردند بر نفسهای خود آمدندی نزد تو پس آمرزش طلبیدندی از خدا و طلب آمرزش کردی برای ایشان

الرَّسولُ لوجدوا اللهَ توّاباً رحيماً وَلم أحضر زمانَ رسولِكَ عليهِ وَ

رسول هر آینه یافتندی خدا را پذیرنده توبه مهربان و حاضر نبودم در زمان رسول تو بر او و

آلِهِ السَّلامُ اللّهمَّ وَقد زرتُه راغباً تائباً مِن سيِّئِ عملي وَمستغفراً

آل او درود خداوندا و بتحقیق زیارت کردم او را خواهشمند رجوع کننده از کردار بد خود و آمرزش طلبنده

لكَ مِن ذنوبي وَمقرّاً لكَ بها وَأنتَ أعلمُ بها منّي وَمتوجِّهاً إليكَ بنبيِّكَ نبيِّ

الرحمة صلواتك عليه وآله فاجعلني اللهم بمحمد واهل بيته
عندك وجيها في الدنيا والآخرة ومن المقربين يا محمد يا رسول الله بابي
انت وامي يا نبي الله يا سيد خلق الله اني اتوجه بك الى الله ربك وربي
ليغفر لي ذنوبي ويتقبل مني عملي ويقضي لي حوائجي فكن لي شفيعا
عند ربك وربي فنعم المسئول المولى ربي ونعم الشفيع انت يا محمد
عليك وعلى اهل بيتك السلام اللهم واوجب لي منك المغفرة و
الرحمة والرزق الواسع الطيب النافع كما اوجبت لمن اتى نبيك محمدا
صلواتك عليه وآله وهو حي فاقر له بذنوبه واستغفر له رسولك
عليه السلام فغفرت له برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم وقد املتك
ورجوتك وقمت بين يديك ورغبت اليك عمن سواك وقد املت
جزيل ثوابك واني لمقر غير منكر وتائب اليك مما اقترفت وعائذ
بك في هذا المقام مما قدمت من الاعمال التي تقدمت الي فيها و

نهشتني

ونهيتني عنها واوعدت عليها العقاب واعوذ بكرم وجهك ان تقيمني
مقام الخزي والذل يوم تهتك فيه الاستار وتبدو فيه الاسرار
والفضائح وترعد فيه الفرائص يوم الحسرة يوم الافكة يوم الآزفة
يوم التغابن يوم الفصل يوم الجزاء يوم كان مقداره خمسين الف سنة
يوم النفخة يوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة يوم النشر يوم العرض
يوم يقوم الناس لرب العالمين يوم يفر المرء من اخيه وامه وابيه
وصاحبته وبنيه يوم تشقق الارض واكناف السماء يوم تأتي كل نفس
تجادل عن نفسها يوم يردون الى الله فينبئهم بما عملوا يوم لا يغني مولى
عن مولى شيئا ولا هم ينصرون الا من رحم الله انه هو العزيز الرحيم
يوم يردون الى عالم الغيب والشهادة يوم يردون الى الله مولاهم
الحق يوم يخرجون من الاجداث سراعا كانهم الى نصب يوفضون
وكانهم جراد منتشر مهطعين الى الداع الى الله يوم الواقعة يوم

والندامة
پشیمانی

يوم ترج الأرض رجا يوم تكون السماء كالمهل وتكون الجبال كا
لعهن ولا يسئل حميم حميما يوم الشاهد والمشهود يوم تكون الملائكة
صفا صفا اللهم ارحم موقفي في ذلك اليوم بموقفي في هذا اليوم
ولا تخزني في ذلك الموقف بما جنيت على نفسي واجعل يا رب في ذلك
اليوم مع أوليائك منطلقي وفي زمرة محمد وأهل بيته عليهم السلام
محشري واجعل حوضه موردي وفي الغر الكرام مصدري وأعطني
في كتابي بيميني حتى أفوز بحسناتي وتبيض به وجهي وتيسر به حسابي
وترجح به ميزاني وأمضي مع الفائزين من عبادك الصالحين إلى
رضوانك وجنانك إله العالمين اللهم إني أعوذ بك من أن تفضحني
في ذلك اليوم بين يدي الخلائق بجريرتي أو أن ألقى الخزي والندامة
بخطيئتي أو أن تظهر فيه سيئاتي على حسناتي أو أن تنوه بين الخلائق
باسمي يا كريم العفو العفو الستر الستر اللهم وأعوذ بك

مران

من أن يكون في ذلك اليوم في مواقف الأشرار موقفي أو في مقام
الأشقياء مقامي وإذا ميزت بين خلقك فسقت كلا بأعمالهم زمرا
إلى منازلهم فسقني برحمتك في عبادك الصالحين وفي زمرة أوليائك
المتقين إلى جنانك يا رب العالمين ثم ودع وقل السلام عليك
يا رسول الله السلام عليك أيها البشير النذير السلام عليك
أيها السراج المنير السلام عليك أيها السفير بين الله وبين خلقه
أشهد يا رسول الله أنك كنت نورا في الأصلاب الشامخة والأرحام
المطهرة لم تنجسك الجاهلية بأنجاسها ولم تلبسك من مدلهمات
ثيابها وأشهد يا رسول الله أني مؤمن بك وبالأئمة من أهل بيتك
موقن بجميع ما أتيت به راض مؤمن وأشهد أن الأئمة من أهل بيتك
أعلام الهدى والعروة الوثقى والحجة على أهل الدنيا اللهم
لا تجعله آخر العهد من زيارة نبيك عليه وآله السلام فإن توفيتني

فَاِنّی اَشْهَدُ فی مَماتی عَلی ما اَشْهَدُ عَلَیْهِ فی حَیاتی اَنَّکَ اَنْتَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا

پس بدرستیکه من گواهی میدهم در هنگام مردن خود بر آنچه گواهی میدهم بر آن در زمان زندگانی خود بدرستیکه تو توئی خدای نیست خدائی

اَنْتَ وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ وَاَنَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ

مگر تو یگانه تو نیست شریکی مر ترا و بدرستیکه محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او بنده تو و رسول تو

وَاَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ اَهْلِ بَیْتِهِ اَوْلِیاؤُکَ وَاَنْصارُکَ وَحُجَجُکَ عَلی خَلْقِکَ وَخُلَفاءُ

و آنکه پیشوایان از خانواده او دوستان تواند و یاوران و حجتهای تو بر خلق تو و جانشینان

فی عِبادِکَ وَاَعْلامُکَ فی بِلادِکَ وَخُزّانُ عِلْمِکَ وَحَفَظَةُ سِرِّکَ وَتَراجِمَةُ

در زمره بندگان تو و نشانهای تو در شهرهای تو و خازنان علم تو و نگاهبانان راز تو و بیان کنندگان

وَحْیِکَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَلِّغْ رُوحَ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فی ساعَتی

وحی تو خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او و برسان بروح پیغمبر خود محمد و آل او در ساعت من

هٰذِهِ وَفی کُلِّ ساعَةٍ تَحِیَّةً مِنّی وَسَلاماً وَالسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللهِ

این ساعت و در هر ساعتی درود از من و سلام و درود و سلام بر تو و رحمت خدا

وَبَرَکاتُهُ وَلا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ عَلَیْکَ مؤلف گوید که این زیارت اگر

و برکتهای او و مگرداند آنرا خدا آخر زیارت بر تو چه این زیارت سندش بنظر

فقیر نرسیده و لهذا در تحفة الزائر ایراد نکردم اما زیارت جامع کاملی

است و در همه اوقات بجا آورده و اگر کسی نتواند زیارت مختصری که بعد

ازین انشاء الله مذکور خواهد شد بعمل آورد و علما ذکر کرده اند که زیارت

حضرت امیر المؤمنین را درین روز ذکر کرده اند و از بعضی روایات

خصوص این روز معلوم نمیشود و بهترین زیارات است از جهة لفظ و معنی

و سند نسبتا معتبر منقول است در همه اوقات از دور و نزدیک میتوان

کرد خصوصا در این روز چنانچه شیخ مفید و شیخ شهید و سید بن طاوس

روایت کرده اند که حضرت امام جعفر زیارت کرد حضرت امیر المؤمنین را

و در روز هفدهم ماه ربیع الاول باین زیارت تعلیم فرمود زیارت را با وی

ثقه عظیم الشان محمد بن مسلم ثقفی فرمود که چون بیائی بمشهد امیر المؤمنین

یا رسول الله

عبدالسلم

عَلَیْهِ السَّلامُ غسل زیارت بکن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و

بقدری از بوی خوش خود را خوشبو کن و برو تا بارام دل و آرام تن پس

برسی بباب السلام یعنی بدرگاه روضه مقدسه که ضریح نمایان

میشود پس رو بقبله بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو و بگو اَلسَّلامُ

عَلی رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلی خِیَرَةِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَی الْبَشیرِ النَّذیرِ السِّراجِ

بر رسول خدا درود بر برگزیده خدا درود بر مژده دهنده بیم کننده چراغ

الْمُنیرِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلی اَنْبِیاءِ اللهِ الْمُرْسَلینَ وَعِبادِ

روشن و رحمت خدا و برکتهای او درود بر پیغمبران خدا که فرستاده شده اند و بندگان

اللهِ الصّالِحینَ اَلسَّلامُ عَلی مَلائِکَةِ اللهِ الْحافّینَ بِهٰذَا الْحَرَمِ وَبِهٰذَا

شایسته خدا درود بر فرشتگان خدا که احاطه کرده اند باین حرم و باین

الضَّریحِ اللّائِذینَ بِهِ پس بنزد قبر برو و بگو اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وَصِیَّ الْاَوْصِیاءِ

ضریح پناه گرفتگان بان درود بر تو ای وصی اوصیا

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا عِمادَ الْاَتْقِیاءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ الْاَوْلِیاءِ اَلسَّلامُ

درود بر تو ای معتمد پرهیزکاران درود بر تو ای دوست دوستان خدا درود

عَلَیْکَ یا سَیِّدَ الشُّهَداءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا آیَةَ اللهِ الْعُظْمی اَلسَّلامُ

بر تو ای بزرگ شهیدان درود بر تو ای نشانه بزرگتر خدا درود

عَلَیْکَ یا خامِسَ اَهْلِ الْعَباءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا قائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلینَ

بر تو ای پنجم پنج آل عبا سلام بر تو ای پیشرو سفید رویان سفید دست و پایان

الْاَتْقِیاءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا عِصْمَةَ الْاَوْلِیاءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا زَیْنَ

پرهیزکاران درود بر تو ای حافظ دوستان خدا درود بر تو ای زینت

الْمُوَحِّدینَ النُّجَباءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خالِصَ الْاَخِلّاءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

یگانه شناسان برگزیدگان درود بر تو ای خالص دوستان خدا درود بر تو

یا والِدَ الْاَئِمَّةِ الْاُمَناءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْحَوْضِ وَحامِلَ

ای پدر پیشوایان با امانت سلام بر تو ای خداوند حوض کوثر و بردارنده

اللواء السلام عليك يا قسيم الجنة ولظى السلام عليك يا من

علم حمد درود بر تو ای بخش کننده بهشت و دوزخ درود بر تو ای آنکه

شرفت به مكة ومنى السلام عليك يا بحر العلوم وكهف الفقراء

شرف کرده بوجود شریف او مکه و منی درود بر تو ای دریای علوم و پناه نیازمندان

السلام عليك يا من ولد في الكعبة وزوج في السماء وسيدة النساء

درود بر تو ای آنکه زاییده شد در کعبه و زن داده شد در آسمان بخاتون زنان

وكان شهودها الملائكة الأصفياء السلام عليك يا مصباح الضياء

و بودند گواهان او فرشتگان برگزیدگان درود بر تو ای چراغ روشنی

السلام عليك يا من خصه النبي بجزيل الحباء السلام عليك يا من

درود بر تو ای آنکه مخصوص کرده بود او را پیغمبر بعطای بسیار درود بر تو ای آنکه

بات على فراش خاتم الأنبياء ووقاه بنفسه شر الأعداء السلام

شب بروز آورده در بستر آخر پیغمبران و نگاه داشت او را بنفس خود از گزند دشمنان درود

عليك يا من ردت له الشمس فسامى شمعون الصفا السلام عليك

بر تو ای آنکه برگردانیده شد از برای او آفتاب پس برابری کرد با شمعون الصفا سلام بر تو

يا من أنجى الله سفينة نوح باسمه واسم أخيه حيث التطم الماء حولها

ای آنکه رهانید خدا کشتی نوح را برکت نام او و نام برادر او آنجا که موج کرد آب گرد آن

وطمى السلام عليك يا من تاب الله به وبأخيه على آدم إذ غوى

و بلند شد درود بر تو ای آنکه [illegible] خدا [illegible] برادر او بر آدم [illegible]

السلام عليك يا فلك النجاة من ركبه نجا ومن تأخر عنه هوى السلام

درود بر تو ای کشتی رستگاری [illegible]

عليك يا من خاطب الثعبان وذئب الفلا السلام عليك يا أمير

بر تو ای آنکه گفتگو نمود با اژدها و گرگ بیابان درود بر تو ای پادشاه

المؤمنين ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا حجة الله على

مومنان و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر تو ای حجت خدا بر

النجاة

من کفر

ربع الأول

من كفر وأناب السلام عليك يا إمام ذوي الألباب السلام عليك يا

آنکه کفر ورزید بخدا و آنکه بازگشت نمود بسوی خدا درود بر تو ای پیشوای صاحبان عقلها سلام بر تو ای

معدن الحكمة وفصل الخطاب السلام عليك يا من عنده علم الكتاب

نزادگاه حکمت و علوم حقه و کلام جدا سازنده حق از باطل درود بر تو ای آنکه نزد اوست علم کتاب

السلام عليك يا ميزان يوم الحساب السلام عليك يا فاصل الحكم

درود بر تو ای ترازوی روز حساب سلام بر تو ای جدا کننده حکم [illegible]

الناطق بالصواب السلام عليك أيها المتصدق بالخاتم في المحراب

سخن گوینده براستی درود بر تو ای صدقه دهنده بانگشتری در محراب

السلام عليك يا من كفى الله المؤمنين القتال به يوم الأحزاب السلام

درود بر تو ای آنکه کفایت کرده خدا مومنان را در کارزار باو در روز جنگ احزاب درود

عليك يا من أخلص لله الوحدانية وأناب السلام عليك يا قاتل خيبر

بر تو ای آنکه خالص کرده برای خدا یگانگی را و بازگشت نموده بخدا درود بر تو ای کشنده خیبر

وقالع الباب السلام عليك يا من دعاه خير الأنام للمبيت على فراشه

و کننده در آن درود بر تو ای آنکه خواند او را بهترین مردمان برای خوابیدن بر بستر خود

فأسلم نفسه للمنية وأجاب السلام عليك يا من له طوبى وحسن

پس داد نفس خود را بهلاکت و مرگ و اجابت نمود درود بر تو ای آنکه برای اوست درخت طوبی و نیکوی

مآب ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا عصمة الدين ويا سيد

بازگشت و رحمت خدا و برکتهای او درود بر تو ای نگاهدارنده دین خدا و ای بزرگ

السادات

السادات السلام عليك يا صاحب المعجزات السلام عليك يا من نزلت في فضله

درود بر تو ای خداوند معجزها ای درود بر تو ای آنکه فرود آمد در فضل او

بزرگان

سورة العاديات السلام عليك يا من كتب اسمه في السماء على

سوره عادیات درود بر تو ای آنکه نوشته شده نام او در آسمان بر

السرادقات السلام عليك يا مظهر العجائب والآيات السلام

سراپردها درود بر تو ای ظاهر کننده عجایب و نشانه‌ها درود

السلام عليك يا امير الغزوات السلام عليك يا مجرى اغمر فيها هوات

درود بر تو ای پادشاه جنگها درود بر تو ای جاری کننده

وات السلام عليك يا مخاطب ذئب الفلوات السلام عليك يا خا

آهسته درود بر تو ای خطاب کننده گرگ بیابان درود بر تو ای

الحصى ومبين المشكلات السلام عليك يا من عجبت من حملاته

... و بیان کننده مشکلها درود بر تو ای آنکه عجب کردند از حملهای او

في الوغا ملائكة السموات السلام عليك يا من ناجى الرسول فقدم

در هنگام جنگ فرشتگان آسمانها درود بر تو ای آنکه رازگفت پیغمبر را

بين يدي نجواه الصدقات السلام عليك يا والد الائمة البررة

در پیش رازگوئی خود صدقها درود بر تو ای پدر پیشوایان نیکوکار

السادات ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا تالى المبعوث

بزرگوار و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر تو ای جانشین پیغمبر فرستاده

السلام عليك يا وارث علم خير موروث ورحمة الله وبركاته

درود بر تو ای میراث برنده علم بهترین کسیکه میراث برده شود از او و رحمت خدا و برکتهای او

السلام عليك يا امام المتقين السلام عليك يا غياث المكروبين

درود بر تو ای پیشوای پرهیزکاران درود بر تو ای فریادرس اندوهناکان

السلام عليك يا عصمة المؤمنين السلام عليك يا مظهر البراهين

درود بر تو ای نگاهدارنده گروندگان درود بر تو ای ظاهر سازنده دلایل

السلام عليك يا طه ويس السلام عليك يا حبل الله المتين السلام

سلام بر تو ای طه و یس درود بر تو ای ریسمان محکم خدا درود

عليك يا من تصدق في صلوته بخاتمه على المسكين السلام عليك

بر تو ای آنکه صدقه نمود در نماز به انگشتری خود بر درویش درود بر تو

يا قالع الصخرة عن فم القليب ومظهر الماء المعين السلام عليك يا

ای کننده سنگ از دهن چاه و ظاهر سازنده آب روان درود بر تو ای

يا عين الله الناظرة ويده الباسطة ولسانه المعبر عنه في بريته اجمعين

ای دیده نگرنده خدا و دست گشاده او و زبان بیان کننده از جانب او در خلق او همگی

السلام عليك يا وارث علم النبيين ومستودع علم الاولين والآخرين

سلام بر تو ای میراث برنده علم پیغمبران و ودیعه گاه علم پیشینیان و پسینیان

وصاحب لواء الحمد وساقي اوليائه من حوض خاتم النبيين السلام

و خداوند علم و رایت حمد و آب دهنده دوستان خود از حوض آخر پیغمبران سلام

عليك يا يعسوب الدين وقائد الغر المحجلين ووالد الائمة المرضيين

بر تو ای بزرگ دین و پیشرو سفید رویان و سفید دست و پایان و پدر پیشوایان پسندیده

ورحمة الله وبركاته السلام على اسم الله الرضي ووجهه المضيء

و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر نام خدا که پسندیده است و روی روشن او

وجنبه القوي وصراطه السوي السلام على الامام التقي المخلص

و جانب توانای او و راه راست او سلام بر آن پیشوای پرهیزکار خالص

الصفي السلام على الكوكب الدري السلام على الامام ابي الحسن

عبادت برگزیده خدا درود بر ستاره درخشان سلام بر پیشوای ابی الحسن

علي ورحمة الله وبركاته السلام على ائمة الهدى ومصباح الدجى

علی و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر پیشوایان هدایت و چراغ تاریکیها

واعلام التقى ومنار الهدى وذوي النهى وكهف الورى والعروة

و نشانهای پرهیزکاری و منارهای هدایت و خداوندان عقل ... و دستاویز

الوثقى والحجة على اهل الدنيا ورحمة الله وبركاته السلام على نور

محکم خدا و حجت بر اهل دنیا و رحمت خدا و برکتهای او درود بر روشنائی

الانوار وحجة الجبار ووالد الائمة الاطهار وقسيم الجنة والنار

روشنیها و حجت خداوند قهر و غلبه و پدر پیشوایان پاکان و قسمت کننده بهشت و دوزخ

المخبر عن الآثار المدمر على الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين من

خبر دهنده از خبرهای گذشته هلاک سازنده کافران رهاننده پیروان با اخلاص از

عَظِيمِ الْأَوْزَارِ السَّلَامُ عَلَى الْمَخْصُوصِ بِالطَّاهِرَةِ التَّقِيَّةِ ابْنِ الْمُخْتَارِ

و گناهان بزرگ سلام بر آنکه مخصوص است به پاکیزه پرهیزکار دختر پیغمبر برگزیده

الْمَوْلُودِ فِي الْبَيْتِ ذِي الْأَسْتَارِ الْمُزَوَّجِ بِالسَّمَاءِ بِالْبَرَّةِ الطَّاهِرَةِ الرَّضِيَّةِ

آنکه زاییده شده در خانه که خداوند پرده است زن داده شده در آسمان بنیکوکار پاکیزه خوشنود

الْمَرْضِيَّةِ ابْنَةِ الْأَطْهَارِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ

پسندیده دختر پاکان و رحمت خدا و برکتهای او درود

عَلَى النَّبَإِ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَلَيْهِ يُعْرَضُونَ وَعَنْهُ

بر آن خبر بزرگ که مردمان در باره او خلاف کننده‌اند و بر او عرض کرده شوند و از او

يُسْئَلُونَ السَّلَامُ عَلَى نُورِ اللهِ الْأَنْوَرِ وَضِيَائِهِ الْأَزْهَرِ وَرَحْمَةُ اللهِ

پرسیده شوند سلام بر نور خدا که نورانی‌تر و روشنی او که روشن‌تر است و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللهِ وَحُجَّتَهُ وَخَالِصَةَ اللهِ وَخَاصَّتَهُ

و برکتهای او درود بر تو ای دوست خدا و حجت او و دوست خالص خدا و بنده خاص او

أَشْهَدُ يَا وَلِيَّ اللهِ لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَاتَّبَعْتَ

گواهی میدهم ای دوست خدا بتحقیق جهاد کردی در راه خدا جهاد لایق او را و پیروی نمودی

مِنْهَاجَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَحَلَّلْتَ حَلَالَ اللهِ وَحَرَّمْتَ

طریقه رسول خدا رحمت فرستد خدا بر او و آل او و حلال کردی حلال خدا را و حرام

حَرَامَ اللهِ وَشَرَعْتَ أَحْكَامَهُ وَأَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَآتَيْتَ الزَّكٰوةَ وَأَمَرْتَ

حرام خدا را و جاری ساختی حکمهای شریعت او را و بپا داشتی نماز را و دادی زکوة را و امر کردی

بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللهِ صَابِرًا نَاصِحًا

بنیکی و منع نمودی از زشتی و کارزار نمودی در راه خدا شکیبا نصیحت کننده

مُجْتَهِدًا مُحْتَسِبًا عِنْدَ اللهِ عَظِيمَ الْأَجْرِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللهُ مَنْ

کوشش نماینده و شمارنده نزد خدا مزد بزرگ را تا آنکه رسید ترا مرگ پس لعنت کند خدا آنرا که

دَفَعَكَ عَنْ حَقِّكَ وَأَزَالَكَ عَنْ مَقَامِكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ

دور کرد ترا از حق تو و دور کرد ترا از جایگاه تو و لعنت کند خدا آنرا که رسید او را این خبر

فرضي

ربیع الاول

فَرَضِيَ بِهِ أُشْهِدُ اللهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَرُسُلَهُ أَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكَ وَعَدُوٌّ

پس خوشنود شد به آن گواه میگیرم خدا را و فرشتگان او را و رسولان او را که من دوست دارم آنرا که دوست دارد ترا و دشمنم

وَأَنْبِيَاءَهُ — و پیغمبران او را

لِمَنْ عَادَاكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ پس خود را بقبر بچسبان

مر آنرا که دشمن دارد ترا سلام بر تو و رحمت خدا و برکتهای او بر تو و قبر را ببوس و بگو

أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَتَشْهَدُ مَقَامِي وَأَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللهِ بِالْبَلَاغِ

گواهی میدهم که تو بتحقیق میشنوی سخن مرا و گواهی میدهی ایستادن مرا و گواهی میدهم برای تو ای دوست خدا برسانیدن

وَالْأَدَاءِ يَا مَوْلَايَ يَا حُجَّةَ اللهِ يَا أَمِينَ اللهِ يَا وَلِيَّ اللهِ إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللهِ

و ادا کردن امانتها ای آقای من ای حجت خدا ای امین خدا ای دوست خدا بدرستیکه میان من و میان خدا

عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا قَدْ أَثْقَلَتْ ظَهْرِي وَمَنَعَتْنِي مِنَ الرُّقَادِ وَذِكْرُهَا

غالب بزرگوار گناهانی است که بتحقیق سنگین کرده پشت مرا و بازداشته مرا از خواب و یاد کردن

يُقَلْقِلُ — بلرزه آورد

أَحْشَائِي وَقَدْ هَرَبْتُ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِلَيْكَ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلَى سِرِّهِ

امعای مرا و بتحقیق گریختم بسوی خدای غالب بزرگوار و بسوی تو پس بحق آنکه امین کرد ترا بر راز خود

وَاسْتَرْعَاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طَاعَتَكَ بِطَاعَتِهِ وَمُوَالَاتَكَ بِمُوَالَاتِهِ

و نگهبان کرد ترا کار خلق خود را و پیوسته نمود فرمانبرداری ترا بفرمانبرداری خود و دوستی ترا بدوستی خود

كُنْ لِي إِلَى اللهِ شَفِيعًا وَمِنَ النَّارِ مُجِيرًا وَمِنَ الدَّهْرِ ظَهِيرًا پس باز خود را

باش برای من بسوی خدا درخواست کننده و از آتش زنهار دهنده و بر روزگار یاری دهنده

بچسبان و قبر را يَا وَلِيَّ اللهِ يَا حُجَّةَ اللهِ يَا بَابَ اللهِ وَلِيُّكَ وَزَائِرُكَ وَاللَّائِذُ

حِطَّةٍ

ببوس و بگو ای دوست خدا ای حجت خدا ای در رحمت خدا دوست تو و زیارت کننده تو و پناه آورنده

بِقَبْرِكَ وَالنَّازِلُ بِفِنَائِكَ وَالْمُنِيخُ رَحْلَهُ فِي جِوَارِكَ يَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ

بقبر تو و فرود آینده در پیشگاه تو و خواباننده شتر خود را در پناه تو درخواست میکند از تو آنکه درخواست کنی

لَهُ إِلَى اللهِ فِي قَضَاءِ حَاجَتِهِ وَنُجْحِ طَلِبَتِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ لَكَ

برای او بسوی خدا در روا کردن حاجت او و روا شدن مطلب او در دنیا و آخرت زیرا که بتحقیق برای تو

عِنْدَ اللهِ الْجَاهَ الْعَظِيمَ وَالشَّفَاعَةَ الْمَقْبُولَةَ فَاجْعَلْنِي يَا مَوْلَايَ مِنْ

نزد خدا جاهیست بزرگ و شفاعتی پذیرفته پس بگردان مرا ای آقای من از

من همك وادخلني في حزبك والسلام عليك وعلى ضجيعك آدم
ونوح والسلام عليك وعلى ولديك الحسن والحسين وعلى الأئمة
الطاهرين من ذريتك ورحمة الله وبركاته پس از روی تضرع و خشوع
هر حاجت که داری
از حق تعالی طلب مؤلف گوید که چون از دور روز زیارت کنی در مشهد الحرام و مشهد
الضریح قصد روضه و ضریح حضرت امیر المؤمنین میکند و زیارتها
و دعاها را نزدیك بنکند بکرمیخواند و نزدیك شدن و بوسیدن تمسك
اعنی بعوض اینها در کار نیست که چیزی بعمل آورد و سید بن طاوس گفته
است که مستحب است در این روز دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد
از حمد ده مرتبه انا انزلناه و ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و چون
سلام بگوید این دعا بخواند انت حي لا تموت وخالق لا تغلب وبدي لا تنفد
در جا نماز خود بنشیند
وقريب لا تبعد وقادر لا تضار وغافر لا تظلم وصمد لا تطعم و
قيوم لا تنام وعالم لا تعلم وقوي لا تضعف وعظيم لا توصف ووفي
لا تخلف وغني لا تفتقر وحكيم لا تجور ومنيع لا تقهر ومعروف
لا تنكر ووكيل لا تحقر وغالب لا تغلب ووتر لا تستشير ووهاب
لا تمل وسريع لا تذهل وجواد لا تبخل وعزيز لا تذل وحافظ لا

نقل

لا تغفل وقائم لا تزول ومحتجب لا ترى ودائم لا تفنى وباق لا تبلى
وواحد لا تشبه ومقتدر لا تنازع اللهم اني اسألك بعلم الغيب
عندك وقدرتك على الخلق اجمعين ان تحييني ما علمت الحيوة الدنيا
خيراً لي وان تتوفاني اذا كانت الوفاة خيراً لي واسئلك الخشية في الغيب
والشهادة واسئلك اللهم كلمة الحق في الغضب والرضا واسألك
نعيماً لا ينفد واسألك الرضا بعد القضاء واسئلك برد العيش
بعد الموت واسئلك لذة النظر الى وجهك الكريم آمين رب العالمين
اللهم اني اسئلك بمنك الكريم وفضلك العظيم ان تغفر لي و
ترحمني يا لطيف الطف لي في كل ما تحب وترضى اللهم اني
اسئلك فعل الخيرات وترك المنكرات وحب المساكين ومخالطة
الصالحين وان تغفر لي وترحمني واذا اردت بقوم فتنة فتوفني غير
مفتون واسألك حبك وحب كل عمل يقربني الى حبك اللهم بحق

من يحبك وحب

محمد صلى الله عليه وآله حبيبك وبحق ابراهيم خليلك وصفيك
وموسى كليمك وبحق عيسى روحك واسئلك بصحف ابراهيم وتوراة
موسى وانجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد صلى الله عليه وآله
واسئلك بكل وحي اوحيته وبحق كل قضاء قضيته وبكل سائل
اعطيته واسئلك بكل اسم انزلته واسألك باسمائك التي استقل
بها عرشك واسئلك باسمائك التي وضعتها على النار فاستنارت
واسئلك باسمائك التي وضعتها على الليل فاظلم واسألك باسمائك
التي وضعتها على النار فاضاء واسئلك باسمائك التي وضعتها
على الارض فاستقر واسئلك باسمك الاحد الصمد الذي ملأ
اركان كل شيء واسئلك باسمك الطهر الطاهر المبارك الحي القيوم
لا اله الا هو الرحمن الرحيم واسئلك بمعاقد العز من عرشك ومبلغ
الرحمة من كتابك وباسمائك العظام وجدك الاعلى وكلماتك

بحقه / بحق

في كتابك

التامات ان ترزقنا حفظ القرآن والعمل به والطاعة لك والعمل
الصالح وان تثبت ذلك في اسماعنا وابصارنا وان تخلط ذلك بلحمي
ودمي ومخي وشحمي وان تستعمل بذلك بدني وقوتي فانه لا يقوى
على ذلك الا انت وحدك لا شريك لك يا الله الواحد الرب القديم
يا الله الخالق المصور يا الله الباعث الوارث يا الله الفتاح العليم
يا الله الملك القادر المقتدر اغفر لي وارحمني انك انت ارحم
الراحمين اللهم انت قلت وقولك الحق ادعوني استجب لكم يا الله
باسمك الذي دعاك به آدم صلى الله عليه فاوجبت له الجنة و
اسألك باسمك الذي دعاك به شيث بن آدم فجعلته وصي ابيه بعد
ان تستجيب دعاءنا وان ترزقنا انفاذ كل وصية لاحد عندنا
وان تقدم وصيتنا امامنا واسئلك باسمك الذي دعاك به
ادريس فرفعته مكانا عليا ان ترفعنا الى احب البقاع اليك وتمن

العزيز
غالب

علينا بمرضاتك وتدخلنا الجنة برحمتك واسئلك باسمك الذي

را بخوشنودی خود و درآوری ما را در بهشت برحمت خود و درخواهم از تو بنام تو که

دعاك به نوح فنجيته من الغرق واهلكت القوم الظالمين ان تنجينا

خواند ترا بآن نام نوح پس رهانیدی او را از غرق و هلاک کردی گروه ظالمان را آنکه برهانی

مما نخاف فيه من البلاء واسالك باسمك الذي دعاك به هود فنجيته

از آنچه ما در ترسیم از بلا و درخواهم از تو بنام تو آن نامی که خواند ترا بآن نام هود پس رهانیدی او را

من الريح العقيم ان تنجينا من بلاء الدنيا والاخرة وعذابهما

از باد بی نفع آنکه برهانی ما را از بلای این جهان و آن جهان و عذاب هر دو جهان

واسئلك باسمك الذي دعاك به صالح فنجيته من خزي يومئذ ان

و درخواهم از تو بنام تو که خواند ترا بآن صالح پس رهانیدی او را از خواری آن روز آنکه

تنجينا من خزي الدنيا والاخرة وعذابهما واسئلك باسمك الذي

برهانی ما را از خواری این جهان و آن جهان و عذاب هر دو جهان و درخواهم از تو بنام تو که

دعاك به لوط فنجيته والمؤتفكة والمطر السوء ان تنجينا من مخازي

خواند ترا بآن لوط پس رهانیدی او را … آنکه برهانی ما را از خواریهای

الدنيا والاخرة واسالك باسمك الذي به شعيب فنجيته من عذاب

این جهان و آن جهان و درخواهم از تو بنام تو آن نامی که آن شعیب پس رهانیدی او را از عذاب

يوم الظلة ان تنجينا من العذاب بالي روحك ورحمتك واسئلك

روز … آنکه برهانی ما را از عذاب … و رحمت خود و درخواهم از تو

باسمك الذي دعاك به ابراهيم فجعلت النار عليه بردا وسلاما

بنام تو که خواند ترا آن ابراهیم پس گردانیدی آتش را براو سرد و سلامت

ان تخلصنا كما خلصته وان تجعل ما نخاف فيه برحمتك بردا وسلاما

آنکه خلاص گردانی ما را چنانچه خلاص کردی او را و بگردانی آنچه را که ما در ترسیم برحمت خود سرد و سلامت

كما جعلتها عليه واسئلك باسمك الذي دعاك به اسماعيل

چنانکه گردانیدی آتش را براو سرد و درخواهم از تو بنام تو که خواند ترا آن نام اسمعیل

دعاك به
خواند ترا

عـه

عند العطش واخرجت من زمزم الماء الروي ان تجعل مخرجا لي

نزد تشنگی و بیرون آوردی از چاه زمزم آب بسیار آنکه بگردانی بیرون شدن …

خير وان ترزقنا المال الواسع برحمتك واسئلك باسمك الذي

نیک و آنکه روزی کنی ما را مال فراخ برحمت خود و درخواهم از تو بنام تو که

دعاك به يعقوب فرددت عليه بصره وولده وقرة عينه ان تخلصنا

خواند ترا بآن یعقوب پس باز گردانیدی براو دیده او و فرزند او و روشنی دیده او آنکه …

وتجمع بيننا وبين اولادنا واهالينا واسئلك باسمك الذي دعاك

و فراهم آوری میانه ما و میان فرزندان ما و اهل ما و درخواهم از تو بنام تو آنکه خواند ترا

به يوسف فاخرجته من السجن ان تخرجنا من السجن وتملكنا نعمتك

بآن یوسف پس بیرون آوردی او را از زندان آنکه بیرون آوری ما را از زندان …

التي انعمت بها علينا واسئلك باسمك الذي دعاك به الاسباط

آن نعمتی که انعام کردی بآن بر ما و درخواهم از تو بنام تو که خواند ترا بآن فرزندان یعقوب

فتبت عليهم وجعلتهم ان تتوب علينا وترزقنا طاعتك وعبادتك

… روزی کنی ما را طاعت خود و عبادت خود

والخلاص مما نخاف فيه واسئلك باسمك الذي دعاك به ايوب اذ حل به

و خلاصی از آنچه ما در ترسیم و درخواهم از تو بنام تو که خواند ترا آن ایوب چون فرود آمد باو

البلاء فقال رب اني مسني الضر وانت ارحم الراحمين فاستجبت له

بلا پس گفت پروردگار من رسید بمن … و تو بخشاینده ترین بخشایندگانی …

وكشفت ضره ورددت عليه اهله ومثلهم معهم رحمة من عندك

وذكرى للعابدين اللهم اني اقول كما قال رب اني مسني الضر وانت

ارحم الراحمين فاستجب لنا وارحمنا وخلصنا ورد علينا اهلنا

انبیاء
پیغمبران

وما لنا معهم رحمة منك واجعلنا من العابدين لك وأسئلك باسمك
الذي دعاك به موسى وهرون فقلت عزّزت من قائل قد أجيبت
دعوتكما أن تستجيب دعاءنا وتنجينا كما نجيتهما وأسئلك باسمك
الذي دعاك به داود فغفرت عليه ذنبه وتبت عليه أن تغفر لي
ذنبي وتتوب عليّ إنك أنت التواب الرحيم وأسألك باسمك الذي دعاك
به سليمان فرددت عليه ملكه وأمكنته من عدوه وسخرت له
الجن والإنس والطير أن تخلصنا من عدونا وترد علينا وتستخرج
لنا من أيديهم حقنا وتخلصنا منهم إنك على كل شيء قدير وأسألك
باسمك الذي دعاك به عنده علم من الكتاب على عرش ملكة سبا
أن يحمل إليه فإذا هو مستقر عنده أن تحملنا من عامنا هذا إلى
بيتك الحرام حجاجا وزوارا لقبر نبيك عليه وآله السلام وأسألك
باسمك الذي به دعاك به يونس بن متى في الظلمات أن لا إله إلا

نت

أنت سبحانك من الظالمين فاستجبت له ونجيته من بطن الحوت ومن
الغم وقلت عززت من قائل وكذلك ننجي المؤمنين فنشهد أنا
مؤمنون ونقول كما قال لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين
فاستجب لي ونجني من غم الدنيا والآخرة كما ضمنت أن تنجي المؤمنين
وأسألك باسمك الذي دعاك به ذكريا وقال رب لا تذرني فردا
وأنت خير الوارثين فاستجبت له ووهبت يحيى وأصلحت له زوجه
وجعلتهم يسارعون في الخيرات ويدعونك رغبا ورهبا وكانوا
لك خاشعين فإني أقول كما قال رب لا تذرني فردا وأنت خير
الوارثين فاستجب لي وأصلح لي شأني وجميع ما أنعمت به علي
وخلصني مما أنا فيه وهب لي كرامة الدنيا والآخرة وأولادا
صالحين يرثوني واجعلنا ممن يدعوك رغبا ورهبا ومن الخاشعين
المطيعين وأسئلك باسمك الذي دعاك به يحيى فجعلته برا تقيا

ولم يعمل معصية ولم يهم بها ان تعصمني من اعتراف المعاصي حتى

تلقاك طاهرين ليس لك قبلنا معصية واسالك باسمك الذي

دعتك به مريم فنطق ولدها بحجتها ان توفقنا وتخلصنا بحجتك عند

وعند كل ملمة حتى تظهر حجتنا على ظالمينا واسالك باسمك الذي

دعاك به عيسى بن مريم فاحيى به الموتى وابرء الاكمه والابرص

ان تخلصنا وتبرانا من كل سوء وآفة والم وتحيينا حيوة طيبة

في الدنيا والاخرة وان ترزقنا العافية في ابداننا واسئلك باسمك

الذي دعاك به الحواريون فاعنتهم حتى بلغوا عن عيسى ما امرهم

به وصرفت عنهم كيد الجبارين وتوليتهم ان تخلصنا وتحملنا

من الدعاة الى طاعتك واسالك باسمك الذي دعاك به حبيش

فرفعت عنه الم العذاب ان ترفع عنا الم العذاب في الدنيا وا

الاخرة وان لا تبتلينا وان ابتليتنا فصبرنا والعافية احب الينا

بآن نام

واسالك



ربيع الثاني

دعاك به حبيبك / خواندرا

واسئلك باسمك الذي دعاك به الخضر حتى القيته ان تفرج عنا

وتنصرنا على من ظلمنا وتردنا الى مامنك واسالك باسمك الذي

دعاك به محمد صلى الله عليه وآله فجعلته سيد المرسلين وابنه بعلي سيد

الوصيين ان تصلي عليهما وعلى ذريتهما الطاهرين وان تقيلني

في هذا اليوم عثرتي وتغفر لي ما سلف من ذنوبي وخطاياي ولا

تضرني ان مقامي هذا الاربعي مشكور وذنب مغفور وعمل

مقبول ورحمة ومغفرة ونعيم موصول بنعيم الاخرة برحمتك يا حي

يا منان يا ذا الجلال والاكرام انك على كل شيء قدير ولا حول ولا

قوة الا بالله العلي العظيم باب هفتم در اعمال ماه ربيع الثاني وجمادي

الاولى وجمادى الثانيه است

ودران سه فصل است فصل اول در اعمال ماه ربيع الثاني است سيد بن

طاوس روايت كرده است كه در روز اول اين ماه مستحب است كه اين دعا

بخوانند اللهم انت اله كل شيء وخالق كل حي ورب كل شيء اسالك

بالعروة الوثقى والغاية والمنتهى وبما خالفت به بين الانوار

والظلمات

الأنوار والجنة والنار والدنيا والآخرة وبأعظم أسمائك في الكتاب
المحفوظ وأتم أسمائك في التوراة نبلاً وأظهر أسمائك في الزبور عزاً
وأجل أسمائك في الإنجيل قدراً وأرفع أسمائك في القرآن ذكراً
وأعظم أسمائك في الكتب المنزلة وأفضلها وأسرار أسمائك في نفسك
الذي ليس كمثله شيء وأسئلك بعزتك وقدرتك وبالعرش
العظيم وما حمل وبالكرسي الكريم وما وسع أن تصلي على محمد وآل
محمد وأن تتيح لي من عندك فرجك القريب والعظيم الأعظم اللهم
أنعم علي إحسانك القديم الأقدم وتابع إلي معروفك الدائم الأدوم
وانعشني بعز جلالك الكريم الأكرم وإلهكم إله واحد لا إله
إلا هو الرحمن الرحيم الله لا إله إلا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة
ولا نوم الم الله لا إله إلا هو الحي القيوم هو الذي يصوركم
في الأرحام كيف يشاء لا إله إلا هو العزيز الحكيم شهد الله أنه

لا إله إلا هو والملائكة وأولوا العلم قائماً بالقسط لا إله إلا هو
العزيز الحكيم الله لا إله إلا هو ليجمعنكم إلى يوم القيامة لا ريب
فيه ذلكم الله ربكم لا إله إلا هو خالق كل شيء فاعبدوه وهو على
كل شيء وكيل اتبع ما أوحي إليك من ربك لا إله إلا هو وأعرض
عن المشركين قل يا أيها الناس إني رسول الله إليكم جميعاً الذي له
ملك السموات والأرض لا إله إلا هو يحيي ويميت فآمنوا بالله و
رسوله النبي الأمي الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم
تهتدون وما أمروا إلا ليعبدوا إلهاً واحداً لا إله إلا هو سبحانه
عما يشركون فإن تولوا فقل حسبي الله لا إله إلا هو عليه توكلت
وهو رب العرش العظيم حتى إذا أدركه الغرق قال آمنت أنه لا إله
إلا الذي آمنت به بنوا إسرائيل وأنا من المسلمين قل هو ربي لا
إله إلا هو عليه توكلت وإليه متاب ينزل الملائكة بالروح من

من امره على من يشاء من عباده ان انذروا انه لا اله الا انا فاتقون

[illegible]

وان تجهر بالقول فانه يعلم السر واخفى الله لا اله الا هو له

[illegible]

الاسماء الحسنى وانا اخترتك فاستمع لما يوحى انني انا الله لا اله

[illegible]

الا انا فاعبدني واقم الصلوة لذكري انما الهكم الله الذي لا اله

[illegible]

الا هو وسع كل شيء علما وما ارسلنا من قبلك من رسول الا نوحي

[illegible]

اليه انه لا اله الا انا فاعبدون وذا النون اذ ذهب مغاضبا

[illegible]

فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت

[illegible]

سبحانك اني كنت من الظالمين فتعالى الله الملك الحق لا اله

[illegible]

الا هو رب العرش الكريم الله لا اله الا هو رب العرش العظيم

[illegible]

وهو الله لا اله الا هو له الحمد في الاولى والاخرة وله الحكم

[illegible]

واليه ترجعون ولا تدع مع الله الها اخر لا اله الا هو كل شيء

[illegible]

هالك الا وجهه له الحكم واليه ترجعون يا ايها الناس اذكروا

[illegible]

نعمت

ربع الثاني

نعمت الله عليكم هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء والارض

[illegible]

لا اله الا هو فانى تؤفكون ذلكم الله ربكم له الملك لا اله الا هو

[illegible]

فانى تصرفون غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذي

[illegible]

الطول لا اله الا هو اليه المصير ذلكم الله ربكم خالق كل شيء

[illegible]

لا اله الا هو فانى تؤفكون ذلكم الله ربكم فتبارك الله رب العالمين

[illegible]

هو الحي لا اله الا هو فادعوه مخلصين له الدين الحمد لله رب العالمين

[illegible]

رب السموات والارض وما بينهما ان كنتم موقنين لا اله الا

[illegible]

هو يحيي ويميت ربكم ورب اباءكم الاولين فانى لهم اذا جاءتهم

[illegible]

ذكريهم فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات

[illegible]

هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو

[illegible]

الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن

[illegible]

العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون الله لا اله الا هو

[illegible]

وعلى الله فليتوكل المؤمنون اللهم اني اسئلك عفواً ليس بعده عقوبة

و بر خدا پس باید اعتماد کنند مؤمنان خداوندا که من در میخواهم از تو درگذشتنی را که نباشد بعد از آن عقوبت

ورضاً ليس بعده سخط وعافية ليس بعدها بلاء وسعادة ليس بعدها

و خوشنودی که نباشد بعد از آن غضبی و عافیتی که نباشد بعد از آن بلا و نیکبختی که نباشد بعد از آن

شقاء وهدى لا يكون بعده ضلالة وايماناً لا يداخله كفر وقلباً

بدبختی و راه یافتنی که نباشد بعد از آن گمراهی و ایمانی که داخل نشود او را کفری و دلی

لا يداخله فتنة اللهم اني اسئلك السعة في القبر والحجة البالغة

که در نیابد در آن فتنه خداوندا که من در میخواهم از تو گشادگی در گور و حجت کامل

والقول الثابت وان تنزل علي الامان والفرج والسرور ونضرة

و گفتن راست و آنکه فرود آری بر من ایمنی و گشایش و سرور و خرمی

النعيم اللهم صل على محمد وال محمد وعرفني بركة هذا الشهر ويمنه

نعمت خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بشناسان مرا برکت این ماه و میمنت آن

وارزقني خيره واصرف عني شره واجعلني فيه من الفائزين برحمتك

و روزی کن مرا خیر آن و بگردان از من شر آن را و بگردان مرا در آن از رستگاران به رحمت خود

يا ارحم الراحمين اللهم انت وهاب الخير فهب لي شوقاً الى لقائك

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا تو بخشنده خیری پس ببخش مرا آرزومندی بسوی لقای تو

واشفاقاً من عذابك وحياء منك وتوقيراً واجلالاً حتى يوجل من ذلك

و ترسیدن از عذاب تو و شرم داشتن از تو و بزرگ داشتن تو و بزرگوار شمردن تو تا آنکه بترسد از آن

قلبي وتقشعر منه جلدي وتتجافى له جنبي وتدمع منه عيني ولا

دل من و برخیزد از آن پوست من و دور شود پهلوی من از خوابگاه و روان شود از آن اشک دیده من و نه

اخلو من ذكرك في ليلي ونهاري يا ارحم الراحمين اللهم اني

خالی باشم از یاد تو در شب خود و در روز خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا که من

عليك وما عسى ان يبلغ مدحي وثنائي مع قلة عملي وقصر رائي

... و چه امید است آنکه برسد ستایش من و ثنای من با کمی کردار من و کوتاهی اندیشه من

وانت الخالق وانا المخلوق وانت المليك وانا المملوك وانت الرب وانا

و تویی آفریننده و منم آفریده شده و تویی خداوند و منم مملوک و تویی پروردگار و من

العبد وانت العزيز وانا الذليل وانت القوي وانا الضعيف وانت

بنده و تویی غالب و منم خوار و تویی توانا و منم ناتوان و تویی

الغني وانا الفقير وانت المعطي وانا السائل وانت الحي الذي لا يموت

بی‌نیاز و منم نیازمند و تویی بخشنده و منم سؤال کننده و تویی زنده که نمیری

وانا خلق اموت فاغفر لي وارحمني واعطني سؤلي في دنياي واخرتي

و منم آفریده که بمیرم پس بیامرز مرا و رحم کن مرا و عطا کن مرا سؤال مرا در دنیای من و آخرت من

وتجاوز عني وعن جميع المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات

و درگذر از من و از همه مردان گرونده و زنان گرونده و مردان مسلم و زنان مسلمه

الاحياء منهم والاموات اللهم صل على محمد عبدك ورسولك ونبيك

زندگان از ایشان و مردگان خداوندا رحمت فرست بر محمد بنده تو و رسول تو

وصفيك وخيرتك من خلقك اللهم ارفع درجته وكرم مقامه و

برگزیده تو و اختیار کرده شده از خلق تو خداوندا بلند کن مرتبه او را و گرامی دار جایگاه او را

اجزل ثوابه وافلج حجته واظهر عذره وعظم نوره وادم كرامته

بسیار کن ثواب او را و غالب گردان حجت او را و ظاهر کن عذر او را و عظیم گردان روشنایی او را و دایم دار کرامت او را

والحق به امته وذريته واقرر بذلك عينه اللهم اجعل محمداً اكرم

و برسان باو امت او را و فرزندان او را و روشن کن بآن دیده او را خداوندا بگردان محمد را گرامی‌ترین

النبيين تبعاً واعظمهم منزلة واشرفهم كرامة واعلاهم وافسحهم

پیغمبران بحسب پیروان و بزرگترین ایشان در منزلت و گرامی‌ترین ایشان از روی کرامت و بلندترین ایشان و گشاده‌ترین

في الجنة منزلا اللهم بلغ محمداً درجة الوسيلة وشرف بنيانه وعظم

در بهشت بحسب جایگاه خداوندا برسان محمد را بدرجه که نام آن وسیله است و بلند گردان بنیان او را و بزرگ گردان

نوره وبرهانه وتقبل شفاعته في امته وتقبل صلوة امته عليه

روشنی او و حجت او را و بپذیر شفاعت او را در باره امتش و قبول کن درود امتش را

درجه م

ورمرتبه

اللهم صل علی محمد کما بلّغ رسالاتك وتلا آیاتك ونصح لعبادك و
خداوندا رحمت فرست بر محمد چنانکه رسانید پیغامهای ترا و خواند آیات ترا و پند داد مر بندهای ترا و
جاهد فی سبیلك حتی أتاه الیقین اللهم زد محمداً مع کل شرف شرفاً
کارزار نمود در راه تو تا آنکه آمد او را مرگ خداوندا زیاده کن مر محمد را با هر شرافتی شرافتی
ومع کل فضل فضلاً ومع کل کرامة کرامةً ومع کل سعادة سعادةً
و با هر فضیلتی فضل و مزیتی و با هر کرامتی کرامت و نوازشی و با هر سعادتی سعادتی
حتی تجعل محمداً فی الشرف الأعلی من الدرجات العلی اللهم صل
تا آنکه بگردانی محمد را در مرتبه بلندتر از مرتبهای بلند خداوندا رحمت فرست
علی محمد وآل محمد وسهّل لی محبّتی وبلّغنی أمنیتی ووسّع علی رزقی
بر محمد و آل محمد و آسان کن برای من آنچه را که دوست دارم و برسان مرا آرزوی مرا و فراخ کن بر من روزی مرا
واقض عنی دینی وفرّج عنی غمّی وهمّی وکربی ویسّر لی إرادتی
و ادا کن از من قرض مرا و بگشا از من غم مرا و اندوه مرا و حزن مرا و میسر کن برای من خواسته مرا
وأوصلنی إلی بغیتی سریعاً عاجلاً یا أرحم الراحمین وشیخ مفید
و برسان مرا بسوی مطلوب من زود بشتاب ای رحیم ترین رحم کنندگان رضی الله عنه
گفته است که در روز دهم ماه ربیع الآخر سال دویست بیست واز
هجرت نبوی صلی الله علیه وآله حضرت امام حسن عسکری ع متولد
شده است و روز شریف بسیار مبارکی است و مستحب است که شکر
این نعمت عظمی روزه بدارند مؤلف گوید زیارت آن حضرت و سایر اعمال خیر
درین روز بابرکت مناسب است فصل دوم در اعمال ماه جمادی الاولی است
سید بن طاوس رح در بعضی از کتب معتبره نقل اللهم أنت الله وأنت الرحمن
کرده است که در روز اول این ماه مستحب است خداوندا تو یی خدا و تویی بخشنده
الرحیم وأنت الملك القدوس وأنت السلام المؤمن وأنت المهیمن
مهربان و تویی پادشاه پاک از عیبها و تویی سالم و بخشنده امان و تویی نگهبان

رحمت خود

وأنت العزیز وأنت الجبار وأنت المتکبر وأنت الخالق وأنت الباری
و تویی غالب و تویی کارها بجبر و تویی بزرگوار و تویی آفریننده کارها و تویی پدید آورنده
وأنت المصوّر وأنت العزیز الحکیم وأنت الأول والآخر والظاهر والباطن
و تویی نگارنده صورتها و تویی ارجمند درستکردار و تویی اول و آخر و ظاهر و باطن
لك الأسماء الحسنی أسألك یا رب بحق هذه الأسماء وبحق أسمائك کلها
مر تراست نامهای نیکو درخواست میکنم از تو ای پروردگار من بحق این نامها و بحق نامهای تو همه
أن تصلی علی محمد وآل محمد وآتنا اللهم فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة
اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و بده ما را خداوندا در دنیا نیکی و در آخرت نیکی
واختم لنا بالسعادة والشهادة فی سبیلك وعرّفنا برکة شهرنا هذا ویمنه
و ختم کن برای ما بنیکی و شهادت در راه تو و بشناسان ما را برکت ماه ما این و میمنتش را
وارزقنا خیره واصرف عنا شرّه واجعلنا فیه من الفائزین وقنا برحمتك
و روزی کن ما را نیکی آن و بگردان از ما شر آن را و بگردان ما را در آن از رستگاران و نگهدار ما را
عذاب النار یا أرحم الراحمین إنك علی کل شیء قدیر پس این ابا نسا بخواند
از عذاب آتش ای رحم کننده ترین رحم کنندگان بدرستیکه تو بر هر چیز توانایی
الحمد لله رب العالمین الحمد لله الذی خلق السموات والأرض وجعل
سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیان است سپاس مر خدا را که آفرید آسمانها و زمین را و گردانید
الظلمات والنور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون هو الذی خلقکم
تاریکیها و روشنایی را پس آنانکه کافر شدند بپروردگار خود میل کنند او آنچنان کسی است که آفرید شما را
من طین ثم قضی أجلاً وأجل مسمّی عنده ثم أنتم تمترون وهو الله
از گل پس مقرر کرد مدتی و مدتی معین نزد اوست پس شما شک میکنید و اوست خدا
فی السموات وفی الأرض یعلم سرّکم وجهرکم ویعلم ما تکسبون
در آسمانها و در زمین میداند نهان شما و آشکار شما را و میداند آنچه را کسب میکنید
الحمد لله الذی أنزل علی عبده الکتاب ولم یجعل له عوجاً قیّماً
سپاس مر خدا را که فرستاد بر بنده خود قرآن را و نگردانید برای او هیچ کجی

لِيُنْذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِنْ لَدُنْهُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا
فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلٰٓئِكَةِ رُسُلًا أُولِيٓ أَجْنِحَةٍ مَثْنٰى
وَثُلٰثَ وَرُبٰعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَآءُ إِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا
يَفْتَحِ اللّٰهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ
لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدٰىنَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ
لَوْلَآ أَنْ هَدٰىنَا اللّٰهُ لَقَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمٰعِيلَ وَإِسْحٰقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَآءِ الْحَمْدُ
لِلّٰهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي نَجّٰىنَا مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِينَ
الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلٰى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ سَيُرِيكُمْ
اٰيٰتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَذْهَبَ
عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا

جماد الاول

الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَآءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعٰمِلِينَ وَتَرَى الْمَلٰٓئِكَةَ
حَآفِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ
الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِينَ فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعٰلَمِينَ
وَلَهُ الْكِبْرِيَآءُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ
مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَتَدَارَكْ
فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَقَوِّ ضَعْفِي لِلَّذِي خَلَقْتَنِي لَهُ وَحَبِّبْ إِلَيَّ الْإِيمَانَ
وَزَيِّنْهُ فِي قَلْبِي وَقَدْ دَعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اللّٰهُمَّ
أَصْبَحْتُ لَكَ عَبْدًا لَا أَسْتَطِيعُ دَفْعَ مَا أَكْرَهُ وَلَا أَمْلِكُ مَا أَرْجُوا
وَأَصْبَحْتُ مُرْتَهِنًا بِعَمَلِي فَلَا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي إِلَيْكَ يَا رَبَّ الْعٰلَمِينَ
أَسْئَلُكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَنِي عَمَلَ مَنِ اسْتَيْقَنَ حُضُورَ أَجَلِهِ لَا بَلْ عَمَلَ مَنْ قَدْ
مَاتَ فَرَاٰى عَمَلَهُ وَنَظَرَ إِلٰى ثَوَابِ عَمَلِهِ إِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللّٰهُمَّ

هذا مكان العائذ برحمتك من عذابك وهذا مكان العائذ بمعافاتك

این جایگاه آنست که پناه گرفته برحمت تو از عذاب تو و این جایگاه آنست که پناه گرفته [illegible]

من غضبك اللهم اجعلني ممن دعاك فاجبته فاعطيته وآمن بك

از غضب تو خداوندا بگردان مرا از آنکه خواند ترا [illegible]

وسألك م

فهديته وتوكل عليك فكفيته وتقرب اليك فادنيته وافتقر اليك

[illegible]

فاغنيته واستغفرك فغفرت له ورضيت عنه وارضيته و

[illegible]

وهديته الى مرضاتك واستعملته بطاعتك ولذلك فرغته ابدا

[illegible]

ما احييته فتب علي يا رب واعطني سؤلي ولا تحرمني شيئا مما سالتك

[illegible]

واكفني شر ما يعمل الظالمون في الارض فاستغفروا الله الذي

و دفع کن از من شر آنچه میکنند ستمکاران در زمین پس آمرزش طلبم از خدایی که

لا اله الا هو الذي لا يغفر الذنوب الا هو اللهم صل على محمد و

نیست خدایی بجز او که نمی‌آمرزد گناه را بجز او خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل

محمد واعني على الدنيا وارزقني خيرها واكره الي الكفر والفسوق

محمد و مدد کن مرا در دنیا و روزی کن مرا خیر آن و ناخوش گردان بسوی من کفر و [illegible]

والعصيان واجعلني من الراشدين اللهم قوني لعبادتك واستعملني

و نافرمانی را و بگردان مرا از راه یافتگان خداوندا قوت ده مرا برای بندگی خود [illegible]

في طاعتك وبلغني الذي يا رجوا من رحمتك يا ارحم الراحمين

در طاعت خود و برسان مرا بآنچه امیدوارم از رحمت تو ای رحیم‌ترین رحم کنندگان

اللهم اني اسئلك الري يوم الظما والنجاة يوم الفزع الاكبر

خداوندا که من درخواستم ترا سیرابی در روز تشنگی و رستگاری را در روز ترس بزرگتر

والفوز

جمادى الاولى

والفوز يوم الحساب والامن يوم الخوف واسالك النظر الى وجهك

و رستگاری در روز حساب و ایمنی در روز ترس و درخواستم از تو نگریستن بسوی [illegible]

الكريم والخلود في جنتك في دار المقامة من فضلك والسجود يوم

بزرگوار و جاوید ماندن در بهشت تو در سرای اقامت از فضل تو و سجده کردن در روزی

يكشف عن ساق والظل يوم لا ظل الا ظلك ومرافقة انبيائك ورسلك

[illegible]

واوليائك اللهم اغفر لي من ذنوبي وما اخرت وما اسررت و

ما قدمت م

آنچه پیش داشتم

اعلنت وما اسرفت على نفسي وما انت اعلم به مني وارزقني التقى والهدى

انت م

و

[illegible]

والعفاف والغنى ووفقني للعمل بما تحب وترضى اللهم اصلح لي

[illegible]

ديني الذي هو عصمة امري واصلح لي دنياي التي فيها معاشي

دین مرا که آن نگاه دارنده امر منست و باصلاح آور برای من دنیای مرا که در آنست زندگانی

واصلح لي اخرتي التي اليها منقلبي واجعل الحيوة زيادة لي في كل

و باصلاح آور برای من آخرت مرا که بسوی آنست بازگشتن من و بگردان زندگانی را زیادتی برای من در هر

خير واجعل الموت راحة لي من كل سوء اللهم اني اسئلك

نیکی و بگردان مرگ را آسایش برای من از هر بدی خداوندا [illegible]

يا رب الارباب ويا سيد السادات ويا مالك الملوك ان ترحمني

ای پروردگار پروردگاران و ای بزرگ بزرگان و ای پادشاه پادشاهان اگر رحم کنی

وتستجيب لي وتصلحني فانه لا يصلح من صلح من عبادك الا انت

و اجابت کنی مرا و باصلاح آوری زیرا که بتحقیق باصلاح [illegible] از بندگان تو بجز تو

فانك انت ربي وثقتي ورجائي ومولاي وملجائي ولا راحم

زیرا که بتحقیق تو پروردگار منی و اعتماد منی و امید منی و آقای منی [illegible]

لی غیرک ولا مغیث لی سواک ولا مالک لی سواک ولا مجیب الا انت انا

مرا غیر تو و نه فریادرسی مرا سوای تو و نه مالکی سوای تو و نه اجابت کننده‌ای مگر تو بنده توام

عبدک وابن عبدک وابن امتک الخاطئ الذی وسعته رحمتک وانت

بنده تو و پسر کنیز توام آن بنده خطاکاری که فرا گرفته او را رحمت تو و تو

العالم بحالی وحاجتی وکثرة ذنوبی والمطلع علی اموری کلها فاسئلک

دانائی بحال من و حاجت من و بسیاری گناهان من و مطلع بر کارهای من همه آنها پس سؤال میکنم

یا لا اله الا انت ان تغفر لی ما تقدم من ذنبی وما تأخر ولا تدع لی ذنبا

ای آنکه نیست خدائی مگر تو که بیامرزی برای من آنچه گذشته از گناهان من و آنچه مانده و مگذار برای من گناهی

الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا حاجة الا هی لک رضی الا قضیتها

مگر آنکه بیامرزی او را و نه غمی مگر آنکه زائل کنی او را و نه حاجتی که آن خشنودی تو در آن باشد مگر آنکه روا کنی

ولا عیبا الا اصلحته اللهم وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة

و نه عیبی مگر آنکه باصلاح آوری آنرا خداوندا و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت

حسنة وقنی عذاب النار اللهم اعنی علی اهوال الدنیا وبوائق الدهر

نیکی و نگاهدار مرا از عذاب آتش خداوندا مدد کن مرا بر شدائد دنیا و حوادث روزگار

ومصیبات اللیالی والایام واحرسنی من شر ما یعمل الظالمون فی

و گرفتاری که میرسد در شبها و روزها و نگهبان کن مرا از شر آنچه میکنند ظالمان در

الارض فانه لا حول ولا قوة الا بک اللهم انی اسئلک ایمانا

زمین زیرا که بتحقیق نیست قدرتی و نه قوتی مگر بتو خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو ایمانی

ثابتا وعملا متقبلا ودعاء مستجابا ویقینا صادقا وقولا طیبا وقلبا

ثابت و کرداری مقبول و دعائی پذیرفته و یقینی راست و درست و گفتاری پاکیزه و دلی

شاکرا وبدنا صابرا ولسانا ذاکرا اللهم انزع حب الدنیا وعفوها

سپاسگزار و تنی شکیبا و زبانی ذکرکننده خداوندا برکن دوستی دنیا را و [illegible]

وذکرها وشهوتها من قلبی اللهم انک بکرمک تشکر الیسیر

و یاد آنرا و خواهش آنرا از دل من خداوندا بدرستیکه تو بکرم و بزرگواری خود جزا میدهی عمل

اللهم

اللهم

من عملی

من عملی فاعف لی الکثیر من ذنوبی وکن لی ولیا ونصیرا ومتبعا

اندک را از من پس درگذر برای من بسیار از گناهان من و باش برای من دوست و یاور و [illegible]

وحافظا اللهم هب لی قلبا اشد رهبة لک من قلبی ولسانا اکثر

و حفظ کننده خداوندا ببخش مرا دلی سخت ترسنده مر ترا از دل من و زبانی بیشتر

لک ذکرا من لسانی وجسما اقوی علی طاعتک وعبادتک من

برای تو در ذکر کردن از زبان من و بدنی تواناتر بر طاعت تو و پرستش تو از

جسمی اللهم انی اعوذ بک من زوال نعمتک ومن فجاءة نقمتک ومن

بدن من خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از زوال نعمت تو و از ناگاه آمدن عقوبت تو و از

تحول عافیتک ومن حلول غضبک واعوذ بک من جهد البلاء ودرک

گردیدن عافیت تو و از فرود آمدن غضب تو و پناه میبرم بتو از سختی بلا و دریافتن

الشقاء ومن شماتة الاعداء وسوء القضاء فی الدنیا والآخرة

بدبختی و از شادی دشمنان و بدی حکم در این جهان و آن جهان

اللهم انی اسئلک باسمک الکریم وعرشک العظیم وملکک القدیم

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بنام بزرگوار تو و عرش عظیم تو و پادشاهی دیرینه

یا وهاب العطایا ویا مطلق الاساری ویا فکاک الرقاب ویا کاشف

ای بخشنده عطاها و ای رها کننده بستگان و ای خلاصی دهنده گردنها و ای برطرف کننده

العذاب اسئلک ان تخرجنی من الدنیا سالما غانما وان تدخلنی الجنة

عذاب سؤال میکنم از تو آنکه بیرون بری مرا از دنیا سالم از گناه [illegible] و داخل کنی مرا در بهشت

برحمتک امنا وان تجعل اول شهری هذا صلاحا واوسطه فلاحا

برحمت خود ایمن و آنکه بگردانی اول این ماه مرا شایستگی و میان آنرا رستگاری

وآخره نجاحا انک انت علام الغیوب مولف گوید که کلینی بسند صحیح

و آخر آنرا فیروزی بدرستیکه تو توئی دانای نهانها از حضرت صادق روایت کرده

است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها هفتاد و پنج روز بعد از

حضرت رسالت صلی الله علیه وآله زنده بود پس بنابر مشهور که وفات

حضرت رسول در بیست و هشتم ماه صفر بوده باشد و وفات حضرت
فاطمه صلوات الله علیها در سیزدهم یا چهاردهم یا پانزدهم ماه جمادی
الاولی باشد پس زیارت آن حضرت درین روز مناسب است خصوصاً
در چهاردهم که ظاهرتر است و شیخ مفید علیه الرحمة گفته است که
در شب پانزدهم اینماه حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه متولد
شده است و روز شریفی است و مستحب است که روزه بدارند و اعمال
خیر از عبادات و تصدقات بجا آورند و شیخ طوسی گفته است که فتح بصره
برای امیر المؤمنین نیز درین روز میسر شد مؤلف گوید که زیارت هر دو امام
درین روز مناسب است و اگر زیارت جامعه کبیره در این قسم ایام بخوانند
چنانچه مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی بهتر است فصل دویم در اعمال
ماه جمادی الثانیه است سید بن طاوس رضی الله عنه روایت کرده است
که در اینماه در هر روز که خواهد سنت است که چهار رکعت نماز بکند
یعنی بدو سلام و در رکعت اول بعد از سوره فاتحه یکمرتبه آیة الکرسی
بخواند و بیست و پنجمرتبه انا انزلناه و در رکعت دویم یکمرتبه الهیکم
التکاثر و بیست و پنج مرتبه قل هو الله و در رکعت سیم یک مرتبه قل یا
ایها الکافرون و بیست و [پنج] مرتبه قل اعوذ برب الفلق و در رکعت چهارم یک
مرتبه اذا جاء نصر الله و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الناس و بعد
از سلام رکعت چهارم هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله و لا
اله الا الله والله اکبر و هفتاد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد
پس سه مرتبه بگوید اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات پس سر بسجده
بگذارد و سه مرتبه بگوید یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام یا الله
یا رحمن یا رحیم یا ارحم الراحمین پس هر حاجت که دارد از حق تعالی
طلب نماید هر که چنین کند خدا خودش را و مالش را و فرزندانش را
و زنان او را و دین و دنیای او را حفظ کند و اگر درین سال بر شهادت

یعنی ثواب شهیدان داشته باشد و شیخ بزرگوار محمد بن جریر طبری
در کتاب دلایل الامامه بسند معتبر از حضرت صادق روایت
کرده است که ولادت با سعادت حضرت فاطمه صلوات الله علیها
در بیستم ماه جمادی الثانیه واقع شد و شیخ طوسی و سید بن طاوس
و دیگران چنین ذکر کرده اند و اگرچه وفات منافی روایتی است که
ذکر کردیم اما چون مشهور است و روایت معتبر دارد باید که در روز
نهم ربیع الاول آن حضرت بیرون بیایند و زیارت آن حضرت بکنند و لعن
بسیار بر قاتلان آن حضرت و غاصبان حق او بکنند خصوصاً ابوبکر
و عمر و قنفذ غلام عمر و در روز بیستم بازان حضرت را زیارت کنند و
چنانچه شیخ مفید گفته است اظهار سرور و خوشحالی بکنند و روزه
بدارند و تصدقات و اعمال خیر بکنند و زیارت آن حضرت بدو طریق
وارد شده است اول آنکه سید بن طاوس روایت کرده است که هر که
زیارت کند آن حضرت را باین زیارت که بگوید السلام علیک یا سیدة
نساء العالمین السلام علیک یا والدة الحجج علی الناس اجمعین السلام

زنان جهانیان درود بر تو ای مادر حجت بر آدمیان همه درود

علیک ایتها المظلومة الممنوعة حقها پس بگوید اللهم صل علی امتک و ابنة

بر تو ای ستم رسیده منع کرده شده از حق خود خداوندا رحمت بفرست بر کنیز خود و دختر

نبیک و زوجة وصی نبیک صلوة تزلفها فوق زلفی عبادک المکرمین

پیغمبر خود و زن وصی پیغمبر خود درود [illegible] که او را بالای نزدیکی بندهای گرامی

من اهل السموات والارضین پس طلب آمرزش کند از خدا

از اهل آسمانها و زمینها

حق تعالی گناهان او را بیامرزد
و او را داخل بهشت کرداند و این زیارت جامعه مختصر معتبر است
و همه وقت میتوان کردن دویم زیارت مبسوطی است که علما ذکر کرده
اند در کتب زیارات و سندش بنظر فقیر نرسیده است و این زیارت

إنسية السلام عليك يا بنت رسول الله السلام عليك يا بنت
سلام بر تو ای دختر رسول خدا درود بر تو ای دختر
نبي الله السلام عليك يا بنت حبيب الله السلام عليك يا بنت
پیغمبر خدا درود بر تو ای دختر دوست خدا درود بر تو ای دختر
خليل الله السلام عليك يا بنت صفي الله السلام عليك يا بنت أمين
دوست خالص خدا درود بر تو ای دختر برگزیده خدا درود بر تو ای دختر امین
الله السلام عليك يا بنت خير خلق الله السلام عليك يا بنت أفضل
خدا درود بر تو ای دختر بهترین خلق خدا درود بر تو ای دختر بهترین
أنبياء الله السلام عليك يا بنت خير البرية السلام عليك يا سيدة
پیغمبران خدا درود بر تو ای دختر بهترین خلایق درود بر تو ای بزرگ
نساء العالمين من الأولين والآخرين السلام عليك يا زوجة ولي
زنان جهانیان از پیشینیان و پسینیان درود بر تو ای زن دوست
الله وخير خلقه بعد رسول الله السلام عليك يا أم الحسن و
خدا و بهترین خلق او بعد از رسول خدا سلام بر تو ای مادر حسن و
الحسين سيدي شباب أهل الجنة السلام عليك يا أم المؤمنين
حسین دو بزرگ جوانان اهل بهشت درود بر تو ای مادر مؤمنان
السلام عليك أيتها الصديقة الشهيدة السلام عليك أيتها الرضية
درود بر تو ای راستگوی شهید درود بر تو ای خوشنود شده
المرضية السلام عليك أيتها الصادقة الرشيدة السلام عليك
پسندیده درود بر تو ای راستگوی راه یافته درود بر تو
أيتها الفاضلة الزكية السلام عليك أيتها الحوراء الإنسية
ای صاحب فضل و زیاده پاکیزه درود بر تو ای حوری آدمی
السلام عليك أيتها التقية النقية السلام عليك أيتها المحدثة
درود بر تو ای پرهیزکار پاک درود بر تو ای سخن گفته شده

العليمة السلام عليك أيتها المعصومة المظلومة السلام عليك
دانا درود بر تو ای نگاه داشته شده ستم رسیده درود بر تو
أيتها الطاهرة المطهرة السلام عليك أيتها المضطهدة المغصوبة
ای پاک پاکیزه گردیده شده درود بر تو ای مقهور کرده شده غارت رسیده
السلام عليك أيتها الغراء الزهراء السلام عليك يا فاطمة بنت
درود بر تو ای بهشت با سفید درخشنده درود بر تو ای فاطمه دختر
محمد رسول الله ورحمة الله وبركاته صلى الله عليك يا مولاتي
دختر محمد رسول خدا و رحمت خدا و برکتهای او رحمت فرستد خدا بر تو ای خاتون من
وابنة مولاي وعلى روحك وبدنك أشهد أنك مضيت على بينة
و دختر آقای من و بر جان تو و بدن تو گواهی میدهم که تو گذشتی بر حجت روشن
من ربك وأن من سرك فقد سر رسول الله صلى الله عليه وآله وم
از پروردگار تو و بتحقیق که هر که شاد کرد ترا پس بتحقیق شاد کرده رسول خدا را رحمت فرستد خدا بر او و آل او و هر که
آذاك فقد آذى رسول الله ومن جفاك فقد جفا رسول الله صلى الله
آزرده ترا پس بتحقیق آزرده رسول خدا را و هر که جفا کرد ترا پس بتحقیق جفا کرده رسول خدا را رحمت فرستد
عليه وآله ومن وصلك فقد وصل رسول الله ومن قطعك فقد
بر او و آل او و هر که پیوست بتو پس بتحقیق پیوست برسول خدا و هر که برید از تو پس
قطع رسول الله لأنك بضعة منه وروحه التي بين جنبيه كما قال
بریده از رسول خدا زیرا که تو جزو بدنه اوئی و جان او که میان دو پهلوی اوست چنانکه گفت
عليه أفضل الصلوة وأكمل السلام أشهد الله وملائكته أني راض
بر او باد بهترین درودها و کاملترین درودها گواه میگیرم خدا را و فرشتگان او را که من
لمن والاك وعدو لمن عاداك وحرب لمن حاربك أنا يا مولاتي بك وبأبيك
آنرا که دوست دارد ترا دوستم و آنرا که دشمن ترا دشمنم و آنرا که جنگ کرد با تو جنگم ای خاتون من بتو و پدر تو
وبعلك والأئمة من ولدك موقن وبولايتهم مؤمن وطاعتهم
و شوهر تو و پیشوایان از فرزندان تو یقین دارنده‌ام و بدوستی ایشان گرونده‌ام و فرمانبرداری ایشان

مُلتزم أشهد أنّ الدّين دينهم والحكم حكمهم وهم قد بلّغوا عن الله عزّ

بخود گیرنده گواهی میدهم که دین دین ایشانست و حکم حکم ایشانست و ایشان بتحقیق رسانیده‌اند از خدای

وجلّ ودعوا إلى سبيل الله بالحكمة والموعظة الحسنة لا تأخذهم في

عزیز و بزرگوار است و خواندند آدمی را براه خدا بدلایل محکم و پند نیکو فرا نگیرد ایشان را در

الله لومة لائم وصلوات الله عليك وعلى أبيك وبعلك وذرّيّتك

خدا سرزنش سرزنش کننده و رحمت خدا بر تو و بر پدر تو و شوهر تو و فرزندان

الأئمّة الطاهرين اللّهمّ صلّ على محمّد وأهل بيته وصلّ على البتول

که پیشوایان پاکانند خداوندا رحمت فرست بر محمد و اهل بیت او و رحمت فرست بر آن بریده از دنیا

الطاهرة الصدّيقة المعصومة التقيّة النقيّة الرضيّة الزكيّة

پاک که بغایت راستگوی نگاه داشته شده پرهیزکار پاکیزه پسندیده پاک

الرّشيدة المظلومة المقهورة المغصوبة حقّها الممنوعة إرثها المكسور

راه یافته ستمدیده قهر کرده شده که غصب کرده شده حق او منع کرده شده میراث او شکسته

ضلعها المظلوم بعلها المقتول ولدها فاطمة بنت رسولك وبضعة

پهلوی او ستمکرده شده شوهر او کشته شده فرزند او یعنی فاطمه دختر پیغمبر تو و پاره

لحمه وصميم قلبه وفلذة كبده والنّخبة منك له والتّحفة خصصت

گوشت او و خلاصه دل او و قطعه جگر او و انتخاب کرده تو برای او و تحفه تو مخصوص گردانیدی

بها وصيّه وحبيبة المصطفى وقرينة المرتضى وسيّدة النّساء و

باو وصی پیغمبر و دوست برگزیده او را و همسر پسندیده او را و بزرگ زنان و

ومبشّرة الأولياء وحليفة الورع والزّهد وتفّاحة الفردوس

و مژده دهنده دوستان و جانشین پرهیزکاری و زهد و سیب بوستان

والخلد الّتي شرّفت مولدها بنساء الجنّة وسللت منها أنوار الأئمّة

و بهشت جاوید آنکه شریف کردی جای ولادت او را بزنان بهشت و بیرون آوردی از او نورهای پیشوایان

وأرخيت دونها حجاب النّبوّة اللّهمّ صلّ عليها صلوة تزيد في محلّها

و فرو هشتی در پیش او پرده نبوت را خداوندا رحمت فرست بر او رحمتی که بیفزاید در مرتبه او

عندك وشرّفها لديك ومنزلتها من رضاك وبلّغها منّا تحيّة وسلاما

نزد تو و شرف او نزد تو و منزلت او در خوشنودی تو و برسان او را از ما درود و سلام

وآتنا من لدنك في حبّها فضلا وإحسانا ورحمة وغفرانا إنّك ذو العفو

و بده ما را از نزد خود در دوستی او بخشش و نیکوئی و بخشایش و آمرزش بدرستیکه تو خداوند درگذشتن

الكريم سیّد ابن طاوس علیه الرحمة گفته است پس نماز زیارت بکن و اگر نتوانی

بزرگ

نماز آن حضرت را بجا آور و آن دو رکعت است و در هر رکعت بعد

از فاتحه شصت مرتبه سوره قل هو الله بخواند و اگر نتوانی دو رکعت بکن و

در رکعت اول بعد از حمد یکمرتبه سوره قل هو الله بخوان و در رکعت دوم

سوره قل یا ایها الکافرون بخوان و بعد از نماز تسبیح آن حضرت را بخوان

و این دعا را اللّهمّ إنّي أتوجّه إليك بنبيّنا محمّد وبأهل بيته صلواتك عليهم

بخوانند خداوندا بدرستیکه من رو میکنم بسوی تو بوسیله پیغمبر ما محمد و بوسیله خانواده او درود تو بر ایشان

وأسألك بحقّك العظيم عليهم الّذي لا يعلم كنهه سواك وأسألك

و درخواست میکنم از تو بحق تو که بزرگست بر ایشان که نمیداند پایانش را غیر تو و درخواست میکنم از تو

بحقّ من حقّه عندك عظيم وبأسمائك الحسنى الّتي أمرتني أن أدعوك

بحق آنکه حق او نزد تو بزرگست و بنامهای تو که نیکست آن نامها که امر کردی مرا که بخوانم ترا

بها وأسألك باسمك الأعظم الّذي أمرت به أن يدعو به الطير

ابرهیم

بآنها و درخواست میکنم از تو بنام تو که بزرگست آن نامی که امر کردی ابراهیم را که بخواند بآن مرغان را

فأجابته وأسألك باسمك العظيم الّذي قلت للنّار كوني بردا وسلاما

بآن نام

پس اجابت کردند مرغان او را و درخواست میکنم از تو بنام بزرگ تو آن نامیکه گفتی مر آتش را باش سرد و سلامت

على إبراهيم فكانت وبأحبّ الأسماء إليك وأشرفها وأعظمها لديك

بر ابراهیم پس گشت چنان و بدوست ترین نامها بسوی تو و شریف ترین آنها و عظیم ترین آنها نزد تو

وأسرعها إجابة وأنجحها طلبة وبما أنت أهله ومستحقّه ومستوجبه

و شتابنده ترین آنها باجابت و برآورنده ترین آنها حاجت را و بآنچه تو سزاوار آنی و مستحق آنی و مستوجب آنی

وأتوسّل إليك وأرغب إليك وأتضرّع وألحّ عليك وأسألك بكتبك

و وسیله میجویم بسوی تو و خواهش میکنم بسوی تو و زاری میکنم و مبالغه میکنم بر تو و درخواست میکنم از تو بحق کتابهای تو

الّتی انزلتها علی انبیائک ورسلک صلواتک علیهم من التوریة والانجیل

که فرو فرستادی آنها را بر پیغمبران خود و فرستادگان خود درودهای تو بر ایشان از توریة و انجیل

والزبور والقرآن العظیم فانّ فیها اسمک الاعظم وبما فیها من اسمائک

و زبور و قرآن بزرگ زیرا که بتحقیق هست در آنها نام بزرگتر تو و بحق آنچه در آنهاست از نامهای

العظمی ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تفرّج عن آل محمّد وشیعتهم

بزرگتر تو اگر رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه زایل کنی غم از آل محمد و پیروان آنها

ومحبّیهم وعنّی وتفتح ابواب السّماء لدعائی وترفعه فی علّیّین وتأذن

و دوستان آنها و از من و بگشائی درهای آسمان را برای خواندن من و بلند گردانی او را در اعلی علیین و دستوری دهی

فی هذا الیوم وفی هذه السّاعة بفرجی واعطاء املی وسؤلی فی الدّنیا

در این روز و در این ساعت بگشایش غم من و بخشش آرزوی من و سؤال من در دنیا

والآخرة یا من لا یعلم احد کیف هو وقدرته الّا هو یا من سدّ الهواء

و آخرت ای آنکه نمیداند هیچکس چگونگی او و قدرت او را مگر او ای آنکه بر بسته هوا را

بالسّماء وکبس الارض علی الماء واختار لنفسه احسن الاسماء یا من

با آسمان و برافشانده زمین را بر آب و برگزیده برای ذات خود بهترین نامها را ای آنکه

سمّی نفسه بالاسم الّذی تقضی به حاجة من یدعوه اسألک بحقّ

نامیده ذات خود را بنامیکه برآورده میشود بآن حاجت هر که بخواند او را [illegible] بحق

ذلک الاسم فلا شفیع اقوی لی منه ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وتقضی

آن نام پس نیست درخواست کننده توانا تر برای من از او آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و برآوری

لی حوائجی وتسمع بمحمّد وعلیّ وفاطمة والحسن والحسین وعلیّ بن

برای من حاجتهای مرا و بشنوی بمحمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی پسر

الحسین ومحمّد بن علیّ وجعفر بن محمّد وموسی بن جعفر وعلیّ بن موسی

حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی

ومحمّد بن علیّ وعلیّ بن محمّد والحسن بن علیّ والحجّة المنتظر لامرک

و محمد پسر علی و علی پسر محمد و حسن پسر علی و حجت انتظار برده شده مر امر ترا



صلواتک وسلامک ورحمتک وبرکاتک علیهم ضوئی لیشفعوا الیک و

رحمتهای تو و درودهای تو و بخشش تو و برکتهای تو بر ایشان [illegible] مرا تا آنکه درخواست کنند بسوی تو

تشفّعهم فیّ ولا تردّنی خائبا بحقّ لا اله الّا انت پس حاجتهای خود را طلب کند

بپذیری شفاعت آنها را در حق من و بازنگردانی مرا نا امید بحق آنکه نیست خدائی مگر تو است که بر آورده است **باب دهم**

در اعمال هر ماه است بدانکه در وقت دیدن ماه نو خواه در شب اول و خواه دوم

و خواه سیم مستحب است که دعاهای منقوله را بخوانند و بهترین آنها دعای

صحیفه کامله است که دعای چهل و سیم است و هفت مرتبه سوره حمد به

خواند برای دفع درد چشم منقولست و اندک پنیر خوردن که [illegible] مستحب است

و از حضرت صادق منقولست که نیکو لقمه ایست پنیر دهانرا شیرین و خوشبو میکند

و اشتهای طعام می آورد و باعث هضم طعام میشود و هر که در اول ماه بخورد

حاجت او رد نمیشود و از حضرت صادق منقولست که هر که در شب اول ماه

دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از سوره فاتحه سوره انعام بخواند

و از حقتعالی سوال کند که او را از هر ترسی و دردی ایمن گرداند نه بیند

در آن ماه امری را که مکروه او باشد و از حضرت امام محمد تقی منقولست که چون

ماه نو در آید در روز اول ماه دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد

سی مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و در رکعت دویم بعد از حمد سی مرتبه

سوره انا انزلناه بخوان و بعد از نماز تصدق بکن چون چنین کنی سلامتی

آن ماه را از حقتعالی خریده و در روایت دیگر وارد شده است که مستحب است

که بعد از این دو رکعت بسم الله الرحمن الرحیم وما من دابّة فی الارض الّا علی الله

این دعا را بخوانند بنام خدای بخشاینده مهربان نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خدا

رزقها ویعلم مستقرّها ومستودعها کلّ فی کتاب مبین بسم الله الرحمن

روزی آن و میداند قرارگاه آن را و آرامگاه آن را همه اینها در کتابیست هویدا بنام خدای بخشاینده

الرحیم وان یمسسک الله بضرّ فلا کاشف له الّا هو وان یردک بخیر فلا رادّ

مهربان و اگر برساند بتو خدا آزاری پس نیست برطرف کننده مر او را مگر او و اگر خواهد بتو [illegible]

لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ بِسْمِ اللهِ
فضل رحمت او را میرساند آن را بهر که خواهد از بندگان خود و اوست آمرزنده مهربان بنام خدا
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ سَيَجْعَلُ اللهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ
بخشنده مهربان زود است که بگرداند خدا پس از دشواری آسانی آنچه خواسته خدا میشود نیست توانائی مگر بخدا
حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللهِ إِنَّ اللهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ
بس است ما را خدا و نیکو وکیلی است و باز میگذارم کار خود را بسوی خدا بدرستیکه خدا بینا است به بندگان
لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ
نیست خداوندی مگر تو پاکی تو بدرستیکه من هستم از ظالمان پروردگارا بدرستیکه من برای آنچه فرو فرستادی بسوی من
مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ و بدانکه از جمله سنتهای
از خیر محتاجم پروردگارا مگذار مرا تنها و تو بهترین وارثانی مؤکده که حضرت
رسول بر آن مواظبت نمود تا از دنیا رفت روزه سه روز در هر ماه است
و آن موافق مشهور پنجشنبه اول ماه و پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه
اول از دهه میان ماه است و در بعضی از روایات عکس این نیز وارد شده است
یعنی چهارشنبه اول و چهارشنبه آخر و پنجشنبه اول از دهه میان و
اول اشهر و بهتر است و سنن از حضرت تالی واجبات است در فضیلت و
تأکید و آن حضرت نماز سنت را در هر شب و روز دو برابر نماز واجب مقرر
فرمود هشت رکعت نافله پیش از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از نماز عصر
و چهار رکعت بعد از نماز شام و دو رکعت وتیره بعد از نماز خفتن و چون
نشسته کرده میشود برابر یک رکعت است و یازده رکعت نماز شب و دو رکعت
پیش از نماز صبح و اینها متمم فریضه اند و در ثواب و تأکید مثل آنند و
ما فریضه اگر ترک کنند سنت است که قضا کنند و از برای ترک آن کفارت
یک مد از گندم یا جو برای نافله روز و یک مد از برای شب مقرر کرده اند
همچنین روزه سنت دو برابر روزه واجب است که تمام ماه شعبان است و
در ده ماه دیگر هر ماه سه روز و اگر فوت شود سنت است که قضا کنند

و اگر در تابستان دشوار باشد سنت است که در زمستان قضا کنند و
اگر دشوار باشد بدل هر روز یک درهم بدهد که به حساب زر ده
بیستی و سه تار باشد و به حساب زرهای ناقص این زمان چهار ده غاز
بکی است یا یک مد گندم که بحساب وسط صد درم بوزن قدیم اصفهان باشد
و اگر صد درم شاه بدهد احوط است و درهم دادن بهتر است و بسند
صحیح از حضرت صادق منقول است که حضرت رسول مدتی روزه سنت
انقدر گرفت که مردم گمان کردند که هرگز افطار نه خواهد کرد و مدتی
افطار کرد که گمان کردند که دیگر روزه سنت نه خواهد گرفت پس مدتی
روزه حضرت داود گرفت که یک روز روزه میداشت و یک روز افطار میفرمود
پس اکتفا نمود آخر عمر بروزه سه روز در هر ماه بنحوی که گذشت تا آنکه
بر امت آسان باشد متابعت آن حضرت و فرمود که این روزه برابر است ثواب
با روزه تمام سال و وسواس و شیطانی را از سینه برطرف میکند راوی
پرسید که کدام روزها است فرمود که پنجشنبه اول و چهارشنبه اول
دهه دویم و پنجشنبه آخر پرسید که چرا این روزها روزه میدارند فرمود
برای آنکه عذاب بر امتهای سابق در این روزها نازل میشده است پس
امر کرد که در این روزها روزه بدارند برای دفع عذاب و در روایت دیگر
فرمود که پنجشنبه را برای این روزه بدارند که اعمال بندگان را در این روز
بر خدا عرض میکنند و چهارشنبه میان را برای این روزه میدارند که آتش
جهنم در روز چهارشنبه خلق شده است و روزه سپر آتش جهنم است و بروایت
دیگر هر عذاب که بر امتهای سابق نازل شده است در چهارشنبه میان ماه
نازل شده است و اگر در دهه اول دو پنجشنبه باشد پنجشنبه اول را گرفتن
بهتر است و اگر متیسر نشود پنجشنبه دویم را بگیرند و اگر در دهه آخر دو پنج
شنبه بوده باشد موافق مشهور پنجشنبه دویم افضل است چنانچه در حدیث
وارد شده است و در روایت دیگر وارد شده است که پنجشنبه اول

بهتر است و بعضی حمل کرده‌اند بر صورتی که محتمل باشد که پنجشنبه دوم
اول ماه دیگر باشد و بسند صحیح از حضرت صادق منقولست که کسی
که در هر ماه این سه روز را روزه دارد باید با هیچ کس مجادله نکند و سفا
هت و تند خوئی و بیخردی نکند و مبادرت نکند بسوگند خوردن بجا و اگر
کسی با او سفاهت و بیخردی کند درگذرد و معارضه نکند و اگر در این ایام
روزه باشد و بخانه برادر مؤمن وارد شود و او تکلیف کند افطار کردن
بهتر است از روزه داشتن به هفتاد برابر یا نود برابر چنانکه در حدیث
معتبر از حضرت صادق منقولست و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که
داخل شود بخانه برادر مؤمن خود و روزه باشد و افطار کند و اظهار نکند
که روزه‌ام که برا و منت گذارد حقتعالی ثواب روزه یک سال برای او
بنویسد و اگر این سه روز را از اول یا میان یا آخر ماه بعمل آورد خوبست
و فی الجمله متابعت سنت کرده است و ثواب روزه یک سال میابد
چنانچه حقتعالی میفرماید من جاء بالحسنة فله عشر امثالها یعنی
هر که حسنه بدرگاه خدا بیاورد برای او هست ده برابر آن و این مضمون
در احادیث بسیار وارد شده است اما بهتر آنست که بنحوی باشد که
اول مذکور شد و از جمله روزهای سنت روزه ایام البیض است از هر ماه
یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و احادیث در فضیلت این سه روز
از طریق عامه و خاصه منقولست و در بعضی از روایات وارد شده است
که چون حضرت آدم مرتکب آن مکروه شد در بهشت و او را بزمین فرستادند
بدنش سیاه بود یا بعد از قبول توبه خط سیاهی از سر تا پای او مانده بود
چون ملائکه آن حال را دیدند خروش برآوردند و گریستند و استغاثه
کردند بدرگاه حق تعالی پس منادی از آسمان ندا کرد که امروز را روزه
بدار روز سیزدهم ماه بود چون روزه داشت ثلث از سیاهی برطرف
شد پس در روز چهاردهم ندا رسید که امروز را روزه بدار چون روزه

داشت یک ثلث دیگر برطرف شد پس در روز پانزدهم باز ندا باو رسید که
امروز را روزه بدار چون روزه داشت تمام آن سیاهی برطرف شد پس باو
ندا رسید از آسمان که ای آدم روزه این سه روز را برای تو و فرزندان تو
مقرر کردم هر که در هر ماه این سه روز را روزه بدارد چنان باشد که تمام
عمر خود روزه باشد و ابن بابویه علیه الرحمه گفته است که روزه دو پنج
شنبه و چهارشنبه بدل ایام البیض مقرر شده است و منافات ندارد
که هر دو سنت باشد و دو پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه میان بهتر
باشد اما اکثر احادیث ایام البیض از طرف عامه است و ابن طاوس علیه
الرحمه از حضرت رسول روایت کرده است که جبرئیل بر من نازل شد و گفت
بگو بعلی که روزه بدار از هر ماه سه روز را نوشته شود برای تو بسبب روز
روز اول روزه ده هزار سال و بروزه روز دویم روزه سی هزار سال و بروز
روز سیم روزه صد هزار سال حضرت امیر گفت یا رسول الله این مخصوص
من است یا برای همه کس است حضرت فرمود که هر که از شیعیان تو این روزها
را روزه بدارد این ثواب از برای او خواهد بود گفتم کدام روزها است زما
فرمود که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم روزهای مرغوب روزه روز
چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه است برای کسی که حاجتی داشته باشد چنانکه در
الاسابیع در ضمن نمازهای حاجت ذکر کردم و مشهور میان علما آنست
که هر پنجشنبه و هر جمعه را روزه گرفتن سنت است مگر آنکه موافق یکی از ایام
محرمه یا مکروهه واقع شود و بسند صحیح از حضرت صادق منقولست که
کسی که اراده عمل خیری داشته باشد مانند تصدق کردن و روزه داشتن
و مثل اینها باید که در روز جمعه بعمل آورد زیرا که ثواب عمل در روز جمعه
مضاعف است و ابن جنید ره گفته است که مستحب نیست که روز جمعه را
تنها گرفتن و اگر ملحق سازد بآن یک روز پیش یا یک روز بعد را جایز است
و گفته است استحباب روزه روز دوشنبه و پنجشنبه منسوخ است

و روزه روز شنبه نهی از آن وارد شده است مؤلف گوید اگرچه ابن جنید
گفته خلاف مشهور است میان علما و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته است
در مصباح که ترغیب در روزه روز جمعه وارد شده است و بهتر آنست
که او را تنها روزه ندارند مگر آنکه یک روز پیش روزه بدارد و گمان
فقیر آنست که نهی از تنها گرفتن روزه روز جمعه محمول بر تقیه است
زیرا که سنیان این حدیث را از ابو هریره نقل کرده اند و بعضی از علمای ایشان
از روزه جمعه را حمل کرده اند بر آنکه کراهت آن در صورتی است که او را
ضعیف گرداند از فرایض و نوافل و دعاهای روز جمعه و این حمل بد
نیست و اما روز دوشنبه احادیث بر نهی از روزه آن واقع شده است
و بهتر ترک آنست خصوصاً هرگاه بقصد برکت روز دوشنبه باشد مگر
آنکه با روز متبرکی از روزهای ماه موافق شود مثل غدیر و مبعث و مولد
و امثال اینها و نهی از روزه شنبه بنظر فقیر نرسیده اما فضیلتی هم
در روزه آن بخاطر ندارم مگر آنکه شیخ مفید قدس سره روایت کرده است
که هر که در یکی از ماه های حرام یعنی رجب و ذی القعده و ذی الحجه و محرم
پنجشنبه و جمعه و شنبه را روزه بدارد حقتعالی ثواب روزه نهصد سال
بنویسد **باب یازدهم** در بیان زیارات حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات
الله علیهم بغیر آنچه سابقا مذکور شد بدانکه زیارت حضرت رسول
خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم در همه اوقات از نزدیک و دور مستحب
است و اگر بعد از غسل باشد افضل است خصوصا در شب و روز جمعه
و سایر ایام و لیالی متبرکه و در کتاب تحفة الزائر بتفصیل ذکر کرده ام
و در این مقام بذکر چند زیارت بعید و زیارت جامعه و دعای ندبه
و صلوات فرستادن بر ایشان اکتفا مینمایم اما زیارت حضرت رسالت
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حقتعالی را ملکی چند
هست که منتشرند در زمین و هر که از امت من بر من سلام میفرستد



بمن میرسانند و از حضرت امام محمد باقر منقولست که ملکی از ملائکه
از خدا سؤال نمود که هر چه بندگان خدا گویند او بشنود و حقتعالی باو
عطا کرد پس آن ملک ایستاده است تا روز قیامت و هر که از مؤمنان
بگوید صلی الله علی محمد و آله و سلم البته آن ملک میگوید و علیک یعنی
بر تو باد نیز سلام پس آن ملک میگوید یا رسول الله فلان شخص سلام
رسانیده است بر شما پس حضرت میفرماید و علیک السلام یعنی بر او
باد نیز سلام و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در هر جای زمین بر زمین
بر من سلام کند بمن میرسد و هر که نزد قبر بر من سلام کند من میشنوم
و در حدیث حسن از حضرمی منقولست که حضرت صادق مرا امر فرمود
که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار نماز کنم تا توانم و فر
مود که همیشه ترا میسر نمیشود که باینمکان شریف بیائی و فرمود که نزد
قبر رسول صلی الله میروی گفتم بلی فرمود که بدرستی که سلامی که از
نزدیک میکنی آن حضرت میشنود و اگر دور باشی سلامت بآن حضرت
میرسد و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که بروید بمدینه
و سلام کنید بر رسول خدا صلی الله علیه و آله هر چند صلوات مؤ
منان در هر جا که بفرستند بآن حضرت میرسد و در حدیث صحیح
از آن حضرت منقولست که صلوات فرستید بر حضرت رسول در پهلوی
قبر آن حضرت و این حدیث احتمال نماز هدیه دارد که در نزدیک و دور
نماز کنند و ثوابش را هدیه روح آن حضرت کنند و احادیث صلوات
و سلام بر آن حضرت و زیارات آن حضرت در شهرهای دور بسیار است
و بسند صحیح منقولست که ابن ابی نصر بخدمت حضرت امام رضا عرض
کرد که بعد از نماز چگونه صلوات و سلام که میگوئی السلام علیک یا ابا
بر حضرت رسول صلی الله علیه باید فرستاد فرمود بسلام بر تو ای

يَا رَسُولَ اللّٰهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللّٰهِ

ای رسول خدا و رحمت خدا و برکتهای او درود بر تو ای محمد پسر عبد الله

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ

درود بر تو ای برگزیده خدا درود بر تو ای دوست خدا درود

عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِينَ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ رَسُولُ

بر تو ای برگزیده خدا درود بر تو ای امین خدا گواهی میدهم که تو رسول

اللّٰهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ

خدائی و گواهی میدهم که تو محمد پسر عبد الله و گواهی میدهم که بتحقیق پند دادی امت خود را

وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهُ حَتّٰى اَتَاكَ الْيَقِينُ فَجَزَاكَ اللّٰهُ يَا رَسُولَ

و کارزار نمودی در راه پروردگار خود و پرستیدی او را تا آنکه آمد ترا مرگ پس پاداش دهد ترا خدا ای رسول

اللّٰهِ اَفْضَلَ مَا جَزٰى نَبِيًّا عَنْ اُمَّتِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ مَا

خدا بهتر از آنچه پاداش داده پیغمبری را از امت او خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد بهتر از آنچه

صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيمَ وَآلِ اِبْرَاهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ و در روایت معتبر از حضرت

رحمت فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگواری صادق منقولست که هرکه

خواهد زیارت کند قبر حضرت رسول و قبر امیر المؤمنین و فاطمه و حسن

و حسین و قبرهای حجتهای خدا را و او در شهر خود باشد پس غسل کند

در روز جمعه و دو جامه پاکیزه بپوشد و بر فوق بام رود بصحرائی پس چهار رکعت

نماز بکذارد با هر سوره که میسر باشد پس بایستد رو بقبله و بگو اَلسَّلَامُ

عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ درود

بر تو ای پیغمبر و رحمت خدا و برکتهای او درود بر تو ای پیغمبر

الْمُرْسَلُ وَالْوَصِيُّ الْمُرْتَضٰى وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْرَاءُ وَالسِّبْطَانِ الْمُنْتَجَبَانِ وَ

فرستاده شده و ای وصی پسندیده و ای خاتون درخشنده و ای دو فرزند برگزیده پیغمبر و

الْاَوْلَادُ الْاَعْلَامُ وَالْاُمَنَاءُ الْمُنْتَجَبُونَ جِئْتُ اِنْقِطَاعًا اِلَيْكُمْ وَاِلٰى آبَائِكُمْ

ای فرزندان پیغمبر که نشانهای راه دین اند و امینان برگزیده آمدم بریده از خلق بسوی شما و بسوی پدران

مخلصا

وَوَلَدِكُمُ الْخَلَفِ عَلٰى بَرَكَةِ الْحَقِّ فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ

و فرزند شما که جانشین شماست بر برکت حق پس دل من برای شما تسلیم است و یاری من برای شما مهیاست

حَتّٰى يَحْكُمَ اللّٰهُ لِدِينِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ اِنِّي لَمِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ مُقِرٌّ

تا آنکه حکم کند خدا برای دین خود پس با شما هستم با شما نه با دشمن شما بدرستیکه من هر آینه از آنانم که قائلند بفضل شما

بِرَجْعَتِكُمْ لَا اُنْكِرُ لِلّٰهِ قُدْرَةً وَلَا اَزْعُمُ اِلَّا مَا شَاءَ اللّٰهُ سُبْحَانَ اللّٰهِ ذِي

بازگشت شما انکار نمیکنم برای خدا قدرتی را و اعتقاد نمیکنم مگر آنچه را خواسته خدا پاکست خداوند

الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ يُسَبِّحُ اللّٰهَ بِاَسْمَائِهِ جَمِيعُ خَلْقِهِ وَالسَّلَامُ عَلٰى

سلطنت و پادشاهی تسبیح میکنند خدا را بنامهای او همه خلق او و درود بر

اَرْوَاحِكُمْ وَاَجْسَادِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ و در روایت

جانهای شما و بدنهای شما و سلام بر شما و رحمت خدا و برکتهای او دیگر

وارد شده است که این زیارت را در بام خانه خود بکند و زیارت حضرت

فاطمه صلوات الله علیها سابقا مذکور شد اقسام زیارت حضرت امام حسین

بسندهای معتبر از سدیر صراف منقولست که حضرت صادق بمن گفت

که چه مانع است ترا از اینکه زیارت کنی قبر امام حسین را در هر هفته پنج

مرتبه یا در هر روز یک مرتبه گفتم فدای تو شوم میان من و آن حضرت

فرسخهای بسیار هست فرمود که بالا میروی ببام خانه خود پس ملتفت

میشوی بجانب راست و چپ خود پس سر خود را بسوی آسمان بلند میکنی

پس رو بجانب آن حضرت میکردانی و میگوئی اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

تا نوشته شود برای تو ثواب حجی و عمره سدیر گفت که بسیار است که من

در روزی بیست مرتبه چنین زیارت میکنم و بسند صحیح از آن حضرت

منقولست که کسی که ناحیه اش بعید و خانه اش دور باشد از ما پس بالا

رود ببام خانه خود و دو رکعت نماز بکذارد و اشاره کند بسلام بسوی

قبرهای ما که آن سلام بما میرسد و در حدیث معتبر از سلیمان بن

لدينه
برای دين خود

عیسی منقولست که گفت بپدرم عرض به خدمت حضرت صادق گرچه
گونه ترا زیارت کنم هرگاه قادر برآمدن به خدمت تو نباشم فرمود که
ای عیسی هرگاه قادر برآمدن نباشی چون روز جمعه شود غسل بکن
یا وضو بساز و بالا رو بر بام خانه خود و دو رکعت نماز بکن و متوجه شو
بسوی من بدرستی که هر که مرا زیارت کند در حیات من چنانست
که مرا زیارت کند بعد از موت من و هر که مرا زیارت کند بعد از موت
من چنانست زیارت کرده است مرا در حیات من مؤلف گوید که این حدیث
دلالت میکند بر آنکه درین زمانها حضرت صاحب الامر را در همه موضع
زیارت توان کرد و اگر رو بسامره کند در وقت زیارت بهتر است و بعضی
از زیارات مخصوصه آن حضرت مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی
و در حدیث معتبر دیگر مرویست که حضرت صادق بسدیر گفت که بسیار
زیارت میکنی قبر حسین بن علی را گفت از بسیاری شغل مرا مقدور
نمیشود فرمود که میخواهی ترا چیزی تعلیم کنم که هرگاه بکنی از برای تو
ثواب زیارت آن حضرت نوشته شود گفت بلی فدای تو شوم فرمود
که غسل بکن در خانه خود و بالا رو بر بام خانه خود و اشاره کن بجانب
حضرت به سلام کردن تا نوشته شود برای تو ثواب زیارت و در حدیث
معتبر دیگر منقولست که حنان بن سدیر رفت به خدمت حضرت صادق
نزد آن حضرت جماعتی بودند از اصحاب آن حضرت پس فرمود که ای
حنان زیارت آن حضرت امام حسین میکنی هر ماه یک مرتبه گفت
نه گفت هر دو ماه یک مرتبه گفت نه فرمود که هر سال یک مرتبه
گفت نه یا ابن رسول الله فرمود که چه بسیار جفا کارید بسید و
آقای خود گفت یا رسول الله مانع من کمی توشه و دوری مسافت
است فرمود که میخواهی شما را دلالت کنم بر زیارتی که مقبول باشد هر
چند زیارت کننده دور باشد گفت چگونه زیارت کنم یا ابن رسول

رسول الله فرمود که غسل بکن در روز جمعه یا هر روز که خواهی و بپوش
پاکیزه ترین جامهها بخود را و بالا رو بر بلندترین بامهای خانه خود یا برو
بصحرائی و رو و السلام علیک یا مولای و ابن مولای و سیدی و ابن
بجانب قبر کن درود بر تو ای صاحب من و فرزند صاحب من و بزرگ من و فرزند
سیدی السلام علیک یا مولای یا قتیل ابن القتیل الشهید ابن الشهید
بزرگ من درود بر تو ای صاحب من ای مقتول فرزند مقتول ای شهید فرزند شهید
السلام علیک و رحمة الله و برکاته انا زائرک یا ابن رسول الله بقلبی
درود بر تو و رحمت خدا و برکتهای او من زیارت کننده ام ای فرزند رسول خدا بدل خود
و لسانی و جوارحی و ان لم ازرک بنفسی و المشاهدة لقبتک فعلیک
و بزبان خود و اعضای خود و اگرچه زیارت نکردم ترا بنفس خود و بمشاهده قبه تو پس بر تو باد
السلام یا وارث آدم صفوة الله و وارث نوح نبی الله و وارث ابراهیم
درود ای میراث برنده آدم برگزیده خدا و میراث برنده نوح پیغمبر خدا و میراث برنده ابراهیم
خلیل الله و وارث موسی کلیم الله و وارث عیسی روح الله و کلمته
دوست خدا و وارث موسی همسخن خدا و وارث عیسی روح خدا و کلمه او
و وارث محمد حبیب الله و نبیه و رسوله و وارث علی امیر المؤمنین
و وارث محمد دوست خدا و پیغمبر او و رسول او و وارث علی پادشاه مؤمنان
و وصی رسول الله و خلیفته و وارث الحسن بن علی وصی امیر المؤمنین
و وصی رسول خدا و جانشین او و وارث حسن بن علی و وصی پادشاه مؤمنان
لعن الله قاتلیک و جدد علیهم العذاب فی هذه الساعة و فی کل
لعنت کند خدا کشندگان ترا و تازه گرداند بر ایشان عذاب در این ساعت و در هر
ساعة انا یا سیدی متقرب الی الله جل و عز و الی جدک رسول الله
ساعتی من ای آقای من نزدیکی جوینده ام بسوی خدای بزرگوار و ارجمند و بسوی جد تو رسول خدا
و الی ابیک امیر المؤمنین و الی اخیک الحسن و الیک یا مولای علیک
و بسوی پدر تو پادشاه مؤمنان و بسوی برادرت حسن مجتبی و بسوی تو ای صاحب من بر تو

سلام الله و رحمته و برکاته بزیارتی لک بقلبی و لسانی و جمیع جوارحی
سلام خدا و رحمت او و برکتهای او بر تو بزیارت من ترا بدل خود و زبان خود و همه اعضای
فکن یا سیدی شفیعی لقبول ذلک منی و انا بالبراءة من اعدائک و
پس باش ای بزرگ من شفیع من برای قبول کردن این زیارت از من و من بیزارم از دشمنان تو و
اللعنة لهم و علیهم اتقرب الی الله و الیکم اجمعین فعلیک صلوات
لعنت کردن بایشان و بر ایشان نزدیکی میجویم بسوی خدا و بسوی شما همه پس بر تو باد رحمتهای
الله و رضوانه و رحمته پس اندکی میکردی بجانب چپ خود و رو
خدا و خوشنودی او و بخشش او میکردانی بسوی قبر علی بن الحسین که او در
پایین پای پدر خود مدفون است و سلام میکنی بر او و مثل این سلام پس دعا
میکنی و میطلبی حاجتهای دنیا و آخرت خود را پس چهار رکعت نماز میکنی
که نماز زیارت هشت رکعت است یا شش رکعت یا چهار رکعت یا دو رکعت
و بهترش هشت رکعت است پس رو میکنی بجانب قبر امام حسین و میگویی
انا مودعک یا مولای و ابن مولای و سیدی و ابن سیدی و مودعک
من وداع کننده‌ام ترا ای صاحب اختیار من و فرزند مولای من و بزرگ من و فرزند بزرگ من و وداع کننده‌ام
یا سیدی و ابن سیدی یا علی بن الحسین و مودعکم یا ساداتی یا
ای بزرگ من و پسر بزرگ من ای علی پسر حسین و وداع کننده‌ام شما را ای آقایان من ای
معشر الشهداء فعلیکم سلام الله و رحمته و برکاته و رضوانه
گروه شهیدان پس بر شما باد سلام خدا و رحمت او و برکتهای او و خوشنودی او
مؤلف گوید که چون عبارات این حدیث تشویش و اضطرابی دارد و چند
احتمال دارد بهتر آنست که همین زیارت را با وداع چنانچه رو بقبر
شریف میخواند رو بقبله بکند و بخواند تا آنکه بهمه احتمالات
عمل کرده باشد و در زیارت علی بن الحسین بجای یا وارث در همه جا یا
وارث بخواند تا از وارث قصد وراثت خلافت نکند زیرا که آن
حضرت امام نبوده است و بدانکه این حدیث دلالت میکند بر آنکه از

از دور که زیارت کند نماز زیارت را بعد از زیارت کند و احادیث
بسیار دلالت کرد بر آنکه باید کرد و دور نیست که مخیر باشد و اگر این زیارت را
کند بهمین نحو که وارد شده است بکند و از این احادیث معلوم شد که غسل
از برای زیارت بعید مستحب است و از بعضی هم مفهوم شد که بی غسل
نیز میتوان کرد و از بعضی مستفاد میشود که بر حالی میتوان کرد چنان
چه اکثر علما گفته اند و اگر در بام خانه یا صحرا باشد احوط و اولی است
و در حدیث معتبر از حسین بن ثویر منقولست که بخدمت حضرت صادق
عرض کردم که من بسیار حضرت امام حسین را یاد میکنم چه بگویم فرمود
که سه مرتبه بگو صلی الله علیک یا ابا عبد الله که سلام با آنحضرت از نزدیک
و دور میرسد و شیخ طوسی ره ذکر کرده است که زیارت میتوان کرد
ائمه را از دور چنانچه از نزدیک ایشانرا زیارت میکنند اما در جایی
که آنچنانک زائر آنجا باشد نگوید بلکه بگوید قصدت الیک بقلبی زائرا اذ عجزت عن
حضور مشهدک و وجهت الیک سلامی لعلمی انه یبلغک صلی الله
علیک فاشفع لی عند ربک جل و عز و دعا کن آنچه خواهی و بعضی از اکابر
علما روایت کرده اند از ابو الحسن قادینی که گفت من بسیار بزیارت حضرت
امام حسین میرفتم پس چندی بسبب پیری و کمی مال توفیق زیارت آن
حضرت را نیافتم پس شبی حضرت رسول را در خواب دیدم که حضرت امام
حسن و امام حسین در خدمت آنحضرت بودند چون بنزدیک ایشان
رسیدم امام حسین گفت یا رسول الله این مرد مرا بسیار زیارت میکرد
اکنون ترک کرده است حضرت رسول متوجه من گردید و فرمود که آیا ترک
زیارت مثل حسین میتوان کرد گفتم یا رسول الله قلت مال و پیری مرا مانع
از ادراک این سعادت گردیده است حضرت فرمود که هر شب بر بام خانه خود
برو و با انگشت شهادت و بگو السلام علیک و علی جدک و ابیک السلام
بسوی قبر آنحضرت اشاره کن درود بر تو و بر جد تو و پدر تو درود

علیك وعلی امّك واخیك السّلم علیك وعلی الائمّة من بنیك
بر تو و بر مادر تو و برادر تو درود بر تو و بر پیشوایان از فرزندان تو
السّلم علیك یا صاحب الدّمعة السّاکبة السّلم علیك یا صاحب
سلام بر تو ای خداوند سرشک روان درود بر تو ای صاحب
المصیبة الرّاتبة لقد اصبح کتاب الله فیك مهجورا ورسول الله
مصیبت ثابت هرآینه بتحقیق گردید کتاب خدا در حق تو ترک کرده شده و رسول خدا
فیك موتورا السّلام علیك ورحمة الله وبرکاته السّلم علی
در بارهٔ تو خون وارث درود بر تو و رحمت خدا و برکتهای او درود بر
انصار الله وخلفائه السّلام علی امناء الله واحبّائه السّلام
یاوران خدا و خلیفهای او و سلام بر امانت داران خدا و دوستان او سلام
علی محالّ معرفة الله ومعادن حکمة الله وحفظة سرّ الله واوصیاء
بر جاهای شناخت خدا و قرارگاههای حکمت و علم خدا و نگهبانان رازهای خدا و وصیان

وحملة کتاب الله
بردارندگان کتب خدا

نبیّ الله وذرّیّة رسول الله صلّی الله علیه وآله ورحمة الله وبرکاته
پیغمبر خدا و فرزندان رسول خدا رحمت فرستد خدا براو و آل او و رحمت خدا و برکتهای او
پس هر حاجت که داری از خدا سؤال کن اگر چنین کنی زیارت تو از دور
و نزدیك هر دو مقبول است نماز زیارت سایر ائمّه از نزدیك و دور هشتم
انها زیارت جامعه است که ابن بابویه و دیگران بسند معتبر روایت
کرده اند که شخصی از حضرت امام علی نقی سؤال نمود که ای فرزند رسول
خدا مرا تعلیم نما سخن بلیغ کاملی که آنرا بخوانم هرگاه زیارت بکنم یکی از
شمارا فرمود چون بدرگاه برسی بایست و بگو اشهد ان لا اله الّا الله
وحده لا شریك له واشهد انّ محمّدا صلّی الله علیه وآله عبده ورسوله
و باید که با غسل باشی پس چون داخل شوی و قبر را ببینی بایست و
سی مرتبه الله اکبر بگو پس راه رو با آرام دل و آرام تن و گامها را نزدیك
بیکدیگر بگذار پس بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو پس نزدیك قبر رو

و چهل مرتبه الله اکبر بگو که صد تکبیر تمام شود السّلام علیکم یا اهل بیت النّبوّة
درود بر شما ای خانوادهٔ پیغمبری
وموضع الرّسالة ومختلف الملئکة ومهبط الوحی ومعدن الرّحمة
و موضع پیغامهای الهی و موضع آمد و رفتن فرشتگان و محل فرود آمدن وحی خدا و قرارگاه رحمت
وخزّان العلم ومنتهی الحلم واصول الکرم وقادة الامم واولیاء
و خزانه داران علم الهی و منتهای بردباری و ریشهای کرمهای خدا و کشندگان امتها بسوی راه حق و صاحبان
النّعم وعناصر الابرار ودعائم الاخیار وساسة العباد وارکان
جمیع نعمتهای خدا و اصل جمیع نیکوکاران و ستونهای جمیع برگزیدگان و ادارکنندگان بندگان و رکنهای
البلاد وابواب الایمان وامناء الرّحمن وسلالة النّبیّین وصفوة
شهرهای زمین و درهای ایمان و امینان خداوند مهربان و فرزندان پیغمبران و برگزیدگان
المرسلین وعترة خیرة ربّ العالمین ورحمة الله وبرکاته السّلم
فرستادگان و خویشان و فرزندان برگزیدهٔ پروردگار جهانیان و رحمت خدا و برکتهای او سلام
علی ائمّة الهدی ومصابیح الدّجی واعلام التّقی وذوی النّهی واولی
بر پیشوایان راه هدایت و چراغهای تاریکی جهالت و نشانهای راه پرهیزکاری و صاحبان عقل و دارندگان
الحجی وکهف الوری وورثة الانبیاء والمثل الاعلی والدّعوة الحسنی
زیرکی و پناه همه خلایق و وارثان همه پیغمبران و مثل بلند خدا و دعای نیکو
وحجج الله علی اهل الدّنیا والآخرة والاولی ورحمة الله وبرکاته
و حجتهای خدا بر اهل دنیا و آخرت و بر پیشینیان و رحمت خدا و برکتهای او
السّلام علی محالّ معرفة الله ومساکن برکة الله ومعادن حکمة
درود بر آنها که محل شناختن خدا اند و جایگاه برکتهای خدا اند و قرارگاه حکمتهای
الله وحفظة سرّ الله وحملة کتاب الله واوصیاء نبیّ الله وذرّیّة رسول
خدا اند و نگاه دارندگان راز خدا و دارندگان کتاب خدا و وصیهای پیغمبر خدا و فرزندان رسول
الله صلّی الله علیه وآله ورحمة الله وبرکاته السّلم علی الدّعاة
خدا رحمت فرستد خدا بر او و آل او و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر خوانندگان خلق

إِلَى اللهِ وَالأَدِلَّاءِ عَلَى مَرْضَاتِ اللهِ وَالْمُسْتَقِرِّينَ فِي أَمْرِ اللهِ وَالتَّامِّينَ
فِي مَحَبَّةِ اللهِ وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللهِ وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللهِ وَنَهْيِهِ
وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةُ
اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى الأَئِمَّةِ الدُّعَاةِ وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَالسَّادَةِ
الْوُلَاةِ وَالذَّادَةِ الْحُمَاةِ وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأُولِي الأَمْرِ وَخِيَرَةِ اللهِ وَحِزْبِهِ
وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

وَبَقِيَّةِ اللهِ

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللهُ لِنَفْسِهِ
وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ
الْمُرْتَضَى أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ
كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَأَشْهَدُ أَنَّ الأَئِمَّةَ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمَعْصُومُونَ
الْمُكَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِيعُونَ لِلّٰهِ

بأمره

الْقَوَّامُونَ الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ اصْطَفَاكُمْ
بِعِلْمِهِ وَارْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَأَعَزَّكُمْ
بِهُدَاهُ وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ وَرَضِيَكُمْ
خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ وَحُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ
وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَمُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ وَتَرَاجِمَةً لِوَحْيِهِ وَأَرْكَانًا
لِتَوْحِيدِهِ وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ
وَأَدِلَّاءَ عَلَى صِرَاطِهِ عَصَمَكُمُ اللهُ مِنَ الزَّلَلِ وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَ
طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا فَعَظَّمْتُمْ
جَلَالَهُ وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ وَأَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ وَوَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ
وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَدَعَوْتُمْ إِلَى
سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَبَذَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ
وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ وَأَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ

وَاَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجاهَدْتُمْ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ
حَتّى اَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَبَيَّنْتُمْ فَرائِضَهُ وَاَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَنَشَرْتُمْ
شَرائِعَ اَحْكامِهِ وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ وَصِرْتُمْ فِي ذلِكَ مِنْهُ اِلَى الرِّضا
وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضاءَ وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضى فَالرّاغِبُ عَنْكُمْ
مارِقٌ وَاللّازِمُ لَكُمْ لاحِقٌ وَالْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زاهِقٌ وَالْحَقُّ مَعَكُمْ
وَفيكُمْ وَمِنْكُمْ وَاِلَيْكُمْ وَاَنْتُمْ اَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ وَميراثُ السَّمٰواتِ
النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ وَاِيابُ الْخَلْقِ اِلَيْكُمْ وَحِسابُهُمْ عَلَيْكُمْ وَفَصْلُ
الْخِطابِ عِنْدَكُمْ وَآياتُ اللهِ لَدَيْكُمْ وَعَزائِمُهُ فيكُمْ وَنُورُهُ وَبُرْهانُهُ
عِنْدَكُمْ وَاَمْرُهُ اِلَيْكُمْ مَنْ والاكُمْ فَقَدْ والَى اللهَ وَمَنْ عاداكُمْ فَقَدْ
عادَى اللهَ وَمَنْ اَحَبَّكُمْ فَقَدْ اَحَبَّ اللهَ وَمَنْ اَبْغَضَكُمْ فَقَدْ اَبْغَضَ
اللهَ وَمَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللهِ اَنْتُمُ السَّبيلُ الْاَعْظَمُ
وَالصِّراطُ الْاَقْوَمُ وَشُهَداءُ دارِ الْفَناءِ وَشُفَعاءُ دارِ الْبَقاءِ

والرحمة

وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ وَالْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ وَالْاَمانَةُ الْمَحْفُوظَةُ وَالْبابُ
الْمُبْتَلى بِهِ النّاسُ مَنْ اَتاكُمْ فَقَدْ نَجى وَمَنْ لَمْ يَاْتِكُمْ فَقَدْ هَلَكَ
اِلَى اللهِ تَدْعُونَ وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ وَبِهِ تُؤْمِنُونَ وَلَهُ تُسَلِّمُونَ وَبِاَمْرِهِ
تَعْمَلُونَ وَاِلى سَبيلِهِ تُرْشِدُونَ وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ سَعِدَ مَنْ والاكُمْ
وَهَلَكَ مَنْ عاداكُمْ وَخابَ مَنْ جَحَدَكُمْ وَضَلَّ مَنْ فارَقَكُمْ وَفازَ
مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَاَمِنَ مَنْ لَجَاَ اِلَيْكُمْ وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ وَهُدِيَ مَنِ
اعْتَصَمَ بِكُمْ مَنِ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَاْواهُ وَمَنْ خالَفَكُمْ فَالنّارُ مَثْواهُ
وَمَنْ جَحَدَكُمْ كافِرٌ وَمَنْ حارَبَكُمْ مُشْرِكٌ وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فى
اَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحيمِ اَشْهَدُ اَنَّ هذا سابِقٌ لَكُمْ فيما مَضى وَجارٍ
لَكُمْ فيما بَقِيَ وَاَنَّ اَرْواحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطينَتَكُمْ واحِدَةٌ طابَتْ وَطَهُرَتْ
بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ خَلَقَكُمُ اللهُ اَنْواراً فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ مُحْدِقينَ حَتّى
مَنَّ عَلَيْنا بِكُمْ فَجَعَلَكُمْ فى بُيُوتٍ اَذِنَ اللهُ اَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فيهَا

والله م
بخدا سوگند

اسمه وجعل صلواتنا عليكم وما خصّنا به من ولايتكم طيبا

[illegible]

لخلقنا وطهارة لانفسنا وتزكية لنا وكفارة لذنوبنا فكنّا عنده

[illegible]

مسلّمين بفضلكم ومعروفين بتصديقنا اياكم فبلغ الله بكم اشرف محل

[illegible]

المكرمين واعلى منازل المقربين وارفع درجات المرسلين

[illegible]

حيث لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه سابق ولا يطمع

[illegible]

في ادراكه طامع حتى لا يبقى ملك مقرب ولا نبي مرسل ولا

[illegible]

صدّيق ولا شهيد ولا عالم ولا جاهل ولا دنيّ ولا فاضل

[illegible]

ولا مؤمن صالح ولا فاجر طالح ولا جبار عنيد ولا شيطان

[illegible]

مريد ولا خلق فيما بين ذلك شهيد الا عرّفهم جلالة امركم

[illegible]

وعظم خطركم وكبر شأنكم وتمام نوركم وصدق مقاعدكم و

[illegible]

ثبات مقامكم وشرف محلكم ومنزلتكم عنده وكرامتكم

[illegible]

عليه وخاصتكم لديه وقرب منزلتكم منه بابي انتم وامي

[illegible]

ومعروفين خ

دانسته شدگان

واهلي

واهلي ومالي واسرتي اشهد الله واشهدكم اني بكم مؤمن وبما

[illegible]

آمنتم به كافر بعدوكم وبما كفرتم به مستبصر بشأنكم وبضلالة

[illegible]

من خالفكم موال لكم ولاوليائكم مبغض لاعدائكم ومعاد لهم

[illegible]

سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم محقق لما حققتم مبطل لما ابطلتم

[illegible]

مطيع لكم عارف بحقكم مقر بفضلكم محتمل لعلمكم محتجب بذمتكم

[illegible]

معترف بكم مؤمن بايابكم مصدق برجعتكم منتظر لامركم

[illegible]

مرتقب لدولتكم آخذ بقولكم عامل بامركم مستجير بكم زائر

[illegible]

لكم عائذ بكم لائذ بقبوركم مستشفع الى الله عز وجل بكم ومتقرب

[illegible]

بكم اليه ومقدمكم امام طلبتي وحوائجي وارادتي في كل احوالي

[illegible]

واموري مؤمن بسركم وعلانيتكم وشاهدكم وغائبكم واولكم و

[illegible]

آخركم ومفوض في ذلك كله اليكم ومسلم فيه معكم وقلبي

[illegible]

لكم مسلم ورأيي لكم تبع ونصرتي لكم معدة حتى يحيي الله تعالى

[illegible]

مؤمن خ

ايمان دارم

دينه بكم ويردكم في ايامه ويظهركم لعدله ويمكنكم في ارضه

دین خود را بشما و برگرداند شما را در روزهای خود و ظاهر گرداند شما را برای عدالت خود و تمکین دهد شما را در زمین خود

فمعكم معكم لا مع عدوكم آمنت بكم وتوليت آخركم بما توليت به

پس من با شمایم نه با دشمن شما گرویده‌ام بشما و دوست گرفته‌ام آخر شما را بآنچه دوست گرفته‌ام

اولكم وبرئت الى الله عز وجل من اعدائكم ومن الجبت والطاغوت

اول شما را و بیزاری جستم بسوی خدای بزرگ از دشمنان شما و از جبت و طاغوت

والشياطين وحزبهم الظالمين لكم والجاحدين لحقكم والمارقين

و دیوها و گروه ایشان که ستمکارانند مر شما را و انکار کنندگانند حق شما را و بیرون روندگان

من ولايتكم والغاصبين لارثكم والشاكين فيكم والمنحرفين

از دوستی شما و غصب کنندگان میراث شما و شک کنندگان در شما و منحرف شوندگان

عنكم ومن كل وليجة دونكم ومن كل مطاع سواكم ومن الائمة

از شما و از هر همراز بغیر از شما و هر اطاعت کرده شده غیر شما و از آن پیشوایان

يدعون الى النار فثبتني الله ابدا ما حييت على موالاتكم ومحبتكم

که مردم را میخوانند بسوی آتش پس ثابت دارد مرا خدا همیشه تا زنده‌ام بر دوستی و محبت شما

ودينكم ووفقني لطاعتكم ورزقني شفاعتكم وجعلني من خيار

و دین شما و توفیق دهد مرا برای طاعت شما و روزی گرداند مرا شفاعت شما و بگرداند مرا از نیکان

مواليكم التابعين لما دعوتم اليه وجعلني ممن يقتص آثاركم و

دوستان شما که تابعند مر چیزی را که خواندید بسوی آن و بگرداند مرا از آنها که پیروی میکنند آثار شما

يسلك سبيلكم ويهتدي بهداكم ويحشر في زمرتكم ويكر

و میروند براه شما و هدایت می‌یابند براهنمائی شما و محشور میشوند در گروه شما و برمیگردند

في رجعتكم ويملك في دولتكم ويشرف في عافيتكم ويمكن

در بازگشتن شما و پادشاهی میکنند در دولت شما و شرف می‌یابند در عافیت شما و تمکین می‌یابند

في ايامكم وتقر عينه غدا برؤيتكم بابي انتم وامي ونفسي واهلي

در ایام شما و روشن میشود دیده آنها فردا بدیدن شما فدای شما باد پدر و مادرم و جان و اهلم

وما لي من اراد الله بدأ بكم ومن وحده قبل عنكم ومن قصده توجه

و مال من هرکه اراده کرد خدا را ابتدا کرد بشما و هرکه یگانه دانست خدا را از شما قبول کرد و هرکه قصد خدا کرد رو آورد

بكم موالي لا احصي ثناءكم ولا ابلغ من المدح كنهكم ومن الوصف

بشما ای آقایان من نمیتوانم شمرد ثنای شما را و نمیتوانم رسید از مدح بکنه شما و از وصف

قدركم وانتم نور الاخيار وهداة الابرار وحجج الجبار بكم فتح

بقدر شما و شمائید نور نیکان و راهنمایان نیکوکاران و حجتهای خدای جبار بشما گشود

الله وبكم يختم وبكم ينزل الغيث وبكم يمسك السماء ان تقع على

خدا و بشما ختم میکند و بشما نازل میکند باران را و بشما نگاه میدارد آسمان را از اینکه بیفتد بر

الارض الا باذنه وبكم ينفس الهم وبكم يكشف الضر وعندكم

زمین مگر برخصت او و بشما برطرف میکند غمها را و بشما زایل میکند ضررها را و نزد شماست

ما نزلت به رسله وهبطت به ملائكته والى جدكم بعث الروح

آنچه فرود آورده شد به پیغمبران او و بزیر آورده شد فرشتگان او و بسوی جد شما برانگیخته شد جبرئیل

الامين *واگر زيارت امير* والى جدكم بعث الروح الامين بكوا و

امین المؤمنین باشد بگوی بسوی جد شما که برانگیخته شد جبرئیل امین و

الى اخيك بعث الروح الامين *پس بكوا* اتيكم الله ما لم يؤت احدا من

بسوی برادرت که برانگیخته شد جبرئیل امین داد شما را خدا آنچه نداده بهیچکس از

العالمين طأطأ كل شريف لشرفكم وبخع كل متكبر لطاعتكم

جهانیان فرود آورد هر صاحب شرفی نزد شرف شما و اقرار کرد هر صاحب تکبری بفرمانبرداری

وخضع كل جبار لفضلكم وذل كل شيء لكم واشرقت الارض

و فروتن شد هر متکبری برای فضیلت شما و خوار شد هر چیزی برای شما و روشن شد زمین

بنوركم وفاز الفائزون بولايتكم بكم يسلك الى الرضوان

بنور شما و رستگار شدند رستگاران باعتقاد بامامت شما بشما میتوان رفت بسوی بهشت

وعلى من جحد ولايتكم غضب الرحمن بابي انتم وامي ونفسي

و بر کسی که انکار امامت شما کند خشم پروردگار رحمان باشد پدر و مادرم فدای تو باد و جانم

وَاَهْلي وَمالي ذِكْرُكُمْ فِي الذّاكِرينَ وَاَسْماؤُكُمْ فِي الْاَسْماءِ وَ

و اهل و مالم اگرچه بودش در میان ذکرکنندگان و نامهای شما در میان نامها

اَجْسادُكُمْ فِي الْاَجْسادِ وَاَرْواحُكُمْ فِي الْاَرْواحِ وَاَنْفُسُكُمْ فِي

و بدنهای شما در میان بدنها و روحهای شما در میان روحها و جانهای شما در

النُّفُوسِ وَآثارُكُمْ فِي الْآثارِ وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ فَما اَحْلى اَسْمائَكُمْ

میان جانها و اثرهای شما در میان اثرها و قبرهای شما در میان قبرها پس چه شیرین است نامهای شما

وَاَكْرَمَ اَنْفُسَكُمْ وَاَعْظَمَ شَأْنَكُمْ وَاَجَلَّ خَطَرَكُمْ وَاَوْفى عَهْدَكُمْ

و چه گرامیست جانهای شما و چه بزرگست شأن شما و چه جلیل است قدر شما و چه وفا کننده است عهد شما

وَاَصْدَقَ وَعْدَكُمْ كَلامُكُمْ نُورٌ وَاَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَوَصِيَّتُكُمُ التَّقْوى

و چه راست است وعده شما سخن شما نور است و فرموده شما رشد است و سفارش شما پرهیزگاری است

وَفِعْلُكُمُ الْخَيْرُ وَعادَتُكُمُ الْاِحْسانُ وَسَجِيَّتُكُمُ الْكَرَمُ وَشَأْنُكُمُ الْحَقُّ

و کردار شما نیک و عادت شما احسان کردنست و طبیعت شما کرم است و کار شما حق

وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ

و راستی و مدارا است و گفتار شما حکم است و جزم است و رای شما دانائی و بردباری و دوراندیشی

اِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ اَوَّلَهُ وَاَصْلَهُ وَفَرْعَهُ وَمَعْدِنَهُ وَمَأْواهُ وَمُنْتَهاهُ

اگر یاد کرده شود نیکی هستید شما اول آن و بیخ آن و شاخ آن و معدن آن و جایگاه آن و منتهای آن

بِاَبي اَنْتُمْ وَاُمّي وَنَفْسي كَيْفَ اَصِفُ حُسْنَ ثَنائِكُمْ وَاُحْصي جَميلَ

پدرم فدای شما و مادرم و جانم چگونه وصف کنم نیکوئی ستایش شما را و بشمارم نعمت

بَلائِكُمْ وَبِكُمْ اَخْرَجَنَا اللهُ مِنَ الذُّلِّ وَفَرَّجَ عَنّا غَمَراتِ الْكُرُوبِ

نیکوی شما را و بشما بیرون آورده ما را خدا از خواری و دور کرد از ما بسیاری غمها را

وَاَنْقَذَنا بِكُمْ مِنْ شَفا جُرُفِ الْهَلَكاتِ وَمِنَ النّارِ بِاَبي اَنْتُمْ وَاُمّي

و خلاصی بخشید ما را بشما از کنار گودال مهلکها و از آتش دوزخ فدای شما باد پدرم و مادرم

وَنَفْسي بِمُوالاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللهُ مَعالِمَ دينِنا وَاَصْلَحَ ما كانَ

و جانم بمتابعت شما آموخت ما را خدا جاهای دین ما را و باصلاح آورد آنچه گردیده بود

فَسَدَ مِنْ دُنْيانا وَبِمُوالاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَائْتَلَفَتِ

فاسد شده از دنیای ما و باعتقاد امامت شما تمام شد کلمه دین ما و بزرگ شد نعمت خدا و الفت پذیرفت

الْفُرْقَةُ وَبِمُوالاتِكُمْ تُقْبَلُ الطّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَلَكُمُ الْمَوَدَّةُ الْواجِبَةُ

پراکندگی و بدوستی شما مقبول میشود طاعتهای واجب کرده خدا و مر شماراست دوستی واجب

وَالدَّرَجاتُ الرَّفيعَةُ وَالْمَقامُ الْمَحْمُودُ وَالْمَكانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللهِ

و درجهای بلند و مقام پسندیده و جایگاه معلوم نزد خدا

عَزَّ وَجَلَّ وَالْجاهُ الْعَظيمُ وَالشَّأْنُ الْكَبيرُ وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ رَبَّنا

غالب بزرگ و قدر بسیار بزرگ و مرتبه بزرگتر و شفاعت قبول کرده شده پروردگارا

آمَنّا بِما اَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ رَبَّنا

گرویدیم بآنچه فرستادی و پیروی کردیم رسول را پس بنویس ما را با شهادت دهندگان پروردگارا

لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ

میل مده بباطل دلهای ما را بعد از آنکه راه راست نمودی ما را و ببخش ما را از نزد خود رحمتی بدرستیکه تو

اَنْتَ الْوَهّابُ سُبْحانَ رَبِّنا اِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً يا وَلِيَّ اللهِ اِنَّ بَيْني

تویی بسیار بخشنده پاکست پروردگار ما بدرستیکه بود وعده پروردگار ما کرده شده ای دوست خدا بدرستیکه میان من

وَبَيْنَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوباً لا يَأْتي عَلَيْها اِلاّ رِضاكُمْ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ

و میان خدای غالب و جلیل است گناهان بسیاری که برطرف نمیکند آنها را مگر خوشنودی شما پس بحق آنکه امین گردانید شما را

عَلى سِرِّهِ وَاسْتَرْعاكُمْ اَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طاعَتَكُمْ بِطاعَتِهِ لَمّا

بر راز خود و طلب کرده از شما رعایت امور خلق خود را و مقرون کرده اطاعت شما را باطاعت خود که

اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبي وَكُنْتُمْ شُفَعائي فَاِنّي لَكُمْ مُطيعٌ مَنْ اَطاعَكُمْ

طلب نمائید بخشش گناهان مرا و باشید شفیعان من پس بدرستیکه من مر شما را فرمانبردارم هرکه فرمان برد شما را

فَقَدْ اَطاعَ اللهَ وَمَنْ عَصاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللهَ وَمَنْ اَحَبَّكُمْ فَقَدْ

پس بتحقیق که فرمان برده خدا را و هرکه نافرمانی کرد شما را پس بتحقیق که نافرمانی کرده خدا را و هرکه دوست دارد شما را

اَحَبَّ اللهَ وَمَنْ اَبْغَضَكُمْ فَقَدْ اَبْغَضَ اللهَ اَللّهُمَّ اِنّي لَوْ وَجَدْتُ

دوست داشته خدا را و هرکه دشمن دارد شما را پس بتحقیق دشمن داشته خدا را خداوندا اگر من بیابم

شفعاء أقرب إليك من محمد وأهل بيته الأخيار الأئمة الأبرار
شفیعان نزدیکتر بسوی تو از محمد و خانواده او که برگزیدگان پیشوایان نیکوکار
تجعلهم شفعائي فبحقهم الذي أوجبت لهم عليك أسئلك أن
که آنها را بگردانی شفیعان من پس بحق ایشان که واجب کردی برای ایشان بر خود درخواست میکنم از تو که
تدخلني في جملة العارفين بهم وبحقهم وفي زمرة المرحومين
درآوری مرا در جملهٔ شناسایان بایشان و بحق ایشان و در گروه بخشیده شدگان
بشفاعتهم إنك أنت أرحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله
بشفاعت ایشان بدرستیکه تو رحیمترین رحم کنندگانی و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او
الطاهرين وسلم تسليما كثيرا وحسبنا الله ونعم الوكيل مؤلف
که پاکیزه‌اند و درود فرستد درود فرستادنی بسیار و بس است ما را خدا و نیکو کارسازیست
گوید که این زیارت کاملترین زیارات است از برای نزدیک و دور و
منظور عمده در این رساله زیارت بعیده است زیارت وداع را ذکر
نکردیم و چون این زیارت مشتمل است بر مجملی از جمیع احادیثی که در
مناقب ائمه وارد شده است اگر در هر هفته یا در هر روز این زیارت
را بخوانند و تدبر و تفکر در معانی آن بکنند موافق آنچه فقیر ترجمه کرده
ام و والد فقیر مرحوم مفصلا شرح نموده برای معرفت ایشان بسیار
نافع خواهد بود و عمده ارکان ایمان معرفت ایشان است و زیارت
حضرت صاحب الامر بطرق بسیار منقول شده و در کتاب تحفة الزائر ذکر
کرده‌ام و در این مقام زیارت مختصری با تجدید عهد امامت و ولایت
آن حضرت ایراد مینمایم که امام خود را پیوسته یاد نمایند و از برکات
هدایات آن حضرت بهره‌مند گردند سید بن طاوس ذکر کرده که مستحب
است هر روز بعد از نماز صبح حضرت صاحب الامر را چنین زیارت کند
اللهم بلغ مولاي صاحب الزمان صلوات الله عليه عن جميع
خداوندا برسان بصاحب خویش را صاحب روزگار رحمتهای خدا بر او از جانب همه

المؤمنين

المؤمنين والمؤمنات في مشارق الأرض ومغاربها وبرها وبحرها
مردان گرویده و زنان گرویده که باشند در جایهای برآمدن آفتاب در زمین و جایهای غروب آن و خشکی آن و دریای آن
وسهلها وجبلها حيهم وميتهم وعن والدي وولدي وعني
و هموار آن و کوه آن زندهٔ ایشان و مردهٔ ایشان و از جانب پدر و مادر من و فرزندان من و از جانب من
من الصلوات والتحيات زنة عرش الله ومداد كلماته ومنتهى
از رحمتها و درودها همسنگ عرش خدا و قدر کلمهای او و منتهای
رضاه وعدد ما أحصاه كتابه وأحاط به علمه اللهم إني أجدد
خوشنودی او و شمار آنچه شمرده است آنرا کتاب او و فرا گرفته آنرا دانش او خداوندا تازه میکنم
له في هذا اليوم وفي كل يوم عهدا وعقدا وبيعة له في
برای او در این روز و در هر روزی عهد و پیمان و بیعتی برای او در
رقبتي اللهم كما شرفتني بهذا التشريف وفضلتني بهذه
گردن خود خداوندا چنانچه گرامی داشتی مرا باین کرامت و زیادتی دادی مرا باین
الفضيلة وخصصتني بهذه النعمة فصل على مولاي وسيدي
زیادتی و مخصوص گردانیدی مرا باین نعمت پس رحمت بفرست بر آقای من و بزرگ من
صاحب الزمان واجعلني من أنصاره وأشياعه والذابين
صاحب روزگار و بگردان مرا از یاوران او و پیروان او و دفع کنندگان
عنه واجعلني من المستشهدين بين يديه طائعا غير مكره
از او و بگردان مرا از آنها که حاضر گردیده شوند در پیش او فرمانبردار نه مجبور
في الصف الذي نعت أهله في كتابك فقلت صفا كأنهم بنيان
در صفی که وصف کردهٔ تو اهل آنرا در کتاب خود پس گفتهٔ صفی که گویا ایشان بنائی اند
مرصوص على طاعتك وطاعة رسولك وآله عليهم السلام
بنا از هم چسبانیده شده بر طاعت تو و طاعت رسول تو و آل او بر ایشان باد درود
اللهم هذه بيعة له في عنقي إلى يوم القيامة وبسند معتبر
خداوندا این بیعتی است در گردن من تا روز رستخیز از حضرت

برای او

صادق منقولست که هر که چهل صباح این عهد را بخواند
از یاوران قایم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خدا
او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی
بهر کلمه او را هزار حسنه کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند
اللهم رب النور العظیم ورب الکرسی الرفیع ورب البحر المسجور
خداوندا ای پروردگار روشنائی بزرگ و پروردگار کرسی با رفعت و پروردگار دریای موج زن
ومنزل التوریة والانجیل والزبور ورب الظل والحرور ومنزل
و ای فرو فرستنده توریة و انجیل و زبور و ای پروردگار سایه و باد گرم و ای فرستنده
القرآن العظیم ورب الملائکة المقربین والانبیاء والمرسلین
قرآن بزرگ و ای پروردگار فرشتگان نزدیکان و پیغمبران و فرستادگان
اللهم انی اسئلک بوجهک الکریم وبنور وجهک المنیر وملکک
خداوندا که من درمیخواهم از تو بحرمت ذات بزرگوار تو و بحرمت روشنائی ذات روشن بخش و پادشاهی
القدیم یا حی یا قیوم اسئلک باسمک الذی اشرقت به السموات
دیرینه تو ای زنده ای پاینده درمیخواهم از تو بنام تو آنکه روشن گشته بآن آسمانها
والارضون وباسمک الذی یصلح به الاولون والاخرون
و زمینها و بحرمت نام تو که باصلاح آمدند بآن پیشینیان و پسینیان
یا حی قبل کل حی ویا حی بعد کل حی ویا حی حین لا حی یا محیی الموتی
ای زنده پیش از هر زنده و ای زنده پس از هر زنده و ای زنده آنگاه که نباشد زنده ای زنده کننده مردگان
وممیت الاحیاء یا حی لا اله الا انت اللهم بلغ مولانا الامام
و میراننده زندگان ای زنده که نیست خدائی مگر تو خداوندا برسان بصاحب ما امام را
الهادی المهدی القائم بامرک صلوات الله علیه وعلی آبائه
راه نماینده راه یافته که قائم است بفرمان تو درودهای خدا براو و بر پدران
الطاهرین عن جمیع المؤمنین والمؤمنات فی مشارق الارض
پاکان او از همه مردان گرونده و زنان گرونده که باشند در شرقهای زمین

ومغاربها

ومغاربها سهلها وجبلها وبرها وبحرها وعنی وعن والدی من
و مغربهای آن هموارهای آن و کوههای آن و صحراهای آن و دریاهای آن و از من و از جانب پدر و مادر من
الصلوات زنة عرش الله ومداد کلماته وما احصاه علمه واحاط
رحمتها هموزن عرش خدا و باندازه کلمهای او و آنچه شمرده آنرا دانش او و در احاطه
به کتابه اللهم انی اجدد له فی صبیحة یومی هذا وما عشت من
آن کتاب او خداوندا که من تازه میکنم برای او در صبح روز خود این روز و آنچه زندگی کنم از
ایامی عهدا وعقدا وبیعة له فی عنقی لا احول عنها ولا ازول
روزگار عهد خود و پیمان و بیعتی برای او در گردن من برنگردم از آن و زایل نشوم
ابدا اللهم اجعلنی من انصاره واعوانه والذابین عنه والمسا
هرگز خداوندا بگردان مرا از یاوران او و مددکاران او و دفع کنندگان از او و
رعین الیه فی قضاء حوائجه والممتثلین لاوامره والمحامین
شتابندگان بسوی او در روا کردن حاجتهای او و گردن نهندگان برای فرمان او و دفع کنندگان
عنه والسابقین الی ارادته والمستشهدین بین یدیه اللهم
از او و پیشی گیرندگان بسوی خواهش او و حاضر کرده شدگان در پیش او خداوندا
ان حال بینی وبینه الموت الذی جعلته علی عبادک حتما فا
اگر حایل شود میان من و میان او مرگ که گردانیده تو آنرا بر بندگان خود لازم پس
خرجنی من قبری مؤتزرا کفنی شاهرا سیفی مجردا قناتی ملبیا
بیرون آور مرا از قبر خود آزار گیرنده کفن خود را از غلاف کشنده تیغ خود را برهنه سازنده نیزه خود را اجابت کننده
دعوة الداعی فی الحاضر والبادی اللهم ارنی الطلعة
دعوت که میخواند در بیابان شهری و بادیه نشین خداوندا بنما بمن آن دیدار
الرشیدة والغرة الحمیدة واکحل ناظری بنظرة منی وعجل فرجه
شایسته و آن روشنائی ستوده را و سرمه کش دیده مرا بنگریستن از من بسوی او و شتاب کن گشایش او
وسهل مخرجه واوسع منهجه واسلک بی محجته وانفذ امره و
و آسان کن خروج آنرا و گشاده کن طریق او را و درآور مرا براه راست او و روان کن فرمان او

مقتضیا

الیه
بسوی او

وَاشْدُدْ اَزْرَهُ وَاَعْمُرِ اللّٰهُمَّ بِهِ بِلادَكَ وَاَحْيِ بِهِ عِبادَكَ فَاِنَّكَ
و قوی کن پشت او را و آباد کن خداوندا به وجود او شهرهای خود را و زنده کن به او بندگان خود را پس
قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِما كَسَبَتْ اَيْدِي النّاسِ
گفتی و گفتن تو راست است ظاهر شد فساد و تباهی در خشکی و دریا به آنچه کرده دستهای مردمان
فَاَظْهِرِ اللّٰهُمَّ لَنا وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمّى بِاسْمِ رَسُولِكَ حَتّى
پس ظاهر ساز خداوندا برای ما دوست خود و پسر دختر پیغمبر خود که نامیده شده است به نام پیغمبر تو تا آنکه
لا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْباطِلِ اِلّا مَزَّقَهُ وَيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ وَاجْعَلْهُ
ظفر نیابد به چیزی از باطل مگر آنکه پاره کند و ثابت گرداند حق را و محکم نماید آن را و بگردان او را
اَللّٰهُمَّ مَفْزَعاً لِمَظْلُومِ عِبادِكَ وَناصِراً لِمَنْ لا يَجِدُ لَهُ ناصِراً غَيْرَكَ
خداوندا پناه برای ستم‌رسیدگان بندگان خود و یاور برای آنکه نیابد برای خود یاوری غیر تو
وَمُجَدِّداً لِما عُطِّلَ مِنْ اَحْكامِ كِتابِكَ وَمُشَيِّداً لِما وَرَدَ مِنْ اَعْلامِ
و تازه گرداننده مر آنچه را که واگذاشته شده از احکام کتاب تو و بلند کننده مر آنچه را که وارد شده از نشانه‌های
دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مِمَّنْ
دین تو و طریقه پیغمبر تو رحمت خدا بر او و آل او و بگردان او را خداوندا از آنکه
حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ اَللّٰهُمَّ وَسُرَّ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ
حفظ کردی آنها را از شر تجاوزکنندگان خداوندا و شاد کن پیغمبر خود محمد را رحمت فرستد خدا
عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَتِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلى دَعْوَتِهِ وَارْحَمِ اسْتِكانَتَنا
بر او و آل او به دیدن او و آنکه پیروی کرده او را بر دعوت او و رحم کن زاری ما را پس از ظهور او
اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ هٰذِهِ الْغُمَّةَ عَنِ الْاُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَعَجِّلْ لَنا ظُهُورَهُ
خداوندا زایل کن این اندوه را از این امت به حاضر شدن او و بشتاب برای ما ظهور او
اِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَنَراهُ قَرِيباً بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ پس
که آنها می‌پندارند آن را دور و ما می‌بینیم او را نزدیک به رحمت خود ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان سه
مرتبه دست بر ران راست خود میزنی و در هر مرتبه میگوئی الْعَجَلَ يا مَوْلايَ يا صاحِبَ الزَّمانِ
بر ران ... ای صاحب ... سزاوار

هذه

واما دعای ندبه که مشتمل است بر عقاید حقه و تأسف بر غیبت
حضرت قائم صلوات الله علیه بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که سنت است این دعای ندبه را در چهار عید بخوانند یعنی
در روز جمعه و روز عید فطر و روز عید قربان و روز عید غدیر
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ وَلَهُ الْحَمْدُ رَبِّ الْعالَمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ
ستایش مر خدا را که نیست خدائی مگر او و مر او راست ستایش پروردگار جهانیان و رحمت فرستد خدا
عَلى مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلى ما جَرى بِهِ
بر محمد پیغمبر او و آل او و درود فرستد درود فرستادنی خداوندا مر تو راست ستایش بر آنچه روان شده
قَضاؤُكَ فِي اَوْلِيائِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ اِذِ
حکم تو در باره دوستان تو آنانکه خالص گردانیدی ایشان را برای خود و دین خود چون
اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ ما عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لا زَوالَ
برگزیدی برای ایشان بزرگ آنچه نزد تست از نعمت دائمی که نیست زوالی
لَهُ وَلَا اضْمِحْلالَ بَعْدَ اَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجاتِ
برای آن و نه فنا و نیستی پس از آنکه شرط کردی بر ایشان بی‌رغبتی را در مرتبه‌های
هٰذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ وَزُخْرُفِها وَزِبْرِجِها فَشَرَطُوا لَكَ ذٰلِكَ وَعَلِمْتَ
این دنیای پست و زینت آن و آرایش آن پس شرط کردند برای تو و دانستی
مِنْهُمُ الْوَفاءَ بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيَّ
از ایشان وفا به آن را پس قبول کردی ایشان را و نزدیک گردانیدی ایشان را و مقدم داشتی برای ایشان ذکر بلند
وَالثَّناءَ الْجَلِيَّ وَاَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلائِكَتَكَ وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ
و ستایش آشکار و فرو فرستادی بر ایشان فرشتگان خود را و گرامی داشتی ایشان را به وحی خود
وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرائِعَ اِلَيْكَ وَالْوَسِيلَةَ اِلى
و بخشیدی ایشان را به علم خود و گردانیدی ایشان را وسیله‌ها به سوی خود و وسیله به سوی
رِضْوانِكَ فَبَعْضٌ اَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ اِلى اَنْ اَخْرَجْتَهُ مِنْها وَبَعْضٌ
خوشنودی تو پس بعضی را ساکن کردی او را در بهشت خود تا آنکه بیرون آوردی او را از آن

ذلک م
آنرا
تقدمتهم م

حملته في فلكك ونجيته ومن آمن معه من الهلكة برحمتك

حمل کردی او را در کشتی خود و رهانیدی او را و آنان که گرویده بودند با او از هلاک بحق رحمت خود

وبعض اتخذته لنفسك خليلا وسألك لسان صدق في الآخرين

و بعضی را گرفتی او را برای خود دوست خالص و سؤال کرد از تو ذکر جمیل را در پسینیان

فأجبته وجعلت ذلك عليا وبعض كلمته من شجرة تكليما و

پس اجابت کردی او را و کردانیدی ذکر او را بلند و بعضی از آنها سخن گفتی با او از درخت سخن گفتنی و

جعلت له من أخيه ردءا ووزيرا وبعض أولدته من غير أب وآتيته

گردانیدی برای او از برادر او یاور و وزیری و بعضی از آنها متولد کردانیدی او را بدون پدر و دادی او را

البينات وأيدته بروح القدس وكل شرعت له شريعة ونهجت

معجزها و قوت دادی او را بروح القدس و برای هر یک ظاهر ساختی شریعتی و

له منهاجا وتخيرت له أوصياء مستحفظا بعد مستحفظ من مدة

برای او طریقی و برگزیدی برای او وصیهایی محافظت کننده پس از محافظت کننده از مدت

إلى مدة إقامة لدينك وحجة على عبادك ولئلا يزول الحق عن مقره

تا زمانی بجهت برپا داشتن دین خود و حجت گرفتن بر بندگان خود و تا آنکه زایل نشود حق از قرارگاه خود

ويغلب الباطل على أهله ولا يقول أحد لولا أرسلت إلينا رسولا

و غالب نگردد باطل بر اهل حق و نگوید کسی که چرا نفرستادی بسوی ما پیغمبری

منذرا وأقمت لنا علما هاديا فنتبع آياتك من قبل أن نذل و

بیم کننده و برپا نکردی برای ما نشانه راهنما تا پیروی کنیم معجزهای ترا پیش از آنکه ذلیل و

نخزى إلى أن انتهيت بالأمر إلى حبيبك ونجيبك محمد صلى الله

خوار گردیم تا آنکه رسانیدی کار را بسوی دوست خود و برگزیده خود محمد درود خدا

عليه وآله فكان كما انتجبته سيد من خلقته وصفوة من اصطفيته

بر او و آل او پس بود چنانچه برگزیدی او را بزرگ هر که آفریدی او را و برگزیده هر که

اصطفيته وأفضل من اجتبيته وأكرم من اعتمدته قدمته

برگزیدی او را و بهتر از هر که اختیار کردی او را و بزرگوارتر از آنکه اعتماد کردی بر او

علی

على أنبيائك وبعثته إلى الثقلين من عبادك وأوطأته مشارقك

بر پیغمبران خود و فرستادی او را بسوی جن و انس از بندگان خود و سیر فرمودی او را در

ومغاربك وسخرت له البراق وعرجت بروحه إلى سمائك وأ

و مغربهای خود و رام کردی برای او براق را و بالا بردی نفس او را بسوی آسمان خود و

أودعته علم ما كان وما يكون إلى انقضاء خلقك ثم نصرته با

بسپردی او را دانش آنچه بوده و آنچه خواهد بود تا انقضای خلق تو پس یاری کردی او را

لرعب وحففته بجبرئيل وميكائيل والمسومين من ملائكتك

خوف دشمنان و دور گرفتی او را بجبرئیل و میکائیل و علامت دارندگان از فرشتگان خود

ووعدته أن تظهر دينه على الدين كله ولو كره المشركون وذلك

و وعده دادی او را آنکه غالب کنی دین او را بر ادیان همه و اگرچه ناخوش دارند مشرکان و بوده این

بعد أن بوأته مبوأ صدق من أهله وجعلت له ولهم أول بيت

پس از آنکه جا دادی او را جایگاهی شایسته از خاندان او و کردانیدی برای او و برای ایشان اول خانه

وضع للناس للذي ببكة مباركا وهدى للعالمين فيه آيات

که نهاده برای مردمان آنکه در مکه است با برکت و راه نماینده مر جهانیان را در او است معجزها

بينات مقام إبراهيم ومن دخله كان آمنا وقلت إنما يريد الله

روشن از جمله آنها است جای ابراهیم و هر که درآمد از آنجا ایمن و گفتی که خواسته است که ببرد خدا

ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا وجعلت

که ببرد از شما گناهان را ای اهل بیت رسالت و پاک کرد شما را پاک کردنی و گردانیدی

أجر محمد صلواتك عليه وآله مودتهم في كتابك فقلت قل لا

مزد محمد را که رحمت تو بر او و آل او دوستی ایشان را در کتاب خود پس گفتی که بگو

أسألكم عليه أجرا إلا المودة في القربى وقلت ما سألتكم من أجر

نمی خواهم از شما بر تبلیغ رسالت مزدی مگر دوستی خویشان را و گفتی که آنچه خواسته‌ام از شما از مزد

فهو لكم وقلت ما أسألكم عليه من أجر إلا من شاء أن يتخذ

پس آن از برای شماست و گفتی که نمی‌خواهم از شما بر آن هیچ مزدی مگر آنکه خواهد که فرا گیرد

مزدی

إلى ربه سبيلا فكانوا هم السبيل إليك والمسلك إلى رضوانك

بسوی پروردگار خود راهی پس بودند ایشان راه بسوی تو و طریق سلوک بسوی خوشنودی تو

فلما انقضت أيامه أقام وليه علي بن أبي طالب صلواتك عليهما

پس چون سپری شد روزگار او نصب کرد دوست خود را پسر ابو طالب را رحمتهای تو بر ایشان

وآلهما هاديا إذ كان هو المنذر ولكل قوم هاد فقال والملأ

و آل ایشان راهنما چه بود خود ترساننده و برای هر گروهی راهنمائی پس گفت و اکابر

أمامه من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد

در پیش او هرکه هستم من آقای او پس علی آقای اوست خداوندا دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار

من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله وقال من كنت

آنرا که دشمن دارد او را و یاری کن آنرا که یاری کند او را و خوار گذار آنرا که خوار گذارد او را و گفت هرکه هستم

نبيه فعلي أميره وقال أنا وعلي من شجرة واحدة وسائر الناس

پیغمبر او پس علی پادشاه اوست و گفت من و علی از یک درختیم و باقی مردمان

من شجر شتى وأحله محل هرون موسى فقال له أنت مني بمنزلة هرون

از درختهای مختلف و فرود آورد او را نسبت هارون بموسی پس گفت مر او را که تو نسبت بمن بمنزلهٔ هارونی

من موسى إلا أنه لا نبي بعدي وزوجه ابنته سيدة نساء

نسبت بموسی مگر آنکه پیغمبری نیست بعد از من و تزویج داد او را دختر خود را خاتون زنان

العالمين وأحل له من مسجده ما حل له وسد الأبواب إلا بابه

جهانیان و حلال کرد برای او از مسجد خود آنچه حلال بود برای او و بست درهای خانهها را

ثم أودعه علمه وحكمته فقال أنا مدينة العلم وعلي بابها

پس سپرد باو علم خود و دانش را پس گفت من شهر علمم و علی در آنست

فمن أراد الحكمة فليأتها من بابها ثم قال له أنت أخي ووصيي

پس اگر خواهد علم و دانش را پس باید آنرا از در آن پس گفت مر او را تو برادر منی و وصی منی

ووارثي لحمك من لحمي ودمك من دمي وسلمك سلمي وحربك

و وارث منی گوشت تو از گوشت منست و خون تو از خون منست و صلح تو صلح منست و جنگ تو

حربي والإيمان مخالط لحمك ودمك كما خالط لحمي ودمي وأنت غدا

جنگ منست و ایمان آمیخته است گوشت ترا و خون ترا چنانچه آمیخته گوشت مرا و خون مرا و تو فردا

على الحوض خليفتي وأنت تقضي ديني وتنجز عداتي وشيعتك على

بر سر حوض کوثر جانشین منی و تو ادا میکنی قرض مرا و وفا میکنی وعدههای مرا و شیعیان تو بر

منابر من نور مبيضة وجوههم حولي في الجنة وهم جيراني ولولا

منبرهای از نور سفید باشد روی ایشان گرداگرد من در بهشت و ایشان همسایگان منند و اگر نبودی

أنت يا علي لم يعرف المؤمنون بعدي وكان بعده هدى من الضلال

تو ای علی شناخته نشدی گروه مؤمنان بعد از من و بود بعد از او هدایت از گمراهی

ونورا من العمى وحبل الله المتين وصراطه المستقيم لا يسبق

و روشنی بخش از کوری و ریسمان محکم خدا و راه راست او پیشی گرفته نشود

بقرابة في رحم ولا بسابقة في دين ولا يلحق في منقبة من مناقبه

بقرابت در خویشی و نه بسبقت در دین و نرسیده شود در فضیلتی از فضائلش

يحذو حذو الرسول صلى الله عليهما وآلهما ويقاتل على

قدم میزد در مقام رسول رحمت خدا بر ایشان و آل ایشان و مقاتله میکرد بر

التأويل ولا تأخذه في الله لومة لائم قد وتر فيه صناديد العرب

تأویل و نمی گرفت او را در راه خدا سرزنش سرزنش کننده بتحقیق خون ریخت در راه خدا از مهتران عرب

وقتل أبطالهم وناوش ذؤبانهم فأودع قلوبهم أحقادا بدرية

و کشت دلاوران ایشان را و مقاتله نمود با گرگان ایشان پس ودیعه گذاشت در دلهای ایشان کینههای بدر

وخيبرية وحنينية وغيرهن فأضبت على عداوته وأكبت على

و خیبر و حنین و غیر آن پس پنهان نمودند بر دشمنی او و هجوم کردند بر

منابذته حتى قتل الناكثين والقاسطين والمارقين ولما قضى نحبه

مقاتلهٔ او تا آنکه کشت پیمان شکنان و ستمکاران و خوارج را و چون بسر رسید

وقتله أشقى الأشقياء من الأولين والآخرين يتبع أشقى الأولين

و کشت او را بدبخت ترین بدبختان از پیشینیان و پسینیان پیروی کرد بدبخت ترین پیشینیان

لم يمتثل امر الرسول صلى الله عليه وآله في الهادين بعد الهادين

والامة مصرة على مقته مجتمعة على قطيعة رحمه واقصاء ولده

الا القليل ممن وفى لرعاية الحق فيهم فقتل من قتل وسبي

من سبي واقصي من اقصي وجرى القضاء لهم بما يرجى له حسن المثوبة

اذ كانت الارض لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبة

للمتقين وسبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا ولن يخلف

الله وعده وهو العزيز الحكيم فعلى الاطائب من اهل بيت محمد

وعلي صلى الله عليهما وآلهما فليبك الباكون واياهم فليندب

النادبون ولمثلهم فلتذرف الدموع وليصرخ الصارخون

ويضج الضاجون ويعج العاجون اين الحسن واين الحسين و

اين ابناء الحسين صالح بعد صالح وصادق بعد صادق واين

السبيل بعد السبيل اين الخيرة بعد الخيرة اين الشموس الطالعة

اين الاقمار المنيرة اين الانجم الزاهرة اين اعلام الدين و

قواعد العلم اين بقية الله التي لا تخلو من العترة الطاهرة

اين المعد لقطع دابر الظلمة اين المنتظر لاقامة الامت والعوج

اين المرتجى لازالة الجور والعدوان اين المدخر لتجديد الفرائض

والسنن اين المتخير لاعادة الملة والشريعة اين المؤمل لاحياء

الكتاب وحدوده اين محيي معالم الدين واهله اين قاصم شوكة

المعتدين اين هادم ابنية الشرك والنفاق اين مبيد اهل

الفسوق والعصيان اين حاصد فروع الغي والشقاق اين طامس

آثار الزيغ والاهواء اين قاطع حبائل الكذب والافتراء اين

مبيد العتاة والمردة اين مستأصل اهل العناد والتضليل

والالحاد اين معز الاولياء ومذل الاعداء اين جامع الكلم

على التقوى اين باب الله الذي منه يؤتى اين وجه الله الذي اليه

والطغيان

يتوجّه الأولياء أين السّبب المتّصل بين الأرض والسّماء أين

روی کنند دوستان خدا کجاست رسن آویخته میان زمین و آسمان کجاست

صاحب يوم الفتح وناشر راية الهدى أين مؤلّف شمل الصّلاح

خداوند روز فتح و برافرازنده علم هدایت کجاست الفت دهنده پراکندگیهای

والرّضا أين الطّالب بذحول الأنبياء وأبناء الأنبياء أين

و خوشنودی خدا کجاست طلب کننده خونهای پیغمبران و فرزندان پیغمبران کجاست

الطّالب بدم المقتول بكربلاء أين المنصور على من اعتدى عليه

طلب کننده خون شهید کربلا کجاست آنکه یاری کرده شده بر آنکه ظلم کرده بر او

وافترى أين المضطرّ الّذي يجاب إذا دعا أين صدر الخلائق

و دروغ بست کجاست درمانده که اجابت کرده شود چون بخواند خدا را کجاست پیشوای آفریدگان

ذو البرّ والتّقوى أين ابن النّبيّ المصطفى وابن عليّ المرتضى وابن

خداوند نیکوکاری و پرهیزکاری کجاست فرزند پیغمبر برگزیده و فرزند علی پسندیده و فرزند

خديجة الغرّاء وابن فاطمة الزّهراء الكبرى بأبي أنت وأمّي

خدیجه پیشانی سفید و فرزند فاطمه درخشنده روی بزرگوار فدای تو باد پدر و مادرم

ونفسي لك الوقاء والحمى يا ابن السّادة المقرّبين يا ابن النّجباء الأكرمين

و خودم مر ترا نگاه دارنده و حمایت کننده ام ای فرزند بزرگان نزدیکان ای فرزند برگزیدگان بزرگوار

يا ابن الهداة المهديّين يا ابن الخيرة المهذّبين يا ابن الغطارفة

ای فرزند رهنمایان راه یافتگان ای فرزند اختیار کرده شدگان پاکیزگان ای فرزند بزرگان

الأنجبين يا ابن الخضارمة المنتجبين يا ابن القماقمة الأكرمين

نجیب‌تران ای فرزند بخشندگان برگزیدگان ای فرزند مهتران بزرگواران

يا ابن الأطائب المطهّرين يا ابن البدور المنيرة يا ابن السّرج المضيئة

ای فرزند پاکیزگان پاکان ای فرزند ماههای تمام نوربخش ای فرزند چراغهای روشن

يا ابن الشّهب الثّاقبة يا ابن الأنجم الظّاهرة يا ابن السّبل الواضحة

ای فرزند کوکبهای درخشان ای فرزند ستارگان درخشان ای فرزند راههای ظاهر

الیه م

المعظمین م

يا ابن الأعلام اللّائحة يا ابن العلوم الكاملة يا ابن السّنن المشهورة

ای فرزند نشانهای هویدا ای فرزند علوم کامل ای فرزند شرایع و طریقهای مشهور

يا ابن المعالم المأثورة يا ابن المعجزات الموجودة يا ابن الدّلائل المشهودة

ای فرزند نشانهای مذکور ای فرزند معجزات ثابت ای فرزند دلیلهای گواهی داده

يا ابن الصّراط المستقيم يا ابن النّبأ العظيم يا ابن من هو في أمّ الكتاب

ای فرزند راه راست ای فرزند خبر بزرگ ای فرزند آنکه او در اصل کتاب

لدى الله عليّ حكيم يا ابن الآيات والبيّنات يا ابن الدّلائل الظّاهرات

نزد خدای بلند مرتبه و درستکردار ای فرزند نشانهای قدرت و معجزهای روشن ای فرزند دلیلهای روشن

يا ابن البراهين الواضحات الباهرات يا ابن الحجج البالغات يا ابن النّعم

ای فرزند برهانهای روشن آشکار ای فرزند حجتهای رسا ای فرزند نعمتهای

السّابغات يا ابن طه والمحكمات يا ابن يس والذّاريات يا ابن الطّور

تمام کامل ای فرزند طه و آیات محکمه ای فرزند یس و ذاریات ای فرزند طور

والعاديات يا ابن من دنى فتدلّى فكان قاب قوسين أو أدنى

و عادیات ای فرزند آنکه نزدیک شد پس نزدیکتر پس بود قرب او باندازه دو کمان یا نزدیکتر

دنوّاً واقتراباً من العليّ الأعلى ليت شعري أين استقرّت بك

نزدیکی و قرب یافتنی بخداوند بلند مرتبه برتر کاش دانستمی که بکدام جهت قرار گرفته ترا

النّوى بل أيّ أرض تقلّك أو ثرى أبرضوى أم غيرها أم

قصد بلکه کدام زمین بر میدارد ترا یا کدام خاک آیا برضوی است یا غیر آن یا

ذي طوى عزيز عليّ أن أرى الخلق ولا ترى ولا أسمع لك

در ذی طوی گرانست بر من آنکه ببینم خلق را و دیده نشوی و نشنوم ترا

حسيساً ولا نجوى عزيز عليّ أن لا تحيط بي دونك البلوى

آواز نرمی و نه رازی گرانست بر من آنکه فرا گیرد مرا بغیر تو زحمت

ولا ينالك منّي ضجيج ولا شكوى بنفسي أنت من مغيّب لم يخل

و نرسد ترا از من زاری و نه شکایتی فدای تو گردم

منا بنفسي أنت من نازح ما نزح عنا بنفسي أنت أمنية شائق يتمنى

آرزوی هر خواهشمندی که آرزو کند

من مؤمن ومؤمنة ذكرا فحنّا بنفسي أنت من عقيد عزّ لا يسامى

از مرد گرونده و زن گرونده که یاد کنند پس مشتاق شوند فدای تو گردم بسته عزت همسری کرده نشود

بنفسي أنت من أثيل مجد لا يجارى بنفسي أنت من تلاد نعم لا

فدای تو گردم خداوند بزرگواری که همراه رفته نشود فدای تو گردم زاده نعمتها که

تضاهى بنفسي أنت من نصيف شرف لا يساوى إلى متى أحار فيك

شبیه داشته نشود فدای تو گردم همتای شرف که برابری کرده نشود تا کی متحیر گردم در تو

يا مولاي وإلى متى وأيّ خطاب أصف فيك وأيّ نجوى عزيز عليّ

ای صاحب من و تا کی و کدام خطاب بستایم ترا و کدام راز گران است بر من

أن أجاب دونك وأناغى عزيز عليّ أن أبكيك ويخذلك الورى

آنکه سخن کرده شوم با تو و گفتگو کرده شوم گران است بر من که بگریم ترا و واگذارند ترا خلق

عزيز عليّ أن يجري دونهم عليك ما جرى هل من معين فأطيل

گران است بر من اگر جاری شود بر تو [illegible] آنچه جاری شود آیا هست هیچ مددگاری که دراز کنم

معه العويل والبكا هل من جزوع فأساعد جزعه إذا خلا هل

با او فغان و زاری را آیا هست هیچ جزع کننده پس یاری کنم جزع او را چون تنها شود آیا

قذيت عين فساعدتها عيني على القذى هل إليك يا ابن أحمد سبيل

بر هم خورده شده است دیده پس یاری کند او را دیده من بر خاشاک آیا هست بسوی تو ای پسر احمد راه

فتلقى هل يتصل يومنا منك بعدة فنحظى متى نرد مناهلك الروية

پس ملاقات کرده شوی آیا پیوسته شود روز ما از تو بوعده پس بهره ور گردیم کی وارد شویم چشمه‌های سیراب کننده ترا

فنروى متى ننتقع من عذب مائك فقد طال الصدى متى نغاديك

پس سیراب شویم کی منتفع شویم از آب شیرین تو پس بتحقیق بطول انجامید تشنگی کی بامداد کنیم

ونراوحك فتقرّ عيوننا متى ترانا ونراك وقد نشرت لواء النصر

و شبانگاه آییم ترا پس روشن شود دیده‌ها کی ببینی ما را و ببینیم ترا و بتحقیق برافراشته علم نصرت را

ترى أترانا نحفّ بك وأنت تؤمّ الملأ وقد ملأت الأرض عدلا

آیا می‌بینی ما را که احاطه کرده‌ایم ترا و تو پیشوایی کنی جماعت را و بتحقیق پر کرده زمین را از عدل

وأذقت أعداءك هوانا وعقابا وأبرت العتاة وجحدة الحق و

و چشانیده دشمنان خود را خواری و عقوبت و هلاک نموده سرکشان و منکران حق را و

قطعت دابر المتكبرين واجتثثت أصول الظالمين ونحن نقول الحمد

قطع کرده بنیاد گردنکشان را و برکنده بیخ ستمکاران را و ما گوییم که سپاس

لله رب العالمين اللهم أنت كشّاف الكرب والبلوى وإليك

مر خدا را که پروردگار جهانیان است خداوندا تویی زایل کننده اندوه و رنج و بسوی تست

أستعدي فعندك العدوى وأنت رب الآخرة والأولى فأغث

یاری می‌جویم پس نزد تست یاری و تو پروردگار آخرت و دنیا پس فریاد رس

يا غياث المستغيثين عبيدك المبتلى وأره سيده يا شديد القوى

ای فریادرس فریادخواهان بنده گرفتار خود را و بنما او را آقای او را ای سخت قوت

وأزل عنه به الأسى والجوى وبرّد غليله يا من على العرش

و زایل کن از او بسبب او اندوه و حزن را و سرد گردان تشنگی او را ای آنکه بر عرش

استوى ومن إليه الرجعى والمنتهى اللهم ونحن عبيدك التائقون

مستولی است و ای آنکه بسوی اوست بازگشت و منتهی خداوندا و ما بندگان مشتاق تو

إلى وليك المذكر بك وبنبيك خلقته لنا عصمة وملاذا و

بسوی دوست تو که یاد آورنده است بتو و به پیغمبر تو آفریدی او را برای ما نگاهدارنده و ملجأ و

أقمته لنا قواما ومعاذا وجعلته للمؤمنين منا إماما فبلّغه

برپا داشتی او را برای ما [illegible] و گردانیدی او را برای گروندگان از ما پیشوا پس برسان

منا تحية وسلاما وزدنا بذلك يا رب إكراما واجعل مستقره

از ما درود و سلام و افزون گردان ما را بآن ای پروردگار گرامی داشتن و بگردان قرارگاه او را

لنا مستقرا ومقاما وأتمم نعمتك بتقديمك إياه أمامنا حتى

برای ما قرارگاه و اقامتگاه و تمام کن نعمت خود را به پیش داشتن تو او را پیش ما تا

تُورِدُنا جنانَكَ ومُرافقةِ الشُّهداءِ مِن خُلَصائكَ اللّهمّ صَلِّ على

حُجّتِكَ ووَليِّ أمرِكَ وصَلِّ على جَدِّهِ محمّدٍ رَسولِكَ السّيّدِ الأكبر

وصَلِّ على عليٍّ أبيهِ السّيّدِ القَسْوَرِ وحامِلِ اللّواءِ في المَحشَرِ وساقي

أوليائهِ مِن نَهرِ الكَوثَرِ والأميرِ على سائرِ البَشَرِ الّذي مَن آمَنَ

بِهِ فَقَد ظَفَرَ ومَن لم يُؤمِن بِهِ فَقَد خَطَرَ وكَفَرَ صَلّى اللّهُ عليهِ

وعلى أخيهِ وعلى نَجلِهِما الميامينِ الغُرَرِ ما طَلَعَت شَمسٌ وما

أضاءَ قَمَرٌ وعلى جَدَّتِهِ الصِّدّيقةِ الكُبرى فاطِمةَ الزَّهراءِ

بِنتِ محمّدٍ المُصطفى وعلى مَنِ اصطَفَيتَ مِن آبائهِ البَرَرةِ وعليهِ

أفضَلَ وأكمَلَ وأتَمَّ وأدوَمَ وأكثَرَ وأوفَرَ ما صَلَّيتَ على أحَدٍ

مِن أصفيائكَ وخِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ وصَلِّ عليهِ صَلوةً لا غايةَ

لِعَدَدِها ولا نِهايةَ لِمَدَدِها ولا نَفادَ لِأمَدِها اللّهمّ وأقِم

بِهِ الحَقَّ وأدحِض بِهِ الباطِلَ وأدِل بِهِ أولياءَكَ وأذلِل بِهِ أعداءَكَ

وَصِلِ اللّهمّ بَينَنا وبَينَهُ وُصلةً تُؤدّي إلى مُرافَقةِ سَلَفِهِ

واجعَلنا مِمَّن يأخُذُ بِحُجزَتِهِم ويَمكُثُ في ظِلِّهِم وأعِنّا على تأديةِ حُقوقِهِ

إلَيهِ والاجتِهادِ في طاعَتِهِ والاجتِنابِ عن مَعصِيَتِهِ وامنُن علَينا

بِرِضاهُ وهَب لَنا رأفَتَهُ ورَحمَتَهُ ودُعاءَهُ وخَيرَهُ ما نَنالُ بِهِ

سَعةً مِن رَحمَتِكَ وفَوزاً عِندَكَ واجعَل صَلوتَنا بِهِ مَقبولةً و

ذُنوبَنا بِهِ مَغفورةً ودُعاءَنا بِهِ مُستَجاباً واجعَل أرزاقَنا مَبسوطةً

وهُمومَنا بِهِ مَكفيّةً وحَوائجَنا بِهِ مَقضيّةً وأقبِل إلَينا بِوَجهِكَ

الكَريمِ واقبَل تَقَرُّبَنا إلَيكَ وانظُر إلَينا نَظرةً رَحيمةً نَستَكمِلُ

بِها الكَرامةَ عِندَكَ ثُمَّ لا تَصرِفها عَنّا بِجودِكَ واسقِنا مِن حَوضِ

جَدِّهِ صَلّى اللّهُ عليهِ وآلِهِ بِكأسِهِ وبِيَدِهِ رَيّاً رَويّاً هَنيئاً

سائغاً لا ظَمأ بَعدَهُ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ وأمّا طَريقِ صَلوات فرستادن

بر ایشان شیخ طوسی رحمه الله

روایت کرده است که عبد الله بن محمد گفت که من سؤال کردم از حضرت

امام حسن عسکری که املا نماید بر من کیفیت صلوات فرستادن

بر حضرت رسول صلی الله علیه وآله واوصیاء آن حضرت صلوات
الله علیهم را و با خود حاضر کرده بودم کاغذ بزرگی را پس بر من املا
فرمود بی آنکه بانی نحو اللّٰهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد کما حمل وحیک
از کتابی املا کند

وبلّغ رسالاتک وصلّ علی محمّد وآل محمّد کما احلّ حلالک وحرّم

حرامک وعلّم کتابک وصلّ علی محمّد کما اقام الصّلوة وآدی الزّکوة

ودعا الی دینک وصلّ علی محمّد کما صدّق بوعدک واشفق من

وعیدک وصلّ علی محمّد کما غفرت به الذّنوب وسترت به العیوب

وفرّجت به الکروب وصلّ علی محمّد کما رفعت به الشّقاء وکشفت

به الغمّاء واجبت به الدّعاء ونجّیت به من البلاء وصلّ علی

محمّد کما رحمت به العباد واحییت به البلاد وقصمت به

الجبابرة واهلکت به الفراعنة وصلّ علی محمّد کما اضعفت

به الاموال وحذرت به من الاهوال وکسرت به الاصنام

ورحمت به الانام وصلّ علی محمّد کما بعثته بخیر الادیان واعززت به

وآل محمّد

وآل محمّد

وآل محمّد

وآل محمّد

وآل محمّد

وآل محمّد

وآل محمّد

الایمان وتبرّأت به الاوثان وعظّمت به البیت الحرام وصلّ علی

محمّد واهل بیته الطّاهرین الاخیار وسلّم تسلیما اللّٰهمّ صلّ علی

امیر المؤمنین علیّ بن ابی طالب اخی نبیّک وولیّه ووصیّه ووزیره

ومستودع علمه وموضع سرّه وباب حکمته والنّاطق بحجّته و

الدّاعی الی شریعته وخلیفته فی امّته ومفرّج الکرب عن وجهه

قاصم الکفرة ومرغم الفجرة والّذی جعلته من نبیّک بمنزلة

هرون من موسی اللّٰهمّ وال من والاه وعاد من عاداه وانصر

من نصره واخذل من خذله والعن من نصب له من الاوّلین

والآخرین وصلّ علیه افضل ما صلّیت علی احد من اوصیاء

انبیائک یا ربّ العالمین اللّٰهمّ صلّ علی الصّدّیقة فاطمة

الزّکیّة حبیبة حبیبک ونبیّک وامّ احبّائک واصفیائک

الّتی انتجبتها وفضّلتها واخترتها علی نساء العالمین اللّٰهمّ کن

كن الطالب لها ممن ظلمها واستخف بحقها وكن الثائر اللهم بدم

باش جوینده برای او از آنکه ستم کرد او را و سبک شمرد حق او را و باش طلب کننده خداوندا خون

اولادها اللهم وكما جعلتها ام ائمة الهدى وحليلة صاحب

فرزندان او خداوندا و چنانچه گردانیدی او را مادر پیشوایان راه راست و زن صاحب

اللواء والكريمة عند الملأ الأعلى فصل عليها وعلى امها

علم و بزرگوار نزد بزرگان محل برتر پس رحمت فرست بر او و بر مادر او

صلوة تكرم بها وجه ابيها محمد صلى الله عليه وآله وتقر

رحمتی که گرامی داری بآن روی پدر او محمد را رحمت فرستد خدا بر او و آل او و روشن کنی

بها اعين ذريتها وابلغهم عني في هذه الساعة افضل

بآن دیدهای فرزندان او را و برسان ایشان را از من در این ساعت بهترین

التحية والسلام اللهم صل على الحسن والحسين عبديك و

درود و سلام خداوندا رحمت فرست بر حسن و حسین دو بنده تو و

وليك وابني رسولك وسبطي الرحمة وسيدي شباب اهل

دو دوست تو و دو پسر پیغمبر تو و دو فرزند زاده رحمت و دو بزرگ جوانان اهل

الجنة افضل ما صليت على احد من اولاد النبيين والمرسلين

بهشت بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از فرزندان پیغمبران و فرستادگان

اللهم صل على الحسن بن علي سيد النبيين ووصي امير المؤمنين

خداوندا رحمت فرست بر حسن پسر علی بزرگ پیغمبران و وصی پادشاه مؤمنان

السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيد الوصيين

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند بزرگ اوصیا

اشهد انك يا ابن امير المؤمنين امين الله وابن امينه عشت

گواهی میدهم که تو ای پسر پادشاه مؤمنان امانت خدا و پسر امانت دار او زندگانی کردی

مظلوما ومضيت شهيدا واشهد انك الامام الزكي الهادي

ستم رسیده و گذشتی شهید و گواهی میدهم که تو پیشوای پاک راه نماینده

المهدي

المهدي اللهم صل عليه وبلغ روحه وجسده عني في هذه

راه یافته خداوندا رحمت فرست بر او و برسان بروح او و بدن او از من در این

الساعة افضل التحية والسلام اللهم صل على الحسين بن

ساعت بهترین درود و درود خداوندا رحمت فرست بر حسین پسر

علي المظلوم الشهيد القتيل الكفرة وطريح الفجرة والسلام

علی ستم رسیده شهید کشته کافران و افکنده شده بدکاران و سلام

عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن امير المؤمنين اشهد

بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند پادشاه مؤمنان گواهی میدهم

انك موقنا انك امين الله وابن امينه قتلت مظلوما ومضيت

یقین دارنده که تو امانت خدا و فرزند امانت دار او کشته شدی ستم رسیده و گذشتی

شهيدا واشهد ان الله تعالى الطالب بثارك ومنجز ما وعدك

شهادت یافته و گواهی میدهم که خدا برتر طلب کننده خون ترا و روا کننده است آنچه وعده کرد

من النصر والتأييد في هلاك عدوك واظهار دعوتك واشهد

از یاری نمودن و قوت دادن در هلاک نمودن دشمن تو و ظاهر ساختن دعوت تو و گواهی میدهم

انك وفيت بعهد الله وجاهدت في سبيل الله وعبدت الله

که تو وفا کردی به پیمان خدا و کارزار نمودی در راه خدا و پرستش کردی خدا را

مخلصا حتى اتاك اليقين لعن الله امة قتلتك ولعن الله امة

خالص کرده تا آمد ترا مرگ لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی را

خذلتك ولعن الله امة البت عليك وابرء الى الله تعالى ممن اكذبك

که واگذاشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که جمع شدند بر کارزار تو و بیزاری میجویم بسوی خدا برتر از کسانی که تکذیب کردند

واستخف بحقك واستحل دمك بابي انت وامي يا ابا عبد الله

و سبک شمردند حق ترا و حلال دانستند خون ترا فدای تو باد پدر و مادرم ای ابا عبد الله

لعن الله قاتلك ولعن الله خاذلك ولعن الله من سمع واعيتك فلم

لعنت کند خدا کشنده ترا و لعنت کند خدا واگذارنده ترا و لعنت کند خدا آن را که شنید فریاد ترا

السلام عليك يا ابا عبد الله

بحبك ولم ينصرك ولعن الله من نسب انسابهم انا الى الله منهم بريء

اجابت نکرد ترا و یاری نکرد ترا و لعنت کند خدا آنرا که ... من بسوی خدا از ایشان بیزارم

وممن والاهم ومالاهم واعانهم عليه اشهد انك والائمة من

و از آنانکه دوست داشتند ایشان را ... و گواهی میدهم که تو و پیشوایان از

ولدك كلمة التقوى وباب الهدى والعروة الوثقى والحجة على

فرزندان تو هستند در پرهیزکاری و در راه راستی و دست آویز محکم و حجت بر

اهل الدنيا واشهد اني بكم مؤمن وبمنزلتكم موقن ولكم

اهل دنیا و گواهی میدهم که من بشما گرویده ام و بمنزلت شما یقین دارنده و شما را

تابع بذات نفسي وشرائع ديني وخواتيم عملي ومنقلبي في دنياي

پیروی کننده ام بذات نفس خود و طریقهای دین خود و آخرهای کردار خود و بازگشتن خود در دنیای خود

وآخرتي اللهم صل على علي بن الحسين سيد العابدين الذي استخلصته

و آخرت خود خداوندا رحمت فرست بر علی فرزند حسین بزرگ پرستندگان آنکه خالص کردی او را

لنفسك وجعلت منه ائمة الهدى الذين يهدون بالحق وبه

برای خود و گردانیدی از او پیشوایان راه راست آنانکه راهنمایی کنند براستی و بآن

يعدلون اخترته لنفسك وطهرته من الرجس واصطفيته هاديا

عدل کننده اختیار کردی او را برای خود و پاک کردی او را از گناه و برگزیدی او را راه نماینده

مهديا اللهم فصل عليه افضل ما صليت على احد من ذريته

راه یافته خداوندا پس رحمت فرست براو بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از فرزندان

انبيائك حتى تبلغ به ما تقر به عينه في الدنيا والآخرة انك

پیغمبران خود تا آنکه برسانی او را بآنچه روشن شود باو دیده او در دنیا و آخرت بدرستی که تو

اللهم صل على محمد بن علي باقر العلم وامام الهدى وقائد

خداوندا رحمت فرست بر محمد پسر علی شکافنده علم و پیشوای راه راست و پیشرو

اهل التقوى والمنتجب من عبادك اللهم وكما جعلته علما

پرهیزکاران و برگزیده از بندگان تو خداوندا و چنانچه گردانیدی او را نشانی

الذي

الذي جعلته

و گردانیدی او را

عزيز حكيم

غالب درست کردار

لعبادك

لعبادك ومنارا لبلادك ومستودعا لحكمتك ومترجما

برای بندگان خود و روشنایی برای شهرهای خود و نگاهدارنده حکمت و علم خود و بیان کننده

لوحيك وامرت بطاعته وحذرت من معصيته فصل عليه

وحی خود و امر کردی بفرمانبرداری او و ترسانیدی از نافرمانی او پس رحمت فرست براو

يا رب افضل ما صليت على احد من ذرية انبيائك واصفيائك

ای پروردگار من بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از فرزندان پیغمبران خود و برگزیدگان

ورسلك وامنائك يا رب العالمين اللهم صل على جعفر بن محمد الصادق

و فرستادگان خود و امانت داران خود ای پروردگار جهانیان خداوندا رحمت فرست بر جعفر پسر محمد

خازن العلم الداعي اليك بالحق النور المبين اللهم وكما جعلته

خزینه دار علم دعوت کننده بسوی تو براستی روشنی هویدا خداوندا و چنانچه گردانیدی او را

معدن كلامك ووحيك وخازن علمك ولسان توحيدك و

و کان کلام خود و وحی خود و خزانه دار علم خود و زبان توحید خود و

ولي امرك ومستحفظ دينك فصل عليه افضل ما صليت على احد

خداوند امر خود و نگاهدارنده دین خود پس رحمت فرست براو بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی

من اصفيائك وحججك انك حميد مجيد اللهم صل على الامين

از برگزیدگان خود و حجتهای خود که تو ستوده بزرگواری خداوندا رحمت فرست بر امین

المؤتمن موسى بن جعفر البر الوفي الطاهر الزكي النور المبين

امانت دار موسی پسر جعفر نیکوکار وفادار پاکیزه پاکیزه روشنی روشن

المجتهد المحتسب الصابر على الاذى فيك اللهم وكما بلغ عن آبائه

کوشش نماینده باخلاص ثواب طلب کننده صبر کننده بر آزار در راه تو خداوندا و چنانچه رسانید از پدران خود

ما استودع من امرك ونهيك وحمل على المحجة وكابد اهل العزة

آنچه سپرده شده بود از امر تو و نهی تو و برداشت بر راه راست و رنج کشید از اهل غلبه

والشدة فيما كان يلقى من جهال قومه رب فصل عليه افضل

و شدت در آنچه بود که میدید از نادانان قوم خود پروردگار من پس رحمت فرست براو بهتر

افضل ما

رب

واكمل ما صليت على احد ممن اطاعك ونصح لعبادك انك غفور

و کاملتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از آنکه فرمانبرداری نمود ترا و پند داد مر بندگان ترا بدرستیکه تو آمرزنده

رحيم اللهم صل على علي بن موسى الذي ارتضيته ورضيت به

مهربانی خداوندا رحمت فرست بر علی پسر موسی که پسندیدی اورا و خوشنود کردانیدی

من شئت من خلقك اللهم وكما جعلته حجة على خلقك وقائما

آنرا که خواستی از خلق خود خداوندا و چنانچه کردانیدی اورا حجت بر خلق خود و قائم

بامرك وناصرا لدينك وشاهدا على عبادك وكما نصح لهم في السر

بامر خود و یاری کننده دین خود و کواه بر بندکان خود و چنانچه پند داد ایشانرا در نهان

والعلانية ودعا الى سبيلك بالحكمة والموعظة الحسنة فصل

و آشکار و خواند بسوی راه تو بدلیل محکم و پند نیکو پس رحمت فرست

عليه افضل ما صليت على احد من اوليائك وخيرتك انك جواد

بر او بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از دوستان خود و برگزیدگان خود بدرستیکه تو بخشنده

كريم اللهم صل على محمد بن علي بن موسى علم التقى ونور الهدى

بزرگواری خداوندا رحمت فرست بر محمد پسر علی پسر موسی نشانه پرهیزکاری و روشنائی

ومعدن الوفاء وفرع الازكياء وخليفة الاوصياء وامينك

و قرارگاه وفا و فرزند پاکان و جانشین اوصیاء و امین

على وحيك اللهم وكما هديت به من الضلالة واستنقذت

بر وحی تو خداوندا و چنانچه راهنمائی کردی باو از گمراهی و رهانیدی

به من الحيرة وارشدت به من اهتدى وزكيت به من تزكى فصل

بسبب او از حیرت و سرگشتگی و راه نمودی باو آنرا که راه یافت و پاک کردانیدی باو آنرا که پاکی طلبید پس

عليه افضل ما صليت على احد من اوليائك وبقية اوصيائك

بر او بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از دوستان خود و باقی مانده اوصیاء

انك عزيز حكيم اللهم صل على علي بن محمد وصي الاوصياء

که تو غالب درست کرداری خداوندا رحمت فرست بر علی پسر محمد وصی اوصیاء

پسندیده

من خلقك

وامام الاتقياء وخلف ائمة الدين والحجة على الخلائق اجمعين

و پیشوای پرهیزکاران و جانشین پیشوایان دین و حجت بر آفریدگان همه

اللهم كما جعلته نورا يستضيء به المؤمنون فبشر بالجزيل من

خداوندا چنانچه کردانیدی اورا روشنائی که روشنی جویند باو مؤمنان پس مژده داد بوافر از

ثوابك وانذر بالاليم من عقابك وحذر باسك وذكر بآياتك

ثواب تو و بیم نمود از دردناک از عقوبت و بیم نمود از عذاب تو و یادآوری نمود بآیات

واحل حلالك وحرم حرامك وبين شرائعك وفرائضك و

و حلال کرد حلال ترا و حرام کرد حرام ترا و ظاهر ساخت شریعتهای ترا و واجبات ترا و

حض على عبادتك وامر بطاعتك ونهى عن معصيتك فصل

برانگیخت بر پرستش تو و امر کرد بطاعت تو و نهی کرد از نافرمانی تو پس رحمت فرست

عليه افضل ما صليت على احد من اوليائك وذرية انبيائك

بر او بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از دوستان خود و فرزندان پیغمبران

يا اله العالمين اللهم صل على الحسن بن علي البر التقي الصادق

ای خدای جهانیان خداوندا رحمت فرست بر حسن پسر علی نیکوکار پرهیزکار راستگو

الوفي النور المضيء خازن علمك والمذكر بتوحيدك وولي امرك

وفاکردار روشنائی روشن خازن علم تو و یادآورنده بتوحید تو و متولی امر تو

وخلف ائمة الدين الهداة الراشدين والحجة من اصفيائك

و جانشین پیشوایان دین که راهنمایان راه یافتگانند و حجت از برگزیدگان خود

وحجتك واولاد رسلك يا اله العالمين اللهم صل على وليك

و حجت خود و فرزند پیغمبران ای معبود جهانیان خداوندا رحمت فرست بر دوست

وابن اوليائك الذين فرضت طاعتهم واوجبت حقهم واذهبت

و پسر دوستان خود آنانکه لازم کردی اطاعت ایشانرا و لازم کردی حق ایشانرا و بردی

عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم انصره وانتصر به

از ایشان گناه را و پاک کردی ایشانرا پاک کردنی خداوندا یاری کن اورا و انتقام کش

لِدینِكَ وَانصُرْ بِهِ اَولِیائَكَ وَاَولِیاءَهُ وَشیعَتَهُ وَاَنصارَهُ وَ

و برای دین خود و یاری کن باو دوستان خود را و دوستان او را و پیروان او را و یاوران او را

اجعَلْنا مِنهُم اَللّٰهُمَّ اَعِذْهُ مِن شَرِّ کُلِّ طاغٍ وَباغٍ وَمِن شَرِّ جَمیعِ

بگردان ما را از ایشان خداوندا پناه ده او را از شر هر گردن‌کش و ستمکاری و از گزند همه

خَلقِكَ وَاحفَظْهُ مِن بَینِ یَدَیهِ وَمِن خَلفِهِ وَعَن یَمینِهِ وَعَن

خلق خود و نگاه دار او را از پیش روی او و از عقب او و از طرف راست او و از

شِمالِهِ وَاحرُسْهُ وَامنَعْهُ مِن اَن یوصَلَ اِلَیهِ بِسوءٍ وَاحفَظْ فیهِ

طرف چپ او و حراست کن او را و باز دار او را از اینکه رسانیده شود بسوی او بدی و نگاه دار در

رَسولَكَ وَآلَ رَسولِكَ وَاَظهِرْ بِهِ العَدلَ وَاَیِّدْهُ بِالنَّصرِ وَ

حق او حرمت پیغمبر خود و آل رسول خود و ظاهر کن باو عدالت را و قوی کن او را بیاری

انصُرْ ناصِرِیهِ وَاخذُلْ خاذِلیهِ وَاقصِمْ بِهِ جَبابِرَةَ الکَفَرَةِ وَ

یاری کن یاوران او را و فرو گذار فرو گذارندگان او را و درهم شکن باو ستمکاران کافران و

اقتُلْ بِهِ الکُفّارَ وَالمُنافِقینَ وَجَمیعَ المُلحِدینَ حَیثُ کانوا مِن مَشارِقِ

بکش بدست او کافران را و منافقان را و همه ملحدان را هر جا که بوده باشند از مشرقهای

الاَرضِ وَمَغارِبِها وَبَرِّها وَبَحرِها وَاملَأْ بِهِ الاَرضَ عَدلاً

زمین و جاهای غروب آن و خشکی آن و دریای آن و پر کن باو زمین را از روی داد

وَاَظهِرْ بِهِ دینَ نَبِیِّكَ عَلَیهِ وَآلِهِ السَّلامُ وَاجعَلْنی اَللّٰهُمَّ مِن

و ظاهر کن باو دین پیغمبر خود را بر او و آل او باد سلام و بگردان مرا خداوندا از

اَنصارِهِ وَاَعوانِهِ وَاَتباعِهِ وَشیعَتِهِ وَاَرِنی فی آلِ مُحَمَّدٍ ما یَأمُلونَ

یاوران او و مددکاران او و پیروان او و گروه او و بنما مرا در حق آل محمد آنچه آرزو کشند

وَفی عَدُوِّهِم ما یَحذَرونَ اِلٰهَ الحَقِّ آمینَ **باب یازدهم** در بیان

و در باره دشمنان ایشان آنچه میترسند ای خدای حق اجابت کن دعای ما را

نمازهایی واجب است که مخصوص روزی و ماهی نیست و نمازهایی که

اختصاص بوقتی ندارد و اعمالی که بغیر ماههای عربی تعلق دارند



و در او هشت فصل است **فصل اول** در بیان نماز آیات است بدانکه این

نماز واجب است نزد کسوف آفتاب و خسوف ماه خواه کل بگیرد و خواه بعض

و در زلزله که زمین بلرزد و مشهور آن است که هر آیتی که از آسمان ظاهر

شود که موجب خوف غالب خلق گردد این نماز واجب میشود مانند

بادهای بسیار شدید که بر خلاف عادت باشد خواه رنگین باشد

و خواه نباشد و صاعقهای عظیم و رعدهای بسیار شدید و تاریک شدن

هوا و امثال اینها و این قول اقوی است و کیفیت این نماز آنست که قصد

کند که نماز آفتاب گرفتن یا ماه گرفتن یا زلزله یا آیات میکنم از جهت

آنکه واجب است برای رضای خدا یا قربة الی الله پس تکبیر احرام بگوید

و حمد و یک سوره بخواند پس رکوع کند پس سر بردارد و سنت است

که در سر برداشتن الله اکبر بگوید پس حمد و سوره بخواند پس رکوع

کند تا آنکه پنج رکوع بعمل آورد و در رکوع پنجم که سر بردارد سمع الله لمن

حمده بگوید بعد از آن بسجود رود و دو سجده بجا آورد پس برخیزد و

یک رکعت دیگر بجا آورد بدستور رکعت اول و در سر برداشتن از رکوع

دهم بجای تکبیر سمع الله لمن حمده بگوید و اگر در رکوع اول بعضی از سوره

را بخواند و برکوع رود و بعد از سر برداشتن باقی سوره را بخواند

اعاده حمد نمیکند و اگر سوره که پنج آیه باشد تفریق کند بر رکوعها

بیک حمد که در رکوع اول خوانده اکتفا میکند و همچنین در رکعت

دوم بیک حمد و سوره چنین که تفریق کند اکتفا میتواند کرد و بهتر

آن است که بطریق اول بکند که ده حمد و ده سوره بجا آورد اگر وقت

تنگ نباشد و اول وقت نماز کسوف و خسوف ابتدای گرفتن است و آخر

وقت بقول مشهور ابتدای منجلی شدن است و اظهر نزد فقیر و جمعی

از محققین آنست که تا تمام منجلی نشود وقتش باقی است و نماز زلزله و آیات

که وقتش وفا بنماز نکند موافق مشهور در تمام عمر اداست و اگر کسی

ترك كند نماز مذكور را باحدوث یکی از اسباب مذکوره مشهور میان
علما آنست که قضا میکنند این نماز را وجمعی گفته اند که بر تاسی که فوت
کرده باشد قضا نیست مادام که تمام قرص نگرفته باشد وعمل بمشهور
احوط است واگر مطلع نشود تا وقت بدر رود مشهور میان اصحاب ان
است که قضای کسوفین واجب نیست مگر انکه قرص تمام گرفته باشد
وجمعی گفته اند واجب است مطلقا وقول اول اقوی وثانی احوط است
ومستحب است که این نماز را بجماعت بکنند وطول بدهند بقدر زمان
کسوف وخسوف وهرگاه از نماز فارغ شود وانجلا نشده باشد اشهر
واقوی انست که اعاده نماز مستحب است وبعضی واجب دانسته اند
ومستحب است خواندن سورهای طولانی با وسعت وقت وبرابر
ساختن رکوع وسجود با قراءت ومستحب است قنوت خواندن پیش از
رکوع دویم وچهارم وششم وهشتم ودهم واگر در ایام زلزله مکرر
این ایه را بخواند مناسب است ان الله یمسك السموات والارض ان
تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما
غفورا واز حضرت امام رضا منقولست که هرکه در وقت خواب این
ایه را بخواند خانه بر سرش خراب نشود **فصل دویم** در بیان نماز استسقا
یعنی نماز طلب باران در وقتی که باران کم اید واب چاها وچشمها
کم شود وکیفیت این نماز مثل نماز عید است که سابقا مذکور شد
شد وبجماعت باید کرد ودر قنوتها پس طلب رحمت واستغفار از
گناهان وطلب باران باید کرد وبهترین دعاها دعاء نوزدهم صحیفه
کامله است واکثر گفته اند که وقتش پیش از طلوع افتاب است تا
زوال وباید امام امر کند مردم را که سه روز روزه بدارند وروز سیم
ایشانرا بیرون برد وبهتر انست که روز جمعه باشد یا دوشنبه
وبصحرا بیرون رود پای برهنه باسکینه ووقار ومؤذنان عصاها

بدست گرفته پیش روی امام روند وچون امام از نماز فارغ شود
بر منبر بالا رود ورد را بگرداند بانکه جانب راست را بجانب چپ
اورد وجانب چپ را بجانب راست پس رو بقبله کند وباواز بلند
صد مرتبه الله اکبر بگوید وبجانب راست بگردد دو صد مرتبه
سبحان الله بگوید پس بجانب چپ بگردد وصد مرتبه لا اله الا الله بگو
پس رو بمردم کند **وصد مرتبه** الحمد لله بگوید وگفته اند که مردم در ذکرها
موافقت کنند نه در گفتن پس دو خطبه بخواند ومبالغه کند در
استغفار ودعا ودر طلب رحمت وخطبهای منقوله بهتر است وواجب
نیست که اگر ان ذکرها را بعد از خطبه بخواند نیز خوب باشد **فصل
سیم** در بیان نماز حضرت رسول صلی الله علیه واله است سید بن
طاوس قدس الله روحه بسند معتبر از حضرت امام رضا روایت
کرده است که از ان حضرت سوال کردند از نماز حضرت جعفر طیار
حضرت فرمود که چرا غافلی از نماز حضرت رسول صلی الله علیه واله
شاید حضرت رسول نماز جعفر را نکرده باشد وشاید که جعفر نماز
ان حضرت را نکرده باشد راوی گفت که ان نماز را تعلیم کن بمن حضرت
فرمود که دو رکعت نماز میکنی در هر رکعت یك مرتبه فاتحه وپانزده
مرتبه سوره انا انزلناه بخوان پس در رکوع وبعد از سر برداشتن
ودر سجده اول وسر برداشتن ودر سجده دویم وسر برداشتن هر
یك پانزده مرتبه سوره حمد قدر را میخوانی پس تشهد میخوانی وسلام
میگوئی وچون فارغ شوی میان تو وخدا هیچ گناهی نمیماند مگر انکه
امرزیده شده است **وبعد از ان این دعا** لا اله الا الله ربنا ورب ابائنا الا
وهر حاجت که طلبی رواست **میخوانی** نیست خدائی مگر خدا پروردگار ما وپروردگار پدران
الاولین لا اله الا الله الها واحدا ونحن له مسلمون لا اله الا الله
نیست خدائی مگر خدا خدای یگانه وما مر او را گردن نهندگانیم نیست خدائی بجز

لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین ولو کره الکافرون لا اله الا الله

[illegible]

وحده وحده وانجز وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده فله

[illegible]

الملك وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر اللهم انت نور السموات

[illegible]

والارض فلك الحمد وانت قیام السموات والارض ومن فیهن

[illegible]

فلك الحمد وانت الحق ووعدك الحق وقولك الحق وانجازك حق

[illegible]

والجنة حق والنار حق اللهم لك اسلمت وبك امنت وعلیك

[illegible]

توکلت وبك خاصمت والیك حاکمت یا رب یا رب یا رب اغفر لی

[illegible]

ما قدمت وما اسررت واعلنت انت الهی لا اله الا انت صل علی محمد

[illegible]

وال محمد واغفر لی وارحمنی وتب علی انك انت التواب الرحیم **مولف**

[illegible]

گوید که این نماز از نمازهای مشهور است و عامه و خاصه در کتب
خود روایت کرده‌اند و بعضی این را از نمازهای روز جمعه شمرده‌اند
و از روایت اختصاص معلوم نمیشود و ظاهرا در سایر ایام توان کرد

فصل چهارم در بیان نماز حضرت امیر المؤمنین ع است ابن بابویه و عیاشی
و شیخ و دیگران رضی الله عنهم بسندهای صحیح و حسن معتبر بسیار
از حضرت صادق ع روایت کرده‌اند که هر که چهار رکعت نماز بگذارد

و در هر

و در هر رکعت بعد از سوره فاتحه پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد
بخواند چون فارغ گردد میان او و حق تعالی گناهی نماند مگر آنکه امرزیده
شده باشد و سید و شیخ از حضرت صادق ع روایت کرده‌اند که هر که
چهار رکعت نماز امیر المؤمنین بجا آورد از گناهان بیرون آید مانند روزی
که از مادر متولد شده باشد و حاجتهای او بر آورده شود و در هر رکعت
سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره توحید بخواند و چون فارغ شوی این دعا
بخوان که تسبیح آن حضرت است سبحان من لا تبید معالمه سبحان من لا تنقص خزائنه
سبحان من لا اضمحلال لفخره سبحان من لا ینفد ما عنده
سبحان من لا انقطاع لمدته سبحان من لا یشارك احدا فی امره سبحان
من لا اله غیره یا من عفی عن السیئات ولم یجازها ارحم عبدك

[illegible]

یا الله یا الله نفسی انا عبدك یا سیداه انا عبدك بین یدیك

[illegible]

یا رباه بك الهی بکینونیتك یا املاه یا رحماناه یا غیاثاه عبدك

[illegible]

عبدك لا حیلة له یا منتهی رغبتاه یا مجری الدم فی عروقی

[illegible]

عبدك یا سیداه یا مالکاه ایا هو ایا هو یا هو عبدك لا حیلة

[illegible]

لی ولا غنی بی عن نفسی ولا استطیع لها ضرا ولا نفعا ولا اجد

[illegible]

من اصانعه تقطعت اسباب الخدائع عنی واضمحل کل مظنون

[illegible]

عنی افردنی الدهر الیك فقمت بین یدیك هذا المقام یا الهی

[illegible]

یا رباه
ای پروردگار

بعلمك هذا كان كله فكيف انت صانع بي وليت شعري كيف تقول

لدعائي اتقول نعم ام تقول لا فان قلت لا فيا ويلي يا ويلي يا ويلي

يا عولي يا عولي يا عولي يا شقوتي يا شقوتي يا شقوتي يا ذلي يا ذلي

يا ذلي يا ذلي الى من وممن او عند من او كيف او ماذا او الى اي

شيء الجا ومن يجود علي بفضله حين ترفضني يا واسع المغفرة

وان قلت نعم كما الظن بك والرجاء لك فطوبى لي انا السعيد

وانا المسعود فطوبى لي وانا المرحوم يا مترحم يا متعطف يا

متجبر يا متملك يا مقسط لا عمل لي مع نجاح حاجتي اسئلك

باسمك الذي جعلته في مكنون غيبك واستقر عندك فلا

يخرج منك الى شيء سواك اللهم به وبك وبه فانه اجل

واشرف اسمائك لا شيء لي غير هذا ولا احد اعود علي منك

يا كينون يا مكون يا من عرفني نفسه يا من امرني بطاعته يا من

ومن ارجوا

يامترحم

نهاني عن معصيته ويا مدعو ويا مسئول يا مطلوبا اليه رفضت

وصيتك التي اوصيتني بها ولم اطعك فيما امرتني لكهنتني

ما قمت اليك فيه وانا مع معصيتي لك راج فلا تحل بيني وبين

ما رجوت يا مترحم لي اعذني من بين يدي ومن خلفي ومن فوقي

ومن تحتي ومن كل جهات الاحاطة بي اللهم بمحمد سيدي وبعلي

وليي وبالائمة الراشدين عليهم السلام اجعل علينا رافتك و

رحمتك واوسع علينا من رزقك واقض عنا الدين وجميع حوائجنا

يا الله يا الله يا الله انك على كل شيء قدير پس حضرت فرمود که هر که

این نماز را بکند و این

دعا را بخواند هیچ گناه میان او و خدا نماند مگر آنکه آمرزیده شود

فصل پنجم در بیان فضیلت و کیفیت نماز حضرت فاطمه است سید ابن

طاوس قدس سره بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است

که فرمود که مادرم فاطمه دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل تعلیم او کرد

و در رکعت اول بعد از سوره حمد صد مرتبه سوره قدر و در رکعت

دویم صد مرتبه سوره توحید میخواند و چون سلام میگفت این دعا

میخواند سبحان ذي العز الشامخ المنيف سبحان ذي الجلال الباذخ

العظيم سبحان ذي الملك الفاخر القديم سبحان من لبس البهجة

ولو اطعتك

صلواتك و

والجمال سبحان من تردی بالنور والوقار سبحان من یری اثر النمل
فی الصفا سبحان من یری وقع الطیر فی الهواء سبحان من هو
هکذا ولا هکذا غیره وسید گفته است که در روایت دیگر وارد
شده است که بعد از این نماز تسبیح مشهور حضرت فاطمه را که بعد
از هر نماز خوانده شود بخواند و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد
و آل محمد بفرستد و شیخ رحمه الله در مصباح این نماز را مرسل ذکر
کرده است و گفته است که چون سلام بگوئی تسبیح حضرت فاطمه را به
خوان و این دعا را بخوان یعنی دعائی که پیش مذکور شد پس گفته
است که سزاوار است برای کسی که این نماز را بکند و از این دعا فارغ
شود زانوها و ذراعها خود را برهنه کند و بسجده رود و جمیع مساجد
سبعه را بر خاک برساند که جامه در میان مانع نباشد و دعا کند و
حاجات خود را از خدا طلبد و در سجده این دعا بخواند یا من لیس
غیره رب یدعی یا من لیس فوقه اله یخشی یا من لیس دونه ملک
یتقی یا من لیس له وزیر یؤتی یا من لیس له حاجب یرشی یا من لیس
له بواب یغشی یا من لا یزداد علی کثرة السؤال الا کرما وجودا وعلی
کثرة الذنوب الا عفوا وصفحا صل علی محمد وآل محمد وافعل بی کذا
وکذا پس بجای وافعل بی کذا وکذا حاجتها خود را یاد کن

فصل ششم

در بیان فضلت و کیفیت و احکام نماز حضرت جعفر طیار است و این نماز
از جمله متواترات است و عامه و خاصه بسندهای معتبر روایت
کرده است و مخالفان این نماز را مستحب میدانند مگر نادری از ایشان
اما اکثر ایشان باعتبار عداوت باطنی که با امیر المؤمنین و اولاد
حضرت دارند این نماز را بعباس عم پیغمبر صلی الله علیه نسبت داده اند
و بعد از نوافل شبانروزی نمازی بحسب صحت سند و کثرت ثواب
باین نماز نمیرسد و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست که چون

جعفر طیار برادر حضرت امیر المؤمنین از هجرت حبشه مراجعت نمود
در روزی آمد که فتح خیبر بر دست امیر المؤمنین شده بود حضرت رسول
بقدر مسافت یک تیر پرتاب باستقبال او شتافت چون جعفر نظرش
بر جمال عدیم المثال آن حضرت افتاد مشتاقانه بجانب آن حضرت شتافت
و حضرت او را در بر گرفت و دست در گردن او در آورد و ساعتی با او سخن
گفت پس بناقه غضبا سوار شد و جعفر را ردیف خود ساخت و چون
براه افتاد حضرت فرمود که ای جعفر ای برادر میخواهی بخششی بزرگی
کنم نسبت بتو میخواهی ترا برگزینم مردم گمان کردند که مال جزیلی از غنائم
خیبر باو عطا خواهد کرد جعفر گفت پدرم و مادرم فدای تو باد پس حضرت
نماز تسبیح را باو تعلیم نمود حضرت صادق فرمود که صفتش اینست که
چهار رکعت است بدو سلام و در رکعت اول بعد از حمد سوره اذا زلزلت
میخواند و در رکعت دویم سوره والعادیات و در رکعت سیم سوره اذا
جاء نصر الله و در رکعت چهارم سوره قل هو الله و در هر رکعت بعد
از فراغ از قراءت پانزده مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا
الله والله اکبر و در رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه میگوید و چون سر
از رکوع بر میدارد ده مرتبه و در سجده اول ده مرتبه و بعد از سر
برداشتن ده مرتبه و در سجده دویم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن
پیش از آنکه برخیزد ده مرتبه و در هر چهار رکعت مجموع سیصد مرتبه
شود و هزار و دویست مرتبه تسبیح بوده باشد و بروایت معتبره دیگر
حضرت رسول فرمود که اگر هر روز بکنی بهتر است از برای تو از دنیا و آنچه
در آن هست و اگر هر دو روز یک بار بکنی گناهانی که در میان دو نماز کرده
آمرزیده شود و اگر در هر جمعه بکنی یا در هر ماهی یک مرتبه یا در سالی
یک مرتبه بکنی هر گناهی که در میان دو نماز کرده آمرزیده شود و بروایت
معتبر دیگر اگر بقدر کف دریاها و ریگ بیابان بر تو گناه باشد خدا

بیامرزد و اگر از جنگ گریخته باشی که بدترین گناهان است خدا ترا بیا
بیامرزد و بروایت دیگر اگر توانی هر روز بکن و اگر نتوانی هفته یک
بار و اگر نتوانی ماهی یکبار و اگر نتوانی سالی یکبار و اگر نتوانی در عمر
خود یکبار بکن تا خدا گناهان کبیره و صغیره و تازه و کهنه و عمد و خطای
ترا بیامرزد نماز حاجت که در بین نماز مستحب است کلینی بسند معتبر از حضرت صادق
روایت کرده است که در سجده آخر نماز جعفر چون از تسبیحات فارغ شوی
بگو سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ
سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ
سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْأَمْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَاسْمِكَ الْأَعْظَمِ
وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
أَهْلِ بَيْتِهِ پس حاجات خود را ذکر کند و ایضاً شیخ و سید از مفضل بن
عمر روایت کرده اند که گفت دیدم روزی حضرت امام جعفر صادق
عَلَيْهِ السَّلَامُ نماز جعفر را بجا آورد پس دستها برداشت و گفت یَا رَبِّ یَا رَبِّ تا نفس
که نفس وفا کند یَا رَبَّاهُ یَا رَبَّاهُ تا نفس یکنفس رَبِّ رَبِّ تا نفس یکنفس یَا اللهُ یَا اللهُ
تا نفس یکنفس یَا رَحِيمُ یَا رَحِيمُ تا نفس یکنفس یَا رَحْمَنُ یَا رَحْمَنُ هفت مرتبه یَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ هفت مرتبه پس این دعا خواند اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَتِحُ الْقَوْلَ
بِحَمْدِكَ وَأَنْطِقُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَأُمَجِّدُكَ وَلَا غَايَةَ لِمَدْحِكَ وَأُثْنِي عَلَيْكَ
وَمَنْ يَبْلُغُ غَايَةَ ثَنَائِكَ وَأَمَدَ مَجْدِكَ وَأَنَّى لِخَلِيقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةِ
مَجْدِكَ وَأَيَّ زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحاً بِفَضْلِكَ مَوْصُوفاً بِمَجْدِكَ عَوَّاداً
عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِحِلْمِكَ تَخَلَّفَ سُكَّانُ أَرْضِكَ عَنْ طَاعَتِكَ فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفاً
بِجُودِكَ جَوَاداً بِفَضْلِكَ عَوَّاداً بِكَرَمِكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ ذُو
الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ پس حضرت فرمود که ای مفضل هرگاه ترا حاجت
ضروری بوده باشد نماز جعفر را بکن و این دعا بخوان و حوائج

خود را از خدا طلب کن که برآورده میشود دعای دیگر تمام از بروایت شیخ
و سید سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَتَرَدَّى بِهِ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ
بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ جَلَّ جَلَالُهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ
بِعِلْمِهِ وَخَلَقَهُ بِقُدْرَتِهِ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ
وَالْكَرَمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ
مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقاً وَ
عَدْلاً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَأَنْ تَجْمَعَ لِي خَيْرَ
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بَعْدَ عُمُرٍ طَوِيلٍ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْبَدِيُّ الْبَدِيعُ لَكَ الْكَرَمُ وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ
الْجُودُ وَلَكَ الْأَمْرُ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ وَيَا أَهْلَ التَّقْوَى وَيَا أَهْلَ
الْمَغْفِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا عَفُوُّ يَا غَفُورُ يَا وَدُودُ يَا شَكُورُ أَنْتَ أَبَرُّ بِي مِنْ
أَبِي وَأُمِّي وَأَرْحَمُ بِي مِنْ نَفْسِي وَمِنَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ يَا كَرِيمُ يَا جَوَادُ اللَّهُمَّ
إِنِّي صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَوةَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَطَلَبَ نَائِلِكَ وَمَعْرُوفِكَ
وَرَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَائِزَتِكَ وَعَظِيمِ عَفْوِكَ وَقَدِيمِ غُفْرَانِكَ اللَّهُمَّ
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْفَعْهَا فِي عِلِّيِّينَ وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي وَاجْعَلْ
نَائِلَكَ وَمَعْرُوفَكَ وَرَجَاءَ مَا أَرْجُو مِنْهَا فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزَ بِا
لْجَنَّةِ وَمَا جَمَعْتَ مِنْ أَنْوَاعِ النَّعِيمِ وَمِنْ حُسْنِ الْحُورِ الْعِينِ وَاجْعَلْ
جَائِزَتِي مِنْكَ الْعِتْقَ مِنَ النَّارِ وَغُفْرَانَ ذُنُوبِي وَذُنُوبِ وَالِدَيَّ وَمَا
وَلَدَا وَجَمِيعِ إِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ
الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَأَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي وَتَرْحَمَ صَرْخَتِي وَنِدَائِي
وَلَا تَرُدَّنِي خَائِباً خَاسِراً وَاقْلِبْنِي مُنْجِحاً مُفْلِحاً مَرْحُوماً مُسْتَجَاباً دُعَائِي
مَغْفُوراً لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ قَدْ عَظُمَ الذَّنْبُ
مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْكَ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَا

سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ [illegible]

لك المجد

الیدین بالرحمة یا نفاحا بالخیرات یا معطی المسؤلات یا فکاک الرقاب
من النار صل علی محمد وآل محمد وفک رقبتی من النار واعطنی سؤلی
واستجب دعائی وارحم صرختی وتضرعی واقض لی حوائجی کلها
لدنیای واخرتی ودینی ما ذکرت منها وما لم اذکر واجعل لی فی ذلک
الخیرة ولا تردنی خائبا خاسرا واقلبنی مفلحا منجحا مستجابا لی
دعائی مغفورا لی مرحوما یا ارحم الراحمین یا محمد یا ابا القاسم یا رسول
الله یا امیر المؤمنین انا عبدکما ومولاکما غیر مستنکف ولا مستکبر
بل خاضع ذلیل عبد مقر متمسک بحبلکما معتصم من ذنوبی بو
بولایتکما اتقرب الی الله تعالی بکما واتوسل الی الله بکما واقدمکما
بین یدی حوائجی الی الله جل وعز فاشفعا لی فی فکاک رقبتی من
النار وغفران ذنوبی واجابة دعائی اللهم صل علی محمد وآله
وتقبل دعائی واغفر لی یا ارحم الراحمین **اما احکام این نماز** در چند مطلب
ایراد مینمائیم **اول** بدانکه مشهور میان علما واقوی آنست که نماز
جعفر را بجای نوافل شبانروزی میتوان کرد که هر دو حساب شود و همچنین
به نیت قضای نافله میتوان کرد و احادیث بر این مضامین وارد
شده است و بعضی تجویز کرده اند که نماز فریضه را اداء و قضاء
بکیفیت نماز جعفر بکند و خالی از قوتی نیست و احوط ترک است
دویم روایات وارد شده و اکثر علما گفته اند که کسی که تعجیل داشته
باشد میتواند نماز جعفر را بدون تسبیحات بجا آورد و تسبیحات را در راه
بخواند **سیم** حدیث صحیح وارد شده است که دو رکعت نماز جعفر را
بکند و اورا امر ضروری رو دهد میتواند پی آن کار رود و دو رکعت
دیگر را در وقت دیگر بکند و اگر بدون عذر چنین نکند و همه را
باهم بکند بهتر است **چهارم** روایت معتبری از حضرت قائم وارد شده
است که کسی که تسبیحات نماز جعفر را در موضعی فراموش کند

هر وقت بخاطرش آمد بخواند و از علما کسی متعرض این حکم نشده
است و اگر باین روایت عمل کند ظاهرا بد نباشد **پنجم** خلاف است
در تعیین سوره ها که مستحب است که در این نماز خوانده شود و مشهور
آنست که در رکعت اول اذا زلزلت و در رکعت دویم والعادیات و
در سیم اذا جاء نصر الله و در چهارم قل هو الله احد میخوانند و ابن
بابویه و پدرش در رکعت اول والعادیات و در دویم اذا زلزلت
گفته اند و در روایتی در اول اذا زلزلت و در دویم اذا جاء و در سیم
انا انزلناه و در چهارم توحید وارد شده است و در روایت صحیح وارد
شده است که در هر رکعت قل یا ایها الکافرون و قل هو الله هر دو را
بخواند و در روایتی وارد شده است هر سوره که خواهد بخواند
و ابن بابویه گفته است که همه را با سوره توحید میتوان کرد و ظاهرا
همه خوب است اگرچه اول و سیم افضل است **ششم** مشهور آنست
که تسبیحات بعد از سجده دویم در رکعت اول و سیم در نشسته میخوا
و بعضی گفته اند بعد از برخاستن برکعت دیگر پیش از قراءت می
خوانند و عمل بمشهور اولی است **هفتم** بعضی گفته اند که چهار رکعت را
بیک سلام میکند و مشهور و اقوی آنست دو سلام چنانکه گذشت
هشتم مشهور میان علما آن است که تسبیحات این نماز که پیش از رکوع
خوانند بعد از قراءت باید خواند و ابن بابویه موافق بعضی از روایات
قایل شده است که مخیر است پیش از قراءت بخواند یا بعد از قراءت
و عمل بمشهور اقوی و اولی است **فصل هفتم** در بیان فضیلت و اعمال
روز نوروز است بدانکه در میان علما در تعیین روز نوروز خلاف
است بعضی گفته اند دهم ایار است از ماههای رومی و بعضی
گفته اند نهم شباط است و مشهور آنست که اول انتقال شمس است
به برج حمل چنانچه در این ازمنه معمول است و این مطلب را در کتاب

بحار الانوار بسط عظیمی داده‌ام و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد
و بگمان فقیر همین نوروز که در ازمنه مشهور است اقرب است بصواب
و اضبط است در حقیقت اگر بنای اعمال را برین بگذارند ظاهرا بهتر است
اما فضائل و اعمال این روز باسانید معتبره از معلی بن خنیس که از خواص
اصحاب حضرت صادق بوده است منقول است که گفت در روز نوروز
بخدمت حضرت امام جعفر صادق رفتم فرمود که آیا میشناسی این
روز را گفتم فدای تو شوم این روزیست که عجمان آنرا تعظیم کنند و درین
روز تحفه‌ها و هدیه‌ها برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود سوگند
یاد میکنم بحق خانهٔ کعبه که در مکهٔ معظمه است که این تعظیم کردن مگر برای
امر قدیمی که تفسیر میکنم آنرا برای تو تا بدانی و بفهمی آنرا گفتم ای سید و
آقای من که دانستن اینرا ببرکت شما محبوبتر است نزد من از آنکه
مردگان من زنده شوند و دشمنان من بمیرند حضرت فرمود که ای
معلی روز نوروز روزیست که حق تعالی درین روز پیمان گرفت
بندگان را از ارواح ایشان در روز الست که او را بیگانگی بپرستند
و برای او شریکی قرار ندهند و در بندگی و پرستیدن هیچ چیز را
شریک او نگردانند و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان و حجتهای
او بر خلق و امامان و پیشوایان دین و ائمهٔ معصومین و این اول
روزیست که در آن آفتاب طلوع کرده است و بادهای آبستن کننده
درختان وزیده است و گلها و شکوفه‌های زمین آفریده شده است
و درین روز کشتی حضرت نوح در کوه جودی قرار گرفته است
و این روزیست که حق تعالی درین روز حیات بخشید چندین
هزار کس را که از مرگ گریختند یعنی از طاعون و بسبب فعل خدا
تعالی همه را میراند پس بعد از مدتها که استخوان شده بودند
پیغمبری از پیغمبران خدا بر این استخوانها گذشت و از پروردگار

خود سؤال کرد باو بنماید چگونه این استخوانهای پوسیده را زنده
زنده میگرداند پس حق تعالی وحی فرستاد بسوی او که آب بریز بر
بر استخوانهای ایشان در همانجاها بخود که هستند پس چنین کرد همه
بقدرت الهی زنده شدند و این اول سال فرس عجم است و باین سبب
سنت شد که درین روز آب بریزند بیکدیگر بریزند و غسل کنند و حق تعالی در
قرآن مجید اشاره باین قصه نموده است در آنجا که فرموده است الم
تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله
موتوا ثم احیاهم و مفسران گفته‌اند که آن پیغمبر حضرت حزقیل بود
و حضرت فرمود که ایشان سی هزار کس بودند و فرمود که درین روز جبرئیل
بر حضرت رسول خدا بوحی نازل شد یعنی نوروز موافق روز مبعث بوده
که بیست و هفتم ماه رجب است و فرمود که این روزیست که حضرت رسالت
بتهای کفار قریش را در مکه شکست و حضرت ابراهیم نیز درین روز
بتهای کفار را شکست و اول اشاره است بآنکه سنی و شیعه روایت
کرده‌اند بطرق بسیار که شبی حضرت رسالت حضرت امیر المؤمنین
با خود بمسجد الحرام آورد و حضرت امیر را امر کرد که بر دوش آن حضرت
بالا رفت و بتهای کفار را بزیر آورد و شکست پس مراد اینست که در
این روز بوده و فرمود که درین روز حضرت رسول امر کرد اصحاب خود را
که بیعت کنند با امیر المؤمنین و اقرار کنند که او پادشاه مؤمنان است
یعنی روز عید غدیر با نیروز بوده یا آن روز که سرکرده‌های صحابه را
بروند و بر علی سلام کنند و بگویند السلام علیک یا امیر المؤمنین این
روز بوده و فرمود که درین روز حضرت رسول حضرت امیر المؤمنین
فرستاد بوادی جنیان که از ایشان بیعت از برای او بگیرند و فرمود
که درین روز حق خلافت با امیر المؤمنین برگشت و بار دیگر بعد از کشته
شدن عثمان با او بیعت کردند و درین روز حضرت امیر المؤمنین بر جنیان

نهروان جنگ کرد و بر ایشان ظفر یافت و ذو الثدیه که سرکرده ایشان
بود کشت و در این روز قائم آل محمد صلوات الله علیه ظاهر خواهد شد
و در این روز امامان دیگر بدنیا رجعت خواهند کرد و در این روز قائم
ما ظفر خواهد یافت و در کناسه که محله ایست از محلات کوفه او را
بر دار خواهند کشید و در هیچ روز نوروزی نیست مگر آنکه ما انتظار
فرج میکشیم زیرا که آن از روزهای ما و روزهای شیعیان ما است
آن روز را عجمان حفظ کردند و حرمت آن را رعایت کردند و شما عرب آن را
ضایع کردید پس حضرت فرمود بمعلی که چون روز نوروز شود غسل
بکن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و به بهترین بوهای خوش خود را
خوشبو گردان و در آن روز روزه بدار پس چون از نماز پیشین و پسین
و نافلهای آنها فارغ شوی چهار رکعت نماز بگذار یعنی هر دو رکعت
بیک سلام و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره انا انزلناه
خوان و در رکعت دویم ده مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت
سیم بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت چهارم
ده مرتبه سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوان و بعد
از نماز بسجده شکر برو و این دعا بخوان اللهم صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء
المرضیین و علی جمیع انبیائک و رسلک بافضل صلواتک و بارک
علیهم بافضل برکاتک و صل علی ارواحهم و اجسادهم اللهم
بارک علی محمد و آل محمد و بارک لنا فی یومنا هذا الذی فضلته و کر
کرمته و شرفته و عظمت خطره اللهم بارک لی فیما انعمت به علی
حتی لا اشکر احدا غیرک و وسع علی فی رزقی یا ذا الجلال و الاکرام
اللهم ما غاب عنی فلا یغیبن عنی عونک و حفظک و ما فقدت من
شیء فلا تفقدنی عونک علیه حتی لا اتکلف ما لا احتاج الیه
یا ذا الجلال و الاکرام چون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده شود

و دنیا را بگو یا ذا الجلال و الاکرام و در غیر کتب مشهوره روایت
کرده اند که وقت تحویل این دعا را بخوانند و بعضی سیصد
و شصت و شش مرتبه گفته اند یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر
اللیل و النهار یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال
و ایضا بعضی روایت کرده اند که این دعا را نیز در روز نوروز بعد
ایام سال بخوانند اللهم هذه سنة جدیدة و انت ملک قدیم
اسئلک خیرها و خیر ما فیها و اعوذ بک من شرها و من شر ما فیها
و استکفیک مؤنتها و شغلها یا ذا الجلال و الاکرام و اگرچه منعی در دعا
نیست اما دعای اول را خواندن هرچند نماز کرده نشود چون سند
معتبر دارد بهتر است فصل هیم در اعمال ماههای رومی است سید جلیل
علی بن طاوس رضی الله عنه روایت کرده است که روزی جمعی از صحابه
نشسته بودند حضرت رسالت پناه داخل شد و بر ایشان سلام کرد
و ایشان جواب سلام گفتند حضرت فرمود میخواهید تعلیم نمایم
شما را دعائی که جبرئیل مرا تعلیم نموده که محتاج بدوای اطبا نبوده
باشم پس حضرت امیر المؤمنین و سلمان فارسی و دیگران سؤال
نمودند که آن دوا چیست حضرت رسول بحضرت امیر المؤمنین خطاب
نمود و فرمود که در ماه نیسان رومی آب باران میگیری و سوره فاتحة
الکتاب و آیة الکرسی و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل
اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون هر یک را هفتاد مرتبه می
خوانی و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه لا اله الا الله میخوانی
و هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد میفرستی و هفت روز بامداد
و پسین از آن مینوشی بحق آن خداوندی که مرا براستی بر خلق فر
ستاده و مبعوث گردانیده است سوگند یاد میکنم که جبرئیل گفت
که حق تعالی بر دارد از کسی که از این آب بیاشامد هر دردی که در بدنش باشد

وعافیت بخشد او را و بیرون کند دردها را از بدن او و استخوانهای
او و اگر در لوح دردی از برای او مقدر شده باشد محو نماید و بحق
پروردگاری که مرا بحق فرستاده اگر فرزند داشته باشد و فرزند خواهد
آب نیسان را باین نیت بیاشامد او را فرزندی روزی گردد و اگر زن
عقیم باشد و فرزند نیاورد و از این آب باین نیت بیاشامد فرزند آورد و بوجود
آید و اگر مرد و زن پسر خواهند یا دختر و از این آب بیاشامند مقصود
ایشان بعمل و بوجود آید چنانچه حقتعالی میفرماید یهب لمن یشاء اناثا
ویهب لمن یشاء الذکور او یزوجهم ذکرانا واناثا ویجعل من یشاء عقیما
یعنی حق تعالی می بخشد هر که را خواهد دختران و هر که را خواهد پسران
یا جفت میگرداند برای ایشان پسران و دختران یعنی هر دو را با ایشان
عطا میکند و هر که را خواهد عقیم و بی فرزند میگرداند پس حضرت فرمود
که اگر کسی درد سر داشته باشد و از این آب بیاشامد صداع او ساکن
گردد بقدرت الهی و اگر درد چشم داشته باشد و در چشمهای خود قطره
از این آب بچکاند و بیاشامد و چشمهای خود را باین آب بشوید باذن
خدا شفا یابد و آشامیدن این آب بن دندانها را محکم گرداند و دهان
خوش بو گرداند و لعاب بن دندانها کم کند و بلغم را کم کند و تخمه و امتلا
بسبب خوردن طعام و آشامیدن آب بهم نرساند و از بادهای قولنج
و غیر آن متأذی نگردد و درد پشت و درد شکم بهم نرساند و درد معده
و کرم معده را زایل گرداند و از زکام آزار نکشد و درد دندان بهم نر
رساند و محتاج بحجامت نگردد و از مرض بواسیر و خارش بدن و دیوانگی
و خوره و پیسی و رعاف و قی نجات یابد و کور و لال و زمین گیر نشود و آب
سیاه بر دیده اش جاری نشود و دردی که موجب افطار روزه و قضای
نماز او باشد او را عارض نگردد و از وسوسهای جنیان و شیاطین
متأذی نگردد پس حضرت رسالت پناه فرمود که جبرئیل گفت که هر که

از این آب بیاشامد و بجمیع دردهای مردم مبتلا باشد موجب شفای
جمیع آنها گردد پس جبرئیل گفت بحق خداوندی که ترا براستی فرستاده
هر که این آیات را بر این آب بخواند حقتعالی دلش را مملو گرداند از نور
و روشنی والهام خود را بر دل او وارد سازد و حکمت بر زبان او جاری
گرداند و پر کند دل او را از فهم و بینائی و با او عطا کند از کرامتها آن
چه باحدی از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت و رحمت بر او
و غش و خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص و غضب را از دل
او بر دارد و از عداوت و دشمنی مردم و بدگوئی ایشان نجات یابد و
شفا یابد بجمیع امراض او گردد **مؤلف گوید** که این روایت مشهور بعبد الله
پسر عمر منتهی میشود و باین سبب سندش ضعیف است و فقیر بخط
شیخ شهید رحمه الله دیدم که این روایت را از امام جعفر صادق ع
روایت کرده بود با همین خواص و سورها اما آیات و آن کار را با
روش ذکر کرده است که بر آب باران نیسان بخوان فاتحة الکتاب و آیة
الکرسی و قل یا ایها الکافرون و سبح اسم ربک الاعلی و قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یکرا هفتاد مرتبه میگوئی **و هفتاد**
مرتبه لا اله الا الله **و هفتاد مرتبه** الله اکبر **و هفتاد مرتبه** اللهم صل علی محمد و
آل محمد **و هفتاد مرتبه** سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و دیگر
خواص آن مذکور است که اگر در زندان باشد و از آن آب بیاشامد از
حبس نجات یابد و سردی بر طبع او غالب نگردد و اکثر آن خواص که مذکور
شد در این روایت نیز مذکور است و آب باران مطلقا مبارکست و منفعت
دارد خواه در نیسان ببارد و خواه در غیر آن چنانکه در حدیث معتبر از
حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که بیاشامید آب آسمانرا که پاک کننده
بدن شما است و دردها را دفع میکند چنانچه حقتعالی میفرماید
وینزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم به ویذهب عنکم رجز الشیطان

ولیربط علی قلوبکم ویثبت به الاقدام یعنی میفرستد حق تعالی بر
شما آبی برای آنکه پاک کرداند شما را بآن و ببرد از شما وسوسه شیطان را
و تا ربط دهد دلهای شما را محکم کرداند و ثابت کرداند بآن قدمهای شما را و در علم
بنیان هست است که اکر جمعی خوانند هر یک مجموع این سورها و اذکار را
هفتاد مرتبه بخوانند و از برای آنها که میخوانند فایده اش عظیم تر و
ثوابش بیشتر است و در این سالها بعد از بیست و سه روز که از نوروز
بکذرد تقریبا داخل نیسان ماه رومی میشوند و ماه نیسان سی روز
است و از حضرت صادق منقولست که در هفتم حزیران البته حجامت
بکن و اکر میسر نشود در چهاردهم بکن و اول حزیران تقریبا هشتاد و چهارم
نوروز است و آن نیز سی روز است و حزیران ماه نحسی است چنانچه در حدیث
معتبر منقولست که در خدمت حضرت صادق ماه حزیران مذکور شد
حضرت فرمود که آن ماهیست که حضرت موسی بر بنی اسرائیل نفرین کرد
و در یکشب و یکروز سیصد هزار کس از ایشان مردند و باز بسند معتبر
از آن حضرت منقولست که حق تعالی اجلها را در ماه حزیران نزدیک میکرداند
یعنی موت در آن بسیار میباشد و بدانکه ماههای رومی بنایش بر
حرکت آفتابست و عدد آنها دوازده است باین ترتیب تشرین الاول
تشرین الاخر کانون الاول کانون الاخر شباط اذار نیسان ایار حزیران
تموز اب ایلول و چهار ماه را سی میکیرند که آنها تشرین الاخر و نیسان
و حزیران و ایلولند و هفت دیکر را غیر شباط سی و یک میکیرند و شباط
را در سه سال متوالی بیست و هشت و در سال چهارم که سال
کبیسه ایشانست بیست و نه میکیرند و سال ایشان سیصد و شصت و
پنج روز و ربعی است و تشرین الاول که اول سال ایشانست در این
سالها موافق نوزده درجه میزانست و تفصیلش در کتاب بحار
الانوار مذکور است و چون این ماهها را در احادیث مذکور شده



مجملی در اینجا ایراد نمودیم باب سیزدهم در بیان احکام اموات است و در آن
پنج فصل است فصل اول در آداب و احکام حال احتضار و برداشتن
میت است باید که چون در بیمار آثار موت ظاهر شود متوجه احوال خود
کردد و از کناهان توبه کند و عازم کردد که اکر زنده بماند مرتکب
معصیت الهی نکردد پس وصیت کند و حقوق خدا و خلق آنچه بر ذمه
او باشد ادا کند و بدیکران نکذارد پس بقدر ثلث مال خود وصیت
کند که بخویشان پریشان و فقراء و مساکین و سایر وجوه بر صرف
نمایند پس ابراء ذمت از برادران مؤمن طلبد و هر کرا غیبت کرده باشد
و آزاری رسانیده باشد اکر حاضر باشد از ایشان التماس نماید که از او
عفو کنند و اکر غایب باشد از حاضران التماس نماید که از او عفو
کنند و از برای ایشان استغفار نماید پس امور اطفال و عیال
خود را بعد از توکل بجناب اقدس الهی بامینی بکذارد و وصی از برای ورثه
صغیر خود تعیین نماید پس کفن خود را حاضر سازد و شهادتین و اقرار
بائمه علیهم السلم و ادعیه که وارد شده است که سنت است که بر کفن
نوشته شود بفرماید که بتربت حضرت امام حسین بنویسند اکر پیشتر کفن
را مهیا نکرده باشد اما مؤمن را سنت است که کفن پوشیده با او باشد
چنانچه از حضرت صادق منقولست که هر که کفنش با او باشد در خانه
او را از غافلان ننویسند و هرکاه که نظرش بر آن کفن افتد برای او حسنه
نوشته شود و باید که در آن وقت امیدوار رحمت حق تعالی باشد و
شفاعت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم بوده باشد و
بسند معتبر از حضرت رسالت پناه منقولست که هر که در وقت مرک
وصیت نیکو نکند علامت کمی عقل و نقص مروت و مردی اوست
کفتند یا رسول الله چکونه وصیت کند فرمود که چون نزدیک وفات
او شود و مردم نزد او جمع شوند بکوید اللهم فاطر السموات والارض

عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم انی اعهد الیک انی اشهد ان لا
اله الا انت وحدک لا شریک لک وان محمدا صلی الله علیه وآله عبدک
ورسولک وان الساعة آتیة لا ریب فیها وانک تبعث من فی القبور
وان الحساب حق وان الجنة حق وما وعد الله فیها من النعیم من
المأکل والمشرب والنکاح حق وان الایمان حق وان الدین کما وصفت (وان النار حق)
وان الاسلام کما شرعت وان القول کما قلت وان القرآن کما انزلت
وانک انت الله الحق المبین وانی اعهد الیک فی دار الدنیا انی رضیت
بک ربا وبالاسلام دینا وبمحمد صلی الله علیه وآله نبیا وبعلی اماما
وبالقرآن کتابا وان اهل بیت نبیک علیه وعلیهم السلام ائمتی اللهم
انت ثقتی عند شدتی ورجائی عند کربتی وعدتی عند الامور التی
تنزل بی وانت ولیی فی نعمتی والهی واله آبائی صل علی محمد وآل محمد
ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا وآنس فی قبری وحشتی و
اجعل لی عندک عهدا یوم القاک منشورا پس حضرت رسول فرمود
که این عهد و پیمان میت است با خدا در روزی که میخواهد که وصیت
کند و وصیت لازم و واجب است و صحیفه اعتقادات را چنانچه در کتاب
حلیة المتقین ذکر کرده ام درست کند و بمهر بزرگان و گواهان برساند
تا در میان کفن او بگذارند و چون آثار احتضار بر او ظاهر شود باید عادا
مکرر بخواند اللهم اغفر لی الکثیر من معاصیک واقبل منی الیسیر
من طاعتک تا جان کندن بر او آسان گردد و باید که اولاد و خویشان و
برادران او را تنها نگذارند و نزد او قرآن و دعا بخوانند و سوره یس
و والصافات بخوانند و اعتقاد بوحدانیت خدا و صفات کمالیه الهی
و رسالت حضرت رسالت پناهی و امامت ائمه بتفصیل و اعتقاد
بمعاد و بهشت و دوزخ و سوال قبر و سایر اعتقادات حق را مکرر تلقین
او کنند که بگوید و بیاد او آورند و اگر نتواند خواند نزد او بخوانند و دعای

عدیله را نزد او بخوانند و اگر عربی نداند مضامینش را برآورد القا
کنند درین وقت شیطان بر او دست نیابد و او را از دین بر گرداند و باید
که کلمه طیبه لا اله الا الله بسیار بگوید و مکرر تلقین او کنند زیرا
که در حدیث معتبر وارد است که هر که سخن آخر او لا اله الا الله باشد
داخل بهشت شود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر مرویست
که تلقین کنید مردگان خود را لا اله الا الله بدرستی که گناهان را درهم
میشکند و تلقین مومن است در حال حیات و نزد مردن و نزد مبعوث
گردیدن و هر که در هنگام مردن این کلمه طیبه را بگوید داخل بهشت
گردد و احوط آنست که درین حال پای او را بجانب قبله بگردانند تا
ملائکه رحمت رو باو آورند و درین وقت حایض و جنب نزد او نیایند
که ملائکه از ایشان نفرت میکنند و اگر بغیر از ایشان کسی نباشد
جایز است که برای پرستاری نزد او آیند و چون نزدیک شود که جانش
بیرون آید و در احادیث معتبره وارد شده است که اگر جان کندن بر او
دشوار شود او را ببرند بجائی که همیشه نماز میکرده است یا بخوابانند
بروی جانمازی که در آن نماز میکرده است زیرا اگر امید شفا ه
هست شفا می یابد و الا جانش بآسانی بر می آید و از حضرت امام رضا
منقولست که زنهار در حال احتضار دست بر او مگذارید و اگر دست
و پا حرکت دهد مانعش مشوید چنانچه جاهلان میکنند و نزد او
قرآن بخوانید و یاد خدا بکنید و صلوات بر رسول و آل او بفرستید
دیگر منقولست که فرزندی از حضرت صادق در احتضار بود و امام
محمد باقر در کنار خانه نشسته بود و هر که نزد او میرفت منع میکرد
و میفرمود که دست بر او مگذارید که او را درین حال در نهایت
ناتوانی است و هر که دست بر او میگذارد چنان است که او را کشته
است و در حدیث صحیح از حضرت باقر منقولست که هر گاه کسی را در فو

جان کندن بیاید کلمات فرج را تلقین او کنید کلمات فرج اینست لا اله
الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب
السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب
العرش العظیم والحمد لله رب العالمین و در حدیث دیگر منقولست که
چون این کلمات را تلقین کسی میکردند حضرت امیر المؤمنین ع میفرمود که
که دیگر بر تو باکی نیست و حضرت رسول این کلمات را تلقین شخصی کرد
و چون او خواند حضرت فرمود که الحمد لله که خدا او را از آتش جهنم نجات داد
و از حضرت صادق ع منقولست که هیچ کس نیست مگر آنکه شیطان در وقت
مردن جمعی از شیاطین را موکل میگرداند بر او که او را بشک اندازند در دین
خود تا جانش مفارقت کند و اگر مؤمن کامل باشد نمیتوانند بر او دست
یافت پس در حال تلقین او بکنید کلمات فرج و شهادت بوحدانیت خدا
و اقرار به حضرت رسالت و ائمه طاهرین یک یک بخصوص تا آخر سخن
گفتن باز ماند و ایضا سنت است که برای آسانی جان کندن این دعا را
تلقین او کنند یا من یقبل الیسیر ویعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر
واعف عنی الکثیر انک انت العفو الرحیم و بروایت دیگر انک انت
العفو الغفور و چون روح او مفارقت کند سنت است که دهانش را
برهم گذارند و چانه اش را به بندند و چشمهایش را بهم آورند و دستهایش
را بر پهلوهایش بکشند و او را بچادر شبی و یا جامه بپوشانند
و قرآن نزد او بخوانند و زودش بردارند مگر که بقید جمع شدن مؤمنان
اگر اشتباهی در موت او نباشد و اگر مشتبه باشد تا یقین نشود مرگش
برندارند و از حضرت صادق ع منقولست که سزاوار است که برادران
مؤمن را خبر کنند بمردن او تا بجنازه او حاضر گردند و بر او نماز کنند
و از برای او استغفار کنند و میت و ایشان همه ثواب ببرند و در حدیث
حسن از حضرت صادق ع منقولست که چون مومن را بقبر میگذارند ندا

اورا

او را ندا میکنند که اول عطائی که ترا دادیم بهشت است و اول عطائی
که دادیم آنها را که با جنازه تو آمده اند آمرزش گناهان است و در حدیث
دیگر فرمود که اول تحفه که بمؤمن میدهند در قبر آنست که می آمرزد
هر کس را که همراه جنازه او بوده است و در حدیث دیگر فرمود که هر که
همراهی جنازه مؤمنی بکند تا او را دفن کنند حق تعالی در قیامت
هفتاد ملک با او بگمارد تا همراهی او کنند و استغفار برای او بکنند
از قبر تا موقف حساب و فرمود که هر که یک طرف جنازه را بگیرد بیست و
پنج گناه کبیره اش آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان بیرون
آید و باید که جنازه را چهار کس بردارند و بهتر آن است کسی که تشییع
جنازه کند که اول دست راست را که جانب چپ جنازه است بدوش
راست بردارد پس پای راست میت را بدوش راست بردارد پس
از پشت جنازه برود و پای چپ میت را بدوش چپ بردارد پس دست
چپ میت را که جانب راست جنازه است بدوش چپ بردارد و چون
خواهد که باز دیگر تربیع کند از پیش جنازه نرود بلکه از جانب پشت
جنازه برگردد و باز بهمان روش تربیع بجا آورد و اکثر علما برعکس
گفته اند که اول ابتدا بدست راست جنازه میکنند پس بپای راست
پس بپای چپ پس بدست چپ و اول موافق حدیث معتبر اولی است
و اگر هر دو را بعمل آورد بهتر است و افضل آنست که عقب جنازه یا
پهلوها راه روند و در پیش جنازه نروند و ظاهر اکثر احادیث آنست
که اگر احادیث آنست که اگر جنازه مؤمن باشد پیش از راه رفتن خوب
است و در جنازه خلاف مذهب خوب نیست زیرا که ملائکه او را استقبال
بعذاب میکنند و با جنازه سواره رفتن مکروه است و از حضرت
رسول منقولست که هر که جنازه را به بیند و بگوید این دعا را الله اکبر
هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله اللهم زدنا ایمانا

و تسلیما الحمد لله الذی تعزز بالقدرة و قهر العباد بالموت هیچ
ملکی در آسمان نماند مگر آنکه از برای او گریه کند از برای ترحم
بر او و از حضرت صادق منقولست که در حال برداشتن جنازه این دعا
به خواند بسم الله و بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد و اغفر للمؤمنین
و المؤمنات و منقولست که حضرت امام زین العابدین هرگاه جنازه
میدید الحمد لله الذی لم یجعلنی من السواد المخترم و زنان را تشییع
جنازه سنت نیست و بعضی گفته اند که جنازه را تند بردن مکروه
است و مجمره بردن با جنازه کراهت دارد و در روز چراغ بردن خوب
نیست و اسراف است و در شب خوب است و مکروه است کسی را که
بر جنازه حاضر شود خندیدن و حرف باطل زدن **فصل دوم** در غسل
دادن میت است بدانکه احکام میت از غسل دادن و کفن کردن و نماز
کردن و دفن کردن و احکام پیش همه واجب کفائی است یعنی بر همه
واجب است و اگر یکی بکند از همه ساقط میشود و اگر همه ترک کنند
همه معاقب میشوند و مشهور میان علما است که ولایت این امور تعلق
بوارث دارد و بی رخصت او دیگری متوجه او نمیتواند شد و مرد از
ورثه اولی است از زنان و شوهر اولی است از دیگران و احوط است
که بی ضرورت خود غسل بکند و غسل و نماز و سایر احکام میت
واجب است برای میت شیعه اثنی عشری و در سنی و سایر فرق
مخالفان اختلاف است و ظاهر او واجب باشد مگر در وقت تقیه و
شهیدی که در جهاد با امام زمان کشته باشد و در معرکه مرده باشد
او را غسل نمیدهند و کفن نمیکنند و نماز میکنند و با جامها که
پوشیده است دفن میکنند و بعضی گفته اند که در هر جهاد حقی که
کشته شود چنین است و خالی از قوتی نیست و مشهور میان اصحاب است
که هرگاه از میت عضوی یافت شود که در آن استخوان باشد میشویند

و کفن میکنند و دفن میکنند و بعضی سینه کفن را در این حال واجب
دانسته اند اگر نصفی باشد که دل در آن باشد نماز هم میباید کرد
و احوط است که اگر سینه را تنها بیابند چنین کنند و اگر جمیع
استخوانهای میت را بیابند و عضوی که بی استخوان باشد مشهور است
که در لته می پیچند و دفن میکنند و بعضی لته پیچیدن را واجب ندانسته اند
و بچه که از شکم ساقط شود هرگاه چهار ماه زیاده داشته باشد غسل
میدهند و کفن و دفن میکنند و بر او نماز نیست و بعضی گفته اند که
لته جامه کفن میکنند و حنوط میکنند و هرگاه چهار ندا شته باشد
مشهور آنست که در لته می پیچند و دفن میکنند و در روایت در لته
پیچیدن طفل مذکور نیست و بعضی تمام شدن خلقت را اعتبار کرده اند
در غسل و کفن نه چهار ماه را و این احوط است و اگر عضو استخوان داری
از زنده بریده باشد احوط است که غسل و کفن و دفن بکنند اگرچه
اظهر عدم وجوب است و اگر طفلی در شکم مادر مرده باشد و مادر زنده
باشد اگر تواند درست بیرون آورد و الا پاره پاره میکنند و بیرون می
آورند و اگر مادر بمیرد و طفل زنده باشد شکم مادر را میشکافند از
جانب چپ و طفل را بیرون می آورند و بهتر آنست که شکمش را بدوزند
و واجب است که مرد را مرد غسل دهد و زن را زن غسل دهد الا در
چند موضع **اول** زن و شوهر هر یک دیگر را میتوانند غسل داد
و احوط آنست که از زیر جامه غسل دهد و نظر بعورت نکند و احوط آن
است که بدون ضرورت غسل ندهند خصوصا مرد زن را **دوم** جایز است
که آقا کنیز خود را غسل دهد و هرگاه زن کسی در عده کسی نبوده باشد
و در غسل دادن کنیز آقا را خلاف است **سیم** جایز است که مرد اجنبی دختر
سه ساله را غسل دهد برهنه و زن اجنبیه پسر سه ساله را برهنه
و در بعضی پنج ساله را تجویز کرده اند **چهارم** هرگاه مردی فوت شود

و مردی نباشد که او را غسل دهد زن محرم او را غسل میتواند داد
از زیر جامه و همچنین است هرگاه زن فوت شده باشد و ظاهر آن است که در حال
اختیار نیز محارم یکدیگر را غسل میتوانند داد و اما احوط آن است که
تا ممکن باشد زن را زن و مرد را مرد غسل دهد و اما کیفیت غسل بهتر
آن است که پیش از غسل کفن را مهیا کند و اول حجره و بعد از آن سر تا پای
و بعد از آن پیراهن را پهن کند و نصف بالای پیراهن را بر گرداند
و لنگ را و بعد از آن ران پیچ را بجای خود پهن کند پس متوجه غسل شود
و اگر میسر باشد که میت را در وقت غسل دادن بر روی تختی یا تخته بخوابانند
بهتر است و مستحب است که در وقت غسل دادن پای میت بسوی قبله
باشد بطریق حال احتضار و بعضی واجب دانسته اند و در سایر احوال
نیز چنین باشد مگر در حال نماز و حال دفن و باید رختهای او را بکنند
و اگر خواهند با پیراهن غسل دهند و اگر خواهند لنگ به بندند و پیراهن را
بکنند و بر هر تقدیر واجب است در وقت غسل دادن عورتین میت را
بپوشانند و مشهور آن است که واجب است ازاله نجاست از بدن میت بکنند
و سنت است که برای حرمت میت پیراهن را از طرف پا بیرون کنند و اگر تنگ
باشد باذن وارث بشکافند و سنت است که در زیر سقفی یا خیمه غسل
دهند که برابر آسمان نباشد و سنت است که دو نفر باشند غسل دهنده
که یکی آب بریزد و دیگری بگرداند میت را و مستحب است که انگشتان
میت را بمدارا نرم کنند و اگر دشوار باشد و خوف شکستن باشد دست
بردارد و واجب است که میت را سه غسل بدهند اول با آب سدر و بعد
از آن با آب کافور و بعد از آن با آب خالص و سنت است که اول دستهای
میت را تا نصف ذراع بشویند بنابر بعضی از روایات پس عورت میت را
بشویند و احوط آن است که چون خواهند عورت را بشویند لته بر دست به
بندند که دستش بعورت نرسد و اگر بدست چپ بشویند بهتر است و

و سنت است که اول عورت میت را بکف سدر و اشنان سه مرتبه
بشویند و آب بسیار بریزند تا خوب پاک شود پس دست بر بالای شکمش
بگذارد و بهمواری تا پایین کشد که اگر فضله باشد بیرون آید و اگر چیزی
بیرون آید باز مخرج را بشویند و اگر زن حامله باشد و خوف افتادن فرزند
باشد دست بر شکم نکشد و علما گفته اند که سنت است که سر و ریش
میت را پیش از غسل بکف سدر بشویند پس سنت است که دستهای
خود را تا مرفق بشوید یعنی آنکس که دست بر میت میگذارد پس وضو دهد
میت را بروش وضوی زندگان با آب خالص و بعضی واجب دانسته اند
و نیت کند که وضو میدهم این میت را قربة الی الله پس رو و دستها
و پاها را مسح کند پس ابتدا کند بغسل و احوط آن است که آب ریزنده و
گرداننده اگر دو کس باشند هر دو نیت بکنند و بهتر آن است که نیت
هر سه را اول بکنند و از برای غسل کافور و قراح نیز نیت جدا بکنند
پس اول نیت بکنند که این میت را غسل میدهم با آب سدر و کافور و قراح
از جهت آنکه واجب است یا از برای رضای خدا یا قربة الی الله پس سر
میت را با آب سدر میشویند و احوط آن است که اول جانب راست سر ابتدا
کنند و آب بریزند و بعد از آن جانب چپ و سنت است که هر جانب را سه
مرتبه بشویند پس میت را بر پهلوی چپ بخوابانند و جانب راست را بشویند
و سنت است که سه مرتبه بشویند و هر سبوئی را که میریزند قطع نکنند
تا بپا برسانند و اگر آنکه میسر امکان باشد در هنگام آب ریختن دست بر پشت
و شکم بمالد بهمواری که آب خوب برسد بهتر است و دست میت را از
پهلو جدا کنند تا آب بزیر آن برسد و چنان کند که آب بزیر لنگ و عورت
و ران و سایر اعضا خوب برسد پس باز میت را بگردانند و بر پهلوی
راست بخوابانند و پهلوی چپ را بهمان طریق که مذکور شد سه مرتبه
و در آب سدر همین کافیست و مشهور آن است که حدی ندارد و بعضی

گفته اند که باید هفت برگ سدر باشد و بعضی یک رطل و بعضی یک
رطل و نیم گفته اند که نزدیک به بیست و پنج درم و زیاده بوده باشد
و گویا این زیادتیها برای شستن فرج و سایر اعضای پیش از غسل بوده
باشد و احوط آنست که در آب غسل نمک و داخل نکنند که مضایقه
شود و آبش نکوبند و در بعضی روایات در شستن هر جا شستن ترضه
سه تیر وارد شده است و شاید بد نباشد اگرچه خلاف مشهور است
پس میت را بر پشت میخوابانند و ظرفها را بشویند که اثر سدر از آنها بر
طرف شود و اندک کافور را زبره میکنند و داخل آب میکنند و غسل
دهنده دستها بخود را تا مرفق میشویند و بهتر آنست که دست میت را
نیز تا نصف ذراع سه مرتبه با آب کافور بشوید و فرج میت را نیز سه مرتبه
بشوید همان نحو که گفته شد و دستمالی بر دست پیچد و دست بر شکم میت
بکشد بهمواری و بهتر آنست که در وقتی که دست بر شکم میکشد سر
میت را بلند کند که فضلات از آن ظرف بیرون نرود کس احتیاطا آب
بریزند و گردانند هر چه و نیت کنند که این میت را غسل میدهم با آب کافور
از برای آنکه واجب است از برای رضای خدا پس سر را بشوید و سنت است
که سه مرتبه بشوید و در هر مرتبه ابتدا بجانب راست سر بکند و
گردانند بهمواری دستی بمالد پس جانب راست را سه مرتبه
و جانب چپ را سه مرتبه بنحوی که در غسل سدر مذکور شد بشوید
و ظرفها را خوب بشوید که تا اثری از سدر و کافور در آنها نماند و
سبوی دیگر از برای آب قراح مهیا کند بهتر است و احوط که آب
غسل قراح را از حوضی که آب سدر و کافور در آن ریخته شده است
برندارد و آن آبی بردارد که اینها مطلقا در آن داخل نشده باشد پس
دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشوید استنجا نماید و فرج
میت را نیز سه مرتبه بشوید و اگر در این وقت نیز میت را وضو دهد بنا

بهتر باشد پس احتیاطا نیت کند که غسل میدهم این میت را با آب قراح
جهت آنکه واجب است قربة الی الله پس سر را سه مرتبه و جانب راست را
سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بشوید که یکمرتبه واجبست و دو
مرتبه سنت و بهتر آنست که گردانند که در وقت آب ریختن بهمواری دستی
بکشد بر بدن میت و پیش از این غسل و در اثنای این غسل دست بر شکم
میت نمیکشد و چون از این هر سه غسل فارغ شود اگر خوف خروج نجاست
داشته باشد قدری از پنبه در دبرش داخل کند و همچنین در دهان و
بینی او قدری داخل کند و اگر خوف بیرون آمدن خون و نجاستی بوده باشد
پس سنت است که بدنش را به جامه خشک کند و بعد از آن او را بر روی
جامهای کفن بگذارد و سنت است که هر مرتبه که میت را از جانبی بجانبی
گردانند این دعا بخوانند اللهم ان هذا بدن عبدک المؤمن وقد اخرجت
روحه منه وفرقت بینهما فعفوک عفوک و اگر زن باشد بگوید اللهم
ان هذا امتک المؤمنة و اگر روحها بگوید بهتر است و در سایر احوال غسل
مکرر بگوید رب عفوک عفوک تا خدا او را بیامرزد و سنت است که هرچه
از عیوب میت بر او ظاهر شود بکسی نقل نکند تا حق تعالی گناهان او را بپوشاند
چنانکه از ما در متواتر شده و مستحب است که غسل دهنده از جانب
راست بایستد و گودالی در برابر قبله بکند و تخته سر اشیب باشد
که آب غسل در آن گودال رود و مکروه است که آب غسل را بچاله بریزند
که در آن بول و غایط کنند و اگر چاله باشد که کثافات خانه را در آن
بریزند ضرور ندارد و مکروه که میت را با آب گرم غسل دادن مگر در وقت
ضرورت و مکروه است که میت را در میان پاها بخود بگیرد و ایضا
مکروه است که ناخن میت را بگیرد یا موی او را بگیرد یا شانه بکند و اگر
بگیرد ناخن و مو را یا موئی در اثنای غسل جدا شود باید که در میان کفن
گذارد و با میت دفن کند حتی منقول است که دندانی از آنحضرت تا فرا کنده شد

بحضرت با ضا دفا داد و فرمود که با من دفن کن در قبر و اگر سدر و
کافور بهم نرسد یك مرتبه باب قراح غسل دهد و احوط آنست که سه مرتبه
غسل دهد و اگر پیش از دفن بهم رسد احوط آنست که مرتبه دیگر او را
سه غسل دهد و اگر آب بهم نرسد یا میت را غسل نتوانند داد که خوف
آن باشد که بدن میت از هم بپاشد تیمم دهد او را و ظاهر آنکه یك تیمم کا
فی است و سه تیمم احوط است و بهتر آنست که تیمم را چنین بدهد
که نیت چنین کند که تیمم چنین کند که تیمم میدهم این میت را بدلا از
غسلهای سدر و کافور و قراح از جهت آنکه واجب است از برای رضای
خدا و تیمم دیگر را قصد که تیمم میدهم این میت را بدلا از غسل کافور
احتیاطا قربة الی الله و همچنین قراح و چون نیت کند دست خود را
بر خاك زند بر پیشانی میت کشد و دیگر بر پشت دست راست میت
و بعد از آن بر پشت دست چپ و اگر بدو ضرب تیمم دهد یکی برای رو
و یکی برای دستها و اگر میت محرم باشد او را غسل کافور ندهد و خوشبو
نکند و **فصل سیم** در کفن کردن میت است و واجب است که میت را سه کفن
کند و اکثر علما گفته اند که اول لنگ است که از ناف تا بعضی از ساق
را بپوشد و بعضی گفته اند که سنت است که سینه را بپوشد و تا
پاها برسد و دوم پیراهنست و سیم سر تا سری که جمیع بدن را بپوشد
و بعضی از علما گفته اند که پیراهنست و دو سر تا سری و جایز است
که بجای پیراهن یك سر تا سری دیگر بکنند که مجموع سر تا سری باشد
و این قول اقویست و احادیث معتبره بر این دلالت دارد و احوط آنست
که با اینها لنگ نیز بکنند و با ضرورت یکسر تا سری کافی است و باید که کفن
حریر محض نباشد و احوط آنست که کفن زنان نیز حریر محض نباشد و احوط
آنست که کفن از پوست نباشد و بهتر آنست که از کرك و مو نیز نباشد
و مستحب است که از پنبه سفید باشد و سنت است که سر تا سری بالا

ازجمله

از جمله دو سر تا سری حبره باشد و آن جامه بوده که از یمن می آوردند
و الحال معلوم نیست و دور نیست که اگر بجای آن قطنی سفید بکنند
و بد نباشد و علما گفته اند که سنت است که اول جانب چپ لفافه را
بر جانب راست میت اندازد و بعد از آن جانب راست لفافه را بر جانب
چپ میت و بهتر آنست که چنین کند اگر چه مستندش بنظر نرسیده
و سنت است که خرقه طولی که عرضش یکشبر و نیم و طولش اقلا سه
ذرع و نیم باشد بذراع دست زیاد کنند برای ران پیچ برای آنکه سر او را
بشکافند و بر کمر میت ببندند و پنبه بسیار در بر و فرج میت بگذارند
و اگر زن باشد پنبه بیشتر بگذارند و اگر بر پنبه قدری کافور بپاشند
شاید بد نباشد و سر دیگر خرقه را از میان پا بدر آورند و از زیر پیچ
بر کمرش بسته اند بیرون آورند و محکم بکشند که فرجش را و پنبه که
گذاشته اند فرا گیرد و پاها را بهم آورند و رانها را با یکدیگر با آن خرقه
سخت به بندند و بپیچند تا زانوها و هر جا که منتهی شود سرش را در
آنچه پیچیده اند فرو برند و سنت است که عمامه برای مرد زیاد کنند
که بر دور سرش بگردانند و موافق مشهور از زیر حنك بگردانند و
سرهای عمامه را از هر دو طرف بیرون آورند و بر سینه میت بیندازند
چپ را بجانب راست و راست را بجانب چپ و بدلا از عمامه مرد از برای
زن مقنعه زیاد کنند و پارچه بر سینه زن ببندند که پستانهای او را
بگیرد و به پشتش گره زنند و مکروه است که کفن از کتان باشد یا پیراهنی
که تازه کنند آستین داشته باشد اما اگر میت را در پیراهن خودش کفن
کنند در کار نیست بریدن آستین و با آستین باکی نیست اما تکمها و بندها
یشرا ببرند و سنت است که میت را کفن کنند در پیراهنی که در آن نماز
میکرده است و اگر در پیراهن بعضی از علما و صلحا نیز کفن کنند شاید
و مستحب است در در جامه که در آن احرام بسته است در حج یا عمره کفن

کنند و مستحب است که کفن خوش قماش و صاحب قیمت باشد چنانچه
در احادیث وارد شده است که نیکو کنید کفنهای مردگان خود را که
زینت ایشانست و با آن کفنها محشور میشوند در قیامت و سنت است
که در قیمت کفن مضایقه و مبصری نکنند و کفن از مال بسیار حلال
بی شبهه باشد و سنت است موافق مشهور که بر کفن شهادتین و اقرار
بائمه بنویسند و دعای جوشن و غیر آن در بعضی روایات وارد شده
است و سنت است که بتربت حضرت امام حسین بنویسند و علما گفته اند
که سنت است که کفن را از ریسمانی که از آن بیرون آورده اند بدوزند
و آب دهان تر نکنند و سنت است که در وقتی که غسل دهند و خوا
هند که میت را کفن کنند دستهایشرا تا دوش یا تا مرفق بشویند و
بعد از آن شروع کنند در کفن کردن و واجب است حنوط کردن میت
بانکه بر هفت موضع سجده یعنی پیشانی و کف دستها و زانوها و انگشت
مهین پاها کافور بمالند اگرچه اندکی و بهتر آنست که سر بینی را نیز بمالند
و بر سینه آنش بزنند و اگر کودال پایین کردن و بندهای پا و بندهای
دست و مرفقها و زیر بغلها و بیخ رانها و بند انگشتان و سایر بندها
بمالند احوط است و بهتر آنست که کافور حنوط کافور خام جودانه بود
باشد و مقدار آن بقدر یک اشرفی باشد که چهار دانگ نیم مثقال
است و بهتر از این آنست که سه مثقال باشد و بهتر از این آنست که
سیزده درم و ثلثی بوده باشد موافق حنوط حضرت رسول صلی الله
علیه و آله که تقریبا هفت مثقال صیرفی بوده باشد و بهتر آنست
که کافور غسل آن زیر مقدار نباشد و سنت مؤکد است که دو جریده
تازه با میت بگذارند و در اخبار بسیار وارد شده است که تا آن چوبها
تر است میت را عذاب نمیکنند و بهتر آنست که چوب درخت خرما
بوده باشد و اگر یافت نشود چوب سدر و اگر یافت نشود چوب درخت

بید

بید و اگر یافت نشود چوب درخت انار و اگر آنهم نرسد هر چوب تری خوب
است و باید تر باشد و تازه از درخت بریده باشند و چوب خشک هر چند
از درخت خرمای اماکن شریفه بریده باشند فایده نمیکند و باید که
هر یک بقدر یک شبر بوده باشد یا یک ذراع دست و بعضی گفته اند
بقدر استخوان ذراع که یک شبر بیشتر است و ظاهرا همه خوبست و بعضی
گفته اند که همه پنبه بر آنها بپیچند تا رطوبتشان بیشتر بماند و یکی
را بجانب راست بگذارند و سرش را بچنبر گردن بگذارند و ملاصق بدن
سازند و دیگری را از جانب چپ و میان پیراهن و لنگ تا سرین بگذارند
و سر آنرا نیز بگذارند بچنبر گردن و بعضی گفته اند که سنت است که
بر جریدتین شهادتین بنویسند بترتیب شهید و اگر تقیه باشد و جریده
نتوان در کفن گذاشت در میان قبر بیندازند و اگر بعد از پر کردن به
خاطرش آید در میان قبر فرو برد و بعد از آنکه کفن واجب میت از اصل مال
اوست مقدم بر دین و وصیت و میراث و اگر چیزی نداشته باشد
رختهای او را تطهیر کنند و با آنها کفن کنند و اگر آن نباشد برهنه
دفن کنند و بعضی گفته اند که از زکوة واجب کفن میتوان کرد و خلا
از قوتی نیست و سنت مؤکد است که مسلمانان او را کفن کنند چنانچه
در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که کفن کند
مؤمنی را چنانست که ضامن جامه او باشد تا روز قیامت و هر که بکند
از برای مؤمنی قبری چنانست که او را در خانه موافق نیکویی جا داده
است تا روز قیامت و کفن زن بر شوهر واجبست هر چند زن مالدار
باشد و همچنین کفن بنده بر صاحبش واجبست و اگر از بدن میت
نجاستی بیرون آید بدن او را بشویند و اگر کفن آلوده شده باشد تا قبر
نگذاشته اند آنرا میشویند و اگر بقبر برده باشند مشهور آنست که آن
موضع را مقراض میکنند و کفن را از یکدیگر میکشند تا بدن میت

پوشیده شود و بعضی گفته اند که اگر ممکن باشد شستن در اندرون
قبر با نکه طشت و آفتابه ببرند بشویند بهتر است خصوصا هرگاه بدن
میت نجس شده باشد و تطهیر آن لازم باشد و کفن را بآن عنوان بشوید
و این احوط است و جمعی گفته اند مکروه است کفن را باهن بریدن
و گفته اند از مشایخ چنین شنیده ایم و در حال کفن کردن نیز سنت
است که پاهایش بجانب قبله باشد و کسی که در غیر جهاد با امام کشته
شده باشد جراحتهای بدنش را میشویند و غسل میدهند و اگر سر جدا
باشد در هر غسل سر را میشویند و آخر بدن را و بعضی گفته اند اگر
خون بند نشود گل رست میزنند تا بند شود و از حضرت صادق ع
منقولست که در حکم چنین کسی که اول خون را میشویند و آب بر آن میریزند
در غسل و دست بر بدنش نمیمالند و بر جراحتهایش پنبه و کافور میگذارند
و محکم می بندند و همچنین اگر گردنش بریده باشد و جدا نشده باشد
کافور میپاشند در موضع جراحت و پنبه بر آن میگذارند و بخرقه می
بندند که خون بیرون نیاید و اگر سر از بدن جدا باشد در غسل اول
سر را میشویند و بعد از آن بدن را و پنبه بر بالای گردن میگذارند و بعد
از آن سر را بر روی گردن میگذارند و در میان کفن می پیچند و در هنگام
دفن سر را با بدن میگیرند و در لحد میگذارند و رویش را بجانب قبله
میگردانند **فصل بیم** در نماز میت است و این نماز واجب است بر همه
مسلمانان که علم بفوت شخصی بهم رسانند و اگر یکی از ایشان بجا آورد
از دیگران ساقط میشود و واجب است نماز بر هر شیعه اثنی عشری
که بالغ باشد بخلاف و اشهر و اقوی آنست که طفلی که شش سالش تمام شده
باشد واجب است و ظاهر آنست قصد قربت اکتفا توان کرد و کمتر از شش
ساله را اگر زنده متولد شده باشد بعضی سنت دانسته اند و بعضی
بدعت و احوط نماز نکردنست و جایز نیست نماز کردن بر کفار و خوارج

و ناصبیان که عداوت اهل بیت داشته باشند و غالیان که ائمه را خدا
دانند و یا گویند خدا در ایشان حلول کرده است و بر مرتد و آنها که خدا
جسم میدانند و بر غیر ایشان از مخالفان خلاف است و ظاهر مخیر باشد
میان آنکه نماز نکنند یا بکنند و چهار تکبیر بگویند و در تکبیر چهارم نفرین
و لعنت کنند بر او و در موضع تقیه ترک نباید کرد و سزاوار تر بزن و مرد
بنماز بر میت وارث اوست بنابر مشهور و بعضی گفته اند که بی رخصت
ایشان نماز جماعت نمیتوان کرد و بانفراد میتوان کرد و احوط آنست که
تا توان از ایشان رخصت گرفتن و بی رخصت نکنند و شوهر از همه خو
یشان اولی است نسبت بزن و مردان اولی اند از زنان و وارث اگر خود
قابلیت پیشنمازی نداشته باشد هر که را اعتقاد داشته باشد مقدم
دارد و جایز است که زن پیشنمازی زنان بکند و با ماموم ما ن در یک صف
بایستند و مرد باید که پیش بایستد اگر چه ماموم یک نفر باشد و اگر زنان
با مردان جمع شوند زنان در عقب مردان بایستند و اگر زن حایض باشد
سنت است که در صف جدا بایستد و واجب است نماز کننده رو
بقبله بایستد و سر جنازه بجانب راست او باشد اگر امام باشد و در
درکار نیست و احوط در منفرد آنست که از برابر جنازه بیرون نباشد و
واجبست که میت را بر پشت بخوابانند و در این نماز طهارت از حدث
شرط نیست و جنب و حایض و بی وضو میتوانند این نماز را بکنند و احوط
آنست که سایر شروط نماز یومیه را در این نماز رعایت کنند از پوشانیدن
عورت و نجس نبودن جامه و بدن و حریر نبودن جامه و غیر اینها اگر
چه اظهر آنست که هیچ یک در کار نیست مگر چیزی چند که حرام باشد
و ازاله آنها منافی افعال باشد مانند طلا و حریر برای مردان و جامه
غصبی و باید که با وضو باشد که سنت است و اگر آب بهم نرسد یا مانعی
داشته باشد یا وقت تنگ باشد سنت است که تیمم کند و ظاهر بعضی آنست

که بدون عذر نیز تیمم مستحب است و نمی‌باید که از جنازه بسیار دور
نباشد مگر آنکه در وقت نماز جماعت باشد و صفها در میان باشد
نماز بر میت نمیتوان کرد تا او را غسل و کفن نکنند اگر ممکن باشد و اگر کفن
نداشته باشد او را در قبر گذارند و عورتش را بپوشانند و نماز کنند
و سنت است که پیش نماز برابر میان مرد بایستد و سینه زن برابر
مشهور او سنت است که کفشها را بکند و اگر موزه در پا داشته باشد در کا
نیست کندن و اگر پا برهنه باشد بهتر است و واجب است که نیت کند
و چنین کند که نماز بر این میت حاضر میکنم از برای آنکه واجب است
قربة الی الله و پنج تکبیر بگوید و سنت است که در تکبیر دستها را بردارد تا
محاذی گوشها و بعضی در غیر تکبیر اول سنت نمیدانند دست برداشتن
را و اول اقوی است و در وجوب دعا در میان تکبیرها خلاف است و
احوط وجوب است و ظاهر اجزاء هر دعائی که مجزی باشد و مشهور آنست که
بعد از تکبیر اول بگوید اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول
الله صلی الله علیه و آله و بعد از دویم بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعد از
سیم بگوید اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و بعد از چهارم بگوید اللهم اغفر لهذا
المیت و تکبیر پنجم بگوید و فارغ میشود و موافق مشهور بهتر آنست که چنین کند
که بعد از نیت بگوید الله اکبر اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله ارسله بالحق بشیرا و نذیرا بین یدی
الساعة پس بگوید الله اکبر اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد
و آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد کافضل ما صلیت و بارکت و ترحمت
علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید و صل علی جمیع الانبیاء و المرسلین
پس بگوید الله اکبر اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات
الاحیاء منهم و الاموات تابع بیننا و بینهم بالخیرات انک مجیب الدعوات
انک علی کل شیء قدیر پس بگوید الله اکبر اللهم ان هذا عبدک و ابن عبدک

وابن

و ابن امتک نزل بک و انت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منه الا
خیرا و انت اعلم به منا اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه و ان کان
مسیئا فتجاوز عنه و اغفر له اللهم اجعله عندک فی اعلی علیین
و اخلف علی اهله فی الغابرین و ارحمه برحمتک یا ارحم الراحمین
پس میگوید الله اکبر و فارغ میشود و اگر زن باشد بگوید اللهم ان هذه امتک
و ابنة عبدک و ابنة امتک نزلت بک و انت خیر منزول به اللهم انا
لا نعلم منها الا خیرا و انت اعلم بها منا اللهم ان کانت محسنة فزد
فی احسانها و ان کانت مسیئة فتجاوز عنها و اغفر لها اللهم اجعلها
عندک فی اعلی علیین و اخلف علی اهلها فی الغابرین و ارحمها برحمتک
یا ارحم الراحمین و اگر بعد از هر چهار تکبیر اینها بخواند خوب است اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله
اللهم صل علی محمد و آل محمد و اغفر للمؤمنین و المؤمنات اللهم ان هذا
المسجی قدامنا عبدک و ابن عبدک و قد قبضت روحه الیک و قد احتاج
الی رحمتک و انت غنی عن عذابه اللهم انا لا نعلم من ظاهره الا خیرا
و انت اعلم بسریرته اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه و ان کان
مسیئا فتجاوز عن سیئاته و اگر زن باشد بگوید اللهم ان هذه المسجاة قدامنا
امتک و ابنة عبدک و قد قبضت روحها الیک و قد احتاجت الی رحمتک
و انت غنی عن عذابها اللهم انا لا نعلم من ظاهرها الا خیرا و انت اعلم
بسریرتها اللهم ان کانت محسنة فزد فی احسانها و ان کانت مسیئة
فتجاوز عن سیئاتها لکن موافق جمع بین الاحادیث بهتر است و اگر بعد
از هر تکبیر اینها بخواند خوبست اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل علی محمد
و آل محمد و علی الائمة الهداة و اغفر لنا و لاخواننا الذین سبقونا
بالایمان و لا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک غفور رحیم

اللّهمّ اغفر لاحیائنا واموائنا من المؤمنین والمؤمنات وألّف
قلوبنا علی قلوب اخیارنا واهدنا لما اختلف فیه من الحقّ باذنک
انّک تهدی من تشاء الی صراط مستقیم اللّهمّ انّه عبدک وابن عبدک
ابن امتک انت اعلم به افتقر الی رحمتک واستغنیت عنه اللّهمّ فتجاوز
عن سیّئاته وزد فی حسناته واغفر له وارحمه ونوّر له فی قبره و
لقّنه حجّته والحقه بنبیّه صلّی الله علیه وآله ولا تحرمنا اجره ولا
تفتنّا بعده واگر زن باشد از اوّل دعا میخواند تا الی صراط مستقیم اللّهمّ امتک
ابنة عبدک ابنة امتک انت اعلم بها افتقرت الی رحمتک واستغنیت عنها
اللّهمّ فتجاوز عن سیّئاتها وزد فی حسناتها واغفر لها وارحمها ونوّر
لها فی قبرها ولقّنها حجّتها والحقها بنبیّها صلّی الله علیه وآله ولا تحرمنا
اجرها ولا تفتنّا بعدها ودر روایتی وارد شده است که بعد از فارغ شدن
از نماز بگوید ربّنا آتنا فی الدّنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب
النّار واگر بر سنّی وخلاف مذهب نماز کند ضرورت بعد از تکبیر چهارم
بلکه بعد از هر تکبیر براو لعنت ونفرین کند وبهتر اینست که چنین بگوید
اللّهمّ اخز عبدک فی عبادک وبلادک اللّهمّ اصله حرّ نارک اللّهمّ اذقه اشدّ
عذابک فانّه کان یوالی اعداءک ویعادی اولیاءک ویبغض اهل بیت
نبیّک صلّی الله علیه وآله واگر میّت مستضعف باشد وضعیف العقل
باشد وتمیز میان مذاهب نکند ویا بسبب سنّی باشد یا مخالف حق باشد
وعناد با شیعیان نداشته باشد یا اعتقاد باهل بیت داشته باشد ویا
دشمنان ایشان بد نباشد در نماز براو بگوید اللّهمّ اغفر للّذین تابوا
واتّبعوا سبیلک وقهم عذاب الجحیم واگر مذهب میّت معلوم نباشد
بگوید اللّهمّ انّ هذه النّفس انت احییتها وانت امتّها اللّهمّ ولّها
ما تولّت واحشرها مع من احبّت واگر میّت طفل نابالغ باشد بگوید اللّهمّ
اجعله لابویه ولنا سلفا وفرطا واجرا ومشهور در همه اینست که دعا بعد

سه تکبیر اوّل را میخواند نحوی که گذشت وآنچه را بعد از تکبیر چهارم
میخواند وبر سنّی اگر نماز کند تکبیر پنجم را نمیگوید وسنّت است که بر جای
خود بایستد تا جنازه را بردارند خصوصا پیشنماز ونماز جنازه را در مسجد
میتوان کرد واگر در مسجد نکند بهتر است وبر یک جنازه دو مرتبه نماز
کردن خلاف است در جواز آن ودور نیست که اگر کسی نماز نکرده باشد
تواند کرد وکسی که در اثنای نماز برسد بقصد وجوب ملحق میشود ودعا
که خودش باید خواند میخواند وچون پیشنماز فارغ شود بقیه را با دعاهای
مختصر بخواند اگر چه جنازه را برداشته باشند واگر دور شود یا بگردد تکبیرها
پی در پی بی دعا بگوید واگر میّت را بی نماز دفن کرده باشند احوط اینست
که بر قبر او نماز کنند هر چند مدّتی گذشته باشد وهمه وقت نماز
جنازه را میتوان کرد مگر آنکه وقت حاضره تنگ شود که حاضره را مقدّم
دارد مگر آنکه فوت نماز جنازه بوده باشد یا خوف ضایع شدن میّت

فصل پنجم در آداب دفن میّت است وآداب بعد از آن سنّت است که
تا میّت را نگذارند ننشینند وواجب است کفایة دفن کردن میّت وحدّ
واجب اینست که میّت را در گودی پنهان کنند بحیثیّتی که بوی بد او از مردم
مستور گردد وجسد او از درندگان ایمن باشد وخوابانیدن او بر جانب
راست رو بقبله واجب است بقول مشهور وبعضی مستحب دانسته‌اند
ومستحب است کندن قبر بقدر قامتی یا تا چنبر گردن وسنّت است کندن
قبر از طرف قبله ومستحب است که بقدری فراخ باشد که کسی در آن تواند
نشست واگر زمین سست باشد ولحد نتواند کند بعضی گفته‌اند که میانه
لحد لبنا زنند واگر نتوان قبر را شق کنند بانکه از میان قبر بقدر جسد
میّت فرو برند بقدری که نتوان نشست ودو طرف داشته باشد که
خشت بر روی آن توان گذاشت که خاک بر میّت ریخته نشود واحوط
اینست که در میانه سردابه وتابوت وصندوق نگذارند وشخصی که

دریا مرده باشد اگر ممکن باشد به خشکی برسانند والا در خم
کنند و سرش را ببندند و در دریا اندازند اگر ممکن باشد والا او را
سنگین کنند و در و ثقیله‌ای باندازند و چون جنازه نزدیک قبر رسد
سنت است که او را نزد پای قبر بگذارند اگر مرد باشد و اگر زن باشد
و اگر زن باشد برابر قبله قبر بگذارند و مشهور آنست که زمانی میگذارند
و سه مرتبه او را نقل میکنند و در مرتبه چهارم او را بقبر میبرند و
آنچه در روایات معتبره وارد شده آنست که چون میت را نزدیک قبر
رسانی او را بناگاه نزدیک قبر مبر و کار ابراو سنگین مکن و پایین تر از قبر
بدو زراع یا سه زراع بگذار و ساعتی صبر کن تا اهبه خود را بگیرد برای
سوال قبر زیرا که قبر را هولهای عظیم هست و دعا کن که خدا پناه دهد او را
از اهوال قبر و سنت است که سر میت را پیش کند و از پیش پای قبر شیب
بقبر برند و بعضی از علما گفته اند که زن را از پیش قبله میگیرند و بعرض
بقبر میبرند و سرازشیب نمیکنند چنانکه در بعضی از روایات وارد شده
است و سنت است که شخصی که میت را بقبر میگذارد بندهای قبا را
بگشاید و بالاپوش و ردا را بیندازد و سر و پا پیش برهنه باشد و جایز است
یک کس برود یا زیاده خواه طاق و خواه جفت و اکثر علما گفته اند که
مکروه است که اگر میت مرد باشد خویش او او را بقبر برند و آنچه از
احادیث ظاهر میشود آنست که پدر را مکروه است که در قبر فرزند داخل
شود و فرزند و سایر اقارب باکی نیست و اگر میت زن بوده باشد
احوط آنست که محرم او را بقبر برد و اگر محرم نباشد زن صالحه او را
ببرد و اگر زن نبوده باشد مرد صالح ببرد و در رفتن و بیرون آمدن
سنت است که از پیش پای قبر باشد و سنت است که چون میت را نزدیک
قبر رسانند بگوید اللهم عبدک و ابن عبدک و ابن امتک نزل بک و
انت خیر منزول و چون میت را بقبر برد بگوید بسم الله و بالله و علی

در زن بگوید امتک ابنة عبدک و ابنة نزلت

ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم الی رحمتک لا الی عذابک
اللهم افسح له فی قبره و لقنه حجته و ثبته بالقول الثابت و قنا و ایاه
عذاب القبر و چون در قبر بگذارد سنت است که بندها کفن را بگشاید
و روی میت را باز کند و طرف راست روی او را بر زمین برساند و اگر زیر سر او را
از خاک بلند تر کند بد نیست و خشتی بر پشتش گذارد که بر پشت نغلتد
و سنت است که مهری از تربت حضرت امام حسین برابر روی او بگذارد که
آنحضرت و اگر تربت آنحضرت را در کفن بگذارد بهتر است و بگوید اعوذ بالله
من الشیطان الرجیم پس سوره فاتحه و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند و اگر حاضران هم بخوانند
بهتر است پس بگوید بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه
و آله اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم افسح له فی قبره و الحقه بنبیه صلی
الله علیه و آله اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه و ان کان مسیئا
فاغفر له و ارحمه و تجاوز عنه پس بگوید اللهم جاف الارض عن جنبیه و صاعد
عمله و لقه منک رضوانا پس بگوید اللهم عبدک و ابن عبدک و ابن امتک
نزل بک و انت خیر منزول به اللهم افسح له فی قبره و لقنه حجته و الحقه
بنبیه صلی الله علیه و آله و قه شر منکر و نکیر ایضا بگوید بسم الله و بالله و فی
سبیل الله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم عبدک ابن
عبدک نزل بک و انت خیر منزول به اللهم افسح له فی قبره و الحقه بنبیه
صلی الله علیه و آله اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا و انت اعلم به منا و بروایت
معتبر دیگر بگوید اللهم یا رب عبدک ابن عبدک نزل بک و انت خیر منزول
به اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه و ان کان مسیئا فتجاوز عنه و
الحقه بنبیه محمد صلی الله علیه و آله و صالح شیعته و اهدنا و ایاه الی
صراط مستقیم اللهم عفوک عفوک بروایت دیگر از علی بن محمد اللهم هذا عبدک
فلان و بجای فلان نام او را بگوید و ابن عبدک نزل بک و انت خیر منزول

در زن بگو لها قبرها لقنها حجتها ثبتها ایاها

از برای مؤنث لها قبرها الحقها بنبیها محسنة احسانها کانت مسیئة لها وارحمها عنها
در زن فاعل

در زن هذه امتک

به فلا احتاج الى رحمتك اللهم ولا نعلم منه الا خيرا وانت اعلم بسره
ونحن الشهداء بعلانيته اللهم جاف الارض عن جنبيه ولقنه
حجته واجعل هذا اليوم خير يوم اتى عليه واجعل هذا القبر خير بيت
نزل فيه وصيره الى خير مما كان فيه ووسع له فى مدخله وآنس وحشته
واغفر له ذنبه ولا تحرمنا اجره ولا تضلنا بعده وسنت است كه در اين
حال عقايد حق را تلقين او كنند خصوصا ولايت ائمه معصومين وبهتر
آنست كه بدست راست دوش راست ميت را بگيرد و بدست چپ دوش
چپ ميت را و اورا حركت دهد و تلقين كند و اگر باين نحو بگويد جامع
تر است اسمع افهم اسمع افهم اسمع افهم يا فلان ابن فلان واو و بگويد در سر
بگويد هل انت على العهد الذى فارقتنا عليه من شهادة ان لا اله الا
الله وحده لا شريك له وان محمدا صلى الله عليه وآله عبده ورسوله
وسيد النبيين وخاتم المرسلين وان عليا امير المؤمنين وسيد
الوصيين وامام افترض الله طاعته على العالمين وان الحسن والحسين
وعلى بن الحسين ومحمد بن على وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلى بن موسى
ومحمد بن على وعلى بن محمد والحسن بن على والقائم الحجة المهدى صلوات
الله عليهم ائمة المؤمنين وحجج الله على الخلق اجمعين وائمتك ائمة هدى
ابرار يا فلان بن فلان اذا اتاك الملكان المقربان رسولين من عند الله تبارك
وتعالى وسالاك عن ربك وعن نبيك وعن دينك وعن كتابك وعن
قبلتك وعن ائمتك ولا تخف وقل فى جوابهما الله جل جلاله ربى
ومحمد نبيى والاسلام دينى والقرآن كتابى والكعبة قبلتى وامير
المؤمنين على بن ابى طالب امامى والحسن بن على المجتبى امامى والحسين
بن على الشهيد بكربلا امامى وعلى زين العابدين امامى ومحمد بن على
باقر علم النبيين امامى وجعفر الصادق امامى وعلى الرضا امامى
ومحمد الجواد امامى وعلى الهادى امامى والحسن العسكرى امامى

در نسخه اسمعى افهمى بگويد

در نسخه فلا تخفى وقولى

وموسى الكاظم امامى

هؤلاء

در نسخه ثم اعلمى بگويد

والحجة المنتظر امامى صلوات الله عليهم اجمعين ائمتى وسادتى و
قادتى وشفعائى بهم اتولى وبهم ومن اعدائهم اتبرء فى الدنيا والآخرة
ثم اعلم يا فلان ابن فلان ان الله تبارك وتعالى نعم الرب وان محمدا
نعم الرسول وان امير المؤمنين على بن ابى طالب واولاده الائمة
الاحد عشر نعم الائمة وان ما جاء به محمد صلى الله عليه وآله حق وان
الموت حق وسؤال منكر ونكير فى القبر حق والبعث حق والنشور حق
والصراط حق والميزان حق وتطاير الكتب حق والجنة حق والنار حق وان
الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من فى القبور پس بگويد افهمت
يا فلان در حديث است كه ميت در جواب ميگويد بلى فهمت پس بگويد ثبتك
الله بالقول الثابت هداك الله الى صراط مستقيم عرف الله بينك وبين
اوليائك فى مستقر من رحمته پس بگويد اللهم جاف الارض عن جنبيه و
اصعد بروحه اليك ولقه منك برهانا اللهم عفوك عفوك پس خشت
بر لحد بگذارد و اگر بچينه پر خوب است خام بهتر است و اگر خشت بزرگ باشد
راست بگذارد و بر رخنه خشتها خشت ديگر بگذارد يا بگل رخنه را بگيرد
و اگر خشت كوچك باشد همه كند و بر هر تقدير رخنها را محكم كند كه خاك
بر ميت نريزد و در وقت چيدن خشت اين دعا بخواند اللهم صل وحدته
وآنس وحشته وآمن روعته واسكن اليه من رحمتك رحمة تغنيه
بها عن رحمة من سواك فانما رحمتك للظالمين و بروايت ديگر رحمة
تستغنى بها عن رحمة من سواك واحشره مع من كان يتولاه و مكروه
است فرش قبر بچوب و تخته كردن يا ميت را با تابوت گذاشتن مگر
آنكه زمين آب برآورده يا نم باشد و چون از نبش پايين قبر بيرون رود بگويد
انا لله وانا اليه راجعون والحمد لله رب العالمين اللهم ارفع درجته
فى اعلى عليين واخلف على عقبه فى الغابرين وعندك نحتسبه يا رب
العالمين پس سنت است كه حاضران به پشت كف خاك در قبر بريزند و اگر

بشکم دست کفها را پر کند و بر نزد نیز خوبست و سنت است که سه مرتبه
بریزد و در وقت ریختن بگوید اللهم ایمانا بک و تصدیقا بکتابک هذا
ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله و ما زادنا الا ایمانا
و تسلیما و در حدیث است که هر که چنین کند و این دعا بخواند حق تعالی
بعدد هر ذره از خاک حسنه برای او بنویسد و مکروه است که خویشان
میت خاک بر قبر بریزند که مورث قساوت قلب است و دوری از رحمت
الهی و سنت است که از غیر خاک قبر بر میت نریزد و سنت است که قبر را بقدر
چهار انگشت بلند کنند و بعضی چهار انگشت گشاده و بعضی بهم آورده گفته
اند و ظاهرا هر دو خوبست و دور نیست که بیشتر نیز مجوز باشد و مستحب است
که قبر را چهار گوشه بکنند و روی قبر را پهن کنند و خرپشته نکنند بخلاف
سنیان میکنند و بعد از آن آب بر قبر بریزند و در خبر است که تا تری در قبر
هست میت را عذاب نمیکنند و سنت است که آب ریزنده رو بقبله باشد
و ابتدا به پیش سر کند و بر یک جانب قبر بریزد تا پیش پا و بگرداند بجانب
چپ دیگر و بریزد تا پیش سر و بعد از آن بر میان قبر بریزد و سنت است
که آب را قطع نکند و متصل بریزد تا تمام شود و مستحب است که در وقت آب
ریختن دست بر قبر گذارد در حالتی که انگشتان ایشان گشاده باشد و فرو
کند تا اثر انگشتان ایشان در گل بماند و رو بقبله باشد و از بعضی روایات
مفهوم میشود که نزدیک قبر بنشینند و این دعا بخوانند اللهم جاف الارض
عن جنبیه ها و اصعد الیک روحه ها و لقه ها منک رضوانا و اسکن قبره ها من
رحمتک ما تغنیه ها بها عن رحمة من سواک و هفت مرتبه سوره انا انزلنا
بخوانند و اگر میت زن باشد در جمیع دعاها که گذشت ضمیر مؤنث بیاورد
چنانچه بسرخی نوشته شده است که ولی میت یعنی اقرب خویشان او بعد
از آنکه مردم برگردند نزد سر میت بنشیند و باواز بلند آن تلقین که گذشت
باز دیگر بکند و اگر دیگری را نایب کند نیز خوبست و در اخبار وارد شده است

که چون این تلقین را بکنند منکر بنکیر میگوید بیا برویم تلقین حجتش کردند
احتیاج به پرسیدن نیست پس برمیگردند و سوال نمیکنند و مکروه است
عمارت بر سر قبر کردن و بر سر قبر بسیار ماندن و گچ مالیدن بر قبور
مگر قبور انبیا و ائمه و بعضی گفته اند که قبور علما و صلحا نیز این حکم
دارد و مکروه است تازه کردن قبر بعد از مندرس شدن و مکروه است
در حال اختیار دو میت را در یک قبر گذاشتن و میت را از بلدی که مرده
است در آنجا بشهر دیگر بردن مگر بمشاهد مشرفه ائمه معصومین
و بعضی استثنا کرده اند نقل بمقبره صلحا و علما و شهدا را نیز و مکروه است
بر روی قبر نشستن و راه رفتن مگر بواسطه زیارت قبور که ضرور میشود
و مشهور آنست که جایز نیست شکافتن قبور مگر در چند صورت یکی آنکه مال
صاحب قیمتی در قبر افتاده باشد دیگر آنکه در زمین غصبی دفن کرده باشند
یا در کفن غصبی کفن کرده باشند دیگر آنکه او را بی غسل و کفن در خاک کرده
باشند و مشهور آنست که جایز نیست نقل مردگان بعد از دفن و بعضی
استثنا کرده اند نقل بمشاهد مشرفه ائمه معصومین و جایز نیست
گریبان چاک کردن و جامه دریدن غیر برادر و پدر و برای ایشان جایز است
بلکه از بعضی اخبار ظاهر میشود که مستحب باشد خصوصا پدر و بعضی
تجویز کرده اند زنان را مطلقا و احوط ترک است و جایز نیست خراشیدن
رو و کندن و بریدن مو و احوط آنست که طپانچه بر رو و زانو و غیر آن
نزنند و بعضی از علما موافق روایتی قایل شده اند که زنی که موی سر
خود را در مصیبتی ببرد واجبست که کفاره بدهد چنانکه در خاتمه
مذکور خواهد و بعضی گفته اند گناهست و کفاره بر او نیست و دور نیست
که سنت باشد و احوط دادن کفاره است و بعضی تراشیدن مو را الحاق
کرده اند بیرون آمدن بریدن در وجوب کفاره و همچنین اکثر علما قایل
شده اند که واجبست کفاره قسم بر زنی که موی سر را بکند در مصیبتی

یا رو بخود را بخراشد که خون برآید و بر مردی که در مرگ فرزند یا زن
خود گریبان چاک کند و کفاره یمین ان شاء الله مذکور خواهد شد و بعضی
واجب نمیدانند و احوط عمل بمشهور است و لازم است اصحاب مصیبت را
که صبر کنند بلکه راضی باشند بقضای الهی و بدانند که حق تعالی
صابران را اجر بحساب کرامت میفرماید و باید مصیبت بسیار بگوید انا
لله و انا الیه راجعون تا حق تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و هرگاه
این مصیبت بخاطرش آید این کلمه را بگوید گناهان ما بین این دو کلمه
آمرزیده شود و بسند معتبر منقولست هر که مصیبتی را بخاطر آورد اگر
چه بعد از مدتی باشد بگوید انا لله و انا الیه راجعون و الحمد لله رب
العالمین اللهم اجرنی علی مصیبتی و اخلف علی افضل منها ثواب همان
مصیبت باز باو داده شود و سنت است که دیگران تعزیه ایشان بکنند
و ایشان را بصبر و شکیبائی امر کنند پیش از دفن و بعد از دفن و مبالغه در
بعد از دفن بیشتر است و اقل تعزیه آنست که بروند تا صاحب عزا ایشان را
ببیند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که صبر
فرماید اندوهناکی را در صحرای محشر که همه کس برهنه اند خدا او را
حله نیکوئی از حلهای بهشت بپوشاند که موجب سرور او گردد و هر که
مصیبت زده را صبر فرماید حق تعالی او را ثواب صاحب مصیبت کرامت
فرماید بی آنکه چیزی از اجر او کم شود و فرمود که ثواب تعزیه و صبر
فرمودن بهشت است و مستحب است که صاحب مصیبت تغییر وضع
خود بکند تا او را بشناسند و جایز است گریه و ندبه کردن که نیکیهای
میت را بشمارند و نوحه کردن بحق جایز است که دروغ نگویند و چیزهای
بد آن برای میت اظهار نکنند و بهتر آنست که نوحه گر نیاورند و مستحب است
که تا سه روز خصوصا همسایگان برای صاحبان مصیبت طعام بفرستند
و زیاده از سه روز ماتم نگیرند مگر زن که چهار ماه و ده روز برای

شوهر ماتم بگیرد با آنکه جامهای رنگین نمیپوشد و زینت نمیکند
و سنت موکد است زیارت قبر مؤمنان خصوصا خویشان و چون داخل
قبرستان شود بگوید السلام علی اهل الدیار من المؤمنین و المسلمین
انتم لنا فرط و نحن ان شاء الله بکم لاحقون و بروایتی دیگر السلام
علی اهل الدیار من المسلمین و المؤمنین رحم الله المستقدمین منا
و المستاخرین و انا ان شاء الله بکم لاحقون و بروایت دیگر السلام علیکم
اهل الدیار من قوم مؤمنین و رحمة الله و برکاته انتم لنا سلف و نحن لکم
تبع و رحم الله المستقدمین منکم و المستاخرین و انا لله و انا الیه راجعون
و در احادیث بسیار وارد شده است که هر که نزد قبر برادر مؤمن خود هفت مرتبه
سوره انا انزلناه بخواند از ترس روز قیامت ایمن گردد و بروایت دیگر خدا
او را و صاحب قبر را بیامرزد و در وقت خواندن دست بر قبر گذارد و باید
بخواند اللهم جاف الارض عن جنوبهم و صاعد الیک ارواحهم و لقهم
منک رضوانا و اسکن الیهم من رحمتک ما تصل به وحدتهم و تونس به
وحشتهم انک علی کل شیء قدیر و بروایت معتبر دیگر اینست که بخواند اللهم
ارحم غربته و صل وحدته و انس وحشته و امن روعته و اسکن الیه
من رحمتک ما یستغنی بها عن رحمة من سواک و الحقه بمن کان یتولاه
و بروایت دیگر مستحب است نزد قبر سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل
اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را سه مرتبه بخواند
و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه و از حضرت رسول منقولست که هر که
در قبرستان بگذرد و سوره قل هو الله را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را
بمردگان ببخشد بعدد آن مردگان اجر و ثواب یابد و بروایت دیگر هر که
سوره آیة الکرسی را بخواند و ثوابش را هدیه اهل قبور کند حق تعالی
بعدد هر حرفی ملکی خلق کند که تسبیح گویند برای او تا روز قیامت و در عصر
روز پنجشنبه و جمعه مستحب است زیارت قبور و در احادیث معتبره

وارد شده است که هر که مصیبتی وارد شود مصیبت حضرت رسالت
پناه بیاد آورد که صعب‌ترین مصیبتها است و در اخبار بسیار روایت
شده است که هر که در وقت مصیبت دست بر ران خود زند ثواب
او حبط میشود و نباید شیون و فریاد کند و وا ویلاه نگوید و در حدیث
معتبر منقولست که هر که یک فرزند از او برود و صبر کند بهتر است از
برای او از آنکه هفتاد فرزند او بماند که همه سوار شوند و در راه خدا
جهاد کنند و منقولست که هر که را خدا دوست میدارد بهترین فرزندان
او را میگیرد و منقولست که ثواب مرگ فرزند بهشت است خواه صبر
کند و خواه نکند و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست در وقت
مصیبت این دعا میخواندند اَلحَمدُ لِلّٰهِ الَّذی لَم یَجعَل مُصیبَتی فی دینی
وَالحَمدُ لِلّٰهِ الَّذی لَو شاءَ جَعَلَ مُصیبَتی اَعظَمَ مِمّا کانَت وَالحَمدُ لِلّٰهِ عَلَی
الاَمرِ الَّذی شاءَ اَن یَکونَ فَکانَ و باید که مرده‌ها را فراموش نکنند
که دستشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و از جانب فرزندان و خویشان
و برادران مومن امید دارند و احسان ایشان را چشم براهند خصوصا
دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در مشاهد مشرفه
پدر و مادر را زیاده از دیگران باید دعا کرد و اعمال خیر برای ایشان بعمل
آورد که در خبر است که بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر عاق
ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد بسبب اعمال خیری که
از برای ایشان بعمل آورد و بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر نیکو
کار باشد و بعد از فوت ایشان عاق گردد بسبب آنکه اعمال خیر برای
ایشان کم بعمل آورد و عمده خیرات برای پدر و مادر آنست که قرض ایشان
ادا کند و ایشان را از حقوق خدا و خلق بری کند و سایر عباداتی که از
ایشان فوت شده باشد سعی کند که باستیجار یا بتبرع بعمل آورد و در حدیث
صحیح منقولست از حضرت صادق که در هر شب برای فرزندان خود و در

روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول انا
انزلناه و در رکعت دوم انا اعطیناک میخواندند و بسند صحیح منقول
است از حضرت صادق که بسا باشد که میت در تنگی و شدتی بوده باشد
و حق تعالی او را وسعت دهد و تنگی را از او بردارد پس با او گویند که
این فرج که تو را رو داده بسبب نماز است که فلان برادر مومن برای
تو کرد راوی پرسید که دو میت را در دو رکعت نماز میتوان شریک
کرد فرمود بلی و فرمود که میت شاد میشود بدعا و استغفاری که برای
او کنند چنانچه زنده شاد میشود بهدیه که برای او برند و فرمود که بر میت
داخل میشود در قبرش نماز و روزه و حج و سایر عملهای خیر و دعا و ثواب
آن اعمال برای کسی که کرده و برای مرده هر دو نوشته میشود و در حدیث
دیگر فرمود که هر که از مسلمانان برای میتی عمل صالح بکند خدا ثواب
آنرا مضاعف میگرداند و میت بآن عمل منتفع گردد و در روایتی وارد شده
است که هرگاه شخصی به نیت میتی تصدق بکند حق تعالی جبرئیل امر نماید
که با هفتاد هزار ملک نزد قبر او میروند و هر یک طبقی در دست دارند
از نعمتهای الهی باو میگویند السلام علیک ای دوست خدا این هدیه فلان
مومن است برای تو پس قبر او روشن میشود و حق تعالی هزار شهر در بهشت
باو کرامت میفرماید و هزار حوری باو تزویج مینماید و هزار حله باو میپوشاند
و هزار حاجت او را روا میگرداند و در حدیث معتبر منقولست که شش چیز
بمومن میرسد بعد از وفات اول فرزندی که از جهت او استغفار کند دویم
مصحفی یا کتابی از کتب علمی که از او بماند و مردم از او بخوانند سیم درختی که
بکارد و مردم از او نفع یابند چهارم آبی که جاری سازد پنجم چاهی که
حفر نماید که خلق خدا منتفع گردند ششم سنتی که مردم بآن عمل نمایند از
ارشاد و هدایت خلق و تصنیفات باب ۱۴ در مجملی از احکام زکوة و خمس و غیر آن
است و در آن سه فصلست فصل اول در زکوة است و آیات و احادیث در وجوب



ان وعقاب ترك كنند این بسیار است ازانجمله حق تعالی میفرماید الذین
یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم
یوم یحمی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم وجنوبهم وظهورهم
هذا ما کنزتم لانفسکم فذوقوا ما کنتم تکنزون یعنی انکسانی که جمع
میکنند طلا و نقره را و حقوق الهی را نمیدهند و در راه خدا صرف نمیکنند
پس بشارت باد ایشانرا بعذابی دردناک دران روزی که سرخ کنند از
آتش جهنم وداغ کنند بانها پیشانیها و پهلوها و پشتهای ایشانرا وبایشان
ا بیست مالهائی که از برای خود جمع کرده بودید الحال بچشید عذاب انها
واز حضرت صادق منقولست که هر که بقدر قیراطی از زکوة را که بیست
یک دینار است نه مؤمن است ونه مسلمان ودر وقت مردن استغاثه
میکنند که مرا بر گردانید بدنیا تا زکوة بدهم چنانچه حقتعالی فرموده است
حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلی اعمل صالحا فیما ترکت
یعنی تا وقتی که بیاید یکی از ایشانرا مرگ گوید پروردگارا مرا برگردانید مرا
بدنیا شاید عمل شایسته بکنم دران مالی که بعد از خود گذاشته ام واز
حضرت سید المرسلین وائمه طاهرین بطرق صحیحه منقولست که کسیکه
طلا و نقره داشته باشد وزکوة انرا ندهد حق تعالی اورا در روز قیامت
حشر خواهد نمود در زمینی لغزنده که پا بند نشود و براو مسلط کند ماری
بیشه را که زهرش از مارهای دیگر عظیم تر است ودر عقب او دود واو
اوبی که بزند تا چون باو برسد و داند که ازان خلاصی ندارد دست خود را
بدهان او دهد پس بدندان بگیرد اورا مانند شتر نری که بر چیزی بخاید
فرو برد پس طوق گردد در گردن او واینست معنی قول حقتعالی سیطوقون
ما بخلوا به یوم القیمة یعنی بزودی طوق گرداند در گردن ایشان انچیزرا
که بخل ورزیدند در دنیا بان و در راه خدا ندادند و در روز قیامت وهر که
شتر یا گاو یا گوسفند داشته باشد وزکوة انرا ندهد حق تعالی حبس

کند اورا در صحرائی لغزنده و پامال کند اورا هر حیوان شکافته
سم خود و گزند اورا بدندان و نیش هر صاحب زهری بنیش خود و هر که
زراعت داشته باشد یا باغ خرما و انگور داشته باشد وزکوة انها را
نداده باشد این قطعهها زمین را تا طبقه هفتم طوق کرده در گردن او
اندازند وان همه اتش گردند تا روز قیامت وبروایت معتبره دیگر هر که زکوه
مالش را ندهد حق تعالی انمال را اژدهائی گرداند در گردن او که دماغش را
خورد و گوشش را بکند بدندان تا از حساب خلایق فارغ شود ودر حدیث
دیگر حضرت صادق فرمود که هیچ مالی در صحرا و دریا تلف نمیشود مگر بندادن
زکوة وحق تعالی میفرماید مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله
کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة والله یضاعف
لمن یشاء یعنی مثل جماعتی که صرف مینمایند مالها خود را در راه خدا
از زکوة وخمس وجهاد وحج ومانند وغیر اینها مانند دانه ایست که برویاند
ازان هفت خوشه ودر هر خوشه صد دانه بوده باشد که مجموع هفت
صد برابر میشود وحق تعالی مضاعف میگرداند باضعاف این از برای
هر که خواهد وآیات واخبار در این باب بسیار است وانچه مذکور شد
برای کسی که ایمان بفرموده خدا ورسول داشته باشد کافی است واما
اجناسی که در انها زکوة واجب میشود نه جنس است اول طلا هر گاه بقدر
بیست اشرفی باشد وسکه داشته باشد که یک سال بماند اگر بدل
نشود وتغییر ندهد مقدار چهل یک انرا میباید داد و بعد ازان هر چهار
اشرفی که زیاد میشود بعد از سال چهل یک میباید داد دویم نقره است
هر گاه بدویست درهم برسد که تخمینا دوازده هزار و ششصد دینار
عجمی باشد موافق نرخ دانگی وسکه داشته باشد ویکسال بحال خود
بماند بعد از سال چهل یک میباید داد وهمچنین هر چند چهل درهم
زیاد شود که دو هزار و پانصد و بیست دینار باشد چهل یک انرا میباید

داد سیم شتر است و نصاب آن دوازده است چهارم (اول) پنج شتر است و در آن
یک گوسفند است دوم ده شتر است و در آن دو گوسفند است سیم
پانزده شتر است و در آن سه گوسفند است چهارم بیست شتر است و در آن
چهار گوسفند است پنجم بیست و پنج شتر است و در آن پنج گوسفند است
و گوسفندی که دهد باید هفت ماهه یا در هشت باشد و کمتر نباشد
اگر گوسفند دهد و اگر بز دهد یک ساله یا در دو باشد ششم بیست و
شش شتر است و باید شتر ماده یک ساله بدهد یا در دو اگر نداشته
باشد شتر نر دو ساله بدهد یا در سه هفتم سی و شش است و باید شتر
ماده دو ساله یا در سه بدهد هشتم چهل و شش است و باید شتر ماده سه ساله
یا در چهار بدهد نهم شصت و یک است و باید شتر ماده چهار ساله یا در
پنج بدهد دهم هفتاد و شش است و باید دو شتر ماده دو ساله یا در سه
بدهد یازدهم نود و یک است و باید دو شتر ماده سه ساله یا در چهار
بدهد دوازدهم صد و بیست و یک است و هرچه زیاد شود در پنجاه شتر یک ماده
سه ساله بدهد و در چهل شتر یک شتر ماده دو ساله چهارم گاو است
و در هر سی گاو یک گوساله ماده یا نر در دو سال میدهد و در چهل گاو
یک گاو ماده دو ساله یا در سه میدهد پنجم گوسفند است و در چهل
گوسفند یک گوسفند واجب است و در صد و بیست یک گوسفند یک گوسفند
یا دو و در دویست و یک گوسفند سه گوسفند واجب است و در سیصد
یک گوسفند احوط است که چهار گوسفند بدهد و چون به چهارصد
برسد هرچه زیاد شود از هر صد گوسفند یک گوسفند میدهد و در
زکوة هر یک از گوسفند و گاو و شتر شرط است که در علف مباح چریده
باشد در تمام سال پس اگر علف مملوک خورده باشد زکوة واجب نیست
و اگر بعضی از سال چریده باشد و بعضی علف ملک خورده احوط آن
است که اگر چریدنش بیشتر باشد زکوة بدهد و بچه تا شیر میخورند حساب

نمیباید کرد بنا بر مشهور و احتیاط آنست از روز یکه متولد میشوند حساب
کند و در طلا و نقره و حیوانات همه شرط است که سال بر آنها بگردد
و سال زکوة یازده ماه است چون ماه دوازدهم داخل شد زکوة واجب میشود
و در گاو و شتر شرط است که کارکن نباشند پس اگر بار کشند یا خویش
کشند زکوة واجب نیست و گوسفند و بز را بر سر هم حساب میکنند و گاو
و گاومیش را بر سر هم و شتر نر و ماده و لوک را بر سر هم حساب میکنند ششم
و هفتم و هشتم و نهم گندم و جو و خرما و مویز است و شرط است که هر یک به
نصاب برسد و نصاب سیصد و هفت من پنجاه درم است بسنگ
تبریز و انگور هر گاه هفتصد و بیست و یکمن باشد احوط آنست که زکوة بدهد
و شرط است که این غلات در ملک او بحد نصاب رسیده باشد پس اگر
گندم و جو را بعد از درو کردن بخرد زکوة بر فروشنده واجب است و اگر زمین
را باجاره گرفته باشد زکوة بر مستأجر واجب است و اگر بمزارعه بگیرد به
نصف یا ثلث یا ربع یا ده چهار مثلا زکوة حصه مالک بر مالک واجب است و
زکوة حصه عامل بر عامل اگر حصه هر یک به تنهائی به نصاب رسیده باشد
پس اگر زراعت یا باغ آب باران یا آب روان یا آب قنات یا آب ریشه خورده باشد
ده یک میدهد و اگر آب دست یا گاو یا شتر یا چرخاب خورده باشد بیست
میدهد و اگر از هر دو خورده باشد بیشتر اعتبار دارد و اگر هر دو مساوی
باشد بیست یک میدهد و احوط و اقوی آنست که بغیر از خراج پادشاه
چیزی از خرج زراعت بدر نکند در دادن زکوة و چون اکثر علما برآنند که تعلق
زکوة بانگور در وقت غوره شدنست پس احوط آنست که اول از با خبرت بیاورد
که تخمین کند میوه باغ را که چه مقدار است و ناخود مقرر سازد که بان
نسبت زکوة میدهم یا آنچه خورد از غوره و انگور حلال باشد یا آنکه
آنچه بردارد نگاه دارد حساب او را یا آنچه بردارد عشر غوره را بدهد و
همچنین گندم و جو وقتی که دانه به و بعضی از علما گفته‌اند که زکوة واجب

در حبوب مانند برنج و ماش و نخود و ماش و عدس و امثال اینها هرگاه
نصاب جو و گندم برسد همان طریق که گذشت و مشهور آنست که در زکوة
اینها و مادیان که در علف مباح چرا کند و سال بر او بگذرد زکوة سنت
است و اگر پدر و مادرش عربی باشند در سالی دو اشرفی چهار دانگ یعنی
میدهد و اگر یابو باشد که یکی از پدر و مادرش عربی نباشند در یکجا یک
اشرفی میدهد و در زکوة تجارت جمعی بوجوب قایل شده اند و مشهور آن
است که سنت است و آن مالی است که مالک شود آنرا بعنوان معاوضه
در وقت مالک شدن قصد اکتساب و تجارت با آن داشته باشد و می
باید که نصاب آن بیکی از طلا و نقره برسد و در تمام سال بر نصاب باقی
باشد و در تمام سال از مایه کم نشود که به مایه یا بیشتر به خرند و اگر چند
سال بگذرد که مایه در کمی باشد سنت است که زکوة یک سال را بدهد
و اگر بر مایه باقی باشد هر سال چهل یک میدهد و اگر معاوضه کند
در اثنای سال بقصد تجارت خلاف است و احوط آنست که بدهد
و سنت است که در وقت درو کردن اگر فقرا حاضر شوند هر فقیری را دسته
گندم بدهد هر قدر که در دستش در آید و در وقت چیدن خرما و انگور
یک مشت بدهد و بزکوة حساب نکند و بعضی واجب دانسته اند و احوط
آنست که ترک نکند اما مستحق زکوة پس هشت طایفه اند اول و دوم فقرا و مساکین
و ایشان کسانی اند که قوت سالیانه خود و عیال خود را نداشته باشند
و قادر بر کسبی نباشد که معاش خود را و عیال خود را تواند گذرانید
و احوط آنست که سائل بکف نباشد و صالح باشد سیم کسی است که امام
نصب میکند برای گرفتن زکوة و حصه باو میدهد و در این زمان ن
نمی باشد غالبا و همچنین چهارم مؤلفه قلوبهم اند در این زمان نمی باشند
غالبا پنجم صرف کردن در آزادی بنده است مثل آنکه آقای غلام خود
خود را مکاتب کرده که مالی بدهد و آزاد شود و او عاجز باشد آزادش

ان و برائت او کرد زکوة واجب شده باشد باید که قدری از زکوة را بعامل که
او حساب کند و الا دیگران حصه باو بدهند که باقی بدهد و آزاد شود
یا غلامی که در دست آقا در تعب و شدت باشد از مال زکوة بخرند و آزاد
کنند ششم قرض دارانند که قرض کرده باشند و در معصیت صرف
نکرده باشند در ادای قرض ایشان میتوان داد هفتم فی سبیل الله است
یعنی صرف راههای خدا مانند جهاد فی سبیل الله و یاری حاجیان و زایران
ائمه معصومین و بنای مساجد و پلها و بعضی گفته اند که مخصوص
جهاد است در زمانی که جهاد حق باشد و این احوط است هشتم ابن السبیل
است و آن کسی است که بغربت افتاده باشد و خرج رفتن بخانه خود نداشته
باشد اما نفقه را باو میدهند که بخانه خود برسد اگر سفرش معصیت نباشد
و باید کسی که باو زکوة میدهند غیر مؤلفه شیعه اثنی عشری باشد
و احوط آنست که اجتناب از گناهان کبیره کند خصوصا شراب خوردن
دیگر شرط است که واجب النفقه مالک نباشد مثل پدر و مادر و جد
و جده هر چند بالا روند و فرزندزادگان هر چند پایین روند و زن و بنده
و بهتر آنست که زکوة را بخویشان پریشان بدهند غیر اینها که مذکور شد
اگر شرایط را داشته باشند و غیر سید زکوة بسید نمیتوان داد اما
زکوة   و غیر سید هر دو میتوان داد و غیر سید احوط آنست که
بتشریف هم ندهد و بهتر آنست که زکوة را بنزد مجتهد عالمی که مصارف زکوة را
داند ببرند که او بمصرف برساند فصل دوم در خمس است بدانکه خمس در هفت
چیز واجب میشود اول غنیمتی که از کافران در جنگ بگیرند خواه در جنگ
گاه باشد و خواه در بیرون دوم معادن است مانند طلا و نقره و مس
و سرب و یاقوت و زبرجد و سرمه و عنبر و قیر و نفط و کبریت بعد از آن
که خرج بیرون آوردن بدر رود و پنج یک آنرا میباید داد و مشهور آنست
که نصاب ندارد و بعضی گفته اند که نصابش یک دینار است تا بیست دینار نرسد

خمس واجب نمیشود و بعضی بیست دینار گفته اند که بیست اشرفی است
که نصاب اول طلا است و اکثر متاخرین باین قایل شده اند و خالی از
قوتی نیست اگر چند کس شریک باشند باید حصه هر یک جدا بنصاب
برسد **سیم** گنج است یعنی مالی که در زمین پنهان کرده باشند پس اگر گنج
در بلاد کفار بیابد که در انجا مسلمانی نباشد هر چند سکه اسلام
داشته باشد یا در دار اسلام بیابد و سکه اسلام نداشته باشد
و قیمت بیست دینار برسد اگر طلا باشد خمس او را میدهد و باقی از و است
و اگر نقره باشد باید بدویست درهم برسد که موافق زر ده دانگی دوازده
هزار و ششصد دینار است و اگر غیر طلا و نقره باشد قیمت ان بیکی
از این مقدار برسد و اگر سکه اسلام داشته باشد یا علامتی بر انکه
از مسلمانی بوده است و مشهور میان علما انست که حکم لقطه دارد یعنی
یک سال تعریف اگر صاحبش پیدا شود بصاحبش بدهد و الا مخیر است
میان مالک شدن و تصدق کردن و بامانت نگاه داشتن و اگر در دو صورت
اول صاحبش پیدا شود و راضی نباشد عوض بدهد و ظاهر اخبار انست که اگر
از روی زمین یافته است لقطه است و اگر در زیر زمین بوده است گنج است
خواه اثر اسلام داشته باشد و خواه نداشته باشد و جمعی باین قایل شده اند
و خالی از قوتی نیست و اگر گنج را در زمین خود بیابد که از پدران باو رسیده
باشد از و است و اگر خمس او را بدهد احوط است و اگر زمین را خریده باشد
تعریف کند بایع نزدیک و دور را اگر نشانی بدهد که ظن ایشان حاصل شود
بایشان بدهد علی المشهور و الا از و است و باز احوط انست که خمس او را بدهد
و اگر حیوانی بخرد چون شتر و گاو و در شکم او چیزی بیابد تعریف میکند
بایع اگر نشان ندهد از و است و احوط اخراج خمس است و اگر در شکم
ماهی بیابد خمس میدهد احتیاطا و باقی از و است و باین ملحق کرده اند
حیوانات شکاری را مانند آهو اگر محتمل باشد که در خانه مالک سابق خورده

باشد

باشد احوط انست که تعریف باو بکند **چهارم** چیزیست که بغوص از دریا بیرون
اورند مانند مروارید و مرجان و نصاب در ان معتبر است و مشهور
انست که نصابش یک دینار است یعنی یک اشرفی تمام وزن و بعضی بیست
دینار گفته اند و اگر چند مرتبه در اورند همه در نصاب با هم حساب میکنند
هر چند در میان ترک غوص کرده باشد علی الاحوط و اگر چند کس شریک
باشند حصه هر یک میباید بنصاب برسد و عنبر را اگر بغوص از دریا بدر اورند
حکم مروارید دارد و اگر از روی آب یا ساحل بردارند حکم معدن دارد
و احوط انست که بهر حال خمس انرا بدهد و رعایت نصاب نکند **پنجم**
فاضل مونت سالیانه است از ارباح تجارتها و زراعتها و کسبها و مشهور
انست که در میراث و بخشش و هدیه خمس نمیباشد و خرج سالیانه را که
بیرون کند قدر وسط مناسب حال ان شخص را اعتبار کرده اند پس اگر
اسراف کرده باشد خمس انچه اسراف کرده است بیرون میکند و اگر بر خود
تنگ گرفته باشد انرا هم بیرون میکنند علی المشهور و احوط انست که اگر
زیاد امده باشد بدهد بلکه نهایت احتیاط انست که هر چه حاصل شود
و خرج نکرده زیادتی دارد خمس بدهد و اگر در اثنای سال اخراجات
ضروریه واقع شود مثل خرج کدخدائی و حج بیت الله و زیارات رسول
و ائمه و امثال اینها همه را بقدر وسط بیرون میکند و همچنین تعدیات
و زیادتیها که ظلمه کنند جمیع را بیرون میکنند و خمس بقیه را و ابو الصلاح
قایل شده است در میراث و هبه و هدیه نیز خمس واجب است و در حدیث
صحیح وارد شده است شخصی جایزه عظیمی باو برسد یا میراثی از جائی که
گمان نداشته باشد باو برسد یا مالی از دشمنان دین باو برسد خمس می
باید و عمل باین روایت احوط است **ششم** زمینی است که یهودیا و نصرانیا
و مجوسیا از مسلمانی بخرند خمس ان زمین را یا خمس قیمت انرا با رضای
میگیرند و اگر خانه یا باغ را بخرد مشهور میان علما انست که خمس زمین

میگیرند و اکثر قدمای علما متعرض این نوع خمس گشته اند هفتم مال
حلالی است که بحرام مخلوط شده باشد و صاحبانرا ندانند و مقدار حرام
نداند خمس انرا میدهد که بفقرای سادات و غیر ایشان و بعضی انرا
مخصوص سادات میدانند و بعضی بسادات گفته اند نمیتوانند داد
و ظاهر انهر دو توان داد و اگر بشریف بدهد بهتر است و اگر مقدار حرام
را داند و صاحبش را داند انمقدار را واجبست بصاحب بدهد و اگر
صاحب را داند و مقدار را نداند با صاحب میباید با صلح کند و بعضی
گفته اند که درین صورت خمس انرا بصاحب میدهد و بعضی گفته اند
کرا نمقدار را اگر علم دارد بصاحب میدهد و ما بقی را با صاحب صلح
میکند احتیاطا و این احوط است و اگر مقدار را داند و صاحب را نداند
سعی میکند تا صاحب را بهم رساند و اگر بهم نرسد از برای او تصدق
کند و این صورت و صورت اول مبهمی است برد مظالم و اگر خمس را بدهد
یا تصدق کند کل را یا بعض را بعد از ان پیدا شود خلاف است که ایا
باید بصاحب بدهد یا نه و احوط انست که بدهد اما مستحق خمس مشهور
میان علما انست که شش حصه میشود چنانچه ظاهر ایه کریمه است و
حصه خدا و رسول و ذوالقربی که نصف خمس است بعد از حضرت رسول
از امام زمانست و نصف دیگر سه حصه میشود و به یتیمان سادات
و مسکینان و ابناء سبیل سادات میدهند و مراد از سید کسی
است که منسوب باشد از جانب پدر بعبد المطلب و تفسیر مسکین
و ابن سبیل در زکوة گذشت و در یتیم احوط انست که پدرشان نباشد
و ابن سبیل را انقدر میدهد که بشهر خود برود و در احادیث
معتبره ظاهر میشود که در زمان حضور امام خمس را بخدمت انحضرت
میبرده اند و حضرت نصف را خود بر میداشتند و نصف را باین
سه فرقه سادات میدادند که مذکور شد و هر یک بقدر کفاف

ایشان در یک سال میداده اند و انچه زیاد می امده خود بر میداشته
و اگر وفا نمیکرده از حصه خود تتمه را میداده اند و ایشان بمنزله عیال
امام بوده اند و در زمان غیبت احوط انست که حصه سادات را بعلمای
اثنی عشری بدهد که بسادات بدهند بقدر احتیاج ایشان اما نصف
دیگر خمس که حصه انحضرتست در زمان غیبت خلاف است مشهور ان
است که بعالم عادل باید داد که بر سبیل تتمه به نیابت انحضرت بسادات
بدهد و اگر چیزی زیاد اید حفظ کند و بعد از خود بعالم دیگر دهد که
اگر سید پریشانی بیاید بدهد و الا از برای انحضرت ضبط کند و
فرض در این زمانها بسیار نادر است زیرا که سادات پریشان بسیارند
و خمس دهنده کان کم اند و جمعی گفته اند که در زمان غیبت ائمه این حصه
بر شیعیان حلال کرده اند و این سخن بوجه است زیرا که از حضرت صاحب
الامر و ائمه صریحی نرسیده است که بر شیعیان حلال کرده باشد بلکه خلاف
ظاهر است زیرا که در زمان غیبت صغری هفتاد سال که نزدیک بوده نایبان
انحضرت یعنی عثمان عمروی و پسر او محمد و حسین بن روح و علی بن محمد سمری
حصه انحضرترا بلکه جمیع خمس را از شیعیان میگرفتند و بفرموده
حضرت بمردم میدادند و ظاهر انست که درین زمان نایب انحضرت
که علمای ربانی و محدثان و حاملان علوم ایشان اند باید بگیرند و بسادات
که عیال انحضرتند برسانند و الا باید که اشرف خلقند یا از گرسنگی
بمیرند یا سایل بکف شوند و از همه کس ذلیل تر باشند زیرا که زکوة و صدقه
واجبه بر ایشان حرام است و خمس را بعوض با ایشان داده اند و بسبب
اختلافی که در میان علما بهم رسیده و بعضی از علمای عصر اغنیا را جرات
داده اند بر منع خمس باعث این شده است که اکثر سادات بفقر و فاقه
میگذرانند و حقوق ایشان و اجداد ایشان در ذمت اغنیا میماند و بر
تقدیری که امام بر ایشان رحم کرده باشد در زمانهای تقیه و خوف و

بعد بابت که از خلفای جور بر ایشان واقع شده و حلال کرده باشند
ایشان چگونه بر خود هموار میکنند که عیال و خویشان و اقارب و امام
خود را در فقر و اضطرار ببینند و بر ایشان رحم نکنند و باز امید
شفاعت از ایشان داشته باشند و حال آنکه فرموده اند که بدترین
احوال مردم در قیامت وقتی خواهد بود که صاحبان خمس برخیزند و بگویند
پروردگارا خمس خود را میخواهیم و حضرت صادق فرمود که من یکدرهم خمس را
از شما میگیرم و حال آنکه مال من از همه اهل مدینه بیشتر است و میگیرم
مگر از برای آنکه شما پاک شوید از گناهان و از حقوق ما و حضرت رسول
فرمود که هر که احسانی با احدی از اهل بیت من بکند من مکافات میدهم
او را در قیامت و اکثر علما بر آنند که اگر صاحب مال خود حصه امام را
بسادات بدهد بری الذمه نمیشود مگر آنکه بدستش بعالم مجتهد عادل
برسد و بگمان فقیر هم خمس این حکم دارد فصل پنجم در بیان فضیلت و کیفیت
اعتکاف است اعتکاف مکث است در مسجد جامع بجهت عبادت و آن سنت
مؤکد است بمقتضای آیات و اخبار بسیار خصوصا در دهه آخر ماه
رمضان چنانچه حضرت سید المرسلین در دهه آخر ماه رمضان اعتکاف
مینمودند مگر یک سال که در آن جنگ بدر واقع شد و در سال بعد
از آن بیست روز اعتکاف داشتند ده روز قضای سال گذشته و ده
روز ادا و از آن حضرت منقولست که اعتکاف دهه آخر ماه رمضان برابر است
با دو حج و دو عمره و اعتکاف به نذر و مانند عهد و قسم و اجاره و اذن
خود بغیر واجب میشود و اگر بر پدر واجب شده باشد و نکرده باشد
احوط آنست که پسر بزرگ قضا بکند و بعد از نیت کردن واجب میشود و
بعضی گفته اند روز سیم واجب میشود و همچنین روز ششم و نهم و دوازدهم
و پانزدهم و هر چه بالا رود باین نسبت و بعضی گفته اند باین نسبت مطلقا
واجب نمیشود تا آن استثنا وجوب بعمل نیاید و این قول اقوی است و احوط

آنست که در اول شبهای مذکور تجدید نیت بقصد قربت و مستحب است
که معتکف شرط کند بر پروردگار خود که اگر مانعی او را عارض شود بیرون
تواند رفت از اعتکاف و ظاهر جمعی آنست که جایز است اشتراط رجوع
باختیار بی تقیید بعارض و مانع و بعضی در این مضایقه کرده اند و ظاهر
عارض و مانع اعم از عذر ضروری است و محل این شرط در اعتکاف سنت
نزد نیت اعتکاف است و دخول در آن و جماعتی از اصحاب ذکر کرده اند
که محل آن در اعتکاف واجب نزد گفتن صیغه نذر است و خالی از
اشکالی نیست و فایده شرط آنست که نزد عارض یا مطلقا اگر خواهد
رجوع تواند کرد اگر چه در روز سیم باشد و فایده دیگر آنکه اگر با شرط
رجوع کند قضا بر او واجب نیست و اما مکان اعتکاف جمعی از اصحاب گفته اند
که در غیر مسجد مکه و مسجد مدینه و مسجد کوفه و مسجد بصره اعتکاف
نمیباشد و بعضی بجای مسجد بصره مسجد مداین را گفته اند و خلاف در این
باب بسیار است و مسجد مداین در این زمانها گویا معلوم نیست و مسجد
بصره در این اوقات در بیابان واقع است و اعتکاف در آن مشکل است و
گفته اند مراد بمسجد مکه و مدینه آن قدریست که در زمان حضرت رسول
مسجد بوده نه آنچه بعد الحاق کرده اند و ظاهر آنست در هر مسجد جامعی اعتکاف
تواند کرد و مراد بمسجد جامع مسجد بزرگی است در بلد که در آنجا نماز جماعت
کنند و مخصوص محله نباشد و از اکثر محلات شهر بآنجا برای اقامت جمعه
با جماعت حاضر شوند گو متعدد باشد مثل مسجد جامع عباسی و مسجد
جامع قدیم در اصفهان و سایر آنها مثل مسجد آقا نور و مسجد عباس آباد
محل تامل است و احوط آنست که اگر در مکه و مدینه و کوفه باشند
غیر مساجد مخصوصه واقع نسازند و در بلاد دیگر احوط آنست که در مسجد
کبیر بلد که مشهور بجامع باشد بجا آورد و اگر مسجد بزرگ شهر باشد لکن
است و غایت احتیاط آنست که قصد کند که اعتکاف میکنم در این مسجد

اگر مطلوب شارع باشد بعنوان اعتکاف مقرر فیها والا در مسجد عبادت
منکنم از برای رضای خدا یا قربة الی الله و شرط است در اعتکاف لبث سه
روز یا بیشتر و مشهور آنست که دو شب میان داخل اند و بعضی گفته اند
شب اول نیز داخل است و احوط آنست که نزدیک بغروب آفتاب نیت اعتکاف
بکند تا شام روز سیم و اگر تا صبح روز چهارم قصد کند نهایت احتیاط است
و شرط است در اعتکاف که معتکف روزه باشد خواه روزه سنت و خواه
واجب و در سنت باید برخصت کسانی باشد که رخصت ایشان در روزه
سنت شرط است مانند شوهر زن را و مالک بنده را و احوط آنست که فرزند
بی رخصت پدر و مادر اعتکاف نکند و مهمان بی رخصت مهمان
دار و برعکس واقع نسازند و نیت در اعتکاف شرط است و ظاهرا قصد
قربت کافی است و واجب است از مسجد بیرون نرود که در آن اعتکاف میکند
بدون ضرورت مانند نماز جمعه اگر در غیر آن مسجد کنند یا عیادت بیمار
مؤمنی یا حاضر شدن بر جنازه مؤمنی یا قضای حاجت مؤمنی یا برای حاجت
ضروری خود مانند بیت الخلا رفتن و غسل جنابت اگر محتلم شده باشد
و در غسل جمعه بنا بر قول استحباب آن و سایر اغسال مستحبه اگر در مسجد
نتواند کرد اشکالی هست و مشهور آنست که نمیتوان کرد و همچنین جایز است
بیرون رفتن از برای تحصیل آب و نان و سایر ضروریات اگر کسی را نداشته
باشد که برای او تحصیل کند و همچنین جایز است بیرون رفتن از جهت
گواهی دادن و گواه شدن اگر دیگری نباشد و نتوان در مسجد بجا آورد
و چون بدر رود بجائی ننشیند تا برگردد بمسجد و بهتر آنست که در زیر سقف
راه نرود و از راه های نزدیک تر پی مطلب برود و به بیت الخلای نزدیک تر
برود اگر ممکن باشد و توقف بسیار زیاد از ضرورت واقع نسازد و چون
وقت نماز شود در جای دیگر غیر آن مسجد که محل اعتکاف است نکند
مگر در مکه معظمه که در همه جا میتواند کرد و اگر وقت تنگ شود در جای

دیگر

دیگر میتواند کرد و اگر سهواً از مسجد بیرون رود اعتکاف باطل نمیشود مگر
آنکه زمان بسیار بکشد که او را معتکف نگویند و همچنین اگر جبراً او را
او را از مسجد بیرون برند و احوط آنست که جنب و بدن را نیز از مسجد بیرون نکند
و بعضی منع کرده اند از رفتن ببام مسجد و ظاهرا اگر داخل مسجد باشد قصور
ندارد و بدانکه حرام است بر معتکف جماع کردن با زنان در روز و شب همچنین
حرام است بوسیدن بشهوت و دست بر بدن مالیدن بشهوت و احوط اجتناب
است از هر دو اگرچه بشهوت نباشد و حرام است طلب منی کردن اگرچه بگفتگو
باشد که از و منی آید بسبب آن و احوط آنست که بعبث دست بر ذکر نمالد
و حرام است بوی خوش کردن و گل بوئیدن هر گلی که باشد علی المشهور و باید
جدال و نزاع با کسی نکند و احوط آنست که مباحثه علمی نیز نکند مگر بقصد
اظهار حق و خرید و فروش نکند مگر بقدر ضروریات خود و عیال خود
و احوط آنست که وکیلی از برای خود قرار دهد که اینها را بکند و احوط آنست
که طلاق مطلقات خود را واقع نسازد حتی عقد و نکاح را و جمیع اینها که در
اعتکاف حرام است و در روزها و شبها همه حرام است مگر خوردن و آشامیدن
کردن در شب جایز است نه در روز و هرچه روزه را باطل میکند اعتکاف را نیز باطل
میکند اگر در روز بفعل آورند و در شب افطار میتواند کرد و مفطرات غیر
جماع و استمنا واقع میتواند ساخت و اولی اجتناب است از غیر اکل و شرب و اگر
جماع کند اعتکاف را باطل میشود و کفاره میدهد اگر اعتکاف واجب باشد
و در روز اول و دویم اعتکاف سنت خلافست و احوط کفاره است اگرچه
جماع در شب واقع شود و احوط آنست که هرچه روزه را باطل میکند اگر
آنها را در روز واقع سازد کفاره بدهد احتیاطا و کفاره بنده آزاد کردن است
اگر تواند و الا دو ماه پی در پی روزه گرفتن و الا شصت مسکین را طعام دادن
و بعضی گفته اند مخیر است میان اینها و اولی احوط است بلکه اظهر اگر جماع
در شب واقع شود یک کفاره میدهد و اگر در روز ماه رمضان واقع شود

دو کفاره میدهد یکی مرتبه و دیگری مخیره و بعضی گفته اند اگر در روز
غیر ماه رمضان واقع شود دو کفاره میدهد و ان بی وجه است و بیع
و شری و سایر محرمات غیر جماع سبب بطلان اعتکاف نمیشود و کفاره هم
واجب نمیشود و در بطلان باستمنا و کفاره بسبب ان خلافست و احوط
تمام است و کفاره اگر در شب واقع شود و اگر در روز واقع شود استمنا
باطل میکند اعتکاف را البته و کفاره میدهد احتیاطا و احکام اعتکاف
بسیار است و بانچه ضرور بود اکتفا کردیم خاتمه در بیان کفارات بدانکه
کفاره بر دو نوع است اول کفارات احکام حج و عمره و انها را در رسالهٔ حج بیان
کردم دوم سایر کفارات و انها بسیار است بعضی متفق علیه و بعضی
مختلف فیه و بعضی واجب و بعضی سنت و بعضی بترتیب و بعضی بتخییر
و همه را باید یکی بر سبیل اجمال برای طالبان ادراک سعادت ابدی و
محصلان نجات عقوبات اخروی بیان مینمایم اول کفاره افطار روز ماه
مبارک رمضانست و ان واجب میشود بخوردن و اشامیدن چیزی که معتاد
و معتاد باشد اتفاقا و در غیر معتاد خلاف است و اشهر و اقوی وجوب
است و جماع کردن در قبل زن اتفاقا و در دبر زن علی الاقوی و باقی ماندن
بر جنابت عمدا تا طلوع صبح علی الاقوی و بخوابیدن بر جنابت تا صبح بی
نیت غسل علی الاحوط و بخوابیدن بعد از بیدار شدن یکمرتبه یا زیاده
تا صبح علی الاحوط و برسانیدن غبار غلیظ بحلق بنا بر قول جمعی و طلب منی
کردن و دست بازی کردن و با مکرر نظر کردن بزنی تا منی از و بیاید علی
الاحوط و قی کردن بنا بر قول بعضی و حقنه کردن و شیاف عمل کردن بنا
بر قول بعضی و بدروغ بستن بر خدا و رسول و ائمه بنا بر قول بعضی و سر
فرو بردن عمدا در اب بنا بر قول بعضی هرگاه یکی ازین امور را عمدا بکند و
مسئله را داند کفاره باید داد و بعضی اجماعا در بعضی احتیاطا و اگر از روی
سهو باشد کفاره ندارد و اگر مسئله نداند در کفاره خلافست و احوط کفاره

و اگر افطار به حلال کرده باشد کفاره یکبنده ازاد کردن یا دو ماه پیاپی روزه
گرفتن یا شصت مسکین طعام دادنست و بعضی به ترتیب قایل شده اند یعنی اگر
قادر بر بنده ازاد کردن باشد ان مقدم است و الا دو ماه روزه و اگر ازین نیز عاجز
باشد شصت مسکین را طعام بدهد و قول اول اقوی و ثانی احوط است و اگر
افطار بحرام کرده باشد مانند شراب و لحم خنزیر و مال مغصوب و زنا و
لواطه و بعضی از علما قایل شده اند که هر سه کفاره برو واجب میشود و بعضی
مانند افطار بحلال میدانند و اول احوط است دویم هرگاه در قضای ماه رمضان
بعد از زوال افطار کند مشهور انست که کفاره واجب است و اشهر و اقوی
انست که کفاره طعام دادن ده مسکین است و اگر عاجز شود سه روز روزه میگیرد
و بعضی مخیر میان این دو میدانند و بعضی کفاره قسم و بعضی کفاره افطار ماه رمضان
لازم میدانند سیم کفاره ظهار است که کسی بزن خود بگوید انت علی کظهر
امی یعنی تو بر من مانند پشت مادرمی یا خواهر یا سایر محارم علی الاشهر اگر این را
بگوید در وقتی که زن حایض نباشد و در ان طهر با او جماع نکرده باشد در حضور
دو عادل بگوید پس اگر خواهد جماع کند باید که کفاره بدهد و اگر بدون کفاره
جماع کند دو کفاره برو واجب میشود بنا بر مشهور و کفاره یک بنده ازاد کر
دنست و اگر عاجز شود دو ماه پیاپی روزه داشتن و با عجز شصت مسکین را
اطعام کردن چهارم کفاره ایلا است یعنی قسم بخورد که زوجه دایمه خود را چهار ماه
یا زیاده وطی نکند و زن او را بنزد حاکم شرع برد و حاکم حکم کند که او را طلاق دهد
یا وطی کند و اختیار وطی نماید باید که کفاره بدهد و کفاره اش کفاره قسم است
که بعد از ان مذکور میشود انشاء الله پنجم کفاره مخالفت قسم است بانکه قسم خورد

باسماء مقدسه خدا بر کردن فعلی که ترکش رجحان نداشته باشد یا نکردن فعلی
که فعلش رجحان نداشته باشد و مخالفت آن قسم نماید و کفاره اش یک بنده آزاد
کند یا ده مسکین را جامه به پوشاند یا ده مسکین را اطعام کند و اگر از همه
عاجز شود سه روز پیاپی روزه بگیرد ششم کفاره مخالفت نذر است یا نذر کند
فعل امری را که راجح باشد یا ترک امری را که مرجوح باشد و مخالفت نماید و کفاره اش
بعضی گفته اند مانند کفاره قسم است و بعضی گفته اند مانند کفاره ماه
رمضان است یک بنده آزاد کردن یا دو ماه روزه گرفتن یا شصت مسکین را طعام
داشتن و بعضی گفته اند که اگر نذر تعلق بروزه داشته باشد کفاره اش کفاره
قسم است و این قول خالی از قوتی نیست و احوط کفاره ماه رمضان است مطلقا
هفتم کفاره عهد است که با خدا عهد کرده باشد که امر راجحی یا غیر مرجوحی را
بعمل آورد یا ترک کند امر غیر راجحی یا مرجوحی را و مخالفت آن عهد نماید و در کفاره
اش مانند کفاره نذر خلاف است و احوط آنست که در نذر ذکر شد هشتم
قسم خوردن بعنوان بیزاری از خدا و رسول و ائمه است و در حرام بودن چنین
قسمی خلاف نیست ولیکن در وجوب کفاره به چنین قسمی یاد کردن خلاف است
بعضی گفته اند که کفاره اش کفاره ظهار است اول بنده آزاد کردن و با عجز از آن
دو ماه روزه داشتن و با عجز از آن شصت مسکین اطعام کردن و اگر عاجز شود
ده مسکین را اطعام یا کسوه دهد و اگر عاجز شود سه روز متوالی روزه بدارد
و بعضی گفته اند کفاره اش کفاره نذر است و ابن بابویه گفته است که سه روز
روزه بدارد و ده مسکین را اطعام بدهد و بعضی گفته اند گناه کرده است
[کفا]ره ندارد و در حدیث صحیح وارد شده است که صفار بحضرت امام حسن

عسکری نوشت که مردی سوگند یاد کرده به بیزاری از خدا و رسول و مخالفت
کرده توبه و کفاره او چیست حضرت فرموده که ده مسکین را طعام میدهد
هر مسکینی را یک مد و طلب آمرزش میکند از خدا و بعضی خلاف کرده اند که این
کفاره برای اصل سوگند خوردن است یا برای مخالفت سوگند کردن و یا آنکه چنین
سوگند یاد نکند و اگر یاد کند بمحض سوگند عمل بقول او بکند اگرچه ظاهر آنست
که عمل بروایت مجزیست نهم بعضی از علما قایل شده اند که زنی که در مصیبتی موی
سر خود را ببرد کفاره افطار ماه رمضان میدهد به ترتیب بر قول بعضی و بتخییر
بر قول بعضی و بعضی گفته اند گناه دارد و کفاره ندارد و در روایتی وارد شده
است و کفاره افطار ماه رمضان لازم است و احوط عمل بروایت است و بعضی
تراشیدن موی را الحاق کرده اند به بریدن در وجوب کفاره دهم هرگاه زنی در
مصیبتی موی خود را بکند یا روی خود را به خراشد یا مردی جامه خود را در مرگ
فرزند خود یا زوجه خود چاک کند کفاره قسم لازم میشود بنا بر قول بعضی و
روایتی باین مضمون وارد شده است و احوط است هرچند وجوب ثابت نیست
یازدهم مردی که زن یا متعه یا کنیز خود را در ایام حیض جماع کند در قبل بعضی
کفاره واجب دانسته اند و بعضی سنت و مشهور میان علما آنست که اگر در اول
حیض باشد یک اشرفی تصدق میکند و در وسط حیض نیم اشرفی و در آخر ثلث
اشرفی و احوط عدم ترک کفاره است دوازدهم کسی که بخواب رود و نماز نکرده
باشد تا نصف شب بگذرد بعضی گفته اند واجبست آنروز را روزه بدارد و
اشهر استحباب است و بعضی عامد و ناسی را ملحق کرده اند و مشهور آنست
که بر تقدیر وجوب اگر روزه ندارد گناه کرده است و کفاره ندارد و بعضی لازم

دانسته اند کفاره ماه رمضان واین قول ضعیف است واحوط آنست که یک
روز قضا بگیرد سیزدهم کفاره قتل است عمداً که دانسته کسی را بکشد یا کاری
کند که غالباً کشنده باشد نسبت بکسی واقع سازد و او کشته شود که قصد
کشتن نداشته باشد کفاره اش آنست که یک بنده آزاد کند و دو ماه متوالی
روزه بدارد و شصت مسکین را طعام بدهد چهاردهم کفاره قتل خطا است که
کسی را بنادانی بکشد یا آنکه قصد قتل نداشته باشد و کاری کند که
غالباً کشنده نباشد و او کشته شود مانند آنکه طفلی را برای تأدیب
بزند و او بمیرد یا تیری بسوی آهوئی بیندازد و بشخصی خورد و کشته شود
یا در راه بکسی بخورد و او بیفتد و بمیرد و اگر مباشر قتل نباشد و کاری بکند
که آن سبب قتل شود مثل آنکه چاهی در راهی بکند و کسی در آن چاه بیفتد و
بمیرد یا سنگی بر سر راهی بگذارد و باعث قتل کسی شود مشهور آنست که کفاره
لازم نمیشود هرچند دیت لازم شود و کفاره بنده آزاد کردن است و بعد
از عاجز شدن از آن دو ماه متوالی روزه داشتن و بعد از عجز از آن شصت
مسکین طعام دادن پانزدهم اگر کسی زنی را در عده دیگری تزویج کند میباید
از آن زن مفارقت کند و بقول بعضی پنج صاع آرد بدهد و اگر زن دیگر را عقد
کند نیز این کفاره بدهد یا پنج درهم تصدق کند شانزدهم کسی که مملوک خود را
زیاده از حد شرعی بزند بعضی از علما گفته اند موافق بعضی از روایات که
واجب است که آن مملوک را بکفاره آن عمل آزاد میکند و این احوط است و اگر
او را بکشد بعمد کفاره جمع میباید داد و اگر بخطا بکشد کفاره قتل خطا باید داد
و واجب است که قیمت آن غلام را تصدق کند بنا بر مشهور هفدهم کسی که نذر

ماه رمضان را افطار کند بسبب بیماری اگر تا ماه رمضان دیگر بیمار باشد
اشهر و اقوی آنست که قضا ساقط میشود و برای هر روز یکمد یا دو مد
طعام میدهد علی الخلاف و بعضی گفته اند قضا میکند و ابن جنید رحمه
الله گفته است احتیاطاً ظاهر دو را میکند و اگر در مابین دو رمضان از آن مرض بر
طرف شود و قادر بر روزه باشد و بدون عذر تاخیر کند تا آنکه ماه رمضان
دیگر بیاید اشهر و اقوی آنست که بعد از ماه رمضان هم قضا میکند و هم برای
هر روز یکمد یا دو مد میدهد و بعضی کفاره را واجب دانسته اند و بعضی
گفته اند که کفاره در صورتی است که عزم بر قضا نداشته باشد اگر عزم بر قضا
باشد و بعد از تنگ شدن وقت بیماری یا عذر دیگر عارض شود قضا باید
کرد و کفاره نیست و قول اول قوی تر است هیجدهم نوادر کفارات آنست از حضرت
صادق منقولست که کفاره عمل سلطان قضای حوائج مؤمنانست و کفاره
غیبت آنست که برای آن شخص که او را غیبت کرده است استغفار کند و کفاره
مجلس آنست که چون از مجلس برخیزد بگوید سبحان ربک رب العزة عما یصفون
و سلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین و کفاره خنده آنست که بگوید
اللهم لا تمقتنی یعنی پروردگارا مرا دشمن مدار و بر من غضب مکن و در حدیث
معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که هر که بدیگری بگوید لا اب لک
و لا ام لک یعنی ترا پدر مبادا یا ترا مادر مبادا باید چیزی تصدق کند و کسی که بگوید
بحق پدرم یا بجان پدرم کفاره اش آنست که بگوید لا اله الا الله و خلاف است
در این نوع از قسم مثل بجان خود یا جان تو یا بحق پدرم بعضی حرام دانسته اند
و اشهر کراهت است و احوط ترکست اما احکام کفارات مذکوره پیش در چند

فصل بنا میشود **اول** هرگاه بنده باید آزاد کرد در کفاره قتل میباید
آن بنده مومن باشد و در باقی کفارات خلافست و احوط رعایت تمام
و در کفاره قتل احوط آنست که بالغ باشد و در غیر آن مرد و زن و بالغ و
نابالغ مجزیست و باید که آن بنده کور و صاحب خوره و زمینگیر نباشد
و مولی جراحتی باو نرسانیده باشد که موجب عتق او باشد و بعضی گفته‌اند
که باید خصی و لال و کر نباشد و کم و ولد الزنا نباشد و مشهور اجزاست
و احوط ترک است و غلام گریخته را مشهور آنست که آزاد میتوان کرد تا علم
بمرگش بهم نرسد و بعضی گفته‌اند که خبری از او برسد و بعضی شرط کرده‌اند
که ظن حیات او باشد **دویم** در کفاره مرتبه تا از بنده آزاد کردن عاجز نشود
بروزه منتقل نمیشود و هرگاه روزه دو ماه باشد باید متوالی بگیرد و توالی
بیکماه و یکروز که متصل بگیرد بعمل می آید یا بمعنی که اگر بعد از آن بدون
عذری افطار کند نباید از سر بگیرد و آیا تفریق جایز است بی عذری یا حرام
اول اظهر است و ثانی احوط است و اگر پیش از یکماه و یکروز بی عذر افطار
کند از سر میگیرد و اگر بعذری باشد مانند حیض و نفاس و بیهوشی و
دیوانگی و بیماری و سفر ضروری بعد از زوال عذر بنا میگذارد و تمام
میکند و همچنین اگر مجبور باشد افطار روزی بنابر اقوی کفاره دو ماه متوالی
باشد اگر کفاره دهنده بنده باشد یکماه پی در پی روزه بگیرد علی
الاقوی **سیم** هرجا که اطعام لازم شود مشهور آنست که بهریک یک مد طعام
بدهد خواه آنکه سیر شود و بهتر آنست که نان خورشی با او ضم کند مانند خرما
یا گوشت یا سرکه و بعضی گفته‌اند میباید چاشت و شام هر دو بهر مسکینی

بخوراند که سیر شود و احوط آنست اگر چه اظهر آنست که بیک وقت اکتفا
توان کرد و اگر خواهد طعام را بمسکین میتواند داد و در مقدار آن خلاف
است بعضی یک مد گفته‌اند و بعضی دو مد و احوط دو مد است و بهتر آنست
که با نان خورشی نیز بدهد چنانچه بعضی واجب دانسته‌اند و در طعام
دادن کوچک و بزرگ تفاوت نمیکند و احوط آنست که حصه طفل را بولی
شرعی ایشان بدهد و اگر طعام خورانند ظاهر صغیر و کبیر را بهم ضم توانند
کرد و اگر دو طفل را بجای یکمرد حساب کنند احوط است و در یک کفاره دو حصه
را به یک مسکین نمیتوان داد مگر آنکه مستحق یافت نشود و احوط آنست که تا ممکن
باشد بغیر مومن بکسی ندهد و بر ایشان بسیار پریشان بدهد که مسکین
بر او صادق باشد و مد چهار یک صاع است و صاع یکمن تبریز چهار ده مثقال
و نیم است بنابر مشهور و چون در احادیث اختلافی هست در تحدید صاع و مد
احوط آنست که بجای دو مد نیم من شاه بدهد **چهارم** در جائی که کسوه باید داد زن
پیراهن و مقنعه با هم مجزیست و در مرد بعضی یک جامه مانند پیراهن اکتفا
کرده‌اند و بعضی دو جامه لازم میدانند و بهتر آنست که پیراهن و قبا
بدهند یا قبا و بالاپوش و بهتر آنست که نو باشد و جامه طفل را بهتر آنست
که برخصت ولی بر او بپوشانند **پنجم** هرگاه از عتق رقبه عاجز شود و شروع
کند در روزه و بعد از آن قادر شود بر بنده آزاد کردن روزه او را مجزیست
و بهتر آنست که ترک کند روزه را و بنده را آزاد کند خصوصا هرگاه کمتر
از یکماه و یک روز روزه داشته و جمعی از اصحاب قایل شده‌اند که هرگاه بر کسی
دو ماه متوالی روزه واجب شود و عاجز باشد از گرفتن آن و هیجده روز روزه

بداز

واکر نتواند برای

هر روز مدی

از طعام میدهد

واکر نتواند استغفا

میکند واشهر واقوی ا

انست که از هر کفاره که عاجز

شود استغفار بدل او میشود

مکر کفاره ظهار که بعضی کفته‌اند که کفا

ندهد وطی بر او حلال نمیشود هر

چند عاجز باشد واکر بعد از عجز و

استغفار بر کفاره قدرت بهم رساند احوط

انست که باز کفاره را بعمل بیاورد و چون اکثر

مردم جاهلند بکفارات و احکام انها و بر ایشان

لازم میشود و نمی

دانند و مشغول الذ

بحق الهی میمانند قدری از احکام

انها را درین رساله ایراد نمودم ملتمس

از برادران ایمانی انست که هر که ازین رساله منتفع کردد در حال حیات یا بعد از وفات

این شکسته را بدعای رحمت و مغفرت یاد کنند والحمد لله اولا واخرا والصلوة

علی

محمد وعترته

الطیبین الطاهرین

وسلم تسلیما کتبه

تراب اقدام المومنین وانا

المفتقر الجانی

